مسند
فاطمه الزهراء علیه السلام

حسین شیخ الاسلامی تویسرکانی


بسم الله الرحمن الرحیم

مسند فاطمه‌الزهراءعلیه‌السلام

کاتب:

سید حسین شیخ الاسلامی

نشرت فی الطباعة:

انصاریان

رقمی الناشر:

مرکز القائمیة باصفهان للتحریات الکمبیوتریة

الفهرس

مسند فاطمه‌الزهراءعلیه‌السلام

اشارهٔ

سرشناسه : شیخ الاسلامی تویسرکانی حسین ۱۳۱۵ - عنوان قراردادی : مسند فاطمه‌الزهراءعلیه‌السلام عنوان و نام پدیدآور : مسند فاطمه الزهراآ علیها السلام تالیف حسین شیخ الاسلامی شرح و ترجمه حیدرعلی حیدری مشخصات نشر : قم : انصاریان ، ۱۴۲۵ق ۲۰۰۴م = ۱۳۸۳ مشخصات ظاهری : ۸۷۲ ص شابک : ۴۰۰۰۰ ریال ۹۶۴-۴۳۸-۶۰۵-۱ ؛ ۶۰۰۰۰ ریال چاپ دوم ۹۷۸-۹۶۴-۴۳۸-۶۰۵-۳ یادداشت : فارسی - عربی یادداشت : چاپ دوم: ۱۴۲۵ق. = ۲۰۰۴م. ۱۳۸۶. یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس موضوع : فاطمه زهرا (س)، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق شناسه افزوده : حیدری، حیدرعلی، مترجم رده بندی کنگره : BP۲۷/۲/ش۹۳م۴۱ ۵۰۴۱ ۱۳۸۳ رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۷۳ شماره کتابشناسی ملی : م۸۴-۱۰۰۱

الاهداء

الی حبیبه رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و بضعه لحمه و فلذه کبده و قره طعینه، سیده نساء العالمین و قرینه امیرالمومنین وام الائمه الطاهرین، المظلومه المغصوبه و الشهیده السعیده، فاطمه الزهراء صلوات اللّه و سلامه علیها و علی ابیها و بعلها و بنیها. یا سیدتی یا بنت رسول‌اللّه اهدی الیک هذا الکتاب و ارجو منک ان تشفعی لی و الوالدی فی یوم الحساب یوم یفر المرء من اخیه و امه و ابیه و صاحبته و بنیه. المولف [صفحه ۵]

المقدمه

بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه رب العالمین، الصلاه والسلام علی سیدنا محمد و آله الطاهرین الذین هم سفن النجاه و قاده الهداه، امناء اللّه فی الارض و حججه علی الخلق، فان من تمسک بهم و امن من لجا الیهم صلوات اللّه و سلامه علیهم اجمعین. اما بعد فیقول العبد الضعیف الفانی، الشیخ عزیز اللّه العطاردی الخبوشانی حفظه اللّه من الامال و الامانی. هذا الکتاب الذی نقدمه الی الباحثین فی اخبار اهل البیت علیهم‌السلام وحیاتهم و احادیثهم هو الکتاب الثانی من موسوعتنا الکبیره «مسانید اهل البیت علیهم‌السلام» سمیناه بمسند فاطمه علیهاالسلام. نبحث فیه عن حیاه السیده الجلیله، ام‌الائمه الطاهره فاطمه الزکیه و ما جری لها بعد ابیها، و فضائلها و مناقبها و اخبارها و آثارها فی الاحکام و السنن،اخذناها عن المصادر المشهوره و المنافع المعروفه التی علیها المدار فی جمیع القرون و الاعصار. [صفحه ۶] رتبته علی الابواب حسب الموضوع، و یحتمل ان یکون اخبار اخری فی المصادر فات عنی عند الاستخراج، ارجوا من القراء الکرام و العلماء الاعلام، اذا وجدوا روایه لم تذکر فی هذا المسند ان یرشدونا الی مصادرها حتی نستدرکه. ثم انی اروی روایات فاطمه الزهراء سلام‌اللّه‌علیها عن مشایخی العظام بالاسناد المتصل حتی ینتهی الیها سلام‌اللّه‌علیها و ذکرنا اسماءهم فی مقدمه مسند الامام الرضا علیه‌السلام و عندنا اجازاتهم رضوان‌اللّه‌علیهم. ان هذا المسند کغیره من المسانید مرتب علی ثلاثه فصول: الاول فی حیاه فاطمه الزهراء علیهاالسلام و فضائلها و مناقبها و ما وقع لها بعد وفاه رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله من الالام والمحن. الثانی فی الاحادیث و الروایات الوارده عنها فی الاصول و الاحکام و السنن، اخذناها من کتب الفریقین. الثالث معجم الرواه عن فاطمه الزهراء سلام‌اللّه‌علیها، الذین حدثوا عنها و ذکرنا مختصرا من حالاتهم. [صفحه ۷]

ولادتها

۱- قال الکلینی رضوان‌اللَّه‌علیه: ولدت فاطمه علیها و علی بعلها السلام بعد مبعث رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله بخمس سنین. [۱] . ۲- الصدوق، عن ابی‌عبداللَّه احمد بن محمد الخلیلی، عن محمد بن ابی‌بکر الفقیه،عن احمد بن محمد النافلی، عن اسحاق بن یزید، عن حماد بن عیسی، عن زرعه بن محمد النافلی، عن اسحاق بن یزید، عن حماد بن عیسی، عن زرعه بن محمد، عن المفضل بن عمر قال: قلت لابی عبداللَّه الصادق علیه‌السلام کیف کان ولاده فاطمه علیهاالسلام؟ فقال: نعم ان خدیجه لما تزوج بها رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله هجرتها نسوه مکه فکن لا یدخلن علیها و لا یسلمن علیها و لا یترکن امراه تدخل علیها فاستوحشت خدیجه لذلک و کان جزعها و غمها حذرا علیه، فلما حملت بفاطمه کانت فاطمه تحدثها من بطنها [صفحه ۸] و تصبرها و کانت تکتم ذلک من رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله. فدخل رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله یوما فسمع خدیجه تحدث فاطمه فقال لها یا خدیجه من تحدثین؟ قالت: الجنین الذی فی بطنی یحدثنی و یونسنی، قال یا خدیجه هذا جبرئیل یخبرنی انها انثی و انها النسله الطاهره المیمونه و ان اللَّه تبارک و تعالی سیجعل نسلی منها و سیجعل من نسلها ائمه و یجعلهم خلفاء فی اراضه بعد انقضاء وحیه. فلم تزل خدیجه علی ذلک الی ان حضرت ولادتها، فوجهت الی نساء قریش و بنی‌هاشم ان تعالین لتلین منی ما تلی النساء من النساء، فارسلن الیها انت عصیتنا و لم تقبلی قولنا و تزوجت محمدا یتیم ابی‌طالب فقیرا لامال له، فلسنا نجیء و لا نلی من امرک شیئا فاغتمت خدیجه علیهاالسلام لذلک. فبینا کذلک اذ دخل علیها اربع نسوه سمر طوال کانهن من نساء بنی‌هاشم، ففزعت منهن لما راتهن. فقالت احدایهن لاتحزنی یا خدیجه فانا رسل ربک الیک و نحن اخواتک انا ساره، و هذه آسیه بنت مزاحم و هی رفیقتک فی الجنه و هذه مریم بنت عمران و هذه کلثوم اخت موسی بن عمران و هذه کلثوم اخت موسی بن عمران بعثنا اللَّه الیک لنلی منک ما تلی النساء. فجلست واحده عن یمینها و اخری عن یسارها و الثالثه بین یدیها و الرابعه من خلفها، فوضعت فاطمه طاهره مطهره، فلما [صفحه ۹] سقطت الی الارض اشرف منها النور حتی دخل بیوتات مکه و لم یبق فی شرق الارض و لا غربها موضع الا اشرق فیه ذلک النور و دخل عشر من الحور العین کل واحده منهن معها طست من الجنه و ابریق من الجنه و فی الابریق ماء من الکوثر. فتناولتها المراه التی کانت بین یدیها فغسلتها بماء الکوثر و اخرجت خرقتین بیضاوین اشد بیاضا من اللبن واطیب ریحا من المسک و العنبر فلفتها بواحده وقنعتها بالثانیه، ثم استنطقتها، فنطقت فاطمه علیهاالسلام بالشهادتین فقالت:اشهد ان لا آله الا و اللَّه و ان ابی رسول‌اللَّه سید الانبیاء و ان بعلی سید الاوصیاء و ولدی ساده الاسباط. ثم سلمت علیهن وسمت کل واحده منهن باسمها واقبلن یضحکن الیها و تباشرت الحور العین و بشر اهل السماء بعضهم بعضا بولاده فاطمه علیهاالسلام وحدث فی السماء نور زاهر، لم تره الملائکه قبل ذلک فقالت النسوه خذیها یا خدیجه طاهره مطهره، زکیه میمونه، بورک فیها و فی نسلها فتناولتها فرحه مستبشره و القمتها ثدیها فدر علیها فکانت فاطمه علیهاالسلام تنمی فی الیوم، کما ینمی الصبی فی الشهر و تنمی فی الشهر کما ینمی الصبی فی السنه. [۲] . [صفحه ۱۰] ۳- قال الشیخ ابوجعفر الطوسی رضوان‌اللَّه‌علیها، فی یوم العشرین من جمادی الاخره سنه اثنتین من المبعث کان مولد فاطمه علیهاالسلام فی بعض الروایات و فی روایه اخری سنه خمس من المبعث، و العامه تروی ان مولدها قبل المبعث بخمس سنین. [۳] . ۴- قال الطبرسی: الاظهر فی روایات اصحابنا انها ولدت سنه خمس من المبعث بمکه فی العشرین من جمادی الاخره و ان النبی صلی اللَّه علیه و آله قبض و لها ثمانی عشره سنه وسبعه اشهر، و ذکر الاستاذ ابوسعید الحافظ فی کتاب شرف النبی ان جمیع اولاد رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله ولدوا قبل الاسلام الا فاطمه و ابراهیم فانهما ولدا فی الاسلام. [۴] . ۵- ابوجعفر الطبری قال: حدثنا محمد بن عبداللَّه قال: حدثنا ابوعلی محمد بن همام قال: روی احمد بن محمد البرقی، عن احمد بن محمد بن عیسی الاشعری القمی،عن عبدالرحمن بن حر، عن عبداللَّه بن سنان، عن ابن‌مسکان، عن ابی‌بصیر، عن ابی‌عبداللَّه جعفر بن محمد علیهاالسلام قال: ولدت فاطمه علیهاالسلام فی جمادی الاخره یوم العشرین منه سنه خمس و اربعین من مولد النبی صلی اللَّه علیه و آله، فاقامت بمکه ثمان سنین [صفحه ۱۱] و بالمدینه عشر سنین [۵] . ۶- قال ابن‌شهر آشوب: ولدت فاطمه بمکه بعد النبوه بخمس سنین و بعد الاسراء بثلاث سنین فی العشرین من جمادی الاخره و اقامت مع ابیها بمکه ثمانی سنین ثم هاجرت معه الی المدینه. [۶] . ۷- قال الحافظ ابن‌رجب البرسی فی اسرار فاطمه

الزهراء علیهاالسلام: فمن ذلک من اسرار مولدها الشریف، رواه اصحاب التواریخ ان خدیجه لما حضرتها الولاده بعث اللّه عز و جل الیها عشرین من الحور العین بطشوت و اباریق و ماء من حوض الکوثر، و جاءتها مریم بنت عمران و ساره و آسیه بنت مزاحم، بعثهن اللّه یعنها علی امرها، فلها و ضعتها اشرقت الدینا و امتلات منها الاقطار بالطیب و الانوار. فاح عطر العظمه و امتلات بیوتات مکه بالنور، و لم یبق فی شرق الارض و لا غربها موضع الا اشرق نور و ظهر فی السماء نور ازهر لم یکن قبل هذا و قالت النسوه: خذیها یا خدیجه طاهره معصومه بنت نبی زوجه وصی، نور وضیء عنصر زکی، امابرار، حبیبه جبار، صفوه اطهار، مبارکه بورکه فیها و فی ولدها و لما تناولتها خدیجه قالت: اشهد ان لا آله الا اللّه و اشهد ان ابی‌سید الانبیاء [صفحه ۱۲] و ان بعلی سید الاوصیاء و ان ولدی ساده الاسباط. ثم سلمت علی النسوه و سمت کل واحده منهن باسمها، و بشر اهل السماء بعضهم بعضا بولاده الزهراء و کانت تحدث خدیجه فی الاحشاء و تونسها بالتسبیح و التقدیس و کان نورها و حلقها و خلالها و جمالها لا یعدو رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و من کراماتها علی اللّه انها لما منعت حقها اخذت بعضاده حجره النبی و قالت: لیست ناقه صالح عنداللّه باعظم منی. ثم رفعت جنب قناعها الی السماء و همت ان تدعو فارتفعت جدران المعبد عن الارض و تولی العذاب فجاء امیرالمومنین علیه‌السلام فمسک یدها و قال: یا بقیه النبوه و شمس الرساله و معدن العصمه و الحکمه، ان اباک کان رحمه للعالمین، فلا تکونی علیهم نقمه، اقسم علیک بالرووف الرحیم، و عادت الی مصلاها. [۷] . ۸- روی الاربلی عن ابن‌الخشاب فی تاریخ موالید و وفات اهل البیت علیهم‌السلام نقله عن شیوخه یرفعه عن ابی‌جعفر محمد بن علی قال: ولدت فاطمه بعدها اظهرها اللّه نبوه نبیه و انزل علیه الوحی بخمس سنین و قریش تبنی البیت. [۸] . ۹- قال ابن‌طاووس قال الشیخ المفید فی کتاب حدائق [صفحه ۱۳] الریاض: یوم العشرین من جمادی الاخره کان مولد السیده الزهراء علیهاالسلام سنه اثنین من المبعث. [۹] . ۱۰- روی العلامه المجلسی عن بعض کتب المخالفین باسناده، عن عبداللّه بن محمد بن سلیمان الهاشمی، عن ابیه، عن جده قال: ولدت فاطمه سنه احدی و اربعین من مولد رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و کذلک سایر اولاده من خدیجه. عن الحافظ ابی‌منصور الدیلمی بروایته عن ابی‌علی الحداد، عن ابی‌نعیم الحافظ فی کتاب معرفه الصحابه ان فاطمه کانت اصغر بنات رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم، ولدت و قریش تبنی الکعبه، و کانت فیما قبل تکنی ام‌اسماء. [۱۰] . ۱۱- قال ابوالفرج الاصفهانی: فکان مولد فاطمه علیهاالسلام قبل النبوه و قریش تبنی الکعبه. [۱۱] . ۱۲- قال الحاکم النیشابوری: اخبرنا ابواسحاق ابراهیم بن محمد بن یحیی المزکی و ابوالحسین بن یعقوب الحافظ، قالا: حدثنا محمد بن اسحاق بن ابرایهم قال: سمعت عبداللّه بن محمد بن سلیمان بن جعفر الهاشمی یذکر عن ابیها، عن جده قال: ولدت فاطمه رضی‌اللّه عنها سنه احدی و اربعین من مولد رسول‌اللّه صلی [صفحه ۱۴] اللّه علیه و آله. [۱۲] . ۱۳- قال حدثنا ابوالعباس محمد بن یعقوب، حدثنا احمد بن عبدالجبار، حدثنا یونس بن بکیر، عن ابراهیم بن عثمان، عن الحکم، عن مقسم، عن ابن‌عباس رضی‌اللّه‌عنه قال: ولدت خدیجه رضی‌اللّه عنها لرسول اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم غلامین و اربع نسوه، القاسم و عبداللّه و فاطمه و ام‌کلثوم و رقیه و زینب. [۱۳] .

هجرتها

اشاره

۱- ابوجعفر الطبری قال: حدثنی ابوالحسین محمد بن هارون بن موسی التلعکبری، قال حدثنا ابی قال: اخبرنی ابوالحسن احمد بن محمد بن محمد بن ابی‌العرب الضبی، قال حدثنا محمد بن زکریا بن دینار الغلابی، قال: حدثنا شعیب بن واقد،عن جعفر بن محمد، عن ابیه، عن جده، عن ابن‌عباس قال: لم تزل فاطمه تشب فی الیوم کالجمعه و فی الجمعه کالشهر و فی الشهر کالسنه. فلما هاجر رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم من مکه الی المدینه و ابتنی بها مسجدا و انس اهل المدینه به و علت کلمته. و عرف [صفحه

۱۵] النـاس برکته و سـارت الیه الرکبـان و ظهر الایمـان و درس القرآن و تحـدث الملوک و الاشـراف و خاف سـیف نقمته الاکابر و الاشراف هاجرت فاطمه مع امیرالمومنین علیهاالسلام و نساء المهاجرین و کانت عائشه فیمن هاجرت معها فانزلها النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم علی امایوب الانصاری. خلطب رسول‌اللّه صـلی اللّه علیه و آله و سلم النسـاء، و تزوج سوده اول دخوله المـدینه، فنقل فاطمه الیها، ثم تزوج ام‌سلمه بنت ابی‌امیه، فقالت ام‌سلمه: تزوجنی رسول‌اللّه و فوض امر ابنته الی، فکنت اودبها و ادلها، و کانت واللّه آدب منی و اعرب الاشیاء کلها و کیف لا یکون کذلک و هی سلاله الانبیاء صلوات اللّه علیها و علی ابیها و بعلها و بنیها. [۱۴] . ۲- قال الیعقوبی: و قیل ان ناقته برکت فی موضع المسجد فنزل فجاء ابوایوب فاخذ رحله فمضـی بها الی منزله و کلمه الانصار فی النزول بهـا، فقال: المرء مع رحله و قـدم علی بن ابی‌طالب علیه‌السـلام بفاطمه بنت رسول‌اللّه صـلی اللّه علیه و آله و سـلم و ذلک قبل نکاحه ایاهـا، و کـان یسیر اللیـل و یکمن النهار حتی قـدم فنزل مع رسول‌اللّه صـلی اللّه علیه و آله ثم زوجها رسول‌اللّه من علی بعـد قـدومه بشهرین. [۱۵] . [صفحه ۱۶] ۳- قال ابن ابی‌الحدید: روی اهل الحدیث ان النضـر بن الحارث و عقبه بن ابی‌معیط و عمرو بن العاص، عهدوا الی سلاجمل، فرفعوه بینهم و وضعوا علی راس رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم و هو ساجد بفناء الکعبه، فسال علیه فصبر و لم یرفع راسه و بکی فی سـجوده و دعا علیهم. فجائت ابنته فاطمه علیهاالسلام و هی بالکیه، فاحتضنت ذلک السلا، فرفعته عنه فالقته و قامت علی راسه تبکی، فرفع راسه صـلی اللّه علیه و آله و سلم و قال: اللهم علیک بقریش قالها ثلاثا ثم قال رافعا صوته: «انی مظلوم فانتصر» قالها ثلاثا، ثم قال فدخل منزله و ذلک بعد وفاه عمه ابی‌طالب بشهرین. [۱۶] .

اسمائها و القابها

۱- محمـد بـن یعقـوب باسـناده، عـن صالـح بـن عقبـه، عن یزیـد بن عبـدالملک، عن ابی‌جعفر علیه السـلام قـال: لمـا ولـدت فـاطمه علیهاالسلام، اوحی اللّه الی الملک،فانطق به لسان [صفحه ۱۷] محمد صلی اللّه علیه و آله و سلم فسماها فاطمه، ثم قال: انی فطمتک بـالعلم، و فطمتـک من الطمث، ثم قـال ابوجعفر علیه‌السـلام: واللّه لقـد فطمها اللّه بالعلم و عن الطمث فی المیثاق. [۴۹] . ۲- ابوجعفر الصدوق قال: حدثنا محمد بن موسـی المتوکل رحمه‌اللّه قال: حدینث علی بن الحسین السعد آبادی، عن احمد بن ابی‌عبداللّه البرقی، عن عبـدالعظیم بن عبـداللّه الحسـنی، قـال: حـدثنی الحسن بن عبـداللّه بن یونس، عن یونس بن ظبیـان قـال: قـال ابوعبـداللّه الصـادق علیه‌السـلام لفـاطمه علیهاالسـلام تسعه اسـماء عنـد اللّه عز و جـل. فـاطمه و الصـدیقه، و المبـارکه، و الطاهره، و الزکیه، و الراضـیه، و المرضـیه، و الحدثه، و الزهراء، ثم قال: اتدری ای شـیء تفسـیر فاطمه علیهاالسلام، قلت اخبرنی یا سیدی قال: فطمت من الشر قال: ثم قـال: لولاـ ان امیرالمومنین علیه‌السـلام تزوجهـا لمـا کان لها کفو علی وجه الارض الی یوم القیامه آدم فمن دونه. [۵۰] . ۳- الصدوق حـدثنا احمـد بن الحسن القطـان، قـال: حـدثنا ابوسـعید الحسن بن علی بن الحسـین السـکری، قال: اخبرنا ابوعبـداللّه محمـدبن زکریا الغلابی، قال: حـدثنا محـدوج بن عمیر الحنفی قال: حـدثنا بشـر بن ابراهیم الانصاری، عن الاوزاعی، عن یحیی بن کثیر، عن ابیه، عن ابی‌هریره قال: انما سـمیت فاطمه فاطمه، [صفحه ۱۸] لاـن اللّه عز و جل فطم من احبها من النار. [۵۱] . ۴- عنه قال: حدثنا محمد بن ابراهیم اسـحاق الطالقـانی رحمه‌اللّه قـال: حـدثنا عبـدالعزیز بن یحیی الجلودی، قال: حـدثنا محمـد بن زکریا الجوهری، عن جعفر بن محمـد بن عماره، عن ابیه، قال: حـدثنا عبـدالعزیز بن یحیی الجلودی، قال: حـدثنا محمد بن زکریا الجوهری، عن جعفر بن محمد بن عماره، عن ابیه، قال: سالت اباعبداللّه علیه‌السـلام عن فاطمه، لم سمیت زهراء؟ فقال لانها کانت اذا قامت فی محرابها زهر نورها لاهل السـماء کما یزهر نور الکواکب لاهل الارض. [۵۲] . ۵- قال: و قـد روی انما سـمیت الزهراء لان اللّه عز و جل خلقها من نور عظمته. [۵۳] . ۶- قال احمد بن محمد بن عیسی بن علی بن الحسین بن علی بن الحسین بن علی بن ابی‌طالب قال: حدثنا ابوعبداللّه محمد بن ابراهیم بن اسباط، قال: حـدثنا احمد بن محمد بن زیاد القطان قال: حدثنی ابوالطلیب احمد بن محمد بن عبداللّه، قال:حدثنی عیسـی بـن جعفر بـن محمـد بـن عبـداللّه بـن محمـد بـن عمر بن علی بن ابی‌طـالب، عن ابـائه، عن عمر بن علی، عن ابیه، علی بن ابی‌طـالب

علیه‌السلام. [صفحه ۱۹] ان النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم سئل ما البتول، فانا سمعناک یا رسول‌اللَّه تقول ان مریم بتول و فاطمه بتول، فقال: البتول التی لن تر حمره قط،ای لم تحض فان الحیض مکروه فی بنات الانبیاء علیهم‌السلام. [۳۸] . ۷- عنه ابی رحمه‌اللَّه قال: حدثنا علی ابن‌ابراهیم، عن محمد بن عیسی، قال: حدثنا محمد بن زیاد مولی بنی‌هاشم، قال: حدثنا شیخ لنا ثقه یقال له نجیه بن اسحاق الفزاری، قال: حدثنا عبداللَّه بن الحسین بن الحسن قال: قال لی ابوالحسین لم سمیت فاطمه فاطمه قلت: فرقا بینه و بین الاسماء. قال: ان ذلک لمن الاسماء، ولکن الاسم الذی سمیت به ان اللَّه تبارک و تعالی علم ما کان قبل کونه، فعلم ان رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم یتزوج فی الاحیاء، و انهم یطمعون فی وارثه هذا الامر فیهم من قبله، فلما ولدت فاطمه سماها اللَّه تبارک و تعالی فاطمه، لما اخرج منها و جعل فی ولدها فقطعتم عما طمعوا فبهذا سمیت فاطمه، لانها فطمت طمعهم و معنی فطمت: قطعت. [۳۹] . ۸- عنه حدثنا محمد بن الحسین- رحمه‌اللَّه- قال: حدثنا احمد بن علویه الاصفهانی، عن ابراهیم بن محمد الثقفی، عن [صفحه ۲۰] جندل بن واثق، قال: حدثنا محمد بن عمر البصری، عن جعفر بن محمد بن علی، عن ابیه علیهماالسلام قال: قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: یا فاطمه اتدرین لم سمیت فاطمه فقال علی علیه‌السلام یا رسول‌اللَّه لم سمیت به قال: لانها فطمت هی و شیعتها من النار. [۴۰] . ۹- عنه قال: حدثنا محمد بن موسی المتوکل- رحمه‌اللَّه-، قال: حدثنا سعد بن عبداللَّه، عن احمد بن محمد بن عیسی عن محمد بن سنان، عن عبداللَّه بن مسکان، عن محمد ین مسلم الثقفی، قال: سمعت اباجعفر علیه‌السلام یقول: لفاطمه علیها السلام وقفه علی باب جنهم، فاذا کان یوم القیامه کتب بین عینی کل رجل مومن او کافر فیومر بمحب قد کثرت ذنوبه الی النار. فقرات فاطمه بین عینیه محبا، فتقول: الهی و سیدی سمیتنی فاطمه و فطمت بی من تولانی و تولی ذریتی من النار، و وعدک الحق و انت لا تخلف المیعاد، فیقول اللَّه عز و جل صدقت یا فاطمه، انی سمیتک فاطمه و فطمت بک من احبک و تولاک و احب ذریتک و تولاهم من النار و وعدی الحق و انا لا اخلف المیعاد، و انا امرت بعبدی هذا الی النار لتشفعی فیه، فاشفعک و لیتبین لملائکتی و انبیائی و رسلی و اهل الموقف موقفک منی و مکانتک عندی، فمن قرات بین عینیه [صفحه ۲۱] مومنا، فخذی بیده و ادخلیه الجنه. [۴۱] . ۱۰- عنه- رحمه‌اللَّه- قال: حدثنا محمد بن معقل القرمیسینی، عن محمد بن زید الجزری، عن ابراهیم بن اسحاق النهاوندی، عن عبداللَّه بن حماد، عن عمر و بن شمر، عن جابر، عن ابی‌عبداللَّه علیه‌السلام قال قلت له: لم سمیت فاطمه الزهراء زهراء؟ فقال: لان اللَّه عز و جل خلقها من نور عظمته، فلما اشرقت اضاءت السماوات و الارض بنورها، و غشیت ابصار الملائکه، و خرت الملائکه للَّه ساجدین، و قالوا الهنا و سیدنا ما لهذا النور، فاوحی اللَّه الیهم هذا نور من نوری، اسکنته فی سمائی، خلقته من عظمتی، اخرجه من صلب نبی من انبیائی افضله علی جمیع الانبیاء و اخرج من ذلک النور ائمه یقومون بامری یهدون الی حقی و اجعلهم خلفائی فی ارضی بعد انقضاء وحیی. [۴۲] . ۱۱- عنه قال ابی- رحمه‌اللَّه-: قال: حدثنا سعد بن عبداللَّه، قال: حدثنا جعفر بن سهل الصیقل، عن محمد بن اسماعیل الدارمی، عمن حدثه، عن محمد بن جعفر الهرمزانی، عن ابان بن تغلب، قال: قالت لابی عبداللَّه علیه‌السلام: یابن [صفحه ۲۲] رسول‌اللَّه لم سمیت الزاهراء علیهاالسلام زهراء؟ فقال لانها تزهر لامیر المومنین علیه‌السلام مفی النهار ثلاث مرات بالنور. کان یزهر نور وجهها صلاه الغداه، والناس فی فرشهم، فیدخل بیاض ذلک النور الی حجراتهم بالمدینه فتبیض حیطانهم، فیعجبون من ذلک، فیاتون النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم فیسالونه عما راوا فیرسلهم الی منزل فاطمه علیهاالسلام، فیاتون منزلها، فیرونها قاعده فی محرابها تصلی و النور یسطع من محرابها من جحها. فیعلمون ان الذی راوه کان من نور فاطمه، فاذا نصف النهار و ترتبت للصلوه زهر وجهها علیهاالسلام بالصفره، فتدخل الصفره حجرات الناس، فتصفر ثیابهم و الوانهم، فیاتون النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم فیسالونه عما رواوا، فیرسلهم الی منزل فاطمه علیهاالسلام فیرونها قائمه فی محرابها و قد زهر نور وجهها علیهاالسلام بالصفره، فیعلمون ان الذی راوا کان من نور وجهها، فاذا کان اخر النهار و غربت الشمس احمر وجه فاطمه علیهاالسلام. فاشرق وجهها بالحمره فرحا و شکرا للَّه عز و جل، فکان یدخل حمره وجهها حجرات القوم و تحمر حیطانهم، فیعجبون من ذلک و یاتون النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم و یسالونه عن ذلک، فیرسلهم الی منزل فاطمه فیرونها جالسه تسبح اللَّه و تمجده و نور [صفحه ۲۳] وجهها یزهر بالحمره

فیعلمون ان الذی راوا کان من نور وجه فاطمه علیهاالسلام،فلم یزل ذلک النور فی وجهها حتی ولد الحسین علیه‌السلام فهو ینقلب فی وجوهنا الی یوم القیامه فی الائمه منا اهل البیت امام بعـد امام. [۴۳] . ۱۲- عنه قال: حدثنا احمد بن الحسن القطان، قال: حدثنا الحسن بن علی السکری، عن محمـد بن زکریا الجوهری، قال حدثنا شـعیب بن واقد، قال: حدثنی اسـحاق بن جعفر بن محمد بن عیسـی بن زیـد بن علی، قـال: سـمعت اباعبـداللَّه علیه‌السـلام یقول:انما سـمیت فاطمه علیهاالسـلام محـدثه لان الملائکه کانت تهبط من السـماء فتنادیهـا، کمـا تنـادی مریم بنت عمران. فتقول: یـا فـاطمه ان اللَّه اصـطفاک و طهرک و اصـطفاک علی نساء العالمین، یا فاطمه اقنتی لربـک و اسـجدی و ارکعی مع الراکعین، فتحـدثهم و یحـدثونها، فقـالت لهم ذات لیله الیست المفضـله علی نساء العالمین، مریم بنت عمران؟ فقـالوا ان مریم کـانت سیده نسـاء عالمهـا، و ان اللَّه عز و جـل جعلـک سـیده نسـاء عالمک و عالمها و سـیده نساء الاولین و الاخرین. [۴۴] . ۱۳- عنه عن ابیه قال: حـدثنا عبداللَّه بن الحسن المودب، [صـفحه ۲۴] عن احمـد بن علی الاطبهانی، عن ابراهیم بن محمـد الثقفی عن اسـماعیل بن بشار، قال: حدثنا علی بن جعفر الحضـرمی بمصـر، منذ ثلاثین سـنه قال: حدثنا سـلیمان قال محمد بن ابی‌بکر لما قرا و ما ارسلنا من قبلک من رسول و لا نبی و لا محـدث. قلت: و هل یحدث الملائکه الا الانبیاء قال: مریم لم تکن نبیه و کانت محدثه و ام موسی بن عمران کانت محدثه و لم تکن نبیه، و ساره امراه ابراهیم قد عاینت الملائکه فبشروها باسحاق و من وراء اسـحاق یعقوب و لم تکن نبیه و فاطمه بنت رسول‌اللَّه صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم کانت محـدثه و لم تکن نبیه. [۴۵] . ۱۵- عنه قال: حدثنا محمد بن احمد بن الحسـین بن یوسف البغدادی، قال: حدثنا علی بن محمد بن عینیه، قال: حدثنا دارم بن قبیصه النهشلی، قال: حـدثنا علی بن موسـی الرضـا علیه‌السـلام و محمـد بن علی علیهماالسـلام قال سـمعنا المامون یحـدث عن الرشـید، عن المهـدی، عن المنصور، عن ابیه، عن جده قال: قال [صـفحه ۲۵] ابن‌عباس لمعاویه: اتـدری لم سـمیت فاطمه فاطمه قال: لا، قال: لانها فطمت هی و شیعتنهـا من النار سـمعت رسول‌اللَّه صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم یقوله. [۴۶] . ۱۶- ابوجعفر الطوسـی باسـناده عن احمد بن محمد بن الصـلت، قال: حـدثنا احمـد بن محمـد، قال حـدثنا یعقوب بن یوسف الضبی: قال: حـدثنا عبیـداللَّه بن موسـی قال: حـدثنا زکریا، غن فراس، عن مشـروق، عن عائشه قالت: اقبلت فاطمه علیهاالسـلام تمشـی، لا واللَّه الذی لا آله الا هو ما مشـیتها تخرم من مشیه رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سـلم، فلما راها قال: مرحبا یا بنتی مرتین، قالت فاطمه علیهاالسلام: فقال لی اما ترضین ان تاتی یوم القیامه سیده نساء العالمین او سیده نساء هذه الامه. [۴۷] . ۱۷- عنه- رحمه‌اللَّه- باسناده عن ابن‌حمویه، قال: حدثنا ابوالحسین قال: حدثنا ابوخلیفه، قال: حدثنا ابوالفضل العباس بن الفرج الریاشـی، قال: حدثنا عثمان بن عمر، عن اسـرائیل، عن میسره بن حبیب، عن المنهال بن عمرو، عن عائشه بنت طلحه، عن عائشه قالت: ما رایت من الناس احدا اشـبه کلاما وحدیثا برسول اللَّه صـلی اللَّه علیه و آله و سلم من فاطمه: قالت اذا دخلت [صـفحه ۲۶] علیه رحب بهـا و قبل یـدیها و اجلسـها فی مجلسه. فاذا دخل علیها قامت الیه، فرحبت به وقبلت یـدیه، و دخلت علیه فی مرضه، فسارهـا فبکت، ثم سارهـا فضـحکت، فقلت: کنت اری لهـذه فضـلا علی النساء، فاذا هی امراه من النساء فبینما هی تبکی اذا ضـحکت، فسالتهـا، فقـالت: انی لبـذاره، فلمـا توفی رسول‌اللَّه صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم سالتهـا فقالت: انه اخبرنی انه یموت فبکیت، ثم اخبرنی انی اول اهله لحوقا به فضـحکت. [۴۸] . ۱۸- قال الطبرسـی: و روی عن الصادق علیه‌السلام انه قال: لفاطمه تسعه اسـماء عنداللَّه عز و جل، فاطمه و الصدیقه و المبارکه و الطاهره و الزکیه و الراضـیه و المرضیه و المحدثه و الزهراء و فی مسند الرضا علیه‌السـلام ان النبی صـلی اللَّه علیه و آله و سلم قال: انما سمیت ابنتی فاطمه لان اللَّه سبحانه، فطمها و فطم من احبها من النار و سماهـا النبی البتول ایضا. [۴۹] . ۱۹- ابن‌شـهر آشوب عن الخرکوشـی فی شـرف النبی و ابن‌بطه فی الابـانه عن الکلبی، عن جعفر بن محمـد علیهاالسـلام قال النبی صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم لعلی: هل تدری لم سـمیت فاطمه، قال علی لم سـمیت فاطمه یا رسول‌اللَّه، قال:لانها فطمت [صـفحه ۲۷] هی و شیعتها من النـار. [۵۰] . ۲۰- ابوعلی السـلامی فی تـاریخه باسـناده عن الاوزاعی، عن یحیی بن ابی‌کثیر، عن ابی‌هریره قـال علی علیه‌السـلام: انمـا سـمیت فـاطمه لان اللَّه فطم من احبها من النار. [۵۱] . ۲۱- عنه عن ابن‌شـیرویه فی الفردوس عن جابر الانصاری قال النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم انما سمیت ابنتی فاطمه لان اللَّه فطمها و فطم محبیها عن النار. [۵۲]

. ۲۳- قال ابن‌شهر آشوب: یقال انها سمیت فاطمه لانها فطمت عن الطمث. [۵۳] . ۲۴- عنه باسناده عن ابی‌صالح الموذن فی الاربعین سئل رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم ما البتول؟ قال النبی لم تر حمره قط و لم تحض، فان الحیض مکروه علی بنات الانبیاء. [۳۸] . ۲۵- عنه باسناده عن ابی‌هاشم العسکری: سالت صاحب العسکر علیه‌السلام لم سمیت فاطمه الزهراء؟ فقال کان وجهها یزهر لامیر المومنین من اول النهار کالشمس الضاحیه و عند الزوال [صفحه ۲۸] کالقمر المنیر و عند المغروب کالکوکب الدری. [۳۹] . ۲۶- عنه عن الحسن بن یزید قال: قلت لابی عبداللَّه علیه‌السلام لم سمیت فاطمه الزهراء؟ قال لان لها فی الجنه قبه من یاقوته حمراء، ارتفاعها فی الهواء مسیره سنه معلقه بقدره الجبار لا علاقه لها من فوقها فتمسکها و لا دعامه لها من تحتها، فتلزمها، لها مائه الف باب و علی کل باب الف من الملائکه یراها اهل الجنه کما یری احدکم الکوکب الدری الزاهر فی افق السماء فیقولون هذه الزهراء لفاطمه علیهاالسلام. [۴۰] . ۲۷- عنه باسناده عن انس بن مالک قال: سالت امی عن صفه فاطمه علیهاالسلام فقالت کانت کانها القمر لیله البدر، او الشمس کفرت غماما، او خرجت من السحاب و کانت بیضاء بضه. [۴۱] . ۲۸- عنه قال: و کناها ام‌الحسن و ام‌الحسین و ام‌المحسن و ام‌الائمه و ام‌ابیها، و اسماوها علی ما ذکره، ابوجعفر القمی: فاطمه، البتول، الحصان، الحره، السیده، العذراء، الزهراء، الحوراء، المبارکه، الطاهره، الزکیه، الراضیه، المرضیه، المحدثه، مریم الکبری، الصدیقه الکبری. یقال لها فی السماء: النوریه السماویه، الحانیه، و قلنا: الصدیقه [صفحه ۲۹] بالاقوال و المبارکه بالاحوال و الطاهره بالافعال والزکیه بالعدآله و الرضیه بالمقاله و المرضیه بالدلاله و لمحدثه بالشفقه و الحره بالنفقه و السیده بالصدقه و الحصان بالمکان، و البتول فی الزمان و الزهراء بالاحسان، و مریم الکبری بالستر، و فاطم بالسر و فاطمه بالبر. النوریه بالشهاده، والسماویه بالعباده، والحانیه بالزهاده، و العذراء بالولاده، و الزاهده و الصفیه و العابده الرضیه و الراضیه المرضیه، والمجتهده الشریفه، والقانته العفیفه، سیده النسوان و حبیبه حبیب الرحمان، و المحتجبه عن خزان الجنان و صفیه الرحمان، و ابنه خیر المرسلین و قره عین سید الخلائق اجمعین. واسطه العقد بین سیدات نساء العالمین و المتظلمه بین یدی العرش یوم الدین، ثمره النبوه وام الائمه و زهره فودا شفیع الامه، و الزهراء المحترمه و العذاره المحتشمه، المکرمه تحت القبه الخضراء و الانسیه الحوارء و البتول العذراء، ست النساء، وارثه سید الانبیاء و قرینه سید الاوصیاء. فاطمه الزهراء و الصدیقه الکبری، راحه روح المصطفی، حامله البلوی من غیر فزع و لا شکوی و صاحبه شجره طوبی و من انزل فی شانها و شان زوجها و اولادها سوره هل اتی، ابنه النبی و صاحبه الوصی و ام‌السبطین وجده الائمه و سیده نساء الدنیا و الاخره. زوجه المرتضی و والده المجتبی و ابنه المصطفی، السیده [صفحه ۳۰] المفقوده، الکریمه المظلومه الشهیده، السیده الرشیده، شقیقه مریم و ابنه محمد الاکرم، و المفطومه من کل شر المعلومه بکل خیر المنعوته فی الانجیل، الموصوفه بالبر و التبجیل دره صاحب الوحی و التنزیل، جدها الخلیل و مادحا الجلیل و خاطبها المرتضی بامر المولی جبرئیل. [۴۲] . ۲۹- روی الاربلی مرفوعا عن جابر قال: ما رایت فاطمه علیهاالسلام تمشی الا ذکرت مشیه رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم، تمیل علی جانبها الایمن مره و علی جانبها الایسر مره. [۴۳] . ۳۰- عنه باسناده عن ابی‌جعفر علیه‌السلام قال: لما ولدت فاطمه علیهاالسلام اوحی اللَّه تبارک و تعالی الی الملک فانطق به لسان محمد صلی اللَّه علیه و آله و سلم، فسماها فاطمه، ثم قال: انی فاطمت بالعلم و فاطمتک من الطمث، ثم قال ابوجعفر علیه‌السلام واللَّه لقد فطمها اللَّه تبارک و تعالی بالعلم و عن الطمث فی المیثاق. [۴۴] . ۳۱- روی ایضا عن ام‌سلمه ام‌المومنین رضی‌اللَّه‌عنها قالت کانت فاطمه بنت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم اشبه الناس وجها و شبها برسول اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم. [۴۵] . ۳۲- روی العلامه المجلسی عن مصباح الانوار عن ابی [صفحه ۳۱] جعفر عن آبائه علیهم‌السلام قال: انما سمیت فاطمه بنت محمد الطاهره، لطهارتها من کل دنس، و طهارتها من کل رفث و ما رات قط یوما حمره و لا نفاسا. [۴۶] . ۳۳- النیسابوری فی صحیحه: حدثنا ابوبکر بن ابی‌شیبه وحدثنا عبداللَّه بن نمیر، عن زکریا وحدثنا ابن‌نمیر، حدثنا ابی، حدثنا، زکریا، عن فراس، عن عامر، عن مسروق، عن عائشه قالت اجتمع نساء النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم فلم یغادر منهن امراه، فجاءت فاطمه تمشی کان مشیتها رسول‌اللَّه. فقال: مرحبا بابنتی، فاجلسها عن یمینه او عن شماله. ثم انه اسر الیها حدیثا،فبکت فاطمه، ثم انه سارها فضحکت ایضا، فقلت لها: ما یبکیک؟

فقالت ما کنت لافشی سر رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم فقلت: ما رایت کالیوم فرحا اقرب من حزن، فقلت لها حین بکت اخصک رسول‌اللَّه بحدیثه دوننا ثم تبکین؟ و سالتها عما قال. فقالت: ما کنت لا فشی سر رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم حتی اذا قبض سالتها، فقالت انه کان حدثنی ان جبرئیل کان یعارضه بالقرآن کل عام مره و انه عارضه به فی العام مرتین، و لا ارانی [صفحه ۳۲] الا قد حضر اجلی، و انک اول اهلی لحوقا بی و نعم السلف انا لک فبکیت لذلک، ثم انه سارنی فقال: الا ترضین ان تکونی سیده نساء المومنین او سیده نساء هذه الامه، فضحکت لذلک. [۴۷] . ۳۴- محمد بن عیسی الترمذی فی سننه حدثنا محمد بن بشار، حدثنا عثمان بن عمر، اخبرنا اسرائیل، عن میسره بن حبیب، عن المنهال بن عمر و، عن عائشه بنت طلحه،عن عائشه ام‌المومنین، قالت: ما رایت احدا اشبه سمتا ودلا و هدیا برسول‌اللَّه فی قیامها و قعودها من فاطمه بنت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم قالت: و کانت اذا دخلت علی النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم ما الیها، فقبلها و اجلسها فی مجلسه. کان النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم اذا دخل علیها، قامت من مجلسها فقبلته و اجلسته فی مجلسها، فلما مرض النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم دخلت فاطمه فاکبت علیه، فقبلته، ثم رفعت راسها فبکت، ثم اکبت علیه ثم رفعت راسها فضحکت،فقلت ان کنت لاظن ان هذه من اعقل نسائنا، فاذاهی من النساء. فلما توفی النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم، قلت لها ارایت حین اکببت علی النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم فرفعت راسک [صفحه ۳۳] فبکیت، ثم اکببت علیه فرفعت راسک فضحکت ما حملک علی ذلک؟ قالت انی لبذره اخبرنی انه میت من وجهه هذا فبکیت، ثم اخبرنی انی اسرع اهله لحوقا به، فذلک حین ضحکت. [۴۸] . ۳۵- ابوعبداللَّه الحاکم حدثنا ابوالعباس محمد بن یعقوب بن اسحاق الطغانی، حدثنا عثمان بن عمیر، حدثنا اسرائیل، عن میسره بن حبیب، عن المنهال بن عمرو،عن عائشه بنت طلحه عن ام‌المومنین عائشه رضی‌اللَّه‌عنها انها قالت: ما رایت احدا کان اشبه کلاما وحدیثا من فاطمه برسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم، و کانت اذا دخلت علهی رحب بها وقام الیها فاخذ بیدها فقبلها و اجلسها فی مجلسه. [۴۹] . ۳۶- عنه عن ابی‌العباس محمد بن یعقوب، حدثنا العباس بن محمد الدوری، حدثنا عثمان بن عمر، حدثنا اسرائیل، عن میسره بن حبیب، عن المنهال بن عمرو، عن عائشه بنت طلحه عن عائشه ام‌المومنین انها قالت: ما رایت احدا کان اشبه کلاما وحدیثا برسول اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم من فاطمه و کانت اذا دخلت علیه قام الیها فقبلها و رحب بها و اخذ بیدها فاجلسها فی مجلسه و کانت هی اذا دخل علیها رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم، [صفحه ۳۴] قالت الیه مستقبلته و قبلت یده. [۵۰] . ۳۷- عنه عن ابی‌الحسن محمد بن احمد بن شبویه الرئیس الفقیه بمرو، حدثنا جعفر بن محمد بن الحارث النیشابوری بمرو، حدثنا علی بن مهران الرازی، حدثنا سلمه بن الفضل الابرش، حدثنا محمد بن اسحاق، عن یحیی بن عباد بن عبداللَّه بن الزبیر، عن ابیه، عن عائشه انها کانت اذا ذکرت فاطمه بنت النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم قالت: ما رایت احدا کان اصدق لهجه منها الا ان یکون الذی ولدها. [۵۱] . ۳۸- عنه عن الحسن بن محمد بن اسحاق المهرجانی، حدثنا محمد بن زکریا بن دینار البصری، حدثنا عبداللَّه بن المثنی، عن ثمانه بن عبداللَّه بن انس عن انس بن مالک قال: سالت امی عن فاطمه بنت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم. فقالت کانت کالقمر لیله البدر او الشمس کفر غماما اذا اخرج من السحاب بیضاء مشربه حمره لها شعر اسود من اشد الناس برسول اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم شبها واللَّه کما قال الشاعر: بیضاء تسحب من قیام شعرها و تغیب فیه و هو جثل اسحم فکانها فیه نهار مشرق و کانه لیل علیها مظلم [۵۲] . [صفحه ۳۵] ۳۹- روی احمد بن حنبل، عن ابی‌نعیم الفضل بن دکین، قال: حدثنا زکریا بن ابی‌زائده، عن الفراس، عن الشعبی، عن مسروق، عن عائشه قالت: اقبلت فاطمه تمشی، کان مشیتها مشیه رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم، فقال: مرحبا با بنتی سالتها، فقالت انه اسر الی، فقال ان جبرئیل علیه‌السلام کان یعارضنی بالقرآن فی کل عام مره و انه عارضنی به العام مرتین و لا اراه الا قد حضر اجلی و انک اول اهل بیتی لحوقا بی، و نعم السلف انا لک فبکیت لذلک ثم قال: الا ترضین ان تکونی سیده نساء هذه الامه او نساء المومنین قالت فضحکت لذلک. [۵۳] . [صفحه ۳۶]

سیرتها و اخلاقها

۱- ابوالعباس الحمیری باسناده عن جعفر عن ابیه علیهماالسلام قال: کان فراش علی و فاطمه علیهماالسلام حین دخلت علیه اهاب کبش، اذا ارادا ان یناما علیه قلباه، فناما علی صوفه قال: و کانت و سادتهما ادما حشوها لیف قال و کان صداقها درعا من حدید. [۵۴] . ۲- محمد بن یعقوب، عن محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد، عن ابی‌یحیی الواسطی، عن بعض اصحابنا، عن ابی‌عبداللَّه علیه‌السلام قال: بقله رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم النهدباء و بقله امیرالمومنین علیه‌السلام الباذروج و بقله فاطمه علیهاالسلام الفرفخ. [۵۵] . ۳- عنه عن عده من اصحابنا، عن سهل بن زیاد، عن احمد بن محمد بن ابی‌نصر، عن حماد بن عثمان، عن زید بن الحسن قال: سمعت اباعبداللَّه علیه‌السلام یقول: کان علی اشبه الناس [صفحه ۳۷] طعمه و سیره برسول اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم، و کان یاکل الخبز و الزیت و یطعم الناس الخبز و اللحم. قال: و کان علی علیه‌السلام یستقی و یحتطب و کانت فاطمه علیهاالسلام تطحن و تعجن و ترقع و کانت من احسن الناس وجها، کان وجنتیها وردتان صلی اللَّه علیها و علی ابیها و بعلها و ولدها الطاهرین. [۵۶] . ۴- الصدوق: حدثنا احمد بن الحسن القطان، قال: حدثنا ابوسعید الحسن بن علی بن الحسین السکری قال: حدثنا الحکم بن اسلم، قال: حدثنا ابن علیه، عن الحریری، عن ابی‌الورد بن ثمامه، عن علی صلی اللَّه علیه انه قال لرجل من بنی سعد: الا احدثک عنی و عن فاطمه انها کانت عندی و کانت من احب اهله الیه و انها استقت بالقربه حتی اثر فی صدرها و طحنت بالرحی حتی مجلت یداها، و کسحت البیت حتی اغبرت ثیابها و اوقدت النار تحت القدر حتی دکنت ثیابها. فاصابها من ذلک ضرر شدید، فقلت لها لو اتیت اباک فسالته خادمه یکفیک، حر ما انت فیه من هذه العمل، فاتت النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم فوجدت عنده حداثا فاستحت و انصرفت، قال: فعلم النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم انها جاءت [صفحه ۳۸] لحاجه قال: علینا و نحن فی لفاعنا. فقال: السلام‌علیک یا اهل اللفاع، فسکتنا و استحیینا لمکاننا ثم قال: السلام‌علیکم فسکتنا، ثم قال: السلام‌علیکم فخشینا ان لم نرده علیه ان ینصرف، و قد کان یفعل ذلک یسلم ثلاثا فان اذن له و الا انصرف، و علیک‌السلام یا رسول‌اللَّه ادخل، فلم یعد ان جلس عند روسنا. فقال یا فاطمه ما کانت حاجتک امس عند محمد؟ قال: فخشیت ان لم نجبه ان یقوم قال: فاخرجت راسی فقلت انا واللَّه اخبرک یا رسول‌اللَّه انها استقت بالقربه حتی اثر فی صدرها و جرت بالرحی حتی مجلت یداها و کسحت البیت حتی اغبرت ثیابها و اوقدت تحت القدر حتی دکنت ثیابها. فقلت لها لو اتیت اباک فسالته خادما یکفیک حر ما انت فیه ما هذا العمل. قال:افلا اعلمکما ما هو خیر لکما من الخادم، اذا اخذتما منامکما، فسبحا ثلثا و ثلثین و احمدا ثلثا و ثلثین و کبرا اربعا و ثلاثین. قال: فاخرجت فاطمه علیهاالسلام راسها فقالت: رضیت عن اللَّه و رسوله و رضیت عن اللَّه و رسوله و ضیت عن اللَّه و رسوله. [۵۷] . ۵- محمد بن یعقوب عن علی بن ابراهیم، عن هارون بن [صفحه ۳۹] مسلم، عن مسعده بن صدقه، عن ابی‌عبداللَّه علیه‌السلام قال: ان فاطمه صلی اللَّه علیها کانت تمضع للحسین ثم للحسین صلوات اللَّه علیهما و هی صائمه فی شهر رمضان. [۵۸] . ۶- الصدوق باسناده عن امیرالمومنین علیه‌السلام قال: کنا مع النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم فی حفر الخندق، اذ جاءته فاطمه و معها کسره خبز، الخندق، اذ جاءته فاطمه و معها کسره خبز، فدفعتها الی النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم و قال النبی علیه الصلاه و السلام ما هذه الکسره؟ قالت: قرصا خبزتها للحسن و الحسین جئتک منه بهذه الکسره فقال النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم:اما انه اول طعام دخل فم ابیک منذ ثلاث. [۵۹] . ۷- عنه باسناده عن علی بن الحسین علیهماالسلام انه قال: حدثنی اسماء بنت عمیس قالت: کنت عند فاطمه علیهاالسلام اذ دخل علیها رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم و فی عنقها قلاده من ذهب، کان اشتراها لها علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام من فیء، فقال لها رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: یا فاطمه لا یقول الناس ان فاطمه بنت محمد تلبس لباس الجبابره، فقطعتها و باعتها و اشترت بها رقبه فاعتقتها فسر بذلک رسول‌اللَّه [صفحه ۴۰] صلی اللَّه علیه و آله و سلم. [۶۰] . ۸- ابوجعفر الطبری، حدثنی ابوالحسین احمد بن الفرج بن منصور بن محمد، قال: حدثنا ابوالحسن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی، قال: حدثنا ابواسحاق ابراهیم بن محمد بن سعید الثقفی، قال: حدثنا ابواسحاق ابراهیم بن محمد بن سعید الثقفی، قال حدثنی عثمان بن سعید قال: حدثنی احمد

بن حماد بن احمد الهمدانی، قال: حدثنا عمرو بن ثابت، عن ابیه، عن محمد بن علی بن الحسین بن علی قال: بعث رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم سلمان الی منزل فاطمه بحاجه. قال: فوقفت بالباب، وقفه حتی سلمت، فسمعت فاطمه تقرا القرآن من جوا و الرحی تدور من بر، و ما عندها من انیس. فعدت الی رسول‌اللَّه فقلت یا رسول‌اللَّه رایت امرا عظیما، فقال: هیه یا سلمان تکلم بما رایت و سمعت، قلت وقفت بباب ابنتک و سلمت فسمعت فاطمه تقرا القرآن من جوا و الرحی تدور برا و ما عندها انیس. فتبسم رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم و قال: یا سلمان ان ابنتی فاطمه ملا اللَّه قلبها وجوارحها ایمانا الی مشاتها، فتفرغت الی طاعه اللَّه، فبعث ملکا اسمه روفائیل، و فی روایه اخری رحمه تدیر لها الرحی و فکاها تعالی مونه الدنیا مع مومنه الاخره. [۶۱]. [صفحه ۴۱] ۹- عنه حدثنا ابوالمفضل محمد بن عبداللَّه، قال: حدثنا محمد بن ابراهیم بن محمد بن محمد بن مالک الفزاری قال: حدثنا ابوبکر عبداللَّه بن بحر الجندیشابوری، قال: حدثنا احمد، قال: حدثنا محمد قال: حدثنا عبداللَّه، قال: حدثنا ابی عن المفضل بن عمر، قال: حدثنی جعفر بن محمد قال: قال سلمان الفارسی خرجت مع رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم ذات لیله و انا ارید الصلوه، فحاذیت باب علی علیه‌السلام. فاذا بهاتف من داخل الدار یقول: اشتد صداح راسی و خلا بطنی و دبرت کفای من طحن الشعیر، فمضی القول مضا شدیدا، فدنوت من الباب و قرعته قرعا خفیا، فاجابتنی فضه جاریه فاطمه و قالت من هذا؟ قلت: سلمان، قالت: و راءک یا ابا عبداللَّه، فان ابنه رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم قریبه من الباب علیها یسیر من الثیاب، فرمیت بعبائتی داخل الباب فلبستها. ثم قالت یا فضه قولی لسلمان یدخل فان سلمان منا اهل البیت، فدخلت فاذا بفاطمه جالسه و قدامها رحی تطحن بها الشعیر، و علی عمود الرحی دم سائل قد افضی الی الحجر. فحانت منی التفاته فاذا بالحسن بن علی فی ناحیه الدار یتضور من الجوع، فقلت: جعلنی اللَّه فداک یا ابنه رسول‌اللَّه قد دبرت کفاک من طحن الشعیر و فضه، فقالت یا اباعبداللَّه اوصانی ابی ان تکون الخدمه یوما لی و یوما لها و کان امس یوم خدمتها و الیوم یوم خدمتی. [صفحه ۴۲] فقلت: جعلنی اللَّه فداک انی مولی عتاقه، فقالت انت منا اهل البیت، قلت: فاختاری احدی الخصلتین، اما ان اطحن لک الشعیر، او اسکت لک الحسن، فقالت: یا اباعبداللَّه انا اسکت الحسن فانی ارفق و انت تطحن الشعیر، فسمعت الاقامه، فمضیت وصلیت مع رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم و لما فرغت من الصلوه رایت علیا و هو علی میمنه رسول‌اللَّه فجذبت رداء و قلت انت هاهنا و فاطماه قد دبرت کفاها من طحن الشعیر. فقام و ان دموعه لتنحدر علی لحیته و ان رسول‌اللَّه لینظر الیه حتی خرج من باب المسجد فلم یمکث الا قلیلا حتی رجع یتبسم من غیر ان تستبین اسنانه، فقال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم یا علی خرجت و انت باک و رجعت و انت متبسم. قال دخلت الدار فاذا فاطمه نائمه مستلقیه و الحسن نائم علی صدرها و الرحی تدور من غیر ید فتبسم رسول‌اللَّه ثم قال: یا علی اما علمت ان اللَّه ملائکه سائره فی الارض یخدمون محمدا و آل محمد الی ان تقوم الساعه. [۶۲]. ۱۰- العیاشی باسناده عن نجم، عن ابی‌جعفر علیه‌السلام ان فاطمه علیهاالسلام ضمنت لعلی علیه‌السلام عمل البیت و العجین و الخبز و قم البیت، و ضمن لها [صفحه ۴۳] علی ما کان خلف الباب من نقل الحطب و ان یجیء بالطعام، فقال لها یوما: یا فاطمه هل عندک شیء. قالت: لا والذی عظم حقک ما کان عندنا منذ ثلاثه ایام شیء نقریک به، قال: افلا اخبرتنی؟ قالت: کان رسول صلی اللَّه علیه و آله و سلم نهانی ان اسالک شیئا. فقال: لا تسالی ابن عمک شیئا. ان جاءک بشیء عفو و الا فلا تسالیه: قال: فخرج الامام علیه‌السلام علیهم فلقی رجلا فاستقرض منه دینارا، ثم اقبل به و قد امسی، فلقی مقداد بن الاسود فقال: للمقداد: ما اخرجک فی هذه الساعه؟ قال:الجوع والذی عظم حقک یا امیرالمومنین قال: قالت لابی جعفر و رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم حی؟ قال و رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم حی قال: فهو اخرجنی و قد استقرضت دینارا و ساوترک به، فدفعه الیه، فاقبل فوجد رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم جالسا و فاطمه تصلی و بینها شیء مغطی، فلما فرغت احضرت ذلک الشیء، فاذا جفنه من خبز و لحم. قال یا فاطمه انی لک هذا؟ قالت هو من عنداللَّه ان اللَّه یرزق من یشاء بغیر حساب. فقال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: الا احدثک بمثلک و مثلها؟ قال: بلی قال مثل زکریا یا اذ دخل علی مریم المحراب، فوجد عندها رزقا، قال: یا مریم انی لک هذا؟ قالت: هو من عنداللَّه ان اللَّه یرزق من یشاء بغیر حساب. [صفحه ۴۴] فاکلوا منها شهرا و هی الجفنه التی

یاکل منها القائم و هی عندنا. [۶۳] . ۱۱- ابوجعفر الطوسی رضوان‌اللّه‌علیه اخبرنا جماعه عن ابی‌المفضل، قال: حدثنا عبدالرزاق بن سلیمان بن غالب الازدی بارتاج قال: حدثنا ابوعبدالغنی الحسن بن علی الازدی المعانی، قال: حدثنا عبدالوهاب بن همام الحمیری قال: حدثنا جعفر بن سلیمان الضبعی البصری قدم علینا الیمن قال: حدثنا ابوهارون العبدی، عن ربیعه السعدی قال: حدثنی حذیفه بن الیمان قال: لما خرج جعفر بن ابی‌طالب من ارض الحبشه الی النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم قدم جعفر و النبی علیه‌السلام بارض خیبر، فاتاه بالفرع من العالیه و القطیفه، فقال النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم لادفعن هذه القطیفه الی رجل یحب اللّه و رسوله و یحبه اللّه و رسوله، فمد اصحاب النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم اعناقهم الیها. فقال النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم این علی؟ فوثب عمار بن یاسر فدعا علیا فلما جاء قال له النبی یا علی خذ القطیفه الیک، فاخذها علی علیه‌السلام و امهل حتی قدم المدینه فانطلق الی [صفحه ۴۵] البقیع و هو سوق المدینه، فامر صائغا، ففصل القطیفه سلکا سلکا، فباع الذهب و کان الف مثقال ففرقه علی علیه‌السلام فی فقراء المهاجرین و الانصار. ثم رجع الی منزله و لم یترک له من الذهب قلیلا و لا کثیرا، فلقیه النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم من غد فی نفر من اصحابه، فیهم حذیفه و عمار، فقال: یا علی انک اخذت بالامس الف مثقال فاجعل غدائی الیوم و اصحابی هولاء عندک و لم یکن علی علیه‌السلام یرجع یومئذ الی شیء من العروض ذهب او فضه فقال حیاء منه و تکرما: نعم یا رسول‌اللّه و فی الرحب و السعه ادخل یا نبی‌اللّه انت و من معک. قال: فدخل النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم ثم قال لنا: داخلوا، قال حذیفه و کنا خمسه نفر انا و عمار و سلمان و ابوذر و المقداد رضی‌اللّه‌عنهم، فدخلنا و دخل علی علی فاطمه علیهاالسلام یبتغی عندها شیئا من زاد، فوجد فی وسط البیت جفنه من ثرید تفور و علیها عراق کثیر و کان رائحتها المسک، فحملها علی علیه‌السلام حتی وضعها بین یدی النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم و من حضر معه، فاکلنا منها حتی تملانا و لا ینقص منها قلیل و لا کثیر. قال النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم حتی دخل علی فاطمه علیهاالسلام و قال: انی لک هذا الطعام یا فاطمه؟ فردت [صفحه ۴۶] علیه و نحن نسمع قولها فقالت هو من عنداللّه ان اللّه یرزق من یشاء بغیر حساب،فخرج النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم الینا مستعبرا و هو یقول الحمدللّه الذی لم یمتنی حتی رایت لا بنتی ما رای زکریا علیه‌السلام لمریم، کان اذا دخل علهیا المحراب وجد عندها رزقا، فیقول لها: یا مریم انی لک هذا؟ فتقول: هو من عنداللّه ان اللّه یرزق من یشاء بغیر حساب. [۶۴] . ۱۲- عنه اخبرنا جماعه عن ابی‌المفضل قال: حدثنا محمد بن جعفر بن قیس بن مسکان ابوعمر المصیصی الفقیه من اصل کتابه، حدثنا عبداللّه بن الحسن بن جابر ابومحمد امام جامع المصیصه قال: حدثنا عبدالحمید بن عبدالرحمان بن بشیر الحمانی قال: حدثنی عبداللّه بن قیس بن الربیع، عن ابی‌هارون العبدی، عن ابی‌سعید الخدری قال: اصبح علی علیه‌السلام ذات یوم صائما. فقال: یا فاطمه هل عندک شیء تطعمینی؟ قالت والذی اکرم ابی‌بالنبوه و اکرمک بالوصیه ما اصبح عندی شیء یطعمه بشر و ما کان من شیء اطعمک منذ یومین الا شیء کنت اوثرک به علی نفسی و علی الحسن و الحسین: قال: اعلی الطبیین الا اعلمتنی فاتیکم بشیء، قالت یا اباالحسن انی لاستحیی من الهی ان الکلفک ما لا [صفحه ۴۷] تقدر. فخرج واثقا باللّه حسن الظن، به فاستقرض دینارا، فبینا الدینار فی ید علی علیه‌السلام اذ عرض له المقداد رضی‌اللّه‌عنه فی یوم شدید الحر، قد اخرجته الشمس من فوقه و تحته، فانکر علی علیه‌السلام شانه، فقال: یا مقداد ما ازعجک هذه الساعه؟ قال خل سبیلی یا اباالحسن و لا تکشفنی عما ورائی، قال: انه لا یسعنی ان تجاوزنی حتی اعلم علمک. قال: یا اباالحسن الی اللّه ثم الیک ان تخلی سبیلی و لا تکشفنی عن حالی، فقال علی علیه‌السلام انه لا یسعک ان تکتمنی حالک، فقال: اذ ابیت فوالذی اکرم محمدا بالنبوه و اکرمک بالوصیه ما ازعجنی الا الجهد، و لقد ترکت عیالی بحال لم تحملنی لها الارض، فخرجت مهموما و اکبت راسی فهذه حالی. فهملت عینا علی علیه‌السلام بالدموع حتی اخضلت دموعه لحیثه، ثم قال: احلف بالذی حلفت به ما ازعجنی من اهلی الا الذی ازعجک و لقد استقرضت دینارا فخذه،فدفع الدینار الیه و آثر به علی نفسه و انطلق الی ان دخل مسجد رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم فصلی فیه الظهر و العصر و المغرب. فلما قضی رسول‌اللّه صلی اللّه علیها و آله و سلم المغرب مر بعلی بن ابی‌طالب و هو فی الصف الاول، فغمزه برجله، فقام علی [صفحه ۴۸] مستقیا خلف رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم حتی لحقه علی باب من ابواب

المسجد، فسلم علیه فرد رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم فقال: یا اباالحسن هل عندک شیء نتعشاه فنمیل معک؟ فمکث مطرقا لا یحیر جوابا حیاء من رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم و هو یعلم ما کان من امر الدینار و من این اخذه و این وجهه و قد کان اوحی اللَّه تعالی الی نبیه محمد صلی اللَّه علیه و آله و سلم ان یتعشی اللیله عند علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام. فلما نظر رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم الی سکوته، فقال یا اباالحسن مالک لا تقول لا، فانصرف او تقول نعم فامض معک؟ فقال حبا و تکرما فاذهب بنا،فاخذ رسول‌اللَّه صلی علیه و آله و سلم ید علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام فانطلقا حتی دخلا علی فاطمه الزهراء و هی فی مصلاها قد قضت صلاتها و خلفها جفنه تفور دخانا. فلما سمعت کلام رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم فی رحلها خرجت من مصلاها فسلمت علیه و کانت اعز الناس علیه، فرد علیهاالسلام و مسح یده علی راسها و قال لها یا بنتاه کیف امسیت رحمک‌اللَّه، عشینا غفراللَّه لک و قد فعل، فاخذت الجفنه فوضعتها بین یدی النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم، فلما نظر علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام الی الطعام و شم رائحته و رمی فاطمه ببصره [صفحه ۴۹] رمیا شحیحا. فقالت له فاطمه: سبحان‌اللَّه ما اشح نظرک و اشده، هل اذنبت فیما بینی و بینک ذنبا استوجبت به السخطه قال و ای ذنب اعظم من ذنب اصبتیه، الیس عهی الیک الیوم الماضی و انت تحلفین باللَّه مجتهده ما طعمت طعاما مذیومین؟ قال: فنظرت الی السماء فقالت الهی یعلم فی سمائه و یعلم فی ارضه انی لم اقل الا حقا. فقال لها: یا فاطمه انی لک هذا الطعام الذی لم انظر الی مثل لونه قط و لم اشم مثل ریحه قط و ما اکلت اطیب منه قط، قال: فوضع رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم کفه الطیبه المبارکه بین کتفی علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام فغمزها ثم قال: یا علی هذا بدل دینارک و هذا جزاء دینارک من عنداللَّه ان اللَّه یرزق من یشاء بغیر حساب. ثم استعبر النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم باکیا ثم قال: الحمدللَّه الذی انی لکم ان تخرجا من الدنیا حتی یجزیکما و یجزیک یا علی بمنزله زکریا و یجزی فاطمه فجزی مریم بنت عمران، کلما دخل علیها زکریا المحراب وجد عندها رزقا. [۶۵] . ۱۳- عنه باسناده عن محمد بن الحسین، عن محسن بن احمد، عن محمد بن حباب، عن یونس، عن ابی‌عبداللَّه [صفحه ۵۰] علیه‌السلام قال: ان فاطمه علیهاالسلام کانت تاتی قبور الشهداء فی کل غداه سبت فتاتی قبر حمزه و تترحم علیه و تستغفر له. [۶۶] . ۱۴- قال الفتال النبشابوی: روی ان فاطمه علیهاالسلام اذا دعت تدعو للمومنین و المومنات، و لا تدعو لنفسها، فقیل لها یا بنت رسول‌اللَّه انک تدعین للناس و لا تدعین لنفسک، فقالت: الجار ثم الدار. [۶۷] . ۱۵- محمد بن علی بن شهر آشوب عن مسند ابی‌یعلی قالت عائشه: ما رایت احدا اصدق من فاطمه غیر ابیها. [۶۸] . ۱۶- عنه، عن الحسن البصری: ما کان فی هذه الامه اعبد من فاطمه، کانت تقوم حتی تتورم قدماها. [۶۹] . ۱۷- عنه، مرفوعا قال النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم لها: ای شیء هیر للمراه قالت: ان لا تری رجلا و لا یراها رجل فضمها الیه و قال: ذریه بعضها من بعض. [۷۰] . ۱۸- روی عن عمرو بن دینار عن الباقر علیه‌السلام قال: ما رایت فاطمه ضاحکه قط منذ قبض رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم حتی قبضت. [۷۱] . [صفحه ۵۱] ۱۹- قال: و فی الصحیحین ان علیا علیه‌السلام قال: اشتکی مما اند بالقرب فقالت فاطمه علیهاالسلام واللَّه انی اشتکی یدی مما طحن بالرحی. [۷۲] . ۲۰- عنه قال: کان عند النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم اساری، فامرها ان تطلب من النبی خادما، فدخلت علی النبی و سلمت علیه و رجعت، فقال امیرالمومنین علیه السلام مالک، قالت: واللَّه ما استطعت ان اکلم رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم من هیبته، فانطلق علی معها الی النبی فقال لهما: جاء بکما حاجه؟ فقال علی مجاراتها فقال علیه‌السلام: لا ولکنی ابیعهم وانفق اثمانهم علی اهل الصفه و علمها تسبیح الزهراء. [۷۳] . ۲۱- عنه، عن کتاب الشیرازی انها لما ذکرت حالها و سالت جاریه بکی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم، فقال: یا فاطمه والذی بعثنی بالحق ان فی المسجد اربعمائه رجل ما لهم طعام و لا ثیاب و لولا خشیتی خصله لاعطیتک ما سالت یا فاطمه، انی لا ارید ان ینفک عنک اجرک الی الجاریه و انی اخاف ان یخصمک علی ابن ابی‌طالب یوم القیامه بین یدی اللَّه عز و جل، اذا طلب حقه منک، ثم علمها صلوه التسبیح، فقال امیرالمومنین علیه‌السلام: مضیت تریدین من رسول‌اللَّه الدنیا فاعطانا اللَّه ثواب الاخره. [۷۴] . [صفحه ۵۲] ۲۲- عنه عن ابی‌منصور الکاتب فی کتاب الروح و الریحان عن ابی‌ذر فی خبر ان فاطمه رات راس علی علیه‌السلام فی حجر جاریه اهداها جعفر مع اربعه آلاف درهم الیه، فقالت: اتاذن لی ان

اسیر الی منزل رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم قال: قد اذنت لک، فدخلت فاطمه فقال لها رسول‌اللَّه: یا بنتی جئت تشکین علیا: فقالت ای و رب الکعبه. فقال: ارجعی الی علی وقولیط رغم انفی لرضاک ثلثا، فلما رجعت و ذکرت ذلک، قال یا فاطمه شکوتینی الی خلیلی و حبیبی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم، اشهد اللَّه یا فاطمه ان الجاریه حره لوجه اللَّه و ان الاربعه آلاف درهم صدقه علی فقراء المسلمین، ثم لبس و انعل و اراد النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم. فهبط جبرئیل مره اخری و قال: یا محمد ان اللَّه یقرئک السلام و یقول لک قل لعلی انی اعطیتک الجنه بعتقک الجاریه لرضی فاطمه و التصدق باربعه الاف درهم فادخل الجنه برحمتی من شئت و اخرج من النار بعفوی من شئت، فعندها قال امیرالمومنین علیه‌السلام انا قسیم الجنه و النار. [۷۵] . ۲۳- عنه، عن ابی‌شاهین و احمد فی مسند الانصار باسنادهما [صفحه ۵۳] عن ابی‌هریره وثوبان انهما قالا، کان النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم یبدء فی سفره بفاطمه و یضم بها، فجعلت وقتا سترا من کساء خیبریه لقدوم ابیها و زوجها، فلما راه النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم تجاوز عنها و قد عرف الغضب فی وجهه حتی جلس عند المنبر. فنزعت قلادتها و قرطیها و مسکتیها و نزعت الستر، فبعثت به الی ابیها و قالت اجعل هذا فی سبیل اللَّه، فلما اتاه قال علیه‌السلام: قد فعلت فداها ابوها ثلاث مرات ما لال محمد صلی اللَّه علیه و آله و للدنیا، وانهم خلقوا للاخره و خلقت الدنیا لغیرهم. [۷۶] . ۲۴- عنه عن ابی‌صالح الموذن فی کتابه بالاسناد عن علی علیه‌السلام ان النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم دخل علی ابنته فاطمه فاذا فی عنقها قلاده، فاعرض عنها فقطعتها فرمت بها، فقال رسول‌اللَّه انت منی یا فاطمه، ثم جاءها سائل فناولته القلاده. [۷۷] . ۲۵- عنه عن مسند الرضا علیه‌السلام انه قال: لایغرنک الناس ان یقولوا بنت محمد و علیک لبس الجبابره، فقطعتها و باعتها و اشترت بها رقبه، فاعتقتها، فسر رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم بذلک. [۷۸] . ۲۶- روی المجلسی من کتاب زهد النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم انه لما نزلت هذه الایه علی النبی (و ان جهنم لموعدهم [صفحه ۵۴] اجمعین، لها سبعه ابواب لکل باب منهم جزء مقسوم) بکی النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم بکاء شدیدا و بکت صحابته لبکائه، و لم یدروا ما نزل به جبرئیل علیه‌السلام و لم یستطع احد من صحابته ان یکلمه، و کان النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم اذا رای فاطمه علیهاالسلام فرح بها. فانطلق بعض اصحابه الی باب بیتها، فوجد بین یدیها شعیرا و هی تطحنه و تقول: «و ما عنداللَّه خیر و ابقی»، فسلم علیها و اخبرها بخبر النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم و بکائه: فنهضت و التفت بشمله لها خلقه قد خیطت اثنا عشر مکانا بسعف النخل، فلما خرجت نظر سلمان الفارسی الی الشمله و بکی و قال: و احزنا ان قیصر و کسری لفی السندس و الحریر، و ابنه محمد صلی اللَّه علیه و آله و سلم علیها شمله صوف خلقه قد خیطت فی اثنا عشر مکانا. فلما دخلت فاطمه علی النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم قالت یا رسول‌اللَّه ان سلمان تعجب من لباسی، فوالذی بعثک بالحق مالی و لعلی منذ خمس سنین الا مسک کبش تعلف علیها بالنهار بعیرنا فاذا کان اللیل افترشناه و ان مرفقتنا لمن ادم حشوها لیف، فقال النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم یا سلمان ان ابنتی لفی الخیل السوابق. ثم قالت: یا ابت فدیتک ما الذی ابکاک؟ فذکر لها ما نزل [صفحه ۵۵] به جبرئیل من الایتین المتقدمین قال: فسقطت فاطمه علی وجهها و هی تقول: الویل ثم الویل لمن دخل النار، فسمع سلمان فقال: یا لیتنی کنت کبشا لاهلی فاکلوا لحمی و مزقوا جلدی و لم اسمع بذکر النار و قال ابوذر: یا لیت امی کانت عاقرا و لم تلدنی و لم اسمع بذکر النار و قال عمار: یا لیتنی کنت طائرا فی القفار و لم یکن علی حساب و لا عقاب و لم اسمع بذکر النار. قال علی علیه‌السلام: یا لیت السباع مزقت لحمی ولیت امی لم تلدنی و لم اسمع بذکر النار، ثم وضع علی یده علی راسه و جعل یبکی و یقول: وابعد سفراه و اقله زاداه فی سفر القیامه یذهبون و فی النار یترددون، بکلالیب النار. یتخطفون، مرضی لا یعاد سقیمهم، و جرحی لا یداوی جریحهم، و اسری لا یفک اسیرهم، من النار یاکلون و منها یشربون، و بین اطباقها یتقلبون و بعد لبس القطن و الکتان مقطعا النار یلبسون، و بعد معانقه الازواج مع الشیاطین مقرنون [۷۹] . ۲۶- عنه، عن بعض کتب المناقب باسناده عن عبداللَّه بن الزبیر، عن ابیه، عن عائشه انها کانت اذا ذکرت فاطمه بنت النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم قالت: ما رایت احدا کان اصدق لهجه منها الا ان یکون الذی ولدها. [۸۰] . [صفحه ۵۶] ۲۷- عنه باسناده عن احمد بن محمد الثعلبی، عن عبداللَّه بن حامد، عن ابی‌محمد المزنی، عن ابی‌یعلی الموصلی، عن سهل بن زنجله الرزی،

عن عبداللَّه بن صالح، عن ابن‌لهیعه، عن محمد بن المنکدر، عن جابر بن عبداللَّه ان النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم اقام ایاما لم یطعم حتی شق ذلک علیه و طاف فی منازل ازواجه فلم یصب عند واحده منهن شیئا. فاتی فاطمه فقال: یا بنیه هل عندک شیء آکله فانی جائع؟ فقالت: لا واللَّه بابی انت و امی فلما خرج من عندها بعثت الیها جاره لها برغیفین و قطعه لحم، فاخذته منها فوضعته فی جفنه لها و غطت علیها و قالت: لا وثرن بها رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و علی نفسی و من عندی و کانوا جمیعا محتاجین الی شبعه طعام. فبعثت حسنا او حسینا الی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم فرجع الیها، فقالت: بابی انت و امی قد اتانا اللَّه بشیء فخباته، قال: هلمی، فاتته فکشفت عن الجفنه فاذا هی مملوءه خبزا و لحما، فلما نظرت الیه بهتت فعرفت انها کرامته من اللَّه عز و جل، فحمدت اللَّه وصلت علی نبیه، فقال علیه السلام: من این لک هذا یا بنیه فقالت: هو من عنداللَّه ان اللَّه یرزق من یشاء بغیر حساب. فحمد اللَّه عز و جل و قال: الحمد للَّه الذی جعلک شبیهه [صفحه ۵۷] بسیده نساء العالمین فی نساء بنی‌اسرائیل فی وقتهم، فانها کانت اذا رزقها اللَّه تعالی فسولت عنه قالت هو من عنداللَّه ان اللَّه یرزق من یشاء بغیر حساب فبعث رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم الی علی ثم اکل رسول‌اللَّه و علی و فاطمه و الحسن و الحسین علیهم‌السلام و جمیع ازواج النبی و اهل بیته جمیعا و شبعوا و بقیت الجفنه کما هی، قالت فاطمه: فاوسعت منها علی جمیع جیرانی و جعل اللَّه فیها البرکه و الخیر کما فعل اللَّه بمریم علیهاالسلام.

[۸۱] . ۲۸- روی المجلسی- رحمه‌اللَّه- حدیثا مفصلا اخذنا منه موضع الحاجه: قال: فمضی سلمان حتی طاف تسعه ابیات من بیوت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم، فلم یجد عندهن شیئا، فلما ان ولی راجعا نظر الی حجره فاطمه علیهاالسلام، فقال: ان یکن خیر فمن منزل فاطمه بنت محمد صلی اللَّه علیه و آله و سلم فقرع الباب فاجابته من وراء الباب من بالباب؟ فقال لها: انا سلمان الفارسی، فقالت له: یا سلمان و ما تشاء؟ فشرح قصه الاعرابی و الضب مع النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم، قالت له: یا سلمان و الذی بعث محمدا صلی اللَّه علیه و آله و سلم بالحق نبیا ان لنا ثلاثا ما طعمنا و ان الحسن و الحسین قد اضطربا علی من شده الجوع، ثم رقدا کانهما فرخان منتوفان، ولکن لا ارد الخیر اذا نزل [صفحه ۵۸] الخیر ببابی. یا سلمان خذ درعی هذا ثم امض به الی شمعون الیهودی و قل له: تقول لک فاطمه بنت محمد اقرضنی علیه صاعا من تمر وصاعا من شعیر ارده علیک ان شاءاللَّه، قال:فاخذ سلمان الدرع ثم اتی به الی شمعون الیهودی، فقال له: یا شمعون هذا درع فاطمه بنت محمد صلی اللَّه علیه و آله تقول لک: اقرضنی صاعا من تمر وصاعا من شعیر ارده علیک ان شاءاللَّه. قال: فاخذ شمعون الدرع، ثم جعل یقلبه فی کفه و عیناه تذرفان بالدموع و هو یقول: یا سلمان هذا هو الزهد فی الدنیا، هذا الذی اخبرنا به موسی بن عمران فی التوراه، انا اشهد ان لا آله الا اللَّه و اشهد ان محمدا عبده و رسوله، فاسلم و حسن اسلامه. ثم دفع الی سلمان صاعا من تمر وصاعا من شعیر فاتی به سلمان الی فاطمه، فطحنته بیدها و اختبزته خبزا ثم اتت به الی سلمان فقالت له: خذه و امض به الی النبی صلی اللَّه علیه و آله قال: فقال لها سلمان، یا فاطمه خذی منه قرصا تعللین به الحسن و الحسین فقالت: یا سلمان هذا شیء امضیناه للَّه عز و جل لسنا ناخذ منه شیئا. قال: فاخذه سلمان فاتی به النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم، فلما نظر النبی الی سلمان قال له: یا سلمان من این لک هذا قال: من منزل بنتک فاطمه قال: و کان النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم لم [صفحه ۵۹] یطعم طعاما منذ ثلاث، قال: فوثب النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم، حتی ورد الی حجره فاطمه، فقرع الباب و کان اذا قرع النبی الباب لا یفتح له الباب الا فاطمه. فلما ان فتحت له الباب نظر النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم الی صفار وجهها و تغیر حدقتیها، فقال لها یا بنیه ما الذی اراه من صفار وجهک و تغیر حدقتیک؟فقالت: یا ابه ان لنا ثلاثا ما طعمنا طعاما و ان الحسن و الحسین قد اضطربا علی من شده الجوع، ثم رقدا کانهما فرخان منتوفان. قال: فاتاهما النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم، فاخذ واحدا علی فخذه الایمن و الاخر علی فخذه الایسر و اجلس فاطمه بین یدیه و اعتنقها النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم و دخل علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام، فاعتنق النبی من ورائه، ثم رفع النبی طرفه نحو السماء، فقال: الهی و سیدی و مولای هولاء اهل بیتی اللهم اذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا. قال: ثم و ثبت فاطمه بنت محمد صلی اللَّه علیه و آله و سلم حتی دخلت الی مخدع لها، فصفت قدمیها، فصلت رکعتین، ثم رفعت باطن کفیها الی السماء و قالت: الهی و سیدی هذا محمد نبیک، و هذا علی ابن عم نبیک،

و هـذان الحسن و الحسین سبطا نبیک، الهی انزل علینا مائده من السماء، کما انزلتها علی بنی‌اسرائیل، اکلوا منها و کفروا بها، اللهم انزلها علینا فانا بها مومنون. [صفحه ۶۰] قال ابن‌عباس: واللَّه ما استتمت الدعوه، فاذا هی بصحفه من ورائها یفور قتارها و اذا قتارها ازکی من المسک الاذفر، فاحتضنتها ثم اتت بها الی النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم و علی و الحسن و الحسین، فلما ان نظر الیها علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام، قال لها: یا فاطمه من این لک هذا و لم یکن عهد عندها شیئا. فقال له النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم: کل یا اباالحسن و لا تسال، الحمدللَّه الذی لم یمتنی حتی رزقنی ولدا مثلها مثل مریم بنت عمران، کلما دخل علیها زکریا المحراب وجد عندها رزقا، قال: یا مریم انی لک هذا قالت هو من عنداللَّه ان اللَّه یرزق من یشاء بغیر حساب، قال: فاکل النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم و علی و فاطمه و الحسن و الحسین علیهم‌السلام و خرج النبی و تزود الاعرابی و استوی علی راحلته و اتی بنی سلیم و هو یومئذ اربعه الاف رجل. فلما وقف فی وسطهم ناداهم بعلو صوته: قولوا لا آله الا اللَّه محمد رسول‌اللَّه، قال: فلما سمعوا منه هذه المقاله اسرعوا الی سیوفهم، فجردوها. ثم قالوا له: لقد صبوت الی دین محمد الساحر الکذاب، فقال لهم: ما هو بساحر و لا کذاب. ثم قال: یا معشر بنی سلیم ان آله محمد صلی اللَّه علیه و آله و سلم خیر آله، و ان محمد صلی اللَّه علیه و آله و سلم خیر نبی، اتیته [صفحه ۶۱] جائعا فاطعمنی، و عاریا فکسانی، و راجلا فحملنی، ثم شرح لهم قصه الضب مع النبی و انشدهم الشعر الذی انشد فی النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم، ثم قال: یا معشر بنی‌سلیم اسلموا تسلموا من النار، فاسلم فی ذلک الیوم اربعه الاف رجل و هم اصحاب الرایات الخضر و هم حول رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم. [۸۲] . ۲۹- قال و روی فی المراسیل ان الحسن و الحسین علیهماالسلام کان علیهما ثیاب خلق و قد قرب العید، فقالا لامهما فاطمه علیهاالسلام ان بنی فلان خیطت لهم الثیاب الفاخره، افلا تخیطن لنا ثیابا للعید یا اماه؟ فقالت یخاط لکما ان‌شاءاللَّه، فلما ان جاء العید جاء جبرئیل بقمیصین من حلل الجنه الی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم. فقال له رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: ما هذا یا اخی جبرئیل، فاخبره بقول الحسن و الحسین لفاطمه و بقول فاطمه یخاط لکما ان‌شاءاللَّه، ثم قال جبرئیل: قال اللَّه تعالی لما سمع قولها: لا نستحسن ان نکذب فاطمه بقولها: یخاط لکما ان‌شاءاللَّه. [۸۳] . ۳۰- روی عن سعید الحفاظ الدیلمی باسناده عن انس، قال: قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: بینما اهل الجنه فی الجنه یتنعمون و اهل النار فی النار یعذبون، اذا لاهل الجنه نور [صفحه ۶۲] ساطع، فیقول بعضهم لبعض: ما هذا النور لعل رب العزه اطلع فنظر الینا فیقول لهم رضوان: لا ولکن علی مازح فاطمه فتبسمت، فاضاء ذلک النور من ثنایاها. [۸۴] . ۳۱- روی ایضا عن مصباح الانوار عن جعفر بن محمد علیهماالسلام قال: شکت فاطمه الی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و علیا، فقالت: یا رسول‌اللَّه لا یدع شیئا من رزقه الا وزعه علی المساکین، فقال لها یا فاطمه استخطینی فی اخی و ابن‌عمی، ان سخطه سخطی و ان سخطی سخط اللَّه عز و جل. [۸۵] . ۳۲- الحاکم النیسابوری حدثنا ابوالعباس محمد بن یعقوب حدثنا بکار بن قتیبه القاضی بمصر، حدثنا ابوداود الطیالسی، حدثنا هشام، عن یحیی بن ابی کثیر، عن ابی‌سلام، عن ابی‌اسماء الرحبی، عن ثوبان رضی‌اللَّه عنه قال: دخل رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم علی فاطمه رضی‌اللَّه‌عنها و انا معه و قد اخذت من عنقها سلسله من ذهب، فقالت: هذه اهداها الی ابوالحسن. فقال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله: یا فاطمه ایسرک ان یقول الناس فاطمه بنت محمد و فی یدک سلسله من نار، ثم خرج و لم [صفحه ۶۳] یقعد، فعمدت فاطمه الی السلسله فاشترت غلاما فاعتقته، فبلغ ذلک النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم، فقال الحمد للَّه الذی نجی فاطمه من النار. [۸۶] . ۳۳- عنه حدثنا ابوالعباس محمد بن یعقوب، حدثنا بکار بن قتیبه القاضی، حدثنا ابوداود الطیالسی، حدثنا همام، عن یحیی بن ابی کثیر، عن ابی‌سلام، عن ابی‌اسماء الرحبی، عن ثوبان مولی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم قال: جاءت ابنه هبیره الی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم و فی یدها فتخ من ذهب او خواتیم من ذهب. فجعل رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم یضرب بیدها، فاتت فاطمه بنت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم، فشکت الیها ما صنع بها رسول‌اللَّه، قال: ثوبان فدخل رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم علی فاطمه و انا معه و قد اخذت من عنقها سلسله من ذهب فقالت: هذه اهداها الی ابوحسن و السلسله فی یدها. فقال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیها و آله و سلم: یا فاطمه ایسرک ان یقول الناس فاطمه بنت

محمد و فی یدیک سلسله من نار، ثم خرج رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم و لم یقعد، فعمدت فاطمه الی [صفحه ۶۴] السلسله، فاشترت بها غلاما فاعتقته، فبلغ ذلک النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم، فقال: الحمدللَّه الذی نجی فاطمه من النار. [۸۷] . ۳۴- البیهقی فی سننه اخبرنا ابوعبداللَّه الحافظ، حدثنا ابوحمید احمد بن محمد بن حامد العدل، بالطابران، حدثنا عثمان بن محمد، حدثنا ابومصعب الزهری، حدثنی محمد بن اسماعیل بن ابی‌فدیک اخبرنی سلیمان بن داود، عن جعفر بن محمد، عن ابیه، عن علی بن الحسین، عن ابیه ان فاطمه بنت النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم کانت تزور قبر عمها حمزه کل جمعه فتصلی و تبکی عنده. [۸۸] . ۳۵- الحافظ ابونعیم الاصفهانی حدثنا ابراهیم بن احمد بن ابی‌حصین، حدثنا جدی ابوحصین، حدثنا عمی العمانی، حدثنا قیس، عن عبداللَّه بن عمران، عن علی بن زید عن سعید بن المسیب، عن علی انه قال لفاطمه: ما خیر للنساء؟ قالت: لا یرین الرجال و لا یرونهن، فذکر ذلک للنبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم فقال: انما فاطمه بضعه منی. [۸۹] . ۳۶- عنه حدثنا محمد بن احمد بن الحسن، حدثنا عبداللَّه [صفحه ۶۵] بن احمد بن حنبل، حدثنا عباس بن الولید، حدثنا عبدالواحد بن زیاد، حدثنا سعید الجریری، عن ابی‌الورد، عن ابن‌اعبد قال: قال علی علیه‌السلام ین بن اعبد الا اخبرک عنی و عن فاطمه؟ کانت ابنه رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم و اکرم اهله علیه و کانت زوجتی، فجرت بالرحاء حتی اثر الرحی بیدها و استقت بالقربه حتی اثرت القربه بنحرها وقمت البیت حتی اغبرت ثیابها و اوقدت تحت القدر حتی دنست ثیابها و اصابها من ذلک ضر. [۹۰] . ۳۷- عنه حدثنا ابوحامد بن جبله، حدثنا محمد بن اسحاق، حدثنا محمد بن الصباح،حدثنا الولید بن مسلم، عن الاوزاعی، عن الزهری، قال: لقد طحنت فاطمه بنت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم حتی مجلت یدها و ربی اثر قطب الرحاء فی یدها. [۹۱] . ۳۸- حدثنا فاروق بن عبدالبکیر الخطابی، حدثنا ابراهیم بن عبداللَّه، حدثنا ابراهیم بن بشار حدثنا سفیان بن عیینه، عن عطاء بن السائب، عن ابیه، عن علی علیه‌السلام: ان فاطمه کانت حاملا، فکانت اذا خبزت اصاب حرف التنور بطنها، فاتت النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم تساله خادما، فقال: لا اعطیک و ادع اهل الصفه تطوی بطونهم من الجوع، اولا ادلک عمل خیر من ذلک، [صفحه ۶۶] اذا آویت الی فراشک تسبحین اللَّه تعالی ثلاثا و ثلاثین، و تحمدینه ثلاثا و ثلاثین و تکبرینه اربعا و ثلاثین. [۹۲] . ۳۹- عنه حدثنا محمد بن احمد بن الحسن، حدثنا ابراهیم بن هاشم، حدثنا امیه، حدثنا یزید بن زریع، عن روح بن القاسم، عن عمرو بن دینار، قال: قالت: عائشه:ما رایت احدا قط اصدق من فاطمه غیر ابیها قال: و کان بینهما شیء، فقالت یا رسول‌اللَّه سلها فانها لا تکذب. [۹۳] . ۴۰- الحافظ الهیثمی باسناده عن ابی‌مسعود قال: جاء رجل الی فاطمه، فلقال: یا بنت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم هل ترک رسول‌اللَّه شیئا تطرفینه، قالت: یا جاریه هات تلک الحریره، فطبتها فلم تجدها، فقالت و یلک اطلبیها فانها تعدل عندی حسنا و حسینا فطبتها فاذاغ هی قد قمتها فی قمامتها فاذا فیها: قال محمد صلی اللَّه علیه و آله و سلم لیس من المومنین من لا یامن جاره بوائقه، من کان یومن باللَّه و الیوم الاخر، فلیکرم ضیفه، من کان یومن باللَّه و الیوم الاخر فلیقل خیرا او لیسکت، ان اللَّه یحب الحی الحلیم المتعفف، و یبغض الفاحش البذی السائل الملحف ان الحیاء من الایمان و الایمان فی الجنه و الفحش من البذاء و البذاء فی النار. [۹۴] . ۴۱- ابن‌المغازلی اخبرنا احمد بن محمد بن عبدالواهاب بن [صفحه ۶۷] طاوان، حدثنا ابوعلی محمد بن علی بن المعلی السلمی المعدل، حدثنا علی بن عبداللَّه بن مشیر، حدثنا جابر بن کردی، حدثنا یزید بن هارون اخبرنا مبارک یعنی ابن‌فضاله، خدثنا ابوهارون العبدی، عن ابی‌سعید الخدری ان علیا احتاج حاجه شدیده و لم یکن عنده شیء، فخرج من البیت فوجد دینارا فعرفه فلم یعرفه احد. فقالت: فاطمه علیهاالسلام: ما علیک لو جعلته علی نفسک و ابتعت به لنا دقیقا،فان جاء صاحبه رددته علیه، قال: فخرج یبتاع به دقیقا، فاتی رجلا معه دقیق، فقال: کم بدینار فقال: کذی و کذی قال: کل، فکال فاعطاه الدینار، فقال: و اللَّه لا آخذه، قال: فرجع الی فاطمه علیهاالسلام فاخبرها. فقالت: سبحان‌اللَّه اخذت دقیق الرجل وجئت بدینارک، قال: حلف ان لا یاخذه فما اصنع؟ قال: فمکث یعرف الدینار و هم یاکلون الدقیق حتی نفد و لم یعرفه احد، فخرج یشتری به دقیقا فاذا هو بذلک الرجل بعینه معه دقیق، قال کم بدینار. قال: کذی و کذی قال: کل، فکال له فاعطاه فحلف ان لا یاخذه. فجاء بالدینار و الدقیق فاخبر فاطمه علیهاالسلام، فقالت: سبحان‌اللَّه جئت بالدقیق و رجعت بدینارک؟ فقال: فما اصنع؟ حلف ان لا

یاخذه حتی ینفد، قالت کان لک ان تبادره الی الیمین. قال: فمکث یعرف الدینار و هم یاکلون الدقیق حتی نفد، [صفحه ۶۸] قال: فخرج یشتری دقیقا، فاذا هو بذلک الرجل بعینه معه دقیق، قال: کم بدینار قال: کذی و کذی، قال: کل فکال له، فقال علی واللّه لتاخذنه ثم رمی به و انصرف. قال رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم: لعلی علیه‌السلام: یا علی کیف کان امر الدینار، فاخبره امره و ما صنع، فقال رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم: اتدری من الرجل؟ ذاک جبرئیل صلوات اللّه علیها و کان رزقا ساقه اللّه الیکم والذی نفسی بیده لو لم تحلف ما زلت تجده ما دام الدینار فی یدک. [۹۵] . ۴۲- عنه اخبرنا ابوطاهر محمد بن علی البیع، اخبرنا ابوعبداللّه احمد بن محمد بن عبداللّه بن خالد الکاتب، اخبرنا ابوبکر احمد بن جعفر بن محمد بن سلم الختلی، حدثنا عمر بن روح، حدثنا بشار بن خالد، عن جعفر بن سلیمان، عن ابی‌هارون العبدی، عن ابی‌سعید الخدری قال: افتقر علی و فاطمه. قالت فاطمه لعلی: لیس عندنا شیء فلو خرجت فطلبت، قال: فخرج فوجد دینارا فعرفه حتی مل، فلم یعرفه احد، قال فرجع الی فاطمه، فقالت: هل لک ان تستقرضه بدینار مکانه فاعنتنا [صفحه ۶۹] به فاتی السوق فاذا شیخ معه دقیق، فاخذ منه دقیقا ورد علیه الدینار، فاخذه و اخبر فاطمه. فقالت یرحم اللّه هذا الشیخ عرف قرابتک من رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم فرق لک، فاکلوا الطعام، ثم قالت له فاطمه: هل لک ان تستقرض الدینار، فاتی السوق، فاذا الشیخ قائم معه دقیق فاشتری منه بدینار دقیقا ورد علیه الدینار، فاخبر فاطمه علیها السلام بذلک فاکلوا الطعام. ثم عاد الثالثه، فاشتری منه بدینار، فاعطاه الدینار و حلف ان لا یاخذه، قال ابوهارون: فحدثنی ابوسعید الخدری بها فانصرفنا من عنده، فاذا رجل من الانصار فقال: ما خبرکم ابوسعید فخبرناه بالحدیث، قال: فاخبرکم من الشیخ؟ قد کتمکموه و هل جبرئیل. [۹۶] . ۴۳- قال ابن ابی‌الحدید: جاء فی الاخبار الصحیحه انه کان یجوع و یشد حجرا علی بطنه، و انه ما شبع آل محمد من لحم قط و ان فاطمه و بعلها و بنیها کانوا یاکلوا خبز الشعیر و انهم آثروا سائلا باربعه اقراص منه کانوا اعدوها لفطورهم و باتوا جیاعا. [۹۷] . ۴۴- ابوعبدالرحمان النسائی اخبرنا عبیداللّه بن فضاله بن ابراهیم قال: حدثنا عبداللّه بن یزید الحقری و انبانا محمد بن [صفحه ۷۰] عبداللّه بن یزید الحقری، قال: حدثنا ابی قال سعید: حدثنی ربیعه بن سیف المعافری، عن ابی‌عبدالرحمان الجبلی، عن عبداللّه بن عمرو قال بینما نحن نسیر مع رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم اذ بصر بامراه لا- تظن انه عرفها. فلما توسط الطریق وقف حتی انتهت الیه، فاذا فاطمه بنت رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم قال لها: ما اخرجک من بیتک یا فاطمه، قالت اتیت اهل هذا المیت فترحمت علیهم و عزیتهم بمیتهم قال: لعلک بلغت معهم الکدی قالت معاذ اللّه ان اکون بلغتها و قد سمعتک تذکر فی ذلک ما تذکر، فقال لها: لو بلغتها معهم ما رایت الجنه حتی یراها جد ابیک. [۹۸] .

دلائلها و خوارق عاداتها

۱- ابوجعفر المشهدی مرسلا عن ابی‌عبداللّه علیه‌السلام قال: بعث رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم الی فاطمه بمکیال فیه تمر مع ابی‌ذر، قال ابوذر: فاتیت الباب فقلت: السلام‌علیکم فلم یجبنی احد، فظننت ان فاطمه بحال الرضاع، ففتحت الباب [صفحه ۷۱] فاذا فاطمه علیهاالسلام نائمه و الحسن یرضع و الرحی تدور، قال ابوذر: فاتیت رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم فقلت یا رسول‌اللّه اتوب فیما صنعت، انی اتیت عظیما، فقال رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم: و ما اتیت یا اباذر فقص علیه ما کان، فقال علیه‌السلام ضعفت فاطمه فاعانها علی دهرها. [۹۹] . ۲- عنه، عن ابی‌جعفر الثانی علیه‌السلام قال: بعث رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم سلمان الی فاطمه علیهاالسلام لحاجه، قال سلمان: فوقفت بالباب وقفه حتی سلمت، فسمعت فاطمه تقرا القرآن خفاء و الرحا تدور من بر ما عندها انیس، قال: فعدت الی رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم فقلت یا رسول‌اللّه. سمعت فاطمه تقرا القرآن من خفاء و الرحا تدور من بر، ما عندها انیس، قال: فتبسم علیهاالسلام و قال: یا سلمان ان ابنتی فاطمه ملا اللّه قلبها و جوارحها ایمانا و یقینا الی مبانیها، ففرغت لطاعه اللّه، فبعث اللّه ملکا اسمه روفاییل فادار لها الرحا کفاها اللّه مؤونه الدنیا و الاخره. [۱۰۰] . ۳- عنه، عن اسامه بن زید قال: افتقد رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم علیا، فقال: اطلبوا لی اخی فی الدنیا و الاخره، اطلبوا لی فاصل الخطوب، اطلبوا

لی المحکم فی الجنه فی الیوم [صفحه ۷۲] المشهود، الطلبوا لی حامل لوائی فی المحمود، قال اسامه: فلما سمعت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم بادرت الی باب علی علیه‌السلام. فنادانی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم من خلفی: یا اسامه عجل علی بخبره و ذلک بین الظهر و العصر، فدخلت و وجدت علیا کالثوب الملقی لاطئا بالارض، ساجدا فی اللَّه و هو یقول: سبحان‌اللَّه الدائم، فکاک المغارم، رازق البهائم، لیس له فی دیمومته ابتداء و لا زوال و لا انقضاء فکرهت ان اقطع علیه ما هو فیه حتی یرفع راسه. سمعت ازیر الرحل فقصدت نحوها لاسلهم علی فاطمه و اخبرها بقول رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم فی بعلها فوجدتها راقده علی شقها الایمن مخمره وجهها بجلبابها فکان من و بر الابل اذ الرحا تدور بدقیقها و اذا کف علیها یطحن علیها بریق و کف اخری تلهی الرحا لها نور لا اقدر املی عینی و لا اری الا الیدین بغیر ابدان، و امتلات فرحا بما رایت من کرامات اللَّه بفاطمه. فرجعت الی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله سلم [۱۰۱] . و هو فی نفر من اصحابه، قلت یا رسول‌اللَّه انطلقت ادعو علیا فوجدته کذا [صفحه ۷۳] و کذا و انطلقت نحو فاطمه فوجدتها راقده علی شقها الایمن و رایت کذا، فقال یا اسامه اتدری من الطاحن و من الملهی لفاطمه ان اللَّه قد غفر لبعلها لسجدته سبعین مغفره واحده منها لذنوبه ما تقدم و ما تاخر و تسعه و ستین مذخوره لمحبیه و یغفر اللَّه بها ذنوبهم یوم القیامه. ان اللَّه رحم ضعف فاطمه لطول قنوتها باللیل و مکابدتها للرحاء و الخدمه فی النهار، فامر اللَّه و لیدان من الوالدن المخلدین ان یهبطا فی اسرع من الطرف و ان حدهما لیطحن و الاخر لیلهی رحاها و انما ارسلتک لتری و تخبر بنعمه اللَّه علینا، حدثا یا اسامه لو ابتدیا لک لذهب عقلک من حسنهما، و انما سالتنی خادما، فمنعتها فاخدمها اللَّه سبعین الف الف ولیده فی الجنه الذین رایت منهن و انا نحن اهل بیت اختار اللَّه لنا الاخره الباقیه علی الدنیا الفانیه. [۱۰۲] . ۴- عنه باسناده اخبرنا حماد بن سلمه، عن حمید الطویل، عن انس، قال: سالنی الحجاح بن یوسف عن حدیث عائشه وحدیث القدر التی رات فاطمه بنت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم و هی تحرکها بیدها، قلت: نعم اصلح اللَّه الامیر، دخلت عائشه علی فاطمه علیهاالسلام و هی تعمل للحسن و الحسین حریره بدقیق و لبن و شحم فی قدر علی النار یغلی و هی تحرک ما فی القدر باصبعها. و القدر یتفیق. [صفحه ۷۴] فخرجت عائشه فزعه مذعوره حتی دخلت علی ابیها: قالت: یا ابت انی رایت من فاطمه امرا عظیما عجیبا، رایتها و هی تعمل و القدر علی النار یغلی و هی تحرک ما فی النار بیدها فقال: یا بنت اکتمی فان هذا امر عظیم، فبلغ رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم فصعد المنبر فحمداللَّه و اثنی علیه. ثم قال: ان الناس یستعظمون و یستکبرون ما راو من القدر والنار والذی بعثنی بالرساله و اصطفهانی بالنبوه لقد حرم اللَّه عز و جل النار علی لحم فاطمه و دمها و شعرها و عصبها و فطم من النار ذریتها و شیعتها ان من نسلف فاطمه من تطیعه النار و الشمس و القمر و النجوم و الجبال و تضرب الجن بین یدیه بالسیف. توافی الیه الانبیاء بعهودها و تسلم الیه الارض کنوزها و تنزل علیه من السماء برکات ما فیها الویل لمن شک فی فضل فاطمه و لعن اللَّه من یبغض بعلها و لم یرض بامامه ولدها ان لفاطمه یوم القیامه لموقفا و لشیعتها موقف و ان فاطمه تدعی فتلبی، و تشفع فتشفع علی رغم کل راغم. [۱۰۳] . ۵- عنه باسناده عن زینب بنت علی علیه‌السلام: قالت: صلی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم صلوه الفجر ثم اقبل علی [صفحه ۷۵] علی علیه‌السلام، فقال: هل عندکم طعام، فقال: لم اکل منذ ثلاثه ایام طعاما و ما ترکت فی منزلها طعاما، فقال: امض بنا الی فاطمه فدخلا علیها و هی تلتوی من الجوع و ابناها معها، فقال: یا فاطمه فداک ابوک هل عندک طعام. فاستحیت و قالت: نعم، فقالت وصلت، ثم سمعت شئیا فالتفتت فاذا صحفه ملا ثریدا و لحما فاحتملتها وجاءت بها فوضعتها بین یدی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم، فجمع علیا و فاطمه و الحسن و الحسین علیهم‌السلام، و علی یطیل النظر الی فاطمه و یتعجب و یقول: خرجت من عندها و لیس معها طعام، فمن این هذا؟ ثم اقبل علیها فقال: یا بنت رسول‌اللَّه انی لک هذا، قالت: هو من عنداللَّه ان اللَّه یرزق من یشاء بغیر حساب، فبینما هم یاکلون اذ جاء سائل بالباب، فقال: السلام‌علیکم یا اهل البیت اطعمونی مما تاکلون، فقال علیه‌السلام: اخسا، ففعل ذلک ثلثا، قال علی امرتنا ان لا نرد السائل، من هذا الذی انت تخساه، فقال: یا علی ان هذا ابلیس علم ان هذا طعام الجنه فتشبه بسائل لنطعمه منه فاکل النبی و علی و فاطمه و الحسن و الحسین علیهم‌السلام حتی شبعوا ثم رفعت الصحفه و اکلوا من طعام الجنه فی الدنیا. [۱۰۴] . [صفحه ۷۶] ۶- عن جابر بن عبداللَّه

قال: ان رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم اقام ایا مالم یطعم طعاما حتی شق علیه ذلک، فطاف فی دیار ازواجه فلم یصب عند احد شیئا، فاتی فاطمه فقال: یا بنیه هل عندک شیء آکله فانی جائع، فقالت: لا و اللّه، فلما خرج بعثت جاریه لها برغیفین و بضعه لحم، فاخذته و وضعته فی جفنه و غطت علیها. قالت واللّه و لاوثرن بها رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله علی نفسی و علی غیری و کانوا محتاجین الی صحفه طعام، فبعثت حسنا او حسینا الی رسول‌اللّه، فخرج الیها، فقالت: اتانی اللّه بشیء فخبیته لک، فقال: هلمی یا بنیه، فکشف الجفنه فاذا هی مملوءه خبزا و لحما، فلما نظرت الیها بهتت و عرفت انه من عنداللّه. فحمدت‌اللّه و صلت علی ابیها و قدمته الیه، فلما راه حمداللّه و قال: من این لک هذا، قالت هو من عنداللّه ان اللّه یرزق من یشاء بغیر حساب، فبعث رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم الی علی، ثم اکل رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم و علی و فاطمه و الحسن و الحسین و جمیع ازواج النبی حتی شبعوا، قالت فاطمه: و بقیت الجفنه کما هی فاوسعت منها علی جیرانی و جعل اللّه فیها برکه و خیرا کثیرا. [۱۰۵] . [صفحه ۷۷] ۷- عنه باسناده عن عاصم بن الاحول، عن زر بن حبیش، عن سلمان قال: خرجت من منزلی یوما بعد وفاه رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم: فلقینی علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام، فقال: یا سلمان جفوتنا بعد وفاه رسول‌اللّه، فقلت: حبیبی یا امیرالمومنین مثلک لا یخفی علیه غیر ان حزنی علی رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم و هو الذی منعنی عن زیارتکم. فقال لی: یا سلمان ائت منزل فاطمه، فانها الیک مشتاقه و ترید ان تتحفک بتحفه قد اتحفت بها من الجنه، قال سلمان: فقلت یا امیرالمومنین اتحفت بتحفه من الجنه بعد وفاه رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم، قال: نعم یا سلمان، قال: فهر ولت هروله الی منزل فاطمه و قرعت الباب فخرجت الی فضه فتاذنت لی فدخلت، فاذا فاطمه جالسه و علیها عباء قد اعتجرت بها فاستترت. فلما راتنی قالت یا سلمان اجلس و اعقل و اعلم انی کنت جالسه بالامس متفکره فی وفاه رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم و الحزن یتردد فی صدری و قد... [۱۰۶] . باب حجرتی بیدی، فانفتح من غیر ان یفتحها احد فاذا انا بثلاث قد دخلن علی ما لم یر الراوون حسنهن و نظاره وجوههن، فلما دخلن قمت الیهن مستنکره لهن. [صفحه ۷۸] فقلت: انتن من اهل المدینه او من اهل مکه، فقلن: لا من اهل المدینه و لا من اهل مکه و لا من اهل الارض، نحن من الحور العین ارسلنا الیک رب العالمین یا بنت رسول‌اللّه لنعزیک بوفاه رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم. قالت فاطمه: فقلت لاحداهن، ما اسمک، قالت ذره، قلت: حبیبتی لم سمیت ذره؟ قالت: سمیت ذره لانی لابی‌ذر الغفاری صاحب رسول‌اللّه صلی اللّه و آله و سلم، فقلت: للاخری ما اسمک قالت: انا سلمی، فقلت لم سمیت سلمی، فقالت: انا لسلمان الفارسی صاحب رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم. فقلت للاخری ما اسمک قالت مقداده، لانی للمقداد بن الاسود، فاهدین هدیه اخبات لک منها، ثم اخرجت لی طبقا ابیض فیه رطب من الخشکنانج و ابیض من الثلج و ازکی من المسک و اعطتنی منها خمس رطبات عجزت عن حملها، فقالت: کلهن عند افطارک وعد علی بعجمهن. قال لی سلمان: فخرجت من عندها ارید منزلی فما مررت باحد و لا بجمع من اصحاب رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم الا قالوا یا سلمان رائحه المسک الاذفر منک، قال سلمان: کتمت ان معی شیئا حتی اتیت منزلی، فلما کان وقت الافطار، افطرت علیهن فلم اجد لهن عجما، فغدوت الی فاطمه و قرعت الباب علیها فاذنت لی بالدخول. [صفحه ۷۹] فدخلت فقلت یا بنت رسول‌اللّه امرتنی ان آتیک بعجمه و انا لم اجد لها عجما، فتبسمت و لم تک ضحکت صلوات اللّه علیها، و قالت یا سلمان و هی من نخل غرسها اللّه تعالی لی فی دارالسلام بدعاء علمنیه ابی رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم کنت اقوله بکره و عشیه، قلت: علمینی الکلام سیدتی. قالت: ان سرک ان تلقی اللّه عز و جل و هو عنک راض غیر غضبان و لا یضرک وسوسه الشیطان ما دمت حیا، فواظب علیه، فقال سلمان فقلت: علمینی، فقالت علیهاالسلام: بسم اللّه النور، بسم اللّه نور النور، بسم اللّه نور علی نور، بسم اللّه الذی هو مدبر الامور، بسم اللّه الذی خلق النور و انزل النور علی الطور فی کتاب مسطور بقدر مقدور علی نبی محبور. بسم اللّه الذی هو بالعز مذکور و بالخیر مشهور و علی السراء و الضراء مشکور، قال سلمان: فتعلمته و لقد لقیت اکثر من الف نفس من اهل مکه و المدینه ممن بهم علل لالحمی و کلهم براوا باذن اللّه تعالی و فی روایه اخری سکن وسوسه الشیطان و قد نزل علیها علیهاالسلام الرزق من السماء و کثرا ما یدور الرحا فی بیتها و هی نائمه او مشتغله بامر آخر و الروایه منها متظافره. [۱۰۷]

. ۸- عنه باسناده عن ذازان، عن سلمان رضی‌اللَّه عنه قال: [صفحه ۸۰] اتیت ذات یوم منزل فاطمه علیهاالسلام فوجدتها نائمه قد تغطت بالعباءه، فنظرت الی قدر منصوبه بین یدیها یغلی بغیر نار، فانصرفت مبادرا الی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم، فلما ابصرنی ضحکک، ثم قال: یا اباعبداللَّه اعجبک ما رایت من حال ابنتی فاطمه، قلت نعم یا رسول‌اللَّه. فقال علیه‌السلام: تعجب من امر اللَّه، ان اللَّه تبارک و تعالی قد علم ضعف ابنتی فاطمه، فایدها بمن یعینها علی دهرها من کرام ملائکته. [۱۰۸] . ۹- عنه باسناده عن امیرالمومنین علیه‌السلام استقرض من یهودی شیئا، فاسترهنه فدفع الیه ملاءه فاطمه علیهاالسلام و کانت من الصوف، فادخلها الیهودی داره و وضعها فی بیت، فلما کان اللیل دخلت زوجته البیت الذی فیه الملاءه لشغل، فرات نورا ساطعا و انصرفت الی زوجها فاخبرته بما راته فی ذلک البیت. فتعجب زوجها و قد نسی ان فی بیته ملاءه فاطمه، فنهض مسرعا و دخل البیت فاذا ضیاء الملاءه منتشره و شعاعها کانها تشتعل من بدر منیر بلغ من قرب، فتعجب من ذلک فامعن النظر فی موضع الملاءه، فعلم ان النورمن ملاءه فاطمه، فخرج الیهودی الی قرابه زوجته فاستحضرهم الدار و اجتمع ثمانون من الیهود فراوا [صفحه ۸۱] ذلک و اسلموا [۱۰۹] . ۱۰- ابن‌شهر آشوب باسناده عن سلیم قال: سمعت محمد بن ابی‌بکر قرا و ما ارسلنا من قبلک من رسول و لا نبی و لا محدث، قلت: و هل تحدث الملائکه الا الانبیاء،قال: مریم و لم تکن نبیه و کانت محدثه و ام‌موسی و لم تکن نبیه و کانت محدثه،و ساره قد عاینت الملائکه فبشروها باسحاق و من وراء اسحاق یعقوب و لم تکن نبیه و فاطمه کانت محدثه و لم تکن نبیه. [۱۱۰] . ۱۱- عنه، عن سهل بن ابی‌صالح، عن ابن‌عباس انه اغمی علی النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم فی مرضه، فدق بابه، فقالت فاطمه: من ذا فقال: انا رجل غریب اتیت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم اتاذنون لی فی الدخول علیه، فاجابت امض رحمک اللَّه لحاجتک، فرسول اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم عنک مشغول فمضی ثم رجع فدق الباب. قال: انا غریب یستاذن علی رسول‌اللَّه، اتاذنون للغرباء فافاق رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم من غشیته، فقال: یا فاطمه اتدرین من هذا؟ قالت: لا یا رسول‌اللَّه، قال: هذا مفرق الجماعات و منغص اللذات، هذا ملک الموت، ما استاذن واللَّه علی احد قبلی و لا یستاذن لاحد بعدی، استاذن علی لکرامتی علی اللَّه [صفحه ۸۲] ائذنی له. فقالت: ادخل رحمک اللَّه، فدخل کریح هفافه و قال: السلام علی اهل بیت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم، فاوصی النبی الی علی بالصبر عن الدنیا و بحفظ فاطمه و یجمع القرآن و بقضاء دینه و یغسله و ان یعمل حول قبره حائطاو یحفظ الحسن و الحسین. [۱۱۱] . ۱۲- عنه باسناده عن ابی‌عبیده، عن الصادق علیه‌السلام، قال: بکت فاطمه علی ابیها خمسه و سبعین یوما، و کان جبرئیل یاتیها و یخبرها بحال ابیها و یعزیها و یخبرها بالحوادث بعدها و کان علی یکتب ذلک، و هذا کقوله تعالی: (فنادایها من تحتها الا تحزنی) [۱۱۲] . ۱۳- عنه باسناده عن ابی علی الصولی فی اخبار فاطمه و ابوالسعادات فی فضائل العشر ه، عن ابی‌ذر الغفاری، قال: بعثنی النبی ادعوا علیا، فاتیت بیته و نادیته، لم یجبنی، فاخبرت النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم فقال: عدالیه فانه فی البیت، فاتیت و دخلت علیه، فرایت الرحی تطحن و لا احد عندها، فقلت لعلی: ان النبی یدعوک، فخرج متوحشا حتی اتی النبی فاخبرت النبی بما رایت فقال: یا اباذر لا تعجب فان للَّه ملائکه سیاحون فی الارض موکلون بمعونه آل‌محمد. [۱۱۳] . [صفحه ۸۳] ۱۴- عنه باسناده عن الحسن البصری و ابن‌اسحاق، عن عمار و میمونه ان کلیهما قالا وجدت فاطمه نائمه و الرحی تدور، فاخبرت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم بذلک، فقال ان اللَّه علم ضعف امته فاوحی الی الرحی ان تدور فدارت. [۱۱۴] . ۱۵- عنه قال: روی انها علیهاالسلام ربما اشتغلت بصلوتها و عبادتها، فربما بکی ولدها، فرای المهد یتحرک و کان ملک یحرکه. [۱۱۵] . ۱۶- عنه عن محمد بن علی بن الحسین بن علی علیهم‌السلام قال بعث رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم سلمان الی فاطمه قال: فوقفت بالباب وقفه حتی سلمت، فسمعت فاطمه تقرا القرآن من جو و تدور الرحی من بر، ما عندها انیس. [۱۱۶] . ۱۷- و فی خبر آخر فتبسم رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم و قال: یا سلمان ابنتی فاطمه ملا ا- قلبها و جوارحها ایمانا الی مشاشها تفرغت لطاعه اللَّه، فبعث اللَّه ملکا اسمه روقائیل. [۱۱۷] . ۱۸- فی خبر آخر جبرئیل فادار الرحی و کفاها اللَّه مونه الدنیا مع مونه الاخره. [۱۱۸] . ۱۹- عنه باسناده عن علی بن معمر، قال: خرجت امایمن [صفحه ۸۴] الی مکه لما توفیت فاطمه علیهاالسلام، و قالت لا اری المدینه بعدها، فاصابها عطش شدید فی

الجحفه حتی خافت علی نفسها، قال: فکسرت عینیها نحو السماء ثم قالت: یا رب اتعطشنی و انا خادمه بنت نبیک، قال: فنزل الیها دلو من ماء الجنه فشربت و لم تجع و لم تطعم سنین. [۱۱۹] . ۲۰- عنه باسناده عن مالک بن دینار، رایت فی مودع الحج امراه ضعیفه علی دابه نحیفه الناس ینصحونها لتنکص فلما توسطنا البادیه کلت دابتها، فعذلتها فی اتیانها، فرفعت راسها الی السماء و قالت لا فی بیتی ترکتنی و لا الی بیتک حملتنی، فوعزتک و جلالک لو فعل بی هذا غیرک لما شکوته الا الیک فاذا شخص اتاها من الفیفاء و فی یده زمام ناقه. فقال لها ارکبی فرکبت و سارت الناقه کالبرق الخاطب، فلما بلغت المطاف، رایتها تطوف فحلفتها من انت، فقالت: انا شهره بنت ممسکه بنت فضه خادمه الزهراء علیهاالسلام. [۱۲۰] . ۲۱- عنه قال: رهنت علیهاالسلام کسوه لها عند امراه زید الیهودی فی المدینه، و استقرضت الشعیر فلما ذخل زید داره قال: ما هذه الانوار فی دارنا؟ قالت لکسوه فاطمه فاسلم فی الحال و اسلمت امراته و جیرانه حتی اسلم ثمانون نفسا. [۱۲۱] . [صفحه ۸۵] ۲۲- عنه مرفوعا، سالت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم خاتما، فقال: الا اعلمک ما هو خیر من الخاتم اذا صلیت صلوه اللیل فاطلبی من اللَّه عز و جل خاتما، فانک تنالین حاجتک، قالت فدعت ربها تعالی فاذا بهاتف یهتف یا فاطمه الذی طلبت منی تحت المصلی، فرفعت المصلی فاذا الخاتم یاقوت لا قیمه له، فجعلته فی اصبعها و فرحت. فلما نامت فی لیلتها رات فی منامها کانها فی الجنه، فرات ثلاثه قصور لم تر فی الجنه مثلها، قالت لمن هذه القصور؟ قالوا لفاطمه بنت محمد، قالت: فکانها دخلت قصرا من ذلک ودارت فیه فرات سریرا قد مال علی ثلاث قوائم، فقالت: ما لهذا السریر قد مال علی ثلاثه، قالوا: لان صاحبته طلبت من اللَّه تعالی خاتما فنزع احد القوائم وصنع لها خاتما و بقی السریر علی ثلاث قوائم. فلما اصبحت دخلت علی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم و قصت القصه، فقال النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم، معاشر آل‌عبدالمطلب لیس لکم الدنیا، انما لکم الاخره و میعادکم الجنه، ما تصنعون بالدنیا فانها زائله غراره فامرها النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم ان ترد الخاتم تحت المصلی، فردت ثم نامت علی المصلی فرات فی المنام انها دخلت الجنه فدخلت ذلک القصر ورات السریر علی اربع قوائم فسالت عن حاله، فقالوا: ردت الخاتم و رجع السریر الی [صفحه ۸۶] هیئته. [۱۲۲] . ۲۳- عنه باسناده عن ابی‌جعفر الطوسی فی اختیار الرجال عن ابی‌عبداللَّه علیه‌السلام و عن سلمان الفارسی انه لما استخرج امیرالمومنین علیه‌السلام من منزله خرجت فاطمه حتی انتهت الی القبر، فقالت: خلوا عن ابن‌عمی، فوالذی بعث محمدا بالحق لان لم تخلوا عنه لانشرن شعری و لاضعن قمیص رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم علی راسی و لا- صرخن الی اللَّه تعالی، فما ناقه صالح باکرم علی اللَّه من ولدی. قال سلمان: فرایت واللَّه اساس حیطان المسجد تقلعت من اسفلها حتی لو اراد رجل ان ینفذ من تحتها نفذ، فدنوت منها و قلت یا سیدتی و مولاتی ان اللَّه تبارک و تعالی بعث اباک رحمه فلا تکونی نقمه، فرجعت الحیطان حتی سطعت الغبره من اسفلها، فدخلت فی خیاشیمنا. [۱۲۳] . ۲۴- فی البحار روی ان اباعبداللَّه علیه‌السلام قال: ان خدیجه لما توفیت جعلت فاطمه تلوذ برسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم و تدور حوله و تساله یا رسول‌اللَّه این امی، فجعل النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم لا یجیبها فجعلت تدور علی من تساله و رسول‌اللَّه لا یدری ما یقول. [صفحه ۸۷] فنزل جبرئیل فقال: ان ربک یامرک ان تقرا علی فاطمه السلام و تقول لها: ان امک فی بیت من قصب، کعابه من ذهب، و عمده من یاقوت احمر، بین آسیه امراه فرعون و مریم بنت عمران، فقالت فاطمه: ان اللَّه هو السلام و منه السلام و الیه السلام. [۱۲۴] . ۲۵- قال: روی ان علیا علیه‌السلام اصبح یوما فقال لفاطمه: عندک شیء تغذینیه، قال: لا فخرج و استقرض دینارا لیبتاع ما یصلحهم، فاذا المقداد فی جهد و عیاله جیاع، فاعطاه الدینار و دخل المسجد و صلی الظهر و العصر مع رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سمل، ثم اخذ النبی بید علی و انطلقا الی فاطمه و هی فی مصلاها و خلفها جفنه تفور. فلما سمعت کلام رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم خرجت فسلمت علیه و کانت اعز الناس علیه فرد السلام و مسح بیده علی راسها، ثم قال: عشینا غفراللَّه لک و قد فعل، فاخذت الجفنه فوضعتها بین یدی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم. قال: یا فاطمه انی لک هذا الطعام الذی لم انظر الی مثل لونه قط، و لم اشم مثل رائحته قط و لم آکل اطیب منه؟ و وضع کفه بین کتفی و قال: هذا بدل عن دینارک، ان اللَّه یرزق من یشاء بغیر حساب. [۱۲۵] . [صفحه ۸۸] ۲۶- قال: روی ان الیهود کان لهم عرس، فجاءوا الی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم و قالوا: لنا

حق الجوار فنسالـک ان تبعث فاطمه بنتک الی دارنا حتی یزداد عرسنا بها و الحوا علیه فقال: انها زوجه علی بن ابی‌طالب و هی بمکه و سالوه ان یشفع الی علی فی ذلک. قد جمع الیهود الطم و الرم من الحلی و الحلل، و ظن الیهود ان فاطمه تدخل فی بذلتها و ارادوا الاستهانه بها، فجاء جبرئیل بثیاب من الجنه و حلی و حلل لم یروا مثلها، فلبستها فاطمه و تحلت بها، فتعجب الناس من زینتها و الوانها و طیبها، فلما دخلت فاطمه دار الیهود سجد لها نساوهم یقبلن الارض بین یدیها و اسلم بسبب ما راوا خلق کثیر من الیهود. [۱۲۶] . ۲۷- الزمخشری فی الکشاف، عن النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم انه جاع فی زمن قحط فاهدت له فاطمه رغیفین و بضعه لحم آثرته بها، فرجع بها الیها، فقال:هلمی یا بنیه کشفت عن الطبق فاذا هو مملوء خبزا و لحما، فبهتت و علمت انها نزلت من عنداللَّه، فقال لها: انی لک هذا؟ قالت: هو من عنداللَّه ان اللَّه یرزق من یشاء بغیر حساب، فقال علیه‌السلام: الحمدللَّه الذی جعلک شبیهه سیده نساء بنی [صفحه ۸۹] اسرائیل، ثم جمع رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم علی بن ابی‌طالب و الحسن و الحسین و جمیع اهل بیته حتی شبعوا و بقی الطعام کما هو و اوسعت فاطمه علی جیرانها. [۱۲۷] .

عبادتها

۱- احمد بن محمد بن خالد البرقی، عن یحیی بن محمد، عن علی بن النعمان، عن ابن ابی‌نجران، عن بعض رجاله، عن ابی‌عبداللَّه علیه‌السلام، قال: من سبح‌اللَّه فی دبر الفریضه قبل ان یثنی رجلیه تسبیح فاطمه علیهاالسلام، المائه و اتبعها بلا آله الا اللَّه مره واحده غفر له. [۱۲۸] . ۲- عنه، عن یحیی و عمرو بن عثمان، عن محمد بن عذافر قال: دخلت مع ابی‌علی ابی‌عبداللَّه علیه‌السلام فساله ابی‌تسبیح فاطمه علیهاالسلام، فقال: اللَّه‌اکبر حتی احصاها اربع و ثلاثین، ثم قال: الحمدللَّه حتی بلغ سبعه و ستین، ثم قال: سبحان‌اللَّه حتی بلغ مائه یحصیها بیده جمله واحده. [۱۲۹] . ۳- ابوجعفر الطبری الامامی اخبرنی الشریف ابومحمد [صفحه ۹۰] الحسن بن احمد المحمدی النقیب، قال: اخبرنی ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی قال: حدثنا محمد بن الحسن القزوینی المعروف بابن مغیره، قال: حدثنا محمد بن عبداللَّه الحضرمی قال: حدثنا جندل بن والق، قال: حدثنا محمد بن عمر المازنی، عن عباد الضبی، عن جعفر بن محمد، عن ابیه، عن ابیه علی بن الحسین، عن فاطمه الصغری بنت الحسین، عن الحسین عن اخیه الحسن علیهم‌السلام. قال: رایت امی فاطمه قائمه فی محرابها لیله الجمعه، فلم تزل راکعه ساجده حتی انفلق عمود الصبح سمعتها تدعو للمومنین و المومنات و تسمیهم و تکثر الدعاء لهم و لا تدعو لنفسها بشیء فقلت: یا اماه لم تدعی لنفسک کما تدعین لغیرک، قالت یا بنی‌الجار قبل الدار. [۱۳۰] . ۴- ابوجعفر الصدوق حدثنی محمد بن الحسن رضی‌اللَّه‌عنه قال حدثنی محمد بن الحسن الصفار، عن محمد بن الحسین عن محمد بن اسماعیل، عن صالح بن عقبه، عن ابی‌هارون المکفوف، عن ابی‌عبداللَّه علیه‌السلام انه قال: لابی هارون المکفوف: یا اباهارون انا نامر صبیاننا بتسبیح الزهراء علیهاالسلام مکما نامرهم بالصلوه، فالزمه فانه لم یلزمه عبد [صفحه ۹۱] فیشقی. [۱۳۱] . ۵- عنه عن ابیه رحمه‌اللَّه قال: حدثنی محمد بن یحیی، عن محمد بن احمد، عن ابی‌محمد جعفر بن احمد بن سعید البجلی ابن‌اخی صفوان بن یحی، عن علی بن اسبطا،عن سیف بن عمیره، عن ابی‌الصباح بن نعیم العبدی، عن محمد بن مسلم قال: قال ابوجعفر علیه‌السلام: من سبح تسبیح الزهراء علیهاالسلام ثم استغفر غفر له و هی مائه باللسان و الف فی المیزان، و تطرد الشیطان و ترضی الرحمان. [۱۳۲] . ۶- عنه حدثنی محمد بن الحسن رضی‌اللَّه‌عنه، عن محمد بن الحسن الصفار، عن محمد بن الحسین، عن محمد بن اسماعیل عن ابی‌خالد القماط، قال: سمعت اباعبداللَّه علیه‌السلام یقول: تسبیح فاطمه الزهراء علیهاالسلام فی کل یوم فی دبر کل صلاه احب الی من صلاه الف رکعه، فی کل یوم. ۷- عنه حدثنی محمد بن الحسن رضی اللَّه عنه قال: حدثنی الحسین بن الحسن بن ابان عن الحسین بن سعید عن فضاله عن ابن ابی‌نجران، عن عبداللَّه بن سنان قال: قال ابوعبداللَّه علیه‌السلام: من سبح تسبیح فاطمه علیهاالسلام قبل ان یثنی رجلیه من صلاه الفریضه غفراللَّه و یبدا بالکتبیر. [۱۳۳] . [صفحه ۹۲] ۸- قال الدیلمی فی اعلام الدین: کانت سیدتنا فاطمه علیهاالسلام تنهج فی صلاتها من خشیه اللَّه. [۱۳۴] . ۹- ابن‌شهر آشوب، روی انها علیهاالسلام ربما اشتغلت بصلاتها و

عبادتها فربما بكى ولدها، فراى المهد يتحرك و كان ملك يحركه. [۱۳۵] . ۱۰- على بن عيسى الاربلى مرفوعا عن ابى‌عبدالله عليه‌السلام قال: تسبيح فاطمه عليهاالسلام كل يوم فى دبر كل صلوه احب الى من صلوه الف ركعه فى كل يوم. [۱۳۶] . ۱۱- محمد بن يعقوب، عن محمد بن يحيى، عن محمد بن الحسين، عن ابن‌بزيع، عن صالح بن عقبه، عن عقبه، عن ابى‌جعفر عليه‌السلام: ما عبدالله بشىء من التعجيه افضل من تسبيح فاطمه عليهاالسلام و لو كان شيئا افضل منه لنحله رسول‌الله صلى الله عليه و آله و سلم فاطمه عليهاالسلام. [۱۳۷] . ۱۲- الحافظ ابونعيم حدثنا فاروق بن عبدالبكر الخطابى، حدثنا ابراهيم بن عبدالله، حدثنا ابراهيم بن بشار حدثنا سفيان بن عيينه عن عطاء بن السائب، عن ابيه عن على: ان فاطمه كانت حاملا، فكانت اذا خبزت اصاب حرف التنور بطنها، فاتت [صفحه ۹۳] النبى صلى الله عليه و آله و سلم تساله خادما. فقال لا- اعطيك وادع اهل الصفه تطوى بطونهم من الجوع اولا ادلك على خير من ذلك؟ اذا آويت الى فراشك تسبحين الله تعالى ثلاثا و ثلاثين، و تحمدينه ثلاثا و ثلاثين و تكبرينه اربعا و ثلاثين. [۱۳۸] . ۱۳- الحاكم النيسابورى حدثنا ابوبكر محمد بن جعفر بن يزيد العدل ببغداد حدثنا ابوبكر محمد بن ابى‌العوام الرياحى، حدثنا يزيد بن هارون انبانا العوام بن حوشب، عن عمر و بن مره، عن عبدالرحمان بن ابى‌ليلى، عن على بن ابى‌طالب رضى‌الله تعالى عنه. قال: اتانا رسول‌الله صلى الله عليه و آله و سلم، فوضع رجله بينى و بين فاطمه رضى‌الله عنها، فعلمنا ما نقول اذا اخذنا مضاجعنا، فقال: يا فاطمه اذا كنتما بمنزلكما، فسبحا الله ثلاثا و ثلاثين، و احمدا ثلاثا و ثلاثين، و كبرا اربعا و ثلاثين. قال على: والله ما تركتها بعد، فقال له رجل كان فى نفسه عليه شىء و لا ليله صفين قال على و لا ليله صفين. [۱۳۹] . [صفحه ۹۴]

منزلتها عند ابيها

۱- الصدوق حدثنا محمد بن الحسن بن احمد بن الوليد رضى‌الله‌عنه، قال: حدثنا محمد بن الحسن الصفار، عن احمد بن محمد بن خالد، قال: حدثنى ابوعلى الواسطى،عن عبدالله بن عصمه، عن يحيى بن عبدالله، عن عمرو بن ابى‌المقدام، عن ابيه عن ابى‌عبدالله عليه‌السلام قال: دخل رسول‌الله صلى الله عليه و آله و سلم منزله فاذا عائشه مقبله على فاطمه تصايحها و هى تقول والله يا بنت خديجه ما ترين الا ان لامك علينا فضلا و اى فضل كان لها علينا ما هى الا كبعضنا. فسمعت مقالتها فاطمه، فلما رات فاطمه رسول‌الله صلى الله عليه و آله و سلم بكت، فقال لها: ما يبكيك؟ يا بنت محمد، قالت ذكرت امى فتنقصتها فبكيت، فغضب رسول‌الله صلى الله عليه و آله و سلم ثم قال: مه يا حميراء، فان الله تبارك و تعالى بارك فى الولود الودود، و ان خديجه رحمها الله ولدت منى طاهرا و هو عبدالله و هو المطهر، و ولدت منى القاسم و فاطمه و رقيه [صفحه ۹۵] و ام‌كلثوم و زينب و انت ممن اعقم الله رحمها فلم تلدى شيئا. [۱۴۰] . ۲- عنه رحمه‌الله حدثنا محمد بن ابراهيم بن اسحاق الطالقانى رضى‌الله‌عنه، قال:حدثنا ابوسعيد الحسن بن على العدوى، قال: حدثنا عمر بن المختار، قال: حدثنا يحيى الحمانى، قال: حدثنا قيس بن الربيع، عن الاعمش، عن عبايه بن ربعى الاسدى، عن ابى‌ايوب الانصارى، قال: ان رسول‌الله صلى الله عليه و آله و سلم مرض مرضه، فاتته عليهاالسلام تعوده و هو ناقه من مرضه. فلما رات ما برسول الله صلى الله عليه و آله و سلم من الجهد و الضعف خنقتها العبره حتى جرت دمعتها على خدها فقال النبى صلى الله عليه و آله و سلم لها: يا فاطمه ان الله جل ذكره اطلع على الارض اطلاعه فاختار منها اباك، و اطلع ثانيه فاختار منها بعلك، فاوحى الى فانكحتكه، اما علمت يا فاطمه ان لكرامه الله اياك زوجك اقدمهم سلما و اعظمهم حلما و اكثرهم علما. قال فسرت بذلك فاطمه و استبشرت بما قال لها رسول‌الله صلى الله عليه و آله و سلم، فاراد رسول‌الله ان يزيدها مزيد الخير كله من الذى قسمه الله له و لمحمد صلى الله عليه و آله و آل محمد، فقال عليه‌السلام يا فاطمه لعلى ثمان خصال: ايمانه بالله [صفحه ۹۶] و برسوله، و علمه و حكمته و زوجته، و سبطاه حسن و حسين، امره بالمعروف و نهيه عن المنكر و قضاوه بكتاب الله. يا فاطمه انا اهل بيت اعطينا سبع خصال لم يعطها احد من الاولين قبلنا و لا يدركها احد من الاخرين بعدنا، نبينا خير الانبياء، و هو ابوك و وصينا خير الاوصياء و هو بعلك، و شهيدنا سيد الشهداء و هو حمزه عم ابيك و منا من له جناحان يطير بهما فى الجنه و هو جعفر، و منا سبطا هذه الامه و هما ابناك.

[۱۴۱] . ۳- ابوجعفر الطبری اخبرئی القاضی ابواسحاق ابراهیم بن مخلد بن جعفر الباقر حی، قال: حدثتنی خدیجه امالفضل ابنه محمد بن احمد بن ابی‌الثلج، قالت: حدثنا ابوعبداللّه محمد بن احمد الصفوانی قال: حدثنا ابواحمد عبدالعزیز بن یحیی بن عیسی الجلودی، قال: حدثنا محمد بن زکریا، قال: حدثنا جعفر بن عماره الکندی، قال: حدثنی ابی عن جابر الجعفی، عن ابی‌جعفر محمد بن علی علیهماالسلام عن جابر بن عبداللّه قال: قیل: یا رسول‌اللّه انک تقبل فاطمه و تلزمها و تدنیها منک و تفعل منها ما لا تفعله مع احد من بناتک، فقال صلی اللّه علیه و آله و سلم: ان جبرئیل اتانی بتفاحه من تفاح الجنه، فاکلتها فتحولت فی صلبی و واقعت خدیجه، فحملت بفاطمه، [صفحه ۹۷] فانا اشم منها رائحه الجنه. [۱۴۲] . ۴- عنه باسناده قال: حدثتنی خدیجه قالت: حدثنا ابوعبداللّه قال: حدثنا ابواحمد، قال: حدثنا محمد بن زکریا، قال: حدثنا عثمان بن عمران، قال: حدثنا عبداللّه بن موسی العبسی، قال: حدثنا جبله المکی، عن طاووس الیمانی، عن ابن‌عباس، قال: دخلت عائشه علی رسول‌اللّه و هو یقبل فاطمه، فقالت له: اتحبها یا رسول‌اللّه؟ فقال: ای واللّه لو تعلمین حبی لها لا- زددت لها حبا، ان اللّه تبارک و تعالی لما عرج بی الی السماء الرابعه اذن جبرئیل و اقام میکائیل، ثم قیل لی تقدم یا محمد، فقلت: اتقدم و انت بحضرتی یا جبرئیل، فقال: نعم ان اللّه فضل انبیاءه المرسلین علی جمیع ملائکته المقربین، و فضلک انت خاصه، فتقدمت وصلیت فی اهل السماء الرابعه. ثم التفت عن یمینی فاذا انا با براهیم الخلیل فی روضه من ریاض الجنه قد اکتنفته جماعه من الملائکه، ثم صرت الی السماء السادسه، فنودیت یا محمد نعم الاب ابوک ابراهیم و نعم الاخ اخوک علی، فلما صرت الی الحجب اخذ جبرئیل بیدی فادخلنی الجنه، فاذا انا برطب الین من الزبد و اطیب من المسک و احلی من العسل. [صفحه ۹۸] فاخذت رطبه و اکلتها فتحولت الرطبه فی صلبی، فلما ان هبطت الی الارض واقعت خدیجه فحملت بفاطمه الحوراء الانسیه، فاذا اشتقت الی الجنه شممت رائحتها. [۱۴۳] . ۵- قال المفید: جاءت الروایه انه قیل لفاطمه علیهاالسلام ما الذی اسر الیک رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم، فسری عنک به ما کنت علیه من الحزن و القلق بوفاته؟ قالت: انه اخبرنی اننی اول اهل بیته لحوقا به، و انه لن تطول المده بی بعده حتی ادرکه، فسری ذلک عنی. [۱۴۴] . ۶- ابوجعفر الطبری باسناده عن علی بن موسی الرضا علیه‌السلام قال: حدثنی ابی،عن ابیه، عن جده، عن ابیه علی بن الحسین، عن ابیه، عن علی علیه‌السلام قال: قالت فاطمه علیهاالسلام یوما لی انا احب الی رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله منکم، فقلت: لا- بل انا احب فقال الحسن: لا بل انا فقال الحسین: لا بل انا احبکم الی رسول‌اللّه و دخل رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم. فقال: یا بنیه فیم انتم؟ فاخبرناه، فاخذ فاطمه فاحتضنها و قبل فاما وضم علیا الیه و قبل بین عینیه و اجلس الحسن علی فخده الایمن و الحسین علی فخذه الایسر و قبلهما و قال: انعم اولی بی فی [صفحه ۹۹] الدنیا و الاخره والی اللّه، من والاکم و عادی من عاداکم، انتم منی و انا منکم و الذی نفسی بیده لا یتولاکم عبد فی الدنیا الا کان اللّه عز و جل ولیه فی الدنیا و الاخره [۱۴۵] . ۷- عنه باسناده عن ابن‌عباس قال: لما ماتت زینب بنت رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم، وقف رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم، وقف رسول‌اللّه علی شفیر القبر و فاطمه تبکی، فجعل یا خذثوبه فیمسح عینیها، فبکت النساء، فضربهن عمر بسوطه، فقال: یا عمر دعهن، فان العین دامعه و النفس مصابه، ابکین و ایاکن و بقیعه الشیطان فانه ما یکن من القلب و العین، فمن اللّه و ما یکن من الید و اللسان فمن الشیطان. [۱۴۶] . ۸- ابوجعفر الطوسی: اخبرنی محمد بن محمد قال: اخبرنی ابوعبداللّه محمد بن عمران المرزبانی، قال: حدثنا ابوبکر محمد بن محمد بن عیسی المکی، قال: حدثنا عبداللّه بن احمد بن حنبل قال: حدثنی ابی، قال: حدثنا هوذه بن خلیفه قال: حدثنا عوز، عن عطیه الغفاری، عن ابیه، عن ام‌سلمه رضی‌اللّه‌عنها. قالت: بینا رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم فی بیتی اذ قالت الخادم: یا رسول‌اللّه ان علیا و فاطمه علیهاالسلام فی السده، فقال: قومی فتنحی عن اهل بیتی، قالت: فقمت فتنحیت فی البیت قریبا، فدخل علی و فاطمه و الحسن والحسین علیهاالسلام و هما [صفحه ۱۰۰] صبیان صغیران. فوضعهما النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم فی حجره و قبلهما و اعتنق علیا باحدی یدیه و فاطمه بالید الاخری، و قبل فاطمه علیهاالسلام و قال: اللهم الیک انا و اهل بیتی لا الی النار، فقلت: یا رسول‌اللّه و انا معکم، فقال: و انت. [۱۴۷] . ۹- عنه، قال: اخبرنا محمد بن محمد قال: اخبرنا ابوجعفر محمد بن علی بن موسی بن بابویه، قال: حدثنی ابی قال: حدثنا احمد بن ادریس، قال: حدثنا

محمد بن عبدالجبار، قال: حدثنا ابن ابی‌عمیر، عن ابان بن عثمان، عن ابان بن تغلب، عن عکرمه، عن عبداللّه بن العباس، قال: لما حضرت رسول‌اللّه علیه و آله و سلم الوفاه بکی حتی بلت دموعه لحیته، فقیل یا رسول‌اللّه ما یبکیک؟ فقال: ابکی لذریتی و ما تصنع بهم شرار امتی من بعدی، کانی بفاطمه ابنتی و قد ظلمت بعدی و هی تنادی یا ابتاه یا ابتاه، فلا یعینها احد من امتی، فسمعت ذلک فاطمه علیهاالسلام فبکت فقال لها رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم: لا تبکین یا بنیه، فقالت: لست ابکی لما یصنع بی من بعدک ولکن ابکی لفراقک یا رسول‌اللّه، فقال لها ابشری یا بنت محمد بسرعه اللحوق بی، فانک اول من [صفحه ۱۰۱] یلحق بی من اهل بیتی. [۱۴۸] . ۱۰- عنه رحمه‌اللّه باسناده، عن عبداللّه بن حماد، عن صباح المزنی، عن الحارث بن حصیره، عن الاصبغ بن نباته، قال: سمعت الاشعث بن قیس الکندی وجویر الجبلی قالا-لعلی: یا امیرالمومنین حدثنا فی خلواتک انت و فاطمه قال: نعم بینا انا و فاطمه فی کساء اذ اقبل رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم نصف اللیل و کان یاتیها بالتمر و اللبن لیعینها علی الغلامین. فدخل موضع رجلا بحبالی و رجلا بحبالها، ثم ان فاطمه بکت فقال لها رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم ما یبکیک یا بنیه محمد؟ فقالت حالنا کما تری فی کساء نصفه تحتنا و نصفه فوقنا، فقال لها رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم: یا فاطمه اما تعلمین ان اللّه تعالی اطلع اطلاعه من سمائه الی ارضه فاختار منها اباک، فاتخذه صفیا وابتعثه برسالته وائتمنه علی وحیه. یا فاطمه اما تعلمین ان اللّه اطلع اطلاعه من سمائه الی ارضه فاختار منها بعلک و امرنی ان ازواجکه و ان اتخذه وصیا، یا فاطمه تعلمین ان العرش شاک ربه ان یزینه بزینه لم یزین بها بشرا من خلقه، فزینه بالحسن و الحسین برکنین من ارکان الجنه، و روی رکن من ارکان العرش. [۱۴۹] . [صفحه ۱۰۲] ۱۱- عنه، قال: حدثنا الحسین بن احمد بن ادریس رحمه‌اللّه، قال: حدثنا ابی، عن محمد بن احمد بن یحیی بن عمران الاشعری، عن ابراهیم بن هاشم، عن عمرو بن عثمان، عن محمد بن عذافر بن ابی‌حمزه، عن علی بن الحرور، عن القاسم، عن ابی‌سعد، قال: اتت فاطمه صلوات اللّه علیها ذات یوم ابیها صلی اللّه علیه و آله و سلم فذکرت عنده ضعف الحال. فقال لها: اما تدرین ما منزله علی عندی؟ کفانی امری و هو ابن‌اثنی عشر سنه و ضرب بین یدی بالسیف و هو ابن‌سته عشره سنه، و قتل الابطال و هو ابن‌تسعه عشر سنه و فرج هوموی و هو ابن‌عشرین سنه و قلع باب خیبر و هو ابن‌اثنی و عشرین سنه و کان لا یقلعه خمسون رجلا، قال: فاشرق لون فاطمه علیهاالسلام و لم تقر قدما علی الارض حتی اتت علیا علیه‌السلام فاخبرته، فقال کیف و لو حدثک بفضل اللّه علی کله. [۱۵۰] . ۱۲- عنه، قال: اخبرنا جماعه، عن ابی‌المفضل، قال: حدثنا محمد بن فیروز بن غیاث الجلاب بباب الابواب، قال: حدثنا محمد بن الفضل بن المختار البانی و یعرف بفضلان صاحب الجار، قال: حدثنی ابی‌الفضل بن المختار، عن الحکم بن ظهیر الفزاری الکوفی، عن ثابت بن ابی‌صفیه ابن‌حمزه، قال: حدثنی ابوعامر [صفحه ۱۰۳] القاسم بن عوف، عن ابی‌الطفیل عامر بن وائله: قال: حدثنی سلمان الفارسی رضی‌اللّه‌عنه قال: دخلت علی رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم فی مرضه الذی قبض فیه، فجلست بین یدیه و سالته عما یجد و قمت لاخرج، فقال لی: اجلس یا سلمان، فسیشهدک اللّه عز و جل امرا انه لمن خیر الامور، فجلست فبینا انا کذلک اذ دخل رجال من اهل بیته و رجال من اصحابه و دخلت فاطمه ابنته فیمن دخل، فلما رات ما برسول صلی اللّه علیه و اله و سلم من الضعف خنقتها العبره حتی فاض دمعها علی خدها. فابصر ذلک رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم، فقال: یا ببکیک یا بنیه؟ اقر اللّه عینک و لا-ابکاها قالت: و کیف لا-ابکی و انا اری ما بک من الضعف، قال لها: یا فاطمه توکلی علی اللّه و اصبری کما صبر آباوک من الانبیاء و امهاتک من ازواجهم، الا ابشرک یا فاطمه؟ قالت: بلی یا نبی‌اللّه- او قالت یا ابت- قال: اما علمت ان اللّه اختار اباک فجعله نبیا و بعثه الی کافه الخلق رسولا- ثم اختار علیا فامرنی، فزوجتک ایاه و اتخذته بامر ربی وزیرا و وصیا، یا فاطمه ان علیا اعظم المسلمین علی المسلمین بعدی حقا و اقدمهم سلما و اعلمهم علما و احلمهم حلما و اثبتهم فی المیزان قدرا، فاستبشرت فاطمه علیهاالسلام، فاقبل علیا رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم، فقال: هل سررتک یا فاطمه: [صفحه ۱۰۴] قالت: نعم یا ابه، قال: افلا ازیدک فی بعلک و ابن‌عمک من مزید الخیر و فواضله قالت: بلی یا نبی‌اللّه. قال: ان علیا اول من آمن باللّه عز و جل و رسوله من هذه الامه هو و خدیجه امک و اول من وازرنی علی ما جئت، یا فاطمه ان علیا اخی وصفیی و ابوولدی، ان علیا اعطی خصالا من

الخیر لم یعطها احد قبله و لا یعطاها احد بعده، فاحسنی عزاک و اعلمی ان اباک لاحق باللّه عز و جل، قالت: یا ابتا فرحتنی و احزنتنی، قال: کذلک یا بنیه امور الدنیا یشوب سرورها حزنها و صفوها کدرها، افلا ازیدک یا بنیه، قالت: بلی یا رسول‌اللّه. قال: ان اللّه تعالی خلق الخلق فجعلهم قسمین، فجعلنی و علیا فی خیرهما قسما، و ذلک قوله عز و جل: «و اصحاب الیمین ما اصحاب المین» ثم جعل القسمین قبائل،فجعلنا فی خیرها قبیله، و ذلک فی قوله عز و جل: «و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرمک عنداللّه اتقاکم»، ثم جعل القبائل بیوتا فجعلنا فی خیرها بیتا فی قوله سبحاهه: «انما یرید اللّه لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا». ثم ان اللّه تعالی اختارنی من اهل بیتی و اختار علیا و الحسن و الحسین، و اختارک، فانا سید ولد آدم و علی سید العرب و انت سیده النساء و الحسن و الحسین سید شباب اهل الجنه، و من ذریتکما المهدی یملا اللّه عز و جل به الارض عدلا کما ملئت من قبله [صفحه ۱۰۵] جورا. [۱۵۱] . ۱۳- الصدوق ابی‌رحمه‌اللّه قال: حدثنی محمد بن یحیی العطار، عن محمد بن احمد، عن ابراهیم بن هاشم، عن البراقی رفعه قال: بشر النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم بفاطمه علیهاالسلام، فنظر فی وجوه اصحابه فرای الکراهه فیهم فقال: ما لهم ریحانه اشمها و رزقها علی اللّه عز و جل. [۱۵۲] . ۱۴- الطبرسی مرسلا عن زراره، عن ابی‌جعفر علیه‌السلام قال: کان رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم اذا اراد السفر سلم علی من اراد التسلیم علیه من اهله، ثم یکون آخر من یسلم علیه فاطمه علیهاالسلام، فیکون توجهه الی سفره من بیتها، و اذا رجع بدا بها، فسافر مره و قد اصاب علی علیه‌السلام شیئا من الغنیمه، فدفعه الی فاطمه، ثم خرج، فاخذت سوارین من فضه و علقت علی بابها سترا. فلما قدم رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم دخل المسجد، فتوجه نحو بیت فاطمه علیهاالسلام کما کان یصنع فقامت فرحه الی ابیها صبابه و شوقا الیه، فنظر صلی اللّه علیه و آله و سلم فاذا فی یدها سواران من فضه و اذا علی بابها ستر، فقعد رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم حیث ینظر الیها، فبکت فاطمه [صفحه ۱۰۶] و حزنت و قالت ما صنع هذا ابی‌قبلها، فدعت ابنیها و نزعت الستر من بابها و خلعت السوارین من یدیها، ثم دفعت السوارین الی احدهما و الستر الی الاخر. ثم قالت لهما: انطلقا الی ابی‌فاقراه السلام و قولا له: ما احدثنا بعدک غیر هذا فما شانک به فجاءاه فابلغاه ذلک عن امهما، فقبلهما رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم و التزمهما و اقعد کل واحد منهما علی فخذه، ثم امر بذینک السوارین فکسرا فجعلهما قطعا قطعا، ثم دعا اهل الصفه- قوم من المهاجرین لم یکن لهم منازل و لا اموال- فقسمه بینهم. ثم جعل یدعو الرجل منهم العاری الذی لا یستتر بشیء و کان ذلک الستر طویلا و لیس له عرض فجعل یوزر الرجل فاذا التقا علیه قطعه حتی قسمه بینهم ازرا، ثم امر النساء لا یرفعن روسهن من الرکوع و السجود حتی یرفع الرجال روسهن من الرکوع و السجود حتی یرفع الرجال، ثم قال رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم رحم اللّه فاطمه لیکسوها اللّه بهذا الستر من کسوه الجنه و لیحلینها بهذین السوارین من حلیه [صفحه ۱۰۷] الجنه. [۱۵۳] . ۱۵- عنه مرفوعا عن الکاظم علیه‌السلام قال: ان رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم دخل علی ابنته فاطمه و فی عنقها قلاده، فاعرض عنها فقطعتها و رمت بها.فقال لها رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم: انت منی یا فاطمه، ثم جاء سائل فناولته القلاده. [۱۵۴] . ۱۶- روی ابن‌شهر آشوب عن جامع الترمذی و ابانه العکبری و اخبار فاطمه، عن ابی‌علی الصولی، و تاریخ خراسان عن السلامی مسندا ان جمیعا التمیمی قال: دخلت مع عمتی علی عائشه فقالت لها عمتی: ما حملک علی الخروج علی علی، فقالت عائشه: دعینا، فواللّه ما کان احد من الرجال احب الی رسول‌اللّه من علی و لا من النساء احب الیه من فاطمه. [۱۵۵] . ۱۷- قال: روی عن عبداللّه بن عطا، عن عبداللّه بن بریده، عن ابیه، قال: سالت رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و اله و سلم ای النساء احب الیک؟ قال: فاطمه، قلت من الرجال: قال: زوجها. [۱۵۶] . ۱۸- عنه، عن عائشه انه قال علی للنبی صلی اللّه علیه و آله [صفحه ۱۰۸] و سلم لما جلس بینه و بین فاطمه و هما مضطجعان، اینا احب الیک انا او هی، فقال: هی احب الی و انت اعز علی منها. [۱۵۷] . ۱۹- قال: فی خبر عن جابر بن عبداللّه انه افتخر علی علیه‌السلام و فاطمه بفضائلهما، فاخبر جبرئیل النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم انهما قد اطالا الخصوصه فی محبتک، فاحکم بینهما، فدخل و قص علیهما مقالتهما، ثم اقبل علی فاطمه و قال: لک خالوه الولد و له عز الرجال و هو احب الی منک فقالت فاطمه: والذی اصطفاک و اجتباک و هداک و هدی بک الامه لا زلت مقره له ما عشت. [۱۵۸] .

۲۰- عنه قال: فی فضائل السمعانی باسناده عن عکرمه قال: کان النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم اذا قدم من مغازیه قبل فاطمه، و رووا عن عائشه ان فاطمه کانت اذا دخلت علی رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم قام لها من مجلسه و قبل راسها و اجلسها مجلسه، و اذا جاء الیها لقیته و قبل کل واحد منهما صاحبه و جلسا معا. [۱۵۹] . ۲۱- عنه، عن ابی‌السعادات فی فضائل ابلعشره و ابن‌الموذن فی الاربعین باسناده عن عکرمه و ابن‌عباس و ابن‌عمر قالوا کان النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم اذا اراد سفرا کان اخر الناس عهدا [صفحه ۱۰۹] بفاطمه و اذا قدم کان اول الناس عهدا بفاطمه و لو لم یکن لها عنداللّه فضل عظیم لم یکن رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم یفعل معها ذلک. اذ کانت ولده و قد امر اللّه بتعظیم الولد للوالد و لا یجوز ان یفعل معها ذلک و هو بضد ما امر به امته من اللّه تعالی. [۱۶۰] . ۲۲- عنه، عن ابی‌سعید الخدری قال: کانت فاطمه علیهاالسلام من اعز الناس علی رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم، فدخل ابیها یوما و هی تصلی، فسمعت کلام رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم فی رحلها، فقطعت صلاتها و خرجت من المصلی فسلمت علیه فمسح یده علی راسها و قال: یابنیه کیف امسیت رحم‌اللّه عشینا غفراللّه لک و قد فعل. [۱۶۱] . ۲۳- روی عن اخبار فاطمه عن ابی‌الصولی قال عبداللّه بن الحسن: دخل رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم علی فاطمه، فقدمت علیه کسره یابسه من خبز شعیر، فافطر علیها، ثم قال: یا بنیه هذا اول خبز اکل ابوک منذ ثلاثه ایام، فجعلت فاطمه تبکی و رسول‌اللّه یمسح وجهها بیده. [۱۶۲] . ۲۴- روی عن الباقر و الصادق علیهماالسلام انه کان النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم لاینام حتی یقبل عرض وجه فاطمه و یضع وجهه بین ثدیی فاطمه و یدعو لها. [۱۶۳] . [صفحه ۱۱۰] ۲۵- قال: روی محمد بن عبداللّه الشافعی و ابن‌شهاب الزهری و ابن‌المسیب کلهم عن سعد بن ابی‌وقاص و ابومعاذ النحوی المروزی و ابوقتاده الحرانی، عن سفیان الثوری، عن هاشم بن عروه، عن ابیه عن عائشه، و الخرکوشی فی شرف النبی و الاشنهی فی الاعتقاد، و السمعانی فی الرساله و ابوصالح الموذن فی الاربعین و ابن‌السعادات فی الفضائل و من اصحابنا ابوعبیده الحذاء و غیره عن الصادق علیه‌السلام: انه کان رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم یکثر تقبیل فاطمه، فانکرت علیه بعض نسائه. فقال صلی اللّه علیه و آله و سلم: انه لما عرج بی الی السماء اخذ بیدی جبرئیل، الجنه، فناولنی من رطبها فاکلتها، و فی روایه فناولنی منها تفاحه فاکلتها فتحول ذلک نطفه فی صلبی فلما هبطت الی الارض واقعت خدیجه، فحملت بفاطمه، ففاطمه حوراء انسیه، فکلما اشتقت الی رائحه الجنه شممت رائحه ابنتی. [۱۶۴] . ۲۶- قال: دخل النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم علی فاطمه فرآها منزعجه، فقال لها: مالک، فقالت الحمیراء افتخرت علی امی انها لم تعرف رجلا قبلک و ان امی عرفتها مسنه، فقال علیه‌السلام ان بطن امک کان للامامه و عاء. [۱۶۵] . [صفحه ۱۱۱] ۲۷- قال الاربلی: روی الحافظ عبدالعزیز الجنابذی فی کتابه یرفعه الی عائشه قالت: ما رایت احدا اشبه حدیثا و کلاما برسول اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم من فاطمه و کانت اذا دخلت علیه اخذ بیدها فقبلها و اجلسها فی مجلسه، و کان اذا دخل علیها قامت الیه فقبلته و اخذت بیده فاجلسته فی مکانها. [۱۶۶] . ۲۸- روی عن حذیفه بن الیمان، قال: دخلت عائشه علی النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم و هو یقبل فاطمه صلوات اللّه علیها، فقالت له: یا رسول‌اللّه اتقبلها و هی ذات بعل؟ فقال لها: اما واللّه لو علمت ودی لها اذا لا زددت لها حبا، انه لما عرج بی الی السماء فصرت الی السماء الرابعه اذن جبرئیل و اقام میکائیل، ثم قال لی: اذن فقلت: ادنو و انت بحضرتی؟ فقال لی: نعم ان اللّه فضل انبیائه المرسلین علی ملائکته المقربین، و فضلک انت خاصه، فدنوت فصلیت باهل السماء الرابعه، فلما صلیت و صرت الی السماء السادسه اذا انا بملک من نور علی سریر من نور، عن یمینه صف من الملائکه، و عن یساره صف من الملائکه، فسلمت فرد علی السلام و هو متکی، فاوحی اللّه عز و جل الیه ایها الملک سلم علیک حبیبی و خیرتی من خلقی فرددت السلام علیه و انت متکی، و عزتی و جلالی لتقومن و لتسلمن علیه و لا تقعدن [صفحه ۱۱۲] الی یوم القیامه. فوثب الملک و هو یعانقنی و یقول: ما اکرمک علی رب العالمین یا محمد، فلما صرت الی الحجب نودیت «آمن الرسول بما انزل الیه» فالهمت فقلت: «و المومنون کل آمن باللّه و ملائکته و کتبه و رسله» ثم اخذ جبرئیل علیه‌السلام بیدی فادخلنی الجنه و انا مسرور، فاذا انا بشجره من نور مکللّه بالنور و فی اصلها ملکان یطویان الحلی و الحلل الی یوم القیامه، ثم تقدمت امامی، فاذا انا بقصر من لولوه بیضاء لا صدع فیها و لا وصل. فقلت: حبیبی جبرئیل لمن

هـذا القصـر؟ قال: لابنک الحسن، ثم تقـدمت امامی، فاذا انا بتفاح لم ارتفاحا هو اعظم منه، فاخذت تفاحه ففلقتها فاذا انا بحوراء کان اجفانها مقادیم اجنحه النسور، فقلت: لمن انت فبکت ثم قالت انا لابنک المقتول ظلما الحسین بن علی صلوات اللَّه علیه. ثم تقـدمت امـامی فـاذا انـا برطب الیه من الزبـد الزلاـل و احلی من العسـل، فـاکلت رطبه منها و انا اشـتهیها، فتحولت الرطبه نطفه فی صـلبی، فلما هبطت الی الارض واقعت خدیجه فحملت بفاطمه، ففاطمه حوراء انسیه، فاذا اشـتقت الی رائحه الجنه شممت رائحه ابنتی فاطمه صلی اللَّه علیهـا و علی ابیها و بعلها. [۱۶۷] . [صفحه ۱۱۳] ۲۹- قـال: و من کتاب ابی‌اسـحاق الثعلبی، عن جمیع بن عمیر، عن عمته قالت: سئلت عائشه من کان احب الناس الی رسول‌اللَّه صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم فقالت فاطمه علیهاالسـلام، قلت انما اسالک عن الرجال؟ قالت: زوجها و ما یمنعه فواللَّه ان کان ما علمت صواما قواما جـدیرا ان یقول بما یحب اللَّه و یرضـی. [۱۶۸] . ۳۰- روی عن ابن‌عباس قال: سالت النبی صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم عن الکلمات التی تلقی آدم من ربه فتاب علیه؟ قال: ساله بحق محمـد و علی و فاطمه و الحسن و الحسین الاـ تبت علی فتاب علیه. [۱۶۹] . ۳۱- سـلیم بن قیس سـمعت سلمان الفارسی قال: کنت جالسا بین یدی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سـلم فی مرضه الـذی قبض فیه، فـدخلت فـاطمه علیهاالسـلام، فلما رات رسول‌اللَّه صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم خنقتهـا العبره حتی جرت دموعهـا علی خـدیها، فقـال لهـا رسول‌اللَّه صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم یا بنیه ما یبکیک؟ قالت یا رسول‌اللَّه اخشـی علی نفسـی و ولدی الضـیعه من بعدک. فقال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم و اغرور قت عیناه: یا فاطمه او ما علمت انا اهـل بیت اختـار اللَّه لنـا الاـخره علی الـدنیا و انه حتم الفنـاء علی جمیع خلقه. ان اللَّه تبارک و تعالی اطلع الی [صـفحه ۱۱۴] الارض اطلاعه فاختارنی منهم فجعلنی نبیا، ثم اطلع الی الارض ثانیا فاختار بعلک و امرنی ان ازوجک اياه و ان اتخـذه اخا و وزیرا و وصـیا و ان اجعله خلیفتی فی امتی. فـابوک خیر انبیـاء اللَّه و رسوله و بعلـک خیر الاوصـیاء و الوزراء و انت اول من یلحقنی من اهلی: ثم اطلع الی الارض اطلاعه ثالثه فاختارک واحـد عشـر رجلا من ولدک و ولد اخی بعلک، فانت سـیده نساء اهل الجنه و ابناک سـیدا شـباب اهل الجنه و انا و اخی و الاحـد عشـر اماما و اوصـیائی الی یوم القیامه کلهم هاد مهتـد. اول الاوصـیاء بعد اخی الحسن ثم الحسـین ثم تسـعه من ولـد الحسـین فی منزل واحد فی الجنه و لیس منزل اقرب الی اللَّه من منزلی ثم منزل ابراهیم و آل ابراهیم، اما تعلمین یا بنیه ان من کرامه اللَّه ایاک ان زوجک خیر امتی و خیر اهل بیتی اقـدمهم سـلما و اعظمهم حلما و اکثرهم علما و اکرمهم نفسا و اصدقهم لسانا و اشـجعهم قلبا و اجودهم کفا و ازهدهم فی الدنیا و اشدهم اجتهادا. فاستبشـرت فاطمه علهیاالسـلام بما قال و فرحت ثم قال لها رسول‌اللَّه صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم ان لعلی بن ابی‌طالب ثمانیه اضـراس ثواقب نواقـد و مناقب لیست لاحد من الناس ایمانه باللَّه و برسوله قبل کل احد لم یسـبقه الی ذلک احد من امتی، و علم بکتاب اللَّه و سنتی لیس احد من امتی یعلم جمیع علمی غیر بعلک لان اللَّه علمنی علما لا یعلمه غیری و علم ملائکته و رسـله علما فانا اعلمه [صـفحه ۱۱۵] و امرنی اللَّه ان اعلمه اياه ففعلت. فلیس احـد من امـتی یعلم جمیع علمی و فهمی و فقهی کله غیره، انـک یـا بنیه زوجته و ان ابنی سـبطای الحسن و الحسـین و همـا سـبطا امتی، و امره بالمعروف و نهیه عن المنکر، و ان اللَّه علمه الحکمه و فصل الخطاب، یا بنیه انا اهل بیت اعطانا اللَّه سـبع خصال و لم یعطها احـدا من الاولین و الاخرین غیرنا، انا سـید الانبیاء و المرسـلین و خیرهم و وصـیی خیر الوصیین و وزیری بعلک و شهیدنا خیر الشهداء. قالت یا رسول‌اللَّه، سـید الشـهداء الـذین قتلوا معـک قـال: لاـ بـل سـید الشـهداء من الاـولین و الاـخرین ما خلا الانبیاء و الاوصـیاء و جعفر بن ابی‌طالب ذو الهجرتین و ذو الجناحین یطیر بهما مع الملائکه فی الجنه و ابناک الحسن و الحسـین سـبطا امتی و سیدا شباب اهل الجنه و منا والـذی نفسـی بیـده مهدی هذه الامه الذی یملا اللَّه به الارض قسـطا و عدلا کما مئلت ظلما و جورا. قالت فاطمه علیهاالسـلام یا رسول‌اللَّه فـای هولاـء الـذین سـمیت افضل، فقال رسول‌اللَّه صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم اخی علی افضل امتی و حمزه و جعفر افضـل امتی بعد علی و بعدک و بعد ابنی و سـبطی الحسن و الحسـین و بعد الاوصیاء من ولد ابنی هذا و اشار رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سـلم الی الحسین علیه‌السـلام منهم المهـدی و الـذی قبله افضـل منه، الاول خیر من الاخر، لانه امامه [صـفحه ۱۱۶] و الاخر وصـی الاـول، انـا اهل بیت اختار اللَّه لنا الاخره علی الـدنیا. ثم نظر رسول‌اللَّه صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم الی فاطمه و الی بعلها و الی ابنیها،

فقال: یا سلمان اشهد اللّه انی حرب لمن حاربهم و سلم لمن سالمهم، اما انهم معی فی الجنه، ثم اقبل النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم علی علی علیه‌السلام، فقال: یا علی انک ستلقی من قریش شده من تظاهرهم علیک و ظلمهم لک، فان وجدت اعوانا فجاهدهم فقاتل من خالفک بمن وافقک، فان لم تجد اعوانا فاصبر و اکفف یدک و لا تلق بیدک الی التهلکه، فانک منی بمنزله هارون من موسی، و لک بهارون اسوه حسنه انه قال لاخیه موسی: ان القوم استضعفونی و کادوا یقتلوننی. [۱۷۰] . «قال العطاردی»: رواه الدیلمی فی ارشاد القلوب وزاد فی آخره: ولک بهارون اسوه حسنه اذ استضعفه قومه و کادوا یقتلونه، فاصبر لظلم قریش و ایاک و تظاهرهم علیک فانک بمنزله هارون من موسی و من تبعه و هم بمنزله العجل و من تبعه. یا علی ان اللّه تبارک و تعالی قد قضی الفرقه و اختلاف علی هذه الامه و لو شاء لجمعهم علی الهدی، حتی لا یختلف اثنان من [صفحه ۱۱۷] هذه الامه و لا ینازع فی شیء من امره، و لا یجحد المفضول، اذا الفضل فضله، و لو شاء لعجل النقمه و کان منه التغییر حتی یکذب الظالم و یعلم الحق این مصیره، ولکنه جعل الدنیا دار الاعمال و الاخره دار القرار، لیجزی الذین اسماء وابما عملوا و یجزی الذین احسنو بالحسنی، فقال علیه‌السلام: الحمدللّه و شکرا علی نعمائه و صبرا علی بلائه. [۱۷۱] . ۳۲- روی العلامه المجلسی عن الخرائج باسناده عن عمران بن الحصین قال: کنت عند النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم جالسا، اذ اقبلت فاطمه علیهاالسلام و قد تغیر وجهها من الجوع، فقال لها: ادنی فدنت منه، فرفع یده حتی وضعها علی صدرها فی موضع القلاده و هی صغیره، ثم قال: اللهم مشبع الجاعه و رافع الوضعه، لا تجع فاطمه، قال: فرایت الدم علی وجهها کما کانت الصفره، فقالت: ما جعت بعد ذلک. [۱۷۲] . ۳۳- روی ایضا عن مصباح الانوار عن ابی‌جعفر علیه‌السلام قال: اقبلت فاطمه علیهاالسلام الی رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم فعرف فی وجهها الخمص- قال یعنی الجوع- فقال لها: یا بنیه هیهنا، فاجلسها علی فخذه الایمن، فقالت: یا ابتاه انی جائعه، فرفع یدیه الی السماء فقال: اللهم رافع [صفحه ۱۱۸] الوضعه و مشبه الجاعه اشبع فاطمه بنت نبیک قال ابوجعفر علیه‌السلام فواللّه ما جاعت بعد یومها حتی فارقت الدنیا. [۱۷۳] . ۳۴- عن امیرالمومنین علیه‌السلام قال: ان فاطمه بنت محمد وجدت عله فجاءها رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم عائدا، فجلس عندها و سالها عن حالها، فقالت: انی اشتهی طعاما طیبا، فقال النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم الی طاق فی البیت، فجاء بطبق فیه زبیب و کعک و اقط و قطف عنب، فوضعه بین یدی فاطمه علیهاالسلام، فوضع رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم یده فی الطبق و سمی اللّه و قال: کلوا بسم اللّه، فاکلت فاطمه و رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم و علی و الحسن و الحسین، فبینا هم یاکلون اذ وقف سائل علی الباب، فقال: السلام‌علیکم اطعمونا مما رزقکم اللّه، فقال النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم اخسا، فقالت فاطمه: یا رسول‌اللّه: ما هکذا تقول للمساکین، فقال النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم انه الشیطان و ان جبرئیل جاءکم بهذا الطعام من الجنه، فاراد الشیطان ان یصیب منه و ما کان ذلک ینبغی له. [۱۷۴] . ۳۵- محمد بن یعقوب، عن محمد بن یحیی، عن محمد بن [صفحه ۱۱۹] اسماعیل، عن صالح بن عقبه، عن عمرو بن شمر، عن جابر، عن ابی‌جعفر علیه‌السلام قال: قال النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم لفاطمه یا فاطمه قومی فاخرجی تلک الصحفه، فقامت فاخرجت صحفه فیها ثرید و عراق یفور، فاکل النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم و علی و فاطمه و الحسن و الحسین علیهم‌السلام ثلاثه عشر یوما، ثم ان ام ایمن رات الحسین معه شیء فقالت له: من این لک هذا؟ قال: انا لنا کله منذ ایام: فاتت ام ایمن فاطمه علیهاالسلام فقالت: یا فاطمه اذا کان عند امایمن شیء فانما هو لفاطمه ولولدها، و اذا کان عند فاطمه شیء فلیس لام ایمن منه شیء، فاخرجت لها منه، فاکلت منه امایمن و نفدت الصحفه، فقال لها النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم: اما لولا انک اطعمتها، لاکلت منها انت و ذریتک الی ان تقوم الساعه، ثم قال: ابوجعفر علیه‌السلام و الصحفه عندنا یخرج بها قائمنا علیه‌السلام فی زمانه. [۱۷۵] . ۳۶- روی المجلسی عن الکلینی عن العده، عن اسماعیل بن مهران، عن عبید بن معاویه عن معاویه بن شریح، عن سیف بن عمیره، عن عمرو بن شمر، عن جابر، عن ابی‌جعفر علیه‌السلام، عن جابر بن عبداللّه الانصاری قال: خرج [صفحه ۱۲۰] رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم یرید فاطمه علیهاالسلام و انا معه، فلما انتهینا الی الباب وضع یده علیه فدفعه، ثم قال: السلام‌علیکم، فقالت: فاطمه علیک‌السلام یا رسول‌اللّه، قال: ادخل، قالت: ادخل یا رسول‌اللّه قالت: ادخل انا و من معی فقالت: یا

رسول‌اللَّه: لیس علی قناع. فقال: یا فاطمه خذی فضل ملحفتک فقنعی به راسک، فقنعت، ثم قال: السلام‌علیکم فقال: و علیک‌السلام یـا رسول‌اللَّه، قال ادخل؟ قالت: نعم ادخل یا رسول‌اللَّه، قال: انا و من معی؟ قالت: انت و من معک، قال جابر فـدخل رسول‌اللَّه صـلی اللَّه علیه و آله و سلم و دخلت انـا و اذا وجه فـاطمه اصـفر کـانه بطن جراده. فقـال رسول‌اللَّه صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم: ما لی اری وجهک اصـفر. قالت یا رسول‌اللَّه الجوع فقال: اللهم مشبع الجوعه و ارفع الضیعه اشبع فاطمه بنت محمد،فقال جابر: فو اللَّه فنظرت الی الـدم ینحدر من قصاصـها حتی عاد وجهها احمر، فما جاعت بعد ذلک الیوم. [۱۷۶] . ۳۷- عبـداللَّه بن احمد بن حنبل عن ابیه، حدثنا محمـد بن جعفر، قـال: حـدثنا عوف، عن ابی‌المعـدل عطیه الطفاوی، عن ابیه [صـفحه ۱۲۱] ان ام سـلمه حـدثته قالت بینما رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم فی بیتی یوما، اذ قالت الخادمه ان علیا و فاطمه بالسده، قالت: فقال لی قومی فتنحی لی عن اهل بیتی قالت: فقمت فتنحیت فی البیت قریبا. فدخل علی و فاطمه و معها الحسن و الحسین و هما صبیان صغیران، فاخذ الصبیین فوضعهما فی حجره فقبلهما، قال: و اعتنق علیا باحـدی یدیه و فاطمه بالید الاخری، فقبل فاطمه و قبل علیا، فاغدق علیهم خمیصه سوداء، فقال: اللهم الیک لاـ الی النـار انا و اهل بیتی، قالت فقلت: و انا یا رسول‌اللَّه؟ فقالت: و انت. [۱۷۷] . ۳۸- عنه، عن ابیه حدثنا ابوالنضر هاشم بن القاسم، حدثنا عبدالحمید یعنی ابن‌بهرام، قال: حدثنی شهر بن حوشب، قال: سمعت بن علی لعنت اهل العراق، فقالت قتلوه قتلهم اللَّه نحروه و ذلوه لعنهم اللَّه، فانی رایت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم جاءته فاطمه غدیه ببرمه قد وضعت له فیها عصیده تحلمه فی طبق لها حتی وضـعتها بین یـدیه، فقـال لهـا: این ابن‌عمـک؟ قالت: هو فی البیت. قال: فاذهبی فادعیه و ائتنی یا بنیه، قالت فجاءت تقود ابنیها [صفحه ۱۲۲] کل واحد منهما بید و علی یمشی فی اثرهما حتی دخلوا علی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم، فاجلسهما فی حجره و جلس علی عن یمینه و جلست فـاطمه عن یسـاره قـالت ام سـلمت: فاجتبـذ من تحتی کسـاء خیبریـا، کـان بساطا لنا علی المنامه فی المـدینه، فلفه النبی صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم علیهم جمیعـا. فاخـذ بشـماله طرفی الکسا و الوی بیـده الیمنی الی ربه عز و جل، قال: اللهم اهلی اذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا، اللهم اهـل بیـتی اذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا، قلت یـا رسـول‌اللَّه الست من اهلک، قال: بلی فادخلی فی الکساء قالت: فـدخلت فی الکساء بعد ما قضـی دعائه لابن عمه علی و ابنیه و ابنته فاطمه رضـی‌اللَّه‌عنهم. [۱۷۸] . ۳۹- عنه، عن ابیه، حدثنا ابوالنضـر، حدثنا عبدالحمید حدثنی شـهر قال: سـمعت ام‌سلمه تحدث، زعمت ان فاطمه جاءت الی نبی اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم تشتکی الیه الخدمه، فقالت: یا رسول اللَّه لقد مجلت یدی من الرحی، اطحن مره واعجن مره، فقال لها رسول اللَّه صـلی اللَّه علیه و آله و سلم: ان یرزقک اللَّه شیئا یاتک و سادلک علی خیر من ذلک. اذا الزمت مضجعک فسبحی اللَّه ثلاثا و ثلاثین و کبری ثلاثا [صـفحه ۱۲۳] و ثلاثین و احمدی اربعا و ثلاثین فذلک مائه فهو خیر لک من الخادم و اذا صـلیت صلاه الصبـح فقولی لا اله الا للَّه وحده لا شریک له له الملک و له الحمد یحی و یمیت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر عشر مرات بعد صلاه الصبـح و عشر مرات بعد صلاه المغرب. فان کل واحده منهن تکتب عشر حسنات و تحط عشر سیئات و کل واحده منهن کعتق رقبه من ولـد اسـماعیل، و لاـ یحل لـذنب کسب ذلک الیوم ان یـدرکه الا ان یکون الشـرک: الا اله الا اللَّه وحـده لا شـریک له و هو حرسک ما بین ان تقولیه غـدوه الی ان تقولیه عشیه من کل شیطان و من کل سوء. [۱۷۹] . ۴۰- عنه، عن ابیه، حـدثنا عثمان، حدثنا حماد بن سلمه، قال: حدثنا علی بن زید،عن ام‌الحسن ان ام‌سلمه حدثتهم ان رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم شبر لفاطمه شبر من نطاقها. [۱۸۰] . ۴۱- عنه، عن ابیه، حـدثنا عبـد الوهاب بن عطاء، حـدثنا عوف، عن ابی‌المعـدل عطیه الطفاوی، قال: حدثتنی امی عن ام‌سـلمه زوج النبی صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم، قـالت: بینـا رسول‌اللَّه صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم فی بیتی اذ قـالت الخادم ان علیا و فاطمه بالسده، قال: قومی عن اهل بیتی، قالت: فقمت فتنحیت [صفحه ۱۲۴] فی ناحیه البیت قریبا، فدخل علی و فاطمه و معهم الحسن و الحسـین صبیـان صـغیران، فاخـذ الصبیین، فقبلهما و وضـعهما فی حجره و اعتنق علیا و فاطمه، ثم اغـدق علیهم ببرده له و قال: اللهم الیـک لا الی النار، انا و اهل بیتی، قالت:فقلت: یا رسول‌اللَّه و انا فقال و انت. [۱۸۱] . ۴۲- عنه، عن ابیه، حدثنا عفان، حدثنا حماد بن سلمه، قال: حدثنا علی بن زید، عن شـهر بن حوشب، عن ام‌سـلمه ان رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم قال لفاطمه: ائتنی بزوجک

و ابنیک، فجاءت بهم، فالقی علیهم کساء فدکیا، قالت: ثم وضع یده علیهم ثم قال: اللهم ان هولاء آل‌محمد، فاجعل صلواتک و برکاتک علی محمد و علی آل‌محمد انک حمید مجید، قالت امسلمه: فرفعت الکساء لادخل معهم فجذبه من یدی و قال: انک علی خیر. [۱۸۲] . ۴۳- عنه، عن ابیه، حدثنا عبدالرحمان بن مهدی، عن مالک، عن ابی‌النضر، عن ابی‌مره مولی عقیل بن ابی‌طالب، عن امهانی انها ذهبت الی النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم یوم الفتح، قالت: فوجدته یغتسل و فاطمه تستره بثوب فساقت و ذلک ضحی. فقال: من هذا، فقلت: انا امهانی، قلت یا رسول‌اللّه زعم ابن امی انه قاتل رجلا اجرته فلان بن هبیره، فقال رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم: قد اجرنا من اجرت یا [صفحه ۱۲۵] امهانی، فلما فرغ رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم من غسله قام فصلی ثمانی رکعات ملتحفا فی ثوب. [۱۸۳] . ۴۴- محمد بن اسماعیل البخاری، حدثنا یحیی بن قزعه، حدثنا ابراهیم بن سعد، عن ابیه عن قزعه، حدثنا ابراهیم بن سعد، عن ابیه، عن عروه، عن عائشه قالت: دعا النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم فاطمه ابنته صلی اللّه علیه و آله و سلم فاخبرنی انه یقبض فی وجعه الذی توفی فیه فبکیت، ثم سارنی فاخبرنی انی اول اهل بینه اتبعه، فضحکت. [۱۸۴] . ۴۵- عنه، حدثنا سلیمان بن حرب، حدثنا حماده، عن ثابت، عن انس قال، لما ثقل النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم جعل یتغشاه، فقالت فاطمه علیهاالسلام: و اکرب اباه، فقال لها: لیس علی ابیک کرب بعد الیوم. فلما مات قالت: یا ابتاه، اجاب ربا دعاه، یا ابتاه من جنه الفردوس ماواه، یا ابتاه الی جبرئیل ننعاه، فلما دفن قالت فاطمه علیهاالسلام: یا انس اطابت انفسکم ان تحثو علی رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم التراب. [۱۸۵] . [صفحه ۱۲۶] ۴۶- مسلم بن حجاج، حدثنا ابوکامل الجحدری فضیل بن حسین، حدثنا ابوعوانه، عن فراس، عن عامر، عن مسروق، عن عائشه، قالت: کن ازواج النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم عنده، لم یغادر منهن واحده، فاقبلت فاطمه تمشی ما تخطی مشیتها من مشیه رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم شیئا، فلما راها رحب بها، فقال: مرحبا بابنتی، ثم اجلسها عن یمینه او عن شماله، ثم سارها فبکت بکاء شدیدا، فلما رای جزعها سارها الثانیه فضحکت. فقلت لها: خصک رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم من بین نسائه بالسرار، ثم انت تبکین؟ فلما قام رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم سالتها ما قال لک رسول‌اللّه، قالت: ما کنت افشی علی رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم سره، قالت: فلما توفی رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم، قلت: عزمت علیک بما لی علیک من الحق: لما حدثتی ما قال لک رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم، فقالت: اما الان فنعم. اما حین سارنی فی المره الاولی، فاخبرنی ان جبرئیل کان یعارضه القرآن فی کل سنه مره او مرتین، و انه عارضه الان مرتین، و انی لا اری الاجل الا قد اقترب، فاتقی اللّه و اصبری، فانه نعم السلف انا لک، قالت: فبکیت بکائی الذی رایت، فلما رای جزعی سارنی الثانیه، فقال: یا فاطمه اما ترضی ان تکونی سیده نساء المومنین او سیده نساء هذه الامه قالت: فضحکت ضحکی الذی [صفحه ۱۲۷] رایت. [۱۸۶] . ۴۷- عنه، حدثنا منصور بن ابی‌مزاحم، حدثنا ابراهیم، عن ابیه، عن عروه، عن عائشه وحدثنی زهیر بن حرب- و اللفظ له- حدثنا یعقوب بن ابراهیم، حدثنا ابی، عن ابیه ان عروه بن الزبیر حدثه ان عائشه حدثته ان رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم دعا فاطمه ابنته فسارها. فبکت، ثم سارها فضحکت، فقالت عائشه: فقلت لفاطمه ما هذا الذی سارک به رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم فبکیت، ثم سارک فضحکت، قالت: سارنی فاخبرنی بموته فبکیت، ثم سارنی فاخبرنی انی اول من یتبعه من اهله فضحکت. [۱۸۷] . ۴۸- عنه، حدثنا محمد بن المثنی و محمد بن بشار- و اللفظ لا بن المثنی- قالا حدثنا محمد بن جعفر، حدثنا شعبه، عن الحکم، قال: سمعت ابن ابی‌لیلی، حدثنا علی، ان فاطمه اشتکت ما تلقی من الرحی فی یدها و اتی النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم سبی، فانطلقت و لم تجده و لقیت عائشه فاخبرتها، فلما جاء النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم اخبرته عائشه بمجیء فاطمه الیها. فجاء النبی الینا و قد اخذنا مضاجعنا، فذهبنا نقوم، فقال النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم علی مکانکما، فقعد بیننا حتی [صفحه ۱۲۸] وجدت برد قدمه علی صدری، ثم قال: الا اعلمکما خیرا ما سالتما؟، اذا اخذتما مضاجعکما ان تکبرا اللّه اربعا و ثلاثین، و تسبحاه ثلاثا و ثلاثین و تحمداه ثلاثا و ثلاثین فهو خیر لکما من خادم. [۱۸۸] . ۴۹- ابوعیسی الترمذی، حدثنا ابراهیم بن سعید الجوهری، حدثنا الاسود بن عامر، عن جعفر الاحمر، عن عبداللّه بن عطاء، عن ابن‌بریده، عن ابیه، قال: کان احب النساء الی رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم فاطمه و

من الرجال علی. [۱۸۹] . ۵۰- عنه، حدثنا سلیمان بن عبدالجبار البغدادی، حدثنا علی بن قادم، حدثنا اسباط بن نصر الهمدانی، عن السدی، عن صبیح مولی امسلمه، عن زید بن ارقم ان رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم قال لعلی و فاطمه و الحسن و الحسین: انا حرب لمن حاربتم و سلم لمن سالمتم. [۱۹۰] . ۵۱- عنه، اخبرنا محمد بن بشار، حدثنا محمد بن خالد بن عثمه، قال: حدثنی موسی بن یعقوب الزمعی، عن هاشم بن هاشم ان عبداللَّه بن وهب اخبره ان امسلمه اخبرته ان رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و اله و سلم، دعا فاطمه یوم الفتح فناجاها فبکت، ثم حدثها فضحکت. [صفحه ۱۲۹] قالت: فلما توفی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم، سالتها عن بکائها و ضحکها، قالت: اخبرنی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم انه یموت، فبکیت ثم اخبرنی انی سیده نساء اهل الجنه الا مریم بنت عمران فضحکت. [۱۹۱] . ۵۲- عنه، حدثنا حسین بن یزید الکوفی، حدثنا عبدالسلام بن حرب، عن ابی‌الجحاف،عن جمیع بن عمیر التمیمی قال: دخلت مع عمتی علی عائشه، فسالت ای الناس کان احب الی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم؟ قالت: فاطمه، فقیل: من الرجال؟قالت: زوجها، ان کان ما علمت، صواما قواما. [۱۹۲] . ۵۳- قال الطبری فی حوادث غزوه احد: فلما انتهی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم الی اهله ناول سیفه ابنته فاطمه فقال: اغسلی عن هذا دمه یا بنیه، و ناولها علی علیه‌السلام سیفه و قال: و هذا فاغسلی عنه، فواللَّه لقد صدقنی الیوم. [۱۹۳] . ۵۴- ابوعبدالرحمان النسائی، اخبرنا اسحاق بن ابراهیم، قال: انبانا عبدالرزاق، قال: حدثنا معمر، عن ثابت، عن انس، ان فاطمه بکت علی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم حین مات، فقالت: یا ابتاه من ربه ما ادناه، یا ابتاه الی جبرئیل ننعاه، یا ابتاه [صفحه ۱۳۰] جنه الفردوس ماواه [۱۹۴] . ۵۵- الحافظ الهیثمی باسناده عن ابی‌سعید الخدری، ان رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم دخل علی فاطمه ذات یوم و علی نائم و هی مضطجعه و ابناهما الی جنبهما، فاستیقظ الحسن، فقال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم الی لقحه لهم، فحلب رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم فاتی به، فاستیقظ الحسن فجعل یعابج ان یشرب قبله حتی بکی. فقال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: ان اخاک استسقی قبلک، فقالت فاطمه: کان الحسن آثر عندک فقال: ما هو باثر عندی منه و انهما عندی بمنزله واحده و انی و ایاک و هما و هذا النائم لفی مکان واحد یوم القیامه. [۱۹۵] . ۵۶- عنه باسناده عن عمرو بن شعیب انه دخل علی زینب بنت ابی‌سلمه، فحدثتهم ان رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم کان عند امسلمه فدخل علیها الحسن و الحسین و فاطمه، فجعل الحسن من شق و الحسین من شق و فاطمه فی حجره، و قال: رحمه‌اللَّه و برکاته علیکم اهل البیت انه حمید مجید و انا و امسلمه جالستین، فبکت امسلمه فنظر الیها فقال: ما یبکیک؟ فقالت: یا رسول‌اللَّه خصصت هولاء و ترکتنی انا و ابنتی، فقال: انت و ابنتک من اهل البیت. [۱۹۶] . [صفحه ۱۳۱] ۵۷- عنه باسناده عن ابی‌هریره ان علی بن ابی‌طالب قال: یا رسول‌اللَّه: ایما احب الیک انا امفاطمه، قال: فاطمه احب الی منک و انت اعز علی منها فکانی بک و انت علی حوضی تذود عنه الناس و ان علیه لاباریق مثل عدد نجوم السماء. انی و انت و الحسن و الحسین و فاطمه و عقیل و جعفر فی الجنه اخوانا علی سرر متقابلین، انت معی و شیعتک فی الجنه ثم قرا رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم «اخوانا علی سرر متقابلین»، لا ینظر احد فی قفا صاحبه. [۱۹۷] . ۵۸- عنه باسناده عن ثوبان مولی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم ان رسول‌اللَّه دعا لاهله فذکر علیا و فاطمه و غیرهما، فقلت: یا رسول‌اللَّه: انا من اهل البیت، قال: نعم ما لم تقم علی باب سده او تاتی امیرا تساله. [۱۹۸] . ۵۹- عنه باسناده، عن علی بن علی الهلالی، عن ابیه، قال: دخلت علی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم فی شکاته التی قبض فیها، فاذا فاطمه رضی‌اللَّه‌عنها عند راسه، قال: فبکت حتی ارتفع صوتها فرفع رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم طرفه الیها، فقال: حبیبتی فاطمه ما الذی یبکیک؟ فقالت اخشی الضیعه بعدک،فقال: یا حبیبتی اما علمت ان اللَّه عز و جل اطلع الی الارض [صفحه ۱۳۲] اطلاعه فاختار منها اباک فبعثه برسالته. ثم اطلع الی الارض اطلاعه، فاختار منها بعلک و اوحی الی ان انکحک ایاه، یا فاطمه و نحن اهل بیت قد اعطانا اللَّه سبع خصال لم تعط احد قبلنا و لا تعطی احد بعدنا، انا خاتم النبیین و اکرم النبیین علی اللَّه و احب المخلوقین الی اللَّه عز و جل و انا ابوک و وصیی خیر الاوصیاء و احبهم الی اللَّه و هو بعلک، و شهیدنا خیر الشهداء و احبهم الی اللَّه و هو عمک حمزه بن عبدالمطلب و عم بعلک و منا من له جناحان اخضران یطیر مع الملائکه فی الجنه حیث شاء. هو ابن‌عم ابیک و اخو

بعلک و منا سبطا هذه الامه و هما ابناک الحسن و الحسین و هما سیدا شباب اهل الجنه و ابوهما والذی بعثنی بالحق خیر منهما، یا فاطمه والذی بعثنی بالحق ان منهما مهدی هذه الامه، اذا صارت الدنیا هر جا و مرجا و تظاهرت الفتن و تقطعت السبل و أغار بعضهم علی بعض، فلا کبیر یرحم صغیرا و لا صغیر یوقر کبیرا. فیبعث اللَّه عز و جل عند ذلک منهما من یفتح حصون الضلاله و قلوبا غلفا یقوم بالدین آخر الزمان، کما قمت به فی اول الزمان، و یملا الدنیا عدلا کما ملئت جورا، یا فاطمه لا تحزنی و لا تبکی فان اللَّه عز و جل ارحم بک و اراف علیک منی و ذلک لمکاناک من قلبی. زوجک اللَّه زوجا و هو اشرف اهل بیتک حسبا و اکرمهم [صفحه ۱۳۳] منصبا و ارحمهم بالرعیه و اعدلهم بالسویه و ابصرهم بالقضیه، و قد سالت ربی عز و جل ان تکونی اول من یلحقنی من اهل بیتی قال علی رضی‌اللَّه‌عنه، فلما قبض النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم لم تبق فاطمه بعده الا خمسه و سبعین یوما حتی الحقها اللَّه عز و جل به صلی اللَّه علیه و اله و سلم [۱۹۹] . ۶۰- عنه باسناده عن ابن‌عباس قال: دخل رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم علی علی و فاطمه و هما یضحکان، فلما رایا النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم سکتا، فقال لهما النبی ما لکما کنتما تصحکان، فلما رایتمانی سکتما، فبادرت فاطمه، فقالت: بابی انت یا رسول‌اللَّه قال هذا انا احب الی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم منک، فقلت: بل انا احب الی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم منک، فتبسم رسول‌اللَّه و قال: یا بنیه لک رقه الولد و علی اعز علی منک. [۲۰۰] . ۶۱- عنه باسناده عنه عائشه قالت: کنت أری رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم یقبل فاطمه، فقلت یا رسول‌اللَّه انی کنت اراک تفعل شیئا ما کنت اراک تفعله من قبل، قال لی: یا حمیراء انه لما کان لیله اسری بی الی السماء، ادخلت الجنه فوقفت علی شجره من شجر الجنه، لم ار فی الجنه شجره هی احسن [صفحه ۱۳۴] منها و لا ابیض منها ورقه و لا اطیب منها ثمره. فتناولت ثمره من ثمرتها، فاکلتها فصارت نطفه فی صلبی، فلما هبطت الی الارض واقعت خدیجه، فحملت بفاطمه فاذا انا اشتقت الی رائحه الجنه شممت ریح فاطمه، یا حمیراء ان فاطمه لیست کنساء الادمیین و لا تعتل کما یعتلون. [۲۰۱] . ۶۲- عنه باسناده عن ابن‌عباس، قال: قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم لفاطمه: ان اللَّه غیر معذبک و لا ولدک. [۲۰۲] . ۶۳- عنه باسناده عن عبداللَّه بن مسعود قال: قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: ان فاطمه حصنت فرجها و ان اللَّه عز و جل ادخلها باحصان فرجها و ذریتها الجنه. [۲۰۳] . ۶۴- عنه باسناده عن عمران بن حصین، قال: انی لجالس عند النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم، اذ اقبلت فاطمه فقامت بحذاء النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم مقابله، فقال: ادنی یا فاطمه، فدنت دنوه، ثم قال: ادنی یا فاطمه، فدنت دنوه،ثم قال: ادنی یا فاطمه فدنت دنوه حتی قامت بین یدیه، قال عمران: فرایت صفره قد ظهرت علی وجهها و ذهب الدم. فبسط رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم بین اصابعه، ثم [صفحه ۱۳۵] وضع کفه بین ترائبها، فرفع راسه قال: اللهم مشبع الجوعه و قاضی الحاجه و رافع الوضعه، لا تجع فاطمه بنت محمد، فرایت صفره الجوع قد ذهبت عن وجهها و ظهر الدم، ثم سالتها بعد ذلک، فقالت: ما جعت بعد ذلک یا عمران. [۲۰۴] . ۶۶- عنه، عن الریاشی: عن عثمان بن عمر، عن اسرائیل، عن میسره بن حبیب، عن المنهال بن عمرو، عن عائشه بنت طلحه، عن عائشه ام‌المومنین انها، قالت: ما رایت احدا من خلق‌اللَّه شابه حدیثا و کلاما برسول اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم من فاطمه، و کانت اذا دخلت علیه اخذ بیدها فقبلها و رحب بها و اجلسها فی مجلسه، و کان اذا دخل علیها قامت الیه و رحبت به و اخذت بیده فقبلتها. [۲۰۵] . ۶۷- ابن‌المغازلی اخبرنا ابن‌الحسن احمد بن المظفر بن احمد العطار، اخبرنا ابومحمد عبداللَّه بن محمد بن عثمان المزنی [صفحه ۱۳۶] اللقب بابن السقاء الحافظ، اخبرنا محمد بن محمد بن الاشعث، قال: حدثنی موسی بن اسماعیل، حدثنا ابی، عن ابیه، عن جده جعفر بن محمد، عن ابیه، عن جده علی بن الحسین، عن ابیه، عن جده علی علیه‌السلام ان فاطمه بنت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم استاذن علیها اعمی، فحجبته، فقال لها النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم: لم حجبتیه و هو لا یراک؟ فقالت یا رسول‌اللَّه ان لم یکن یرانی فانا اراه و هو یشم الریح، فقال النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم: اشهد انک بضعه منی. [۲۰۶] . ۶۸- عنه باسناده عن جعفر بن محمد، عن ابیه ان فاطمه بنت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم، دخل علیها علی علیه‌السلام وبه کابه شدیده، فقالت: ما هذه الکابه؟ فقال سالنا رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم عن مساله لم یکن عندنا لها جواب فقالت و ما المساله؟ قال: سالنا عن

المراه مـا هی؟ قلنا عوره. قال: فمتی تکون ادنی من ربها، فلم نـدر من نقول؟ قالت ارجع الیه فاعلمه ان ادنی ما تکون من ربها ان تلزم قعر بیتهـا، فانطلق فاخبر النبی صـلی اللّه علیه و آله و سـلم، فقال: ماذا من تلقاء نفسک یا علی، فاخبره ان فاطمه علیهاالسـلام اخبرته، [صفحه ۱۳۷] فقال صـلی اللّه علیه و آله و سـلم: صـدقت ان فاطمه بضـعه منی. [۲۰۷] . ۶۹- قـال ابن‌الاثیر فی باب غزوه احـد: و قاتل رسول‌اللّه صـلی اللّه علیه و آله و سلم یوم احد قتالا شدیدا، فرمی بالنبل حتی فنی نبله و انکسرت سبه قوسه و انقطع و تره، و لما جرح رسول‌اللّه صـلی اللّه علیه و آله و سـلم جعـل علی ینقل له الماء فی درقته من المهراس و یغسـله فلم ینقطع الـدم، فاتت فاطمه و جعلت تعانقه و تبکی، و احرقت حصـیرا و جعلت علی الجرح من رماده فانقطع الدم. [۲۰۸] . ۷۰- قال ایضا: و لما اشـتد برسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سـلم وجعه و نزل بن الموت، جعل یاخـذ الماء بیده و یجعله علی وجهه و یقول: و اکرباه، فتقول فاطمه و اکربی لکربک یا ابتی، فیقول رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم: لاکرب علی ابیک بعد الیوم: فلما رای شده جزعها استدناها و اسارها، فبکت، ثم سارهـا الثـانیه فضـحکت. فلما توفی رسول‌اللّه صـلی اللّه علیه و آله و سـلم سالتها عائشه عن ذلک، قالت: اخبرنی انه میت فبکیت، ثم اخبرنی انی اول اهله لحوقا به، فضحکت، و روی انها قالت: ثم سارنی الثانیه و اخبرنی انی سیده نساء اهل الجنه، فضحکت. [۲۰۹] . [صفحه ۱۳۸] ۷۱- ابوعبـداللّه الحافظ حـدثنا مکرم بن احمـد القاضـی، حـدثنا احمـد بن یوسف الهمدانی، حدثنا عبدالمومن بن علی الزعفرانی، حـدثنا عبدالسـلام بن حرب، عن عبیـداللّه بن عمر، عن زید بن اسـلم عن ابیه، عن عمر انه دخل علی فاطمه بنت رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم، فقال: یا فاطمه واللّه ما رایت احدا احب الی رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم منک، واللّه ما کان احد مـن النـاس بعـد ابیـک صـلی اللّه علیه و آله و سـلم احب الی منـک. [۲۱۰] . ۷۲- عنه، حـدثنی ابوالحسـین بن ابی‌عمرو السـماک و ابواحمد الحسـین بن علی التمیمی قالا: حدثنا عبداللّه بن محمد البغوی، حدثنی یحیی بن سـعید الاموی، حدثنی ابی، حدثنی یزید بن سنان، حدثنا عقبه بن رویم، قال: سـمعت اباثعلبه الخشـنی یقول: کان رسول‌اللّه صـلی اللّه علیه و آله و سـلم اذا رجع من غزاه او سـفر اتی المسـجد فصـلی فیه رکعتین، ثم ثنی بفـاطمه، ثم یـاتی ازواجه. فما رجع خرج من المسـجد تلقته فاطمه عنـد باب البیت تلثم فاه و عینیه، تبکی فقال لها، یا بنیه ما یبکیک؟ قالت: یا رسول‌اللّه الا اراک شـعثا نصـبا، قـد اخلو لقت ثیابک، قال: فقال: فلا تبکی، فان اللّه عز و جل بعث اباک لامر لا یبقی علی ظهر الارض بیت مـدر [صـفحه ۱۳۹] و لاـ شـعر الا ادخل اللّه به عزا او ذلا حتی یبلغ حیث بلغ اللیل. [۲۱۱] . ۷۳- عنه، حدثنا ابوالحسین عبد الصمد بن علی بن مکرم، ابن‌اخی الحسن بن مکرم البزار ببغداد، حدثنا مسلم بن عیسی الصـفار العسـکری، حدثنا عبداللّه بن داوود الخریبی، حدثنا شـهاب بن حرب، عن الزهری، عن سعید بن المسیب، عن سعد بن مالک قـال: قال رسول‌اللّه صـلی اللّه علیه و آله و سـلم: اتانی جبرئیل علیه‌السـلام بسـفر جله من الجنه، فاکلتها لیله اسـری بی فعلقت خـدیجه بفاطمه، فکنت اذا اشتقت الی رائحه الجنه شممت رقبه فاطمه. [۲۱۲] . ۷۴- عنه، حدثنا ابوالعباس محمد بن یعقوب، حدثنا العباس بن محمد الدوری، حدثنا یحیی بن اسماعیل الواسطی، حدثنا محمد بن فضیل، عن العلاء بن المسیب، عن ابراهیم بن قیس، عن نافع، عن ابن‌عمر ان النبی صـلی اللّه علیه و آله و سـلم کان اذا سافر، کان آخر الناس عهدا به فاطمه و اذا قدم من سـفر کان اول الناس به عهدا فـاطمه و فی خبر آخر فقـال لها: فـداک ابی و امی. [۲۱۳] . ۷۵- عنه، اخبرنا ابوبکر احمـد بن سـلیمان الفقیه ببغـداد، حدثنا هلال بن العلاـء الرقی، حـدثنا حسـین بـن عیـاش، حـدثنا زهیر، [صـفحه ۱۴۰] عـن سـلیمان، عـن ابی‌صـالـح، عن ابی‌هریره، قـال: اتت فـاطمه علیهاالسـلام رسول‌اللّه صـلی اللّه علیه و آله و سـلم تساله خادما، فقال لها الذی جئت تطلبین احب الیک ام خیر منه، قال: فحسبت انها سالت علیا. قال: قولی: اللهم رب السـماوات و رب العرش العظیم، ربنا و رب کل شیء منزل التوراه و الانجیل و القرآن، فالق الحب و النوی، اعوذ بک من شـر کل شـیء، انت آخذ بناصـیته، انت الاول فلیس قبلک شـیء و انت الاخر فلیس بعدک شیء، و انت الظاهر فلیس فوقک شی و انت الباطن فلیس دونک شی، اقض عنا الدین و اغننا من الفقر. [۲۱۴] . ۷۶- عنه، حدثنا ابوبکر محمد بن عبداللّه الحفیـد، حدثنا الحسـین بن الفضل البجلی، حدثنا عفان بن مسـلم، حدثنا حماد بن سـلمه، اخبرنی حمید و علی بین زید، عن انس بن مالک ان رسول‌اللّه صـلی اللّه علیه و آله و سـلم کان یمر بباب فاطمه سـته اشهر اذا خرج لصلاه الفجر یقول: الصلاه یا اهل البیت انما

یرید اللّه لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا. [۲۱۵] . ۷۷- قال ابن‌الحدید: روی ابن‌دیزیل عن یحیی، عن یعلی بن عبید الحنفی، عن اسماعیل السدی، عن زید بن ارقم، قال: کنا [صفحه ۱۴۱] مع رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم و هو فی الحجره یوحی الیه و نحن ننتظره حتی اشتد الحر، فجاء علی بن ابی‌طالب و معه فاطمه و حسن و حسین علیهم‌السلام، فقعدوا فی ظل حائط ینتظرونه. فلما خرج رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم، راهم فاتاهم و وقفنا نحن مکاننا، ثم جاء الینا و هو یظلهم بثوبه، ممسکا بطرف الثوب و علی ممسک بطرفه الاخر و هو یقول «اللهم انی احبهم فاحبهم، اللهم انی سلم لمن سالمهم، و حرب لمن حاربهم» قال: فقال ذلک ثلاث مرات. [۲۱۶] . ۷۸- قال روی ابوجعفر الاسکافی ایضا ان النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم دخل علی فاطمه علیهاالسلام، فوجد علیا نائما، فذهبت تنبهه، فقال: دعیه فرب سهر له بعدی طویل و رب جفوه لاهل بیتی من اجله شدیده فبکت: فقال: «لا تبکی فانکما معی، و فی موقف الکرامه عندی». [۲۱۷] . ۷۹- روی ایضا قال الواقدی: و خرجت فاطمه علیهاالسلام فی نساء و قد رات الذی بوجه ابیها صلی اللّه علیه و آله و سلم، فاعتنقته و جعلت تمسح الدم عن وجهه و رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم یقول: اشتد غضب اللّه علی قوم دموا وجه رسوله و ذهب علی علیه‌السلام فاتی بماء من [صفحه ۱۴۲] المهراس و قال لفاطمه امسکی هذا السیف غیر ذمیم. قال ایضا: فلما احضر علی علیه‌السلام الماء اراد رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم ان یشرب منه، فلم یستطع و قد کان عطشا و وجد ریحا من الماء کرهها،فقال: هذا ماء آجن، فتمضمض منه للدم الذی کان بفیه ثم مجه. و غسلت فاطمه به الدم عن ابیها صلی اللّه علیه و آله و سلم، فخرج محمد بن مسلمه یطلب مع النساء و کن اربع عشره امراه، قد جئن من المدینه یتلقین الناس منهن فاطمه علیهاالسلام، یحملن الطعام و الشراب علی ظهورهن و یستقین الجرحی و یداوینهم. [۲۱۸] . ۸۰- روی ابن ابی‌الحدید عن الزبیر انه قال: روت زینب بنت ابی‌رافع، قالت: اتت فاطمه علیهاالسلام بابنیها الی رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم فی شکوه الذی توفی فیه، فقالت یا رسول‌اللّه: هذان ابناک، فورثهما شیئا، فقال اما حسن فان له هیبتی و سوددی و اما حسین فان له جراتی وجودی. [۲۱۹] . ۸۱- روی عن الواقدی انه قال: و کانت امهانی بنت ابی‌طالب تحت هبیره بن ابی‌وهب المخزومی، فلما کان یوم الفتح دخل علیها حموان لها: عبداللّه ابن ابی‌ربیعه و الحارث بن هشام المخزومیان فاستجارا بها، و قالا: نحن فی جوارک، فقالت: نعم انتما [صفحه ۱۴۳] فی جواری، قالت امهانی فهما عندی اذ دخل علی فارس مدجج فی الحدید و لا اعرفه. فقلت له: انا بنت عم رسول‌اللّه، فاسفر عن وجهه، فاذا علی اخی فاعتنقته و نظر الیهما فشهر السیف علیهما، فقلت: اخی من بین الناس تصنع بی هذا، فالقیت علیهما ثوبا فقال: اتجیرین المشرکین؟ فحلت دونهما و قلت: لا واللّه و ابتد بی قبلهما، قالت: فخرج و لم یکد، فاغلقت علیهما بیتا و قلت لا تخافا و ذهبت الی خباء رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم بالبطحاء فلم اجده و وجدت فیه فاطمه. فقلت لها: ما لقیت من ابن امی علی اجرت حموین لی من المشرکین فتفلت علیهما لیقتلهما قالت: و کانت اشد علی من زوجها و قالت لم تجیرین المشرکین؟ و طلع رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم و علیه الغبار فقال: مرحبا بفاخته- و هو اسم امهانی- فقلت: ماذا لقیت من ابی امی علی ما کدت افلت منه اجرت حموین لی من المشرکین فتقلت علیهما لیقتلهما. فقال: ما کان ذلک له قد اجرنا من اجرت و امنا من امنت، ثم امر فاطمه فسکبت له غسلا فاغتسل ثم صلی ثمانی رکعات فی ثوب واحد ملتحفا به وقت الضحی، قالت: فرجعت الیهما و اخبرتهما و قلت ان شئتما فاقیما و ان شئتما فارجعا الی منازلکما، فاقاما عندی. [صفحه ۱۴۴] فی منزلی یومین ثم انصرفا الی منازلها. [۲۲۰] . ۸۲- روی ابن ابی‌الحدید عن ابن‌الکلبی حدیثا طویلا عن عمر بن عبدالعزیز قال له شیخ، الم تعلم ان رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم قال لفاطمه علیهاالسلام: و هو عندها فی بیتها عائدا لها: یا بنیه ما علتک؟ قالت: الوعک یاابتاه- و کان علی غائبا فی بعض حوائج النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم- فقال لها: اتشتهین شیئا، قالت: نعم اشتهی عنبا و انا اعلم انه عزیز و لیس، وقت عنب. فقال صلی اللّه علیه و آله و سلم: ان اللّه قادر علی ان یجئنا به، ثم قال: اللهم ائتنا به مع افضل امتی عندک منزله، فطرق علی الباب، و دخل و معه مکتل قد القی علیه طرف ردائه، فقال له النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم: ما هذا یا علی، قال: عنب التمسته لفاطمه علیهاالسلام فقال: اللّه‌اکبر اللّه‌اکبر، اللهم کما سررتنی بان خصصت علیا بدعوتی فاجعل فیه شفاء

بنیی. ثم قـال: کلی علی اسم اللّه یا بنیه، فاکلت و ما خرج رسول‌اللّه صـلی اللّه علیه و آله و سـلم حتی اسـتقلت و برات، فقال عمر بن عبدالعزیز: صدقت و بردت، اشهد لقد سمعته و وعیته یارجل. [۲۲۱] . [صفحه ۱۴۵]

فضائلها و مناقبها

۱- الحمیری باسـناده عن جعفر عن ابیه علیهماالسلام قال: لما ولی عمر بن عبدالعزیز اعطانا عطایا عظیمه، قال: فدخل علیه اخوه، فقال له: ان بنی‌امیه لا- ترضـی منـک بـان تفضـل بنی فـاطمه علیهاالسـلام علیهم، فقـال: افضـلهم، لاـنی سـمعت، حتی لا ابالی ان اسمع ان رسول‌اللّه صـلی اللّه علیه و آله و سـلم کان یقول: ان فاطمه شـجنه منی، یسـرنی ما اسرها و یسوءنی ما اساءها فانا اتبع سرور رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سـلم واتقی مسـاءته. [۲۲۲] . ۲- البرقی عن ابیه، عن محمـد بن ابی‌عمیر، عن هشـام بن سـالم، عن ابی‌عبـداللّه علیه‌السـلام قال: لما قتل جعفر بن ابی‌طالب امر رسول‌اللّه صـلی اللّه علیه و آله و سـلم فاطمه علیهاالسـلام ان تتخذ طعاما لاسـماء بنت عمیس ثلاثه ایام و تاتیها تسـلیها ثلاثه ایام، فجرت بـذلک السـنه ان یصـنع لاهل المصـیبه ثلاثه ایام طعام. [۲۲۳] . [صـفحه ۱۴۶] ۳- عنه، عن ابیه، محمـد بن ابی‌عمیر، عن حفص بن البختری، عن ابی‌عبـداللّه علیه‌السـلام قـال: لمـا قتـل جعفر بن ابی‌طالب امر رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سـلم فاطمه علیهاالسـلام ان تاتی باسـماء بنت عمیس هی و نساوها و تقیم عنـدها ثلاثا و تصـنع لها طعاما ثلاثه ایام. [۲۲۴] . ۴- الصـدوق، حدثنا احمد بن زیاد بن جعفر الهمدانی رحمه‌اللّه، قال: حدثنا علی بن ابراهیم بن هاشم، قال: حدثنا جعفر بن سـمله الاهوازی، قال: حـدثنا ابراهیم بن محمـد الثقفی، عن ابراهیم بن موسـی بن اخت الواقـدی، قال: حدثنا ابوقتاده الحرانی، عن عبدالرحمان بن العلاء الحضرمی، عن سعید ابن‌المسیب، عن ابن‌عباس، قال رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم کان جالسا ذات یوم و عنده علی و فاطمه و الحسن و الحسـین علیهم‌السـلام. فقال: اللهم انک تعلم ان هولاء اهل بیتی و اکرم الناس علی فاحب من احبهم و ابغض من ابغضـهم و وال من والاـهم و عـاد من عـاداهم، و اعن من اعـانهم و واجعلهم مطهرین من کـل رجس، معصومین من کل ذنب، و ایدهم بروح القدس منک، ثم قال: یا علی انت امام امتی و خلیفتی علیها بعدی و انت قائد المومنین الی الجنه. [صفحه ۱۴۷] کانی انظر الی ابنتی فاطمه قـد اقبلت یوم القیامه علی نجیب من نور، عن یمینها سـبعون الف ملک و عن یسارها سـبعون الف ملک و عن یسارهـا سـبعون الف ملـک،و بین یـدیها سـبعون الف ملـک، و بین یـدیها سـبعون الف ملـک، و خلفها سـبعون الف ملک تقود مومنات امتی الی الجنه، فایما امراه صلت فی الیوم و اللیله خمس صلوات و صامت شهر رمضان و حجت بیت‌اللّه الحرام و زکت مالها و اطـاعت زوجهـا و والت علیا بعـدی دخلت الجنه بشـفاعه ابنتی فاطمه و انها لسـیده نساء العالمین. فقیل یا رسول‌اللّه اهی سـیده نساء عالمهـا فقـال علیه‌السـلام ذاک لمریم بنت عمران، فامـا ابنتی فـاطمه فهی سـیده نسـاء العـالمین من الاولین و الاخرین و انها لتقوم فی محرابهـا فیسـلم علیهـا سـبعون الـف ملـک من الملائـکه المقربین و ینادونهـا بمـا نـادت به الملائـکه مریم، فیقولون یـا فـاطمه ان اللّه اصطفاک و طهرک و اصطفاک و طهرک و اصطفاک علی نساء العالمین. ثم التفت الی علی علیه‌السلام فقال: یا علی ان فاطمه بضعه منی و هی نور عینی و ثمره فوادی، یسونی ما ساءها، و یسرنی ما یسرها و انها اول من یلحقنی من اهل بیتی، فاحسن الیها بعدی، و اما الحسن و الحسین فهما ابنای و ریحانتای و هما سیدا شـباب اهل الجنه، فلیکرما علیک کسـمعک و بصـرک، ثم رفع یـده الی المساء فقال: اللهم انی اشـهدک انی محب لمن احبهم و مبغض لمن ابغضهم و سلم [صفحه ۱۴۸] لمن سالمهم و حرب لمن حاربهم و عدو لمن عـاداهم و ولی لمن والاهم. [۲۲۵] . ۵- عنه باسـناده قال: قال النبی صـلی اللّه علیه و آله و سـلم: ان فاطمه علیهاالسـلام احصنت فرجهـا فحرم اللّه ذریتهـا علی النار. [۲۲۶] . ۶- عنه، حـدثنا ابوعبـداللّه الحسین بن احمـد بن محمـد بن علی بن عبداللّه بن جعفر بن عبداللّه بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسـین بن علی بن ابی‌طالب علیهم‌السـلام و محمد بن علی بن بشار القزوینی رضی‌اللّه‌عنهما، قالا: حـدثنا ابوالفرج المظفر بن احمـد القزوینی، قال: حـدثنا ابوالفیض صالـح بن احمـد، قال، حدثنا الحسن بن موسـی بن زیاد، قال: حـدثنا صالح بن حماد، قال حدثنا الحسن بن موسـی الوشاء البغدادی، قال: کنت بخرسان مع علی بن موسـی الرضا علیهماالسـلام فی

مجلسه و زید بن موسی حاضر. قد اقبل علی جماعه فی المجلس یفتخر علیهم و یقول: نحن و نحن، و ابوالحسن علیه‌السلام مقبل علی قوم یحدثهم، فسمع مقاله زید، فالتفت الیه، فقال: یا زید اغرک قول بقالی الکوفه ان فاطمه احصنت فرجها فحرم اللَّه ذریتها علی النار؟ واللَّه ما ذلک الا للحسن و الحسین والد بطنها خاصه. فاما ان یکون موسی بن جعفر علیهماالسلام یطیع اللَّه [صفحه ۱۴۹] و یصوم نهاره و یقوم لیله و تعصبه انت ثم تجیئان یوم القیامه سواء، لانت اعز علی اللَّه عزوجل منه، ان علی بن الحسین علیهماالسلام کان یقول: لمحسننا کفلان من الاجر و لمسیئنا ضعفان من العذاب، و قال الحسن الوشاء: ثم التفت الی فقال: یا حسن کیف تقرون هذه الایه؟ قال نوح انه لیس من اهلک انه عمل غیر صالح، فقلت: من الناس من یقرء «انه عمل غیر صالح» و منهم من یقرء «انه عمل غیر صالح» فمن قرا انه عمل غیر صالح نفاه عن ابیه، فقال علیه‌السلام: کلا لقد کان ابنه ولکن لما عصی اللَّه عزوجل نفاه اللَّه عن ابیه، کذا من کان منا لم یطع اللَّه عزوجل فلیس منا و انت اذا اطعت اللَّه فانت منا اهل‌البیت. [۲۲۷] . ۷- عنه، عن ابیها قال: حدثنا سعد بن عبداللَّه، عن احمد بن محمد بن خالد، عن ابیه، عن ابن ابی‌عمیر، عن جمیل بن صالح، عن محمد بن مروان قال: قلت لابی عبداللَّه علیه‌السلام: هل قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: ان فاطمه احصنت فرجها فحرم اللَّه ذریتها علی النار؟ قال: نعم عنی بذلک الحسن و الحسین و زینب و ام کلثوم. [۲۲۸] . ۸- عنه، حدثنا محمد بن الحسن بن احمد بن [صفحه ۱۵۰] الولید رحمه‌اللَّه قال: حدثنا محمد بن الحسن الصفار، قال: حدثنا العباس بن معروف، عن علی بن مهزیار، عن الحسن بن علی الوشاء، عن محمد بن قاسم بن الفضیل عن حماد بن عثمان، قال: قلت لابی علیه‌السلام: جعلت فداک ما معنی قول رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: ان فاطمه احصنت فرجها فحرم اللَّه ذریتها علی النار فقال: المعتقون من النار هم ولد بطنها الحسن و الحسین و زینب و ام‌کلثوم. [۲۲۹] . ۹- عنه، عن ابیه رضی‌اللَّه‌عنه، قال: حدثنا محمد بن یحیی العطار، عن الحسین بن اسحاق التاجر، عن علی بن مهزیار، عن الحسن بن سعید، عن محمد بن الفضیل، عن الثمالی، عن ابی‌جعفر علیه‌السلام، قال: لا یقدر احد یوم القیامه، بان یقول: یا رب لم اعلم ان ولد فاطمه هم الولاه و فی ولد فاطمه انزل اللَّه هذه الایه خاصه: یا عبادی الذی اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا من رحمه‌اللَّه ان اللَّه یغفر الذنوب جمیعا انه هو الغفور الرحیم. [۲۳۰] . ۱۰- عنه، حدثنا احمد بن زیاد بن جعفر الهمدانی رحمه‌اللَّه قال: حدثنا علی بن ابراهیم بن هاشم، عن ابیه، عن محمد بن سنان، عن المفضل بن عمر، قال: قلت لابی عبداللَّه علیه‌السلام: اخبرنی عن قول رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم فی فاطمه انها [صفحه ۱۵۱] سیده نساء العالمین، اهی سیده نساء عالمها؟ فقال: ذلک لمریک کانت سیده نساء عالمها، و فاطمه سیده نساء العالمین من الاولین و الاخرین. [۲۳۱] . ۱۱- عنه، حدثنا ابوالحسن محمد بن علی بن الشاه، قال: حدثنا ابوحامد، قال: حدثنا ابویزید احمد بن خالد الخالدی، قال: حدثنا محمد بن احمد بن صالح التمیمی، عن ابیه، قال: حدثنا محمد بن حاتم القطان، عن حماد بن عمرو، عن جعفر بن محمد، عن ابیه، عن جده علی بن ابی‌طالب علیهم‌السلام عن النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم انه قال فی وصیته له: یا علی ان اللَّه عز و جل اشرف علی الدنیا فاختارنی منها علی رجال العالمین، ثم اطلع الثانیه فاختارک علی رجال العالمین بعدی، ثم اطلع الثالثه فاختار الائمه من ولدک علی رجال العالمین بعدک، ثم اطلع الرابعه فاختار فاطمه علی نساء العالمین. [۲۳۲] . ۱۲- فرات الکوفی قال: حدثنی موسی بن محمد بن عبدالرحمان المحاربی معنعنا عن ابی‌عبداللَّه جعفر بن محمد، عن ابیه عن جده علیهم‌السلام قال: قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: معاشر الناس تدرون لما خلقت فاطمه علیهاالسلام قالوا: اللَّه و رسوله اعلم، قال: خلقت فاطمه حوراء انسیه لا انسیه، قال: [صفحه ۱۵۲] خلقت من عرق جبرئیل و من زغبه، قالوا: یا رسول‌اللَّه: اشکل ذلک علینا تقول: حوراء انسیه لا انسیه ثم تقول من عرق جبرئیل و من زغبه. قال: اذا انا انبئکم، اهدی الی ربی تفاحه من الجنه اتانی بها جبرئیل فضمها الی صدره فعرق جبرئیل و عرقت التفاحه فصار عرقهما شیئا واحدا، ثم قال: السلام علیک یا رسول‌اللَّه و رحمه‌اللَّه و برکاته، قلت: و علیک‌السلام یا جبرئیل،فقال: ان اللَّه اهدی الیک تفاحه من الجنه فاخذتها فقبلتها و وضعتها علی عینی وضممتها الی صدری، ثم قال: یا محمد کلها، قلت: حبیبی جبرئیل هدیه ربی توکل قال نعم قد امرت باکلها. فافلقتها فرایت منها نورا ساطعا فزعت من ذلک النور، قال: کان فان ذلک نور المنصوره فاطمه، قلت یا جبرئیل و من المنصوره؟ قال: جاریه تخرج من صلبک

اسمها من السماء منصوره و فی الارض فاطمه، قلت: و لم سمیت فی السماء منصوره و فی الارض فاطمه، قال: سمیت فی الارض فاطمه لانه فطمت شیعتها من النار و فطموا اعداءها من حبها و ذلک قول اللّه فی کتابه و یومئذ یفرح المومنون بنصر اللّه ینصر فاطمه. [۲۳۳] . ۱۳- قال شاذان بن جبرئیل: روی انه جاء فی الخبر ان [صفحه ۱۵۳] الامام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام کان ذات یوم هو و زوجته فاطمه علیهاالسلام یا کلان تمرا فی الصحراء، اذ تداعبا بینهما بالکلام، فقال علی علیه‌السلام یا فاطمه ان النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم یحبنی اکثر منک، فقالت: واعجبا منک یحبک اکثر منی و انا ثمره فواده و عضو من اعضائه و غصن من اغصانه، و لیس له ولد غیری. فقال لها علی علیه‌السلام: یا فاطمه ان لم تصدقینی فامض بنا الی ابیک محمد صلی اللّه علیه و آله و سلم، قال: فمضینا الی حضرت فتقدمت و قالت: یا رسول‌اللّه اینا احب الیک، انا ام علی، قال النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم: انت احب الی و علی اعز علی منک، فعندها قال سیدنا و مولانا الامام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام: الم اقل لک انا ولد فاطمه ذات التقی، قالت فاطمه و انا ابنه خدیجه الکبری. قال علی علیه‌السلام: و انا ابن‌الصفا، قالت فاطمه: انا ابنه سدره المنتهی، قال علی: و انا فخر الوری، قالت فاطمه: و انا ابنه من دنی فتدلی و کان من ربه قاب قوسین او ادنی، قال علی و انا ولد المحصنات قالت فاطمه و انا بنت الصالحات و المومنات، قال علی: و انا خادمی جبرئیل، قالت فاطمه و انا خاطبنی فی السماء راحیل، و خدمتنی الملائکه جیلا بعد جیل، قال علی و انا ولدت فی المحل البعید المرتقی. [صفحه ۱۵۴] قالت فاطمه و انا زوجت فی الرفیع الاعلی و کان ملاکی فی السماء، قال علی: انا حامل اللواء قالت فاطمه و انا ابنه من عرج به السماء، قال علی: انا صالح المومنین، قالت فاطمه: و انا ابنه خاتم النبیین، قال علی: و انا الضارب علی التنزیل، قالت فاطمه: و انا صاحایه التاویل قال علی: و انا شجره تخرج من طور سنیین، قالت فاطمه: و انا الشجره التی تخرج اکلها اعنی الحسن و الحسین علیهاالسلام. قال علی: و انا المثالی و القرآن الحکیم، قالت فاطمه: و انا ابنه النبی الکریم، قال علی: و انا النبا العظیم، قالت فاطمه: و انا ابنه الصادق الامین، قال علی: و انا الحبل المتین، قالت فاطمه: و انا ابنه خیر الخلق الجمعین، قال علی: انا لیث الحروب، قالت فاطمه انا من یغفراللّه به الذنوب، قال علی: و انا المتصدق بالخاتم، قالت فاطمه: و انا انبه سیده العالم، قال علی: انا سید بنی‌هاشم، قالت فاطمه: انا بنه محمد المصطفی. قال علی: انا الامام المرتضی، قالت فاطمه: انا ابنه سید المرسلین، قال علی: انا سید الوصیین، قالت فاطمه: انا ابنه النبی العربی، قال علی: و انا الشجاع الکلمی، قالت فاطمه: و انا ابنه احمد النبی، قال علی: انا البطل الاروع، قالت فاطمه: انا الشفیع المشفع، قال علی: انا قسیم الجنه و النار، قالت فاطمه: انا ابنه محمد المختار، قال علی: انا قاتل الجان، قالت فاطمه: انا ابنه رسول الملک [صفحه ۱۵۵] الدیان. قال علی: انا خیره الرحمان، قالت فاطمه: و انا خیره النسوان، قال علی: و انا مکلم اصحاب الرقیم، قالت فاطمه: و انا ابنه من ارسل رحمه للعالمین و بهم روف رحیم، قال علی: وانا الذی جعل اللّه نفسی نفس محمد صلی اللّه علیه و آله و سلم حیث یقول فی کتابه العزیز و انفسنا و انفسکم، قالت فاطمه: و انا الذی قال فی و نساونا و نساءکم و ابناءنا و ابناءکم. قال علی: انا علمت شیعتی القرآن، قالت فاطمه: و انا یعتق اللّه من احبنی من اهل النیران، قال علی: انا شیعتی من علمی یسطرون، قالت فاطمه: و انا من بحر علمی یغترفون، قال علی: انا الذی اشتق اللّه تعالی اسمی من اسمه فهو العالی و انا علی، قالت فاطمه: و انا کذلک فهو الفاطر و انا فاطمه، قال علی: انا حیاه العارفین، فقالت فاطمه انا مسلک نجاه الراغبین. قال علی: و انا الحوامیم، قالت فاطمه: و انا ابنه الطواسین، قال علی: و انا کنز الغنی، قالت فاطمه: و انا الکلمه الحسنی، قال علی: انا بی تاب اللّه علی آدم فی خطیئته، قالت فاطمه: فانا بی قبل اللّه توبته، قال علی: انا کسفینه نوح من رکبها نجا، قالت فاطمه: و انا اشاکک فی الدعوی، قال علی: و انا طوفانه، قالت فاطمه: و انا سورته، قال علی: و انا النسیم المرسل لحفظه، قالت فاطمه: و انا منی انهار الماء و اللبن و الخمر و العسل فی الجنان. [صفحه ۱۵۶] قال علی: و انا الطور، قالت فاطمه: و انا الکتاب المسطور، قال علی: و انا الرق المنشور، قالت فاطمه: و انا البیت المعمور، قال علی: و انا السقف المرفوع، قالت فاطمه: و انا البحر المسجور، قال علی: و انا علمی علم النبیین، قالت فاطمه: و انا ابنه سید المرسلین من الاولین و الاخرین، قال علی: انا البئر و القصر المشید، قالت فاطمه: انا منی شبر و شبیر، قال علی: و انا بعد الرسول خیر البریه، قالت فاطمه: انا البره من انزل علیه القرآن، قال علی: انا البطین الاصلع، قالت فاطمه: انا

الکوکب الذی یلمع، قال النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم: فهو الشفاعه یوم القیامه. قالت فاطمه: و انا خاتون یوم القیامه، فعند ذلک قالت فاطمه لرسول اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: لا۔ تحام لابن عمک و دعنی و ایاه، قال علی: یا فاطمه انا من محمد عصبته و نخبته، قالت فاطمه: و انا لحمه و دمه، قال علی: انا الصحف، قالت فاطمه: و انا الشرف، قال علی: و انا ولی الزلفی: قالت فاطمه: و انا الخمصاء الحسنی، قال علی: و انا الوری، قالت فاطمه: و انا فاطمه الزهراء. فعنده قال النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم لفاطمه: قومی و قبلی راس ابن‌عمک فهذا جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل [صفحه ۱۵۷] مع اربعه آلاف من الملائکه یحامون مع علی و هذا اخی راحیل و دردائیل مع اربعه الاف من الملائکه ینظرون باعینهم، قال: فقامت فاطمه الزهراء، فقبلت راس الامام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام بین یدی النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم. قالت یا اباالحسن بحق رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم معذره الی اللَّه عز و جل و الیک و الی ابن‌عمک، قال: فوهبها الامام علیه‌السلام و قبلت ید ابیها علیه و علیهم‌السلام. [۲۳۴] . ۱۵- عنه، عن محمد بن محمد رحمه‌اللَّه قال اخبرنی ابو [صفحه ۱۵۸] الحسن احمد بن محمد بن الحسن، قال: حدثنی ابی، قال: حدثنا محمد بن یحیی العطار، عن الحسن بن موسی الخشاب، عن علی بن النعمان، عن بشیر الدهان قال: قلت لابی جعفر علیه‌السلام، جعلت فداک ای الفصوص ارکبه علی خاتمی؟ فقال: یا بشیر این انت عن العقیق الاحمر و العقیق الاصفر و العقیق الابیض. فانها ثلاثه جبال فی الجنه، فاما الاحمر فمطل علی دار رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم، و اما الاصفر فمطل علی دار فاطمه علیهاالسلام و اما الابیض فمطل علی دار امیرالمومنین علیه‌السلام، و الدور کلها واحده، یخرج منها ثلاثه انهار من تحت کل جبل نهر اشد بردا من الثلج و احلی من العسل و اشد بیاضا من اللبن، لا یشرب منها الا محمد و آله شیعتهم. مصبها کلها واحد و مخرجها من الکوثر و ان هذه الجبال تسبح اللَّه و تقدسه و تمجده و تستغفره لمحبی آل‌محمد علیهم‌السلام، فمن تختم بشیء منها من شیعه آل‌محمد علیهم‌السلام لم یر الا الخیر و الحسنی و السعه فی رزقه و السلامه من جمیع انواع البلاء و هو امان من السلطان الجائر و من کل ما یخافه الانسان و یحذره. [۲۳۵] . ۱۶- عنه رحمه‌اللَّه اخبرنا محمد بن محمد قال: اخبرنا ابوالقاسم جعفر بن محمد، عن محمد بن همام، عن عبداللَّه بن جعفر [صفحه ۱۵۹] الحمیری، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن الحسین بن سعید، عن القاسم بن محمد الجوهری، عن الحسین بن احمد، عن یونس بن ظبیان قال: کنت عند ابی‌عبداللَّه علیه‌السلام فقال: ما یقول الناس فی ارواح المومنین بعد موتهم؟ قلت: یقولون: فی حواصل طیور خضر، فقال: سبحان‌اللَّه المومن اکرم علی اللَّه من ذلک، اذا کان ذلک اتاه رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم و علی و فاطمه و الحسن و الحسین علیهم‌السلام و معهم ملائکه اللَّه عز و جل المقربون، فان انطق اللَّه لسانه بالشهاده له بالتوحید و للنبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم بالنبوه و الولایه لاهل البیت علیهم‌السلام. شهد علی ذلک رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم و علی و فاطمه و الحسن و الحسین علیهم‌السلام و الملائکه المقربون معهم و ان اعتقل لسانه فانه نبیه علیه‌السلام یعلم ما فی قلبه من ذلک فیشهد به و شهد علی شهاده النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم و علی و فاطمه و الحسن و الحسین علی جماعتهم من اللهخ افضل الصلوه والسلام و من حضر معهم من الملائکه. فاذا قبض اللَّه روحه الیه صیر تلک الروح الی الجنه فی صوره کصورته فی الدنیا،فیاکلون و یشربون، فاذا قدم علیهم [صفحه ۱۶۰] القادم عرفهم بتلک الصوره التی کانت فی الدنیا. [۲۳۶] . ۱۷- روی ابن‌شهر آشوب عن تاریخ بغداد و کتاب السمعانی و اربعین ابن‌الموذن و مناقب فاطمه عن ابن‌شاهین باسانیدهم عن حذیفه و ابن‌مسعود قال النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم ان فاطمه احصنت فرجها، فحرم اللَّه ذریتها علی النار. [۲۳۷] . ۱۸- عنه، قال: سئل الصادق علیه‌السلام عن معنی حی علی خیر العمل، فقال: خیر العمل بر فاطمه و ولدها. [۲۳۸] . ۱۹- عنه، قال: و فی المحاضرات روی ابوهریره انه سجد رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم بخمس سجدات بلا رکوع، فقلنا له فی ذلک، فقال: اتانی جبرئیل فقال: ان اللَّه یحب علیا، فسجدت فرفعت راسی، فقال: ان اللَّه یحب الحسن فسجدت فرفعت راسی، فقال: ان اللَّه یحب الحسین فسجدت، فرفعت راسی، ثم قال: ان اللَّه یحب فاطمه، فسجدت، ثم قال: ان اللَّه یحب من احبهم. [۲۳۹] . ۲۰- قال: روی فی کشف الثعلبی و فضائل ابی‌السعادات فی معنی قوله تعالی: «لا یرون فیها شمسا و لا زمهریرا» انه قال ابن‌عباس بینا اهل الجنه فی الجنه بعدما سکنوا روا نورا اضاء الجنان، [صفحه ۱۶۱] فیقول اهل

الجنه: یا رب انک قد قلت فی کتابک المنزل علی نبیک المرسل لا یرون فیها شمسا، فینادی مناد لیس هذا نور الشمس و لا نور القمر و ان علیا و فاطمه تعجبا من شیء فضحکا فاشرقت الجنان من نور رهما. [۲۴۰] . ۲۱- عنه، قال النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم: ان ملک الموت خیرنی، فاستنطرته الی نزول جبرئیل، فتجلی ابنته فاطمه الغشی، فقال لها: یا بنتی احفظی علیک، فانک و بعلک معی فی الجنه. [۲۴۱] . ۲۲- عنه، قال: فی الحدیث ان النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم و بشرها عند ولاده کل منهما بان یقول لها لیهنئک ان ولدت اماما یسود اهل الجنه، و اکمل اللّه تعالی ذلک فی عقبها. [۲۴۲] . ۲۳- روی الاربلی عن ابن‌خالویه فی کتاب الال، قال: حدثنی ابوعبداللّه الحنبلی،قال: حدثنا محمد بن احمد بن قضاعه، قال: حدثنا ابومعاذ عبدان بن محمد، قال: حدثنی مولای ابن‌محمد الحسن بن علی، عن ابیه علی بن محمد، عن ابیه محمد بن علی، عن ابیه علی بن موسی، عن ابیه موسی بن جعفر، عن ابیه جعفر بن محمد، عن ابیه محمد بن علی، عن ابیه علی بن الحسین، عن ابیه [صفحه ۱۶۲] الحسین بن علی، عن ابیه علی بن ابی‌طالب علیهم‌السلام قال: قال رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم: لما خلق اللّه آدم و حواء تبخترا فی الجنه، فقال آدم لحواء: ما خلق اللّه خلقا هو احسن منا، فاوحی اللّه الی جبرئیل ائت بعبدی الفردوس الاعلی، فلما دخلا الفردوس نظرا الی جاریه علی درنوک من درانیک الجنه و علی راسها تاج من نور، و فی اذنیها قرطان من نور قد اشرقت الجنان من نور وجهها. فقال آدم: حبیبی جبرئیل من هذه الجاریه التی قد اشرقت الجنان من حسن وجهها فقال: هذه فاطمه بنت محمد نبی من ولدک یکون فی آخر الزمان، قال: فما هذا التاج الذی علی راسها؟ قال: بعلها علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام. [۲۴۳] . ۲۴- عنه، مرفوعا الی جابر بن عبداللّه الانصاری قال: سمعت رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم یقول: ان اللّه عز و جل خلقنی و خلق علیا و فاطمه و الحسن و الحسین علیهم‌السلام، من نور، فعصر ذلک النور عصره، فخرج منه شیعتنا، فسبحنا فسبحوا و قد سنا و قدسوا، و هللنا فهللوا، و مجدنا فمجدوا و وحدنا فوحدوا. ثم خلق السماوات و الارضین و خلق الملائکه، فمکثت الملائکه مائه عام لا تعرف تسبیحا و لا تقدیسا، فسبحنا فسبحت [صفحه ۱۶۳] شیعتنا، فسبحت الملائکه و کذلک فی البواقی، فنحن الموحدون حیث لا موحد غیرنا، و حقیق علی اللّه عز و جل کما اختصنا و اختص شیعتنا ان ینزلنا و شیعتنا فی اعلی علیین، ان اللّه اصطفانا و اصطفی شیعتنا من قبل ان نکون اجساما فدعانا فاجبنا فغفر لنا و لشیعتنا من قبل ان نستغفر اللّه تعالی. [۲۴۴] . ۲۶- عنه، عن ابن‌بابویه بسنده الی اسماء بنت عمیس قالت: قال لی رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم: و قد کنت شهدت فاطمه علیهاالسلام و قد ولدت بعض اولادها، فلم ار لها دما، فقال صلی اللّه علیه و آله و سلم ان فاطمه خلقت حوریه فی صوره انسیه. [۲۴۵] . ۲۷- عنه، عن مجاهد قال النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم: و هو آخذ بید فاطمه علیهاالسلام، فقال: من عرف هذه فقد عرفها و من لم یعرفها فهی فاطمه بنت محمد، و هی بضعه منی و هی قلبی و روحی التی بین جنبی، فمن آذاها فقد آذانی، و من آذانی فقد آذی اللّه. [۲۴۶] . [صفحه ۱۶۴] ۲۸- عنه قال: روی عن جعفر بن محمد علیه‌السلام، عن ابیه، عن علی بن الحسین، عن فاطمه الصغری، عن الحسین بن علی، عن اخیه الحسن بن علی بن ابی‌طالب علیهم‌السلام قال: رایت امی فاطمه علیهاالسلام قامت فی محرابها لیله جمعه. فلم تزل راکعه و ساجده حتی انفجر عمود الصبح، و سمعتها تدعو للمومنین و المومنات و تسمیهم و تکثر الدعاء لهم و لا تدعو لنفسها بشیء، فقلت لها: یا اماه لم لا تدعین لنفسک کما تدعین لغیرک؟ فقالت یا بنی الجار ثم الدار. [۲۴۷] . ۲۹- روی المجلسی عن عیون المعجزات، روی عن حارثه بن قدامه، قال: حدثنی سلمان، قال: حدثنی عمار و قال: اخبرک عجبا؟ قلت حدثنی یا عمار قال: نعم شهدت علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام و قد ولج علی فاطمه علیهاالسلام، فلما ابصرت به نادت، ادن لا حدثک بما کان و بما هو کائن و بما لم یکن الی یوم القیامه حین تقوم الساعه. قال عمار: فرایت امیرالمومنین علیه‌السلام یرجع القهقری، فرجعت برجوعه، اذ دخل علی النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم، فقال: ادن یا ابا الحسن، فدنا، فلما اطمان به المجلس قال له: تحدثنی اماحدثک؟ قال: الحدیث منک احسن یا رسول‌اللّه فقال: کانی بک [صفحه ۱۶۵] و قد دخلت علی فاطمه و قالت لک کیت و کیت، فرجعت، فقال علی علیه‌السلام: نور فاطمه من نورنا فقال علیه‌السلام او لا تعلم؟ فسجد علی شکرا اللّه تعالی. [۲۴۸] . ۳۰- الحافظ الهیثمی باسناده عن ابی‌ایوب الانصاری قال: قال رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم:

لفاطمه نبینا خیر الانبیاء و هو ابوک و شهیدنا خیر الشهداء و هو عم ابیک حمزه، و منا من له جناحان یطیر بهما فی الجنه حیث شاء و هو ابن‌عم ابیک جعفر و مناسبطا هذه الامه الحسن و الحسین و هما ابناک و منا المهدی. [۲۴۹] . ۳۱- عنه باسناده عن امسلمه زوج النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم ان رسول‌اللّه قال لفاطمه ائتینی بزوجک و ابنیک، فجاءت بهم، فالقی علیهم رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم کساء کان تحتی خیبریا اصبناه من خیبر، ثم قال: اللهم هولاء آل‌محمد علیهم‌السلام، فاجعل صلواتک و برکاتک علی آل‌محمد کما جعلتها علی آل‌ابراهیم انک حمید مجید. [۲۵۰] . ۳۲- عنه، عن امسلمه، قالت: جاءت فاطمه بنت النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم الی رسول‌اللّه متورکه الحسن و الحسین فی یدها برمه للحسن فیها سخین حتی اتت بها [صفحه ۱۶۶] النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم، فلما وضعتها قدامه قال: این ابوحسن؟ قالت فی البیت فدعاه فجلس النبی و علی و فاطمه و الحسن و الحسین علیهم‌السلام یاکلون، قالت امسلمه و ما سامنی النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم، و ما اکل طعاما و انا عنده الا سامنیه قبل ذلک الیوم تعنی سامنی دعانی الیه، فلما فرغ التفت علیهم بثوبه ثم قال: اللهم عاد من عاداهم و وال من والاهم. [۲۵۱] . ۳۳- عنه باسناده عن علی علیه‌السلام انه دخل علی النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم و قد بسط شمله، فجلس علیها هو و علی و فاطمه و الحسن و الحسین علیهم‌السلام، ثم اخذ النبی بمجامعه فقعد علیهم، ثم قال: اللهم ارض عنهم، کما انا عنهم راض. [۲۵۲] . ۳۴- عنه، عن صبیح قال: کنت بباب النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم فجاء علی بو فاطمه و الحسن و الحسین فجلسوا ناحیه فخرج رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم فقال: انکم علی خیر و علیه کساء خیبری فجللهم به، و قال: انا حرب لمن حاربکم، و سلم لمن سالمکم. [۲۵۳] . ۳۵- عنه باسناده عن ابی‌هریره قال: نظر رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم الی علی و فاطمه و الحسن [صفحه ۱۶۷] و الحسین صلوات اللّه علیهم فقال: انا حرب لمن حاربکم، و سلم لمن سالمکم. [۲۵۴] . ۳۶- عنه، عن علی علیه‌السلام قال: دخل علی رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم و انا نائم علی المنامه فاستسقی الحسن و الحسین فقال رسول‌اللّه الی شاه لنا بکئی، فحلبها فدرت، فجاء الحسین فنحاه النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم،فقالت فاطمه کانه احبها الیک یا رسول‌اللّه قال: لا ولکنه استسقی قبله ثم قال انی و ایاک و هذین و هذا الراقد فی مکان واحد. [۲۵۵] .

تزویجها

۱- ابوالعباس الحمیری، عن السندی بن محمد، عن ابی‌البختری، عن ابی‌عبداللّه علیه‌السلام عن ابیه قال: تقاضی علی و فاطمه الی رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم فی الخدمه، فقضی علی فاطمه بخدمته ما دون الباب و قضی علی علی ما خلفهخ، قال: فقالت فاطمه: فلا یعلم ما داخلنی من السرور الا اللّه باکفائی رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم تحمل ارقاب الرجال. [۲۵۶] . [صفحه ۱۶۸] ۲- عنه باسناده عن جعفر عن ابیه علیهاالسلام قال: کان فراش علی و فاطمه علیهماالسلام حین دخلت علیه اهاب کبش، اذا ارادا ان ینامـا علیه قلباه، فناما علی صوفه قال: و کانت و سادتهما آدما حشوها لیف قال: و کان صداقها درعا من حدید. [۲۵۷] . ۳- عنه، عن محمد بن الولید، عن عبداللّه بن بکیر قال: سمعت اباعبداللّه علیه‌السلام یقول: زوج رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم علیا فاطمه علیهماالسلام علی درع له حطیه تسوی ثلاثین درهما. [۲۵۸] . ۴- محمد بن یعقوب، عن الحسین بن محمد، عن معلی بن محمد، عن احمد بن محمد بن علی، عن علی بن جعفر، قال: سمعت اباالحسن علیه‌السلام یقول: بینا رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم جالس اذ دخل علیه ملک له اربعه و عشرون وجها، فقال له رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم حبیبی جبرئیل لم ارک فی مثل هذه الصوره؟ قال الملک: لست بجبرئیل، یا محمد بعثنی اللّه عز و جل ان ازوج النور من النور، قال: من ممن؟ قال: فاطمه من علی، قال: فلما ولی الملک اذا بین کتفیه محمد رسول‌اللّه، علی وصیه، فقال رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم: منذ کم کتب هذا بین کتفیک؟ [صفحه ۱۶۹] فقال: من قبل ان یخلق اللّه آدم باثنین و عشرین الف عام. [۲۵۹] . ۵- عنه عن عده من اصحابنا، عن احمد بن محمد، عن الوشاء، عن الخیبری، عن یونس بن ظبیان، عن ابی‌عبداللّه علیه‌السلام قال: سمعته یقول: لولا ان اللّه تبارک و تعالی خلق

امیرالمومنین لفـاطمه ما کان لها کفو علی ظهر الارض من آدم و من دونه. [۲۶۰] . ۷- عنه، عن احمد بن محمد، عن علی بن الحکم، عن معـاویه بن وهب، عن ابی‌عبـدالله علیه‌السـلام قـال: زوج رسول‌اللّه صـلی اللّه علیه و آله و سـلم علیـا علیه‌السـلام فـاطمه علی درع حطمیه و کـان فراشـها اهـاب کبش یجعلاـن الصوف اذا اضـطجعا تحت جنوبهما. [۲۶۱] . ۸- عنـه، عن بعض اصـحابنا، عن علی بن الحسین، عن [صفحه ۱۷۰] العباس بن عامر، عن عبداللّه بن بکیر، عن ابی‌عبداللّه علیه‌السلام قال: زوج رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سـلم علیا فاطمه علیهماالسلام علی درع حطمیه یساوی ثلاثین درهما. [۲۶۲] . ۹- عنه، عن عده من اصحابنا، عن سهل بن زیاد، عن محمـد بن الولید الخزاز، عن یونس بن یعقوب، عن ابی‌مریم الانصاری عن ابی‌جعفر علیه‌السـلام، قال: کان صداق فاطمه علیهاالسـلام جرد برد حبره و درع حطمیه و کـان فراشـها اهـاب کبش یلقیـانه و یفرشانه و ینامان علیه. [۲۶۳] . ۱۰- عنه، عن العـده، عن احمد بن محمد بن خالد، عن علی بن اسـبط، عن داوود، عن یعقوب بن شعیب، قال: لما زوج رسول‌اللّه علیا فاطمه علیهم‌السلام دخل علیها و هی تبکی، فقـال لهـا: مـا یبکیـک؟ فواللّه لو کـان فی اهلی خیر منه مـا زوجتکه، و مـا انـا زوجته ولکن اللّه زوجـک و اصـدق عنک الخمس ما دامت السماوات و الارض. [۲۶۴] . ۱۱- عنه، عن علی بن محمد، عن عبداللّه بن اسـحاق، عن الحسن بن علی بن سلیمان، عمن حـدثه، عنـو ابی‌عبـدالله علیه‌السـلام قـال: ان فـاطمه علیهاالسـلام قـالت لرسـول‌اللّه صـلی اللّه علیه و آله و سـلم: زوجتنی بـالمهر الخسیس، فقال [صفحه ۱۷۱] لها رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم: ما انا زوجتک، ولکن اللّه زوجک من السماء، و جعل مهرک خمس الـدنیا مـا دامت السـماوات و الاـرض. [۲۶۵] . ۱۲- عنـه، عـن ابن‌محبـوب، عن هشـام بن سـالم، عن ابی‌حمزه، عن سـعید بن المسیب، عن علی بن الحسین علیهماالسـلام فی حدیث طویل قال: قلت لعلی بن الحسـین علیهاالسلام فمتی زوج رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم فـاطمه من علی علهیماالسـلام، فقال: بالمـدینه بعـد الهجره بسـنه و کان لها یومئـد تسع سـنین، قال علی بن الحسـین علیهمااالسلام: و لم یولد لرسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم من خدیجه علیهاالسلام علی فطره الاسلام الا فاطمه علهیاالسلام. [۲۶۶] . ۱۳- الصـدوق حـدثنا ابـوالحسن محمـد بن علی بن الشـاه بمرو الرود، قـال: حـدثنا ابن‌العبـاس بن المظفر بن الحسـین، قـال: حـدثنا ابوعبداللّه محمد بن زکریا البصـری بن المظفر بن الحسـین، قال: حدثنا ابن‌عبداللّه محمد بن زکریا البصـری، قال: حدثنی المهدی بن سابق: قال: حدثنا علی بن موسـی بن جعفر علیهاالسـلام قال: حدثنی ابی، عن ابیه جعفر بن محمد، عن ابیه عن جده علیهم‌السلام قال: قال علی بن ابی‌طالب علیه‌السـلام: لقد هممت بالتزویج، [صـفحه ۱۷۲] فلم اجتری ان اذکر ذلـک لرسول اللّه صـلی اللّه علیه و آله و سلم و ان ذلک اختلج فی صدری لیلی و نهاری، حتی دخلت علی رسول‌اللّه صـلی اللّه علیه و آله و سلم فقال لی: یا علی، قلت لبیک یـا رسول‌اللّه، قال: هل لک فی التزویـج، قلت رسول‌اللّه اعطم و ظننت انه یریـد ان یزوجنی بعض نساء قریش و انی لخائف علی فوت فاطمه، فما شـعرت بشیء اذ دعانی رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم، فاتیته فی بیت ام‌سلمه. فلما نظر الی تهلل وجهه و تبسم حتی نظرت الی بیاض اسـنانه یبرق، فقال لی: یا علی ابشـر فان اللّه تبارک و تعالی قد کفانی ما کان همنی من امر تزویجک، قلت: و کیف کان ذلک یا رسول‌اللّه، قال: اتانی جبرئیل علیه‌السـلام و معه من سنبل الجنه و قر نفلها فناولنیها فاخذتهما فشممتهما، وقلت: یا جبرئیل ما سبب هذا السـنبل و القرنفل؟ فقال: ان اللّه تبارک و تعالی امر سکان الجنان من الملائکه و من فیها ان یزینوا الجنان کلها بمغارسها و انهارهـا و ثمارهـا و اشـجارها و قصورهـا، و امر ریاحهـا فهبـت بـانواع العطر و الطیـب و امر حـور عینهـا بـالقراءه فیهـا طه و طیس و حمعسق. ثم امر اللّه عز و جل منادیا فنادی: الا یا ملائکتی و سـکان جنتی اشـهدوا انی قـد زوجت فاطمه بنت محمد صـلی اللّه علیه و آله و سـلم من علی بن ابی‌طالب رضـی منی [صفحه ۱۷۳] بعضـهما لبعض، ثم امر اللّه تبارک و تعالی ملکا من ملائکه الجنه یقال له راحیل و لیس فی الملائکه ابلغ منه، فخطب بخطبه لم یخطب بمثلها اهل السـماء و لا اهل الارض. ثم امر منادیا، فنادی: الا یا ملائکتی و سـکان جنتی بـارکوا علی علی بن ابی‌طـالب علیه‌السـلام حبیب محمـد صـلی اللّه علیه و آله و سـلم و فـاطمه بنت محمـد، فـانی قد بـارکت علیهما، فقال راحیل: یا رب و ما برکتک علیهما اکثر مما راینا لهما فی جنانک و دارک. فقال اللّه عز و جل: یا راحیل ان من برکتی علیهمـا انی اجمعهمـا علی محبتی و اجعلهمـا حجتی علی خلقی و عزتی و جلالـی لاـ خلقن منهمـا خلقـا و لا نشان منهما ذریه

اجعلهم خزانی فی ارضـی و معادن لحکمی، بهم احتج علی خلقی بعد النبیین و المرسـلین، فابشر یا علی فانی قد زوجتک ابنتی فاطمه علی ما زوجک الرحمان و قد رضـیت لها بما رضـی‌اللَّه لها. فدونک اهلک، فانک احق بها منی، و لقد اخبرنی جبرئیل علیه‌السلام ان الجنه و اهلها مشـتاقون الیکما، و لولا ان اللَّه تبارک و تعالی اراد ان یتخـذ منکما ما یتخـذ به علی الخلق حجه، لا جاب فیکما الجمه و اهلهـا، فنعم الاخ انت و نعم الختن انت، و نعم الصاحب انت، و کفاک برضاء اللَّه رضا، فقال علی علیه‌السـلام: رب اوزعنی ان اشـکر نعمتک التی انعمت علی، فقال [صفحه ۱۷۴] رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: آمین [۲۶۷] . ۱۴- عنه، حدثنا ابومحمد جعفر بن نعیم الشـاذانی رضـی‌اللَّه عنه، قال: حـدثنا احمـد بن ادریس، حـدثنا ابراهیم بن هاشم، عن علی بن معبـد، عن الحسـین بن خالـد، عن ابی‌الحسن علی بن موسـی الرضا، عن ابیه، عن آبائه عن علی علیهم‌السـلام قال، قال لی رسول‌اللَّه صـلی اللَّه علیه و آله و سلم: یا علی لقـد عـاتبتنی رجـال من قریش فی امر فـاطمه و قالوا خطبناها الیک فمنعتنا و تزوجت علیا. فقلت لهم: واللَّه ما انا منعتکم و زوجته، بل اللَّه تعـالی منعکم و زوجه، فهبـط جبرئیـل علیه‌السـلام فقـال: یـا محمـد ان اللَّه جل جلاله یقول: لو لم اخلق علیا علیه‌السـلام، لما کان لفـاطمه ابنتـک کفو علی وجه الارض، آدم فمن دونه. [۲۶۸] . ۱۵- عنه باسـناده قـال: رسول‌اللَّه صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم: اتانی ملک، فقال:یا محمـد ان اللَّه یقرءک السـلام و یقول لک: قـد زوجت فاطمه من علی فزوجها منه، و قد امرت شـجره طوبی ان تحمل الدرو الیاقوت و المرجان، و ان اهل السـماء قد فرحوا بذلک و سـیولد منهما ولدان سـیدا شباب اهل الجنه، و بهما تتزین اهل الجنه، [صفحه ۱۷۵] فابشـر یا محمـد فانک خیر الاولین و الاخرین. [۲۶۹] . ۱۶- عنه، حـدثنا محمد بن الحسن بن احمد بن الولید رضـی‌اللَّه عنه، قال: حـدثنی سـعد بن عبـداللَّه، قال: حـدثنی احمـد بن محمـد بن عیسـی، قال: حـدثنی علی بن الحکم،قال: حدثنی الحسـین بن محمـد بن عیسـی، قال: حـدثنی علی بن الحکم، قال: حـدثنی الحسـین بن ابی‌العلاء، عن الصادق جعفر بن محمـد، عن ابیه، عن آبائه قال: قال امیرالمومنین علیه‌السلام دخلت امایمن علی النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم و فی ملحفتها شیء. فقال لها رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سـلم: ما معک یا امایمن، فقالت: ان فلانه املکوها فنثروا علیها، فاخـذت من نثارهم، ثم بکت امایمن و قالت یا رسول‌اللَّه فـاطمه زوجتها و لم تنثر علیها شـیئا فقال لها رسول‌اللَّه صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم یا امایمن لم تکـذبین؟ فان اللَّه تبارک و تعالی لما زوجت فاطمه علیا امر اشـجار الجنه ان تنثر علیهم من حلیها و حللها و یا قوتها و درها و زمردها و اسـتبرقها، فاخذوا منها ما لا یعلمون، و لقد نحل اللَّه طوبی فی مهر فاطمه صـلوات اللَّه علیها، فجعلها فی منزل علی. [۲۷۰] . ۱۷- ابوجعفر الطبری اخبرنی الشریف ابومحمد الحسـن بـن احمـد العلـوی المحمـدی النقیب، قـال: اخـبرنی ابـوجعفر محمـد بن [صـفحه ۱۷۶] علی بـن الحسـین بـن موسـی القمی رضـی‌اللَّه‌عنه، قال: حـدثنا محمد بن موسـی بن المتوکل، قال: حدثنا علی بن الحسـین السـعد آبادی، عن احمد بن ابی‌عبداللَّه البرقی، عن عبدالعظیم بن عبداللَّه الحسنی، قال حدثنی الحسن بن عبداللَّه علیه‌السلام لولا ان امیرالمومنین علیه‌السلام تزوجها لما کان لها کفو علی وجه الارض الی یوم القیامه، من آدم فمن دونه. [۲۷۱] . ۱۸- عنه، اخبرنی الشریف ابومحمد الحسن بن احمد العلوی المحمدی النقیب، قال: حدثنا الاصم بعسـقلان، قال: حدثنا الربیع بن سلیمان، قال: حدثنا محمد بن ادریس الشافعی، عن حمید الطویل، عن انس بن مالـک قـال: ورد عبـدالرحمان بن عوف الزهری و عثمـان بن عفان الی النبی صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم فقال له عبـدالرحمان: یا رسول‌اللَّه تزوجنی فاطمه ابنتک؟ و قد بذلت لها من الصداق مائه ناقه سوداء زرق الاعین محمله کلها قباطی مصر و عشره آلاف دینار و لم یکن من اصـحاب رسول‌اللَّه ایسـر من عبـدالرحمان و عثمان، و قال عثمان: و انا ابـذل ذلک، و انا اقـدم من عبدالرحمان اسـلاما، فغضب النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم من [صفحه ۱۷۷] مقالتهما. فتناول کفا من الحصی فحصب به عبدالرحمان و قال: انک تهول علی بمالـک، فتحول الحصـی دار، فقومت دره من تلـک الـدرر فـاذا هی تفـل بکـل ما یملکه عبـدالرحمان، و هبط جبرئیل فی تلک الساعه فقال: یا احمـد بن اللَّه یقرئک السـلام و یقول: قم الی علی بن ابی‌طالب فان مثله مثل الکعبه یحـج الیها و لا تحـج الی احد. ان اللَّه امرنی ان آمر رضوان خازن الجنان ان یزین الاربع جنان و امر شـجره طوبی و سدره المنتهی ان تحملا الحلی و الحلل و امر الحور العین ان یتزین و ان یقفن تحت شـجره طوبی و سـدره المنتهی، و امر ملکا من الملائکه یقال له راحیل و لیس فی الملائکه افصح منه

لسانا و لا اعذب منطقا و لا احسن وجها ان یحضر الی ساق العرش. فلما حضرت الملائکه و الملک اجمعون، امرنی ان انصب منبرا من النور و امر راحیل ان یرقی فخطب خطبه بلیغه من خطب النکاح و زوج علیا من فاطمه بخمس الدنیا لها ولولدها الی یوم القیامه و کنت انا و میکائیل شاهدین و کان ولیها اللّه تعالی و امر شجره طوبی و سدره المنتهی ان تنثرا ما فیهما من الحلی و الحلل والطیب و امر الحور ان یلقطن ذلک و ان یفتخرن به الی یوم القیامه. قد امرک اللّه ان تزوجه بفاطمه فی الارض و ان تقول لعثمان: اما سمعت قولی فی القرآن مرج البحرین یلتقیان بینهما برزخ لا یبغیان و قولی فیه و هو الذی خلق من الماء بشرا، فجعله نسبا [صفحه ۱۷۸] وصهرا، فلما سمع النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم کلام جبرئیل وجه خلف عمار بن یاسر و سلمان و العباس فاحضرهم و قال لعلی: ان اللّه امرنی ان ازوجک. فقال یا رسول‌اللّه: انی لا املک الا سیفی و فرسی و درعی، فقال له النبی اذهب فبع الدرع فخرج علی فنادی علی درعه، فبلغت اربعمائه درهم ودینار، فاشتراها دحیه بن خلیفه الکلبی و کان حسن الوجه لم یکن مع رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم احسن منه وجها، فلما اخذ علی الثمن و تسلم دحیه الدرع، عطف دحیه علی علی و قال: اسالک یا اباالحسن ان تقبل منی هذا الدرع هدیه و لا تخالفنی. فاخذها منه و حمل الثمن و الدرع و جاء بهما الی النبی فطرحهما بین یدیه و قال: یا رسول‌اللّه بعت الدرع باربعمائه درهم و دینار و قد اشتراها دحیه و سالنی ان اقبل الدرع هیده، فما تامرنی اقبلها منه ام لا؟ فتبسم النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم و قال: لیس هو دحیه لکنه جبرئیل و الدراهم من عنداللّه لتکون شرفا و فخرا لابنتی فاطمه و زوجه بها و دخل بعد ثلاث. قال: و خرج علینا علی و نحن فی المسجد اذ هبط الامین جبرئیل با ترجه من الجنه فقال: یا رسول‌اللّه ان اللّه یامرک ان تدفع هذه الاترجه الی علی بن ابی‌طالب، فدفعها النبی الی علی، فلما حصلت فی کفه انقسمت قسمین مکتوب علی قسم: لا اله الا اللّه [صفحه ۱۷۹] محمد رسول‌اللّه، علی امیرالمومنین، و علی القسم الاخر: هدیه من الطالب الغالب الی علی بن ابی‌طالب. [۲۷۲] . ۱۹- عنه، عن الشریف حدثنا موسی بن عبداللّه الجثمی، عن وهب بن وهب، عن جعفر بن محمد، عن ابیه، عن جده، عن علی بن ابی‌طالب علیهم‌السلام قال: هممت بتزویج فاطمه حینا و لم اجسر اذ اذکر ذلک لرسول اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم، و کان ذلک یختلج فی صدری لیلا و نهارا، حتی دخلت یوما علی رسول‌اللّه، فقال: یا علی، قلت لبیک یا رسول‌اللّه فقال: هل لک فی التزویج؟ فقلت: اللّه و رسوله اعلم، فظننت انه یرید ان یزوجنی بعض نساء قریش و قلبی خائف من فوت فاطمه، ففارقته علی هذه، فواللّه ما شعرت حتی اتانی رسول‌اللّه، فقال: اجب یا علی و اسرع، فاسرعت المضی الیه، فلما دخلت و نظرت الیه، فما رایه اشد فرحا من ذلک الیوم و کان فی حجره امسلمه، ابصرنی فتهلل و تبسم، حتی نظرت الی بیاض اسنانه و لها بریق، فقال: یا علی ان اللّه قد کفانی ما همنی فیک من امر تزویجک. فقلت: و کیف ذلک یا رسول‌اللّه؟ قال: اتانی جبرئیل و معه من قرنفل الجنه و سنبلها قطعتان، فناولینها فاخذتهما و شممتهما فسطع رائحه المسلک، ثم اخذهما منی، فقلت: یا جبرئیل ما شائهما؟ [صفحه ۱۸۰] فقال: ان اللّه امر سکان الجنه ان یزینوا الجنان کلها بمفارشها و نضودها و انهارها و اشجارها و امر ریح الجنه التی یقال لها: المثیره. فهبت فی الجنه بانواع العطر و الطیب و امر الحور العین بقراءه سورتی طه و یس، فرفعن اصواتهن بهما ثم نادی مناد: الا ان الیوم یوم ولیمه فاطمه بنت محمد و علی بن ابی‌طالب رضا منی بهما، ثم بعث اللّه تعالی سحابه بیضاء، فمطرت علی اهل الجنه من لولوها و زبرجدها و یاقوتها و امر خدام الجنان ان یلتقطوها و امر راحیل فخطب خطبه لم یسمع اهل السماء بمثلها. ثم نادی تعالی یا ملائکتی و سکان جنتی بارکوا علی نکاح فاطمه بنت محمد و علی بن ابی‌طالب، فانی زوجت احب النساء الی من احب الرجال الی بعد محمد، ثم قال صلی اللّه علیه و آله و سلم: یا علی ابشر فانی زوجتک بابنتی فاطمه علی ما زوجک الرحمان من فوق عرشه و قد رضیت لها و لک ما رضی‌اللّه لکما، فدونک اهلک و کفی یا علی برضای رضی فیک، فقال علی علیه‌السلام یا رسول‌اللّه او بلغ من شانی ان اذکر فی اهل الجنه؟ و یزوجنی اللّه تعالی فی ملائکه؟ فقال صلی اللّه علیه و آله و سلم: یا علی ان اللّه اذا احب عبدا اکرمه بما لا عین رات و لا اذن سمعت و لا خطر علی قلب بشر، فقال علی یا رب او زعنی ان اشکر نعمتک التی انعمت علی، فقال النبی آمین. فقال علی: لما اتیت رسول‌اللّه خاطبا ابنته فاطمه قال: [صفحه ۱۸۱] و ما عندک لتسعدنی، قلت له لیس عندی الا بعیری و فرسی و درعی، فقال: اما بعیرک فحامل

اهلک و اما فرسک فلا بد لک منه تقاتل علیه، و اما درعک فقد زوجک اللّه بها. قال: فخرجت من عنده و الدرع علی عاتقی الایسر فذهبت الی سوق اللیل فبعتها باربعمائه درهم سود هجریه، ثم اتیت بها الی النبی فصببتها بین یدیه، فواللّه ما سالنی عن عددها و کان رسول‌اللّه سری الکف فدعا بلالا- و ملا- قبضیته و قال: یا بلال ابتع بها طیبا لا بنتی فاطمه ثم دعا ام سلمه فقال لها مدرعه و عباءه قطوانیه و لا تتخذی اکثر من ذلک فیکونا من المسرفین. صبرت ایاما ما اذکر فیها شیئا لرسول اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم من امر ابنته، حتی دخلت امسلمه فقالت لی لم لا- تقول لرسول اللّه یدخلک عن اهلک، قلت استحی منه ان اذکر له شیئا من هذا فقالت امسلمه ادخل علیه فانه سیعلم ما فی نفسک قال: فدخلت علیه ثم خرجت ثم دخلت، ثم خرجت، فقال: احسبک انک تشتهی الدخول علی اهلک؟ قلت نعم فداک ابی و امی یا رسول‌اللّه، فقال: غدا ان شاء اللّه. [۲۷۳] . ۲۰- عنه، حدثنی ابوالحسن محمد بن هارون بن موسی [صفحه ۱۸۲] التلعکبری، قال: حدثنی ابی، قال: اخبرنی ابوالحسن احمد بن محمد بن ابی‌العرب الضبی، حدثنا محمد بن زکریا بن دینار الغلابی، قال: حدثنا شعیب بن واقد، عن اللیث، عن جعفر بن محمد، عن ابیه، عن جده، عن جابر قال: لما اراد رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم ان یزوج فاطمه علیها، قالب له اخرج یا اباالحسن الی المسجد فانی خارج فی اثرک و مزوجک بحضره الناس و ذاکرا من فضلک ما تقر به عینک. قال علی: فخرجت من عند رسول‌اللّه و انا ممتلی فرحا و سرورا فاستقبلنی ابوبکر و عمر فقالا- ما وراک یا اباالحسن؟ فقلت: یزوجنی رسول‌اللّه فاطمه و اخبرنی ان اللّه زوجنیها، و هذا رسول‌اللّه خارج فی اثری لیذکر بحضره الناس، ففرحا و سرا ود خلا معی المسجد فواللّه ما توسطناه حتی لحق بنا رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم و ان وجهه لیتهلل فرحا و سرورا. فقال صلی اللّه علیه و آله و سلم: این بلال، فقال: لبیک و سعدیک، فقال: و این المقداد، فلباه، فقال: و این سلمان فلباه، فلما مثلوا بین یدیه، قال: انطلقوا باجمعکم الی جنبات المدینه و اجمعلوا المهاجرین و الانصار و المسلمین، فانطلقوا لامره، فاقبل حتی جلس علی اعلی درجه من منبره، فلما حشد المسجد باهله قام صلی اللّه علیه و آله و سلم فحمد اللّه و اثنی علیه و قال: الحمدللّه الذی رفع السماء فبناها، و بسط الارض و دحاها، [صفحه ۱۸۳] و اثبتها بالجبال فارساها و تجلل عن تعبیر لغات الناطقین و جعل الجنه ثواب المتقین، و النار عقاب الظالمین وجعلنی رحمه للمومنین، و نقمه علی الکافرین،عباداللّه انکم فی دار امل بین حایه و اجل و صحه و علل، دار زوال متقلبه الحال، جعلت سببا للارتحال. فرحم اللّه امرءا قصر من امله وجد فی عمله، و انفق الفضل من ماله و امسک الفضل من قوته، فقدمه لیوم فاقته یوم تحشر فیه الاموات و تخشع فیه الاصوات، و تنکر الاولاد و الامهات و تری الناس سکاری و ما هم بسکاری، یوم یوفیهم اللّه دینهم الحق و یعلمون ان اللّه هو الحق المبین. یوم تجد کل نفس ما عملت من خیر محضرا و ما عملت من سوء تود لو ان بینها و بینه امدا بعیدا، و من یعمل مثقال ذره خیرا یره و من یعمل مثقال ذره شرا یره، یوم تبطل فیه الانساب و تقطع الاسباب و یشتد فیه علی المجرمین الحساب، و یدفعون الی العذاب، فمن زحزح عن النار و ادخل فی الجنه فقد فاز، و ما الحیوه الدنیا الا متاع الغرور. ایها الناس انما الانبیاء حجج اللّه فی ارضه، الناطقون بکتابه، العاملون بوحیه و ان اللّه تعالی امرنی ان ازوج کریمتی فاطمه باخی و ابن‌عمی و اولی الناس بی علی بن ابی‌طالب واللّه عز شانه قد زوجه بها فی السماء واشهد الملائکه و امرنی ان ازوجه فی الارض و اشهدکم علی ذلک. [صفحه ۱۸۴] ثم جلس و قال: قم یا علی و اخطب لنفسک، فقال علی اخطب یا رسول‌اللّه و انت حاضر؟ فقال: اخطب فهکذا امرنی جبرئیل ان آمرک تخطب لنفسک، و لولا ان الخطیب فی الجنان داود لکنت انت یا علی، ثم قال: ایها الناس اسمعوا قول نبیکم ان اللّه بعث اربعه آلاف نبی ولکل نبی وصی، فانا خیر الانبیاء و وصی خیر الاوصیاء، ثم امسک صلی اللّه علیه و آله و سلم و ابتدا علیه‌السلام فقال: الحمدللّه الذی الهم بفواتح علمه الناطقین و انار بثواقب عظمته قلوب المتقین،واوضح بدلائل احکامه طرق السالکین و ابهج بابن عمی المصطفی العالمین، حتی علت دعوته دعوه الملحدین و استظهرت کلمته علی بواطن المبطلین، و جعله خاتم النبیین و سید المرسلین، فبلغ رساله ربه و صدع بامره و انار من اللّه آیاته. فالحمد اللّه الذی خلق العباد بقدرته و اعزهم بدینه و اکرمهم بنبیه محمد و رحم و کرم و شرف و عظم، والحمد اللّه علی نعمائه و ایادیه، و اشهد ان الا اله الا اللّه شهاده اخلاص ترضیه و اصلی علی نبیه محمد صلاه تزلفه و تحظیه و بعد فان النکاح مما امر اللّه

تعالی به و اذن فیه و مجلسنا هذا مما قضاه اللَّه تعالی ورضیه. هذا محمد بن عبداللَّه رسول‌اللَّه، زوجنی ابنته فاطمه علی صداق اربعمائه درهم و دینار فلقد رضیت بذلک، فاسالوه و اشهدوا، فقال المسلمون: زوجته یا رسول‌اللَّه؟قال: نعم، قال المسلمون. [صفحه ۱۸۵] بارک اللَّه لهما و علیهما و جمع شملهما. [۲۷۴] . ۲۱- عنه، قال: حدثنی ابوالحسین محمد بن هارون بن موسی بن احمد بن ابراهیم بن سعد التلعکبری، قال: اخبرنی ابی قال: حدثنا ابوعلی احمد بن محمد بن جعفر الصولی، قال: حدثنا محمد بن زکریا بن دینار الغلابی، قال: حدثنا جعفر بن محمد بن عماره، قال: حدثنا الحسن بن عماره، عن المنال بن عمرو، عن ابی‌ذر قال: قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: ضجت الملائکه الی اللَّه، فقالوا الهنا وسیدنا اعلمنا ما مهر فاطمه لنعلم و نتبین انها اکرم الخلق علیک، فاوحی اللَّه الیهم یا ملائکتی و سکان سماواتی اشهدکم ان مهر فاطمه بنت محمد نصف الدنیا. [۲۷۵] .. ۲۲- عنه، و حدثنی ابوالمفضل محمد بن عبداللَّه، قال: حدثنا ابوالعباس غیاث الدیلمی عن الحسن بن محمد بن یحیی الفارسی، عن زید الهروی، عن الحسن بن مسکان، عن نجیه، عن جابر الجعفی قال: قال سیدی الباقر محمد بن علی علیهماالسلام فی قول اللَّه تعالی، و اذا استسقی موسی قومه الی قوله مفسدین. ان قوم موسی شکوا الی ربهم الحر و العطش، فاستسقی موسی الماء و شکی الی ربه تعالی مثل ذلک و قد شکی المومنون الی [صفحه ۱۸۶] جدی رسول‌اللَّه، فقالوا: یا رسول‌اللَّه عرفنا من الائمه بعدک؟ فما مضی نبی‌الاوله اوصیاء و ائمه بعده و قد علمنا ان علیا وصیک، فمن الائمه بعده؟ فاوحی اللَّه تعالی الیه انک قد زوجک علیا بفاطمه فی سمائی [۲۷۶] . تحت ظل عرشی و جعلت جبرئیل خطیبها و میکائیل ولیها واسرافیل القابل عن علی و امرت شجره طوبی، فنثرت علیهم اللولو الرطب و الدر و الیاقوت و الزبرجد الاحمر و الاخضر و الاصفر و المناضیر المخطوطه بالنور فیها امان للملائکه مذخور الی یوم القیامه. جعلت نحلتها من علی خمس الدنیا و ثلثی الجنه و اربعه انهار فی الارض: الفرذات و دجله، والنیل و نهر بلخ، فزوجها یا محمد بخمسمائه درهم تکون سنه لامتک، فانک اذا زوجت علیا من فاطمه جری منهما احد عشر اماما من صلب علی سید کل امه امامهم فی زمنه، فیعلمون کما علم قوم موسی مشربهم. [۲۷۷] . ۲۳- عنه، اخبرنی ابوالحسین محمد بن هارون بن موسی التعکبری، قال: حدثنا ابی،قال: حدثنا ابوعلی احمد بن محمد بن جعفر الصولی، قال: حدثنا عبدالعزیز بن یحیی، قال: حدثنا ابوالقاسم التستری، قال: حدثنا ابوالصلت عبدالسلام بن صالح، [صفحه ۱۸۷] عن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی علیهم‌السلام، عن ابیه، عن آبائه عن علی. قال: لما زوجنی النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم بفاطمه قال لی: ابشر فان اللَّه قد کفانی ما همنی من امر تزویجک، قلت: و ما ذاک؟ قال: اتانی جبرئیل بسنبله من سنابل الجنه و قرنفله من قرنفلها، فاخذتهما و شممتهما، و قلت: یا جبرئیل: ما شانهما، فقال ان اللَّه امر ملائکه الجنه و سکانها ان یزینوا الجنه باشجارها و انهارها و قصورها ودورها، و بیوتها و منازلها و غرفها. امر الحور العین ان یقران حمعسق و یس، و نادی مناد یقول: ان اللَّه سقول: انی قد زوجت فاطمه نبت محمد من علی بن ابی‌طالب، ثم بعث اللَّه سحابه، فامطرت علیهم الدر و الیاقوت و اللولو و الجوهر و نثرت السنبل و القرنفل فهذا مما نثر علی الملائکه. [۲۷۸] . ۲۴- عنه، حدثنی ابوالحسین محمد بن هارون بن موسی، قال: حدثنا احمد بن محمد بن سعید قال: حدثنی یحیی بن زکریا بن شیبان، قال: حدثنا محمد بن سنان، عن جعفر بن قرط، عن ابی‌عبداللَّه جعفر بن محمد علیهاالسلام، قال: لما زوج رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم فاطمه علیهاالسلام من علی [صفحه ۱۸۸] علیه‌السلام. قال: من حضر نکاح علی فلیحضر طعامه، فضحک المنافوق و قالوا: ان الذین حضروا العقد حشر من الناس و ان محمد سیضع طعاما لا یکفی عشره اناس، فسیفتضح محمد الیوم و بلغ ذلک النبی، فدعا عمیه حمزه و العباس و اقامهما علی باب داره، و قال لهما ادخلا الناس عشره عشره و دعا بعلی و عقیلف فازرهما ببردین یمانیین. قال لهما: انقلا علی اهل التوحید الماء، و اعلم یا اخی ان خدمتک للمسلمین افضل من کرامتکم، فجعل الناس یردون عشره عشره، فیاکلون و یصدرون حتی اکل الناس من طعامه ثلاثه ایام و النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم یجمع بین الصلاتین فی الظهر و العصر و فی المغرب و العشاء الاخره. ثم دعا النبی بعمه العباس فقال له: یا عم ما لی اری الناس یصدرون و لا یعودون، قال: یا بن اخی لم یبق فی المدینه مومن الا و قد اکل من طعامک، حتی ان جماعه من المشرکین دخلوا فی عداد المومنین، فاحببنا ان لا نمنعهم لیروا ما اعطاک

اللّه تعالی من المنزله العظیم و الـدرجه الرفیعه. فقال النبی صـلی اللّه علیه و آله: اتعرف عـدد القوم؟ فقال: لا اعلم ولکن اذا احببت ان تعرف عددهم فعلیک بعمک حمزه، فدعا حمزه فجاء و هو یجر سـیفه علی الصفا و کان لا یفارقه شفقه علی دین [صفحه ۱۸۹] اللّه، و لمـا دخـل رای النبی ضاحکـا، فقـال له: مـا لی اری النـاس یصـدرون و لا یعودون؟ قال: لکرامتک علی ربک، لقـد اطعم الناس من طعامک حتی ما تخلف عنه موحـد و لا ملحـد، فقال: کم طعم منهم هل تعرف عـددهم؟ قال: واللّه ما شـذ علی رجل واحد، لقد اکل من طعامک فی ایامک الثلاثه بعـدتها ثلاثه آلاف من المسـلمین و ثلاثمائه رجل من المنافقین فضـحک النبی صـلی اللّه علیه و آله و سلم حتی بـدت نواجـذه. ثم دعـا بصـحاف و جعل یغرف فیها و یبعث به مع عبـداللّه بن الزبیر و عبـداللّه بن عقبه الی بیوت الارامل و الضـعفاء و المساکین من المسـلمین و المسـلمات و المعاهـدین و المعاهـدات، حتی لم تبق یومئذ بالمدینه دار و لا منزل الا دخل علیه من طعـامه صـلی اللّه علیه و آله، ثم قـال: هـل فیکم رجـل یعرف المنافقین فامسک الناس. فقال: این حـذیفه بن الیمان قال حـذیفه و کنت فی ضـعف من عله بی و بیدی هراوه اتوکا علیها، فلما سمعت النبی یسال عنی لم املک نفسی ان قلت: لبیک یا رسول‌اللّه، فقال لی: هـل تعرف المنافقین؟ فقلت ما المسـئول باعلم من السائل، فقال لی: ادن منی، فـدنوت، فقال لی السـتقبل القبله بوجهک. ففعلت، فوضع النبی یمینه بین بین منکبی فوجـدت برد انـامله علی صـدری و عرفت المنـافقین باسـمائهم و اسـماء آبائهم و امهاتهم، [صـفحه ۱۹۰] و ذهبت العله من جسـدی و رمیت هراوتی من یـدی، فقـال لی: انطلق و ائتنی بالمنـافقین رجلا. رجلا. قـال: فلم ازل ادعوهم و اخرجهم من بیوتهم و اجمعهم حول منزل النـبی. حتی جمعت مـائه واثنین وسـبعین رجلا. لیس فیهم من یومن بـاللّه و یقر بنبوه رسوله قـال: فـدعا النبی علیـا علیه‌السـلام و قـال: احمل هـذه الصـحفه الی القوم، قال علی: فاتیت لاحملها، فلم اطق فاستعنت باخی عقیل فلم نقـدر، فتکامـل معی اربعون رجلا. فلم نقـدر علیهـا، والنبی قـائم علی باب الحجره ینظر الینا و یتبسم. فلما رآنا و لا طاقه بنا علیها، قال: تباعدوا عنها، فتباعدنا فطرح ذیل بردته علی عاتقه و وضع کفه تحت الصحفه و حملها و جعل یجری بها کما ینحدر سحاب فی صبب و وضع الصـفحه بین ایـدی المنـافقین و کشف الغطـاء عنهـا و الصـحفه علی حالهـا لم ینقص منهـا و لا. وزن خردله ببرکته. فلمـا نظر المنافقون الی ذلک قال بعضـهم لبعض و الاصاغر للاکابر: لا جزیتم عنا خیرا انتم صـددتمونا عن الهـدی بعـد اذ جاءنا و تصـدونا عن دین محمد، و لا بیان اوثق مما راینا، و لا شـرع اوضح مما سمعنا وانکر الاکابر علی الاصاغر فقالوا لهم لا تعجبوا من هذا فان هذا قلیل من سـحر محمد. فلما سـمع النبی صـلی اللّه علیه و آله و سـلم مقالتهم حزن حزنا شدیدا و قال: کلوا لا اشبع اللّه بطونکم فکان الرجل منهم یلتقم [صفحه ۱۹۱] اللقمه من الصـحفه و یهوی بها الی فیه فیلوکها لوکا شدیدا، یمینا و شمالا حتی اذا هم ببلغها خرجت اللقمه من فیه کانهـا حجر، فلمـا طال ذلک علیهم فزعوا الی رسول‌اللّه فقالوا یا محمـد. فقال النبی یا محمـد، فقالوا: یا اباالقاسم، فقال النبی یا اباالقاسم، فقالوا: یا رسول‌اللّه، فقال لبیکم، و کان صلی اللّه علیه و آله و سلم اذا نودی باسمه یا احمد یا محمد اجاب بهما، واذا نودی بکنیته اجاب بها واذا نودی بالرساله و النبوه اجاب بالتلبیه، ثم قال: ما تریـدون؟ قالوا یا محمد التوبه، فما نعود الی نفاقنا ابدا. فقام النبی صلی اللّه علیه و آله و سـلم علی قدیمه و رفع یدیه الی السماء و قال: اللهم ان کانوا صادقین فتب علیهم و الا فارنی فیهم آیه لا تکون مسـخا- لاـنه رحیم بـامته- قـال: فمـا اشـبه ذلـک الیوم الا لیوم القیامه، کما قال اللّه تعالی یوم تبیض وجوه و تسوه وجوه فاما من آمن بالنبی فصار وجهه کالشـمس فی اشراقها و کالقمر فی نوره. اما من کفر من المنافقین و انقلب فی النفاق و الشقاق فصار وجهه کاللیل فی ظلامه و آمن بالنبی مائه رجل و بقی بالنفاق و الشـقاق اثنان و سـبعون رجلا، فاستبشـر النبی بایمان من آمن، و قال لقـد هدی اللّه ببرکه علی و فاطمه، و خرج المومنون متعجبین من برکه الصـحفه و من اکل منها من الناس فانشده ابن‌رواحه شعرا منه: [صفحه ۱۹۲] نبیکم خیر النبیین کلهم کمثـل سـلیمان یکلمه النمل فقال صـلی اللّه علیه و آله و سـلم اسـمعت خیرا یا بن رواحه ابن‌سـلیمان نبی و انا خیر منه و لا فخر کلمته النمله، و سـبحت فی یدی صغار الحصی و انا خیر النبیین و لا فخر فکلهم اخوانی، فقال: رجل من المنافقین یا محمـد و علمت ان الحصـی تسبح فی کفک، قال: ای و الـذی بعثنی بالحق نبیا فسـمعه رجل من الیهود. فقال: والذی کلم موسـی بن عمران علی الطور ما سـبح فی کفک الحصـی، فقال النبی بلی والذی کلمنی فی الرفیع الاعلی من وراء سبعین حجابا غلظ کل حجاب

مائه عام، ثم قبض فی کفه شیئا من الحصی و وضعه فی راحته، فسمعنا له دویا کدوی الاذان اذا سدت بالاصابع. فلما سمع الیهودی ذلک قال: یا محمد لا اثر بعد عین، اشهد ان لا اله الا اللّه وحده لا شریک له و انک یا محمد رسوله و آمن من المنافقین اربعون رجلا و بقی اثنان و ثلاثون. [۲۷۹] . ۲۵- عنه، حدثنی ابوالمفضل محمد بن عبداللّه، قال: حدثنا ابوالعباس احمد بن محمد بن احمد بن سعید الهمدانی، قال: حدثنا احمد بن محمد بن احمد بن الحسن، قال: حدثنا موسی بن ابراهیم المروزی، قال: حدثنا موسی بن جعفر، عن ابیه جعفر بن محمد، عن [صفحه ۱۹۳] جده محمد الباقر علیهم‌السلام عن جابر بن عبداللّه الانصاری قال: لما زوج رسول‌اللّه فاطمه من علی علیهم‌السلام اتاه اناس من قریش، فقالوا انک زوجت علیا بمهر قلیل، فقال: ما انا زوجت علیا، ولکن اللّه تعالی زوجه لیله اسری بی الی السماء، فصرت عند سدره المنتهی، اوحی اللّه الی السدره ان انثری ما علیک، فنثرت الدر و الجواهر و المرجان، فابتدر الحور العین یلتقطن و تهادین به و افتخرن. فقلن هذا من نثار فاطمه بنت محمد صلی اللّه علیه و آله و سلم قال: و لما کانت لیله الزفاف اتی النبی ببغلته الشهباء و ثنی علیها قطیفه و قال لفاطمه ارکبی، و امر سلمان ان یقودها و النبی یسوقها فبینا هم فی الطریق اذ سمع النبی بجلبه فاذا هو بجبرئیل فی سبعین الفا من الملائکمه و میکائیل فی سبعین الفا. فقال النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم: ما اهبطکم الی الارض؟ قالوا جئنا لزفاف فاطمه الی زوجها علی فکبر جبرئیل و کبرت الملائکه و کبر رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم، فوقع التکبیر علی العرائس من تلک اللیله، قال علی علیه‌السلام ثم دخل الی منزلی فدخلت الیه و دنوت منه فوضع کف فاطمه الطیبه فی کفی و قال: ادخلا المنزل و لا تحدثا امرا حتی آتیکما، قال: فدخلنا المنزل فما کان الا ان دخل رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم و بیده [صفحه ۱۹۴] مصباح فوضعه فی ناحیه المنزل فقال لی یا علی خذ فی ذلک القعب ماء من تلک الشکوه، ففعلت ثم اتیته به فتفل فیه تفلات، ثم ناولنی القعب فقال: اشرب منه فشربت. ثم رددته الی رسوله اللّه فناوله فاطمه و قال: اشربی حبیبتی، فشربت منه ثلاث جرعات ثم رددته الیه، فاخذ ما بقی من الماء فنضحه علی صدری و صدرها فقال: انما یرید اللّه لیذهب،- الایه- ثم رفع یدیه و قال: یا رب انک لم تبعث نبیا الا و قد جعلت له عتره، اللهم فاجعل عترتی الهادیه من علی وفاطمه ثم خرج. قال علی فبت بلیله لم یبت احد من العرب بمثلها، فلما کان فی آخر السحر احسست برسول اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم، فذهبت لانهض، فقال: مکانک اتیتک فی فراشک، رحمک‌اللّه، فادخل رجلیه معنا فی الدثار، ثم اخذ مدرعه کانت تحت راس فاطمه فاستیقظت فبکی و بکت و بکیت لبکائهما. فقال لی ما یبکیک؟ فقلت: فداک ابی و امی یا رسول‌اللّه بکیت و بکت فاطمه، فبکیت لبکائکما، فقال: اتانی جبرئیل فبشرنی بفرخین یکونان لک، ثم عزیت باحدهما و علمت انه یقتل غریبا علشانا فبکث فاطمه حتی علا بکاوها، ثم قالت یا ابه لم یقتلوه و انت جده و علی ابوه و انا امه. قال یا بنیه لطلبهم الملک اما انهم سیظهر علیهم سیف لا یغمد الا علی ید المهدی من ولدک یا علی من اخبک و احب ذریتک [صفحه ۱۹۵] فقد احبنی و من احبنی احبه اللّه و من ابغضک و ابغض ذریتک فقد ابغضنی، و من ابغضنی ابغضه اللّه وادخله النار. [۲۸۰] . ۲۶- عنه، حدثنی ابوالحسین محمد بن هارون بن موسی التعکبری، قال: حدثنا احمد بن علی بن مهدی قال: حدثنا ابی، قال: حدثنا ابی، قال: حدثنا علی بن موسی الرضا عن ابیه الباقر علیهم‌السلام، قال: حدثنی جابر بن عبداللّه الانصاری، قال: لما کانت اللیله التی اهدی فیها رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم فاطمه الی علی علیه‌السلام. دعا علیا فاجلسه عن یمینه و دعا فاطمه فاجلسها عن شماله، ثم جمع راسیهما و قام و قاما و هو بینهما یرید منزل علی علیه‌السلام، فکبر جبرئیل فی الملائکه،فسمع النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم التکبیر فکبر و کبر المسلمون، فکان اول تکبیره فی زفاف و صارت سنه. [۲۸۱] . ۲۷- عنه، حدثنا ابوالحسن احمد ابن الفرج بن منصور، قال: حدثنا ابوالحسن علی بن الحسین بن موسی،: قال: حدثنا سعد بن عبداللّه، عن ابی‌اسحاق ابراهیم بن محمد بن سعید الثقفی، قال: حدثنا ابوالحسن الاسدی، قال: حدثنا الحسن بن علی بن ابی‌حمزه، [صفحه ۱۹۶] قال حدثنی ابی عن علی بن عبداللّه عن ابی عبداللّه جعفر بن محمد علیهماالسلام. قال: لما زفت فاطمه الی علی علیهماالسلام نزل جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و نزل معهم سبعون الف ملک، قال: فقدمت بغله رسول‌اللّه دلدل و علیها شمله، فامسک جبرئیل باللجام و امسک اسرافیل بالرکاب و امسک میکائیل بالثفره و رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و

سلم یسوی علیهـا ثیابهـا، فکبر جبرئیل و کبر اسـرافیل و کبر میکائیل و کبرت الملائکه و جرت سـنه التکبیر فی الزفاف. [۲۸۲] . ۲۸- عنه، حـدثنی ابواسـحاق ابراهیم بن احمد الطبری القاضـی، قال: اخبرنا القاضـی ابوالحسـین علی بن عمر بن الحسن بن علی بن مالک السیاری، قال: اخبرنا محمد بن زکریا الغلابی، قال: حدثنی جعفر بن محمد بن عماره الکندی، قال: حدثنی ابی عن جابر الجعفی، عن ابی‌جعفر محمـد بن علی بن الحسـین علیهم‌السـلام، عن ابیه عن جـده، عن محمـد بن عمـار بن یاسـر، قـال سـمعت ابی‌یقول: سـمعت رسول‌اللَّه صـلی اللَّه علیه و آله و سلم یقول لعلی یوم زوجه فاطمه: یا علی ارفع راسک الی السماء فانظر ما تری؟ فقال: [صفحه ۱۹۷] اری جواری مزینات معهن هدایا، قال: فهی خدمک و خدم فاطمه فی الجنه، انطلق الی منزلک و لا تحدث شیئا حتی آتیک فما کان الا ـ کلا ـ و لا ـ حتی مضـی رسول‌اللَّه الی منزله و امرنی ان اهـدی لهما طیبا. قال عمار: فلما کان من الغـد جئت الی منزل فاطمه و معی الطیب، فقالت: یا ابالیقطان ما هذا الطیب؟ قلت: طیب امرنی به ابوک ان اهدیه لک، فقالت: و اللَّه لقد اتانی من السماء طیب مع جوار من الحور العین و ان فیهم جـاریه حسـناء کانهـا القمر لیله البـدر، فقلت من بعث بهـذا الطیب؟ فقـالت بعثه رضوان خازن الجنان و امر هولاء الجواری ان ینحدرن معی و مع کل واحده منهن ثمره من ثمار الجنان فی الید الیمنی، و فی الید الیسـری طاقه من ریاحین الجنه و نظرت الی الجواری و الی حسـنهن، فقلت لمن انتن فقلن لـک و لا هل بیتک و لشـیعتک من المومنین، فقلت: افیکن من ازواج ابن عمی احـد. قلن انت زوجته فی الـدنیا و الاخره و نحن خـدمک و خدم ذریتک، قال، و حملت بالحسن، فلما رزقته حملت بعد اربعین یوما بالحسـین، ثم رزقت زینب و ام‌کلثوم و حملت بمحسن، فلما قبض رسول اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم و جری ما جری فی یوم دخول القوم علیها دارها و اخرج ابن‌عمها امیرالمومنین و ما لحقها من الرجل اسـقطت به ولدا تماما و کان ذلک اصل مرضها و وفاتها صلوات [صفحه ۱۹۸] اللَّه علیها [۲۸۳] . ۲۹- المفید اخبرنی ابوبکر محمد بن مظفر البزار، قال: حدثنا عمر بن عبداللَّه بن عمران، قال: حـدثنا احمد بن بشـیر، قال: حدثنا عبداللَّه بن موسـی، عن قیس عن ابی‌هارون، قال: قال اتیت اباسـعید الخدری فقلت له: هل شـهدت بـدرا قـال: نعم، قال: سـمعت رسول‌اللَّه صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم یقول لفاطمه علیهاالسـلام و قـد جاءته ذات یوم تبکی و تقول: یا رسول‌اللَّه عیرتنی نساء قریش بفقر علی علیه‌السـلام، فقال لها النبی صلی اللَّه علیه و آله اما ترضین یا فاطمه انی زوجتک اقدمهم سلما و اکثرهم علمـا، و ان اللَّه تعالی اطلع الی اهل الارض اطلاعه فاختار منهم اباک فجعله نبیا و اطلع الی اهل الارض اطلاعه فاختار منهم ابـاک فجعله نبیـا و اطلع الیهم ثـانیه فاختـار منهم بعلـک فجعله وصـیا و اوحی اللَّه تعالی الی ان انکحت ایاه. اما علمت یا فاطمه انک لکرامه اللَّه تعـالی ایـاک زوجک اعظمهم حلما و اکثرهم علما و اقـدمهم سـلما، فضـحکت فاطمه علیهاالسـلام و استبشـرت، فقال لها رسول‌اللَّه صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم یا فاطمه ان لعلی ثمانیه اضراس قواطع لم یجعل لاحد من الاولین و الاخرین مثلها. هو اخی فی الدنیا و الاخره و لیس ذلک لاحد من الناس [صفحه ۱۹۹] و انت یا فاطمه سیده نساء اهل الجنه زوجته، و سبطا الرحمه سبطای ولداه و اخوه المزین بالجنـاحین فی الجنه یطیر مع الملائـکه حیث یشـاء و عنـده علم الاولین و الاخرین و هو اول من آمن بی و آخر الناس عهدا بی و هو وصـی و وارث الوصـیین. [۲۸۴] . ۳۰- ابوجعفر الطوسـی اخبرنا ابوعبـداللَّه محمد بن محمد بن النعمان رحمه‌اللَّه، قال: حدثنا محمد بن الحسـین البصـیر الشهرزوری، قال: حدثنا الحسین بن محمد الاسدی، قال: حدثنا ابوعبداللَّه جعفر بن عبداللَّه بن جعفر العلوی المحمـدی، قال: حـدثنا یحیی بن هاشم الغنائی، قال: حـدثنا محمـد بن مروان، قال: حدثنی جویر بن سـعد، عن الضـحاک بن مزاحم، قال: سـمعت علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام یقول: اتانی ابوبکر و عمر فقالا لو اتیت رسول‌اللَّه فذکرت له فاطمه، قال: فاتیته فلما رآنی رسول‌اللَّه صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم ضـحک، ثم قال: ما جاءبک یا ابا الحسن و ما حاجتک؟ قال: فذکرت له قرابتی و قدمی فی الاسـلام و نصـرتی له و جهادی، فقال: یا علی صـدقت فانت افضل مما تـذکر، فقلت یا رسول‌اللَّه فاطمه تزوجنیها؟ فقال: یاعلی انه قد ذکرها قبلک رجال فذکرت ذلک لها فرایت الکراهه فی جهها، ولکن علی رسـلک حتی اخرج الیک، [صفحه ۲۰۰] فدخل علیها فقـامت الیه فاخـذت رداءه و نزعت نعلیه و اتته بـالوضوء، فوضـاته بیـدها و غسـلت رجلیه ثم قعـدت فقـال لها: یا فاطمه، فقالت لبیک حاجتک یا رسول‌اللَّه. قال: ان علی بن ابی‌طالب من قـد عرفت قرابته و فضـله و اسـلامه و انی قـد سالت ربی ان یزوجک خیر خلقه و

احبهم الیه و قد ذکر من امرک شیئا فما ترین؟ فسکتت و لم تول وجهها و لم یر فیه رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم کراهه فقال و هو یقول: اللّه اکبر سکوتها اقرارها، فاتاه جبرئیل فقال: یا محمد زوجها علی بن ابی‌طالب فان اللّه قد رضیها له و رضیه لها. قال علی: فزوجنی رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم ثم اتانی فاخذ بیدی فقال: قم بسم اللّه و قل علی برکه اللّه و ما شاء اللّه لا قوه الا باللّه توکلت علی اللّه، ثم جاءنی حین اقعدنی عندها علیهاالسلام ثم قال: اللهم انهما احب خلقک الی فاحبهما و بارک فی ذریتهما و اجعل علیهما منک حافظا و انی اعیذهما و ذریتهما بک من الشیطان الرجیم. [۲۸۵] . ۳۱- عنه، حدثنی جماعه عن ابی‌غالب احمد بن محمد الزراری، عن خاله، عن الاشعری، عن احمد بن ابی‌عبداللّه، عن علی بن اسباط، عن داود، عن یعقوب بن شعیب، عن ابی [صفحه ۲۰۱] عبداللّه علیه‌السلام قال: لما زوج رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم فاطمه علیا علیهماالسلام دخل علیها و هی تبکی، فقال لها: ما یبکیک؟ فو اللّه لو کان فی اهل بیتی خیر منه زوجتک و ما انا زوجتک و لکن اللّه زوجک و اصدق عنک الخمس ما دامت السماوات و الارض، قال علی: قال رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم: قم فبع الدرع، فقمت فبعته و اخذت الثمن و دخلت علی رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم فسکبت الدراهم فی حجره، فلم یسالنی کم هی و لا انا اخبرته. ثم قبض قبضه و دعا بلالا، فاعطاه و قال: ابتع لفاطمه طیبا، ثم قبض رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم من الدراهم بکلتا یدیه، فاعطاها ابابکر و قال: ابتع لفاطمه ما یصلحها من ثیاب و اثاث البیت و اردفه بعمار بن یاسر و بعده من اصحابه، فحضروا السوق فکانوا یعرضون الشی مما یصلح فلا- یشترونه حتی یعرضوه علی ابی‌بکر فان استصلحه اشتروه. فکان مما اشتروه قمیص بسبعه دارهم و خمار باربعه دراهم، و قطیفه سوداء خیبریه و سریر مزمل بشریطه و فراشین من جنس مصر حشو احدهما لیف و حشو الاخر من جز الغنم، و اربع مرافق من آدم الطائف حشوها اذخر، و ستر من صوف، و حصیر حجری و رحی للید، و مخضب من نحاس، و سقی من آدم، و قعب للبن، و شیء [صفحه ۲۰۲] للماء، و مطهره مزفته، و جزه خضراء و کزان خزف. حتی اذا استکمل الشراء حمل ابوبکر بعض المتاع و حمل اصحاب رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم الذین کانوا معه الباقی، فلما عرضوا المتاع علی رسول‌اللّه جعل یقلبه بیده و یقول: بارک‌اللّه لاهل البیت، قال علی: فاقمت بعد ذلک شهرا اصلی مع رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم و ارجع الی منزلی و لا اذکر شیئا من امر فاطمه. ثم قلن ازواج رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم: الا- نطلب لک من رسول‌اللّه دخول فاطمه علیک؟ قلت: افعلن، فدخلن علیه فقالت ام ایمن یا رسول‌اللّه لو ان خدیجه باقیه لقرت عینها بزفاف فاطمه و ان علیا یرید اهله فقر عین فاطمه ببعلها و اجمع شملهما، و قر عیوننا بذلک، فقال. فما بال علی لا یطلب منی زوجته فقد کنا نتوقعت منه ذلک. قال علی علیه‌السلام: فقلت: الحیاء یمنعنی یا رسول‌اللّه، فالتفت الی النساء فقال: من هیهنا فقالت امسلمه: انا امسلمه و هذه زینب و هذه فلانه و فلانه، فقال رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم: هیئوا لابنتی و ابن‌عمی فی حجره لی بیتا، فقالت امسلمه: فی ای حجره یا رسول‌اللّه؟ قال: فی حجرتک و امر نساءه ان یزین و یصلحن من شانها. فقالت امسلمه فسالت فاطمه هل عندک طیب ادخرتیه [صفحه ۲۰۳] لنفسک؟ قالت نعم، فاتت قاروره فسکبت منها فی راحتی فشممت منها رائحه ما شممت مثلها قط، فقلت: ما هذا؟ فقالت کانت دحیه الکلبی یدخل علی رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم فیقول لی: یا فاطمه هاتی الوساده فاطر حیها لعمک. [۲۸۶] . فاطرح له الوساده فیجلس علیها فاذا نهض سقط من بین ثیابه شیء فیامرنی بجمعه فسال علی علیه‌السلام رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم عن ذلک، فقال: هو غیر یسقط من اجنحه جبرئیل علیه‌السلام، قال علی علیه‌السلام ثم قال لی رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم اصنع لاهلک طعاما فاضلا. ثم قال: من عندنا اللحم و الخبز و علیک التمر و السمن، فاشتریت تمرا و سمنا،فحسر رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم عن ذراعه، و جعل یشدخ التمر فی السمن حتی اتخذه حیسا و بعث الینا کبشا سمینا فذبح و خبز لنا خبزا کثیرا، ثم قال لی رسول‌اللّه ادع من احببت، فاتیت المسجد و هو مشحن بالصحابه. فاستحییت ان اشخص قوما و ادع قوما، ثم صعدت علی ربوه هناک و نادیت، اجیبوا الی ولیمه فاطمه، فاقبل الناس ارسالا، فاستحییت من کثره الناس و قله الطعام فعلم رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم ما تداخلنی، فقال: یا علی انی [صفحه ۲۰۴] سادعو اللّه بالبرکه، قال علی و اکل القوم عن آخرهم طعامی و شربوا شرابی و دعو لی بالبرکه و صدروا و

هم اكثر من اربعه الاف رجل و لم ينقص من الطعام شىء. ثم دعا رسول‌اللّه صلى اللّه عليه و آله و سلم بالصحاف فملئت و وجه بها الى منازل ازواجه، ثم اخذ صحفه و جعل فيها طعاما، و قال: هذا لفاطمه و بعلها، حتى اذا انصرفت الشمس للغروب قال رسول‌اللّه صلى اللّه عليه و آله و سلم: يا امسلمه هلمى فاطمه، فانطلقت فاتت بها و هى تسحب اذيالها و قد تصببت عرقا حياء من رسول‌اللّه. فعثرت فقال لها رسول‌اللّه صلى اللّه عليه و آله و سلم: اقالك اللّه العثره فى الدنيا و الاخره فلما وقفت بين يديه كشف الرداء عن وجهها حتى رآها على عليه‌السلام، ثم اخذ يدها فوضعها فى يد على فقال: بارك اللّه لك فى ابنه رسول‌اللّه، يا على نعم الزوجه فاطمه و يا فاطمه نعم البعل على انطلقا الى منزلكما و لا تحدثا امرا حتى آتيكما. قال على عليه‌السلام: فاخذت بيد فاطمه و انطلقت بها حتى جلست فى جانب الصفه و جلست فى جانبها و هى مطرقه الى الارض حياء منى و انا مطرق الى الارض حياء منها، ثم جاء رسول‌اللّه صلى اللّه عليه و آله و سلم فقال: من هيهنا؟ فقلنا: ادخل يا رسول‌اللّه مرحبا بك زائرا و داخلا فدخل فاجلس فاطمه من جانبه، ثم قال: يا فاطمه ائتينى بماء. [صفحه ۲۰۵] فقامت الى قعب فى البيت، فملاته ماء ثم اتته به، فاخذ منه جرعه فمضمض بها ثم مجها فى القعب، ثم صب منها على راسها، ثم قال: اقبلى، فلما اقبلت نضح منه بين ثدييها، ثم قال: ادبرى، فلما ادبرت نضح منه بين كتفيها، ثم قال: اللهم هذه ابنتى و احب الخلق الى، اللهم و هذا اخى و احب الخلق الى، اللهم لك وليا و بك حفيا و بارك له فى اهله، ثم قال: يا على ادخل باهلك بارك اللّه و رحمه‌اللّه و بركاته انه حميد مجيد. [۲۸۷] . ۳۲- عنه باسناده عن الحسين، عن اسحاق بن عمار و ابى بصير، عتن ابى عبداللّه عليه‌السلام قال: انه اللّه امهر فاطمه عليهاالسلام ربع الدنيا، فربعها لها و امهرها الجنه و النار تدخل اعداءها النار و تدخل اولياءها الجنه، و هى الصديقه الكبرى و على معرفتها دارت القرون الاول. [۲۸۸] . ۳۳- عنه، قال: فى اول يوم من ذى الحجه زوج رسول‌اللّه صلى اللّه عليه و آله و سلم فاطمه عليهاالسلام من اميرالمومنين صلوات اللّه عليه، و روى انه كان يوم السادس و هو يوم مولد ابراهيم الخليل عليه‌السلام. [۲۸۹] . ۳۴- روى الفتال النيسابورى خطبه [صفحه ۲۰۶] النبى صلى اللّه عليه و آله و سلم لما اراد تزويج فاطمه بقدرته، المطاع بسلطانه، المرهوب من عذابه، المرغوب فيما عنده، النافذ امره فى سمائه و ارضه، الذى خلق الخلق بقدرته و ميزهم باحكامه و اعزهم بدينه و اكرمهم بنبيه محمد. ثم ان اللّه تعالى جعل المصاهره نسبا لاحقا و امرا مفترضا و شج به الارحام و الزمه الانام، قال اللّه تعالى، و هو الذى جعل من الماء بشرا فجعله نسبا وصهرا و كان ربك قديرا، امر اللّه يجرى الى قضائه و قضاوه يجرى الى قدره ولكل قضاء قدر ولكل قدر اجل، يمحو اللّه ما يشاء و يثبت و عنده ام‌الكتاب. ثم ان ربى امرنى ان ازواج فاطمه من على بن ابى‌طالب و قد زوجتها اياه على اربعمائه مثقال فضه ان رضى بذلك على و كان على بعثه فى حاجه، ثم انه عليه السلام، فتبسم النبى صلى اللّه عليه و آله و سلم فى وجهه. ثم قال: يا على ان ربى عز و جل امرنى ان ازوجك فاطمه و قد زوجتك اياها على اربعمائه مثقال فضه ان رضيت يا على، قال: رضيت يا رسول‌اللّه، ثم ان عليا خرّ ساجدا شكرا للّه تعالى، فلما رفع راسه قال النبى عليه‌السلام: بارك‌اللّه عليكما و بارك فيكما و اسعد جدكما [صفحه ۲۰۷] و اخرج منكم الكثير الطيب. [۲۹۰] . ۳۵- ان شهر آشوب، عن ابى‌بكر بن مردويه فى كتابه باسناده عن سنان الاوسى قال النبى صلى اللّه عليه و آله و سلم: حدثنى جبرئيل عليه‌السلام ان اللّه تعالى لما زوج فاطمه عليا عليهماالسلام امر رضوان فامر شجره طوبى فحملت رقاعا لمحبى اهل‌بيت محمد، ثم امطرها ملائكه من نور بعدد ذينك الرقاع. فاخذ تلك الملائكه الرقاع، فاذا كان يوم القيامه و استوت باهلها، اهبط اللّه الملائكه بتلك الرقاع، فاذا لقى ملك من تلك الملائكه رجلا من محبى آل‌بيت محمد عليهم‌السلام دفع اليه رقعه براءه من النار. [۲۹۱] . ۳۶- عنه، عن ابى‌صالح الموذن فى الاربعين بالاسناد عن شعبه، عن عمرو بن مره، عن ابراهيم، عن مسروق، عن ابن‌مسعود قال: سمعت رسول‌اللّه صلى اللّه عليه و آله و سلم يقول: ان اللّه تعالى لما امرنى ان ازوج فاطمه من على، ففعلت فقال جبرئيل ان اللّه بنى جنه من لولوه بين كل قصبه الى قصبه لولوه من ياقوت مشذره بالذهب و جعل سقوفها زبر جدا اخضر، و جعل فيها طاقات من لولو مكلله بالياقوت. [صفحه ۲۰۸] ثم جعل غرفا لبنه من ذهب و لبنه من فضه و لبنه من در ولبنه من ياقوت و لبنه من زبرجد، ثم جعل فيها عيونا تنبع من نواحيها و حف بالانهار وجعل على الانهار قبابا من در قد شعبت بسلاسل الذهب وحفت بانواع الشجر و بنى فى كل غصن

قبه و جعل فی کل قبه اریکه من دره بیضاء. غشاوها السندس و الاستبرق و فرش ارضها بالزعفران و فتق بالمسک و العنبر و جعل فی کل قبه حوراء و القبه لها مائه باب علی کل باب جاریتان و شجرتان فی کل قبه مفرش و کتاب مکتوب حول القباب آیه الکرسی، فقلت: یا جبرئیل لمن بنی اللَّه هذا الجنه؟ قال: بناها لعلی بن ابی‌طالب و فاطمه ابنتک سوی جنانهما، تحفه اتحفها اللَّه لتقر بذلک عینک یا رسول‌اللَّه. [۲۹۲] . ۳۷- عنه، عن معقل بن یسار و ابوقبیل و ابواسحاق و حیبب بن ابی‌ثابت و عمران بن حصین و ابوغسان و الباقر علیه‌السلام مع اختلاف الروایات و اتفاق المعنی ان النسوه قلن یا بنت رسول‌اللَّه خطبک فلان و فلان فردهم ابوک و زوجک عائلا، فدخل رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم. فقالت: یا رسول‌اللَّه زوجتنی عائلا، فهز رسول‌اللَّه بیده معصمها و قال: لا یا فاطمه و لکن زوجتک اقدمهم سلما و اکثرهم علما [صفحه ۲۰۹] واعظمهم حلما، اما علمت یا فاطمه انه اخی فی الدنیا و آلاخره، فضحکت و قالت:رضیت یا رسول‌اللَّه. [۲۹۳] . ۳۸- عنه، عن ابن‌بطه فی الابانه انه خطبها عبدالرحمان فلم یجبه و فی روایه غیره انه قال بکذا من المهر، فغضب علیه‌السلام و مد یده الی حصی فرفعها، فسبحت فی یده و جعلها فی ذیله فصارت درا و مرجانا یعرض به جواب المهر و لما خطب علی علیه‌السلام قال: سمعتک یا رسول‌اللَّه تقول: کل سبب و نسب منقطع الا سببی و نسبی. فقال النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم: اما السبب فقد سبب اللَّه، و اما النسب فقد قرب اللَّه وهش و بش فی وجهه و قال: الک شیء ازوجک منها؟ فقال: لا یخفیط علیک حالی ان لی فرسا و بغلا و سیفا و درعا، فقال بع الدرع. [۲۹۴] . ۳۹- عنه باسناده عن الحسین بن علی علیهماالسلام فی خبر لما زوج النبی علیه‌السلام فاطمه علیا علی اربعمائه و ثمانین درهما و روی ان مهرها اربعمائه مثقال فضه و روی انه کان خمسائه درهم و هو اصح. [۲۹۵] . ۴۰- روی عن ابن‌مردویه و ابن الموذن و شیرویه الدیلمی [صفحه ۲۱۰] باسانیدهم، عن ابن‌عباس و جابر انه لما کان لیله التی زفت فاطمه الی علی کان النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم امامها و جبرئیل عن یمینها و میکائیل عن یسارها و سبعون الف ملک من خلفها، یسبحون اللَّه و یقدسونه حتی طلع الفجر. [۲۹۶] . ۴۱- قال الطبرسی: و کان مما تمم اللَّه شرف امیرالمومنین علیه‌السلام فی الدنیا و کرامته فی الاخره ان خصه بتزوجیها ایاه کریمه رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم و احب الخلق الیه و قره عینه و سیده نساء العالمین. فمما روی فی ذلک ما صح عن انس بن مالک قال: بینما رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم جالس اذ جاء علی علیه‌السلام. فقال: یا علی ما جاء بک؟ قال: جئت اسلم علیک، قال: هذا جبرئیل یخبرنی ان اللَّه تعالی زوجک فاطمه علیهاالسلام و اشهد علی تزویجها الف الف ملک و اوحی اللَّه تعالی الی شجره طوبی ان انثری علیهم الدر و الیاقوت، فابتدرت الیهن الحور العین و هن یتهادینه بینهن الی یوم القیامه. [۲۹۷] . ۴۲- عنه باسناده عن جابر، عن ابی‌جعفر علیه‌السلام قال: لما تزوج علی فاطمه علیهماالسلام بسط البیت کثیبا و کان فراشهما اهاب کبش و مرفقتهما محشوه لیفا و نصبوا عودا یوضع علیه [صفحه ۲۱۱] السقاء فستره بکساء [۲۹۸] . ۴۳- عنه، عن الحسین بن نعیم، عن ابی‌عبداللَّه علیه‌السلام قال: سمعته یقول: ادخل رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم فاطمه علی علی علیهماالسلام و سترها عباء و فرشها اهاب کبش و وسادتها ادم محشوه بمسد. [۲۹۹] . ۴۴- روی الاربلی، عن شرحبیل بن سعید قال: دخل رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم علی فاطمه علیهاالسلام فی صبیحه عرسها بقدح فیه لبن، فقال: اشربی فداک ابوک، ثم قال لعلی علیه‌السلام اشرب فداک ابن عمک. [۳۰۰] . ۴۵- و عن شرحبیل بن سعید الانصاری قال: لما کان صبیحه العرس اصابت فاطمه علیهاالسلام رعده، فقال لها رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: زوجتک سیدا فی الدنیا و انه فی الاخره لمن الصالحین. [۳۰۱] . ۴۶- روی الدیلمی عن ابن‌عباس انه قال: خطب جماعه من الاکابر و الاشراف فاطمه علیهاالسلام فکان لا یذکرها احد عند رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم، الا اعرض عنه، فقال: اتوقع الامر من السماء، فان امرها الی اللَّه تعالی. [۳۰۲] . [صفحه ۲۱۲] ۴۷- عنه، عن سلیمان بن مهران الاعمش، عن ابی‌جعفر الدوانیقی، قال: حدثنی ابی،عن ابیه، عن النبی المکرم صلی اللَّه علیه و آله و سلم انه قال: دخلت یوما فاطمه علیهاالسلام، فقامت الی و علی کتفها الحسن علیه‌السلام و هی تکفکف عبرتها، فقلت: ما یبکیک؟ لا ابکی اللَّه عینیک. قالت یا ابه انی سمعت نساء قریش یعیروننی فی المحافل، و قلن ان اباها زوجها معدما لا مال له. فقال لها صلی اللَّه علیه و آله و سلم: لتقر عینک یا فاطمه واللَّه ما انا زوجتک ولکن اللَّه زوجک من فوق سبع

سماوات، فاشهد جبرئیل و میکائیل و اسرافیل علیهم‌السلام، و ان اللّه جل جلاله اطلع الی الارض اطلاعه فاختار من الخلق اباک للرساله، ثم اطلع ثانیه فاختار علیا لولایته و زوجک ایاه فاتخذته وصیا فعلی منی و انا منه. ان علیا اوفر الناس علما و اعظمهم حلما و اقدمهم سلما، و الحسن و الحسین ولداه سیدا شباب اهل الجنه من الاولین و الاخرین، فسماهما اللّه تعالی فی التوراه علی لسان موسی شبر و شبیرا، یا فاطمه ابشری، فانی اذا دعیت غدا الی رب العالمین فعلی معی، و اذا جئت فیجیء معی و هو صاحب لواء الحمد فی موقفی، یا فاطمه ان علیا و شیعته الفائزون یوم القیامه بالجنه، یوم لا ینفع مال [صفحه ۲۱۳] و لا بنون [۳۰۳] . ۴۸- روی المجلسی عن مصباح الانوار و کتاب المختصر باسناده عن ابن‌عباس ان النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم قال لعلی علیه‌السلام: یا علی ان اللّه عز و جل زوجک فاطمه و جعل صداقها الارض فمن مشی علیها مبغضا لک مشی علیها حراما. [۳۰۴] . ۴۹- عبدالرزاق، عن معمر، عن ایوب، عن عکرمه و ابی یزید المدینی ان اسماء ابنه عمیس قالت: لما اهدیت فاطمه الی علی لم نجد فی بیته الا رملا مبسوطا و وساده حشوها لیف و جره و کوزا، فارسل النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم الی علی: لا تحدثن حدثا او قال: لا تقربن اهلک حتی آتیک. فجاء النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم فقال: این اخی؟ فقالت ام ایمن و هی ام اسامه بن زید و کانت حبشیه و کانت امراه صالحه: یا نبی اللّه هو اخوک و زوجته ابنتک؟ و کان النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم آخی بین اصحابه و آخی بین علی و نفسه، فقال: ان ذلک یکون یا ام ایمن، قال: فدعا النبی باناء فیه ماء. فقال فیه ما شاءاللّه ان یقول، ثم نضح علی صدر علی و وجهه، ثم دعا فاطمه، فقامت الیه تعثر فی مرطها من الحیاء، فنضح [صفحه ۲۱۴] علیها من ذلک الماء، فقال لها ما شاء اللّه ان یقول ثم قال لها: اما انی لم آلک، انکحتک احب اهلی الی، ثم رای رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم سوادا من وراء الستر او من وراء الباب. فقال: من هذا قالت اسماء قال: اسماء ابنه عمیس؟ قالت نعم یا رسول‌اللّه قال: اجئت کرامه لرسول‌اللّه مع ابنته؟ قالت نعم ان الفتاه لیله یبنی بها لا بد لها من امراه تکون قریبا منها ان عرضت حاجه افضت بذلک الیها، قالت: فدعا لی دعاء انه لا وثق عملی عندی، ثم قال لعلی: دونک اهلک، ثم خرج فولی، قالت فما زال یدعو لهما حتی تواری فی حجره. [۳۰۵] . ۵۰- عنه، عن یحیی بن العلاء البجلی، عن عمه شعیب بن خالد، عن حنظله بن سمره بن المسیب، عن ابیه، عن جده، عن ابن‌عباس، قال: کانت فاطمه تذکر لرسول‌اللّه،فلا یذکرها احد الا صد عنه حتی یئسوا منها، فلقی سعد بن معاذ علیا فقال: انی واللّه ما اری رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم یجلسها الا علیک. قال فقال: له علی، لم تر ذلک، قال: فواللّه ما انا بواحد من الرجلین، ما انا بصاحب دنیا یلتمس ما عندی و قد علم مالی صفراء و لا بیضاء و لا انا بالکافر الذی یترفق بها عن دینه- یعنی یتالفه بها [صفحه ۲۱۵] - انی لاول من اسلم، فقال سعد: فانی اعزم علیک لتفرجنها عنی فان فی ذلک فرجا. قال: فاقوم ماذا؟ قال: تقول: جئت خاطبا الی اللّه و الی رسوله صلی اللّه علیه و آله و سلم فاطمه بنت محمد، قال: فانطلق علی فعرض علی النبی و هو یصلی سفل حصر، فقال النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم کان لک حاجه یا علی؟ قال: اجل جئت خاطبا الی اللّه و رسوله فاطمه ابنه محمد، فقال له النبی: مرحبا کلمه ضعیفه. ثم رجع علی الی سعد بن معاذ فقال له: ما فعلت؟ قال: فعلت الذی امرتنی به، فلم یزد علی ان رحب بی کلمه ضعیفه، فقال سعد: انکحک والذی بعثه بالحق انه لا خلف الان و لا کذب عنده، عزمت علیک لتاتینه غدا، فتقولن یا نبی اللّه متی تبنینی، قال علی: هذه اشد من الاولی، اولا اقول: یا رسول‌اللّه حاجتی؟ قال: قل کما امرتک. فانطلق علی فقال: یا رسول‌اللّه متی تبنینی؟ قال: الثالثه انشاءاللّه ثم دعا بلالا، فقال: یا بلال انی زوجت ابنتی ابن عمی و انا احب ان یکون من سنه امتی اطعام الطعام عند النکاح، فات الغنم، فخذ شاه و اربعه امداد او خمسه، فاجعل لی قصعه لعلی اجمع علیها المهاجرین و الانصار. فاذا فرغت منها فاذنی بها، فانطلق ففعل ما امره، ثم اتاه بقصعه، فوضعها بین یدیه، فطعن رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و اله و سلم [صفحه ۲۱۶] فی راسها، ثم قال: ادخل علی الناس زفه زفه و لا تغادرن زفه الی غیرها- یعنی اذا فرغت زفه لم تعد ثانیه- فجعل الناس یردون کلما فرغت زفه وردت اخری حتی فرغ الناس. ثم عمد النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم الی ما فضل منها فتفل فیه، و بارک و قال: یا بلال احملها الی امهاتک و قل لهم: کلن و اطعمن من غشیکن، ثم ان النبی قام حتی دخل علی النساء، فقال: انی قد زوجت ابنتی ابن‌عمی و قد علمتن منزلتها منی و انی دافعها الیه الان انشاءاللّه، فدونکن ابنتکن فقام النساء فغلفنها

من طیبهن وحلیهن. ثم ان النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم دخل، فلما راه النساء ذهبن و بینهن و بین النبی ستره و تخلفت اسماء ابنه عمیس، فقال لها النبی علی رسلک من انت،قالت: انا الذی حرس ابنتک، فان الفتاه لیله یبنی بها، لا بد لها من امراه تکون قریبا منها ان عرضت لها حاجه و ان ارادت شیئا افضت بذلک الیها. قال: فانی اسئلک الهی ان یحرسک من بین یدیک و من خلفک و عن یمینک و عن شمالک، من الشیطان الرجیم، ثم خرج بفاطمه فاقبلت، فلما رات علیا جالسا الی جنب النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم حضرت و بکت، فاشفق النبی ان یکون بکاوها لان علیا لا مال له، فقال النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم ما یبکیک؟ [صفحه ۲۱۷] فما الوتک فی نفسی و قد طلبت لک خیر اهلی، والذی نفسی بیده لقد زوجتکه سعیدا فی الدنیا و انه فی الاخره لمن الصالحین، فلازمها فقال النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم ایتینی بالمخضب فاملیه ماء، فاتت اسماء بالمخضب فملاته ماء ثم مج النبی فیه و غسل فیه قدمیه و وجهه ثم دعا فاطمه فاخذ کفا من ماء فضرب علی راسها و کفا بین ثدییها. ثم رش جلده و جلدها ثم التزمها فقال: اللهم انها منی و انا منها، اللهم کما اذهبت عنی الرجس و طهرتنی فطهرها، ثم دعا بمخضب آخر، ثم دعا علیا فصنع به کما صنع بها، و دعا له کما دعا لها، ثم قال: ان قوما الی بیتمکا، جمع‌اللَّه بینکما و بارک فی سرکما و اصلح بالکما، ثم قام فاغلق علیهما بابه بیده. قال ابن‌عباس: فاخبرتنی اسماء ینت عمیس انها رقمت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم فلم یزل یدعو لهما خاصه، لا یشرکهما فی دعائه احدا حتی تواری فی حجره. [۳۰۶] . ۵۱- قال زبیر بن بکار: و ذکر ابن‌اسحاق، عن عبداللَّه بن ابی‌بکر قال: قال علی بن ابی‌طالب علیهاالسلام: لما اردت ان اجمع فاطمه اعطانی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم مصرا من ذهب فقال: ابتع بهذا طعاما لو لیمتک، قال: فخرجت الی محافل الانصار [صفحه ۲۱۸] فجئت الی محمد بن مسلمه فی جرین له قد فرغ من طعامه. فقلت له: بعنی بهذا المصر طعاما، فاعطانی حتی اذا جعلت طعامی قال: من انت، قلت علی بن ابی‌طالب، فقال: ابن‌عم رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم فقلت نعم، قال: و ما تصنع بهذا العطام؟ قلت اعرس، فقال: و بمن؟ فقلت بابنه رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم، قال فهذا الطعام و هذا المصر فخذه فهما لک. فاخذته و رجعت فجمعت اهلی الی، و کان بیت فاطمه لحارثه بن النعمان، فسالت فاطمه النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم ان یحوله، فقال لها: لقد استحییت من حارثه مما یتحول لنا عن بیوته، فلما سمع بذلک حارثه انتقل منه و اسکنه فاطمه، و کان رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم یاتی الانصار فی دورهم فیدعو لهم بالبرکه فیجتمعون الیه فیذکرهم و یحذرهم و ینذرهم و یاتونه بصبیانهم. [۳۰۷] . ۵۲- قال الطبری: فی هذه السنه- سنه ثلاث- فی صغر للیال بقین منه تزوج علی بن ابی‌طالب علیهاالسلام فاطمه، حدثت بذلک عن محمد بن عمر، قال: حدثنا ابوبکر بن عبداللَّه بن ابی‌بره، عن اسحاق بن عبداللَّه ابی‌فروه، عن ابی‌جعفر. [صفحه ۲۱۹] قال ابوجعفر الطبری و اما الواقدی فانه زعم ان ابن ابی‌سبره حدث عن اسحاق بن عبداللَّه، عن ابی‌جعفر ان علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام بنی بفاطمه علیهاالسلام فی ذی الحجه علی راس اثنین و عشرین شهرا. [۳۰۸] . ۵۳- قال المسعودی فی حوادث سنه اثنتین: و فیها کان تزویج علی بن ابی‌طالب بفاطمه بنت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم. [۳۰۹] . ۵۴- قال الیعقوبی: قدم علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام بفاطمه بنت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم و ذلک قبل نکاحه ایاها، و کان یسیر اللیل و یمکن النهار حتی قدم فنزل مع رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم، ثم زوجها رسول‌اللَّه من علی بعد قدومه بشهرین و قد کان جماعه من المهاجرین خطبوها الی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم، فلما زوجها ولکن اللَّه زوجه. [۳۱۰] . ۵۵- الخطیب البغدادی ابوبکر الحافظ حدثنا ابوالحسن محمد بن احمد بن رزق املاء فی سنه ست و اربعمائه، اخبرنا احمد بن [صفحه ۲۲۰] محمد بن رمیح النسوی الحافظ، حدثنا الفضل بن محمد الجندی بمکه، حدثنا عبدالرحمن بن محمد بن اخت عبدالرزاق، حدثنا توبه بن علوان البصری، حدثنا شعبه عن ابی‌حمزه، عن ابن‌عباس. قال: لما زفت فاطمه الی علی کان النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم قدامها و جبرئیل عن یمینها، و میکائیل عن یسارها و سبعون الف ملک خلفها، یسبحون اللَّه و یقدسونه حتی طلع الفجر. [۳۱۱] . ۵۶- الحافظ ابوعبداللَّه الحاکم اخبرنی ابوبکر محمد بن القاسم الذهلی ببغداد، حدثنا جعفر بن محمد الفریابی، حدثنا سلیمان بن عبدالرحمان الدمشقی، حدثنا عمر بن صالح الدمشقی، حدثنا سعید بن ابی‌عروبه، عن قتاده، عن سعید بن المسیب،عن

امایمن، قالت زوج رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم ابنته فاطمه علی بن ابی‌طالب و امره ان لا یدخل علی فاطمه حتی یجیئه. [۳۱۲] . ۵۷- عنه، اخبرنی احمد بن جعفر بن حمدان البزاز، حدثنا ابراهیم بن عبداللَّه بن مسلم، حدثنا صالح بن حاتم بن وردان، حدثنی ابی، حدثنی ایوب، عن ابی‌یزید المدنی، عن اسماء بنت عمیس قالت کنت فی زفاف فاطمه بنت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم [صفحه ۲۲۱] و آله و سلم، فلما اصبحنا جاء النبی الی الباب فقال: یا امایمن ادعی لی اخی فقالت هو اخوک و تنکحه؟ قال: نعم یا امایمن فجاء علی فنضح النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم علیه من الماء و دعا له، ثم قال ادعی لی فاطمه، قالت: فجائت تعثر من الحیاء، فقال لها رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم اسکنی فقد انکحتک احب اهل بیتی الی،قالت و نضح النبی علیها من الماء، ثم رجع رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم فرای سوادا بین یدیه فقال: من هذا، فقلت انا اسماء، قال اسماء بنت عمیس قلت نعم، قال جئت فی زفاف ابنه رسول‌اللَّه قلت نعم، فدعالی. [۳۱۳] . ۵۸- الحافظ ابن‌ماجه، حدثنا و اصل بن عبدالاعلی، حدثنا محمد بن فضیل، عن عطاء بن السائب، عن ابیه، عن علی ان رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم اتی علیا و فاطمه و هما فی خمیل لهما، قد کان رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم جهزهما بها و وساده محشوه و اذخرا و قربه. [۳۱۴] . ۵۹- عنه، حدثنا محمد بن طریف و اسحاق بن ابراهیم بن حبیب قالا: حدثنا محمد بن فضیل، عن مجالد، عن عامر، عن الحارث، عن علی قال: اهدیت ابنه رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم [صفحه ۲۲۲] و سلم الی، فما کان فراشنا لیله اهدیت الا مسک کبش. [۳۱۵] . ۶۰- قال ابن ابی‌الحدید: روی المحدثون انه قال لفاطمه: زوجتک اقدمهم سلما و اعظمهم حلما و اعلمهم علما. [۳۱۶] . ۶۱- روی ایضا قالت فاطمه: انک زوجتنی فقیرا لا مال له، فقال: زوجتک اقدمهم سلما و اعظمهم حلما و اکثرهم علما، الا تعلمین ان اللَّه اطلع الی الارض اطلاعه فاختار منها اباک، ثم اطلع الیها ثانیه فاختار منها بعلک. [۳۱۷] . ۶۲- الحافظ الهیثمی: عن عبداللَّه بن مسعود عن رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم قال: ان اللَّه امرنی ان ازوج فاطمه من علی. [۳۱۸] . ۶۳- روی عن حجر بن عنبس قال خطب ابوبکر و عمر فاطمه، فقال النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم هی لک یا علی. [۳۱۹] . ۶۴- محمد بن ابراهیم الجوینی انبانی الشیخ ابوعبداللَّه محمد بن یعقوب، عن یحیی بن اسعد بن یونس اجازه قال: انبانا الحسن بن احمد بن الحسن اجازه، عن احمد بن عبداللَّه بن احمد قال: حدثنا محمد بن الفتح الحنبلی، حدثنا عبداللَّه بن داود، حدثنا [صفحه ۲۲۳] محمود بن آدم، حدثنا الفضل بن موسی عن الحسین بن واقد، عن عبداللَّه بن بریده،عن ابیه ان ابابکر و عمر خطبا فاطمه الی النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم فقال: انها صغیره، فخطبها علی علیه‌السلام فزوجها منه. [۳۲۰] . ۶۵- عنه، انبانی الشیخ امام الدین یحیی بن الحسین بن عبدالکریم، اخبرنی الشیخ رضی‌الدین ابوالخیر احمد بن اسماعیل بنو یوسف اجازه، انبانا ابوالقاسم زاهر بن طاهر، انبانا شیخ الاسلام ابوعثمان اسماعیل الصابونی و غیره اذنا قالوا، ابنانا شیخ الاسلام ابوعثمان اسماعیل الصابونی و غیره اذنا قالوا: انبانا الحاکم ابوعبداللَّه محمد بن عبداللَّه، انبانا ابوعلی الحسن بن علی الحافظ املاءا، حدثنا الحسن بن سفیان، حدثنا ابوالقاسم محمد بن سعید النیسابوری بمصر، انبانا ابوالولید بن النضر، عن ربیعه بن ابی‌عبدالرحمان، عن انس بن مالک. قال: لما زوج النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم فاطمه علیهاالسلام قال: یا امانس زفی ابنتی الی علی و مریه ان لا یعمل علیها حتی آتیها، فلما صلی العشاء اقبل برکوه فیها ماء فتفل فیها بما شاءاللَّه فقال: اشرب یا علی و توضا، و اشربی و توضئی، ثم اجاف علیهما الباب، فبکت فاطمه علیهاالسلام، فقال: ما یبکیک یا بنتی؟ قد زوجتک اقدمهم اسلاما واعظمهم حلما واحسنهم خلقا [صفحه ۲۲۴] واعلمهم باللَّه علما. [۳۲۱] . ۶۶- عنه، انبانی الشیخ تاج‌الدین علی بن انجب ابوطالب الخازن البغدادی بها عن جدی شیخ الاسلام جمال السنه ابی‌عبداللَّه محمد بن حمویه بن محمد الجوینی بواسطه واحده قال: انبانی شیخ الشیوخ ضیاءالدین ابواحمد عبدالوهاب بن علی اجازه، عن شیخ الاسلام اجازه عن الشیخ ابی‌الحسن علی بن احمد المدنی اجازه. قال: انبانا الشیخ ابوعبدالرحمان محمد بن الحسن بن موسی السلامی اجازه و املاء قال: حدثنا ابوالمفضل محمد بن عبداللَّه الشیبانی، حدثنا محمد بن یزید بن الازهر البوشنجی النحوی انبانا ابوهاشم داود بن القاسم بن اسحاق بن عبداللَّه بن جعفر بن ابی‌طالب، حدثنا ابوالقاسم بن اسحاق، حدثنا ابی‌اسحاق بن عبداللَّه قال: سمعت ابی‌عبداللَّه بن جعفر یحدث علی بن الحسین صلوات اللَّه علیهما، قال:

سمعت عمی امیرالمومنین علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام یقول: قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: یا علی ان الارض للَّه یورثها من یشاء من عباده، و انه اوحی الی ان ازوجک فاطمه علی خمس الارض فهی صداقها، فمن مشـی [صـفحه ۲۲۵] علی الارض و هو لکم مبغض، فالارض حرام علیه ان یمشـی علیها. [۳۲۲] . ۶۷- محمـد بن سـعد، اخبرنا مسـلم بن ابراهیم، حدثنا المنذر بن ثعلبه، عن علباء بن احمر الیشکری ان ابابکر خطب فاطمه الی النبی صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم، فقال: یا ابابکر انتظر بها القضاء فذکر ذلک ابوبکر لعمر، فقال له عمر ردک یا ابابکر، ثم ان ابابکرر قال لعمر اخطب فاطمه الی النبی صـلی اللَّه علیه و آله و سلم، فخطبها فقال له مثل ما قال لابی‌بکر انتظر بها القضاء، فجاء عمر الی ابی‌بکر فاخبره، فقال له ردک یا عمر. ثم ان اهل علی قالوا لعلی اخطب فاطمه الی رسول‌اللَّه صـلی اللَّه علیه و آله و سلم، فقال: هل بعد ابی‌بکر و عمر، فذکروا له قرابته من النبی، فخطبها و زوجه النبی صلی اللَّه علیه و آله و سـلم فباع علی بعیرا له و بعض متاعه فبلغ اربعمائه و ثمانین، فقال له النبی اجعل ثلثین فی الطیب، و ثلثا فی المتاع. [۳۲۳] . ۶۸- عنه، اخبرنا وکیع بن الجراح، عن عباد بن منصور قال: سـمعت عطاء یقول: خطب علی فاطمه فقال [صـفحه ۲۲۶] رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سـلم ان علیا یذکرک، فسـکتت فزوجها. [۳۲۴] . ۶۹- عنه، اخبرنا معن بن عیسـی، حـدثنا جریر بن حازم، عن ایوب، عن عکرمه قـال: امهر علی فـاطمه بـدنا قیمته اربع دراهم. [۳۲۵] . ۷۰- عنه، اخبرنـا ابواسـامه، عن مجالـد، عن عـامر قـال: قال علی، لقد تزوجت فاطمه و مالی و لها فراش غیر جلـد کبش ننام علیه باللیل و نعلف علیه الناضـح بالنهار و مالی و لها خادم غیرها. [۳۲۶] . ۷۱- عنه، اخبرنـا محمـد بن عمر، حـدثنی عبـداللَّه بن محمـد بن عمر بن علی، عن ابیه، قـال: تزوج علی بن ابی‌طالب فاطمه بنت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سـلم فی رجب بعـد مقـدم النبی المدینه، بخمس اشـهر و بنی بها مرجعه من بدر و فاطمه یوم بنی بها علی بنت ثمانی عشره سنه. [۳۲۷] . ۷۲- قال ابوعمر و یوسف بن عبداللَّه المعروف بابن عبدالبر: قال ابن السـراج: سـمعت عبداللَّه بن محمد بن سلیمان بن جعفر الهاشمی یقول: ولدت فاطمه سنه احدی و اربعین من مولد النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم و انکح رسول‌اللَّه فاطمه علی بن ابی‌طـالب بعـد وقعه احـد، و قیـل تزوجها بعـد ان ابتنی رسول‌اللَّه [صـفحه ۲۲۷] بعـائشه بـاربعه اشـهر و نصف و بنی بها بعد تزویجه ایاها بتسـعه اشـهر و نصف. کان سـنها یوم تزوجها خمس عشـره سنه و خمسه اشهر و نصفا، و کان سن علی احدی و عشرین سنه و خمسه اشـهر ذکر ابوبکر بن ابی‌شـیبه قال: حـدثنا ابومعاویه، عن الاعمش، عن عمرو بن مره، عن ابی‌البختری قال: قال علی لامه فاطمه بنت اسد بن هاشم: اکفی بنت رسول‌اللَّه صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم الخدمه خارجا و سـقایه الماء الحاج و تکفیک العمال فی البیت العجن و الخبز و الطحن. قال ابوعمر و فولدت له الحسن و الحسین و ام‌کلثوم و زینب، و لم یتزوج علی علیها غیرها حتی ماتت، و اختلف فی مهرهـا ایاهـا، فروی انه امهرها درعه و انه لم یکن له فی ذلک الوقت صـفراء و لا بیضاء، و قیل ان علیا تزوج فاطمه علی اربعمـائه و ثمـانین، فامر النبی ان یجعل ثلثها فی الطیب. [۳۲۸] . ۷۳- قـال عزالـدین الجزری: کانت فاطمه تکنی امابیها و کانت احب الناس الی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم و زوجها من علی بعد احد و قیل تروجها علی بعد ان ابتنی بها بعد تزویجه ایاها بسبعه اشـهر و نصف و کان سـنها یوم تزویجها خمس عشره سنه و خمسه اشهر فی قول و انقطع نسل رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم [صفحه ۲۲۸] و آله و سـلم الا منها فان الـذکور من اولاده ماتوا صـغارا. [۳۲۹] . ۷۴- قال ابن ابی‌الحدیـد: روی عبیداللَّه بن موسـی و الفضـل بن دکین، و الحسن بن عطیه قـالوا: حـدثنا خالـد بن طهمـان، عن نافع بن ابی‌نافع، عن معقل بن یسار، قال: کنت اوصـی النبی صلی اللَّه علیه و آله و سـلم، فقـال لی: هل لک ان تعود فاطمه؟ قلت نعم یا رسول‌اللَّه، فقام یمشـی متوکئا علی و قال: اما انه سـیحمل ثقلهـا غیرک و یکون اجرهـا لک. قال: فواللَّه کانه لم یکن علی من ثقل النبی صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم شـیء، فـدخلنا علی فاطمه علیهاالسـلام فقال لها صلی اللَّه علیه و آله و سلم کیف تجدینک؟ قالت: لقد طام اسفی و اشتد حزنی و قال لی النساء: زوجک ابوک فقیرا لا مـال له، فقـال لها: اما ترضـین انی زوجتک اقـدم امتی سـلما، واکثرهم علما و افضـلهم حلما، قالت: بلی رضـیت یا رسول‌اللَّه. [۳۳۰] . ۷۵- قال: روی علیه‌السـلام بن صالح، عن اسـحاق الازرق، عن جعفر بن محمد، عن آبائه ان رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم لما زوج فاطمه دخل النساء علیها، فقلن: یا بنت رسول‌اللَّه خطبک فلان و فلان فردهم عنک و زوجک فقیرا لا مال له. [صـفحه

۲۲۹] فلما دخل علیها ابوها صلی اللَّه علیه و آله و سلم رای ذلک فی وجهها، فسالها فذکرت له ذلک فقال: یا فاطمه ان اللَّه امرنی فانکحتک اقدمهم سلما و اکثرهم علما، واعظمهم حلما، و ما زوجتک الا بامر من السماء، اما علمت انه اخی فی الدنیا و الاخره. [۳۳۱] .

من نزل فیها من القرآن

۱- الحمیری، عن اسماعیل بن عبدالخالق قال: قال ابوعبداللَّه علیه‌السلام للاحول: اتیت البصره قال: نعم قال کیف رایت مسارعه الناس فی هذا الامر و دخولهم فیه فقال: واللَّه انهم لقلیل، و قد فعلوا و ان ذلک لقلیل فقال: علیک بالاحداث فانهم اسرع الی کل خیر. قال: ما یقول اهل البصره فی هذه الایه: «قل لا اسئلکم علیه اجرا الا الموده فی القربی» قال: جعلت فداک یقولون انها لقرابه رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم و لاهل بیته، قال انما نزلت فینا اهل البیت الحسن و الحسین و علی و فاطمه اصحاب [صفحه ۲۳۰] الکساء. [۳۳۲] . ۲- علی بن ابراهیم القمی، حدثنا محمد بن همام، قال: حدثنا جعفر بن محمد، قال: حدثنا محمد بن الحسن الصائغ، قال: حدثنا الحسن بن علی، عن صالح بن سهل الهمدانی، قال: سمعت اباعبداللَّه علیه‌السلام یقول فی قول اللَّه: «اللَّه نور السموات و الارض مثل نوره کمشکوه» المشکوه: فاطمه علیهاالسلام «فیها مصباح المصباح» الحسن و الحسین «فی زجاجه الزجاجه کانها کوکب دری». کان فاطمه علهیاالسلام کوکب دری بین نساء اهل الارض «یوقد من شجره مبارکه» یوقد من ابراهیم علیه و علی نبینا و آله السلام «لا شریقه و لا غربیه» یعنی لا یهودیه و لا نصرانیه «یکاد زیتها یضیء» یکاد العلم یتفجر منها «و لو لم تمسسه نار نور علی نور» امام منها بعد امام «یهدی اللَّه لنوره من یشاء» یهدی اللَّه للائمه من یشاء ان یدخله فی نور ولایتهم مخلصا «و یضرب اللَّه الامثال للناس واللَّه بکل شیء علیم». [۳۳۳] . ۳- حدثنا حمید بن زیاد عن محمد بن الحسین، عن محمد بن یحیی، عن طلحه بن زید،عن جعفر بن محمد، عن ابیه علیهماالسلام فی هذه الایه «اللَّه نور السموات و الارض» قال [صفحه ۲۳۱] بدا بنور نفسه تعالی «مثل نوره» مثل هداه فی قلب المومن «کمشکوه فیها مصباح المصباح». والمشکاه جوف المومن و القندیل قلبه و المصباح النور الذی جعله اللَّه فی قلبه، «یوقد من شجره مبارکه» قال: الشجره المومن «زیتونه لا شرقیه و لا غربیه»، قال علی سواء الجبل لا غربیه ای لا شرق لها و لا شرقیه ای لا غرب لها، اذا طلعت الشمس طلعت علیها، و اذا غربت الشمس غربت علیها «یکاد زیتها یضیء». یکاد النور الذی جعله اللَّه فی قلبه یضیء و ان لم یتکلم «نور علی نور» فریضه علی فریضه و سنه علی سنه «یهدی اللَّه لنوره من یشاء» یهدی اللَّه لفرایضه و سننه من یشاء «و یضرب اللَّه الامثال للناس» فهذا مثل ضربه اللَّه للمومن. قال فالمومن یتقلب فی خمسه من النور، مدخله نور و مخرجه نور و علمه نور و کلامه نور و مصیره یوم القیامه الی الجنه نور، قلت لجعفر بن محمد علیهماالسلام جعلت فداک یا سیدی انهم یقولون مثل نور الرب، قال سبحان‌اللَّه لیس للَّه مثل قال اللَّه لا تضربوا للَّه الامثال. [۳۳۴] . ۴- قال علی بن ابراهیم و قوله: «ان الذین یوذون اللَّه و رسوله لعنهم اللَّه فی الدنیا و الاخره و اعد لهم عذابا مهینا» قال نزلت [صفحه ۲۳۲] فیمن غصب امیرالمومنین علیه‌السلام حقه و اخذ حق فاطمه علیهاالسلام و آذاها و قد قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم من آذاها فی حیاتی کمن آذاها بعد موتی و من آذاها بعد موتی کمن آذاها فی حیاتی. من آذاها فقد آذانی و من آذانی فقد آذی اللَّه و هو قول اللَّه «ان الذین یوذون اللَّه و رسوله» الایه و قوله «والذین یوذون المومنین و المومنات» یعنی علیا و فاطمه «بغیر ما اکتسبوا فقد احتملوا بهتانا و اثما مبینا» و هی جاریه فی الناس کلهم. [۳۳۵] . ۵- عنه، حدثنی ابی عن بعض اصحابه رفعه، قال کانت فاطمه علیهاالسلام لا یذکرها احد لرسول اللَّه الا اعرض عنه حتی ایس الناس منها، فلما اراد ان یزوجها من علی اسر الیها فقالت یا رسول‌اللَّه انت اولی بما تری غیر ان نساء قریش تحدثنی عنه انه رجل، دحداح البطن، طویل الذراعین، ضخم الکرادیس، انزع عظیم العینین لمنکبیه مشاشا کمشاش البعیر ضاحک السن لا مال له. فقال لها رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم یا فاطمه! اما علمت ان اللَّه اشرف علی الدنیا فاختارنی علی رجال العالمین ثم اطلع اخری فاختار علیا علی رجال العالمین ثم اطلع فاختارک علی [صفحه ۲۳۳] نساء العالمین، یا فاطمه! انه لما اسری بی الی السماء

وجدت مکتوبا علی صخره بیت‌المقدس «لا آله الا اللّه محمد رسول‌اللّه ایده بوزیره و نصره بوزیره» فقلت لجبرئیل: و من وزیری؟ فقال: علی بن ابی‌طالب، فلما انتهیت الی سدره المنتهی وجدت مکتوبا علیها «انی انا اللّه لا آله الا انا وحدی محمد صفوتی من خلقی ایدته بوزیره و نصرته بوزیره» فقلت لجبرئیل و من وزیری؟ قال علی بن ابی‌طالب. فلما جاوزت سدره المنتهی انتهیت الی عرش رب العالمین، فوجدت مکتوبا علی کل قائمه من قوائم العرش «انا اللّه لا آله الا انا، محمد صفوتی من خلقی ایدیه بوزیره و نصرته بوزیره» فلما دخلت الجنه رایت فی الجنه شجره طوبی اصلها فی دار علی و ما فی الجنه قصر و لا منزل الا وفیها فرع منها. اعلاها اسفاط حلل من سندس و استبرق یکون للعبد المومن الف الف سفط، فی کل سفط مائه الف حله ما فیها حله تشبه الاخر علی الوان مختلفه، و هو ثیاب اهل الجنه وسطها ظل ممدوح کعرض السماء و الارض اعدت للذین آمنوا باللّه و رسوله یسیر الراکب فی ذلک الظلف مسیره مائه عام فلا یقطعه و ذلک قوله «و ظل ممدود». اسفلها ثمار اهل الجنه و طعامهم متدلل فی بیوتهم، یکون فی القضیب منها مائه لون من الفاکهه مما رایتم فی دار الدنیا و مما لم تروه [صفحه ۲۳۴] و مما سمعتم، و ما لم تسمعوا مثلها، و کلما یجتنی منها شیء نبت مکانها اخری لا- مقطوعه و لا ممنوعه، و یجری نهر فی اصل تلک الشجره یتفجر منها الانهار الاربعه نهر من ماء غیر آسن، و نهر من لبن لم یتغیر طعمه و نهر من خمر لذه للشاربین و نهر من عسل مصفی. یا فاطمه ان اللّه اعطانی فی علی سبع خصال: هو اول من ینشق عنه القبر معی، و اول من یقف معی علی الصراط فیقول للنار خذی ذا و ذری ذا، و اول من یکسی اذا کیست، و اول من یقف معی علی یمین العرش و اول من یقرع معی باب الجنه، و اول من یسکن معی علیین، و اول من یشرب معی من الرحیق المختوم ختامه مسک و فی ذلک فلیتنافس المتنافسون. یا فاطمه هذا ما اعطاءاللّه علیا فی الاخره واعد له فی الجنه، اذا کان فی الدنیا لا مال له فاما ما قلت انه بطین، فانه مملو من العلم خصه اللّه به و اکرمه من بین امتی، و اما ما قلت انه انزع عظیم العینین، فان اللّه خلقه بصفه آدم علیه‌السلام. و اما انه طویل الیدین فان اللّه طولهما لیقتل بهما اعداءه و اعداء رسوله و به یظهر اللّه الدین و لو کره المشرکون، و به یفتح اللّه الفتوح، ویقاتل المشرکین علی تنزیل القرآن و المنافقین من اهل البغی و النکث و الفسوق علی تاویله: و یخرج اللّه من صلبه سیدی شباب اهل الجنه و یزین بهما عرشه. [صفحه ۲۳۵] یا فاطمه ما بعث‌اللّه نبیا الا جعل له ذریته من صلبه و جعل ذریتی من صلب علی،و لولا- علی ما کانت له ذریه، فقالت فاطمه یا رسول‌اللّه ما اختار علیه احد من اهل الارض، فزوجها رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم، فقال ابن‌عباس عن ذلک واللّه ما کان لفاطمه کفو غیر علی علیه‌السلام. [۳۳۶] . ۶- عنه، حدثنی ابی، عن محمد بن ابی‌عمیر، عن ابی‌بصیر، عن ابی‌عبداللّه علیه‌السلام قال کان سبب نزول هذه الایه «انما النجوی من الشیطان- الی قوله- فلیتوکل المومنون» ان فاطمه علیهاالسلام رات فی منامها ان رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم هم ان یخرج هو و فاطمه و علی والحسن و الحسین صلوات اللّه علیهم من المدینه فخرجوا حتی جاوزوا من حیطان المدنیه فعرض هم طریقان فاخذ رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم ذات الیمین حتی انتهی بهم الی موضع فیه نخل و ماء. فاشتری رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم شاه کبراء و هی التی فی احد اذنیها نقط بیض فامر بذبحها فلما اکلوا منها ماتوا فی مکانهم، فانتبهت فاطمه باکیه ذعره فلم تخبر رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم بذلک، فلما اصبحت جاء رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم بحمار، فارکب علیه فاطمه و امر [صفحه ۲۳۶] ان یخرج امیرالمومنین و الحسن و الحسین علیهم‌السلام من المدینه، کما رات فاطمه علیهاالسلام فی نومها. فلما خرجوا من حیطان المدینه عرض لهم طریقان فاخذ رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم ذات الیمین کما رات فاطمه علیهاالسلام، حتی انتهوا الی موضع فیه نخل و ماء فاشتری رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم شاه دراه کما رات فاطمه فامر بذبحها فذبحت و شویت فلما ارادوا اکلها قامت فاطمه و تنحت ناحیه منهم تبکی مخافه ان یموتوا. فطلبها رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم حتی وقف علیها و هی تبکی فقال ما شانک یا بنیه؟ قالت: یا رسول‌اللّه رایت البارحه کذا و کذا فی نومی و قد فعلت انت کما رایته فی نومی فتنحیت عنکم لان لا اراکم تموتون، فقال رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم فصلی رکعتین ثم ناجی ربه فنزل علیه جبرئیل فقال: یا محمد هذا شیطان یقال له الرها و هو الذی اری فاطمه هذه الرویا و یوذی المومنین فی نومهم ما یغتمون به. فامر جبرئیل علیه‌السلام ان یاتی به الی

رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم فجاء به الی رسول‌اللَّه فقال له: انت اریت فاطمه هذه الرویا؟ فقال: نعم یا محمدا! فبزق علیه ثلاث بزقات فشجه فی ثلاث مواضع. ثم قال جبرئیل لمحمد صلی اللَّه علیه و آله و سلم: قل یا محمد [صفحه ۲۳۷] اذا رایت فی منامک شیئا تکرهه او رای احد من المومنین فلیقل: اعوذ بما عاذت به ملائکه اللَّه المقربون و انبیاءه المرسلون و عباده الصالحون من شر ما رایت من رویای و یقرا الحمد و المعوذتین و قل هو اللَّه احد و یتفل عن یساره ثلاث تفلات فانه لا یضره ما رای، فانزل‌اللَّه علی رسوله «انما النجوی من الشیطان». [۳۳۷] . ۷- قال علی بن ابراهیم فی قوله: «ان الابرار یشربون من کاس کان مزاجها کافوا» یعنی بردها و طیبها لان فیها الکافور «عینا یشرب بها عباداللَّه» ای منها و قوله: «یوفون بالنذر و یخافون یوما کان شره متسطیرا» قال: المستطیر العظیم قوله «و یطعمون الطعام علی حبه مسکینا و یتیما واسیرا» فانه حدثنی ابی عن عبداللَّه بن میمون القداح عن ابی‌عبداللَّه علیه‌السلام قال: کان عند فاطمه علیهاالسلام شعیر فجعلوه عصیده، فلما انضجوها و وضعوها بین ایدیهم جاء مسکین، فقال المسکین رحمکم‌اللَّه اطعمونا مما رزقکم اللَّه، فقال علی علیه‌السلام فاعطاه ثلثها، فما لبث ان جاء یتیم فقال الیتیم رحمکم‌اللَّه اطعمونا مما رزقکم اللَّه فقال علی علیه‌السلام فاعطاه ثلثها الثانی، فما لبث ان جاء اسیر فقال الاسیر یرحمکم اللَّه اطعمونا مما رزقکم اللَّه فقال علی علیه‌السلام فاعطاه الثلث الباقی، و ما ذاقوها فانزل‌اللَّه فیهم هذه الایه الی [صفحه ۲۳۸] قوله «و کان سعیکم مشکورا» فی امیرالمومنین علیه‌السلام و هی جاریه فی کل مومن فعل مثل ذلک للَّه عز و جل. [۳۳۸] . ۸- روی العیاشی عن عبدالرحمن بن کثیر عن ابی‌عبداللَّه علیه‌السلام قال: ان اللَّه تبارک و تعالی عرض علی آدم فی المیثاق ذریته فمر به النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم و هو متکی علی علی علیه‌السلام و فاطمه صلوات اللَّه علیها تتلوهما و الحسن و الحسین علیهماالسلام یتلوان فاطمه، فقال اللَّه: یا آدم ایاک ان تنظر الیهم بحسد اهبطک من جواری. فلما اسکنه اللَّه الجنه مثل له النبی و علی و فاطمه و الحسن و الحسین صلوات اللَّه علهیم، فنظر الیهم بحسد ثم عرضت علیه الولایه فانکرها فرمته الجنه باورقها، فلما تاب الی اللَّه من حسده و اقر بالولایه و دعا بحق الخمسه محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسین علیهم‌السلام غفراللَّه له، و ذلک قوله: «فتلقی آدم من ربه کلمات» الایه. [۳۳۹] . ۹- عنه باسناده عن سلام عن ابی‌جعفر علیه‌السلام فی قوله: «آمنا باللَّه و ما انزل الینا» قال: انما عنی بذلک علیا و فاطمه و الحسن و الحسین، و جرت بعدهم فی الائمه قال: ثم یرجع القول من اللَّه فی الناس فقال: «فان آمنوا» یعنی الناس «بمثل ما آمنتم به» [صفحه ۲۳۹] یعنی علیا و فاطمه و الحسن و الحسین و الائمه من بعدهم «فقد اهتدوا و ان تولوا فانما هم فی شقاق». [۳۴۰] . ۱۰- عنه باسناده عن المفضل بن محمد الجعفی قال: سالت اباعبداللَّه علیه‌السلام عن قوله اللَّه: «کمثل حبه انبتت سبع سنابل» قال: الحبه فاطمه صلی اللَّه علیها والسبع السنابل سبعه من ولدها سابعهم قائمهم، قلت الحسن؟ قال: ان الحسن امام من اللَّه مفترض طاعته ولکن لیس من السنابل السبعه اولهم الحسین و آخرهم القائم، فقلت: قوله: «فی کل سنبله مائه حبه» قال: یولد الرجلف منهم فی الکوفه مائه من صلبه ولیس ذاک الا هولاء السبعه. [۳۴۱] . ۱۱- عنه باسناده عن سیف عن نجم عن ابی‌جعفر علیه‌السلام قال: ان فاطمه علیهاالسلام ضمنت لعلی عمل البیت و العجین و الخبز و قم البیت و ضمن لها علی علیه‌السلام ما کان خلف الباب من نقل الحطب و ان یجیء بالطعام، فقال لها یوما: یا فاطمه هل عندک شیء؟ قالت: لا و الذی عظم حقک ما کان عندنا منذ ثلاثه ایام شیء نقریک به قال افلا اخبرتنی؟ قالت: کان رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم نهانی ان اسالک شیئا. فقال: لا تسالی ابن‌عمک شیئا ان جاءک بشیء عفو و الا [صفحه ۲۴۰] فلا تسالیه، قال: فخرج الامام علیه‌السلام علیهم فلقی رجلا فاستقرض منه دینارا، ثم اقبل به وقد امسی فلقی مقداد بن الاسود، فقال للمقداد: ما اخرجک فی هذه الساعه؟ قال: الجوع و الذی عظم حقک یا امیرالمومنین قال: قلت لابی جعفر و رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم حی؟ قال و رسوله اللَّه حی قال: فهو اخرجنی و قد استقرضت دینارا و ساوثرک به، فدفعه الیه فاقبل فوجد رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم جالسا و فاطمه تصلی و بینهما شیء مغطی، فلما فرغت احضرت ذلک الشیء فاذا جفنه من خبز و لحم،قال: یا فاطمه انی لک هذا؟ قالت: «هو من عنداللَّه ان اللَّه یرزق من یشاء بغیر حساب» فقال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم الا احدثک بمثلک و مثلها؟ قال: بلی قال: مثل زکریا اذ دخل علی مریم المحراب فوجد عندها رزقا، قال: یا مریم انی لک هذا؟ قالت: «هو من

عنـد اللَّه ان اللَّه یرزق من یشاء بغیر حساب» فاکلوا منها شـهرا و هی الجفنه التی یاکل منها القائم و هی عنـدنا. [۳۴۲] . ۱۲- فرات قال حدثنی علی بن الحسین القرشی معنعنا عن ابی‌هارون قال: لما نزلت «قل تعالوا ندع ابناءنا و ابناءکم و نساءنا [صفحه ۲۴۱] و نساءکم و انفسـنا و انفسکم» خرج رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم بعلی و فاطمه و الحسن و السحین و قال انفسنا یعنی علیا. [۳۴۳] . ۱۳- فرات قال حـدثنی الحسن بن الحکم معنعنا عن ابن‌عباس قال «قل انبئکم بخیر من ذلکم للـذین اتقوا عند ربهم» الی آخر الایتین نزلت فی علی و حمزه و عبیده بن الحارث و قوله تعالی: «قل تعالوا ندع ابناءنا و ابناءکم» الی آخر الایه. نزلت فی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سـلم و علی و نساءنا و نساءکم فی فاطمه و ابناءنا و ابناءکم فی الحسن و الحسـین علیهماالسلام و انفسنا و انفسکم النبی و الولی و الدعاء علی الکاذبین نزلت فی العاقب و السـید و عبد المسیح و الاسـقف و اصـحابهم. [۳۴۴] . ۱۴- فرا قال حـدثنی عبید بن کثیر معنعنا عن ابی‌سعید الخدری قال اصبح علی علیه‌السلام ذات یوم فقال یا فاطمه عندک شیء تغذینیه قالت: لا والذی اکرم ابی‌بالنبوه و اکرمک بالوصـیه ما اصبح الغداه عندی شـیء اغتذیناه و ما کان شیء اطعمناه منذ یومین الا شیء کنت او ثرک به علی نفسی و علی ابنی هذین الحسن و الحسـین. [صفحه ۲۴۲] فقال علی یا فاطمه الا کنت اعلمتنی فابغیکم شـیئا، فقالت یا اباالحسن انی لا سـتحی من الهی ان تکلف نفسک مالا تقدر علیه فخرج علی من عند فاطمه و اثقا باللَّه بحسن الظن باللَّه فاسـتقرض دینارا فبینا الدینار فی ید علی علیه‌السـلام یرید ان یبتاع لعیاله ما یصـلحهم اذ تعرض له المقداد بن الاسود فی یوم شدید الحر قد لوحته الشـمس من فوقه و آذته من تحت. فلمـا راه علی علیه‌السـلام انکر شـانه فقال یا مقـداد ما ازعجک هـذه الساعه من رحلک قال یا اباالحسن خل سبیلی و لا تسالنی عمـا ورائی فقـال یـا اخی انه لاـ یسـعنی ان تجوزنی حتی اعلم علمـک فقـال یـا ابـاالحسن رغبه الی اللَّه و الیـک ان تخلی سبیلی و لا تکشفنی عن حالی فقال له یا اخی انه لا یسعک ان تکفنی حالک. فقال یا اباالحسن اما اذا ابیت فوالذی اکرم محمدا صلی اللَّه علیه و آله و سـلم بالنوبه و اکرمک بالوصـیه ما ازعجنی من رحلی الا الجهد، فقد ترکت عیالی یتضوعون جوعا، فلما سـمعت بکاء العیال لم تحملنی الاـرض فخرجت مهمومـا راکب راسـی هـذه حـالی و قصـنی فـانهملت عینـا علی علیه‌السـلام حتی بلت لحیته. فقال له احلف بالـذی خلقک، ما ازعجنی الا الـذی ازعجک من رحلک و قـد اسـتقرضت دینارا فهاکه فقد آثرتک علی نفسـی، فدفع الدینار الیه و رجع حتی دخل مسـجد رسول‌اللَّه صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم فصـلی الظهر والعصر، والمغرب، فلما قضی رسول‌اللَّه مر بعلی [صفحه ۲۴۳] بن ابی‌طالب و هو فی الصف الاول و همزه برجله. فقام علی علیه‌السـلام مقتفیا خلف رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم حتی لحقه علی باب من ابواب المسـجد، فسـلم علیه فرد رسول‌اللَّه صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم فقال یا اباالحسن هل عنـدک شـیء تعشـینا فنمیـل معـک، فمکث مطرقا لا یحیر جوابا حیاء من رسول‌اللَّه صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم و هو یعلم ما کان من امر الـدینار و من این اخذه و این وجهه و کان اوحی‌اللَّه الی نبیه ان یتعشـی اللیله عند علی بن ابی‌طالب. فلما نظر رسول‌اللَّه صـلی اللَّه علیه و آله و سلم الی سکوته قال یا اباالحسن مالک لا تقول لا فانصرف او تقول نعم فامضی معک، فقال حیاء و تکرما فاذهب بنا فاخذ رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سـلم بید علی علیه‌السـلام فانطلقا حتی دخلا علی فاطمه الزهراء و هی فی مصـلاها قد قضت صـلاتها و خلفها جفنه تفور دخانا. فلما سـمعت کلام رسول‌اللَّه صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم فی رحلها، خرجت من مصلاها فسلمت علیه و کانت اعز الناس علیه، فرد السـلام و مسح بیده علی راسـها و قال لها: یا بنتاه کیف امسیت رحمک‌اللَّه عشینا غفراللَّه لک و قد فعل فاخذت الجفنه و وضعتها بین یـدی رسـول‌اللَّه صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم و علی علیه‌السـلام فلمـا نظر علی الی الجفنه و الطعـام، و شم ریحه رمی فـاطمه رمیا شحیحا. [صفحه ۲۴۴] فقالت: له فاطمه: سـبحان‌اللَّه ما اشح نظرک و اشده هل اذنبت فیما بینی و بینک ذنبا استوجبت به السخطه قال و ای ذنب اعظم من ذنب اصبـته الیس عهدی الیک الیوم الماضـی و انت تحلفین باللَّه مجتهده ما طعمت طعاما مذ یومین، قال فنظرت الی السـماء فقـالت یعلم فی سـمائه و یعلم فی ارضه انی لم اقـل الا حقا. فقال لها یا فاطمه انی لک هـذا العطام الـذی لم انظر الی مثل لونه قـط و لم آکـل اطیب منه قـط قـال فوضع رسول‌اللَّه صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم کفه الطیبه المبارکه بین کتفی علی بن ابی‌طالب فغمزها ثم قال یا علی هذا بدل بدینارک هذا جزاء بدینارک من عنداللَّه ان اللَّه یرزق من یشاء بغیر حساب. ثم اسـتعبر النبی صلی اللَّه

علیه و آله و سلم باکیا ثم قال: الحمدللّه الذی ابی‌لکما ان تخرجا من الدنیا حتی یجزیکما هدایا یا علی فی منازل الذی جزی فیها زکریا و یجزیک یا فاطمه فی الذی جزیت فیه مریم بنت عمران کلما دخل علیها زکریا المحراب وجد عندها رزقا. [۳۴۵] . ۱۵- فرات، قال: حدثنی محمد بن ابراهیم الفزاری معنعنا عن ابی‌مسلم الخولانی قال دخل النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم علی فاطمه الزهراء و عایشه و هما یفتخران و قد احمرت وجوههما [صفحه ۲۴۵] فسالهما عن خبرهما فاخبرتاه فقال النبی یا عایشه او ما علمت ان اللّه اصطفی آدم و نوحا و آل‌ابراهیم و آل‌عمران و علیا و الحسن و الحسین علیهم‌السلام و حمزه و جعفر و فاطمه و خدیجه علی العالمین. [۳۴۶] . ۱۶- فرات، قال: حدثنی احمد بن یحیی معنعنا عن الشعبی قال لما نزلت «قل تعالوا ندع ابناءنا و ابناءکم و نساءنا و نساءکم و انفسنا و انفسکم» اخذ رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم یتکا علی علی و الحسن و الحسین و تبعتهم فاطمه، قال: فقال: هولاء ابناءنا و هذه نساءنا و هذا انفسنا. [۳۴۷] . ۱۷- فرات، قال: حدثنی محمد بن الفضل بن جعفر بن الفضل العباسی معنعنا، عن ابن‌عباس فی قوله «و علی الاعراف رجال» الایه قال النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم و علی و فاطمه و الحسن و الحسین علیهم‌السلام علی سور الجنه و النار یعرفون المحبین لهم ببیاض الوجوه و البغضین لهم بسواد الوجود. [۳۴۸] . ۱۸- فرات، قال: حدثنی جعفر بن محمد الفزاری معنعنا عن ابی‌عبداللّه علیه‌السلام قال کان الحسین علیه‌السلام مع امه تحمله فاخذه النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم و قال لعن اللّه قاتلک، [صفحه ۲۴۶] و لعن‌اللّه سالبک، و اهلک اللّه المتوازرین علیک، و حکم‌اللّه بینی و بین من اعان علیک قالت فاطمه: یا ابه ای شیء تقول قال یا بنتاه ذکرت ما یصیبه بعدی و بعدک من الاذی و الظلم و البغی و هو یومئذ فی عصبه کانهم نجوم السماء یتهادون الی القتل. و کانی انظر الی معسکرهم و الی موضع رحالهم و تربتهم، قالت: یا ابه و ای هذا الموضع الذی تصف قال: موضع یقال له کربلاء و هی دار کرب و بلاء علینا و علی الامه یخرج شرار امتی و ان احدهم لو یشفع له من فی السموات و الارضین ما شفعوا فیه و هو المخلدون فی النار. قالت: یا ابه فیقتل؟ قال نعم یا بنتاه و ما قتل قتله احد کان قبله و تبکیه السموات و الارضون و الملادکه و النباتات و الجبال و البحار و لو یوذن لها ما بقی علی الارض متنفس، و یاتیه قوم من محبینا لیس فی الارض اعلم باللّه و لا اقوم لحقنا منهم و لیس علی ظهر الارض احد یلتفت الیه غیرهم. اولئک مصابیح فی ظلمات الجور و هم الشفعاء و هم و اردون حوضی غدا اعرفهم اذا وردوا علی بسیماهم و کل اهل دین یطلبونا و لا یطلبون غیرنا و هم قوام الارض بهم ینزلف الغیث فقالت فاطمه علیهاالسلام یا ابه انا للّه و بکت، فقال:یا بنتاه ان اهل الجنه هم الشهداء فی الدنیا بذلوا انفسهم و اموالهم بان لهم الجنه یقاتلون فی سبیل‌اللّه، فیقتلون و یقتلون وعدا علیه الحق فما عند [صفحه ۲۴۷] اللّه خیر من الدنیا و ما فیها قتله اهون من میته من کتب علیه القتل خرج الی مضجعه و من لم یقتل فسوف یموت. یا فاطمه بنت محمد، اما تحبین ان تامرین غدا بامر فتطاعین فی هذا الحلق عند الحساب، اما ترضین ان یکون ابنک من جله العرش اما ترضین ان یکون ابوک یسالونه الشفاعه، اما ترضین ان یکون بعلک یذود الخلق یوم العطش عن الحوض فیسقی منه اولیاءه و یذود عنه اعداءه، اما ترضین ان یکون بعلک قسیم الجنه و یامر النار فتطیعه یخرج منها من یشاء و یترک من یشاء. اما ترضین ان تنظرین الی الملائکه علی ارجاء السماء و ینظرون الیک و الی ما ترمارین به و ینظرون الی بعلک قد حضر الخلایق و هو یخاصمهم عنداللّه فما ترین اللّه صانع بقاتل ولدک و قاتلیک اذا افلجت حجته علی الخلایق و امرت النار ان تطیعه اما ترضین ان تکون الملائکه تبکی لا بنک و یاسف علیه کل شیء و. اما ترضین ان یکون من اتاه زائرا فی ضمان اللّه و یکون من اتاه بمنزله من حج الی بیت‌اللّه الحرام و اعتمر و لم یخلوا من الرحمه طرفه عین و اذا مات مات شهیدا و ان بقی لم تزل الحفظه تدعوا له ما بقی و لم یزل فی حفظ‌اللّه و امنه حتی یفارق الدینا قالت یا ابه سلمت و رضیت و توکلت علی اللّه فمسح علی قلبها و مسح علی عینیها فقال انی و بعلک و انت و ابنیک فی مکان تقر عیناک و یفرح [صفحه ۲۴۸] قلبک. [۳۴۹] . ۱۹- فرات، قال: حدثنی محمد بن ابراهیم بن زکریا القطفانی معنعنا عن عبداللّه بن ابی‌اوفی قال خرج رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم و نحن فی مسجد المدینه قام حمداللّه واثنی علیه فقال: انی محدثکم حدیثا فاحفظوا وعوه و لیحدث من بعدکم ان اللّه اصطفی لرسالته خلقه و ذلک قوله: «اللّه یصطفی من الملائکه رسلا» و من الناس اسکنهم الجنه و انی مصطفی منکم من احب ان

اصطفیه و اواحی بینکم کما آخی اللَّه بین الملائکه فذکر کلاما فیه طول. فقال علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام لقد انقطع ظهری و ذهب روحی عند ما صنعت باصحابک فان کان من سخطه بک علی فلک العتبی و الکرامه فقال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم و الذی بعثنی بالحق ما انت منی الا بمنزله هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی و ما اخرتک الا لنفسی فانا رسول‌اللَّه و انت اخی و وارثی قال و الذی ارث منک یا رسول‌اللَّه قال ما ورث الانبیاء من قبلی. قال و ما ورثت الانبیاء من قبلک قال کتاب ربهم و سنه نبیهم انت معی یا علی فی قصری فی الجنه مع فاطمه ابنتی هی زوجتک فی [صفحه ۲۴۹] الدنیا و الاخره و انت رفیقی ثم تلا رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم «اخوانا علی سرر متقابلین» المتحابین فی اللَّه ینظر بعضهم الی بعض. [۳۵۰] . ۲۰- فرات، قال: حدثنی الحسین بن سعید معنعنا عن ابی‌جعفر علیه‌السلام «ان اللَّه یامر بالعدل و الاحسان و ایتاء ذی القربی» قال: العدل رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم و الاحسان علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام و ذی القربی فاطمه و اولادها علیهم‌السلام. [۳۵۱] . ۲۱- فرات بن ابراهیم الکوفی معنعنا عن ابان بن تغلب قال: سالت جعفر بن محمد علیهماالسلام عن قول اللَّه عز و جل «الذین یقولون ربنا هب لنا من ازواجنا و ذریاتنا قره اعین و اجعلنا للمتقین اماما» قال نحن هم اهل‌البیت. ۲۲- قال حدثنی علی بن حمدون معنعنا عن ابی‌سعید فی قوله «هب لنا من ازواجنا و ذریاتنا قره اعین و اجعلنا للمتقین اماما» قال النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم قلت لجبرئیل یا جبرئیل من ازواجنا قال خدیجه قال قلت و من ذریاتنا قال فاطمه قلت و من قره العین قال الحسن و الحسین قلت و من للمتقین اماما قال علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام. [۳۵۲] . [صفحه ۲۵۰] ۲۳- عنه حدثنا علی بن محمد بن مخلد الجعفی معنعنا عن ابن‌عباس فی قول‌اللَّه عز و جل: «و هو الذی خلق من الماء بشرا فجعله نسبا و صهرا» قال خلق‌اللَّه نطفه بیضاء مکنونه فجعلها فی صلب آدم ثم نقلها من صلب آدم الی صلب شیث و من صلب شیث الی صلب انوش و من صلب انوش الی صلب قینان حتی توارثتها کرام الاصلاب فی مطهرات الارحام حتی جعلهااللَّه فی صلب عبدالمطلب. ثم قسمها نصفین فالقی نصفها الی صلب عبداللَّه و نصفها الی صلب ابی‌طالب و هی سلاله فولدت لعبداللَّه محمد صلی اللَّه علیه و آله و سلم و لابی طالب علی علیه‌السلام فذلک قول اللَّه هو الذی خلق من الماء بشرا فجعله نسبا و صهرا زوج فاطمه بنت محمد فعلی من محمد و محمد من علی و فاطمه و الحسن و الحسین نسب و علی الصهر. [۳۵۳] . ۲۴- عنه، حدثنی سهل بن احمد الدینوری معنعنا عن ابی‌عبداللَّه جعفر بن محمد علیهماالسلام قال قال جابر لابی جعفر جعلت فداک یا بن رسول‌اللَّه حدثنی بحدیث فی فضل جدتک فاطمه علیهاالسلام اذا انا حدثت به الشیعه فرحوا بذلک قال ابوجعفر: حدثنی ابی عن جدی عن رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله [صفحه ۲۵۱] و سلم قال: اذا کان یوم القیامه نصب للانبیاء و الرسل منابر من نور فیکون منبری اعلا منابرهم یوم القیامه. ثم یقول یا محمد اخطب فاخطب خطبه لم یسمع احد من الانبیاء و الرسل بمثلها ثم ینصب للاوصیاء منابر من نور و ینصب لوصیی علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام فی اوساطهم منبر من نور فیکون منبر علی علیه‌السلام اعلا منابرهم یوم القیامه ثم یقول یا علی اخطب فیخطب خطبه لم یسمع احد من الاوصیاء بمثلها. ثم ینصب لاولاد الانبیاء و المرسلین منابر من نور فیکون لابنی و سبطی و ریحانتی ایام حیوتی منبرین من نور ثم یقال لهما اخطبا فیخطبان بخطبتین لم یسمع احد من اولاد الانبیاء و المرسلین بمثلهما ثم ینادی مناد و هو جبرئیل علیه‌السلام این فاطمه بنت محمد صلی اللَّه علیه و آله و سلم، این خدیجه بنت خویلد، این مریم بنت عمران، این آسیه بنت مزاحم، این ام‌کلثوم ام‌یحیی بن زکریا فیقمن. فیقول اللَّه تبارک و تعالی یا اهل الجمع لمن الکرم الیوم فیقول محمد و علی و الحسن و الحسین و فاطمه للَّه الواحد القهار، فیقول اللَّه جل جلاله یا اهل الجمع انی قد جعلت الکرم لمحمد صلی اللَّه علیه و آله و سلم و علی و الحسن و الحسین و فاطمه علیهم‌السلام یا اهل الجمع طاطئوا الروس و غضو الابصار ان هذه فاطمه تسیر الی الجنه. [صفحه ۲۵۲] فیاتیها جبرئیل بناقه من نوق الجنه مدبجه الجنبین خطامها من اللولو المحقق الرطب علیها رحل من المرجان فتناخ بین یدیها فترکبها فیبعث الیها مائه الف ملک فیصیرون علی یمینها، و یبعث الیها مائه الف ملک فیصیرون علی یسارها فیبعث الیها مائه الف ملک یحملونها باجنحتهم حتی یسیروها عند باب الجنه فاذا صارت عند باب الجنه تلتفت فیقول اللَّه یا بنت حبیبی ما التفاتک و قد امرت بک الی جنتی. فتقول یا رب احببت ان یعرف قدری فی مثل هذا الیوم فیقول اللَّه

تبارک و تعالی یا بنت حبیبی ارجعی وانظری من کان فی قلبه حب لک او لاحـد من ذریتک خـذی بیـده فادخلیه الجنه قال ابوجعفر علیه‌السلام واللّه یا جابر انها ذلک الیوم لتلتقط شیعتها و محبیها کما یلتقط الطیر الحب الجیـد من الحب الردی فاذا صار شیعتها معها عهـد بـاب الجنه یلقی اللّه فی قلوبهم ان یلتفتوا فـاذا التفتوا فیقول اللّه یـا احبـائی مـا التفـاتکم و قـد شـفعت فیکم فـاطمه بنت حبیبی. فیقولون: یـا رب احببنـا ان یعرف قـدرنا فی مثـل هـذا الیوم فیقول اللّه: یـا حبـائی ارجعوا و انظروا، من احبکم لحب فـاطمه انظروا من اطعمکـم لحـب اللّه و انظروا من سـقاکم شـربه فی حب فـاطمه، انظروا من رد عنکم غیبه فی حب فـاطمه، و انظروا من کسـاکم لحب فاطمه خذوا بیده و ادخلوا الجنه. [صفحه ۲۵۳] قال ابوجعفر علیه‌السلام واللّه لا یبقی فی الناس الا شاک او کافر او منافق فاذا صاروا بین الطبقـات نـادوا کمـا قـال اللّه «فمـا لنـا من شـافعین و لاـ صـدیق حمیم فیقولـون فلو ان لنـا کره فنکون من المومنین» قـال ابوجعفر علیه‌السلام: هیهـات هیهات منعوا ما طلبوا و لو ردوا لعادوا لما نهوا عنه و انهم لکاذبون. [۳۵۴] . ۲۵- فرات بن ابراهیم الکوفی معنعنا عن ابی‌سـعید الخـدری قـال: لمـا نزلت علی النبی صـلی اللّه علیه و آله و سـلم «فـات ذا القربی حقه» قال دعا النبی فاطمه علیهاالسـلام فاعطاها فـدکا فقال هـذا لک و لعقبک من بعـدک. [۳۵۵] . ۲۶- فرات، قال: حدثنی الحسین بن سـعید معنعنا عن ابی‌سـعید قال لما نزلت هذه الایه «و آت ذا القربی حقه» دعا النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم فاطمه فاعطاها فدکا فکلما لم یوجف علیها اصحاب النبی بخیـل و لاـ رکـاب فهو لرسول اللّه یضعـه حیث یشـاء و فـدک ممـا لم یوجف علیه بخیل و لا رکاب. [۳۵۶] . ۲۷- فرات بـن ابراهیم الکوفی معنعنا عن شـهر بن حوشب قال اتیت ام‌سـلمه زوجه النبی صـلی اللّه علیه و آله و سـلم لاسـلم علیها فقلت ام رایت هذا الایه یا ام‌المومنین «انما یرید اللّه لیذهب [صفحه ۲۵۴] عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا» قالت: انا و رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سـلم علی منامه لنا تحتنا کساء خیبری فجاءت فاطمه و معها الحسن و الحسین و برمه فیها حریره فقال این ابن‌عمک قالت فی البیت. قال فاذهبی فادعیه، قالت فـدعوته فاخـذ الکساء من تحتنا فعطفه فاخـذ جمیعه بیده فقال اللهم هولاء اهل بیتی فاذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا و انـا جـالسه خلف رسول‌اللّه صـلی اللّه علیه و آله و سـلم فقلت یا رسول‌اللّه بابی انت و امی فانا، قال انک علی خیر و نزلت هـذا آلـایه «انمـا یریـد اللّه لیـذهب عنکم الرجس اهـل الـبیت و یطهرکم تطهیرا» فی النبی و علی و فـاطمه و الحسن و الحسـین علیهم‌السلام. [۳۵۷] . ۲۸- فرات، قال: حدثنی الحسـین بن سـعید، قال: حدثنا محمد بن علی بن خلف العطار، قال: حدثنا الحسین بن الاشـقر، عن قیس بن ربیع عن الاـعمش، عن سـعید بن جبیر، عن ابن‌عباس قال لما نزلت هـذه «قل لا اسـئلکم علیه اجرا الا الموده فی القربی» قلت یـا رسول‌اللّه من قرابتـک الـذیم افترض اللّه علینـا مودتهم قـال علی و فـاطمه و ولـدها ثلاث مرات یقولها. [۳۵۸] . ۲۹- فرات، قـال: حـدثنا محمـد بن منصور بن ابراهیم بن [صـفحه ۲۵۵] احمـد بن عمرو الهمـدانی قال: حـدثنا یحیی ابن‌عبدالحمید، قال: حـدثنا الحسـین بن الاشـقر، قـال: حـدثنا سـعید بن جبیر عن ابن‌عباس قال لما نزلت هـذه الایه «قل لا اسـئلکم علیه اجرا الا الموده فی القربی» قالوا یا رسول‌اللّه من قرابتک الـذین افترض اللّه علینا مودتهم قال علی و فاطمه و ولدها ثلاث مرات یقولها. [۳۵۹] . ۳۰- عنه، حـدثنی محمـد بن عیسـی بن زکریا الدهقان، قال: حدثنا عبدالرحمن- یعنی ابن‌سـراج- قال: حدثنا ابوجعفر عن ابی‌حمزه الثمالی عن علی بن الحسـین علیهماالسلام قال اذا کان یوم القیامه نادی مناد «لا خوف علیکم الیوم و لا انتم تحزنون» فاذا قالها لم یبق احد الا رفع راسه فـاذا قـال «الـذین آمنوا بایاتنـا و کانوا مسـلمین» لم یبق احـد الا طاطا راسه الا المسـلمین المحبین قال ثم ینادی هـذه فاطمه بنت محمـد تمر بکم هی و من معهـاغ الی الجنه ثم یرسل اللّه لها ملکا فیقول یا فاطمه سـلینی حاجتک فتقول یا رب حاجتی ان تغفر لی و لمن نصر ولدی. [۳۶۰] . ۳۱- فرات، حـدثنا علی بن عتاب و الحسـین بن سـعید و جعفر بن محمد الفزاری معنعنا عن جعفر قال «مرج البحرین یلتقیان»: علی و فاطمه جاءهما النبی صـلی اللّه علیه و آله و سلم فادخل رجلیه [صفحه ۲۵۶] بین فاطمه و علی، «یخرج منهما اللولـو و المرجـان»: الحسـن و الحسـین. [۳۶۱] . ۳۲- فرات، حـدثنی علی بـن محمـد بـن مخلـدا الجعفی معنعنـا عن ابی‌ذر الغفـاری رضوان‌اللّه علیه فی قوله: «مرج البحرین یلتقیان» قال: علی و فاطمه یخرج منها اللولو و المرجان الحسن و الحسـین فمن رای مثل هولاء الاـربعه فـاطمه و علی و الحسن و الحسـین لا یحبهم الا مومن و لا یبغضـهم الا کافر فکونوا مومنین بحب اهل البیت و لا تکونوا کفارا

ببغض اهل البیت فتلقوا فی النار. [۳۶۲] . ۳۳- فرات بن ابراهیم معنعنا عن جعفر بن محمد، عن ابیه، عن جده علیهم‌السلام قال مرض الحسن و الحسین علیهماالسلام مرضا شدیدا فعادهما سید ولد آدم محمد و عادهما ابوبکر و عمر فقال عمر لعلی یا اباالحسن ان نذرت للّه نذرا واجبا فان کان نذر لا یکون للّه فلیس منه وفاء فقال علی بن ابی‌طالب ان عافا اللّه ولدی مما بهما صمت للّه ثلاثه ایام متوالیات. و قالت فاطمه مثل مقاله علی و کانت لهم جاریه ثوبیه تدعی فضه قالت ان عافا اللّه سیدی مما بهما صمت للّه ثلاثه ایام، فلما عافا اللّه الغلامین مما بهما انطلق علی علیه‌السلام الی جار یهودی یقال له شمعون بن حارا فقال له یا شمعون اعطنی ثلاثه اصوع من شعیر و جزه من صوف تغزله لک ابنه محمد صلی اللّه علیه و آله و سلم [صفحه ۲۵۷] فاعطاه الیهودی الشعیر و الصوف فانطلق الی منزل فاطمه. فقال لها یا بنت رسول‌اللّه کلی هذا و اغزلی هذا فباتوا و اصبحوا صیاما فلما امسوا قامت الجاریه الی صاع من الشعیر و عجنته و خبزت منه خمسه اقراص قرص لعلی و قرص لفاطمه و قرص للحسن و قرص للحسین علیهم‌السلام و قرص للجاریه و ان علیا صلی مع النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم ثم اقبل الی منزل فاطمه لیفطر. فلما ان وضع بین ایدیهم الطعام و ارادوا اکله فاذا سائل قد قام بالباب فقال:السلام‌علیکم یا اهل‌بیت محمد انا مسکین من مساکین المسلمین اطعمونی اطعمکم اللّه من موائد الجنه فالقی علی و القی القوم من ایدیهم الطعام و انشا علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام هذا الابیات: فاطم ذات المجد و القین یا بنت خیر الناس اجمعین اما ترین البائس المسکین قد قام بالباب له حنین یدعو الی اللّه و یستکین یشکو الینا جائعا حزین کل امرء بکسبه رهین و فاعل الخیرات من یدین موعده فی الخلد علیین حرمه اللّه علی الضنین و للبخیل موقف حزین تهوی به النار الی سجین شرابه الحمیم و الغسلین یمکث الدهر و السنین فانشات فاطمه علیهاالسلام تقول: [صفحه ۲۵۸] امرک سمع واجب و طاعه اطعمه و لا ابالی الساعه ارجوا اذا اشبعت ذا لمجاعه ان ادخل الخلد ولی شفاعه انی ساعطیه و لا انهیه ساعه ارجوا ان اطعمت من مجاعه ان الحق الاخیار و الجماعه و ادخل الجنه لی شفاعه فاعطوه طعامهم و باتوا علی صومهم لم یذوقوا الا الماء فلما امسوا قامت الجاریه الی الصاع الثانی فعجنته و خبزت منه خمسه اقراص و ان علیا علیه‌السلام صلی مع النبی ثم اقبل الی منزله لیفطر فلما وضع بین ایدیهم الطعام وارادوا اکله اذا یتیم قد قام بالباب. فقال: السلام‌علیکم یا اهل بیت محمد انا یتیم من یتامی المسلمین اطعمونی اطعمکم اللّه من موائد الجنه قال فالقی علی علیه‌السلام و القی القوم من بین ایدیهم الطعام و انشا علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام یقول: فاطمه بنت السید الکریم بنت نبی لیس بالزنیم قد جاءنا اللّه بذی الیتیم من یرحم الیوم فهو رحیم موعده فی جنه النعیم حرمها اللّه علی اللئیم من یسلم البخل یعش سلیم و صاحب البخل یقف ذمیم یهوی به فی وسط الجحیم شرابه الصدیه و الحمیم هذا صراط اللّه مستقیم وانشات فاطمه تقول: [صفحه ۲۵۹] انی ساعطیه و لا ابالی و اوثر اللّه علی عیالی امسوا جیاعا و هم اشبالی اصغرهم یقتل باغتیال فاعطوا طعامهم و باتوا علی صومهم و لم یذوقوا الا الماء واصبحوا صیاما فلما امسوا قامت الجاریه الی الصاع الثالث فعجنته و خبزت منه خمسه اقراص و ان علیا علیه‌السلام صلی مع النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم ثم اقبل الی منزله یرید ان یفطر، فلما وضع بین یدیه الطعام وارادوا اکله فاذا اسیر کافر قد قام بالباب. فقال: السلام‌علیکم یا اهل‌بیت محمد واللّه ما انصفتمونا من انفسکم تاسرونا و تعبدونا و لا تطعمونا اطعمونی فانی اسیر محمد فالقی علی و القی القوم من بین ایدیهم الطعام فانشا علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام و هو یقول: فاطم یا بنت النبی احمد بنت نبی سید مسود قد زانه اللّه بجید اغید هذا اسیر للنبی المهتدی مکبل فی غله مقید یشکو الینا الجوع قد تمدد من یطعم الیوم یجده فی غد عند العلی الواحد الموحد ما زرع الزارع سوف یحصد فاطعمی من غیر من الکد حتی تجازی بالذی لا ینفد فانشات فاطمه تقول: لم یبق مما جئت غیر صاع قد ذهبت کفی مع الذراع ابنای واللّه من الجیاع ابوهما للحمد ذو اصطناع [صفحه ۲۶۰] یصطنع المروف بابتداع قال: فاعطوه طعامهم، وباتوا علی صومهم لم یذوقوا الا الماء فاصبحوا و قد قضی اللّه علیهم نذرهم و ان علیا علیه‌السلام اخذ بید الغلامین و هما کالفرخین و لا ریش لهما یترجحان من الجوع فانطلق بهما الی منزل النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم فلما نظر رسول آله اغر و رقت عیناه بالدموع و اخذ بید الغلامین فانطلق بهما الی منزل فاطمه علیهاالسلام. فلما نظر الیها رسول‌اللّه و قد تغیر لونها و اذا بطنها لاصق بظهرها انکب علیها یقبل بین عینیها و نادته باکیه و اغوثاه باللّه ثم بک یا محمد رسول‌اللّه من الجوع

قـال: فرفع یـده الی السـماء و هو یقول: اللهم اشـبع آل محمـد فهبـط جبرئیل علیه‌السـلام فقال: یا محمـد اقرا قال: و ما اقرا قال اقرا «ان الابرار یشربون من کـاس کـان مزاجهـا کـافورا» الی آخر ثلاث آیـات. ثم ان علیا علیه‌السـلام مضـی من فور ذلک حتی اتا اباجبله الانصاری فقال له: یا اباجبله هل عنـدک من قرض دینار قال نعم یا اباالحسن اشـهد اللّٰه و ملائکته ان شـطر مالی لک حلال من اللّٰه و من رسوله قـال لاـ حـاجه فی شـیء من ذلـک ان یـک قرضا. قبلته قال: فرفع الیه دینارا و مر علی بن ابی‌طالب علیه‌السـلام یتخرق ازقه المـدینه لیبتاع بالـدینار طعاما فاذا هو بمقداد بن الاسود الکندی قاعد علی الطریق. [صـفحه ۲۶۱] فدنا منه یسـلم علیه و قال: یا مقداد مالی اراک فی هـذا الموضع کئیبا حزینا قال: اقول کما قال العبـد الصالـح موسـی بن عمران «رب انی لما انزلت الی من خیر فقیر» قال منـذ کم یا مقـداد قال هذا اربع فرجع علی ملیا، ثم قال اللّٰه اکبراللّٰه اکبر آل محمد منذ ثلاث و انت یا مقداد منذ اربع انت احق بالدینا منی. فذفع الیه الدینار و مضـی حتی دخل علی رسول‌اللّٰه صـلی اللّٰه علیه و آله و سـلم فی مسجده فلما انفتل رسول‌اللّٰه ضرب بیده الی کتفه قـال یـا علی انهض بنـا الی منزلک لعلنا نصـیب به طعاما فقـد بلغنا اخـذک الـدینار من ابی‌جبله قال: فمضـی و علی یسـتحی من رسول‌اللّٰه صـلی اللّٰه علیه و آله و سـلم رابط علی بطنه حجرا من الجوع حتی قرعا علی فاطمه علیهاالسلام الباب. فلما نظرت فاطمه الی رسول‌اللّٰه صـلی اللّٰه علیه و آله و سـلم و قـد اثر الجوع فی وجهه ولت هاربه قالت و اسواتاه من اللّٰه و من رسول کان اباالحسن ما علم ان لیس عندنا منذ ثلاث ثم دخلت مخدعا لها فصلت رکعتین ثم نادت یا آل محمد هذا محمد نبیک و فاطمه بنت نبیک و علی ختن نبیک و ابن‌عمه و هذا ان الحسن و الحسـین سـبطا نبیک. اللهم فان بنی‌اسرائیل سالوک ان تنزل علیهم مائده من السماء فانزلتها علیهم و کفروا بهـا، اللهم فـان آل‌محمـد لاـ یکفرون بهـا ثم التفت ملمه فاذا هی بصـحفه مملوه ثریـد و عراق فاحتملتها فوضـعتها بین یـدی رسول‌اللّٰه صـلی اللّٰه علیه و آله و سـلم فاهوی بیده [صـفحه ۲۶۲] الی الصـحیفه و الثرید و العراق فقال النبی و ان من شـیء الا یسـبح بحمـده. ثم قال یا علی کل من جوانب القصـعه و لا تهدموا صومعتها فان فیها البرکه فاکل النبی صـلی صـلی اللّٰه علیه و آله و سـلم و علی و فـاطمه و الحسن و الحسـین و النبی یاکل و ینظر الی علی متسـبما و علی یاکل و ینظر الی فاطمه متعجبا فقال له النبی صـلی اللّٰه علیه و آله و سلم کل یا علی و لا تسال فاطمه عن شیء. الحمدللّٰه الذی جعل مثلک و مثلها مثل مریم بنت عمران و زکریا کلما دخل علیها زکریا المحراب وجـد عنـدها رزقا قال یا مریم انی لک هـذا قالت هو من عنداللّٰه ان اللّٰه یرزق من یشاء بغیر حساب، یا علی هذا بالـدینار الذی اقرضـته لقد اعطاک اللّٰه اللیله خمسا و عشـرین جزا من المعروف فاما جزء واحد فجعل لک فی دنیاک ان اطعمک من جنته و اربعه و عشرون جزءا دخرها لک لاخرتک. [۳۶۳] . ۳۴- عنه، حدثنی محمد بن الحسن بن ابراهیم معنعنا عن جعفر علیه‌السلام قـال نزلت خمس آیات «کلا ان کتاب الابرار لفی علیین و ما ادریک ما علیین» الی قوله «یشـرب بها المقربون» و هی خمسن آیات و هو رسول‌اللّٰه و علی و فاطمه و الحسن و الحسـین علیهم‌السـلام. [۳۶۴] . [صفحه ۲۶۳] ۳۵- فرات، حـدثنا محمد بن القاسم بن عبید معنعنا عن ابی‌عبـداللّٰه علیه‌السـلام قال «انا انزلناه فی لیله القـدر» اللیله فاطمه و القـدراللّٰه فمن عرف فاطمه حق معرفتها فقـد ادرک لیله القدر و انما سمیت فاطمه لان الخلق فطموا عن معرفتها او معرفتها الشک من ابی‌القاسم. قوله «و ما ادریک ما لیله القدر خیر من الـف شـهر» یعنی خیر من الـف مـومن، و هی ام المـومنین «تنزیـل الملاـئکه و الروح فیهـا» والملاـئکه المومنـون الـذین یملکـون علم آل‌محمد علیهم‌السـلام و الروح القدس هی فاطمه «باذن ربهم من کل امر سلام هی حتی مطلع الفجر» یعنی حتی یخرج القائم. [۳۶۵] . ۳۶- فرات، حدثنی علی بن محمد بن اسـماعیل الخزاز الهمدانی معنعنا عن زید قال رجل کان قد ادرک سـته او سـبعه من اصـحاب رسول‌اللّٰه صـلی اللّٰه علیه و آله و سلم قالوا لما نزل «اذا جاء نصراللّٰه و الفتح» قال النبی یا علی و یا فاطمه بنت محمد قد جاء نصراللّٰه و الفتح و رایت الناس یدخلون فی دین اللّٰه افواجا، فسبحان ربی و بحمده و اسـتغفر ربی انه کان توابا، یا علی ان اللّٰه قضی الجهاد علی المـومنین فی الفتنه من بعـدی. فقـال علی: یـا رسـول‌اللّٰه و کیـف نجاهـد المومنین الـذین یقولون [صـفحه ۲۶۴] فی فتنتهم آمنـا قـال یجاهـدون علی الاحـداث فی الـدین اذا عملوا بالرای فی الـدین و لا رای فی الـدین انما الـدین من الرب امره و نهیه قال امیرالمومنین علیه‌السـلام یا رسول‌اللّٰه ارایت اذا نزل بنا امر لیس فیه کتاب و لا سـنه منک ما نعمل فیه قال النبی صـلی اللّٰه علیه و آله و سـلم اجعلوه

شوری بین المومنین و لا تقصرونه بامر خاصه. قال علی علیه‌السلام یا رسول‌اللَّه انک قد قلت لی حین خزلت علی الشهاده و استشهد من استشهد من المومنین یوم احد الشهاده من ورائک قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم فکیف صبرک اذا خضبت هذه من هذا و وضع رسول‌اللَّه یده علی راسه و لحیته قال علی یا رسول‌اللَّه لیس من مواطن الصبر ولکن من مواطن البشری قال علی علیه‌السلام یوم القیامه خصومتک فانک مخاصم قومک یوم القیامه. [۳۶۶] . ۳۷- الصدوق، حدثنا احمد بن زیاد بن جعفر الهمدانی رحمه‌اللَّه قال: حدثنا علی بن ابراهیم بن هاشم، عن ابیه، عن محمد بن سنان، عن المفضل بن عمر، قال: قلت لابی عبداللَّه علیه‌السلام اخبرنی عن قول رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم فی فاطمه «انها سیده نساء العالمین» اهی سیده نساء عالمها؟ [صفحه ۲۶۵] فقال: ذاک لمریم کانت سیده نساء عالمها و فاطمه سیده نساء العالمین من الاولین و الاخرین. [۳۶۷] . ۳۸- عنه، حدثنا عبدالواحد بن محمد بن عبدوس النیسابوری العطار رحمه‌اللَّه، قال: حدثنا علی بن محمد بن قتیبه، عن حمدان بن سلیمان، عن عبدالسلام بن صالح الهروی، قال: قلت للرضا علیه‌السلام: یا بن رسول‌اللَّه اخبرنی عن الشجره التی اکل منها آدم و حواء ما کانت؟ فقد اختلف الناس فیها فمنهم من یروی انها الحنطه و منهم من یروی انها العنب و منهم من یروی انها شجره الحسد. فقال: کل ذلک حق قلت: فما معنی هذع الوجوه علی اختلافها؟ فقال: یا اباالصلت ان شجره الجنه تحمل انواعا، فکانت شجره الحنطه و فیها عنب و لیست کشجره الدنیا و ان آدم علیه‌السلام لما اکرمه اللَّه تعالی ذکره باسجاده ملائکته له و بادخاله الجنه قال فی نفسه: هل خلق‌اللَّه بشرا افضل منی؟ فعلم اللَّه عز و جل ما وقع فی نفسه، فناداه، ارفع راسک یا آدم، فانظر الی ساق عرشی فرفع آدم راسه فنظر الی ساق العرش، فوجد علیه مکتوبا «لا اله الا اله اللَّه، محمد رسول‌اللَّه، علی بن ابی‌طالب امیرالمومنین، و زوجته فاطمه سیده نساء العالمین، و الحسن و الحسین [صفحه ۲۶۶] سیدا شباب اهل الجنه». فقال آدم: یا رب من هولاء؟ فقال عز و جل: یا آدم هولاء ذریتک و هم خیر منک و من جمیع خلقی و لولاهم ما خلقتک و لا خلقت الجنه و النار و لا السماء و الارض فایاک ان تنظر الیهم بعین الحسد فاخرجک عن جواری، فنظر الیهم بعین الحسد و تمنی منزلتهم فتسلط علیه الشیطان حتی اکل من الشجره التی نهی عنها و تسلط علی حواء لنظرها الی فاطمه بعین الحسد حتی اکلت من الشجره کما اکل آدم فاخرجهما اللَّه عن جنته و اهبطهما عن جواره الی الارض. [۳۶۸] . ۳۹- عنه، حدثنا علی بن الفضل بن العباس البغدادی قال: قرات علی احمد بن محمد بن سلیمان بن الحارث، قال: حدثنا محمن بن علی بن خلف العطار، قال: حدثنا حسین الاشقر، قال: حدثنا عمرو بن ابی‌المقدام، عن ابیه، عن سعید بن جبیر، عن ابن‌عباس، قال: سالت النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم عن الکلمات التی تلقیها آدم من ربه فتاب علیه، قال: ساله بحق محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسین الا تبت علی فتاب اللَّه علیه. [۳۶۹] . ۴۰- عنه، حدثنی محمد بن موسی المتوکل، قال: حدثنی محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد، عن العباس بن معروف، عن بکر بن محمد، قال: حدثنی ابوسعید المدائنی یرفعه فی قول اللَّه عز و جل: [صفحه ۲۶۷] «فتلقی آدم من ربه کلمات» قال: ساله بحق محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسین علیهم‌السلام. [۳۷۰] . ۴۱- عنه، ابی‌رضی‌اللَّه‌عنه، قال: حدثنا عبداللَّه بن الحسن المودب، عن احمد بن علی الاصبهانی، عن ابراهیم بن محمد الثقفی، قال: اخبرنا مخول بن ابراهیم، قال: حدثنا عبدالجبار بن العباس الهمدانی، عن عمار بن معاویه الدهنی عن عمره بنت افعی قالت: سمعت ام‌سلمه رضی‌اللَّه عنها تقول: نزلت هذه الایه فی بیتی «انما یرید اللَّه لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا». قالت: و فی البیت سبعه رسول‌اللَّه و جبرئیل و میکائیل و علی و فاطمه و الحسن و الحسین صلوات اللَّه علیهم قالت: و انا علی الباب فقلت: یا رسول‌اللَّه الست من اهل البیت؟ قال: انک من ازواج النبی و ما قال: انک من اهل البیت. [۳۷۱] . ۴۲- محمد بن الحسن الطوسی باسناده عن ابی‌العباس، قال: حدثنی یعقوب بن یوسف بن زیاد، قال: حدثنا محمد بن اسحاق بن عمار، قال: حدثنا هلال بن ایوب الصیرفی، قال: سمعت عطیه العوفی یذکر انه سال ابا سعید الخدری عن قول‌اللَّه تعالی: «انما یرید اللَّه لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا» [صفحه ۲۶۸] فاخبره انها نزلت فی رسول‌اللَّه و علی و فاطمه و الحسن و الحسین علیهم‌السلام. [۳۷۲] . ۴۳- عنه، اخبرنا ابوعمر، قال: اخبرنا احمد بن محمد بن محمد، قال: حدثنا الحسین بن عبدالرحمان بن محمد الازدی، قال: حدثنا ابی، قال: حدثنا عبدالنور بن عبداللَّه بن شیبان،

قـال: حـدثنا سلیمان بن قرم، قـال: حـدثنی ابوالحجاف و سالم بن ابی‌حفصه عن نقیع بن ابی‌داود عن ابی‌الحمراء. قال: شـهدت النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم اربعین صباحا یجیء الی بـاب علی و فاطمه فیاخـذ بعضادتی الباب ثم یقول: «السلام‌علیکم اهل البیت و رحمه‌اللَّه و برکاته»، الصلاه یرحمکم اللَّه «انما یرید اللَّه لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا». [۳۷۳] . ۴۴- عنه، اخبرنا ابوعمر، قال: حـدثنا احمـد، قال: اخبرنا احمـد بن یحیی قال: حدثنا عبدالرحمن، قال: حدثنا ابی عن ابی‌اسحاق، عن عبداللَّه بن مغیره مولی ام‌سلمه زوج النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم انها قالت نزلت هذه الایه فی بیتها «انما یرید اللَّه لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا» امرنی رسول‌اللَّه صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم ان ارسل الی علی و فاطمه و الحسن و الحسین علیهم‌السلام. [صفحه ۲۶۹] فلمـا اتوه اعتنق علیـا بیمینه و الحسن بشـماله و الحسین علی بطنه و فـاطمه عنـد رجله فقـال: «اللهم هولاء اهلی و عترتی فاذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا» قالهـا ثلاـث مرات قلت: فانـا یـا رسول‌اللَّه، فقـال: انـک علی خیر ان‌شاءاللَّه. [۳۷۴] . ۴۵- عنه، اخبرنا ابوعمر، قال: حدثنا احمد، قال: حدثنا یعقوب بن یوسف الضبی، قال: حدثنا محمد بن اسحاق بن عمار الصیرفی، قال: حدثنا هلال بن ایوب الصیرفی، عن عبدالکریم بن ابی‌امیه، عن مجاهد، قال: قلت لابن عباس من الذی اراد رسول‌اللَّه صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم ان یباهل بهم؟ قال: علی و فاطمه و الحسن و الحسین و الانفس النبی علیه‌السلام و علی علیه‌السلام. [۳۷۵] . ۴۶- قال الطبرسی: من اوکد الـدلائل علی عصـمتها قوله سبحانه: «انما یریـد اللَّه لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا» و وجه الدلاله ان الامه اتفقت ان المراد باهـل البیت فی الایـه هم اهـل بیت رسـول‌اللَّه صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم و وردت الروایه من طریـق الخـاص و العـام انها مختصه بعلی و فاطمه و الحسن و الحسین علیهم‌السـلام و ان النبی صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم جللهم بعباء خیبریه. [صفحه ۲۷۰] ثم قال: اللهم ان هولاء اهل بیتی فاذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا فقالت ام‌سلمه: و انا یا رسول‌اللَّه من اهل بیتک فقال لها صلی اللَّه علیه و آله و سـلم:انـک علی خیر، و لاـ تخلوا الاـ راده فی الاـیه اما ان تکون اراده محضه لم یتبعها الفعل او اراده وقع الفعل عنـدها و الاـول باطل لان ذلک لا تخصـیص فیه لاهل البیت بل هو عام لجمیع المکلفین و لا مـدح فی الاراده بمجردها. اجتمعت الامه علی ان الاـیه فیهـا تفضـیل لاهـل البیت و آیه لهم عمن سواهم فثبت الوجه الثـانی و فی ثبوته ما یقتضـی عصـمه من عنی بالایه و ان شـیئا من القبائـح لاـ یجـوز ان یقـع منهم علی ان غیر من سـمیناه لاـ شـک انه غیر مقطوع علی عصـمته و الاـیه موجبه للعصـمه فثبت انهـا فیمن ذکرنـاهم لبطلاـن تعلقها بغیرهم. [۳۷۶] . ۴۷- ابن‌شـهر آشوب باسـناده، عن ابی‌بکر الشـیرازی فی کتابه عن ابی‌صالـح و ابی‌اسـحاق الثعلبی و علی بن احمـد الطائی و ابی‌محمد بن الحسن بن علویه القطان فی تفاسیرهـم عن سـعید بن جبیر، و سـفیان الثوری و ابی‌نعیم الاصـبهانی، فیمـا نزل من القرآن فی امیرالمومنین علیه‌السـلام عن حماد بن سـلمه عن انس، و عن ابی‌مالک، عن ابن‌عباس و القاضـی النظنزی عن سفیان بن عیینه، عن جعفر الصادق علیه‌السلام و اللفظ له فی قوله «مرج البحرین [صفحه ۲۷۱] یلتقیان». قال علی و فاطمه بحران عمیقـان لاـ ینبغی احـدهما علی صـاحبه و فی روایه بینهمـا برزخ رسـول‌اللَّه صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم یخرج منهمـا اللولـو و المرجان الحسن و الحسین علیهماالسلام. [۳۷۷] . ۴۸- عنه باسناده، عن ابی‌معاویه الضریر، عن الاعمش، عن ابی‌صالح، عن ابن‌عباس: ان فاطمه علیهاالسـلام بکت للجوع و العری فقال النبی صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم اقنعی یا فاطمه بزوجک فواللَّه انه سـید فی الدنیا و سید فی الاخره و اصلح بینهما فانزل اللَّه «مرج البحرین یلتقیان» یقول انا اللَّه ارسلت البحرین، علی بن ابی‌طالب بحر العلم و فاطمه بحر النبوه یلتقیـان: یتصـلان انـا اللَّه اوقعت الوصـله بینهما. ثم قال: بینهما برزخ مانع رسول‌اللَّه یمنع علی بن ابی‌طالب علیه‌السـلام ان یحزن لاجـل الـدنیا و یمنع فـاطمه ان تخـاصم بعلها لاجل الـدنیا فبای آلاء ربکما یا معشـر الجن و الانس تکـذبان بولایه امیرالمومنین وحب فاطمه الزهراء فاللولو الحسن و المرجان الحسین. [۳۷۸] . ۴۹- عنه باسـناده، عن عمار بن یاسر فی قوله تعالی: «فاستجب لهم ربهم انی لا اضیـع عمل عامل منکم من ذکر اوانثی» [صفحه ۲۷۲] قال: فالذکر علی و الانثی فاطمه علیهاالسـلام وقت الهجره الی رسول‌اللَّه فی اللیله. [۳۷۹] . ۵۰- عنه باسـناده، عن الباقر علیه‌السـلام فی قوله: «و لقـد عهـدنا الی آدم من قبل کلمات» فی محمـد و علی و فاطمه و الحسن و الحسین و الائمه من ذریتهم علیهم‌السـلام. [۳۸۰] . ۵۱- عنه، قال و روی ان فاطمه علیهاالسـلام تمنت وکیلا عنـد غزاه علی

علیه‌السلام فنزل «رب المشرق و المغرب لا اله الا هو فاتخذه وکیلا». [۳۸۱] . ۵۲- عنه باسناده، قال ابوهریره: فلما خرج رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم من عند فاطمه انزل اللَّه علی رسوله: «و اما تعرضن عنهم ابتغاء رحمه من ربک ترجوها» یعنی عن قرابتک و ابنتک فاطمه علیهاالسلام ابتغاء یعنی طلب رحمه من ربک یعنی رزقا من ربک ترجوها «فقل لهم قولا میسورا»، یعنی قولا حسنا، فلما نزلت هذه الایه انفذ رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم جاریه الیها للخدمه و سماها فضه. [۳۸۲] . ۵۳- روی الاربلی باسناده، عن ابن‌خالویه، عن نافع بن ابی‌الحمراء، قال: شهدت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم [صفحه ۲۷۳] ثمانیه اشهر اذا خرج الی صلاه الغداه مر بباب فاطمه علیهاالسلام فقال: السلام‌علیکم یا اهل البیت و رحمه‌اللَّه و برکاته الصلوه «انما یرید اللَّه لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا». [۳۸۳] . ۵۴- مسلم بن حجاج النیسابوری، حدثنا ابوبکر بن ابی‌شیبه و محمد بن عبداللَّه بن نمیر و اللفظ لابی‌بکر، قالا: حدثنا محمد بن بشر، عن زکریا، عن مصعب بن شیبه، عن صفیه بنت شیبه قالت عائشه: خرج النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم غداه و علیه مرط مرحل من شعر اسود فجاء الحسن بن علی فادخله، ثم جاء الحسین فدخل معه ثم جاءت فاطمه فادخلها، ثم جاء علی فادخله ثم قال: «انما یرید اللَّه لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا». [۳۸۴] . ۵۵- ابوعیسی الترمذی حدثنا قتیبه، حدثنا محمد بن سلیمان الاصبهانی، عن یحیی بن عبید، عن عطاء بن ابی‌رواح، عن عمر بن ابی‌سلمه ربیب النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم قال: نزلت هذه الایه علی النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم «انما یرید اللَّه لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا» فی بیت ام‌سلمه. [صفحه ۲۷۴] فدعا النبی فاطمه و حسنا و حسینا فجللهم بکساء و علی خلف ظهره فجللَّه بکساء ثم قال: «اللهم هولاء اهل بیتی فاذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا» قالت ام‌سلمه: و انا معهم یا نبی‌اللَّه قال انت علی مکانک و انت الی خیر [۳۸۵] . ۵۶- عنه، حدثنا محمود بن غیلان، حدثنا ابن‌احمد الزبیری، حدثنا سفیان، عن زبید، عن شهر بن حوشب، عن ام‌سلمه ان النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم جلل علی الحسن و الحسین و علی و فاطمه کساء ثم قال: «اللهم هولاء اهل‌بیتی و خاصتی اذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا» فقالت ام‌سلمه: و انا معهم یا رسول‌اللَّه قال انک الی خیر. [۳۸۶] . ۵۷- قال ابن‌عبد ربیه، و جمع النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم فاطمه و علیا و الحسن و الحسین فالقی علیهم کساءه وضمهم الی نفسه ثم تلی هذه الایه «انما یرید اللَّه لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا». [۳۸۷] . ۵۸- عبداللَّه بن احمد، حدثنی ابی، حدثنا عبداللَّه بن نمیر، قال: حدثنا عبدالملک یعنی ابن ابی‌سلیمان، عن عطاء بن ابی‌رباح، قال: حدثنی من سمع ام‌سلمه: تذکر ان النبی صلی اللَّه علیه و آله [صفحه ۲۷۵] و سلم کان فی بیتها فاتته فاطمه ببرمه فیها خزیره فدخلت بها علیه، فقال لها ادعی زوجک و ابنیک قالت: فجاء علی و الحسن و الحسین فدخلوا علیه فجلسوا یاکلون من تلک الخزیره و هو علی منامه له علی دکان تحته کساء له خیبری. قالت و انا اصلی فی الحجره فانزل اللَّه عز و جل هذه الایه: «انما یرید اللَّه لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا» قالت فاخذ فضل الکساء فغشاهم به ثم اخرج یده فالوی بها الی السماء ثم قال: «اللهم هولاء اهل بیتی و خاصتی فاذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا». «اللهم هولاء اهل بیتی و خاصتی فاذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا» قالت: فادخلت راسی البیت فقلت: و انا معکم یا رسول‌اللَّه قال انک الی خیر انک الی خیر. [۳۸۸] . ۵۹- ابوعبداللَّه الحاکم، حدثنا ابوبکر محمد بن عبداللَّه الحفید، حدثنا الحسین بن الفضل البجلی، حدثنا عفان بن مسلم، حدثنا حماد بن سلمه، اخبرنی حمید و علی بن زید، عن انس بن مالک رضی‌اللَّه عنه ان رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم کان یمر بباب فاطمه رضی‌اللَّه عنها سته اشهر اذا خرج لصلاه الفجر یقول الصلاه یا اهل البیت «انما یرید اللَّه لیذهب عنکم الرجس [صفحه ۲۷۶] اهل البیت و یطهرکم تطهیرا». [۳۸۹] . ۶۰- الحسکانی، حدثنی ابوبکر بن ابی‌الحسن الحافظ ان عمر بن الحسن بن علی بن مالک اخبرهم، قال: اخبرنا احمد بن الحسن الخزاز، اخبرنا ابی، عن حصین بن مخارق، عن بحر المسلی عن ابی‌داود، عن ابی‌برزه قال: قرا رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم «فی بیوت اذن‌اللَّه ان ترفع و یذکر» قال: هی بیوت النبی قیل یا رسول‌اللَّه ابیت علی و فاطمه منها؟ قال من افضلها. [۳۹۰] . ۶۱- عنه، حدثنی ابوالحسن الصیدلانی و ابوالقاسم بن ابی‌الوفاء العدنانی، قالا حدثنا ابومحمد بن ابی‌الشیبانی، حدثنا ابوبکر بن ابی‌دارم بالکوفه، حدثنا المنذر بن محمد بن المنذر بن سعید بن ابی‌الجهم،

حدثنا ابی، حدثنا عمی ابان بن تغلب، عن بقیع بن الحرث، عن انس بن مالک و عن بریده، قالا: قرا رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم هذه الایه: «فی بیوت اذن اللّه- الی قوله- و الابصار» فقال الیه رجل فقال یا رسول‌اللّه ای بیوت هذه؟ قال: بیوت الانبیاء فقام الیه ابوبکر فقال یا رسول‌اللّه هذا البیت منها؟- لبیت علی و فاطمه- قال: نعم من افاضلها. [۳۹۱] . [صفحه ۲۷۷] ۶۲- عنه، اخبرنا محمد بن موسی بن الفضل، اخبرنا محمد بن یعقوب بن یوسف، اخبرنا محمد بن اسحاق اخبرنا عفان بن مسلم، اخبرنا حماد بن سلمه، عن علی بن زید، عن انس بن مالک، ان رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم کان یمر بباب فاطمه سته اشهر اذا خرج الی صلاه الصبح یقول: الصلاه یا اهل البیت «انما یرید اللّه لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا». [۳۹۲] . ۶۳- حدثنی القاضی ابوبکر الحیری، حدثنی ابوالعباس الضبعی، حدثنی الحسین بن علی بن زیاد السری، حدثنی یحیی بن عبدالحمید الحمانی، حدثنی حسین الاشقر، قال: حدثنی قیس، عن الاعمش، عن سعید بن جبیر، عن ابن‌عباس، قبال: لما نزلت: «قل لا اسئلکم علیه اجرا الا الموده فی القربی» قالوا: یا رسول‌اللّه من هولاء الذین امرنا اللّه بمودتهم؟ قال: علی و فاطمه و ولدهما. [۳۹۳] . ۶۴- عنه، اخبرنا ابوعبداللّه الشیرازی، اخبرنا ابوبکر الجرجرائی، اخبرنا ابواحمد البصری، قال: حدثنی محمد بن سهل، حدثنا احمد بن عمر الدهان، حدثنا محمد بن کثیر مولی عمر بن عبدالعزیز، حدثنا عاصم بن کلیب، عن ابیه، عن ابی‌هریره قال: ان رجلا جاء الی النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم فشکی الیه الجوع. [صفحه ۲۷۸] فبعث الی بیوت ازواجه فقلن ما عندنا الا الماء فقال صلی اللّه علیه و آله و سلم: من لهذا اللیله؟ فقال علی انا یا رسول‌اللّه فاتی فاطمه فاعلمها فقالت ما عندنا الا قوت الصبیه ولکنا نوثر به ضیفنا فقال علی نومی الصبیه و انا اطفی للضیف السراج ففعلت و غشی الضعیف فلما اصبح انزل‌اللّه علیهم هذه الایه «و یوثرون علی انفسهم...». [۳۹۴] . ۶۵- عنه، اخبرنا عقیل، اخبرنا علی، اخبرنا محمد، اخبرنا الحسن بن محمد بن عثمان الفسوی، حدثنا یعقوب بن سفیان، قال: حدثنی آدم بن ابی‌اناس، حدثنا سفیان، عن منصور، عن مجاهد، عن ابن‌عباس فی قول اللّه: «و یوثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصه» قال: نزلت فی علی و فاطمه و الحسن و الحسین علیهم‌السلام. [۳۹۵] . ۶۶- ابراهیم بن محمد الجوینی، اخبرنا الامام نجم الدین عثمان بن الموفق اجازه بروایته عن الموید بن محمد المقری اجازه قال: انبانا جدی لامی ابوالعباس محمد بن محمد ابن العباس العصاری المعروف بعباسه سماعا علیه قالوا ثلاثتهم انبانا القاضی ابوسعید محمد بن سعید الفرخزادی، قال: انبانا الاستاذ الامام ابواسحاق احمد بن محمد بن ابراهیم الثعلبی. [صفحه ۲۷۹] قال: اخبرنی الحسین بن محمد بن الحسن بن عبداللّه الثقفی، حدثنا عمر بن الخطاب، حدثنا عبداللّه بن الفضل، حدثنا الحسن بن علی، حدثنا یزید بن هارون، انبانا العوام بن حوشب، حدثنی ابن‌عم لی من بنی الحرث ابن تیم‌اللّه یقال له مجمع، قال دخلت مع امی علی عایشه فسالتها امی. قالت ارایت خروجک یوم الجمل، قالت انه کان قدرا من اللّه سبحانه و تعالی فسالتها عن علی قالت تسالینی عن احب الناس کان الی رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم لقد رایت علیا و فاطمه و حسنا و حسینا و جمع رسول‌اللّه بثوب علیهم، ثم قال: اللهم هولاء اهل بیتی و حامتی، فاذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا قالت: فقلت یا رسول‌اللّه و انا من اهلک قال تنحی فانک الی خیر. [۳۹۶] . ۶۷- عنه باسناده، عن ابن‌قتیبه التیمی، قال: سمعت ابن‌سیرین یقول فی قوله تعالی: «هو الذی خلق من الماء بشرا فجعله نسبا و صهرا و کان ربک قدیرا»، نزلت فی النبی و علی بن ابی‌طالب زوج فاطمه علیهم‌السلام و هو ابن‌عمه و زوج ابنته و کان نسبا و کان صهرا و کان ربک قدیرا. [۳۹۷] . ۶۸- الحافظ الهیثمی باسناده، عن شداد ابی‌عمار قال: [صفحه ۲۸۰] دخلت علی واصله بن الاسقع و عنده قوم فذکروا علیا رضی‌اللّه‌عنه، فلما قاموا قال: الا اخبرک بما رایت من رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم قلت بلی قال اتیت فاطمه رضی‌اللّه‌عنها اسالها عن علی قالت: توجه الی رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم و معه حسن و حسین فجلست انتظره حتی جاء رسول‌اللّه و معه حسن و حسین. اخذ کل واحد منهما بیده حتی دخل فادنی علیا و فاطمه و اجلس حسنا و حسینا کل واحد منهما علی فخد، ثم لف علیهم ثوبه او کساءه ثم تلی هذه الایه: «انما یرید اللّه لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا» و قال: «اللهم هولاء اهل بیتی و اهل بیتی احق». [۳۹۸] . ۶۹- عنه باسناده، عن ابن‌عباس، قال: لما نزلت: «قل لا اسئلکم علیه اجرا الا الموده فی القربی» قالوا یا رسول‌اللّه و من قرابتک هولاء الذین وجبت علینا

مودتهم قال على و فاطمه وابناهما. [۳۹۹] . ۷۰- عنه باسناده، عن عمرو بن شعيب انه دخل على زينب بنت ابى‌سلمه فحدثته ان رسول‌اللَّه صلى اللَّه عليه و آله و سلم كان عند ام‌سلمه فحمل حسنا من شق و حسينا من شق و فاطمه فى [صفحه ۲۸۱] حجره فقال: «رحمه‌اللَّه و بركاته عليكم اهل‌البيت انه حميد مجيد». [۴۰۰] .

مصحفها

۱- محمد بن يعقوب، عن محمد بن يحيى، عن احمد بن محمد، عن ابن‌محبوب عن ابن‌رئاب، عن ابى‌عبيده، قال: سال اباعبداللَّه عليه‌السلام بعض اصحابنا عن الجفر فقال: هو جلد ثور مملوء علما، قال له: فالجامعه؟ قال: تلك صحيفه طولها سبعون ذراعا فى عرض الاديم مثل فخذ الفالج، فيها كل ما يحتاج الناس اليه و ليس من قضيه الا و هى فيها حتى ارش الخدش. قال: فمصحف فاطمه عليهاالسلام؟ قال: فسكت طويلا ثم قال: انكم لتبحثون عما تريدون، ان فاطمه مكثت بعد رسول‌اللَّه صلى اللَّه عليه و آله و سلم خمسه و سبعين يوما، و كان دخلها حزن شديد على ابيها و كان جبرئيل عليه‌السلام ياتيها فيحسن عزاءها على ابيها، و يطيب نفسها و يخبرها عن ابيها و مكانه و يخبرها بما يكون بعدها فى ذريتها و كان على عليه‌السلام يكتب [صفحه ۲۸۲] ذلك فهذا مصحف فاطمه. [۴۰۱] . ۲- عنه رحمه‌اللَّه، عده من اصحابنا، عن احمد بن محمد عن عمر بن عبدالعزيز، عن حماد بن عثمان، قال: سمعت اباعبداللَّه عليه‌السلام يقول: تظهر الزنادقه فى سنه ثمان و عشرين و مائه، و ذلك انى نظرت فى مصحف فاطمه عليهاالسلام، قال: قلت و ما مصحف فاطمه؟ قال ان اللَّه تعالى لما قبض نبيه صلى اللَّه عليه و آله و سلم دخل على فاطمه عليهاالسلام من وفاته، من الحزن مالا يعلمه الا اللَّه عز و جل. فارسل اللَّه اليها ملكا يسلى غمها و يحدثها، فشكت ذلك الى اميرالمومنين عليه‌السلام فقال: اذا احسست بذلك و سمعت الصوت قولى لى، فاعلمته بذلك، فجعل اميرالمومنين عليه‌السلام يكتب كلما سمع حتى اثبت من ذلك مصحفا قال: ثم قال: اما انه ليس فيه شىء من الحلال و الحرام، ولكن فيه علم ما يكون. [۴۰۲] . ۳- عنه، عده من اصحابنا، عن احمد بن محمد، عن على بن الحكم، عن الحسين بن ابى‌العلاء، قال: سمعت اباعبداللَّه عليه‌السلام يقول: ان عندى الجفر الابيض، قال: قلت: فاى شىء فيه؟ قال: زبور داوود، و توراه موسى و انجيل عيسى، و صحف ابراهيم عليهم‌السلام، و الحلال و الحرام، و مصحف فاطمه، [صفحه ۲۸۳] ما ازعم ان فيه قرآنا و فيه ما يحتاج الناس الينا و لا نحتاج الى احد، حتى فيه الجلده و نصف الجلده و ربع الجلده و ارش الخدش و عندى الجفر الاحمر. قال: قلت: و اى شىء فى الجفر الاحمر؟ قال: السلاح و ذلك انما يفتح للدم يفتحه صاحب السيف للقتل، فقال له عبداللَّه بن ابى‌يعفور: اصلحك اللَّه ايعرف هذا بنو الحسن، فقال: اى واللَّه كما يعرفون الليل انه ليل و النهار انه نهار،ولكنهم يحملهم الحسد و طلب الدنيا على الجحود و الانكار، و لو طلبوا الحق بالحق لكان خيرا لهم. [۴۰۳] . ۴- عنه، عن على بن ابراهيم، عن محمد بن عيسى، عن يونس، عمن ذكره، عن سلميان بن خالد، قال: قال ابوعبداللَّه عليه‌السلام: ان فى الجفر الذى يذكرونه لما يسووهم، لانهم لا يقولون الحق و الحق فيه، فليخرجوا قضايا على و فرائضه ان كانوا صادقين، و سلوهم عن الخلالات و العمات و ليخرجوا مصحف فاطمه عليهاالسلام، فان فيه وصيه فاطمه و معه سلاح رسول‌اللَّه صلى اللَّه عليه و آله و سلم، ان اللَّه عز و جل يقول: «فاتوا بكتاب من قبل هذا او اثاره من علم ان كنتم صادقين». [۴۰۴] . [صفحه ۲۸۴] ۵- الصدوق، حدثنا محمد بن ابراهيم بن اسحاق الطالقانى: قال: حدثنا السحين بن اسماعيل، قال: حدثنا ابوعمر و سعيد بن محمد بن نصر القطان، قال: حدثنا عبداللَّه بن محمد السلمى، قال: حدثنا محمد بن عبدالرحين، قال: حدثنا محمد بن سعيد بن محمد، قال: حدثنا العباس بن ابى‌عمرو، عن صدقه بن ابى‌موسى، عن ابى‌نضره، قال: لما احتضر ابوجعفر محمد بن على الباقر عليهماالسلام عند الوفاه دعا بابنه الصادق عليه‌السلام ليعهد اليه عهدا. فقال له احوه زيد بن على عليه‌السلام: لو امتثلت فى تمثال الحسن و الحسين عليهماالسلام لرجوت ان لا تكون اتيت منكرا، فقال له: يا اباالحسن، ان الامانات ليست بالتمثال و لا العهود بالرسوم، و انما هى امور سابقه، عن حجج اللَّه عز و جل، ثم دعا بجابر بن عبداللَّه فقال له: يا جابر حدثنا بما عاينت من الصحيفه فقال له جابر نعم يا اباجعفر. دخلت على مولاتى فاطمه بنت رسول‌اللَّه صلى اللَّه

علیه و آله و سلم لاهنئها بمولودها الحسین علیه‌السلام، فاذا بیدیها صحیفه بیضاء دره، فقلت لها: یا سیده النساء ما هذه الصحیفه التی اراها معک قالت: فیها اسماء الائمه من ولدی، قلت ناولینی لانظر فیها، قالت: یا جابر لولا النهی لکنت افعل، لکنه قد نهی ان یمسها الا نبی او وصی نبی او اهل بیت نبی، ولکنه ماذون لک ان تنظر الی [صفحه ۲۸۵] باطنها من ظاهرها. قال جابر: فاذا ابوالقاسم محمد بن عبداللَّه المصطفی، امه آمنه، ابوالحسن علی بن ابی‌طالب المرتضی، امه فاطمه بنت اسد بن هاشم بن عبدمناف، ابومحمد الحسن بن علی البر، ابوعبداللَّه الحسین بن التقی امهما فاطمه بنت محمد، ابومحمد علی بن الحسین العدل، امه شهر بانو بنت یزدجرد، ابوجعفر محمد بن علی الباقر،امه ام‌عبداللَّه بنت الحسن بن علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام، ابوعبداللَّه جعفر بن محمد الصادق و امه ام‌فروه بنت القاسم بن محمد بن ابی‌بکر. ابوابراهیم موسی بن جعفر امه جاریه اسمها حمیده المصفاه، ابوالحسن علی بن موسی الرضا، امه جاریه اسمها نجمه، ابوجعفر محمد بن علی الزکی، امه جاریه اسمها سوسن، ابومحمد الحسن بن علی الرفیق، امه جاریه اسمها سمانه و تکنی ام‌الحسن، و ابن‌القاسم محمد بن الحسن هو حجه‌اللَّه القائم، امه جاریه اسمها نرجس، صلوات اللَّه علیهم اجمعین. [۴۰۵] . ۶- عنه، حدثنا ابی و محمد بن الحسن بن احمد بن الولید قالا: حدثنا سعد بن عبداللَّه بن جعفر الحمیری جمیعا، عن [صفحه ۲۸۶] ابی‌الخیر صالح بن ابی‌حماد و الحسن بن ظریف جمیعا، عن بکر بن صالح، و حدثنا ابی و محمد بن موسی بن المتوکل و محمد بن علی ما جیلویه، و احمد بن علی بن ابراهیم بن هاشم، و الحسین بن ابراهیم بن ناتانه و احمد بن زیاد بن جعفر الهمدانی رضی‌اللَّه‌عنهم. قالوا حدثنا علی بن ابراهیم بن هاشم عن ابیه، عن بکر بن صالح، عن عبدالرحمن بن سالم، عن ابی‌بصیر، عن ابی‌عبداللَّه علیه‌السلام، قال: قال ابی علیه‌السلام لجابر بن عبداللَّه الانصاری ان لی الیک حاجه فمتی یخف علیک ان اخلو بک فاسالک عنها، قال له جابر: فی ای الاوقات شئت، فخلا به ابی، فقال له یا حابر اخبرنی عن اللوح الذی رایته فی ید امی فاطمه بنت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم و ما اخبرتک به امی ان ذلک اللوح مکتوبا. قال جابر: اشهد باللَّه انی دخلت علی امک فاطمه فی حیوه رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم لاهنئها بولاده الحسین علیه‌السلام، فرایت فی یدها لوحا اخضر، ظننت انه زمرد، و رایت فیه کتابا ابیض شبه نور الشمس، فقلت لها، بابی انت و امی یا بنت رسول‌اللَّه ما هذا اللوح، فقالت: هذا اللوح اهداه‌اللَّه عز و جل الی رسوله صلی اللَّه علیه و آله و سلم، و فیه اسم ابی و اسم بعلی و اسم ابنی و اسماء الاوصیاء من ولدی فاعطانیه ابی‌لیسرنی بذلک. [صفحه ۲۸۷] قال جابر فاعطتنیه امک فاطمه فقراته و انتسخته، فقال ابی علیه‌السلام فهل لک یا جابر ان تعرضه علی، قال نعم، فمشی معه ابی علیه‌السلام حتی انتهی الی منزل جابر، فاخرج ابی‌صحیفه من رق، قال جابر: فاشهد باللَّه انی هکذا رایته فی اللوح مکتوبا: بسم اللَّه الرحمن الرحیم: هذا کتاب من اللَّه العزیز الحکیم، لمحمد نوره و سفیره و حجابه و دلیله، نزل به الروح الامین من عند رب العالمین عظم یا محمد اسمائی و اشکر نعمائی و لا تجحد آلائی انی انا اللَّه لا آله الا انا، قاصم الجبارین و مذل الظالمین و دیان الدین انی انا اللَّه لا آله آله انا. فمن رجا غیر فضلی او خف غیر عذابی، عذبته عذابا لا اعذب احدا من العالمین، فایای فاعبد و علی فتوکل، انی لم ابعث نبیا، فاکملت ایاما و انقضت مدته، الا جعلت له وصیا و انی فضلتک علی الانبیاء و فضلت وصیک علی الاوصیاء و اکرمتک بشبلیک بعده و بسبطیک الحسن و الحسین. فجعلت حسنا معدن علمی بعد انقضاء مده ابیه، و جعلت حسینا خازن وحیی و اکرمته بالشهاده و ختمت له بالسعاده، فهو افضل من اشتشهد و ارفع الشهداء درجه عندی، و جعلت کلمتی التامه معه و الحجه البالغه عنده بعترته اثیب و اعاقب. اولهم علی سید العابدین و زین اولیائی الماضین و ابنه شبیه [صفحه ۲۸۸] جده المحمود محمد الباقر لعلمی و المعدن لحکمی، یهلک المرتابون فی جعفر الراد علیه کالراد علی حق القول منی، لاکرمن مثوی جعفر و لا سرنه فی اشیاعه و انصاره و اولیائه، انتجبت بعده موسی و انتجبت بعده فتنه عمیاء حندس. لان خیط لا ینقطع و حجتی لا تخفی، و ان اولیائی لا یشقون، الا و من جحد واحدا منهم، فقد جحد نعمتی، من غیر آیه من کتابی فقد افتری علی، و ویل للمفترین الجاحدین عند انقضاء مده عبدی موسی، وحبیبی و خیرتی، ان المکذب بالثامن مکذب بکل اولیائی و علی ولیی و ناصری و من اضع علیه اعباء النبوه و امنحه بالاضطلاع. یقتله عفریت مستکبر، یدفن بالمدینه التی بناها العبد الصالح الی جنب شر خلقی حق القول منی لاـقرن عینیه

بمحمد ابنه و خلیفته من بعده، فهو وارث علمی و معدن حکمی و موضع سری و حجتی علی خلقی، جعلت الجنه مثواه و شفعته فی سبعین من اهل بیته کلهم قد استوجبوا النار. اختم بالسعاده لابنه علی ولیی و ناصری، و الشاهد فی خلقی و امینی علی وحیی اخرج منه الداعی الی سبیلی و الخازن لعلمی الحسن، ثم اکمل ذلک بابنه رحمه للعالمین علیه کمال موسی، و بهاء عیسی، و صبر ایوب، سیدل فی زمانه اولیائی و تتهادی روسهم کما تتهادی روس الترک و الدیلم. [صفحه ۲۸۹] فیقتلون و یحرقون و یکونون خائفین مرعوبین و جلین تصبغ الارض بدمائهم و یفشو الویل و الرنین فی نسائهم، اولئک اولیائی حقا بهم ارفع الاصار و الاغلال، اولئک علیهم صلوات من ربهم و رحمه و اولئک هم المهتدون. [۴۰۶] . ۷- عنه، حدثنا علی بن الحسین بن شاذویه المودب رضی‌اللّه‌عنه و احمد بن هارون العامی، قال: حدثنا محمد بن عبداللّه بن جعفر الحمیری، عن ابیه، عن جعفر بن محمد بن مالک الفزاری الکوفی، عن مالک بن السلولی، عن درست، عن عبدالحمید، عن عبداللّه بن القاسم، عن عبداللّه بن جبله، عن ابی‌السفاتج، عن جابر الجعفی، عن ابی‌جعفر محمد بن علی الباقر علیهماالسلام عن جابر بن عبداللّه الانصاری. قال: دخلت علی فاطمه بنت رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم، قدامها لوح، یکاد ضوءه یغشی الابصار و فیه اثنا عشر اسماء، ثلاثه فی ظاهره و ثلاثه فی باطنه و ثلاثه اسماء فی آخره، و ثلاثه اسماء فی طرفه، فعددتها فاذا هی اثناعشر، قلت: اسماء من هولاء؟ قالت: هذه اسماء الاوصیاء اولهم ابن‌عمی واحد عشر من ولدی آخرهم القائم، قال جابر فرایت محمدا، محمدا، محمدا فی ثلاثه مواضع، [صفحه ۲۹۰] و علیا، علیا علیا علیا فی اربعه مواضع. [۴۰۷] . ۸- ابوجعفر الطبری الامامی، حدثنی ابوالحسین محمد بن هارون بن موسی التلعکبری، قال: حدثنا جعفر بن محمد بن مالک الفزاری، قال: حدثنا محمد بن احمد بن حمدان، قال: حدثنی علی بن سلیمان و جعفر بن محمد، عن علی بن اسباط، عن الحسن بن ابی‌العلاء، و علی بن ابی‌حمزه، عن ابی‌بصیر، قال: سالت اباجعفر محمد بن علی عن مصحف فاطمه. فقال: انزل علیها بعد موت ابیها، قلت: ففیه شیء من القرآن؟ فقال: ما فیه شیء من القرآن قلت: فصفه لی، قال: له دفتان من زبرجدتین علی طول الورق و عرضه حمراوین، قلت: جعلت فداک فصف لی ورقه، قال: ورقه من در ابیض قیل له: کن فکان، قلت: جعلت فداک فما فیه قال: فیه خبر ما کان و خبر ما یکون الی یوم القیامه. فیه خبر سماء سماء، و عدد ما فی السماوات من الملائکه و غیر ذلک و عدد کل من خلق‌اللّه مرسلا و غیر مرسل، و اسمائهم و اسماء من ارسل الیهم واسماء من کذب و اجاب جمیع من خلق‌اللّه من المومنین و الکافرین من الاولین و الاخرین و اسماء البلدان، و صفه کل بلد فی شرق الارض و غربها، و عدد ما فیها من المومنین وعدد ما [صفحه ۲۹۱] فیها من الکافرین. صفه کل من کذب و صفه القرون الاولی و قصصهم، و من ولی من الطواغیت و مده ملکهم وعددهم، و اسماء الائمه و صفتهم، و ما یملک کل واحد واحد، و صفه کبرائهم و جمیع من تردد فی الادوار، قلت: جعلت فداک و کم الادوار؟ قال: خمسون الف عام و هی سبعه ادوار فیه اسماء جمیع ما خلق‌اللّه و اجالهم وصفه اهل الجنه و عدد من یدخلها و عدد من یدخل النار و اسماء هولاء و هولاء فیه علم القرآن، کما انزل و علم التوراه کما انزلت، و علم الانجیل کما انزل و علم الزبور و عدد کل شجره و مدره فی جمیع البلاد. ۹- قال ابوجعفر علیه‌السلام: و لما اراد اللّه تعالی ان ینزل علیها جبرئیل و میکائیل و اسرافیل ان یحملوه فینزل به علیها و ذلک فی لیله الجمعه من الثلث الثانی من اللیل، فهبطوا به و هی قائمه تصلی، فمازالوا قیاما حتی قعدت و لما فرغت من صلاتها سلموا علیها و قالوا: السلام یقرئک السلام و وضعوا المصحف فی حجرها. ۹- قال ابوجعفر علیه‌السلام: و لما اراد اللّه تعالی ان ینزل علیها جبرئیل و میکائیل و اسرافیل ان یحملوه فینزل به علیها و ذلک فی لیله الجمعه من الثلث الثانی من اللیل، فهبطوا به و هی قائمه تصلی، فمازالوا قیاما حتی قعدت و لما فرغت من صلاتها سلموا علیها و قالوا: السلام یقرئک السلام و وضعوا المصحف فی حجرها. فقالت للّه السلام و منه السلام و الیه السلام و علیکم یا رسل اللّه السلام، ثم عرجوا الی السماء فما زالت من بعد صلوه الفجر الی زوال الشمس تقروه حتی اتت علی اخره و لقد کانت علیهاالسلام مفروضه الطاعه علی جمیع من خلق اللّه من الجن و الانس و الطیر و الوحش و الانبیاء و الملائکه. [صفحه ۲۹۲] قلت: جعلت فداک فلمن صار ذلک المصحف بعد مضیها، قال: دفعته الی امیرالمومنین علیه‌السلام فلما مضی صار الی الحسن، ثم الی الحسین، ثم عند اهله حتی یدفعوه الی صاحب هذا الامر، فقلت ان هذا العلم کثیر قال:

یا ابامحمد ان هذا الذی وصفته لک لفی و رقتین من اوله و ما وصفت لک بعد ما فی الورقه الثانیه و لاتکلمت بحرف بعیده. [۴۰۸] . ۱۰- الصفار، حدثنا عبداللَّه بن جعفر، عن موسی بن جعفر، عن الوشاء، عن ابی‌حمزه، عن ابی‌عبداللَّه علیه‌السلام قال: مصحف فاطمه ما فیه شیء من کتاب اللَّه و انما هو شی القی علیها بعد موت ابیها. [۴۰۹] . ۱۱- عنه، حدثنا محمد بن اسماعیل، عن ابن ابی‌نجران، عن محمد بن سنان، عن داود بن سرحان و یحیی بن معمر و علی بن ابی‌حمزه عن الولید بن صبیح قال لی ابوعبداللَّه علیه‌السلام: یا ولید انی نظرت فی مصحف فاطمه فلم اجد لبنی فلان فیها الاکغبار النعل. [۴۱۰] . [صفحه ۲۹۳]

انها لا تطمث

۱- محمد بن یعقوب، عن محمد بن یحیی، عن العمرکی بن علی، عن جعفر، عن اخیه ابی الحسن علیه‌السلام قال: ان فاطمه علیهاالسلام صدیقه شهیده و ان بنات الانبیاء لا یطمثن. [۴۱۱] . ۲- ابوجعفر الطبری الامامی اخبرنی ابوعبداللَّه الحسین بن ابراهیم بن علی بن عیسی المعروف بابن الخیاط القمی، قال: اخبرنی ابوالحسن علی بن محمد بن جعفر العسکری، قال: حدثنی صعصعه بن سیاب بن ناجیه ابومحمد، قال: حدثنا زید بن موسی، قال: حدثنا ابی‌موسی، عن ابیه جعفر، عن ابیه محمد، عن عمه زید بن علی، عن ابیه، عن سکینه و زینب ابنتی علی، عن علی علیه‌السلام قال: قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: ان فاطمه خلقت حوریه فی صوره انسیه و ان بنات الانبیاء لایحضن. [۴۱۲] . ۳- عنه، قال: حدثتنی خدیجه قالت: حدثنا ابوعبداللَّه، قال: حدثنا ابواحمد، قال: حدثنا محمد بن زکریا، قال: حدثنا محمد [صفحه ۲۹۴] بن عبداللَّه بن عائشه، قال: حدثنا اسماعیل بن عمرو البجلی، عن عمرو بن موسی، عن زید بن علی، عن ابیه، عن زینب بنت علی علیه‌السلام. قالت حدثتنی اسماء ینت عمیس، قالت قال لی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم و قد کنت شهدت فاطمه قد ولدت بعض ولدها فلم یر لها دم، فقلت یا رسول‌اللَّه ان فاطمه ولدت فلم نر لها دما قال: ان فاطمه خلقت حوریه انسیه. [۴۱۳] . ۴- عنه، اخبرنی ابوجعفر قال: حدثنا احمد بن محمد بن عیسی، قال: حدثنا ابوعبداللَّه محمد بن ابراهیم بن اسباط، قال: حدثنا احمد بن محمد بن زیاد القطان، قال: حدثنی ابوالطیب احمد بن محمد بن عبداللَّه، قال: حدثنی عیسی بن جعفر بن محمد، عن آبائه عن عمر بن علی، عن ابیه علی علیه‌السلام ان النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم سئل عن البتول و قیل له سمعناک یا رسول‌اللَّه تقول:مریم بتول و فاطمه بتول فما ذاک، فقال: البتول التی لم تر حمره قط ای لم تحض، فان الحیض مکروه فی بنات الانبیاء. [۴۱۴] . ۵- روی ابن‌شهر آشوب عن الصادق علیه‌السلام انه [صفحه ۲۹۵] قال: اتدری ای شیء تفسیر فاطمه؟ قلت: اخبرنی یا سیدی قال: فطمت من الشر، و یقال انها سمیت فاطمه لانها فطمت عن الطمث. [۴۱۵] . ۶- عنه، عن ابی‌صالح الموذن فی الاربعین سئل رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم ما البتول؟ قال النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم: لم ترحمره قط ولم تحض فان الحیض مکروه علی بنات الانبیاء. [۴۱۶] . ۷- روی الاربلی عن ابی‌جعفر علیه‌السلام قال: لما ولدت فاطمه علیهاالسلام اوحی اللَّه تبارک و تعالی الی ملک، فانطق به لسان محمد صلی اللَّه علیه و آله و سلم، فسماها فاطمه، ثم قال: انی فطمتک بالعلم و فطمتک بالطمث، ثم قال ابوجعفر علیه‌السلام واللَّه لقد فطمها اللَّه تبارک و تعالی بالعلم و عن الطمث فی المیثاق. [۴۱۷] . [صفحه ۲۹۶]

منامها

۱- ابوجعفر الطبری الامامی قال: روی ابوبکر احمد بن محمد الخشاب الکرخی، قال: حدثنا زکریا بن یحیی الکوفی، قال: حدثنا ابی‌زائده، عن ابیه، قال: حدثنی محمد بن الحسن، عن ابی‌بصیر، عن ابی‌عبداللَّه علیه‌السلام قال: لما قبض رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم ما ترک الا الثقلین کتاب اللَّه و عترته اهل بیته. کان قد اسر الی فاطمه انها لاحقه به و انها اول اهل بیته لحوقا، فقالت علیهاالسلام بینا انا بین النائمه و الیقظانه بعد وفاه ابی‌بایام، اذ رایت کان ابی قد اشرف علی، فلما رایته لم املک نفسی ان نادیت یا

ابتاه، انقطع عنا خبر السماء، فبينا انا كذلك اذ اتتنى الملائكه صفوفا يقدمها ملكان حتى اخذانى فصعدا بى الى السماء. فرفعت راسى فاذا انا بقصور مشيده و بساتين و انهار تطرد قصر بعد قصر و بستان بعد بستان، و اذا قد طلع على من تلك القصور جوارى كانهن اللعب مستبشرات يضحكن الى و يقلن مرحبا بمن خلقت الجنه و خلقنا من اجل ابيها و لم تزل الملائكه [صفحه ۲۹۷] تصعد بى حتى ادخلونى الى دار فيها قصور، فى كل قصر بيوت. فيها ما الا عين رات و لا اذن سمعت و فيها من السندس و الاستبرق على الاسره الكثير و عليها اللحاف من الحرير و الديباج بالوان، و من اوانى الذهب و الفضه و فيها الموائد و عليها الوان الطعام و فى تلك الجنان نهر مطرد اشد بياضا من اللبن و اطيب رائحه من المسك الاذفر. فقلت: لمن هذه الدار؟ و ما هذه الانهار، فقالوا هذه الدار هى الفردوس الاعلى الذى ليس بعده جنه و هى دار ابيك و من معه من النبيين و من احب‌اللَّه، و هذه هى نهر الكوثر الذى وعده اللَّه ان يعطيه اياه، فقلت اين ابى؟ قالوا: الساعه يدخل عليك، فبينا، انا كذلك اذ برزت لى قصور اشد بياضا من تلك القصور و فرش هى احسن من تلك الفرش. اذا انا بفرش مرتفعه على اسره و اذا ابى‌جالس على تلك الفرش و معه جماعه، فاخذنى وضمنى و قبل ما بين عينى و قال: مرحبا بابنتى، و اقعدنى فى حجره ثم قال: يا حبيبتى اما ترين ما اعد اللَّه لك و ما تقدمين عليه و ارانى قصورا مشرفات فيها الوان الطرائف و الحلى و الحلل، و قال: هذا مسكنك و مسكن زوجك و ولديك و من احبك و احبهما. فطيبى نفسا فانك قادمه على ايام، قالت فطار قلبى و اشتد شوقى فانتبهت مرعوبه، قال ابوعبداللَّه: قال امير [صفحه ۲۹۸] المومنين علهيماالسلام لما انتبهت من رقدتها صاحت بى فاتيتها و قلت ما تشكين فاخبرتنى بالرويا. ثم اخذت على عهداللَّه و رسوله انها اذا توفيت لا اعلم احدا الا امسلمه زوج النبى و امايمن و فضه و من الرجال ابنيها و عبداللَّه بن عباس و سلمان الفارسى و عمار بن ياسر و المقداد و اباذر و حذيفه و قالت: انى قد احللتك من ان ترانى بعد موتى فكن مع النسوه فيمن يغسلنى و لا تدفنى الا ليلا و لا تعلم على قبرى. فلما كانت الليله التى اراد اللَّه ان يكرمها و يقبضها اليه اخذت تقول: و عليكم‌السلام، يا بن عمى هذا جبرئيل اتانى مسلما و قال: السلام يقرئك السلام يا حبيبه حبيب‌اللَّه و ثمره فواده، اليوم تلحقين به فى الرفيع الاعلى و جنه الماوى ثم انصرف عنى. ثم اخذت تقول: و عليكم‌السلام و تقول يا بن عمى و هذا ميكائيل يقول كصاحبه، ثم اخذت ثالثا و تقول: و عليكم‌السلام و قد فتحت عينيها شديدا و قالت يا بن عمى هذا واللَّه الحق، عزرائيل نشر جناحه بالمشرق و المغرب و قد وصفه لى ابى و هذه صفته، ثم قالت يا قابض الارواح عجل بى و لا تعذبنى، ثم قالت اليك ربى لا الى النار، ثم غمضت عينيها و مدت يديها و رجليها فكانها لم تكن حيه قط. [۴۱۸] . [صفحه ۲۹۹] ۲- قال ابن‌شهر آشوب: و سالت رسول‌اللَّه صلى اللَّه عليه و آله و سلم خاتما، فقال: الا اعلمك ما هو خير من الخاتم اذا صليت صلوه الليل فاطلبى من اللَّه عز و جل خاتما فانك تنالين حاجتك قالت: فدعت ربها تعالى، فاذا بهاتف يهتف يا فاطمه الذى طلبت منى تحت المصلى، فرفعت المصلى فاذا الخاتم ياقوت لا قيمه له فجعلته فى اصبعها و فرحت. فلما نامت فى ليلتها رات فى منامها كانها فى الجنه، فرات ثلاثه قصور لم تر فى الجنه مثلها، قالت: لمن هذه القصور قالوا: لفاطمه بنت محمد، قالت فكانها دخلت قصرا من ذلك و دارت فيه، فرات سريرا قد مال على ثلاث قوائم، فقالت: ما لهذا السرير قد مال على ثلاثه، قالوا: لان صاحبته طلبت من اللَّه تعالى خاتما،فنزع احد القوائم و صنع لها خاتما و بقى السرير على ثلاث قوائم. فلما اصبحت دخلت على رسول‌اللَّه صلى اللَّه عليه و آله و سلم و قصت القصه، فقال النبى صلى اللَّه عليه و آله و سلم معاشر آل‌عبدالمطلب ليس لكم الدنيا، انما لكم الاخره و ميعادكم الجنه، ما تصنعون بالدنيا فانها زائله غراره، فامرها النبى ان ترد الخاتم تحت المصلى، فردت ثم قامت على المصلى، فرات فى المنام انها دخلت الجنه غدخلت ذلك القصر و رات السرير على اربع قوائم فسالت عن حاله، فقالوا: ردت الخاتم و رجع السرير الى هيئته. [۴۱۹] . [صفحه ۳۰۰]

منزلتها فى المحشر

۱- فرات، حدثنى الحسين بن سعيد معنعنا، عن جعفر عن ابيه، عن آبائه عليهم‌السلام قال: قال النبى صلى اللَّه عليه و آله و سلم ان اللَّه

تبارک و تعالی اذا جمع الناس یوم القیامه وعدنی المقام المحمود و هو واف لی به اذا کان یوم القیامه نصب منبر له الف درجه، لا کمراقیکم، فاصعد حتی اعلو فوقه فیاتینی جبرئیل بلواء الحمد، فیضعه فی یدی. یقول: یا محمد هذا المقام المحمود الذی وعدک اللَّه، فاقول لعلی علیه‌السلام اصعد فیکون اسفل منی بدرجه، فاضع لوائی الحمد فی یدک، ثم یاتی رضوان بمفاتیح الجنه، فیقول: یا محمد هذا المقام المحمود الذی وعدک اللَّه، فیضعها فی یدی، فاضعها فی حجر علی علیه‌السلام، ثم یاتی مالک خازن النار فیقول: یا محمد هذا المقام المحمود الذی وعدک اللَّه، هذه مفاتیح النار ادخل عدوک وعدو ذریتک و عدو امتک النار. [صفحه ۳۰۱] فاخذها و وضعها فی حجر علی، فالنار والجنه یومئذ اسمع لی و لعلی من العروس لزوجها فهو قول اللَّه تبارک و تعالی: «القیا فی جهنم کل کفار عنید» الق یا محمد و یا علی عدوکما فی النار ثم اقوم، فاثنی علی اللَّه ثناء لم یثن علیه احد قبلی، ثم اثنی علی الملائکه المقربین ثم اثنی علی الانبیاء المرسلین، ثم اثنی علی الامم الصالحین. ثم اجلس فیثنی اللَّه علی ویثنی علی ملائکته و یثنی علی انبیاوه و رسله و تثنی علی الامم الصالحه، ثم ینادی مناد من بطنان العرش یا معشر الخلائق غضوا ابصارکم حتی تمر بنت حبیب‌اللَّه الی قصرها فتمر فاطمه علیهاالسلام بنتی علیها ریطتان خضر و ان حولها سبعون حوراء فاذا بلغت الی باب قصرها وجدت الحسن قائما و الحسین نائما مقطوع الراس. فتقول للحسن من هذا؟ فیقول: هذا اخی ان امه ابیک قتلوه و قطعوا راسه. فیاتیها النداء من عنداللَّه یا بنت حبیب‌اللَّه انی انما اریتک ما فعلت به امه ابیک، انی ادخرت لک عندی تعزیه بمصیبتک فیه انی جعلت لتعزیتک بمصیبتک فیه انی لا انظر فی محاسبه العباد حتی تدخلی الجنه انت و ذریتک و شیعتک و من اولاکم معروفا ممن هو لیس من شیعتک قبل ان انظر فی محاسبه العباد. فتدخل فاطمه ابنتی الجنه و ذریتها و شیعتها و من اولادکم معروفا ممن هو لیس من شیعتک قبل ان انظر فی محاسبه العباد. فتدخل فاطمه ابنتی الجنه و ذریتها و شیعتها و من اوها معروفا ممن لیس هو من شیعتها فهو قول اللَّه فی کتابه: «لا یحزنهم الفزع الاکبر» قال صلی اللَّه علیه و آله: هو یوم القیامه «و هم فیما [صفحه ۳۰۲] اشتهت انفسهم خالدون» هی واللَّه فاطمه و ذریتها و شیعتها و من اولاهم معروفا ممن لیس هو من شیعتها. [۴۲۰] . ۲- عنه حدثنا سلیمان بن محمد بن ابی‌العطوس معنعنا، عن ابوعباس قال: سمعت علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام یقول: دخل رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم ذات یوم علی فاطمه و هی حزینه، فقال لها: ما یحزنک یا بنیه، قالت: یا بنیه انه لیوم عظیم، ولکن قد اخبرنی جبرئیل عن اللَّه عز و جل انه قال: اول من تنشق عنه الارض یوم القیامه انا و ابی‌ابراهیم، ثم بعلک علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام ثم یبعث اللَّه الیک جبرئیل فی سبعین الف ملک، فیضرب علی قبرک سبع قباب من نور، ثم یاتیک اسرافیل بثلاث حلل من نور، فیقف عند راسک، فینادیک یا فاطمه ابنه محمد صلی اللَّه علیه و آله و سلم قومی الی محشرک امنه روعتک مستوره عورتک. فیناولک اسرافیل الحلل فتلبسینها، یاتیک روفائیل بنجیبه من نور زمامها من لولو رطب علیها محفه من ذهب فترکبینها و یقود روفائیل بزمامها، و بین یدیک سبعون الف ملک بایدیهم الویه التسبیح، فاذا جد بک السیر الستقبلک سبعون الف حوراء [صفحه ۳۰۳] یستبشرون بالنظر الیک، بید کل واحده منهن مجمره من نور. تسطع منها ریح العود من غیرنا و علیهن اکالیل الجوهر مرصع بالزبرجد الاخضر، فیسرن عن یمینک، فاذا مثل الذی سرت من قبرک، الی ان لقیتک، الی ان استقبلتک مریم بنت عمران فی مثلی من معک من الحور، فتسلم علیک و تسیر هی و من معها عن یسارک. ثم تستقبلک امک خدیجه بنت خویلد، اول المومنات باللَّه و برسوله معها سبعون الف ملک، بایدیهم الویه التکبیر، فاذا قربت من الجمع استقبلتک حواء فی سبعین الف حوراء و معها آسیه بنت مزاحم فتسیر هی و من معها معک، فاذا توسطت الجمع و ذلک ان اللَّه یجمع الخلائق فی صعید واحد، فیستوی بهم الاقدام. ثم ینادی مناد من تحت العرش یسمع الخلائق غضوا ابصارکم حتی تجوز فاطمه الصدیقه ابنه محمد صلی اللَّه علیه و آله و سلم و من معها، فلا ینظر الیک یومئذ الا ابراهیم خلیل الرحمن علیه‌السلام، و علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام، و یطلب آدم حواء، فیراهم مع امک خدیجه امامک، ثم ینصب لک منبر من نور، فیه سبع مراق، بین المرقات صفوف الملائکه. بایدیهم الویه النور و تصطف الحور العین عن یمین المنبر و عن یساره و اقرب النساء منک عن یسارک حواء و آسیه بنت مزاحم، [صفحه ۳۰۴] فاذا صرت فی اعلی المنبر اتاک جبرئیل، فقال لک: یا فاطمه سلی حاجتک، فتقولین: یا رب ارنی الحسن و

الحسین علیهماالسلام فیاتیانک و اوداج الحسین علیه‌السلام تشخب دما و هو یقول: رب خذلی الیوم حقی ممن ظلمنی، فیغضب عند ذلک الجلیل و تغضب لغضبه جهنم و الملائکه اجمعون، فتزفر جهنم عند ذلک زفره، ثم یخرج فوج من النار فیلتقط قتله الحسین و ابناءهم و ابناء ابنائهم، و یقولون: یا رب انا لم نحضر الحسین علیه‌السلام، فیقول اللّٰه لزبانیه جهنم خذوهم بسیماهم بزرقه الاعین و سواد الوجوه. خذوا بنواصیهم فالقوهم فی الدرک الاسفل من النار، فانهم کانوا اشد علی اولیاء الحسین علیه‌السلام من آبائهم الذین حاربوا الحسین، فقتلوه، فیسمع شهیقهم فی جهنم ثم یقول جبرئیل یا فاطمه سلی حاجتک فتقولین یا رب شیعتی، فیقول اللّٰه: قد غفرت لهم، فتقولین یا رب شیعه ولدی، فیقول اللّٰه: قد غفرت لهم، فتقولین یا رب شیعه شیعتی فیقول‌اللّٰه انطلقی، فمن اعتصم بک فهو معک فی الجنه. فعند ذلک یود الخلائق انهم کانوا فاطمیین، فتسیرین و معک شیعتک و شیعه ولدک و شیعه امیرالمومنین علیه‌السلام، آمنه روعاتهم، مستوره عوراتهم قد ذهبت عنهم الشدائد و سهلت لهم الموارد، یخاف الناس و هم لا یخافون و یظما الناس و هم لا یظماون، فاذا بلغت باب الجنه تلقتک اثنا عشر الف حوراء. [صفحه ۳۰۵] لم یتلقین احدا قبلک و لا یتلقین احدا بعدک، بایدیهم حراب من نور علی نجائب من نور حبائلها من الذهب الاصفر و الیاقوت، ازمتها من لولو رطب، علی کل نجیبه نمرقه من سندس منضود، فاذا دخلت الجنه تباشرک بک اهلها و وضع لشیعتک موائد من جوهر علی اعمده من نور، فیاکلون منها والناس فی حساب و هم فیما اشتهت انفسهم خالدون. فاذا استقر اولیاءاللّٰه فی الجنه زارک آدم علیه‌السلام و من دونه من النبیین و ان فی بطنان الفردوس لولوتان من عرق واحد، لولوه بیضاء و لولوه صفراء فیها قصور و دور فی کل واحده سبعون الف دار بیضاء منازل لنا ولشیعتنا و الصفراء منازل لابراهیم و آل‌ابراهیم قالت یا ابه فما کنت احب ان اری یومک و لا ابقی بعدک. قال: یا بنیه لقد اخبرنی جبرئیل عن اللّٰه انک اول من یلحقنی من اهل بیتی، فالویل کله لمن ظلمکو الفوز العظیم لمن نصرک. قال عطاء: و کان ابن‌عباس اذ ذکر هذا الحدیث تلا هذه الایه الکریمه: «و الذین آمنوا و اتبعتهم ذریتهم بایمان الحقنا بهم ذریتهم». [۴۲۱] . ۳- الصدوق، حدثنا ابوعلی احمد بن ابی‌جعفر البیهقی، [صفحه ۳۰۶] قال: حدثنا ابوعلی احمد بن علی بن جبرئیل الجرجائی البزاز، قال: حدثنا اسماعیل بن ابی‌عبداللّٰه ابوعمر القطان، قال: حدثنا احمد بن عبداللّٰه بن عامر الطائی ببغداد علی باب صقر السکری عند جسر ابی‌الزنج، قال: حدثنی ابواحمد بن سلیمان الطائی، عن علی بن موسی الرضا علیهماالسلام بالمدینه سنه اربع و تسعین و مائه. قال: حدثنی ابی‌موسی بن جعفر، عن ابیه جعفر بن محمد، عن ابیه محمد بن علی، عن ابیه علی بن الحسین، قال: حدثنی ابی‌الحسین بن علی، قال: حدثنی ابی‌الحسین بن علی، قال: حدثنی ابی‌علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام قال: قال النبی صلی اللّٰه علیه و آله و سلم: تحشر ابنتی فاطمه علیهاالسلام یوم القیامه و معها ثباب مصبوغه بالدماء،: تتعلق بقائمه من قوائم العرش تقول: یا احکم الحاکمین احکم بینی و بین قاتل ولدی، قال علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام قال رسول‌اللّٰه صلی اللّٰه علیه و آله و سلم: و یحکم لا بنتی فاطمه و رب الکعبه. [۴۲۲] . ۴- عنه باسناده قال: قال رسول‌اللّٰه صلی اللّٰه علیه و آله و سلم: تحشر ابنتی فاطمه و علیها حله الکرامه و قد عجنت بماء الحیوان، فینظر الیها الخلایق فیتعجبون منها ثم تکسی ایضا من حلل الجنه الف حله مکتوب علی کل حله بخط اخضر، ادخلوا بنت [صفحه ۳۰۷] محمد الجنه علی احسن صوره و احسن کرامه و احسن منظر، فتزف الی الجنه کما تزف العروس فیوکل بها سبعون الف جاریه. [۴۲۳] . ۵- عنه باسناده قال: قال رسول‌اللّٰه صلی اللّٰه علیه و آله و سلم: اذا کان یوم القیامه نادی مناد یا معشر الخلایق غضوا ابصارکم حتی تجوز فاطمه بنت محمد. [۴۲۴] . ۶- عنه، حدثنی محمد بن علی ما جیلویه رضی‌اللّٰه‌عنه قال: حدثنی محمد بن یحیی العطار، عن محمد بن احمد، عن محمد بن الحسین، عن محمد بن سنان، عن بعض اصحابه، عن ابی‌عبداللّٰه علیه‌السلام، قال: قال رسول‌اللّٰه صلی اللّٰه علیه و آله و سلم: اذا کان یوم القیامه نصب لفاطمه علیهاالسلام قبه من نور، و اقبل الحسین علیه‌السلام راسه علی یده. فاذا راته شهقت شهقه لا یبقی فی الجمع ملک مقرب و لا نبی مرسل و لا عبد مومن الا بکی لها فیمثل اللّٰه عز و جل رجلا لها فی احسن صوره و هو یخاصم قتلته بلا راس، فیجمع اللّٰه قتلته و المجهزین علیه و من شرک فی قتله فیقتلهم حتی اتی علی آخرهم. ثم ینشرون فیقتلهم امیرالمومنین علیه‌السلام ثم ینشرون فیقتلهم الحسن علیه‌السلام، ثم ینشرون فیقتلهم الحسین علیه‌السلام ثم ینشرون فلا یبقی من

ذریتنا احد الا قتلهم [صفحه ۳۰۸] قتله، فعند ذلک یکشف الغیظ و ینسی الحزن، ثم قال ابوعبداللَّه علیه‌السلام رحم‌اللَّه شیعتنا، شیعتنا واللَّه هم المومنون، فقد واللَّه شرکونا فی المصیبه بطول الحزن و الحسره. [۴۲۵] . ۷- عنه‌رحمه‌اللَّه حدثنی محمد بن موسی المتوکل، قال: حدثنی محمد بن یحیی العطار، عن محمد بن احمد، عن یعقوب بن یزید، عن محمد بن منصور، عن رجل، عن شریک یرفعه قال: قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: اذا کان یوم القیامه جاءت فاطمه علیهاالسلام فی لمه من نسائها فیقال لها ادخلی الجنه. فتقول: لا ادخل حتی اعلم ما صنع بولدی من بعدی، فیقال لها: انظری فی قلب القیامه فتنظر الی الحسین علیه‌السلام قائما و لیس علیه راس، فتصرخ صرخه و اصرخنا لصراخها و تصرخ الملائکه لصراخنا، فیغضب اللَّه عز و جل لنا عند ذلک فیامر نارا یقال لها هیهب قد اوقد علیها الف عام حتی اسودت لا یدخلها روح ابدا و لا یخرج منها غم ابدا. فیقال: التقطی قتله الحسین و حمله القرآن، فتلقطهم، فاذا صاروا فی حوصلتها، صهلت و صهلوا بها و شهقت و شهقوا بها و زفرت و زفروا بها، فینطقون بالسنه ذلقه طلقه یا ربنا فیما اوجبت لنا النار قبل عبده الاوثان، فیاتیهم الجواب عن اللَّه تعالی: ان من علم لیس [صفحه ۳۰۹] کمن لا یعلم. [۴۲۶] . ۸- عنه، حدثنی علی بن احمد بن عبداللَّه، عن جده احمد بن ابی‌عبداللَّه، عن ابیه محمد بن خالد باسناده یرفعه الی عنبسه الطائی، عن ابی‌جبیر، عن علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام قال: قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: یمثل لفاطمه علیهاالسلام راس الحسین متشحطا بدمه فتصیح و اولداه و اثمره فواداه. فتصعق الملائکه لصیحه فاطمه علیهاالسلام، و ینادی اهل القیامه: قتل اللَّه قاتل ولدک یا فاطمه، قال: فیقول اللَّه عز و جل ذاک افعل به و بشیعته واحبائه و اتباعه، و ان فاطمه علیهاالسلام فی ذلک الیوم علی نافه من نوق الجنه مدبجه الجبینین واضحه الخدین شهلاء العینین. راسها من الذهب المصفی و اعناقها من المسک و العنبر، خطامها من الزبرجد الاخضر جائلها در مفضض بالجوهر، علی الناقه هودج عشاوتها من نور اللَّه وحشوها من رحمه‌اللَّه، خطامها فرسخ من فراسخ الدنیا، یحف بهودجها سبعون الف ملک بالتسبیح و التمجید، و التهلیل و التکبیر و الثناء علی رب العالمین. ثم ینادی مناد من بطنا العرش: یا اهل القیامه غضوا [صفحه ۳۱۰] ابصارکم فهذه فاطمه بنت محمد رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم، تمر علی الصراط، فتمر فاطمه علیهاالسلام و شیعتها علی الصراط کالبرق الخاطف، قال النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم: و تلقی اعدواها و اعداء ذریتها فی جهنم. [۴۲۷] . ۹- ابوجعفر الطبری الامامی حدثنی ابواسحاق ابراهیم بن احمد الطبری و ابوالحسن محمد بن احمد بن حیران الانباری، قال حدثنا ابوبکر احمد بن کامل بن خلف، قال: حدثنا محمد بن یونس بن موسی القرشی، قال: حدثنا الحسین بن الحسن الفزاری الاشقر، قال: حدثنا قیس بن الربیع، عن سعد بن طریف، عن الاصبغ بن نباته، عن ابی‌ایوب الانصاری. قال: قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: اذا کان یوم القیامه نادی مناد من بطنان العرش یا اهل الجمع: نکسوا روسکم و غضوا ابصارکم حتی تمر فاطمه بنت محمد علی الصراط قال: فتمر و معها سبعون الف جاریه من الحور کالبرق الخاطف. [۴۲۸] . ۱۰- عنه، اخبرنی ابوعبداللَّه محمد بن احمد الصفوانی، قال: حدثنا ابواحمد العزیز بن یحیی الجلودی، قال: حدثنا محمد بن سهل، قال: حدثنا علی بن الحسن بن علی بن جعفر بن محمد، عن اخیه موسی بن [صفحه ۳۱۱] جعفر عن ابیه جعفر بن محمد، عن ابیه، عن جده علی بن الحسین، عن ابیه الحسین بن علی، عن جده علی بن ابی‌طالب علیهم‌السلام عن النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم قال: اذا کان یوم القیامه نادی مناد: یا معشر الخلایق غضوا ابصارکم و نکسوا روسکم حتی تمر فاطمه بنت محمد، فتکون اول من یکسی و تستقبلها من الفردوس اثناعشر الف حوراء و خمسون الف ملک علی نجائب من الیاقوت، اجنحتها و ازمتها اللولو الرطب، رکبها من زبرجد علیها رحل من الدر، علی کل رحل نمرقه من سندس حتی یجوزوا بها الصراط و یاتوا بها الفردوس. فیتباشر بمجیئها اهل الجنان، فتجلس علی کرسی من نور و یجلسون حولها و هی جنه الفردوس التی سقفها عرش الرحمان، و فیها قصران، قصر ابیض و قصر اصفر من لولوه علی عرق واحد، فی القصر الابیض سبعون الف دار، مساکن محمد و آل‌محمد و فی القصر الاصفر سبعون الف دار مساکن ابراهیم و آل‌ابراهیم. ثم یبعث اللَّه ملکا لها لم یبعث لاحد قبلها و لا یبعث لاحد بعدها، فیقول: ان ربک یقرا علیک‌السلام و یقول: سلینی، فتقول: هو السلام و منه السلام، قد اتم علی نعمه و هنانی کرامته و اباحنی جنته و فضلنی علی سائر خلقه، اساله ولدی و ذریتی و من

ودهم بعدی و حفظهم فی. فیوحی اللَّه الی ذلک الملک من غیر ان یزول من مکانه، [صفحه ۳۱۲] اخبرها انی قد شفعتها فی ولدها و ذریتها و من ودهم فیها و حفظهم بعدها، فتقول: الحمداللَّه الذی اذهب عنی الحزن واقر عینی فیقراللَّه بذلک عین محمد. [۴۲۹] . ۱۱- عنه، حدثنی ابوعلی الحسین بن الحسین بن العباس البردانی، قال: حدثنا علی بن حبیب، قال: حدثنا عبداللَّه بن احمد بن عامر، قال: حدثنی علی بن موسی، قال: حدثنی ابی‌موسی بن جعفر، قال: حدثنی ابی‌علی بن الحسین قال: حدثنی ابی‌الحسین بن علی، قال: حدثنی ابی‌علی بن ابی‌طالب علیهم‌السلام. قال: قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: تحشر ابنتی فاطمه علیها حله الکرامه قد عجنت بماو الحیوان، تنظر الیها الخلائق، فیتعجبون منها، ثم تکسی حله من حلل الجنه و هی الف حله مکتوب علی کل حله بخط اخضر: ادخلوا ابنه محمد الجنه علی احسن صوره و احسن کرامه و احسن منظر، فتزف الی الجنه کما تزف العروس، و یوکل بها سبعون الف جاریه. [۴۳۰] . ۱۲- الشیخ المفید حدثنا ابوجعفر محمد بن علی بن موسی، قال: حدثنا ابی، قال: حدثنا علی بن ابراهیم، عن ابیه، عن ابی ابی‌عمیر، عن ابان بن عثمان، عن ابی‌عبداللَّه جعفر بن [صفحه ۳۱۳] محمد علیهماالسلام، قال: اذا کان یوم القیامه جمع‌اللَّه الاولین و الاخرین فی صعید واحد، ثم امر منادیا فنادی، غضوا ابصارکم و نکسوا رووسکم حتی تجوز فاطمه ابنه محمد صلی اللَّه علیه و آله و سلم الصراط. قال: فتغض الخلائق ابصارهم، فتاتی فاطمه علیهاالسلام علی نجیب من نجب الجنه،یشیعها سبعون الف ملک، فتقف موقفا شریفا من مواقف القیامه ثم تنزل عن نجیبها فتاخذ قمیص الحسین بن علی علیهماالسلام بیدها مضمخا بدمه و تقول: یا رب هذا قمیص ولدی و قد علمت ما صنع به. فیاتیها النداء من قبل اللَّه عز و جل یا فاطمه لک عندی الرضا، فتقول: یا رب انتصر لی من قاتله، فیامر اللَّه تعالی عنقا من النار فتخرج من جهنم فتلتقط قتله الحسین بن علی علیهاالسلام کما یلتقط الطیر الحب، ثم یعود العنق بهم الی النار، فیعذبون بانواع العذاب، ثم ترکت فاطمه علیهاالسلام نجیبها حتی تدخل الجنه و معها الملائکه المشیعون لها و ذریتها بین یدیها و اولیاءهم من الناس عن یمینها و شمالها. [۴۳۱] . ۱۳- الفتال النیسابوری باسناده قال: قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: اذا کان یوم القیامه تقبل ابنتی [صفحه ۳۱۴] فاطمه علی ناقه من نوق الجنه مدبجه الجنبین، خطامها من لولو رطب قوائمها من الزمرد الاخضر، دنبها من المسک الاذفر، عیناها یاقوتتان حمراوان، علیها قبه من نور یری ظاهرها من باطنها و باطنها من ظاهرها. داخلها عفواللَّه و خارجها رحمه‌اللَّه، علی راسها تاج من نور، للتاج سبعون رکنا،کل رکن مصرع بالدر و الیاقوت، یضیء کما تضیء الکواکب الدری فی افق السماء، و عن یمینها سبعون الف ملک و عن شمالها سبعون الف ملک، و جبرئیل اخذ بخطام الناقه، ینادی با علی صوته: غضوا ابصارکم حتی تجوز فاطمه بنت محمد صلی اللَّه علیه و آله و سلم. فلا یبقی یومئذ نبی و لا مرسل و لا صدیق و لا شهید، الا غضوا ابصارهم حتی تجوز فاطمه، فتسیر حتی تحاذی عرش ربها تعالی و تزخ بنفسها عن ناقتها و تقول:الهی و سیدی احکم بینی و بین من ظلمنی، اللهم احکم بینی و بین من قتل ولدی، فاذا النداء من قبل اللَّه یا حبیبتی و ابنه حبیبی سلینی تعطی و اشفعی فتشفعی. فرعزتی و جلالی لا اجاز فی ظلم ظالم، فتقول الهی و سیدی، ذریتی و شیعتی و شیعه ذریتی و محبی و محب ذریتی، فاذا النداء من قبل اللَّه تعالی این ذریه فاطمه و شیعتها و محبوها و محبو ذریتها، فیقبلون، و قد احاط بهم ملائکه الرحمن، فتقدمهم فاطمه حتی تدخلهم [صفحه ۳۱۵] الجنه. [۴۳۲] . ۱۴- ابن‌شهر آشوب عن السمعانی فی الرسالفه القوامیه و الزعفرانی فی فضائل الصحابه و الاشنهی فی اعتقاد اهل السنه و العکبری فی الابانه و احمد فی الفضائل و ابن‌الموذن فی الاربعین باسانیدهم عن الشعبی، عن ابی‌جحیفه، و عن ابن‌عباس و الاصبغ، عن ابی‌ایوب و قد روی حفص بن غیاث، عن القزوینی، عن عطاء، عن ابی‌هریره کلهم عن النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم. قال: اذا کان یوم القیامه و وقف الخلائق بین یدی اللَّه تعالی نادی مناد من وراء الحجاب ایها الناس غضوا ابصارکم و نکسوا روسکم، فان فاطمه بنت محمد تجوز علی الصراط و فی حدیث ابی‌ایوب فیمر معها سبعون جاریه من الحور العین کالبرق اللامع. [۴۳۳] . ۱۵- الاربلی باسناده عن علی علیه‌السلام، عن النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم قال: اذا کان یوم القیامه قیل یا اهل الجمع غضوا ابصارکم حتی تمر فاطمه بنت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم و علیها ریطتان خضروان. [۴۳۴] . [صفحه ۳۱۶] ۱۶- عنه، عن ابی‌جعفر علیه‌السلام قال: لفاطمه علیهاالسلام وقفه علی باب جهنم،فاذا کان یوم القیامه کتب بین

عینی کل رجل مومن او کافر فیومر بمحب قد کثرت ذنوبه الی النار، فتقرا فاطمه بین عینیه محبا، فتقول: الهی و سیدی سمیتنی فاطمه و فطمت بی من تولانی و تولی ذریتی من النار، و وعدک الحق و انت لا تخلف المیعاد. فیقول اللَّه عز و جل: صدقت یا فاطمه انی سمیتک فاطمه و فطمت بک من احبک و تولاک و احب ذریتک و تولاهم من النار، و وعدی الحق و انا لا اخلف المیعاد، و انما امرت بعبدی هذا الی النار لتشفع فیه فاشفعک، فیتبین لملائکتی و انبیائی و رسلی و اهل الموقف موقعک منی و مکانک عندی، فمن قرات بین عینیه مومنا او محبا، فخذی بیده و ادخلیه الجنه. [۴۳۵] . ۱۷- عنه، عن الزهری، عن علی بن الحسین علیهماالسلام قال: قال علی بن ابی‌طالب لفاطمه سالت اباک فیما سالت این تلقینه یوم القیامه؟ قالت نعم قال لی: اطلبینی عند الحوض، قلت ان لم اجدک هاهنا قال: تجدینی اذا مستظلا بعرش ربی و لن یستظل به غیری، قالت فاطمه: فقلت یا ابه اهل الدنیا یوم القیامه عراه؟ فقال نعم یا بنیه. [صفحه ۳۱۷] فقلت له: و انا عریانه قال: نعم و انت عریانه و انه لا یلتفت فیه احد الی احد، قالت فاطمه علیهاالسلام فقلت له: و اسواتاه یومئذ من اللَّه عز و جل، فما خرجت حتی قال لی هبط علی جبرئیل الروح الامین علیه‌السلام، فقال لی یا محمد اقرا فاطمه‌السلام و اعلمها انها استحیت من اللَّه تبارک و تعالی. فاستحی اللَّه منها فقد وعدها اللَّه ان یکسوها یوم القیامه حلتین من نور، قال علی علیه‌السلام: فقلت لها فهلا سالتیه عن ابن‌عمک، فقالت: قد فعلت، فقال: ان علیا اکرم علی اللَّه عز و جل من ان یعریه یوم القیامه. [۴۳۶] . ۱۸- عنه باسناده عن ابن‌عباس قال: قالت فاطمه علیهاالسلام للنبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم و هو فی سکرات الموت: یا ابه انا لا اصبر عنک ساعه من الدنیا، فاین المیعاد غدا، قال: اما انک اول اهلی لحوقا بی، و المیعاد علی جسر جهنم، قالت: یا ابه الیس قد حرم‌اللَّه عز و جل جسمک و لحمک علی النار، قال بلی، ولکنی قائم حتی تجوز امتی. قالت: فان لم اراک هناک؟ قال ترینی عند القنطره السابعه من قناطر جهنم استوهب الظالم من المظلوم، قالت: فان لم ارک هناک؟ قال: ترینی فی مقام الشفاعه و انا اشفع لامتی، قالت: فان لم [صفحه ۳۱۸] ارک هناک؟ قال ترینی عند المیزان و انا اسال اللَّه لامتی الخلاص من النار قالت فان لم ارک هناک؟ قال ترینی عند الحوض، حوضی عرضه ما بین ایله الی صنعاء علی حوضی الف غلام بالف کاس کاللولو المنظوم و کالبیض المکنون، من تناول منه شربه فشربها لم یظما بعدها ابدا، فلم یزل یقول لها حتی خرجت الروح من جسده صلی اللَّه علیه و آله و سلم. [۴۳۷] . ۱۹- الحاکم النیسابوری، اخبرنا ابوعبداللَّه محمد بن احمد بن بطه الاصبهانی، حدثنا عبداللَّه بن محمد بن زکریا الاصبهانی، حدثنا اسماعیل بن عمرو البجلی، حدثنا الاجلح بن عبداللَّه الکندی، عن حبیب بن ابی‌ثابت عن عاصم بن ضمره، عن علی رضی‌اللَّه‌عنه قال: اخبرنی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: ان اول من یدخل الجنه انا و فاطمه والحسن و الحسین، قلت: یا رسول‌اللَّه فمحبونا؟ قال: من وراءکم. [۴۳۸] . ۲۰- عنه، اخبرنا احمد بن بالویه العقصی من اصل کتابه، حدثنا محمد بن عثمان بن ابی‌شیبه، حدثنا محمد بن عبداللَّه بن نمیر، حدثنا ابومسلم قائد الاعمش، حدثنا الاعمش، عن سهیل [صفحه ۳۱۹] بن ابی‌صالح، عن ابیه، عن ابی‌هریره قال: قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: تبعث الانبیاء یوم القیامه علی الدواب لیوافوا بالمومنین من قومهم المحشر و یبعث صالح علی ناقه و ابعث علی البراق، خطوها عند اقصی طرفها و تبعث فاطمه امامی. [۴۳۹] . ۲۱- عنه، اخبرنا ابوبکر محمد بن عبداللَّه بن عتاب العبدی ببغداد، و ابوبکر بن ابی‌دارم الحافظ بالکوفه و ابوالعباس محمد بن یعقوب و ابوالحسین بن مانی بالکوفه و الحسن بن یعقوب العدل قالوا: حدثنا ابراهیم بن عبداللَّه العبسی، حدثنا العباس بن ولید بن بکار الضبی، حدثنا خالد بن عبداللَّه الواسطی عن بیان، عن الشعبی، عن ابی‌جحیفه. عن علی علیه‌السلام قال: سمعت النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم یقول: اذا کان یوم القیامه نادی مناد من وراء الحجاب: یا اهل الجمع غضوا ابصارکم عن فاطمه بنت محمد صلی اللَّه علیه و آله و سلم حتی تمر. [۴۴۰] . ۲۲- عنه، حدثنا ابوالفضل الحسن بن یعقوب العدل، و ابوبکر محمد بن عبداللَّه بن عتاب و ابوبکر بن ابی‌دارم الحافظ، قالوا: حدثنا ابراهیم بن عبداللَّه العبسی، حدثنا العباس بن الولید بن بکار الضبی، حدثنا خالد الواسطی، و اخبرنی ابوبکر احمد بن [صفحه ۳۲۰] جعفر بن حمدان، حدثنا ابراهیم بن عبداللَّه بن مسلم البصری، حدثنا عبدلحمید بن بحر، حدثنا خالد بن عبداللَّه، عن بیان، عن الشعبی، عن ابی‌جحیفه، عن علی رضی‌اللَّه‌عنه قال: قال النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم: اذا کان یوم القیامه قیل: یا اهل

الجمع غضوا ابصارکم و تمر فاطمه بنت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم، فتمر و علیها ریطتان خضر اوان قال ابومسلم قال لی قلابه و کان معنا عند عبدالحمید انه قال: حمراوان. هذا حدیث صحیح الاسناد و لم یخرجاه. [۴۴۱] . ۲۳- الحافظ الهیثمی باسناده، عن ابی‌موسی الاشعری قال: قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: انا و علی و فاطمه و الحسن و الحسین یوم القیامه فی قبه تحت العرش. [۴۴۲] . ۲۴- عنه باسناده عن علی، عن النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم، قال: انا و علی و فاطمه و حسن و حسین مجتمعون و من احبنا یوم القیامه، ناکل و نشرب حتی یفرق بین العباد، فبلغ ذلک رجلا من الناس، فسالت عنه فاخبر به فقال: کیف بالعرض و الحساب، فقلت له کیف لصاحب یسن بذلک حین ادخل الجنه من ساعته. [۴۴۳] . [صفحه ۳۲۱]

انها حوراء انسیة

۱- الصدوق باسناده قال النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم: لما عرج بی الی السماء اخذ بیدی جبرئیل علیه‌السلام: فادخلنی الجنه، فناولنی من رطبها، فاکلته، فتحول ذلک نطفه فی صلبی، فلما هبطت الی الارض واقعت خدیجه، فحملت بفاطمه علیهاالسلام، ففاطمه حوراء انسیه، فکلما اشتقت الی رائحه الجنه شممت رائحه ابنتی فاطمه علیهاالسلام. [۴۴۴] . ۲- عنه، حدثنا محمد بن موسی المتوکل رضی‌اللّه‌عنه قال: حدثنا عبداللَّه بن جعفر الحمیری، عن یعقوب بن یزید، قال: حدثنا الحسن بن علی بن فضال، عن عبدالرحمن بن الحجاج، عن سدیر الصیرفی، عن الصادق جعفر بن محمد، عن ابیه عن جده علیهم‌السلام قال: قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: خلق نور فاطمه علیهاالسلام قبل ان تخلق الارض و السماء. فقال بعض الناس: یا نبی‌اللَّه فلیست هی حوراء انسیه؟ [صفحه ۳۲۲] فقال صلی اللَّه علیه و آله و سلم: فاطمه حوراء انسیه، قالوا: یا نبی‌اللَّه و کیف هی حوراء انسیه؟ قال خلقها اللَّه عز و جل من نوره قبل ان یخلق آدم اذ کانت الارواح، فلما خلق‌اللَّه عز و جل آدم عرضت علی آدم، قیل یا نبی‌اللَّه و این کانت فاطمه؟ قال: کانت فی حقه تحت ساق العرش. قالوا یا نبی‌اللَّه فما کان طعامها؟ قال: التسبیح و التهلیل و التحمید، فلما خلق اللَّه عز و جل آدم و اخرجنی من صلبه احب‌اللَّه عز و جل ان یخرجها من صلبی، جعلها تفاحه فی الجنه و اتانی بها جبرئیل علیه‌السلام، فقال لی: السلام‌علیک و رحمه‌اللَّه و برکاته یا محمد قلت: و علیک‌السلام و رحمه‌اللَّه حبیبی جبرئیل. فقال یا محمد ان ربک یقرئک السلام، قلت منه السلام والیه یعود السلام قال: یا محمد ان هذه تفاحه اهداها اللَّه عز و جل الیک من الجنه، فاخذتها وضممتها الی صدری، قال: یا محمد یقول اللَّه جل جلاله: کلها، ففلقتها فرایت نورا ساطعا ففزعت منه، فقال: یا محمد ما لک لا تاکل. کلها و لا تخف فان ذلک النور المنصوره فی السماء و هی فی الارض فاطمه، قلت حبیبی جبرئیل و لم سمیت فی السماء «المنصوره» و فی الارض «فاطمه» قال: سمیت فی الارض «فاطمه» لانها فطمت شیعتها من النار و فطم اعداوها عن حبها و هی فی السماء «المنصوره» و ذلک قول اللَّه عز و جل «یومئذ یفرح المومنون [صفحه ۳۲۳] بنصراللَّه ینصر من یشاء» یعنی نصر فاطمه لمحبیها. [۴۴۵] . ۳- ابوجعفر الطبری الامامی اخبرنی ابوعبداللَّه الحسین بن ابراهیم القمی، قال:اخبرنی ابوالحسن علی بن محمد بن جعفر العسکری، قال: حدثنی صعصعه بن سیاب بن ناجیه ابومحمد، قال: حدثنا زید بن موسی، قال: حدثنا ابوه موسی، عن ابیه جعفر، عن ابیه محمد، عن عمه زید بن علی، عن ابیه، عن سکینه و زینب ابنتی علی، عن علی، قال: قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: ان فاطمه خلقت حوریه فی صوره انسیه و ان بنات الانبیاء لا یحضن. [۴۴۶] .

انها سیده النساء

۱- الصدوق، حدثنا احمد بن زیاد بن جعفر الهمدانی رحمه‌اللَّه علیه قال: حدثنا علی بن ابراهیم بن هاشم، عن ابیه، عن محمد بن سنان، عن المفضل بن عمر، قال: قلت لابی عبداللَّه علیه‌السلام اخبرنی عن قول رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم فی فاطمه «انها سیده نساء العالمین» اهی سیده نساء عالمها؟ [صفحه ۳۲۴] فقال ذاک لمریک کانت سیده نساء عالمها و فاطمه سیده نساء العالمین

من الاولین و الاخرین. [۴۴۷] . ۲- عنه، حدثنا احمد بن الحسن القطان، قال: حدثنا الحسن بن علی السکری، عن محمد بن زکریا الجوهری، قال: حدثنا شعیب بن واقد، قال: حدثنی اسحاق بن جعفر بن محمد بن عیسی بن زید بن علی قال: سمعت اباعبدالله علیه‌السلام یقول: انما سمیت فاطمه علیهاالسلام محدثه لان الملائکه کانت تهبط من السماء فتنادیها کما تنادی مریم بنت عمران. فتقول یا فاطمه ان اللّه اصطفاک و طهرک و اصطفاک علی نساءالعالمین، یا فاطمه اقنتی لربک و اسجدی و ارکعی مع الراکعین، فتحدثهم و یحدثونها، فقالت لهم ذات لیله الیست المفضله علی نساء العالمین مریم بنت عمران، فقالوا ان مریم کانت سیده نساء عالمها و ان اللّه عز و جل جعلک سیده نساء عالمک و عالمها و سیده نساء الاولین و الاخرین. [۴۴۸] . ۳- الشیخ المفید محمد بن النعمان فی حدیث الیهودی عن النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم فقال النبی للیهودی: ان اول ما فی التوراه مکتوب محمد رسول‌اللّه و هی مما اساطه [۴۴۹] . ثم صار قائما، ثم [صفحه ۳۲۵] تلا هذه الایه: «یجدونه مکتوبا عندهم فی التوراه و الانجیل»، «و مبشرا برسول یاتی من بعدی اسمه احمد» و اما الثانی و الثالث و الرابع، فعلی و فاطمه و سبطیهما و هی سیده نساء العالمین، فی التوراه ایلیا، و شبر و شبیرا و هلیون، یعنی فاطمه و الحسن و الحسین. [۴۵۰] . ۴- روی ایضا فی حدیث طویل عن الامام الکاظم علیه‌السلام انه قال: نحن مکتوبون علی عرش ربنا، مکتوبون محمد خیر النبیین و علی سید الوصیین و فاطمه سیده نساء العالمین. [۴۵۱] . ۵- عنه، اخبرنی ابوحفص عمر بن محمد الصیرفی، قال: اخبرنا محمد بن ادریس، قال: حدثنا الحسن بن عطیه، قال: حدثنا رجل یقال له اسرائیل، عن میسره بن حبیب عن المنهال، عن زر بن حبیش، عن حذیفه قال: قال لی النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم: اما رایت الشخص الذی اعترض لی، قلت بلی یا رسول‌اللّه قال: ذاک ملک لم یهبط قط الی الارض قبل الساعه، استاذن اللّه عز و جل فی السلام علی علی، فاذن له فسلم علیه، و بشرنی ان الحسن و الحسین سیدا شباب اهل الجنه و ان فاطمه سیده نساء اهل الجنه. [۴۵۲] . [صفحه ۳۲۶] ۶- عنه‌رحمه‌اللّه، اخبرنی ابوالحسن علی بن بلال المهلبی، قال: حدثنا علی بن عبداللّه الاصفهانی، قال: حدثنا ابراهیم بن محمد الثقفی، قال: اخبرنی محمد بن علی، قال: حدثنا ابراهیم بن هراسه، قال: حدثنا جعفر بن زیاد الاحمر، عن زید بن علی بن الحسین علیهماالسلام. قال قرا «و اما الجدار فکان لغلامین یتیمین فی المدینه و کان تحته کنز لهما و کان ابوهما صالحا، فاراد ربک ان یبلغا اشدهما و یستخرجا کنزهما» ثم قال: حفظهما ربهما لصلاح ابیهما فمن اولی بحسن الحفظ منا؟ رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم جدنا و ابنته سیده نساء الجنه امنا و اول من آمن باللّه و وحده و صلی ابونا. [۴۵۳] . ۷- ابوپیجعفر الطوسی، عن ابی‌العباس، قال: حدثنا ابوالفضل بن یوسف الجعفی، قال: حدثنا محمد بن عکاشه، قال: حدثنا ابوالمعزی حمید بن المثنی، عن یحیی بن طلحه النهدی، عن ایوب بن الحر، عن ابی‌اسحاق السبیعی، عن الحارث، عن علی صلوات اللّه علیه قال: ان فاطمه شکت الی رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم فقال: الا ترضین انی زوجتک اقدم امتی سلما و احلمهم حلما واکثرهم علما، اما ترضین ان تکونی سیده نساء اهل الجنه الا ما جعل‌اللّه [صفحه ۳۲۷] لمریم بنت عمران و ان ابنیک سیدا شباب اهل الجنه. [۴۵۴] . ۸- عنه، فی حدیث طویل عن علی عن النبی صلوات اللّه علیهما قال: یا علی ان اللّه اشرف علی الدنیا فاختارنی علی رجال العالمین، ثم اطلع الثانیه فاختارک علی رجال العالمین، ثم اطلع الثالثه فاختار فاطمه علی نساء العالمین، ثم اطلع الرابعه فاختار الحسن و الحسین و الائمه من ولدهما علی رجال العالمین. [۴۵۵] . ۹- الطبرسی، عن ابی‌اسحاق الثقفی باسناده، عن حکیم بن جبیر، عن الهجری، عن عمه قال: سمعت علیا علیه‌السلام یقول: لاقولن قولا لم یقله احد الا کذاب انا عبداللّه و اخو رسوله و صنو نبی الرحمه و تزوجت سیده نساء الامه و انا خیر الوصیین. [۴۵۶] . ۱۰- روی البخاری فی صحیحه ان رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم قال: فاطمه سیده نساء اهل الجنه. [۴۵۷] . ۱۱- الحافظ، ابونعیم حدثنا ابوحامد بن جبله، حدثنا محمد بن اسحاق، حدثنا محمد بن الصباح، حدثنا علی بن هاشم، عن کثیر النواء، عن عمران بن حصین ان النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم قال: الا تنطلق بنا نعود فاطمه فانها تشتکی؟ قلت: بلی قال: فانطلقنا حتی اذا انتهینا الی بابها فسلم [صفحه ۳۲۸] و استاذن، فقال: ادخل انا و من معی؟ قالت: نعم و من معک یا ابتاه فواللّه ما علی الا عباءه، فقال لها: اصنعی بها کذا و اصنعی بها کذا، فعلمها کیف تستتر،فقالت: واللّه ما علی راسی من خمار، قال: فاخذ خلق ملاءه کانت علیه، فقال: اختمری

بها، ثم اذنت لهما فدخلا. فقال: کیف تجدینک یا بنیه؟ قالت: انی لوجعه و انه لیزید فی انه ما لی طعام آکله قال: یا بنیه اما ترضین انک سیده نساء العالمین، قال فقالت: یا ابت فاین مریم ابنه عمران؟ قال: تلک سیده نساء عالمها، و انت سیده نساء عالمک. [۴۵۸] . ۱۲- عنه، حدثنا محمد بن احمد، حدثنا عبدالرحمن بن عبدالله بن محمد المقری، حدثنا احمد بن یحیی الصوفی الکوفی، حدثنا اسماعیل بن ابان الوراق، حدثنا ناصح ابو عبدالله، عن سماک، عن جابر بن سمره، قال: جاء نبی الله صلی الله علیه و آله و سلم فجلس فقال: ان فاطمه وجعه، فقال القوم: لو عدناها؟ فقام فمشی حتی انتهی الی الباب- و الباب علیها مصفق. قال: فنادی شدی علیک ثیابک، فان القوم جاءوا یعودونک، فقالت: یا نبی‌الله ما علی عباءه، قال: فاخذ رداءه، فرمی به الیها من وراء الباب، فقال: شدی بهذا راسک فدخل و دخل القوم، فقعد ساعه، فخرجوا، فقال القوم: تالله بنت صلی الله علیه و آله و سلم [صفحه ۳۲۹] و سلم علی هذا الحال؟ قال: فالتفت فقال: اما انها سیده نساء یوم القیامه. [۴۵۹] . ۱۳- الحاکم النیسابوری حدثنا ابوالعباس محمد بن یعقوب، حدثنا الحسن بن علی بن عفان العامری، حدثنا اسحاق بن منصور السلولی، حدثنا اسرائیل، عن میسره بن حبیب، عن المنهال بن عمرو، عن زید بن حبیش، عن حذیفه رضی‌اللّه‌عنه قال: قال رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم: نزل ملک من السماء، فاستاذن الله ان یسلم علی لم ینزل قبلها، فبشرنی ان فاطمه سیده نساء اهل الجنه. [۴۶۰] ۱۴- عنه، حدثنا ابوجعفر محمد بن علی بن دحیم الصائغ بالکوفه، حدثنا محمد بن الحسین بن ابی الحسین، حدثنا علی بن ثابت الدیان، حدثنا منصور بن ابی‌الاسود،عن عبدالرحمن بن ابی‌نعیم، عن ابی‌سعید الخدری رضی‌اللّه‌عنه، قال: قال رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم: فاطمه سیده نساء اهل الجنه، الا ما کان من مریم بنت عمران. [۴۶۱] . [صفحه ۳۳۰]

انها الزهره

۱- الصدوق حدثنا ابوالحسن محمد بن عمرو بن علی بن عبدالله البصری، قال: حدثنا ابوبکر عبدالله بن علی الکرخی، قال: حدثنا ابوبکر محمد بن عبدالله، قال: حدثنا ابی، قال: حدثنا عبدالرزاق الصنعانی، قال: حدثنا معمر، عن الزهری، عن انس بن مالک، قال: صلی الله علیه و آله و سلم صلاه الفجر. فلما انفتل من صلاته اقبل علینا بوجهه الکریم علی الله عز و جل ثم قال: معاشر الناس من افتقد الشمس، فلیستمسک بالقمر، و من افتقد القمر فلیستمسک بالزهره فمن افتقد الزهره فلیستمسک بالفرقدین، ثم قال رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم: انا الشمس و علی القمر و فاطمه الزهره، و الحسن و الحسین الفرقدان، و کتاب الله لا یفترقا حتی یردا علی الحوض. [۴۶۲] . ۲- عنه، حدثنا ابوالحسن محمد بن عمرو البصری، قال: حدثنا ابوالقاسم نصر بن الحسین الصفار النهاوندی بها، قال: [صفحه ۳۳۱] حدثنا ابوالفرج احمد بن محمد بن خوزی السامری، قال: حدثنا ابوبکر القاسم بن ابراهیم القنطری، قال: حدثنا ابراهیم بن خالد الحلوانی، قال: حدثنا محمد بن خلف العسقلانی، قال: حدثنا محمد بن السری، عن محمد بن المنکدر، عن جابر بن عبدالله قال: قال رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم: اقتدوا بالشمس، فاذا غابت الشمس فاقتدوا بالقمر، فاذا غاب القمر فاقتدوا بالزهره، فاذا غابت الزهره فاقتدوا بالفرقدین فقالوا: یا رسول‌الله فما الشمس؟ و ما القمر؟ و ما الزهره؟ و ما الفرقدان؟، فقال: انا الشمس و علی القمر، و الزهره فاطمه، و القرقدان الحسن و الحسین علیهم‌السلام. [۴۶۳] .

انها ترزق من عندالله

۱- ابوجعفر الطبری الامامی، حدثنا ابوالمفضل محمد بن عبدالله، قال: حدثنا عبدالرزاق بن سلیمان الازدی باریاح، قال: حدثنا ابوعبدالغنی الحسن بن عباس الازدی المعانی بمعان، قال: حدثنا عبدالوهاب بن همام الخیبری، قال: حدثنا جعفر بن سلیمان [صفحه ۳۳۲] الضبعی البصری قدم علینا الیمین، قال: حدثنا ابوهارون العبدی، عن ربیعه السعدی، قال: حدثنی حذیقه بن الیمان. قال: لما خرج جعفر بن ابی‌طالب من ارض الحبشه الی النبی صلی الله علیه و آله و سلم ارسل معه النجاشی قدحا من غالیه و قطیفه منسوجه

بالذهب هدیه الی النبی، فلما قدم جعفر و النبی فی خیبر، اتاه جعفر بالهدیه القدح و القطیفه، فقال النبی: لا دفعن هذه القطیفه الی رجل یحب‌اللَّه و رسوله و یحبه‌اللَّه و رسوله. فمد اصحاب النبی اعناقهم الیها، فقال النبی این علی؟ فلما جاءه قال: یا علی خذ هذه القطیفه الیک، فاخذها و امهل حتی اذا قدم المدینه، انطلق الی البقیع و هو سوق المدینه، فامر صائغا ففصل القطیفه سلکا سلکا، فباع الذهب و کان الف مثقال و فرقه علی فقراء المهاجرین و الانصار، و رجع الی منزله و لم یبق له من الذهب شیء لا قلیل و فلا کثیر. فلقیه النبی فی نفر من اصحابه، فیهم حذیفه و عمار، فقال: یا علی انک اخذت بالامس الف مثقال، فاجعل غدای الیوم و اصحابی عندک و لم یکن علی یومئذ یرجع الی شیء من العروض من الذهب و الفضه، فقال حیاءا و کرما نعم یا رسول‌اللَّه ادخل انت و اصحابک علی الرحب و السعه، فدخل النبی و من معه. قال حذیفه: و کنا خمسه نفر انا و عمار و سلمان و ابوذر و المقداد قال: فدخل علی علی فاطمه یلتمس عندها زاد، فوجد فی وسط [صفحه ۳۳۳] البیت جفنه من ثرید تفور و علیها عراق کثیر، و کان رائحتها المسک، فحملها علی و وضعها بین یدی النبی و من حضر، فاکلنا حتی شبعنا و لم ینقص منها شیء. فنام النبی و دخل علی فاطمه، فقال: انی لک هذا الطعام یا فاطمه، فاجابت و نحن نسمع: هو من عنداللَّه ان اللَّه یرزق من یشاء بغیر حساب، فخرج النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم الینا مستبشرا و هو یقول: الحمدللَّه الذی لم یمتنی حتی رایت لابنتی فاطمه ما رای زکریا لمریم، کان اذا دخل علیها المحراب وجد عندها رزقا، فیقول لها یا مریم انی لک هذا فتقول هو من عنداللَّه ان اللَّه یرزق من یشاء بغیر حساب. [۴۶۴] .

انها بضعه من الرسول

۱- ابوعبداللَّه المفید، اخبرنی ابوالحسن علی بن خالد المراغی، قال: حدثنا ابوالقاسم الحسن بن علی بن الحسن الکوفی، قال: حدثنا جعفر بن محمد بن مروان الغزال، قال: حدثنا ابی، قال: حدثنا عبداللَّه بن الحسن الاحمسی، قال: حدثنا خالد بن عبداللَّه، [صفحه ۳۳۴] عن یزید بن ابی‌زیاد، عن عبداللَّه بن الحارث بن نوفل: قال: سمعت سعد بن مالک یعنی ابن ابی‌وقاص یقول: سعمت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم یقول: فاطمه بضعه منی، من سرها فقد سرنی و من ساءها فقد ساءنی فاطمه اعز البریه علی. [۴۶۵] . ۲- الفتال النیسابوری مرسلا فی حدیث عن النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم یا علی ان فاطمه بضعه منی و هی نور عینی و ثمره فوادی یسوءنی ما ساءها و یسرنی ما یسرها و انها اول من یلحقنی من اهل بیتی فاحسن الیها. [۴۶۶] . ۳- ابن‌شهر آشوب عن عامر الشعبی و الحسن البصری و سفیان الثوری و مجاهد و ابن‌جبیر و جابر الانصاری و محمد الباقر و جعفر الصادق علیهماالسلام عن النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم انه قال: انما فاطمه بضعه منی فمن اغضبها فقد اغضبنی. [۴۶۷] . ۴- علی بن عیسی الاربلی و روی عن مجاهد قال النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم: و هو اخذ بید فاطمه علیهاالسلام، فقال: من عرف هذه فقد عرفها و من لم یعرفها فهی فاطمه بنت محمد و هی بضعه منی و هی قلبی و روحی التی بین جنبی، فمن آذاها [صفحه ۳۳۵] فقد آذانی و من آذانی فقد آذی اللَّه. [۴۶۸] . ۵- عنه، روی عن علی علیه‌السلام قال: کنا عند رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم، فقال: اخبرنی ای شیء خیر للنساء؟ فعیینا بذلک کلنا حتی تفرقنا، فرجعت الی فاطمه علیهاالسلام فاخبرتها الذی قال لنا رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم و لیس احد منا علمه و لا عرفه. فقالت: ولکنی اعرفه، خیر للنساء ان لا یرید الرجال و لا یراهن الرجال، فرجعت الی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم، فقلت: یا رسول‌اللَّه سالتنا ای شیء خیر للنساء و خیر لهن ان لا یرین الرجال و لا یراهن الرجال، قال: من اخبرک فلم تعلمه و انت عندی؟ قلت فطامه فاعجب ذلک رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم و قال: ان فاطمه بضعه منی. [۴۶۹] . ۶- محمد بن اسماعیل البخاری، حدثنا ابوالولید، حدثنا ابن‌عیینه، عن عمرو بن دینار، عن ابن ابی‌ملیکه، عن المسور بن مخرمه ان رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم قال: فاطمه بضعه منی، فمن اغضبها اغضبنی. [۴۷۰] . ۷- مسلم بن حجاج النیسابوری، حدثنی ابومعمر [صفحه ۳۳۶] اسماعیل بن ابراهیم الهذلی، حدثنا سفیان، عن عمرو، عن ابن ابی‌ملیکه، عن المسور بن مخرمه قال: قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم انما فاطمه بضعه منی یوذینی ما آذاها. [۴۷۱] . ۸- الحافظ ابونعیم، حدثنا محمد بن احمد بن الحسن، حدثنا محمد بن

عثمان بن ابی‌شیبه، حدثنا احمد بن یونس، حدثنا اللیث بن سعد انه سمع ابن ابی‌ملیکه یقول انه سمع المسور بن مخرمه یقول: انه سمع رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم یقول: انما فاطمه ابنتی بضعه منی، یریبنی ما ارابها و یوذینی ما آذاها. [۴۷۲] . ۹- عنه، حدثنا عبداللَّه بن محمد بن عثمان الواسطی، حدثنا یعقوب بن ابراهیم بن عباد بن العوام، حدثنا عمرو بن عون، حدثنا هشیم، حدثنا یونس، عن الحسن، عن انس قال: قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: ما خیر للنساء؟ فلم ندر ما نقول. فسار علی الی فاطمه فاخبرها بذلک، فقالت: فهلا قلت له خیر لهن ان لا یرین الرجال و لا یرونهن، فرجع فاخبره بذلک فقال له: من عملک هذا قال فاطمه قال: انها بضعه منی. [۴۷۳] . ۱۰- ابن‌المغازلی اخبرنا ابوالحسن احمد بن المظفر بن احمد العطار، اخبرنا ابومحمد عبداللَّه بن محمد بن عثمان المزنی الملقب بابن السقاء الحافظ، اخبرنا محمد بن محمد بن الاشعث، [صفحه ۳۳۷] قال: حدثنی موسی بن اسماعیل، حدثنا ابی، عن جده جعفر بن محمد، عن ابیه، عن جده علی بن الحسین، عن ابیه، عن جده علی علیهم‌السلام. ان فاطمه بنت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم استاذن علیها اعمی فحجبته،فقال لها النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم لم حجبتیه و هو لا یراک، فقالت یا رسول‌اللَّه ان لم یکن یرانی فانا اراه و هو یشم الریح، فقال النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم: اشهد انک بضعه منی. [۴۷۴] . ۱۱- عنه باسناده عن جعفر بن محمد، عن ابیه، ان فاطمه بنت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم دخل علیها علی علیهماالسلام و به کابه شدیده، فقالت: ما هذه الکابه؟ فقال: سالنا رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم مساله لم یکن عندنا لها جواب، فقالت: ما المسئله؟ قال سالنا عن المراه ما هی؟ قلنا عوره قال: فمتی تکون ادنی من ربها؟ فلم ندر ما نقول، قالت: ارجع الیه فاعلمه ان ادنی ما تکون من ربها ان تلزم قعر بیتها، فانطلق فاخبر النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم فقال: ماذا مت تلقاء نفسک یا علی فاخبره ان فاطمه اخبرته، فقال صلی اللَّه علیه و آله و سلم: صدقت ان فاطمه بضعه منی. [۴۷۵] . [صفحه ۳۳۸]

انها محدثه

۱- الصدوق حدثنا احمد بن الحسن القطان، قال: حدثنا الحسن بن علی السکری، عن محمد بن زکریا الجوهری، قال: حدثنا شعیب بن واقد، قال: حدثنی اسحق بن جعفر بن محمد بن عیسی بن زید بن علی قال: سمعت اباعبداللَّه علیه‌السلام یقول: انما سمیت فاطمه علیهاالسلام محدثه لان الملائکه تهبط من السماء فتنادیها کما تنادی مریم بنت عمران. فتقول یا فاطمه: ان اللَّه اصطفاک و طهرک و اصطفاک علی نساء العالمین، یا فاطمه اقنتی لربک و اسجدی و ارکعی مع الراکعین، فتحدثهم، و یحدثونها، فقالت لهم ذات لیله: الیست المفضله علی نساء العالمین مریم بنت عمران، فقالوا: ان مریم کانت سیده نساء عالمها و ان اللَّه عز و جل جعلک سیده نساء عالمک و عالمها و سیده نساء الاولین و الاخرین. [۴۷۶] . [صفحه ۳۳۹]

انها خیر النساء

۱- ابن‌شهر آشوب عن کتاب ابی‌بکر الشیرازی و روی ابوالهذیل عن مقاتل، عن محمد بن الحنفیه، عن ابیه ان رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم قرا ان اللَّه اصطفیک و طهرک، فقال: یا علی خیر نساء العالمین اربع مریم بنت عمران، و خدیجه بنت خویلد، و فاطمه بنت محمد، و آسیه بنت مزاحم. [۴۷۷] . ۲- علی بن عیسی الاربلی مرفوعا الی قتاده عن انس قال: قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: فاطمه خیر نساء اهل الجنه الا ما کان من مریم بنت عمران. [۴۷۸] . ۳- عنه باسناده عن ابی‌سعید الخدری، قال: قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: فاطمه خیر نساء اهل الجنه الا ما کان من مریم بنت عمران. [۴۷۹] . ۴- عنه باسناده عن الاصبغ بن نباته قال: سمعت امیر [صفحه ۳۴۰] المومنین علیه‌السلام یقول واللَّه لاتکلمن بکلام لایتکلم به غیری الا کذاب، ورثت نبی الرحمه و زوجنی خیر نساء الامه و انا خیر الوصیین. [۴۸۰] . ۵- فی نهج‌البلاغه فی کتاب له علیه‌السلام الی معاویه: منا النبی و منکم المکذب، و منا اسداللَّه و منکم اسد الاحلاف و منا سیدا شباب اهل الجنه و منکم صبیه النار، و منا خیر نساء العالمین و منکم حماله

الحطب. [۴۸۱] . ۶- ابراهیم بن محمد الجوینی، اخبرنی الشیخ الامام مجد الدین عبداللّه بن محمد اذنا، قال ابنانا الشیخ ابن‌محمد عبدالمجیب بن ابی‌القاسم بن زهیر الحرثی اجازه، قال: اخبرنا الحافظ ابوالفضل محمد بن ناصر السلامی، انبانا محمد بن عبدالمنعم بن ماشده. قال: انبانا الصاحب السعید نظام الملک الحسن بن علی بن اسحاق الطوسی اجازه بجمیع مسموعاته فی ذی القعده سنه اربع و عشرین و خمس مائه قال: اخبرنا الشیخ ابوعلی الحسن بن احمد الحداد و الشیخ القفیه ابوالفضل احمد بن احمد بن الحسن الحداد سماعا علیهما فی ذی القعده سنه ست و اربعین و اربعمائه. قال اخبرنا الحافظ ابونعیم احمد بن عبداللّه بن احمد [صفحه ۳۴۱] الاصبهانی، قال: انبانا عمر بن احمد، قال: حدثنا احمد بن محمد بن یزید الزعفرانی، قال: انبانا ابویوسف بن یعقوب بن دینار و کتبه عن عثمان ابن ابی‌شیبه، انبانا منبه بن عثمان، قاغل: انبانا اسماعیل بن عیاش، قال: سمعت یحیی بن عبداللّه، یحدث عن ابیه، قال: سمعت اباهریره: قال: لما اسری بالنبی صلی اللّه علیه و آله و سلم، ثم هبط الی الارض، مضی لذلک زمان، ثم ان فاطمه علیهاالسلام اتت النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم فقالت: بابی انت و امی یا رسول‌اللّه ما الذی رایت لی؟ فقال لی: یا فاطمه انت خیر نساء البریه و سیده نساء اهل الجنه، و قالت: فما لعلی؟ قال: رجل من اهل الجنه، قالت یا ابه فما للحسن و الحسین؟ فقال: هما سیدا شباب اهل الجنه؟. [۴۸۲] .

انها احد البکائین

۱- الصدوق، حدثنا محمد بن الحسن بن احمد بن الولید رضی‌اللّه‌عنه قال: حدثنا محمد بن الحسن الصفار، قال: حدثنی العباس بن معروف، عن محمد بن سهل البحرانی یرفعه الی [صفحه ۳۴۲] ابی‌عبداللّه علیه‌السلام قال: البکاوون خمسه: آدم، یعقوب، یوسف فاطمه بنت محمد و علی بن الحسین علیهم‌السلام. فاما آدم، فبکی علی الجنه حتی صادر فی خدیه امثال الاودیه، و اما یعقوب فبکی علی یوسف حتی ذهب بصره، و حتی قیل له: «تا للّه تفتو تذکر یوسف حتی تکون حرضا او تکون من الهالکین» و اما یوسف فبکی علی یعقوب حتی تاذی به اهل السجن، فقالوا له: اما ان تبکی اللیل و تسکت بالنهار و اما ان تبکی النهار و تسکت باللیل، فصالحهم علی واحد منها. اما فاطمه فبکت علی رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم حتی تاذی بها اهل المدینه، فقالوا لها: قد آذیتنا بکثره بکائک، فکانت تخرج الی المقابر- مقابر الشهداء- فتبکی حتی تقضی حاجتها ثم تنصرف، و اما علی بن الحسین فبکی علی الحسین علیه‌السلام عشرین سنه او اربعین سنه. ما وضع بین یدیه طعام الا بکی حتی قال له مولی له: جعلت فداک یا ابن‌رسول‌اللّه انی اخاف علیک ان تکون من الهالکین، قال: انما اشکو بثی و حزنی الی اللّه واعلم من اللّه مالا تعلمون انی ما اذکر مصرع بنی فاطمه الا خنقتنی لذلک عبره. [۴۸۳] . ۲- قال الشیخ ابوجعفر الطوسی رضوان‌اللّه‌علیه: هذا [صفحه ۳۴۳] حدیث وجدته بخط بعض المشائخ رحمهم‌اللّه ذکر انه وجده فی کتاب لا بی غانم المعلم الاعرج و کان مسکنه بباب الشعیر، وجد بخطه علی ظهر کتاب له حین مات و هو ان عائشه بنت طلحه دخلت علی فاطمه علیهاالسلام فراتها باکیه، فقالت لها: بابی انت و امی ما الذی یبکیک؟ فقالت لها صلوات اللّه علیها، اسائلن عن هنه حلق بها الطائر و حفی بها لسائر و رفع الی السماء امرا و رزئت فی الارض خیرا، ان تخیف تیم و احیوک عدی، جازیا ابا الحسن فی السابق، حتی اذا تقربا بالخناق، اسرا له الشنئان وطویاه الا الاعلان. فلما خبا نورالدین و قبض النبی الامین نطقا بفور هما و نفثا بسورهما و ادلی بفدک فیا لها لمن ملک، تلک انها عطیه الرب الاعلی للنجی الاوفی و لقد نحلنیها للطبیه السواغب من نجله و نسلی، و انها لیعلم اللّه و شهاده امینه، فان انتزعا منی البلغه و منعانی اللمظه و احتسبتهما یوم الحشر زلفه و لیجدنها آکلوها ساعره حمیم فی لظی جحیم. [۴۸۴] . ۳- قال ابن‌شهر آشوب: و راس البکائین ثمانیه: آدم، نوح، یعقوب، یوسف، شعیب، داوود، فاطمه و زین العابدین علیهم‌السلام. [۴۸۵] . [صفحه ۳۴۴] ۴- روی باسناده عن ابی‌عبیده عن الصادق علیه‌السلام قال: بکت فاطمه علیهاالسلام علی ابیها خمسه و سبعین یوما و کان جبرئیل یاتیها و یخبرها بحال ابیها و یعزیها و یخبرها بالحوادث بعدها و کان علی علیه‌السلام یکتب ذلک. [۴۸۶] . ۵- احمد بن حنبل، حدثنا عبدالصمد و حسن بن موسی قالا: حدثنا حماد، عن علی بن

زید، قال ابی: حدثنا عفان، حدثنا ابن‌سلمه انا علی بن زید، عن یوسف بن مهران، عن ابن‌عباس، قال: لما مات عثمان بن مظعون قالت امراته: هنیئا لک یا بن مظعون بالجنه. قال: فنظر الیها رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم نظره غضب. فقال لها: ما یدریک فواللَّه انی لرسول اللَّه و ما ادری ما یفعل بی، قال عفان: و لا به، قالت یا رسول‌اللَّه فارسک و صاحبک، فاشتد ذلک علی اصحاب رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم حین قال ذلک لعثمان و کان من خیارهم حتی ماتت رقیه ابنه رسول‌اللَّه: فقال: الحقی بسلفنا الخیر، عثمان بن مظعون قال: و بکت النساء فجعل عمر یضربهن بسوطه. فقال النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم لعمر دعهن یبکین و ایاکن و نعیق الشیطان، ثم قال رسول‌اللَّه مهما یکون من القلب [صفحه ۳۴۵] و العین فمن اللَّه و الرحمه و مهما کان من الید و اللسان فمن اللشیطان و قعد رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم علی شفیر القبر و فاطمه الی جنبه تبکی، فجعل النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم یمسح عین فاطمه بثوبه رحمه لها. [۴۸۷] . ۶- البیهقی اخبرنا ابوالحسین علی بن محمد بن عبداللَّه بن بشران و ابومحمد عبداللَّه بن یحیی بن عبدالجبار ببغداد، قالا: حدثنا اسماعیل بن محمد الصفار، حدثنا احمد بن منصور، حدثنا عبدالرزاق، انبانا معمر، عن ثابت، عن انس ان فاطمه علیهاالسلام بکت اباها، فقالت: یا ابتاه من ربه ما ادناه یا ابتاه الی جبرئیل انعاه، یا ابتاه جنه الفردوس ماواه. [۴۸۸] . ۷- ابن‌عبد ربه باسناده عن حماد بن سلمه، عن ثابت عن انس بن مالک، قال: لما فرغنا من دفن رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه وآله و سلم، اقبلت علی فاطمه، فقالت: یا انس کیف طابت انفسکم ان تحثو علی وجه رسول‌اللَّه التراب، ثم بکت و ناتت: یا ابتاه اجاب ربا دعاه یا ابتاه من ربه ما ادناه، یا ابتاه من ربه ناداه یا ابتاه الی جبرئیل ننعاه یا ابتاه جنه الفردوس ماواه قال ثم سکتت فما زادت شیئا. [۴۸۹] . [صفحه ۳۴۶] ۸- روی ابن ابی‌الحدید، عن الواقدی انه قال: و روی انه صفیه لما جاءت، حالت الانصار بینها و بین رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم، فقال: دعوها، فجلست عنده، فجعلت اذا بکت یبکی رسول‌اللَّه و اذا نشجت ینشج رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم و جعلت فاطمه علیهاالسلام تبکی. فلما بکت بکی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم، ثم قال: لن اصاب بمثل حمزه ابدا، ثم قال صلی اللَّه علیه و آله و سلم لصفیه و فاطمه: ابشرا اتانی جبرئیل علیه‌السلام فاخبرنی ان حمزه مکتوب فی اهل السماوات السبع حمزه بن عبدالمطلب اسداللَّه و اسد رسوله. [۴۹۰] . ۹- قال و کانت فاطمه بنت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم تاتیهم بین الیومین و الثلاثه فتبکی عندهم و تدعو. [۴۹۱] . ۱۰- روی ایضا عن الواقدی فی فصل شهاده جعفر بن ابی‌طالب انه قال: ثم خرج حتی دخل علی ابنته فاطمه رضی‌اللَّه‌عنها و هی تقول: و اعماه، فقال: علی مثل جعفر فلتبک الباکیه، ثم قال: اصنعوا لال جعفر طعاما، فقد شغلوا عن [صفحه ۳۴۷] انفسهم الیوم. [۴۹۲] .

حدیثها مع سلمان

۱- ابن‌جعفر الطبری الامامی، روی علی بن الحسن الشافعی قال: حدثنا یوسف بن یعقوب القاضی، قال: حدثنا محمد بن الاشعث، عن محمد بن عون الطائی، عن داود بن ابی‌هند، عن ابن‌ابان، عن سلمان، قال: کنت خارجا من منزلی ذات یوم بعد وفاه رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم اذ لقینی امیرالمومنین علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام. فقال: مرحبا یا سلمان مر الی منزل فاطمه بنت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم فانها الیک مشتاقه، و انها قد اتحفت بتحفه من الجنه و ترید ان تتحفک منها، قال: فمضیت و طرقت الباب و استاذنت، فاذن لی بالدخول. فاذا هی جالسه فی صحن الحجره و علیها عباءه، قالت اجلس فجلست. قالت: کنت بالامس جالسه فی صحن الحجره شدیده الغم علی النبی ابکیه و اندبه و کنت رددت باب الحجره بیدی اذا انفتح [صفحه ۳۴۸] الباب و دخل علی ثلاث جوار لم ار کحسنهن و لا کنضاره وجوههن، فقمت الیهن منکره شانهن، و قلت: من انتن من مکه او من المدنیه. فقلن: لا من اهل مکه و لا من اهل المدینه، نحن من دار السلام بعثنا الیک رب العالمین، یقراک السلام و یعزیک عن ابیک، فجلست امامهن و قلت للتی ظننت انها اکبرهن، ما اسمک؟ قالت ذره، قلت و لم سمیت ذره قالت لان اللَّه تعالی خلقنی لابی‌ذر. قلت للاخری ما اسمک؟ قالت مقداده قلت: و لم سمیت مقداده قالت لان اللَّه تعالی خلقنی للمقداد، و قلت للثالثه ما اسمک؟ قالت سلمی، قلت و لم سمیت

سلمی، قالت لان اللّه تعالی خلقنی لسلمان و قد اهدین الی هدیه من الجنه و قد خبات لک منها. فاخرجت لی طبقا من رطب ابیض ابرد من الثلج و اذکی رائحه من المسک، و دفعت الی خمس رطبات و قالت لی کل هذا عند افطارک، فخرجت و اقبلت ارید المنزل، فواللّه ما مررت بملا من الناس الا قالوا تحمل المسک یا سلمان، حتی اتیت المنزل. فلما کان وقت الافطار، افطرت علیهن، فلم اجد لهن نوی و لا ـ عجما، فلما اصبحت بکرت الی منزل فاطمه فاخبرتها، فتبسمت ضاحکه و قالت: من این یکون لها نوی و انما هو تعالی خلقه لی تحت عرشه بدعوات علمنیها رسول‌اللّه، فقلت حبیبتی علمینی الدعوات، فقالت ان تلقی اللّه و هو عنک غیر غضبان فواظب علی هذا الدعاء و هو: [صفحه ۳۴۹] بسم اللّه الرحمن الرحیم، بسم اللّه النور، بسم اللّه الذی یقول للشیء کن فیکون، بسم اللّه الذی یعلم خائنه الاعین و ما تخفی الصدور، بسم اللّه الذی خلق النور من النور، بسم اللّه الذی هو بالمعروف مذکور، بسم اللّه الذی انزل النور علی الطور بقدر مقدور فی کتاب مسطور علی نبی محبور. [۴۹۳] .

حضورها فی المباهله

۱- الشیخ ابوعبداللّه المفید فی حدیث طویل عن موسی بن جعفر علیهماالسلام انه قال لهارون: اجتمعت الامه برها و فاجرها ان حدیث النجرانی حین دعاه النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم الی المباهله لم یکن فی الکساء الا ـ النبی و علی و فاطمه و الحسن و الحسین علیهم‌السلام، فقال اللّه تبارک و تعالی: «فمن حاجک فیه من بعد ما جاءک من العلم فقل تعالوا ندع ابناءنا و ابناءکم و نساءنا و نساءکم و انفسنا و انفسکم» فکان تاویل ابناءنا الحسن و الحسین، ونساءنا فاطمه و انفسنا علی بن ابی‌طالب علیهم‌السلام. [۴۹۴] . [صفحه ۳۵۰] ۲- عنه باسناده عن محمد بن المنکدر فی حدیث طویل، فقال لهم رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم ان اللّه عز و جل قد امرنی بمباهلتکم، فقالوا اذا کان غدا باهلناک، فقال القوم بعضهم لبعض: حتی ننظر بما یباهلنا غدا بکثره اتباعه من اوباش الناس ام باهله من اهل الصفوه و الطهاره، فانهم و شیج الانبیاء و موضع نهلهم. فلما کان من غد غدا النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم بیمینه علی و بیساره الحسن و الحسین علیهم‌السلام و من ورائهم فاطمه علیهاالسلام، علیهم النمار النجرانیه و علی کتف رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم کساء قطوانی رقیق، خشن لیس بکثیف و لا لین، فامر بشجرتین فکسح ما بینهما و نشر الکساء علیهما و ادخلهم تحت الکساء و ادخل منکبه الایسر معهم تحت الکساء معتمدا علی قوسه النبع و رفع یده الیمنی الی السماء للمباهله. [۴۹۵] . ۳- الطوسی باسناده اخبرنا ابوعمر قال: اخبرنا احمد، قال: اخبرنا محمد بن احمد بن الحسن، قال: حدثنا ابی، قال: حدثنا هاغشم بن المنذر، عن الحارث بن الحصین، عن ابی‌صادق، عن ربیعه بن ناجذ، عن علی علیه‌السلام قال: خرج رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم [صفحه ۳۵۱] و آله و سلم حین خرج لمباهله النصاری بی و بفاطمه و الحسن و الحسین علیهم‌السلام. [۴۹۶] . ۴- عنه باسناده اخبرنا احمد بن محمد بن الصلت، قال: اخبرنا احمد بن محمد بن سعید، قال: حدثنا یعقوب بن یوسف الضبی، قال: حدثنی محمد بن محمد بن اسحاق بن عمار الصیرفی، قال: حدثنا هلال بن ایوب الصیرفی، عن عبدالکریم بن ابی‌امیه، عن مجاهد، قال: قلت لابن‌عباس: من من الذین اراد النبی ان یباهل بهم؟ قال: علی و فاطمه و الحسن و الحسین علیهم‌السلام و الانفس النبی و علی علیهماالسلام. [۴۹۷] . ۵- العیاشی باسناده عن المنذر، قال: حدثنا علی علیه‌السلام قال: لما نزلت هذه الایه «قل تعالوا ندع ابناءنا و ابناءکم» آلایه، قال اخذ بید علی و فاطمه و ابنیهما علیهم‌السلام فقال رجل من النصاری لا تفعلوا فیصیبکم عنت فلم یراعوه. [۴۹۸] . ۶- عنه، عن عامر بن سعد، قال: قال معاویه لابی ما یمنعک ان تسب اباتراب قال:لثلاث رویتهن عن النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم لما نزلت آیه المباهله «تعالوا ندع انباءنا و انباءکم» الایه، اخذ رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم [صفحه ۳۵۲] بید علی و فاطمه و الحسن و الحسین علیهم‌السلام قال: هولاء اهلی. [۴۹۹] . ۷- الحسکانی، حدثنی الحاکم الوالد رحمه‌اللّه، عن ابی‌حفص بن شاهین فی تفسیره، عن موسی بن القاسم، عن محمد بن ابراهیم بن هاشم: قال: حدثنی ابی، قال: حدثنی ابوعبداللّه محمد بن عمرو بن واقد الاسلمی، عن عتبه بن جبیر، عن حصین بن عبدالرحمن، عن عمرو بن سعید بن معاذ قال: قدم وفد نجران العاقب والسید، فقالا: یا

محمد انک تذکر صاحبنا؟ فقال النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم هو عبداللَّه و نبیه قالا: فارنا فیمن خلق اللَّه مثله و فیما رایت و سمعت، فاعرض النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم عنهما یومئذ و نزل علیه جبرئیل بقوله تعالی: «ان مثل عیسی عنداللَّه کمثل آدم خلقه من تراب» الایه. فعادا و قالا: یا محمد هل سمعت بمثل صاحبنا قط؟ قال نعم قالا: من هو؟ قال آدم، ثم قرا رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: «ان مثل عیسی عنداللَّه کمثل آدم» قالا فانه لیس کما تقول، فقال لهم رسول‌اللَّه: «تعالوا ندع ابناءنا و ابناءکم و نساءنا و نساءکم». فاخذ رسول‌اللَّه بید علی و معه فاطمه و حسن و حسین و قال: هولاء ابناونا و انفسنا و نساونا فهما ان یفعلا، ثم ان السید قال [صفحه ۳۵۳] للعاقب ما تصنع: بملا عنته؟ لئن کان کاذبا ما تصنع بملاعنته، و لئن کان صادقا لنهلکن، فصالحون علی الجزیه، فقال النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم یومئذ: والذی نفسی بیده لو لاعنونی ما حال الحول و بحضرتهم منهم احد. [۵۰۰] .

ان الله یغضب لغضبها

۱- الصدوق حدثنا ابوذر یحیی بن زید بن العباس بن الولید البزاز بالکوفه، قال: حدثنا عمی علی بن العباس، قال: حدثنا علی بن المنذر، قال: حدثنا عبداللَّه بن سالم،: عن حسین بن زید، عن علی بن عمر بن علی بن ابی‌طالب عن رسول‌اللَّه علیهماالسلام انه قال: یا فاطمه ان اللَّه تبارک و تعالی لیغضبک لغضبک و یرضی لرضاک. [صفحه ۳۵۴] قال: فجاء صندل، فقال لجعفر بن محمد علیهماالسلام: یا اباعبداللَّه ان هولاء الشباب یجیونا عنک باحادیث منکره، فقال له جعفر علیه‌السلام و ما ذاک یا صندل، قال: جاءنا عنک انک حدثتهم ان اللَّه یغضب لغضب فاطمه و یرضی لرضاها، قال فقال جعفر یا صندل الستم رویتم فیما تروون ان اللَّه تبارک و تعالی لیغضب لغضب المومن و یرضی لرضاه. قال: بلی قال فما تنکرون ان تکون فاطمه علیهاالسلام مومنه یغضب اللَّه لغضبها و یرضی لرضاها، قال فقال: اللَّه اعلم حیث یجعل رسالته. [۵۰۱] . ۲- الشیخ المفید اخبرنی ابوحفص محمد بن عمر الصیرفی، قال: حدثنا ابوعلی محمد بن همام الکاتب الاسکافی، قال: حدثنا محمد بن القاسم المحاربی، قال: حدثنا اسماعیل بن اسحاق الراشدی، قال: حدثنا محمد بن علی، عن محمد بن الفضیل الازدی، عن ابی‌حمزه الثمالی، عن ابی‌جعفر الباقر محمد بن علی علیهماالسلام، عن ابیه عن جده قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: ان اللَّه لیغضب لغضب فاطمه و یرضی لرضاها. [۵۰۲] . ۳- ابوجعفر الطبری الامامی، عن ابی‌عبداللَّه الحسین بن ابراهیم القمی، عن ابی‌الحسن، [صفحه ۳۵۵] قال: حدثنا ابوطاهر احمد بن عیسی، قال: حدثنی احمد بن یزید المهلبی، قال: حدثنی الحسین بن زید، عن الحسن بن زید بن الحسن بن علی، عن امه فاطمه بنت الحسین عن ابیها الحسین بن علی، عن ابیه علی ان النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم قال لفاطمه: یا فاطمه ان اللَّه لیغضبک و یرضی لرضاک. [۵۰۳] . ۵- ابن‌شهر آشوب مرسلا عن جابر الجعفی عن الباقر علیه‌السلام قال النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم: ان اللَّه لیغضب لغضب فاطمه و یرضی لرضاها. [۵۰۴] . ۶- روی ایضا عن ابی‌سعید الواعظ فی شرف النبی عن امیرالمومنین و عن غیره ان النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم قال: یا فاطمه ان اللَّه لیغضب لغضبک و یرضی لرضاک. [۵۰۵] . ۷- قال: و جاء صندل الی الصادق علیه‌السلام و ساله عن ذلک، فقال: یا صندل الستم رویتم فیما تروون ان اللَّه تعالی یغضب لغضب عبده المومن و یرضی لرضاه، قال: بلی قال: فما تنکر ان [صفحه ۳۵۶] تکون فاطمه مومنه یغضب لغضبها و یرضی لرضاها، فقال صندل: اللَّه اعلم حیث یجل رسالته. [۵۰۶] . ۸- ابوعبدالحاکم، حدثنا ابوالعباس محمد بن یعقوب، حدثنا الحسن بن علی بن عفان العامری و اخبرنا محمد بن دحیم بالکوفه، حدثنا احمد بن حاتم بن ابی‌غرزه، قالا: حدثنا عبداللَّه بن محمد بن سالم، حدثنا حسین بن زید بن علی، عن عمر بن علی عن جعفر بن محمد، عن ابیه عن علی رضی اللَّه عنه قال: قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم لفاطمه: ان اللَّه یغضب لغضبک و یرضی لرضاک. [۵۰۷] . ۹- الحافظ الهیتمی باسناده عن علی علیه‌السلام قال: قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم لفاطمه: ان اللَّه یغضب لغضبک و یرضی لرضاک. [۵۰۸] . [صفحه ۳۵۷]

من اسخطها

۱- ابوالعباس الحمیری، عن جعفر، عن ابیه قال: لما ولی عمر بن عبدالعزیز اعطانا عطایا عظیمه قال: فدخل علیه اخوه فقال له ان بنی‌امیه لا ترضی منک بان تفضل بنی فاطمه علیهاالسلام علیهم، فقال: افضلهم، لانی سمعت حتی لا ابالی ان اسمع او لا اسمع، ان رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم کان یقول:ان فاطمه شجنه منی یسرنی ما اسرها و یسوءنی ما اساءها، فانا اتبع سرور رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم و اتقی مساءته. [۵۰۹] . ۲- الطوسی باسناده عن ابی‌الصلت، قال: حدثنا ابن‌عقده، قال: حدثنا ابراهیم بن محمد اسحاق بن یزید الطائی، قال حدثنا اسحاق بن یزید، قال: حدثنا صباح، عن السدی، عن صبیح، عن زید بن ارقم، قال: خرج رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم فاذا علی و فاطمه و الحسن و الحسین علیهم‌السلام فقال: انا [صفحه ۳۵۸] حرب لمن حاربکم و سلم لمن سالمکم. [۵۱۰] . ۳- علی بن عیسی الاربلی مرسلا قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: ان فاطمه شجنه منی یسخطنی ما اسخطها و یرضینی ما ارضاها. [۵۱۱] . ۴- عنه، مرسلا عن جابر بن عبداللَّه قال: قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: ان فاطمه شعره منی فمن آذی شعره منی فقد آذانی و من آذانی فقد اذی اللَّه، و من اذی اللَّه لعنه ملو السماوات و الارض. [۵۱۲] .

ماجری لها یوم السقیفه

۱- سلیم بن قیس الهلالی فی حدیث طویل قال: فلما کان اللیل حمل علی فاطمه علیهاالسلام علی حمار و اخذ بیدی ابنیه الحسن و الحسین علیهماالسلام فلم یدع احدا من اصحاب رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم الا اتاه فی منزله، فناشدهم اللَّه حقه و دعاهم الی نصرته، فما استجاب منهم رجل غیرنا الاربعه، فانا حلقنا روسنا و بذلنا له نصرتنا و کان الزبیر اشدنا بصیره فی نصرته. [صفحه ۳۵۹] فلما رای علی علیه‌السلام خذلان الناس ایاه و ترکهم نصرته و اجتماع کلمتهم مع ابی‌بکر و تعظیمهم ایاه لزم بیته، فقال عمر لابی بکر: ما یمنعک ان تبعث الیه فیبایع فانه لم یبق احدا الا قد بایع غیره و غیر هولاء الاربعه و کان ابوبکر ارق الرجلین و ارفقهما و ادهاهما و ابعدهما غورا و الاخر افظهما و اغلظهما و اجفاهما، فقال له ابوبکر من نرسل الیه، فقال عمر: نرسل الیه قنفذا و هو رجل فظ غلیظ جاف من الطلقاء احد بنی عدی بن کعب، فارسله و ارسل معه اعوانا و انطلق فاستاذن علی علی علیه‌السلام، فابی ان یاذن لهم. فرجع اصحاب قنفذ الی ابی‌بکر و عمر و هما جالسان فی المسجد و الناس حولهما، فقالوا: لم یوذن لنا، فانطلقوا فاستاذنوا، فقالت فاطمه علیهاالسلام احرج علیکم ان تدخلوا علی بیتی بغیر اذن، فرجعوا و ثبت قنفذ الملعون، فقالوا ان فاطمه قالت: کذا و کذا فتحرجنا ان ندخل بیتها بغیر اذن. فغضب عمر و قال: ما لنا و للنساء، ثم امر اناسا حوله ان یحملوا الحطب، فحملوا الحطب و حمل معهم عمر فجعلوه حول منزل علی و فاطمه و ابناهما، ثم نادی عمر حتی اسمع علیا علیه‌السلام و فاطمه واللَّه لتخرجن یا علی و لتبایعن خلیفه رسول‌اللَّه و الا اضرمت علیک النار. فقالت فاطمه یا عمر ما لنا ولک، فقال: افتحی الباب و الا [صفحه ۳۶۰] احرقنا علیکم بیتکم، فقالت یا عمر اما تتقی اللَّه تدخل علی بیتی فابی ان ینصرف، و دعا عمر بالنار فاضرمها فی الباب، ثم دفعه فدخل فاستقبلته فاطمه علیهاالسلام و صاحت یا ابتاه یا رسول‌اللَّه فرفع عمر السیف و هو فی غمده فوجا به جنبها فصرخت یا ابتاه فرفع السوط فضرب به ذراعها. [۵۱۳] . ۲- محمد بن یعقوب، عن محمد بن یحیی، عن محمد بن الحسین، عن محمد بن اسماعیل،عن صالح بن عقبه، عن عبداللَّه بن محمد الجعفی، عن ابی‌جعفر و ابی‌عبداللَّه علیهماالسلام قالا: ان فاطمه علیهاالسلام لما ان کان من امرهم ما کان اخذت بتلابیب عمر فاجتذبته الیها ثم قالت: اما واللَّه یا بن الخطاب لولا انی اکره ان یصیب البلاء من لا ذنب له لعلمت انی ساقسم علی اللَّه ثم اجده سریع الاجابه. [۵۱۴] . ۳- عنه، عنه الحسین بن محمد الاشعری، عن المعلی، عن الحسن، عن ابان، عن ابی‌هاشم قال: لما اخرج بعلی علیه‌السلام، خرجت فاطمه علیهاالسلام واضعه قمیص رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم علی راسها، آخذه بیدی ابنیها فقالت: ما لی و ما لک یا ابابکر، ترید ان توتم ابنی و ترملنی من زوجی، واللَّه لولا ان تکون سیئه لنشرت شعری و لصرخت الی ربی،

فقال رجل من القوم: ما [صفحه ۳۶۱] ترید الی هذا، ثم اخذت بیده فانطلقت به. [۵۱۵] . ۴- الصدوق، و روی انه لما قبض النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم امتنع بلال من الاذان و قال: لا اوذن لاحد بعد رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم و ان فاطمه علیهاالسلام قالت ذات یوم انی اشتهی ان اسمع صوت موذن ابی علیه‌السلام بالاذان، فبلغ ذلک بلالا فاخذ فی الاذان فلما قال: اللّه‌اکبر، اللّه‌اکبر ذکرت اباها علیه‌السلام و ایامه فلم تتمالک من البکاء. فلما بلغ الی قوله: اشهد ان محمدا رسول‌اللّه شهقت فاطمه علیهاالسلام شهقه و سقطت لوجهها و غشی علیها، فقال الناس لبلال: امسک یا بلال فقد فارقت ابنه رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم الدنیا و ظنوا انها قد ماتت فقطع اذانه و لم یتمه. فاقامت فاطمه علیهاالسلام و سالته ان یتم الاذان فلم یفعل، و قال لها: یا سیده النسوان انی اخشی علیک مما تنزلینه بنفسک اذا سمعت صوتی بالاذان فاعفته عن ذلک. [۵۱۶] . ۵- ابوعبداللّه المفید اخبرنی ابوبکر محمد بن عمر الجعابی، قال: حدثنا ابوالحسین العباس بن المغیره، قال: حدثنا ابوبکر احمد بن منصور الرمادی، قال: حدثنا سعید بن عفیر، قال: [صفحه ۳۶۲] حدثنی ابن‌لهیعه، عن خالد بن یزید، عن ابی‌هلال، عن مروان بن عثمان. قال: لما بایع الناس ابابکر دخل علی علیه‌السلام و الزبیر والمقداد بیت فاطمه علیهاالسلام و ابوا ان یخرجوا، فقال عمر بن الخطاب: اضرموا علیهم البیت نارا، فخرج الزبیر و معه سیفه فقال ابوبکر علیکم بالکلب، فقصدوا نحوه،فزلت قدمه و سقط الی الارض و وقع السیف من یده. فقال ابوبکر اضربوا به الحجر، فضرب بسیفه الحجر حتی انکسر، و خرج علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام نحو العالیه، فلقیه ثابت بن قیس بن شماس، فقال: ما شانک یا اباالحسن، فقال ارادوا ان یحرقوا علی بیتی و ابوبکر علی المنبر یبایع له و لا یدفع عن ذلک و لا ینکره. فقال له ثابت: و لا تفارق کفی یدک حتی اقتل دونک فانطلقا جمیعا حتی عادا الی المدینه و اذا فاطمه علیهاالسلام و اقفه علی بابها و قد خلت دارها من احد من القوم و هی تقول لا عهد لی بقوم اسوا محضرا منکم، ترکتم رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم جنازه بین ایدینا و قطعتم امرکم بینکم، لم تستامرونا و صنعتم بنا ما صنعتم و لم تروا لنا حقا. [۵۱۷] . [صفحه ۳۶۳] ۶- عنه، اخبرنی ابوالحسن علی بن محمد الکاتب قال: اخبرنی الحسن بن علی الزعفرانی، قال: اخبرنی ابراهیم بن محمد الثقفی، قال: اخبرنا ابواسماعیل العطار قال: اخبرنا ابن‌لهیعه، عن ابی‌الاسود، عن عروه بن الزبیر، قال: لما بایع الناس ابابکر خرجت فاطمه بنت محمد صلی اللّه علیه و آله و سلم فوقفت علی بابها و قالت ما رایت کالیوم قط، حضروا اسوء محضر، ترکوا نبیهم صلی اللّه علیه و آله و سلم جنازه بین اظهرنا و استبدوا بالامر دوننا. [۵۱۸] . ۷- روی الشیخ المفید عن ابی‌محمد، عن عمرو بن ابی‌المقدام، عن ابیه، عن جده قال: ما اتی علی علی علیه‌السلام یوم قط اعظم من یومین اتیاه، فاما اول یوم فالیوم الذی قبض فیه رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم و اما الیوم الثانی فواللّه انی لجالس فی سقیفه بنی‌ساعده عن یمین ابی‌بکر و الناس یبایعونه. اذ قال عمر: یا هذا لم تصنع شیئا ما لم یبایعک علی، فابعث الیه حتی یاتیک فیبایعک قال: فبعث قنفذا فقال له: اجب خلیفه رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم، قال علی علیه‌السلام لاسرع ما کذبتم علی رسول‌اللّه، ما خلف رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم احدا غیری، فرجع قنفذ و اخبر ابابکر بمقاله علی علیه [صفحه ۳۶۴] السلام. فقال ابوبکر: انطلق الیه فقل له یدعوک ابوبکر و یقول: تعالی حتی تبایع، فانما انت رجل من المسلمین، فقال علی علیه‌السلام امرنی رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم ان لا اخرج بعده من بیتی حتی اولف الکتاب فانه فی جرائد النخل و اکتاف الابل، فاتاه قنفذ و اخبره بمقاله علی. فقال عمر: قم الی الرجل، فقال ابوبکر و عمر و عثمان و خالد بن الولید، و المغیره بن شعبه و ابوعبیده بن الجراح و سالم مولی ابن‌حذیفه وقمت معهم وظنت فاطمه علیهاالسلام انه لا تدخل بیتها الا باذنها، فاجافت الباب و اغلقته، فلما انتهوا الی الباب ضرب عمر الباب برجله فکسره و کان من سعف، فدخلوا علی علیه‌السلام و اخرجوه ملببا. فخرجت فاطمه علیهاالسلام، فقالت یا ابابکر و عمر تریدان ترملانی من زوجی و اللّه لان لا تکفان عن لانشرن شعری، و لا شقن جیبی و لاتین قبر ابی و لا صیحن الی ربی فخرجت و اخذت بید الحسن و الحسین علیهماالسلام متوجهه الی القبر، فقال علی لسلمان یا سلمان ادرک ابنه محمد صلی اللّه علیه و آله و سلم فانی اری جنبتی المدینه تکفئان. فو اللّه لئن فعلت لا یناظر بالمدینه ان یخسف بها و بمن فیها، قال: فلحقها سلمان فقال: یا بنت محمد ان اللّه تبارک و تعالی انما [صفحه ۳۶۵] بعث اباک رحمه فانصر فی، فقالت: یا سلمان ما علی

صبر فدعنی حتی آتی قبر ابی،فاصیح الی ربی، قال سلمان: فان علیا بعثنی الیک و امرک بالرجوع، فقالت اسمع له و اطیع فرجعت. [۵۱۹] . ۸- ابومنصور الطبرسی: کان علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام لما رای خذلان الناس له و ترکهم نصرته و اجتماع کلمه الناس مع ابی‌بکر و طاعتهم له و تعظیمهم له جلس فی بیته فقال عمر لابی بکر ما یمنعک ان تبعث الیه فیبایع، فانه لم یبق احدا الا و قد بایع غیره و غیره هولاء الاربعه معه. کان ابوبکر ارق الرجلین و ارفقهما و ادهاهما و ابعدهما غورا، و الاخر افظهما و اغلظهما و اخشنهما و اجفاهما، فقال: من نرسل الیه؟ فقال عمر: ارسل الیه قنفذ، و کان رجلا فظا غلیظا جافیا من الطلقاء احد بنی تیم، فارسله و ارسل معه اعوانا، فانطلق فاستاذن فابی علی ان یاذن له. فرجع اصحاب قنفذ الی ابی‌بکر و عمر و هما فی المسجد و الناس حولهما فقالوا لم یاذن لنا، فقال عمر هو ان اذن لکم و الا فادخلوا علیه بغیر اذنه، فانطلقوا فاستاذنوا، فقالت فاطمه علیهاالسلام: احرج علیکم ان تدخلوا بیتی بغیر اذن، فرجعوا فثبت قنفذ، فقالوا ان فاطمه قالت کذا و کذا. [صفحه ۳۶۶] فحرجتنا ان ندخل علیها البیت بغیر اذن منها، فغضب عمر و قال: ما لنا و للنساء، ثم امر اناسا حوله، فحملوا حطبا و حمل معهم فجعلوه حوله منزله و فیه علی و فاطمه و ابناهما علیهم‌السلام ثم نادی عمر حتی اسمع علیا واللَّه لتخرجن و لتبایعن خلیفه رسول‌اللَّه او لا ضرمن علیک بیتک نارا، ثم رجع فقعد الی ابی‌بکر و هو یخاف ان یخرج علی بسیفه لما قد عرف من باسه و شدته. ثم قال لقتقذ ان خرج و الا فاقتحم علیه، فان امتنع فاضرم علیهم بیتهم نارا فانطلق قنفذ فاقتحم هو و اصحابه بغیر اذن و بادر علی الی سیفه لیاخذه فسبقوه الیه فتناول بعض سیوفهم فکثروا علیه فضبطوه و القوا فی عنقه حبلا و حالت فاطمه علیهاالسلام بین زوجها و بینهم عند باب البیت. فضربها قنفذ بالسوط علی عضدها فبقی اثره فی عضدها مثل الدملوج من ضرب قنفذ ایاها فارسل ابوبکر الی قنفذ اضربها فالجاها الی عضاده باب بیتها فدفعها فکسر ضلعا من جنبها و القت جنینا من بطنها فلم تزل صاحبه فراش حتی ماتت من ذلک شهیده. [۵۲۰] . ۹- قال البرسی: و من کراماتها علی اللَّه انها لما منعت حقها اخذت بعضاده حجره النبی و قالت: لیست ناقه صالح عنداللَّه [صفحه ۳۶۸] باعظم منی، ثم رفعت جنب قناعها الی السماء و همت ان تدعو، فارتقعت جدران المسجد عن الارض و تدلی العذاب، فجاء امیرالمومنین علیه‌السلام، فمسک یدها و قال: یا بقیه النبوه و شمس الرساله و معدن العصمه و الحکمه، ان اباک کان رحمه للعالمین، فلا تکونی علیهم نقمه، اقسم علیک بالرووف الرحیم، فعادت الی مصلاها. [۵۲۱] . ۱۰- قال الیعقوبی: و بلغ ابابکر و عمر ان جماعه من المهاجرین و الانصار قد اجتمعوا مع علی بن ابی‌طالب فی منزل فاطمه بنت رسول‌اللَّه، فاتوا فی جماعه حتی هجموا علی الدار و خرج علی و معه السیف، فلقیه عمر، فصارعه عمر، فصرعه و کسر سیفه و دخلوا الدار. فخرجت فاطمه فقالت واللَّه لتخرجن او لاکشفن شعری، ولا عجن الی اللَّه، فخرجوا و خرج من کان فی الدار و اقام القوم ایاما، ثم جعل الواحد بعد الواحد یبایع. [۵۲۲] . ۱۱- قال ابن‌عبدربه: اما علی و العباس و الزبیر فقعدوا فی بیت فاطمه حتی بعث الیهم ابوبکر عمر بن الخطاب لیخرجهم من بیت فاطمه و قال له: ان ابوا فقاتلهم، فاقبل بقبس من نار علی ان یضرم علیهم الدار، فلقیته فاطمه فقالت: یا بن الخطاب اجئت [صفحه ۳۶۸] لتحرق دارنا؟ قال: نعم، او تدخلوها فیما دخلت فیه الامه. [۵۲۳] . ۱۲- روی ابن ابی‌الحدید عن احمد بن عبدالعزیز قال: لما بویع لابی بکر کان الزبیر و المقداد یختلفان فی جماعه من الناس الی علی و هو فی بیت فاطمه، فیتشاورون و یتراجعون امورهم فخرج عمر حتی دخل علی فاطمه علیهاالسلام و قال:یا بنت رسول‌اللَّه ما من احد من الخلق احب الینا من ابیک و ما من احد احب الینا منک بعد ابیک. و ایم اللَّه ما ذاک بما نعی ان اجتمع هولاء النفر عندک ان آمر بتحریق البیت علیهم، فلما خرج عمر جاوها، فقالت: تعلمون ان عمر جاءنی و حلف لی باللَّه ان عدتم لیحرقن علیکم البیت و ایم اللَّه لیمضین لما حلف له، فانصرفوا عنا راشدین فلم یرجعوا الی بیتها، و ذهبوا فبایعوا ابابکر. [۵۲۴] . ۱۳- روی ایضا عن عبدالرحمان بن عوف انه سمع ابابکر فی مرضه الذی مات فیه یقول: فوددت انی لم اکن کشفت عن بیت فاطمه و ترکته و لو اغلق علی حرب. [۵۲۵] . ۱۴- روی ایضا عن احمد بن عبدالعزیز عن ابی‌الاسود قال: غضب رجال من المهاجرین فی بیعه ابی‌بکر بغیر مشوره، [صفحه ۳۶۹] و غضب علی و الزبیر فدخلا بیت فاطمه علیهاالسلام، معهما السلاح، فجاء عمر فی عصابه منهم اسید بن خضیر و سلمه بن سلامه بن وقش و هما من بنی‌عبداللَّه الاشهل. فصاحت فاطمه علیهاالسلام و ناشدتهم اللَّه، فاخذوا سیفی علی و الزبیر

فضربوا بهما الجدار حتی کسرو هما، ثم اخرجهما عمر یسوقهما حتی بایعا، ثم قال ابوبکر فخطب الناس و اعتذر الیهم و قال: ان بیعتی کانت فلته وقی اللّٰه شرها. [۵۲۶] . ۱۵- روی ایضا عن الجوهری باسناده عن سلمه بن عبدالرحمن قال: لما جلس ابوبکر علی المنبر کان علی علیه‌السلام و الزبیر و ناس من بنی‌هاشم فی بیت فاطمه، فجاء عمر الیهم فقال: والذی نفسی بیده لتخرجن الی البیعه او لاحرقن البیت علیکم. فخرج الزبیر مصلتا سیفه، فاعتنقه رجل من الانصار و زیاد بن لبید، فدق به فبدر السیف، فصاح به ابوبکر و هو علی المنبر اضرب به الحجر، قال ابوعمرو بن حماس: فلقد رایت الحجر فیه تلک الضربه و یقال: هذه ضربه سیف للزبیر. [۵۲۷] . ۱۶- روی عن الجوهری فی کتاب السقیفه قال و ذهب عمر و معه عصابه الی بیت فاطمه منهم اسید بن خضیر، و سلمه بن اسلم، فقال لهم: انطلقوا فبایعوه فابوا علیه و خرج الیهم الزبیر بسیفه، [صفحه ۳۷۰] فقال عمر: علیکم الکلب، فوثب علیه سلمه بن اسلم، فاخذ السیف من یده فضرب به الجدار. [۵۲۸] . ۱۷- قال و قد روی عنه علیه‌السلام ان فاطمه علیهاالسلام حرضته یوما علی النهوض و الوثوب فسمع صوت الموذن «اشهد ان محمدا رسول‌اللّٰه» فقال لها ایسرک زوال هذا النداء من الارض قالت: لا قال فانه ما اقول لک. [۵۲۹] . ۱۸- قال ایضا قرات علی النقیب ابی‌جعفر رحمه‌اللّٰه فقال: اذا کان رسول‌اللّٰه صلی اللّٰه علیه و آله و سلم اباح دم هبار بن الاسود لانه روع زینب فالقت ما فی بطنها، فظهر الحال انه لو کان حیا لاباح دم من روع فاطمه حتی القت ما فی بطنها، فقلت اروی عنک ما یقول قوم ان فاطمه روعت فالقت المحسن، فقال لاتروه عنی و لا ترو عنی بطلانه، فانی متوقف فی هذا الموضوع لتعارض الاخبار عندی فیه. [۵۳۰] . ۱۹- ابوبکر بن ابی‌شیه حدثنا محمد بن بشر، اخبرنا عبیداللّٰه بن عمر، حدثنا زید بن اسلم، عن ابیه اسلم، انه حین بویع لابی بکر بعد وفاه رسول‌اللّٰه صلی اللّٰه علیه و آله و سلم کان علی و الزبیر یدخلان علی فاطمه بنت رسول‌اللّٰه صلی اللّٰه علیه و آله و سلم [صفحه ۳۷۱] یشاورونها و یرتجعون فی امرهم، فلما بلغ ذلک عمر بن الخطاب خرج حتی دخل علی فاطمه. فقال: یا بنت رسول‌اللّٰه واللّٰه ما من احد احب الینا من ابیک، و ما من احد احب الینا بعد ابیک منک، و ایم اللّٰه ما ذاک، بما نعی ان اجتمع هولاء النفر عندک ان امرتهم ان یحرق علیهم البیت، قال: فلما خرج عمر جاوها، فقالت: تعلمون ان عمر قد جاءنی و قد حلف باللّٰه لئن عدتم لیتحرقن علیک البیت و ایم اللّٰه لیمضین لما حلف علیه فانصرفوا راشدین، فراو رایکم و لا ترجعون الی، فانصرفوا عنها فلم یرجعوا الیها حتی بایعوا لابی‌بکر. [۵۳۱] .

ماجری لها فی امر فدک

۱- قال سلیم: ثم ان فاطمه بلغها ان ابابکر قبض فدک فخرجت فی نساء بنی‌هاشم حتی دخلت علی ابی‌بکر، فقالت: یا ابابکر ترید ان تاخذ منی ارضا جعلها لی رسول‌اللّٰه و تصدق بها علی من الوجیف الذی لم یوجف المسلمون علیه بخیل و لا رکاب، اما کان قال رسول‌اللّٰه المرء یحفظ فی ولده و قد علمت انه لم یترک [صفحه ۳۷۲] لولده شیئا غیرها. فلما سمع ابوبکر مقالتها و النسوه معها دعا بدواه لیکتب به لها فدخل عمر فقال: یا خلیفه رسول‌اللّٰه لا تکتب لها حتی تقیم البینه بما تدعی، فقالت فاطمه نعم اقیم البینه قال: من قالت علی و ام ایمن، فقال عمر لاتقبل شهاده امراه عجمیه لا تفصح و اما علی فیحوز النار الی قرصه، فرجعت فاطمه علیهاالسلام و قد جرعها من الغیظ مالا یوصف. [۵۳۲] . ۲- ابوالعباس الحمیری، عن محمد بن عبدالحمید، عن حنان بن سدیر، قال: سال صدقه بن مسلم اباعبداللّٰه علیه‌السلام و انا عنده، فقال: من الشاهد علی فاطمه بانها لا ترث اباها، قال شهد علیها عائشه و حفصه و رجل من العرب یقال له اوس بن الحدثان من بنی‌نضر شهدوا عند ابی‌بکر بان رسول‌اللّٰه صلی اللّٰه علیه و آله و سلم قال: لا اورث، فمنعوا فاطمه علیهاالسلام میراثها من ابیها صلی اللّٰه علیه و آله و سلم. [۵۳۳] . ۳- الشیخ ابوعبداللّٰه المفید باسناده عن ابی‌محمد، عن عبداللّٰه بن سنان، عن ابی‌عبداللّٰه علیه‌السلام قال: لما قبض رسول‌اللّٰه صلی اللّٰه علیه و آله و سلم و جلس ابوبکر مجلسه، بعث الی وکیل فاطمه صلوات اللّٰه علیها فاخرجه من فدک فاتته [صفحه ۳۷۳] فاطمه علیهاالسلام، فقالت یا ابابکر ادعیت انک خلیفه ابی و جلست مجلسه و انک بعثت الی وکیلی فاخرجته من فدک و قد تعلم ان رسول‌اللّٰه صلی اللّٰه علیه و آله و سلم صدق بها علی و ان لی بذلک شهودا.

فقال لها ان النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم لایورث، فرجعت الی علی علیه‌السلام فاخبرته فقال: ارجعی الیه و قولی له: زعمت ان النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم لا یورث، و ورث سلیمان داوود و ورث یحیی زکریا و کیف لا ارث انا ابی؟ فقال عمر: انت معلمه، قالت و ان کنت معلمه، فانما علمنی ابن‌عمی و بعلی، فقال ابوبکر فان عائشه تشهد و عمر انهما سمعا رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم و هو یقول: ان النبی لا یورث، فقالت: هذا اول شهاده زور شهدا بها فی الاسلام. ثم قالت: فان فدک انما هی صدق بها علی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم ولی بذلک بینه فقال لها: هلمی ببینتک، قال: فجاءت بام ایمن و علی علیه‌السلام، فقال ابوبکر: یا ام‌ایمن انک سمعت من رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم یقول فی فاطمه؟ فقالا: سمعنا رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم یقول: ان فاطمه سیده نساء اهل الجنه، ثم قالت ام‌ایمن فمن کانت سیده نساء اهل الجنه تدعی ما لیس لها و انا امراه من اهل الجنه ما کنت لا شهد الا بما سمعت من رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم. [صفحه ۳۷۴] فقال عمر: دعینا یا ام‌ایمن من هذه القصص بای شیء تشهدین، فقالت: کنت جالسه فی بیت فاطمه علیهاالسلام و رسوله اللَّه جالس حتی نزل جبرئیل، فقال: یا محمد قم فان اللَّه تبارک و تعالی امرنی ان اخط لک فدکا بجناحی، فقال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم مع جبرئیل علیه‌السلام فما لبث ان رجع. فقالت فاطمه علیهاالسلام یا ابه این ذهبت، فقال خط جبرئیل علیه‌السلام لی فدکا بجناحه وحد لی حدودها، فقالت یا ابه انی اخاف العیله و الحاجه من بعدک،فصدق بها علی، فقال: هی صدقه علیک فقبضتها، قالت نعم، فقال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: یا ام‌ایمن اشهدی و یا علی اشهد. قال عمر: انت امراه و لا نجیز شهاده امراه وحدها، اما علی فیجر النار الی قرصه، قال: فقامت مغضبه و قالت: اللهم انهما ظلما ابنه محمد نبیک حقها فاشدد و طاتک علیهما، ثم خرجت و حملها علی علی اتان علیه کساء له خمل، فدار بها اربعین صباحا فی بیوت المهاجرین و الانصار و الحسن و الحسین علیهماالسلام معهما و هی تقول: یا معشر المهاجرین و الانصار، انصروا اللَّه فانی ابنه نبیکم و قد بایعتم رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم یوم بایعتموه ان تمنعوه و ذریته مما تمنعون منه انفسکم، و ذراریکم ففوا [صفحه ۳۷۵] لرسول اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم ببیعتکم، قال ما اعانها احد و لا اجابها و لا نصرها. قال فانتهت الی معاذ بن جبل، فقالت یا معاذ بن جبل انی قد جئتک مستنصره و قد بایعت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم علی ان تنصره و ذریته و تمنعه مما تمنع منه نفسک و ذریتک و ان ابابکر قد غصبنی علی فدک و اخرج وکیلی منها،قال: فمعی غیری قالت لا ما اجانبی احد قال: فاین ابلغ انا من نصرتک. قال فخرجت من عنده و دخل ابنه، فقال: ما جاء بابنه محمد الیک؟ قال: جاءت تطلب نصرتی علی ابی‌بکر فانه اخذ منها فدکا، قال: فما اجبتها به؟ قال: قلت: و ما یبلغ من نصرتی انا وحدی، قال: فابیت ان تنصرها؟ قال: نعم، قال: فای شیء قالت لک؟ قال قالت لی واللَّه لانازعنک الفصیح من راسی حتی ارد علی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم. قال فقال: انا واللَّه لانازعنک الفصیح من راسی حتی ارد علی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم اذ لم تجب ابنه محمد صلی اللَّه علیه و آله و سلم، قال و خرجت فاطمه علیهاالسلام من عنده و هی تقول: واللَّه لا اکلمک کلمه حتی اجتمع انا و انت عند رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم ثم انصرفت. فقال علی علیه‌السلام: ائت ابابکر وحده فانه ارق من الاخر و قولی له: ادعیت مجلس ابی و انک خلیفته و جلست مجلسه و لو [صفحه ۳۷۶] کانت فدک لک ثم استوهبتها منک لوجب ردها علی، فلما اتته و قالت له ذلک قال: صدقت، قال: فدعا بکتاب فکتبه لها برد فدک، قال: فخرجت و الکتاب معها. فلقیها عمر، فقال: یا بنت محمد ما هذا الکتاب الذی معک، فقالت: کتاب کتب لی ابوبکر برد فدک، فقال: هلمیه الی، فابت ان تدفعه الیه فرفسها برجله، و کانت حامله بابن اسمه المحسن، فاسقطت المحسن من بطنها، ثم لطمها فکانی انظر الی قرط فی اذنها حین نفقت. ثم اخذ الکتاب فخرجه فمضت و مکثت خمسه و سبعین یوما مریضا مما ضربها عمر، ثم قبضت، فلما حضرتها الوفاه دعت علیا صلوات اللَّه علیه فقالت اما تضمن و الا اوصیت الی الزبیر، فقال علی علیه‌السلام انا اضمن وصیتک یا بنت محمد، قالت سالتک بحق رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم اذا انا مت الا یشهد انی و لا یصلیا علی. قال: فلک ذلک، فلما قبضت علیهاالسلام دفنها لیلا فی بیتها و اصبح اهل المدینه یریدون حضور جنازتها و ابوبکر و عمر کذلک، فخرج الیهما علی علیه‌السلام، فقالا له ما فعلت بابنه محمد اخذت فی جهازها یا اباالحسن، فقال علی

علیه‌السلام قد واللّه دفنتها، قالا- فما حملک علی ان دفنتها و لم تعلمنا بموتها قال: هی امرتنی. فقال عمر واللّه لقد هممت بنبشها و الصلاه علیها، فقال [صفحه ۳۷۷] علی علیه‌السلام: اما واللّه ما دام قلبی بین جوانحی و ذوالفقار فی یدی انک لا تصل الی نبشها، فانت اعلم، فقال ابوبکر، اذهب فانه احق بها منا و انصرف الناس. [۵۳۴] . ۴- الشیخ ابوجعفر الطوسی اخبرنا ابوالحسن محمد بن احمد بن شاذان، قال: حدثنی ابوالحسین محمد بن علی بن الفضل بن همام الکوفی قال: حدثنی محمد بن علی بن معمر الکوفی، قال: حدثنی محمد بن الحسین الزیات الکوفی، قال: حدثنا احمد بن محمد، قال: حدثنی ابان بن تغلب، عن جعفر بن محمد علیهماالسلام. قال: لما انصرفت فاطمه علهیاالسلام من عند ابی‌بکر اقبلت علی امیرالمومنین علیه‌السلام فقالت: یا بن ابی‌طالب اشتملت مشیه الجنین. [۵۳۵] . و قعدت حجره الظنین، نقضت قادمه الاجدل فخانک ریش الاعزل، هذا ابن ابی‌قحافه قد ابتزنی نحیله ابی و بلیغه ابنی. واللّه لقد اجد فی ضلامی والد فی خصامی، حتی منعتنی قیله نصرها و المهاجره وصلها، و غضت الجماعه دونی طرفها، فلا مانع و لا دافع، خرجت واللّه کاظمه وعدت راغمه لیتنی و لا خیار لی مت قبل زلتی و توفیت قبل منیتی، عذیری فیک اللّه حامیا، منک عادیا، و یلاه [صفحه ۳۷۸] فی کل شارق ویلاه مات المعتمد و وهن العضد. شکوای الی ربی وعدوای الی ابی، اللهم انت اشد قوه، فاجابها امیرالمومنین علیه‌السلام لا- ویل لک بل الویل لشانئک، نهنهی من غربک یا بنت الصفوه و بقیه النبوه، فواللّه ما و نیت فی دینی و لا اخطات مقدوری، فان کنت ترزئین البلغه،فرزقک مضمون و لعیلتک ماموم، و ما اعد لک خیر مما قطع عنک فاحتسبی، فقالت: حسبی اللّه و نعم الوکیل. [۵۳۶] . ۵- ابوعبداللّه المفید اخبربی ابوبکر محمد بن عمر الجعابی، قال: اخبرنا ابوعبداللّه جعفر بن محمد بن جعفر الحسنی، قال: حدثنا عیسی بن مهران، عن و یونس، عن عبداللّه بن محمد بن سلیمان الهاشمی، عن ابیه، عن جده، عن زینب بنت علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام. قالت لما اجتمع رای ابی‌بکر علی منع فاطمه علیهاالسلام فدک و العوالی و آیست من اجابته لها عدلت الی قبر ابیها رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم، فالقت نفسها علیه و شکت الیه ما فعله القوم بها و بکت حتی بلت تربته علیه‌السلام بدموعها و ندبته ثم قالت فی آخر ندبتها: قد کان بعدک ابناء و هنبثه لو کنت شاهدها لم تکثر الخطب [صفحه ۳۷۹] انا فقدناک فقد الارض و ابلها و اختل قومک فاشهدهم فقد نکبوا قد کان جبریل بالایات یونسنا فغبت عنا و کل الخیر محتجب فکنت بدرا و نورا یستضاء به علیک ینزل من ذی العزه الکتب تجهمتنا رجال و استخف بنا بعد النبی و کل الخیر متغصب سیعلم المولی ظلم حامتنا یوم القایمه انی سوف ینقلب فقد لقینا الذی لم یلقه احد من البریه لا عجم و لا عرب فسوف نبکیک ما عشنا و ما بقیت لنا العیون بتهمال له سکب [۵۳۷] . ۶- عنه، حدثنی ابوالحسن علی بن محمد الکاتب قال: حدثنی الحسن بن علی الزعفرانی، قال: حدثنا ابواسحاق ابراهیم بن محمد الثقفی، قال: حدثنا الحسن و الحسن بن الحسین الانصاری، قال: حدثنا سفیان، عن فضیل بن الزبیر، قال: حدثنی فروه بن مجاشع، عن ابی‌جعفر محمد بن علی علیهاالسلام. قال جاءت عائشه الی عثمان، فقالت له: اعطنی ما کان یعطینی ابی و عمر بن الخطاب فقال لها لا اجد لک موضعا فی الکتاب و لا فی السنه، و انما کان ابوک و عمر بن الخطاب یعطیانک بطیبه من انفسهما و انا لا افعل. قالت له: فاعطنی میراثی من رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم، فقال لها او لم تجیئنی انت و مالک بن اوس النصری فشهدتما ان [صفحه ۳۸۰] رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم لا- یورث حتی منعتما فاطمه میراثها و ابطلتها حقها فکیف تطلبین الیوم میراثا من النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم فترکته و انصرفت. [۵۳۸] . ۷- قال الاربلی: روی ان فاطمه علیهاالسلام جاءت الی ابی‌بکر بعد وفاه رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم، فقالت: یا ابابکر بعد وفاه رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم، فقالت: یا ابابکر من یرثک اذا مت؟ قال اهلی و ولدی، قالت: فما لی لا ارث رسول‌اللّه؟ قال: یا بنت رسول‌اللّه ان النبی لا یورث، ولکن انفق، علی من کان ینفق علیه رسول‌اللّه و اعطی من کان یعطیه قالت: واللّه لا اکلمک بکلمه ما حییت، فما کلمته حتی ماتت. [۵۳۹] . ۸- عنه، قال: قیل جاءت علیهاالسلام الی ابی‌بکر، فقالت اعطنی میراثی من رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم قال ان الانبیاء لا یورث، ما ترکوه فهو صدقه، فرجعت الی علی علیه‌السلام، فقال: ارجعی فقولی: ما شان سلیمان علیه‌السلام و ورث داوود علیه‌السلام، و قال زکریا: «فهب لی من لدنک ولیا یرثنی و یرث من آل‌یعقوب». [۵۴۰] . ۹- عنه باسناده عن جابر بن عبداللّه الانصاری، عن ابی‌جعفر

علیه‌السلام ان ابابکر قال لفاطمه علیهاالسلام: النبی لا یورث، قالت: قد ورث سلیمان داود و قال زکریا: «فهب لی من لدنک [صفحه ۳۸۱] ولیا یرثنی و یرث من آل‌یعقوب» فنحن اقرب الی النبی من زکریا الی یعقوب. [۵۴۱] . ۱۰- عنه باسناده عن ابی‌سعید الخدری، قال: لما قبض رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم جاءت فاطمه علیهاالسلام فطلبت فدکا، فقال ابوبکر: انی لاعلم ان‌شاءاللَّه لن تقولی الا حقا، ولکن هاتی بینتک، فجاءت بعلی علیه‌السلام فشهد، ثم جاءت بام ایمن فشهدت، فقال امراه اخری او رجلا فکتبت لک بها. [۵۴۲] . ۱۱- قال: و روی مرفوعا ان عمر بن عبدالعزیز، لما استخلف قال: یا ایها الناس انی قد رددت علیکم مظالکم و اول ما ارد منها ما کان فی یدی، قد رددت فدک علی ولد رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم و ولد علی بن ابی‌طالب فکان اول من ردها. [۵۴۳] . ۱۲- قال و روی انه ردها بغلاتها منذ ولی، فقیل له، نقمت علی ابی‌بکر و عمر فعلهما، فطعنت علیهما و نسبتهما الی الظلم، والغصب و قد اجتمع عنده فی ذلک قریش و مشایخ اهل‌الشام، من علماء السوء فقال عمر بن عبدالعزیز: قد صح عندی و عندکم ان فاطمه بنت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم ادعت فدکا و کانت [صفحه ۳۸۲] فی یدها. ما کانت لتکذب علی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم مع شهاده علی و امایمن و ام‌سلمه و فاطمه عندی صادقه فیما تدعی و ان لم تقم البینه و هی سیده نساء اهل الجنه، فانا الیوم اردها علی ورثتها اتقرب بذلک الی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و سلم. ارجو ان تکون فاطمه و الحسن و الحسین یشفعون لی فی یوم القیامه، و لو کنت بدل ابی‌بکر و ادعت فاطمه کنت اصدقها علی دعواها، فسلمها الی محمد بن علی الباقر علیهماالسلام و عبداللَّه بن الحسن، فلم تزل فی ایدیهم الی ان مات عمر بن عبدالعزیز. [۵۴۴] . ۱۳- عنه باسناده عن الحسن بن علی الوشاء قال: سالت مولانا اباالحسن علی بن موسی الرضا علیهماالسلام: هل خلف رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم غیر فدک شیئا، فقال ابوالحسن علیه‌السلام ان رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم خلف حیطانا بالمدینه صدقه و خلف سته افراس و ثلاث نوق، العضباء و الصهباء و الدیباج و بغلتین الشهباء و الدلدل و حماره الیعفور و شاتین حلوبتین و اربعین ناقه حلوبا و سیفه ذا الفقار و درعه ذات الفصول، و عمامته السحاب، و حبرتین یمانیتین و خاتمه الفاضل و قضیبه الممشوق و فراشا من لیف و عبائتین قطوانیتین، و مخلدا من آدم، صار [صفحه ۳۸۳] ذلک الی فاطمه علیهاالسلام ما خلا درعه و سیفه و عمامته و خاتمه، فانه جعله لامیر المومنین علیه‌السلام. [۵۴۵] . ۱۴- عبداللَّه بن احمد، عن ابیه احمد بن حنبل، قال: حدثنا حجاج بن محمد، حدثنا لیث، حدثنی عقیل عن ابن‌شهاب، عن عروه بن الزبیر، عن عائشه زوج النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم انها اخبرته ان فاطمه بنت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم ارسلت الی ابی‌بکر الصدیق تساله میراثها من رسول‌اللَّه، مما افاء اللَّه علیه بالمدینه و فدک و ما بقی من خمس خیبر. فقال ابوبکر ان رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم قال: لا نورث ما ترکناه صدقه انما یاکل آل‌محمد فی هذا المال و انی واللَّه لا اغیر شیئا من صدقه رسول‌اللَّه، عن حالها التی کانت علیها فی عهد رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم و لاعملن فیها بما عمل به رسول‌اللَّه، فابی ابوبکر ان یدفع الی فاطمه منها شیئا. فوجدت فاطمه علی ابوبکر فی ذلک، فقال ابوبکر والذی نفسی بیده لقرابه رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم احب الی ان اصل من قرابتی و اما الذی شجر بینی و بینکم من هذه الاموال فانی لم آل فیها عن الحق و لم اترک امرا رایت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم [صفحه ۳۸۴] و سلم یصنعه فیها، الا صنعته. [۵۴۶] . ۱۵- عنه، حدثنی ابی، حدثنا عبدالرزاق، حدثنا معمر، عن الزهری، عن عروه، عن عائشه ان فاطمه و العباس اتیا ابابکر یلتمسان میراثهما من رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم و هما حینئذ یطلبان ارضه من فدک و سهمه من خیبر. فقال لهما ابوبکر انی سمعت رسول‌اللَّه صلی اللَّه و آله و سلم یقول: لا نورث ما ترکناه صدقه و انما یاکل آل محمد فی هذا المال، و انی واللَّه لا ادع امرا رایت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم یصعنه فیه الا صنعته. [۵۴۷] . ۱۶- عنه، عن ابیه، حدثنا عفان، حدثنا حماد بن سلمه، عن محمد بن عمرو، عن ابی‌سلمه ان فاطمه قالت لابی بکر من یرثک اذا مت، قال ولدی و اهلی، قالت: ما لنا لا نرث النبی، قال: سمعت النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم یقول ان النبی لا یورث، ولکنی اعول من کان رسول‌اللَّه یعول و انفق علی من کان رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم ینفق. [۵۴۸] . ۱۷- محمد بن اسماعیل البخاری، حدثنا عبدالعزیز بن عبداللَّه، حدثنا ابراهیم بن سعد، عن صالح، عن ابن‌شهاب،

قال [صفحه ۳۸۵] اخبرنی عروه بن الزبیر ان عائشه ام‌المومنین اخبرته ان فاطمه علیهاالسلام ابنه رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم، سالت ابابکر الصدیق بعد وفاه رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم ان یقسم لها میراثها ما ترک رسول‌اللَّه مما افاء اللَّه علیه. فقال لها ابوبکر ان رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم قال: لا نورث ما ترکناه صدقه، فغضبت فاطمه بنت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم فهجرت ابابکر، فلم تزل مهاجرته حتی توفیت، و عاشت بعد رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم سته اشهر، قالت و کانت فاطمه تسال ابابکر نصیبها مما ترک رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم من خیبر و فدک و صدقته بالمدینه. فابی ابوبکر علیها ذلک و قال: لست تارکا شئیا کان رسول‌اللَّه یعمل به الا عملت به فانی اخشی ان ترکت شیئا من امره ان ازیغ، فاما صدقته بالمدینه فدفعها عمر الی علی والعباس، فاما خیبر و فدک فامسکها عمر و قال: هما صدقه رسول‌اللَّه صلی علیه و آله و سلم، کانتا لحقوقه التی تعروه و نوائبه و امرهما الی من ولی الامر، قال فهما علی ذلک الیوم. [۵۴۹] . [صفحه ۳۸۶] ۱۸- ابوداود السجستانی حدثنا عثمان بن ابی‌شیبه، حدثنا محمد بن الفضیل، عن الولید بن جمیع، عن ابی‌الطفیل، قال: جاءت فاطمه رضی‌اللَّه‌عنها الی ابی‌بکر تطلب میراثها من النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم قال: فقال ابوبکر: سمعت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم یقول: ان اللَّه عز و جل اذا اطعم نبیا طعمه فهی للذی یقوم من بعده. [۵۵۰] . ۱۹- احمد بن الحسین البیهقی اخبرنا ابومحمد عبداللَّه بن یحیی بن عبدالجبار ببغداد انبانا اسماعیل بن محمد الصفار، حدثنا احمد بن منصور، حدثنا عبدالرزاق، انبانا معمر عن الزهری، عن عروه، عن عائشه ان فاطمه والعباس رضی‌اللَّه‌عنهما اتیا ابابکر یلتمسان میراثهما من رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم و هما حینئذ یطلبان ارضه من فدک و سهمه من خیبر. فقال لهما ابوبکر سمعت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم و سلم یقول: لا نورث ما ترکناه صدقه انما یاکل آل محمد من هذا المال، واللَّه انی لا ادع امرا رایت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم یصنعه بعد الا صنعته، قال: فضغبت فاطمه رضی‌اللَّه‌عنها و هجرته فلم تکلمه حتی ماتت فدفنها علی رضی‌اللَّه‌عنه لیلا و لم یوذن بها ابابکر. [۵۵۱] . [صفحه ۳۸۷] ۲۰- عنه، عن محمد بن عبداللَّه الحافظ، اخبرنی ابوالنضر محمد بن محمد الفقیه، حدثنا عثمان بن سعید الدرامی، قال: قلت لابی الیمان اخبرک شعیب بن ابی‌حمزه، عن الزهری قال: حدثنی عروه بن الزبیر ان عائشه اخبرته ان فاطمه بنت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم ارسلت الی ابی‌بکر تساله میراثها من رسول‌اللَّه مما افاء اللَّه علی رسوله. و فاطمه حینئذ تطلب صدقه النبی صلی اللَّه علیه و آله التی بالمدینه و فدک و ما بقی من خمس خیبر قالت عائشه فقال ابوبکر ان رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم قال: لا نورث ما ترکناه صدقه انما یاکل آل‌محمد من هذا المال یعنی مال اللَّه لیس لهم ان یزیدوا علی الماکل و انی واللَّه لا اغیر صدقات فانی لا الو فیها عن الخیر و انی لم اکن لا ترک فیها امرا رایت رسول‌اللَّه یصنعه فیها الا صنعته. [۵۵۲] . [صفحه ۳۸۸] ۲۱- روی ابن‌عبدربه باسناده عن عبدالرحمن بن عوف ان ابابکر قال عند موته: وددت انی لم اکشف بیت فاطمه عن شیء و ان کانوا اغلقوه علی الحرب. [۵۵۳] . ۲۲- قال الیعقوبی: کانت بیعه ابی‌بکر یوم الاثنین للیلتین خلتا من شهر ربیع الاول سنه احدی عشره و اتته فاطمه ابنه رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم تطلب میراثها من ابیها فقال لها: قال رسول‌اللَّه: انا معشر الانبیاء لا نورث ما ترکناه صدقه فقالت افی اللَّه ان ترث اباک و انا لا ارث ابی، اما قال رسول‌اللَّه: المرء یحفظ فی ولده؟ فبکی ابوبکر بکاءا شدیدا؟! روی ایضا انه قال عند موته، لیتنی لم افتش بیت فاطمه ینت رسول‌اللَّه و لا ادخله الرجال و لو کان اغلق علی حرب. [۵۵۴] . ۲۳- الطبری حدثنا ابوصالح الضراری، قال: حدثنا عبدالرزاق بن همام، عن معمر، عن الزهری، عن عروه، عن عائشه، ان فاطمه و العباس اتیا ابابکر یطلبان میراثهما من رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم و هما حینئذ یطلبان ارضه من فدک و سهمه من خیبر. فقال لهما ابوبکر اما انی سمعت رسول‌اللَّه یقول: لا نورث ما ترکناه فهو صدقه، انما یاکل آل‌محمد فی هذا المال و انی واللَّه لا [صفحه ۳۸۹] ادع امرا رایت رسول‌اللَّه یصنعه الا صنعته، قال فهجرته فاطمه فلم تکلمه فی ذلک حتی ماتت فدفنها علی لیلا و لم یوذن بها ابابکر. [۵۵۵] . ۲۴- روی ابن ابی‌الحدید عن احمد بن عبدالعزیز الجوهری، انه قال: حدثنا احمد، و قال: حدثنا ابن‌عفیر، قال: حدثنا ابو عوف عبداللَّه بن عبدالرحمان، عن ابی‌جعفر محمد بن علی رضی‌اللَّه‌عنهما ان علیا حمل فاطمه علی حمار، و سار بها لیلا الی بیوت الانصار. یسالهم النصره و تسالهم فاطمه

الانتصـار له، فکانوا یقولون یا بنت رسول‌اللَّه، قـد مضت بیعتنا لهـذا الرجل، لو کان ابن عمک سـبق الینا ابابکر ما عـدلنا به، فقال علی علیه‌السلام اکنت اترک رسول‌اللَّه میتا فی بیته لا اجهزه و اخرج الی الناس انازعهم فی سلطانه. [۵۵۶] .

ما جری لها مع العباس

۱- ابوالعبـاس الحمیری عن ابی‌نصـر البزنطی قـال: سـالت الرضـا علیه‌السـلام عن الحیطـان السـبعه قـال کـان میراثا من [صـفحه ۳۹۰] رسول‌اللَّه صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم وقف و کان رسول‌اللَّه یاخذ منها ما ینفق علی اضیافه و التابعه یلزمه فیها. فلما قبض جاء العباس یخاصم فاطمه علیهاالسـلام و شـهد علی علیه‌السـلام و غیره انها وقف، و هی الدلال و العواف و الحسـنی و الصافیه و مال ام‌ابراهیم، و المیثب و البرقه و قـال: کـان ابوالحسن علیه‌السـلام یرتب الکتـاب. [۵۵۷] . ۲- الشـیخ ابوجعفر الطوسـی اخبرنا محمـد بن محمد قال: اخبرنی محمـد بن احمـد بن عبیـداللَّه المنصوری، قال: حـدثنا سـلیمان بن سـهل، قال: حـدثنا عیسـی بن اسـحاق القرشـی، قال: حدثنا حمدان بن علی الخفاف، قال: حدثنا عاصم بن حمید، عن ابی‌حمزه الثمالی، عن ابی‌جعفر محمد بن علی علیهاالسلام عن ابیه علی بن الحسین، عن محمد بن عمار بن یاسر، عن ابیه عمار رضی‌اللَّه‌عنه قال: لما مرضت فاطمه علیهاالسلام مرضتها التی توفیت فیها و ثقلت جاءهـا العبـاس بن عبـدالمطلب رضـی‌اللَّه‌عنه عائـدا، فقیل له انها ثقلیه و لیس یـدخل علیها احـد، فانصـرف الی داره، فارسل الی علی علیه‌السـلام فقال لرسوله: قال له یا بن اخ عمک یقرئک السلام و یقول لک: [صفحه ۳۹۱] قد فجانی من الغم بشکاه حبیبه رسول‌اللَّه و قره عینه و عینی فـاطمه مـا هـدنی و انی لاظنها اولنا لحوقا برسول‌اللَّه صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم، واللَّه یختار لها و بحبوها و یزلفها لـدیه فان کان من امرها ما لا بد منه فاجمع انا لک الفداء المهاجرین و الانصار حتی یصـیبوا الاجر فی حضورها و الصـلوه علیها و فی ذلک جمال للـدین. فقال علی علیه‌السـلام لرسوله و انا حاضـر عنـده ابلغ عنی السـلام و قل لا عدمت اشـفاقک و تحننک و قد عرفت مشورتک و لرایک فضـله، ان فاطمه بنت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم لم تزل مظلومه من حقها ممنوعه و عن میراثها مدفوعه لم تحفـظ فیهـا وصـیه رسول‌اللَّه و لا ـ روعی حقه و لا حق‌اللَّه عز و جل و کفی باللَّه حاکما و من الظالمین منتقما، و انی اسالک یا عم ان تسـمح لی بترک ما اشـرت به فانها وصتنی بستر امرها. قال: فلما اتی العباس رسوله بما قاله علی علیه‌السلام قال یغفر اللَّه لابن اخی فانه لمغفور له ان رای ابن خی لا یطعن فیه، انه لم یولد لعبد المطلب مولود اعظم برکه من علی الا النبی صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم، ان علیا لم یزل اسـبقهم الی کل مکرمه و اعلمهم بکل قضیه و اشجعهم فی الکریهه و اشدهم جهادا للاعداء فی نصره الحنیفیه و اول من آمن باللَّه و رسوله. [۵۵۸] . [صفحه ۳۹۲] ۳- محمد بن یعقوب، عن محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد، عن ابی‌الحسن الثانی علیه‌السـلام قـال سـالته عن الحیطان السـبعه التی کانت میراث رسول‌اللَّه صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم لفاطمه علیهاالسـلام فقال: لا انما کـانت وقفـا و کان رسول‌اللَّه یاخـذ الیه منها ما ینفق علی اضـیافه و التابعه یلزمه فیها فلما قبض جاء العباس یخاصم فاطمه علیهاالسـلام فیها، فشـهد علی علیه‌السلام انها وقف علی فاطمه علیهاالسلام و هی الدلال، و العواف، و الحسنی، و الصافیه و ما لام ابراهیم و المثیب و البرقه. [۵۵۹] .

وصیتها

۱- محمـد بـن یعقـوب، عـن علی بـن ابراهیـم، عـن ابیه، عن ابن ابی‌نجران، عن عـاصم بن حمیـد، عن ابی‌بصـیر، قـال: قـال ابـوجعفر علیه‌السـلام: الا ـ اقراک وصـیه فـاطمه علیهاالسـلام قـال: قلت بلی، قـال: فـاخرج حقا او سـفطا فاخرج منه کتابا فقراه. بسم اللَّه الرحمن الرحیم هـذا ما اوصت به فاطمه بنت محمد رسول‌اللَّه صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم، اوصت بحوائطها السـبعه [صـفحه ۳۹۳] العواف و الـدلال و البرقه و المثیب و الحسـنی، و الصـافیه و مـا لاـم ابراهیم الی علی بن ابی‌طالب علیه‌السـلام، فان مضـی علی فالی الحسن، فان مضـی الحسن فالی الحسین، فان مضـی الحسـین، فالی الاکبر من ولدی شهد اللَّه علی ذلک و المقداد بن الاسود و الزبیر بن العوام و

کتب علی بن ابی‌طالب. [۵۶۰] . ۳- الشیخ المفید حدثنا ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین، قال: حدثنا ابی، قال:حدثنا احمد بن ادریس قال: حدثنا محمد بن عبدالجبار، عن القاسم بن محمد الرازی، عن علی بن محمد الهرمزانی، عن علی بن الحسین بن علی، عن ابیه الحسین قال: لما [صفحه ۳۹۴] مرضت فاطمه بنت النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم وصت الی علی صلوات اللَّه علیه ان یکتم امرها و یخفی خبرها و لا یوذن احدا بمرضها. ففعل ذلک و کان یمرضها بنفسه، و تعینه علی ذلک اسماء بنت عمیس رحمهااللَّه علی استسرار بذلک کما وصت، فلما حضرتها الوفاه وصت امیرالمومنین علیه‌السلام ان یتولی امرها و یدفنها لیلا و یعفی قبرها، فتولی ذلک امیرالمومنین علیه‌السلام و دفنها و عفی موضع قبرها. فلما نفض یده من تراب القبر، هاج به الحزن، فارسل دموعه علی خدیه و حول وجهه الی قبر رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم فقال: السلام‌علیک یا رسول‌اللَّه منی و السلام‌علیک من ابنتک و حبیبتک و قره عینک و زائرتک و البائته فی الثری ببقعتک و المختار لها اللَّه سرعه اللحاق بک. قال یا رسول‌اللَّه عن صفیتک صبری وضعف عن سیده النساء تجلدی، الا ان فی التاسی لی بسنتک و الحزن الذی حل بی بفراقک موضع التعزی، فلقد وسدتک فی ملحود قبرک بعد ان فاضت نفسک علی صدری و غمضتک بیدی و تولیت امرک بنفسی. نعم و فی کتاب اللَّه انعم القبول و انا للَّه و انا الیه راجعون، لقد استرجعت الودیعه، و اخذت الرهینه، و اختلست الزهراء، فما اقبح الخضراء و الغبراء یا رسول‌اللَّه، اما حزنی فسرمد، و اما لیلی فمسهد، [صفحه ۳۹۵] لا یبرح الحزن من قلبی، او یختار اللَّه لی دارک التی انت فیها مقیم، کمد مقیح و هم مهیج، سرعان ما فرق بیننا و الی اللَّه اشکو. ستنبئک ابنتک بتظافر امتک علی و علی هضمها حقها، فاستجبرها الحال، فکم من غلیل معتلج بصدرها لم تجد الی بثه سبیلا و ستقول و بحکم‌اللَّه و هو خیر الحاکمین، سلام علیک یا رسول‌اللَّه سلام مودع، لا سئم و لا قال: فان انصرف فلا عن ملاله و ان اقم فلا عن سوء ظن بما وعد اللَّه الصابرین والصبر ایمن و اجمل. لولا غلبه المستولین علینا لجعلت المقام عند قبرک لزاما و للبثت عنده معکوفا و لا عولت اعوال الثکلی علی جلیل الرزیه، فبعین اللَّه تدفن ابنتک سرا،و تهتضم حقها قهرا، و تمنع ارثها جهرا، و لم یطل العهد، و لم یخل منک الذکر،فالی اللَّه یا رسول‌اللَّه المشتکی و فیک اجمل العزاء و صلوات اللَّه علیک و علیها و رحمه‌اللَّه و برکاته. [۵۶۱] . ۴- ابوجعفر الطبری الامالی حدثنی ابواسحاق الباقرحی، قال: حدثتنی خدیجه، قالت: حدثنا ابوعبداللَّه، قال: حدثنا ابواحمد، قال: حدثنا یغدان، قال: حدثنا ابویعلی محمد بن الصلت الثوری، قال: حدثنا عبداللَّه بن سعید الاموی، قال: حدثنا ابوصفوان، عن ابن‌جریح، عن جعفر بن محمد عن آبائه علیهم [صفحه ۳۹۶] السلام. ان فاطمه علیهاالسلام اوصت لازواج النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم لکل واحده منهن اثنتا عشر اوقیه و لنساء بنی‌هاشم مثل ذلک و اوصت لامامه بنت ابی‌العاص بشیء. [۵۶۲] . ۵- عنه، حدثنی ابواسحاق الباقرحی، قال: حدثتنا خدیجه، قالت اخبرنا ابوعبداللَّه، قال: حدثنا ابواحمد الجلودی، قال: حدثنا زکریا بن یحیی، قال: حدثنا الربیع بن سلیمان الرازی، قال: حدثنا الشافعی، قال: حدثنا عمر بن محمد بن علی بن شافع، قال: اخبرنی عبداللَّه بن الحسن بن الحسن، عن زید بن علی ان فاطمه بنت رسول‌اللَّه تصدقت بمالها علی بنی‌هاشم و بنی‌عبدالمطلب و ان علیا تصدق علیهم و ادخل معهم غیرهم. [۵۶۳] . ۶- قال الاربلی: و روی انه لما حضرت فاطمه علیهاالسلام الوفاه دعت علیا علیه السلام فقالت انفذ انت وصیتی و عهدی، او واللَّه لاعهدن الی غیرک، فقال علیه‌السلام بلی انفذها، فقالت علیهاالسلام اذا انامت فادفنی لیلا و لا توذن ابابکر و عمر. قال: فلما اشتدت علیها اجتمع الیها نساء من المهاجرین و الانصار، فقلن: کیف اصبحت یا بنت رسول‌اللَّه، فقالت اصبحت [صفحه ۳۹۷] واللَّه عائفه لدنیاکم. [۵۶۴] . ۷- قال و عن اسماء بنت عمیس قالت اوصتنی: فاطمه علیهاالسلام ان لا یغسلها اذا ماتت الا انا و علی علیه‌السلام، فغسلتها انا و علی علیه‌السلام. [۵۶۵] . ۸- روی العلامه المجلسی عن کتاب مصباح الانوار عن ابی‌جعفر علیه‌السلام قال محمد بن اسحاق و حدثنی ابوجعفر محمد بن علی ان فاطمه عاشت بعد رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم سته اشهر قال و ان فاطمه بنت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم کتبت هذا الکتاب: بسم اللَّه الرحمن الرحیم هذا ما کتبت فاطمه بنت محمد فی مالها ان حدث بها حادث، تصدقت بثمانین اوقیه تنفق علیها من ثمارها التی لها کل عام فی کل رجب بعد نفقه السقی و نفقه المغل، و انها انفقت اثمارها العام و اثمار القمح عاما قابلا فی اوان غلتها، وانما امرت لنساء ابیها خمس و اربعین اوقیه و امرت

لفقراء بنی‌هاشم و بنی‌عبدالمطلب بخمسین اوقیه. کتبت فی اصل مالها فی المدینه ان علیا علیه‌السلام سالها ان تولیه مالها فیجمع مالها الی مال رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم، فلا یفرق ویلیه ما دام حیا، فاذا حدث به حادث دفعه الی ابنی [صفحه ۳۹۸] الحسن و الحسین فیلیانه، و انی دفعت الی علی بن ابی‌طالب علی انی اللّه فیه فیدفع مالی و مال محمد صلی اللّه علیه و آله و سلم لا یفرق منه شیئا. یقضی عنی من اثمار المال ما امرت به و ما تصدقت بها فاذا قضی اللّه صدقتها و ما امرت به فالامر بید اللّه تعالی و بید علی یتصدق و ینفق حیث شاء لا حرج علیه، فاذا حدث به حدث دفعه الی ابنی الحسن و الحسین المال جمیعا مالی و مال محمد صلی اللّه علیه و آله و سلم. فینفقان و یتصدقان حیث شاءا و لا حرج علیهما و ان لابنه جندب یعنی بنت ابی‌ذر الغفاری التابوت الاصفر و تعطی من المال ما کان و نعلی الادمیین و النمط و الجب و السریر و الزربیه و القطیفتین. ان حدث باحد ممن اوصیت له قبل ان یدفع الیه، فانه ینفق فی الفقراء و المساکین و ان الاستار لا تستتر بها امراه الا احدی ابنتی غیر ان علیا یستتر بهن، ان شاء مالم ینکح و ان هذا ما کتبت فاطمه فی مالها وقضت فیه و اللّه شهید، و المقداد بن الاسود و الزبیر بن العوام و علی بن ابی‌طالب، کتبتها و لیس علی علی حرج فیها فعل من معروف. [۵۶۶] . قال جعفر بن محمد قال ابی: هذا وجدناه و هکذا وجدنا [صفحه ۳۹۹] وصیتها علیهاالسلام. [۵۶۷] . ۹- عنه، عن کتاب مصباح الانوار، عن ابی‌جعفر عن ابائه علیهم‌السلام قال: لما حضرت فاطمه الوفاه کانت قد ذابت من الحزن، و ذهب لحمها، فدعت اسماء بنت عمیس و قال ابوبصیر فی حدیثه عن ابی‌جعفر علیه‌السلام انها دعت امایمن، فقالت یا امایمن اصنعی لی نعشا یواری جسدی، فانی قد ذهب لحمی. فقالت لها: یا بنت رسول‌اللّه الا اریک شیئا یصنع فی ارض الحبشه، قالت فاطمه: بلی فصنعت لها مقدار ذراع من جرائد النخل، و طرحت فوق النعش ثوبا فغطاه، فقالت فاطمه علیهاالسلام سترتینی سترک اللّه من النار. قال الفرات بن احنف فی حدیثه، قال: ابوجعفر علیه‌السلام: و ذلک النعش اول نعش عمل علی جنازه امراه فی الاسلام. [۵۶۸] . ۱۰- عنه، عن کتاب مصباح الانوار، عن جعفر بن محمد، عن آبائه علیهم‌السلام قال: اوصت فاطمه علیهاالسلام ان لا یصلی علیها ابوبکر و لا عمر، فلما توفیت اتاه العباس فقال: ما ترید ان تصنع قال: اخرجها لیلا، قال: فذکر کلمه خوفه بها العباس منهما، قال: فاخرجها لیلا فدفنها ورش الماء علی قبرها. [صفحه ۴۰۰] قال: فلما صلی ابوبکر الفجر التفت الی الناس، فقال: احضروا بنت رسول‌اللّه فقد توفیت فی هذه اللیه، قال: فذهب لیحضرها فاذا علی قد خرج بها و دفنها، و مضی فاستقبل علیا راجعا، فقال له: هذا مثل استیثارک علینا بغسل رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم وحدک، فقال امیرالمومنین علیه‌السلام، هی و اللّه اوصتنی ان لا تصلیا علیها. [۵۶۹] . ۱۱- عنه، عن کتاب سلیم بن قیس، عن ابان بن ابی‌عیاش عنهما عن سلمان و ابن‌عباس فی حدیث طویل قالا فبقیت فاطمه بعد ابیها اربعین لیله، فلما اشتد بها الامر دعت علیا و قالت: یا بن عم ما ارانی الا لما بی. ۱۲- عنه، عن مصباح الانوار، عن مروان الاصفر ان فاطمه بنت رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم حین ثقلت فی مرضها، اوصت علیا علیه‌السلام فقالت: انی اوصیک ان لا یلی غسلی و کفنی سواک، فقال: نعم، فقالت: و اوصیک ان تدفننی و لا توذن [صفحه ۴۰۱] بی احدا. [۵۷۰] . ۱۳- عنه، عن مصباح الانوار، عن ابی‌عبداللّه، عن آبائه قال: ان فاطمه علیهاالسلام لما احتضرت اوصت علیا علیه‌السلام، فقالت: اذا انا مت فتول انت غسلی و جهزنی و صل علی و انزلنی قبری و الحدنی وسو التراب علی و اجلس عند راسی قباله وجهی. فاکثر من تلاوه القرآن و الدعاء، فانها ساعه یحتاج المیت فیها الی انس الاحیاء و انا استودعک اللّه تعالی و اوصیک فی ولدی خیرا ثم ضمت الیها ام‌کلثوم فقالت له: اذا بلغت فلها ما فی المنزل ثم اللّه فیها، فلما توفیت فعل ذلک امیرالمومنین علیه‌السلام و دفنها لیلا فی دار عقیل فی الزاویه الثالثه من صدر الدار. [۵۷۱] .

وفاتها

۱- قال الکلینی: توفیت فاطمه علیهاالسلام و لها ثمان عشره سنه و خمسه و سبعون یوما و بقیت بعد ابیها خمسه و سبعین [صفحه ۴۰۲] یوما. [۵۷۲] . ۲- عنه، عن احمد بن مهران رحمه‌اللّه رفعه و احمد بن ادریس، عن محمد بن عبدالجبار الشیبانی، قال: حدثنی

القاسم بن محمد الرازی، قال: حدثنا علی بن محمد الهرمزانی، عن ابی‌عبداللَّه الحسین علیه‌السلام قال: لما قبضت فاطمه علیهاالسلام دفنها امیرالمومنین سرا و عفا علی موضع قبرها. ثم قام فحول وجهه الی قبر رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم فقال: السلام‌علیک یا رسول‌اللَّه عنی والسلام علیک عن ابنتک و زائرتک و البائته فی الثری ببقعتک و المختار اللَّه لها سرعه اللحاق بک، قل یا رسول‌اللَّه عن صفیتک صبری و عفا عن سیده نساء العالمین تجلدی، الا ان لی فی التاسی بسنتک فی فرقتک موضع تعز: فلقد وسدتک فی ملحوده قبرک وفاضت نفسک بین نحری وصدری، بلی و فی کتاب اللَّه لی انعم القبول، انا للَّه و انا الیه راجعون، قد استرجعت الودیعه و اخذت الرهینه، و اخلست الزهراء، فما اقبح الخضراء والغبراء یا رسول‌اللَّه، اما حزنی فسرمد و اما لیلی فمسهد و هم لا یبرح من قلبی او یختاراللَّه لی دارک التی انت فیها مقیم. [صفحه ۴۰۳] مکد مقیح، و هم مهیج، سرعان ما فرق بیننا و الی اللَّه اشکو وستنبئک ابنتک بتظافر امتک علی هضمها فاحفها السوال و استخبرها الحال، فکم من غلیل معتلج بصدرها لم تجد الی بثه سبیلا و ستقول و یحکم اللَّه و هو خیر الحاکمین، سلام مودع لا قال و لا سئم، فان انصرف فلا عن ملاله و ان اقم فلا عن سوءظن بما وعداللَّه الصابرین. واه واها و الصبر ایمن و اجمل، و لو لا غلبه المستولین لجعلت المقام و اللبث لزاما معکوفا و لا عولت اعوال الثکلی علی جلیل الرزیه، فبعین اللَّه تدفن ابنتک سرا و تهضم حقها و تمنع ارثها و لم یتباعد العهد و لم یخلق منک الذکر و الی اللَّه یا رسول‌اللَّه المشتکی و فیک یا رسول‌اللَّه احسن العزاء صلی اللَّه علیک و علیهاالسلام و الرضون. [۵۷۳] . ۳- عنه، عن عده من اصحابنا، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن احمد بن محمد بن ابی‌نصر، عن عبدالرحمان بن سالم، عن المفضل، عن ابی‌عبداللَّه علیه‌السلام قال: قلت لابی عبداللَّه علیه‌السلام: من غسل فاطمه؟ قال: ذاک امیرالمومنین علیه‌السلام و کانی استعظمت ذلک من قوله. فقال: کانک ضقت بما اخبرتک به؟ قال: فقلت قد کان ذلک [صفحه ۴۰۴] جعلت فداک، قال: فقال: لا تضیقن فانها صدیقه و لم یکن یغسلها الا صدیق، اما علمت ان مریم لم یغسلها الا عیسی. [۵۷۴] . ۴- عنه، عن عده من اصحابنا، عن احمد بن محمد، عن الحسین بن سعید، عن النضر بن سوید، عن هشام بن سالم عن ابی‌عبداللَّه علیه‌السلام قال سمعته یقول: عاشت فاطمه سلام‌اللَّه‌علیها بعد رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم خمسه وسبعین یوما، لم تر کاشره و لا ضاحکه، تاتی قبور الشهداء فی کل جمعه مرتین الاثنین و الخمیس فتقول: هیهنا کان رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و اله و سلم وهیهنا کان المشرکون. و فی روایت اخری، ابان، عمن اخبره، عن ابی‌عبداللَّه علیه‌السلام انها کانت تصلی هناک و تدعو حتی ماتت علیهاالسلام. [۵۷۵] . ۵- الصدوق باسناده عن بکر بن عبداللَّه قال: حدثنا محمد بن عبیداللَّه و عبداللَّه بن الصلت الجحدری، قالا: حدثنا ابن عائشه، عن عبداللَّه بن عبدالرحمان الهمدانی، عن ابیه، قال: لما دفن علی بن ابی طالب فاطمه علیهماالسلام قام علی شفیر القبر و ذلک فی جوف اللیل لانه کان دفنها لیلا ثم انشا یقول: لکل اجتماع من خلیلین فرقه وکل الذی دون الممات قلیل [صفحه ۴۰۵] و ان افتقادی واحد بعد واحد دلیل علی ان لا یدوم خلیل سیعرض عن ذکری و تنسی مودتی و یحدث بعدی للخلیل خلیل [۵۷۶] . ۶- عنه، حدثنا علی بن احمد بن محمد رضی‌اللَّه‌عنه، قال: حدثنا محمد بن ابی‌عبداللَّه الکوفی، قال: حدثنا موسی بن عمران النخعی، عن عمه الحسین بن یزید، عن الحسن بن علی بن ابی‌حمزه، عن ابیه، قال: سالت اباعبداللَّه علیه‌السلام لای عله دفنت فاطمه علیهاالسلام باللیل و لم تدفن بالنهار؟ قال لانها اوصت ان لا یصلی علیها رجال. [۵۷۷] . ۷- عنه، حدثنا محمد بن عمیر البغدادی الحافظ قال: حدثنی احمد بن الحسین بن عبدالکریم ابوعبداللَّه، قال: حدثنی عتاب یعنی ابن‌صهیب، قال: حدثنا عیسی بن عبداللَّه العمری، قال: حدثنی ابی، عن ابیه، عن جده، عن علی علیه‌السلام. قال: خلقت الارض لسبعه بهم یرزقون و بهم یمطرون و بهم ینصرون: ابوذر، سلمان،و المقداد، و حذیفه و عبداللَّه بن مسعود، قال علی علیه‌السلام و انا امامهم و هم الذین شهدوا الصلاه علی فاطمه علیهاالسلام. [۵۷۸] . [صفحه ۴۰۶] ۸- قال الشیخ ابن‌جعفر الطوسی رضوان‌اللَّه‌علیه: «فی الیوم الثالث من جمادی الاخره کانت وفاه فاطمه بنت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم سنه احدی عشر و قال ایضا انها توفیت فی الیوم الحادی و العشرین من شهر رجب، فی قول ابن‌عیاش. [۵۷۹] . ۹- عنه باسناده، عن احمد بن یحیی بن زکریا، عن ابیه، عن حمید بن المثنی، عن عبدالرحمن الحذاء، عن ابی‌عبداللَّه علیه‌السلام، قال: اول نعش احدث فی الاسلام نعش فاطمه علیهاالسلام

انها اشتکت شکوتها التی قبضت فیها و قالت لاسماء انی نحلت و ذهب لحمی الا تجعلی لی شیئا یسترنی؟ قالت اسماء: انی کنت بارض الحبشه رایتهم یصنعون شیئا، افلا اصنع لک؟ فان اعجبک صنعت لک قالت نعم فدعت بسریر فاکبته لوجهه ثم دعت بجرائد فشدته علی قوائمه، ثم جللته ثوبا، فقالت هکذا رایتهم یصنعون، فقالت اصنعی لی مثله استرینی سترک‌اللَّه. [۵۸۰] . ۱۰- عنه‌رحمه‌اللَّه اخبرنا ابن‌حمویه، قال: حدثنا ابوالحسین، قال: حدثنا ابوخلیفه، قال: حدثنا العباس، قال: حدثنا محمد بن ابی‌رجا ابوسلیمان، عن ابراهیم بن سعد، عن [صفحه ۴۰۷] ابی‌اسحاق، عن ابی‌عبداللَّه بن علی بن ابی‌رافع، عن ابیه، عن سلمی امراه ابی‌رافع ابی‌رافع قالت: مرضت فاطمه فلما کان فی الیوم الذی ماتت فیه قالت: هیئی لی ماء، فصببت لها فاغتسلت کاحسن ما کانت تغتسل، ثم قالت: ائتینی ثیابی الجدد فلبستها، ثم اتت البیت الذی کانت فیه، فقالت افرشی لی فی وسطه، ثم اضطجعت و استقبلت القبله و وضعت یدها تحت خدها و قالت انی مقبوضه الان، فلا اکشفن فانی قد اغتسلت، قالت و ماتت، فلما جاء علی اخبرته فقال: لاتکشفن فحملها یغسلها. [۵۸۱] . ۱۱- قال الفتال النیسابوری: ان فاطمه علیهاالسلام قالت: اوصیک یا بن عم ان لا یشهد احد جنازتی من هولاء الذین ظلمونی و اخذوا حقی، فانهم اعدائی و اعداء رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم و لا تترک ان یصلی علی احد منهم و لا من اتباعهم و ادفنی فی اللیل اذا هدات العیون و نامت الابصار، ثم توفیت صلوات اللَّه علیها و علی ابیها و بعلها و بنیها. فصاحت اهل المدینه صیحه واحده واجتمعت نساء بنی‌هاشم فی دارها فصرخن صرخه واحده کادت المدینه ان تزعزن من صراخهن و هن یقلن یا سیدتاه یا بنت رسول‌اللَّه و اقبل الناس مثل [صفحه ۴۰۸] عرف الفرس الی علی و هو جالس و الحسن و الحسین علیهماالسلام بین یدیه یبکیان فبکا الناس لبکائهما. خرجت ام‌کلثوم و علیها برقعه و تجر ذیلها متحلله برداء علیها تسبیحها و هی تقول یا ابتاه یا رسول‌اللَّه الان حقا فقدناک فقدا لا لقاء بعده ابدا و اجتمع الناس فجلسوا و هم یرجون و ینتظرون ان تخرج الجنازه فیصلون علیها و خرج ابوذر فقال: انصرفوا فان ابنه رسول‌اللَّه قد اخر اخراجها فی هذه العشیه. فقام الناس و انصرفوا، فلما ان هدات العیون و مضی من اللیل اخرجها علی و الحسین و الحسین علیهم‌السلام و عمار و مقداد و عقیل و الزبیر و ابوذر و سلمان و بریده و نفر من بنی‌هاشم و خواصه صلوا علیها و دفنوها فی جوف اللیل و سوی علی حوالیها قبورا مزوره مقدار سبعه حتی لا یعرف قبرها. قال بعضهم من الخواص: قبرها سوی مع الارض مستویا، فمسحها مسحا سواء مع الارض حتی لا یعرف احد موضعه و قالوا لیس قبرها بالبقیع، انما قبرها بین قبر رسول‌اللَّه و منبره لا بالبقیع الغرقد و تصحیح ذلک قوله علیه‌السلام: بین قبری و منبری روضه من ریاض الجنه، انما اراد بهذا القول قبر فاطمه. [۵۸۲] . ۱۲- عنه، قال جابر سمعت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم [صفحه ۴۰۹] و سلم یقول لعلی قبل موته بثلاث سلام‌اللَّه علیک یا اباالریحانتین اوصیک بریحانتی من الدنیا، فعن قلیل ینهد رکناک واللَّه خلیفتی علیک، فلما قبض رسول‌اللَّه قال علی هذا احد رکنی الذی قال لی رسول‌اللَّه فلما ماتت فاطمه قال علی هذا الرکن الثانی الذی قال لی رسول‌اللَّه علیه‌السلام. [۵۸۳] . ۱۳- ابوجعفر الطبری الامامی باسناده قال: و روی انها قبضت لعشر بقین من جمادی الاخره و قد کمل عمرها یوم قبضت ثمانی عشره سنه و خمسه و ثمانین یوما بعد وفاه ابیها، فغسلها امیرالمومنین و لم یحضرها غیره و الحسن و الحسین و زینب و ام‌کلثوم و فضه جاریتها و اسماء بنت عمیس. اخرجها الی البقیع لیلا ومعه الحسنان و صلی علیها و لم یعلم بها و لا حضر وفاتها و لا صلی علیها احد من سائر الناس غیرهم، و دفنها فی الروضه و عفی موضع قبرها، و اصبح البقیع لیله مدفنها فیه اربعون قبرا جدیدا، و لما علم المسلمون بوفاتها جاءوا الی البقیع، فوجدوا فیه اربعون قبرا، فاشکل علیهم قبرها من سائر القبور. فضج الناس و لام بعضهم بعضا و قالوا لم یخلف فیکم نبیکم الا بنتا واحده تموت و تدفن و لم تحضروا وفاتها و لا دفنها و لا الصلاه علیها، بل و لم تعرفوا قبرها، فقال ولاه الامر منهم هاتوا من نساء [صفحه ۴۱۰] المسلمین، من ینبش هذه القبور، حتی نجدها فنصلی علیها و نعین قبرها، فبلغ ذلک امیرالمومنین علیه‌السلام. فخرج مغضبا قد احمرت عیناه و درت اوداجه و علیه القباء الاصفر الذی کان یلبسه فی الکریهه و هو یتوکا علی سیفه ذی الفقار، حتی اتی البقیع، فسار الی الناس من انذرهم و قال: هذا علی قد اقبل کما ترونه و هو یقسم باللَّه لئن حول من هذه القبور حجر لیضعن السیف فی رقاب الامرین. فتلقاه الرجل و من معه من اصحابه و قال له مالک یا اباالحسن واللَّه لننبشن قبرها و نصلی علیها، فاخذ علی

بجوامع ثوبه، ثم ضرب به الارض، و قال یا بن السوداء، اما حقی فقد ترکته مخافه ارتداد الناس عن دینهم. اما قبر فاطمه فوالذی نفس علی بیده لئن رمت انت او اصحابک شیئا لا سقین الارض من دمائکم فان شئت فافعل یا ثانی، و جاء الاول و قال له: یا اباالحسن بحق رسول‌اللّه و بحق فاطمه الا خلیت عنه، فانا لسنا فاعلین شیئا تکرهه، فخلی عنه و تفرق الناس و لم یعودوا الی ذلک. [۵۸۴] . ۱۴- قال الطبرسی: و روی عن جابر بن یزید قال: سئل الباقر علیه‌السلام کم عاشت فاطمه علیهاالسلام بعد [صفحه ۴۱۱] رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم قال: اربعه اشهر و توفیت و لها ثلاث و عشرون و هذا قریب مما روته العامه انها ولدت سنه احدی و اربعین من مولد رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم فتکون بعد المبعث بسنه. [۵۸۵] . ۱۵- قال ابن‌شهر آشوب عاشت بعد ابیها اثنان و سبعون یوما و یقال خمسه و سبعون یوما و قیل اربعه اشهر و قال القربانی: قد قیل اربعون یوما و هو اصح، و توفیت لیله الاحد لثلاث عشر لیله خلت من شهر ربیع الاخر سنه احدی عشر من الهجره. [۵۸۶] . ۱۶- قال: و روی انها ما زالت بعد ابیها معصبه الراس، ناحله الجسم، منهده الرکن، باکیه العین محترقه القلب، یغشی علیها ساعه بعد ساعه و تقول لولدیها این ابوکما الذی کان یکرمکما و یحملکما مره بعد مره، این ابوکما الذی کان اشد الناس شفقه علیکما، فلا یدعکما تمشیان علی الارض و لا اراه یفتح هذا الباب ابدا و لا یحملکما علی عاتقه کما لم یزل یفعل بکما. ثم مرضت و مکثت اربعین لیله، ثم دعت امایمن و اسماء بنت عمیس و علیا علیه‌السلام و اوصت الی علی بثلاث ان یتزوج بابنه اختها امامه لحبها اولادها،و ان یتخذ نعشا کانها کانت رات الملائکه تصوروا صورته و وصفته له، و ان لا یشهد احد جنازتها ممن ظلمها [صفحه ۴۱۲] و ان لا یترک ان یصلی علهیا احد منهم. [۵۸۷] . ۱۷- عنه، عن الواقدی ان فاطمه لما حضرتها الوفاه اوصت علیا ان لا یصلی علیها ابوبکر و عمر فعمل بوصیتها. [۵۸۸] . ۱۸- عنه، عن عیسی بن مهران، عن مخول بن ابراهیم عن عمرو بن ثابت، عن ابی‌اسحاق، عن ابی‌جبیر، عن ابن‌عباس، قال: اوصت فاطمه ان لا یعلم اذا ماتت ابوبکر و لا عمر، و لا یصلیا علیها، قال: فدفنها علی لیلا و لم یعلمهما بذلک. [۵۸۹] . ۱۹- عنه، عن تاریخ ابی‌بکر بن کامل قالت عائشه: عاشت فاطمه بعد رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم سته اشهر، فلما توفیت دفنها علی لیلا وصلی علیها. [۵۹۰] . ۲۰- عنه، عن ابی‌الحسن الخزاز القمی فی الاحکام الشرعیه سئل ابوعبداللّه علیه‌السلام عن فاطمه من غسلها؟ فقال غلسها امیرالمومنین لانها کانت صدیقه لم یکن لیغسلها الا صدیق. [۵۹۱] . ۲۱- قال الاربلی: قیل قالت فاطمه علیهاالسلام لاسماء بنت عمیس حین توضت وضوءها للصلاه: هاتی طیبی الذی اتطیب به، و هاتی ثیابی التی اصلی فیها، فتوضات ثم وضعت راسها فقالت [صفحه ۴۱۳] لها اجلسی عند راسی، فاذا جاء وقت الصلاه فاقیمینی، فان قمت و الا فارسلی الی علی. فلما جاء وقت الصلوه قالت: الصلوه یا بنت رسول‌اللّه، فاذا هی قد قبضت فجاء علی فقالت له: قد قبضت ابنه رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم قال متی قالت حین ارسلت الیک، قال: فامر اسماء فغسلتها و امر الحسن و الحسین علیهماالسلام یدخلان الماء و دفنها لیلا و سوی قبرها، فعوتب علی ذلک فقال: بذلک امرتنی. [۵۹۲] . ۲۲- قال: و روی انها بقیت بعد ابیها اربعین صباحا، و لما حضرتها الوفاه قالت لا سماء ان جبرئیل اتی النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم لما حضرته الوفاه بکافور من الجنه، فقسمه ثلاثا، ثلث لنفسه و ثلث لعلی و ثلث لی و کان اربعین درهما و قالت: یا اسماء ائتینی ببقیه حنوط و الدی من موضع کذا و کذا فضعیه عند راسی، فوضعته. ثم تسجت بثوبها و قالت انتظرینی هنیهه ثم ادعینی، فان اجبتک و الا فاعلمی انی قد قدمت علی ابی، فانتظرتها هنیهه ثم نادتها فلم تجبها، فنادت یا بنت محمد الصطفی، یا بنت اکرم من حملته النساء یا بنت خیر من وطا الحصاء، یا بنت من کان من ربه [صفحه ۴۱۴] قاب قوسین او ادنی. قال: فلم تجبها، فکشفت الثوب عن وجهها، فاذا بها قد فارقت الدنیا، فوقعت علیها تقبلها و هی تقول: فاطمه اذا قدمت علی ابیک رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم فاقرئیه عن اسماء علی ابیک رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم فاقرئیه عن اسماء بنت عمیس السلام فبینا هی کذلک دخل الحسن و الحسین فقالا: یا اسماء ما ینیم امنا فی هذه الساعه؟ قالت یا بنی رسول‌اللّه لیست امکما نائمه، قد فارقت الدنیا، فوقع علیها الحسن یقبل مره و یقول یا اماه کلمینی قبل ان تفارق روحی بدنی، قال: واقبل الحسین یقبل رجلیها و یقول یا اماه انا ابنک الحسین کلمینی قبل ان ینصدع قلبی فاموت، قالت لهما اسماء یا بنی رسول‌اللّه انطلقا الی ابیکما علی فاخبراه بموت امکما. فخرجا حتی اذا کانا قرب المسجد رفعا صوتهما

بالبکاء فابتدرهم جمیع الصحابه فقالوا: ما یبکیکما یا بنی رسول‌اللَّه لا ابکی اللَّه اعینکما لعلکما نظرتما الی موقف جدکما صلی اللَّه علیه و آله و سلم فبکیتما شوقا الیه، فقالا: لا او لیس قد ماتت امنا فاطمه صلوات اللَّه علیها، قال فوقع علی علی وجهه یقول بمن العزاء یا بنت محمد کنت بک اتعزی ففیم العزاء من بعدک؟ ثم قال: لکن اجتماع من خلیلین فرقه وکل الذی دون الفراق قلیل و ان افتقادی فاطما بعد احمد دلیل علی ان لا یدوم خلیل [صفحه ۴۱۵] ثم قال: یا اسماء غسلیها و حنطیها و کفنیها، قال: فغسلوها و کفنوها و حنطوها و صلوا علیها لیلا و دفنوها بالبقیع و ماتت بعد العصر، قال ابن‌بابویه رحمه‌اللَّه جاء هذا الخبر هکذا و الصحیح عندی انها دفنت فی بیتها، فلما زاد بنوامیه فی المسجد صارت فی المسجد. قال الاربلی: الظاهر المشهور مما نقله الناس و ارباب التواریخ و السیر انها علیهاالسلام دفنت بالبقیع. [۵۹۳] . ۲۳- قال: و نقلت من کتاب الذریه الطاهره للدولابی فی وفاتها علیهاالسلام ما نقله عن رجاله قال لبثت فاطمه بعد النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم ثلاثه اشهر و قال ابن‌شهاب: سته اشهر و قال الزهری، سته اشهر و مثله عن عائشه و مثله عن عروه بن الزبیر. [۵۹۴] . ۲۴- قال: و عن ابی‌جعفل محمد بن علی علیهاالسلام خمسا و تسعین لیله فی سنه احدی عشره و قال ابن‌قتیبه فی معارفه مائه یوم و قیل ماتت فی سنه احدی عشره لیله الثلاثاء لثلاث لیال من شهر رمضان و هی بنت تسع و عشرین سنه او نحوها. [۵۹۵] . ۲۵- روی العلامه المجلسی عن مصباح الانوار، عن جعفر بن محمد، عن آبائه علیهم‌السلام قال: ماتت فاطمه علیهاالسلام [صفحه ۴۱۶] ما بین المغرب و العشاء. [۵۹۶] . ۲۶- عنه، عن مصباح الانوار عن عبداللَّه بن الحسن، عن ابیه، عن جده علیه‌السلام ان فاطمه بنت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم لما احتضرت نظرت نظرا حادا، ثم قالت: السلام علی جبرئیل السلام علی رسول‌اللَّه اللهم مع رسولک، اللهم فی رضوانک وجوارک و دارک دار السلام. ثم قالت: اترون ما اری؟ فقیل لها ما ترین؟ قالت: هذه مواکب اهل السماوات و هذا جبرئیل السلام علی رسول‌اللَّه و یقول: یا بنته اقدمی، فما امامک خیر لک. [۵۹۷] . ۲۸- و عن مصباح الانوار عن ابی‌جعفر ان فاطمه عاشت بعد رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم سته اشهر. [۵۹۸] . ۲۹- عنه، عن ابی‌جعفر علیه‌السلام قال: مکثت فاطمه علیهاالسلام فی مرضها خمسه عشر یوما و توفیت. [۵۹۹] . [صفحه ۴۱۷] ۳۰- عنه، عن جعفر بن محمد علیهماالسلام قال: شهد دفنها سلمان الفارسی، و المقداد بن الاسود و ابوذر الغفاری و ابن‌مسعود و العباس بن عبدالمطلب و الزبیر بن العوام. [۶۰۰] . ۳۱- عنه، عن ابی‌جعفر: عن ابائه علیهم‌السلام: ان فاطمه بنت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم عاشت بعد النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم سته اشهر، ما رویت ضاحکه، و عنه علیه‌السلام ان فاطمه کفنت فی سبعه اثواب. [۶۰۱] . ۳۲- عنه، عن حسین بن علوان، عن سعد بن طریف، عن ابی‌جعفر علیه‌السلام قال: بدو مرض فاطمه بعد خمسین لیله من وفاه رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم، فعلمت انها الوفاه فاجتمعت لذلک تامر علیا بامرها و توصیه وصیتها و تعهد الیه عهودها و امیرالمومنین علیه‌السلام یجزع لذلک و یطیعها فی جمیع ما تامره. فقالت یا اباالحسن ان رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم عهد الی و حدثنی انی اول اهله لحوقا به و لا- بد مما لا- بد عنه، فاصبر لامر اللَّه تعالی و ارض بقضائه، قال: و اوصته بغسلها و جهازها و دفنها لیلا، ففعل و اوصته بصدقتها و ترکتها، قال: فلما فرغ امیرالمومنین علیه‌السلام من دفنها لقیه الرجلان فقالا له ما حملک علی [صفحه ۴۱۸] ما صنعت؟ قال وصیتها و عهدها. [۶۰۲] . ۳۳- روی العلامه المجلسی عن کتاب عیون المعجزات روی ان فاطمه علیهاالسلام توفقیت و لها ثمانیه عشر سنه و شهران، و اقامت بعد النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم خمسه و سبعین یوما و روی اربعین یوما و تولی غسلها و تکفینها امیرالمومنین علیه‌السلام و اخرجها و معه الحسن والحسین فی اللیل و صلوا علیها و لم یعلم بها احد. دفنها فی البقیع وجدد اربعین قبرا، فاستشکل علی الناس قبرها فاصبح الناس و لام بعضهم بعضا و قالوا ان نبینا صلی اللَّه علیه و آله و سلم خلف بنتا و لم نحضر وفاتها و الصلاه علیها و دفنها و لا نعرف قبرها فنزورها، فقال من تولی الامره هاتوا من نساء المسلمین من تنبش هذه القبور حتی نجد فاطمه علیهاالسلام و نصلی علیها و نزور قبرها. فبلغ ذلک امیرالمومنین علیه‌السلام فخرج مغضبا قد احمرت عیناه و قد تقلد سیفه ذا الفقار حتی بلغ البقیع و قد احتمعوا فقه فقال علیه‌السلام: لو نبشتم قبرا من هذه القبور لو ضعت السیف فیکم فتولی القوم عن البقیع. [۶۰۳] . ۳۴- عنه، عن بعض کتب المناقب، اختلفت الروایات فی [صفحه ۴۱۹] وقت وفاتها ففی روایه انها بقیت بعد رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه

و آله و سلم شهرین و فی روایه ثلاثه اشهر و فی روایه مائه یوم و ما روایه ثمانیه اشهر. [۶۰۴] . ۳۵- عنه قال و ذکر الحاکم ان فاطمه لما ماتت انشا علی علیه‌السلام. نفسی علی زفراتها محبوسه یا لیتها خرجت مع الزفرات لاخیر بعدک فی الحیاه و انما ابکی مخافه ان تطول حیاتی [۶۰۵] . ۳۶- عنه، عن سید الحفاظ ابی منصور الدیلمی باسناده ان عبداللّه بن الحسن دخل علی هشام بن عبدالملک و عنده الکلبی، فقال هشام لعبداللّه بن الحسن یا ابامحمد کم بلغت فاطمه بنت رسول‌اللّه من السن؟ فقال: بلغت ثلاثین، فقال الکلبی ما تقول؟ قال بلغت خمسا و ثلاثین فقال هشام لعبداللّه الا تسمع ما یقول الکلبی؟ فقال عبداللّه یا امیرالمومنین سلنی عن امی فانا اعلم بها و سل الکلبی عن امه فهو اعلم بها. [۶۰۶] . ۳۷- عنه، عن العاصمی باسناده عن محمد بن عمر قال: توفیت فاطمه بنت محمد صلی اللّه علیه و آله و سلم لثلاث لیال خلون من رمضان و هی بنت تسع و عشرین سنه. [۶۰۷] . ۳۸- عنه، عن محمد بن اسحاق: توفیت و لها ثمان و عشرون [صفحه ۴۲۰] سنه، و قیل: سبع و عشرون سنه و فی روایه انها ولدت علی راسه سنه احدی و اربعین من مولد النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم، فیکون سنها علی هذا ثلاثا و عشرین و الاکثر علی انها کانت بنت تسع و عشرین او ثلاثین. [۶۰۸] . ۳۹- عنه، و ذکر وهب بن منبه، عن ابن‌عباس انها بقیت اربعین یوما بعده و فی روایه سته اشهر و قال: لما توفیت علیهاالسلام شقت اسماء جیبها و خرجت فتلقاها الحسن و الحسین فقالا: ایا امنا؟ فسکتت فدخلا البیت فاذا هی ممتده فحرکها الحسین فاذا هی میته، فقال: یا اخاه آجرک اللّه فی الوالده و خرجا ینادیان یا محمداه و یا احمداه، الیوم جدد لنا موتک اذ ماتت امنا. ثم اخبرا علیا و هو فی المسجد، فغشی علیه حتی رش علیه الماء، ثم افاق، فحملهما حتی ادخلهما بیت فاطمه و عند راسها اسماء تبکی و تقول و ایتامی محمد، کنا نتعزی بفاطمه بعد موت جدکما فیمن نتعزی بعدها فکشف علی عن وجهها، فاذا برقعه عند راسها فنظر فیها فاذا فیها: بسم اللّه الرحمن الرحیم هذا ما اوصت به فاطمه بنت رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم اوصت و هی تشهد ان لا آله الا اللّه و ان محمد عبده و رسوله و ان الجنه حق و النار حق و ان الساعه آتیه [صفحه ۴۲۱] لا ریب فیها و ان اللّه یبعث من فی القبور. یا علی انا فاطمه بنت محمد زوجنی اللّه منک لاکون لک فی الدنیا و الاخره، انت اولی بی من غیری حنطنی و غسلنی و کفنی باللیل و صل علی و ادفنی باللیل و لا تعلم احدا و استودعک اللّه و اقرا علی ولدی السلام الی یوم القیامه. فلما جن اللیل غسلها علی ووضعها علی السریر و قال للحسن ادع لی اباذر، فدعاه، فحملاه الی المصلی فصلی علیها ثم صلی رکعتین، و رفع یدیه الی السماء فنادی: هذه بنت نبیک فاطمه اخرجتها من الظلمات الی النور فاضائت الارض میلا فی میل، فلما ارادوا ان یدفنوها نودوا من بقعه من البقیع الی، الی فقد رفع تربتها منی. فنظروا فاذا هی بقبر محفور، فحملوا السریر الیها فدفنوها، فجلس علی علی شفیر القبر، فقال: یا ارض استودعتک و دیعتی، هذه بنت رسول‌اللّه، فنودی منها: یا علی انا ارفق بها منک فارجع و لا تهتم فرجع و انسد القبر و استوی بالارض،فلم یعلم این کان الی یوم القیامه. [۶۰۹] . ۴۰- عنه، عن مصباح الانوار، عن ابی‌جعفر علیه‌السلام قال: ان فاطمه بنت رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم مکثت بعد [صفحه ۴۲۲] رسول‌اللّه ستین یوما، ثم مرضت، فاشتدت علیها فکان من دعائها فی شکواها: یا حی، یا قیوم برحمتک استغیث فاغثنی، اللهم زحزحنی عن النار و ادخلنی الجنه و الحقنی بابی محمد صلی اللّه علیه و آله و سلم، فکان امیرالمومنین علیه‌السلام یقول لها: یعافیک اللّه و یبقیک فتقول: یا اباالحسن: ما اسرع اللحاق باللّه و اوصت بصدقتها و متاع البیت و اوصته ان یتزوج امامه بنت ابی‌العاص و قالت بنت اختی و تحنن علی ولدی قال ودفنها لیلا. [۶۱۰] . ۴۱- عنه، عن جعفر بن محمد عن آبائه علیهم‌السلام قال: لما حضرت فاطمه الوفاه بکت، فقال لها امیرالمومنین علیه‌السلام یا سیدتی ما یبکیک؟ قالت: ابکی لما تلقی بعدی فقال لها: لا تبکی فواللّه ان ذلک لصغیر عندی فی ذات اللّه، قال: و اوصته ان لا یوذن بها الشیخین ففعل. [۶۱۱] . ۴۲- عنه، عن مصباح‌الانوار، عن ابی‌عبداللّه، عن ابائه علیهم‌السلام ان امیرالمومنین علیه‌السلام لما وضع فاطمه بنت رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم فی القبر قال: بسم اللّه الرحمن الرحیم، بسم اللّه و باللّه و علی مله رسول‌اللّه محمد بن عبداللّه، سلمتک ایتها الصدیقه الی من هو اولی بک منی [صفحه ۴۲۳] و رضیت لک بما رضی‌اللّه تعالی لک ثم قرا «منها خلقناکم و فیها نعیدکم و منها نخرجکم تاره اخری» فلما سوی علیها التراب امر بقبرها فرش علیها الماء، ثم جلس عند قبرها باکیا حزینا، فاخذه العباس بیده فانصرف به. [۶۱۲] . ۴۳- عنه،

عن جابر بن عبداللَّه الانصاری، عن ابی‌جعفر علیه‌السلام قال: قلت له الشفع یدخل القبر او الوتر، فقال: سواء علیک، ادخل فاطمه صلوات اللَّه علیها القبر اربعه. [۶۱۳] . ۴۴- الزبیر بن بکار، قال: حدثنی المدائنی، قال: لما فرغ امیرالمومنین علی بن ابی‌طالب رضی‌اللَّه‌عنه من دفن فاطمه بنت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم، قام علی علی القبر و انشاء یقول: لکل اجتماع من خلیلین فرقه وکل الذی دون الممات قلیل و ان افتقادی واحدا بعد واحد دلیل علی ان لا یدوم خلیل [۶۱۴] . ۴۵- قال الطبری فی حوادث سنه احدی عشره و فیها ماتت فاطمه ابنه رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم فی لیله الثلاثاء لثلاث خلون من شهر رمضان و هی یومئذ ابنه تسع و عشرین سنه او نحوها، و ذکر الواقدی ان ابابکر بن عبداللَّه حدثه عن اسحاق بن [صفحه ۴۲۴] عبداللَّه، عن ابان بن صالح بذلک و زعم ان ابن‌جریح حدثه عن عمرو بن دینار، عن ابی‌جعفر قال توفیت فاطمه علیهاالسلام بعد النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم بثلاثه اشهر. [۶۱۵] . ۴۶- قال: وحدثنا ابن‌جریح، عن الزهری، عن عروه قال: توفیت فاطمه بعد النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم بسته اشهر، قال الواقدی و هو اثبت عندنا، قال و غسلها علی علیه‌السلام و اسماء بنت عمیس، قال: وحدثنی عبدالرحمن بن عبدالعزیز، عن عبداللَّه بن ابی‌بکر، عن عمره ابنه عبدالرحمن قالت: صلی علیها العباس بن عبدالمطلب. [۶۱۶] . ۴۷- قال المسعودی فی سنه احدی عشره کانت و فاه فاطمه بنت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم حسب ما ذکرنا من تنازع الناس فی مقدار عمرها و مده بقائها بعد ابیها و من الذی صلی علیها، العباس بن عبدالمطلب ام‌بعلها علی؟ و لما قبضت جزع علیها بعلها علی جزعا شدیدا و اشتد بکاوه و ظهر انینه و حنینه و قال: لکل اجتماع من خلیلین فرقه وکل الذی دون الممات قلیل و ان افتقادی فاطما بعد احمد دلیل علی ان لا یدوم خلیل [۶۱۷] . [صفحه ۴۲۵] ۴۸- عبدالرزاق، عن محمد بن راشد قال: اخبرنا عبداللَّه بن محمد بن عقیل بن ابی‌طالب ان فاطمه لما حضرتها الوفاه امرت علیا، فوضع لها غسلا فاغتسلت و تطهرت ودعت ثیاب اکفانها فاتیت بثیاب غلاظ فلبستها و مست من الحنوط. ثم امرت علیا ان لا تکشف اذا قضت و ان تدرج کما هی فی ثیابها، قال: فقلت له هل علمت احدا فعل ذلک؟ قال نعم کثیر بن عباس و کتب فی اطراف اکفانه: شهد کثیر بن عباس ان لا آله الا اللَّه. [۶۱۸] . ۴۹- البیهقی اخبرنا ابوحازم الحافظ، انبانا ابوالحسن احمد بن عمیر بن یوسف الدمشقی، حدثنا عبداللَّه یعنی ابن‌حمزه الزبیری، حدثنا عبداللَّه بن نافع، عن محمد بن موسی، عن عون بن محمد الهاشمی، عن امه اسماء بنت عمیس ان فاطمه بنت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم اوصت ان یغسلها زوجها علی بن ابی‌طالب فغسلها هو و اسماء بنت عمیس. رواه الدراوردی، عن محمد بن موسی، عن عون بن محمد بن علی، عن عماره بن المهاجر ان ام‌جعفر بنت محمد بن علی قالت: حدثتنی اسماء بنت عمیس قالت: غسلت انا و علی فاطمه بنت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم. [۶۱۹] . [صفحه ۴۲۶] ۵۰- عنه، اخبرنا ابوحازم الحافظ، انبانا ابواحمد بن محمد الحافظ، انبانا ابوالعباس محمد بن اسحاق الثقفی، حدثنا قتیبه بن سعید، حدثنا محمد موسی، عن عون بن محمد بن علی بن ابی‌طالب، عن امه ام‌جعفر بنت محمد بن جعفر و عن عماره بن مهاجر، عن ام‌جعفر ان فاطمه بنت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم قالت:یا اسماء. انی قد استقبحت ما یصنع بالنساء، انه یطرح علی المراه الثوب فیصفها، فقالت اسماء یا بنت رسول‌اللَّه الا اریک شیئا رایته بارض الحبشه، فدعت بجرائد رطبه فحنتها، ثم طرحت علیها ثوبا، فقالت فاطمه ما احسن هذا و احمله یعرف به الرجل من المراه، فاذا انا مت فاغسلینی انت و علی و لا تدخل علی احدا. فلما توفیت جاءت عایشه تدخل، فقالت اسماء لا تدخلی، فشکت ابابکر فقالت ان هذه الخثعمیه تحول بینی و بین ابنه رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم، و قد جعلت لها مثل هودج العروس، فجاء ابوبکر فوقف علی الباب. قال یا اسماء ما حملک ان منعت ازواج النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم یدخلن علی ابنه رسول‌اللَّه و جعلت لها مثل هودج العروس، فقالت امرتنی ان لا یدخل علیها احد و اریتها هذا الذی صنعت و هی حیه فامرتنی ان اصنع ذلک لها، فقال ابوبکر فاصنعی [صفحه ۴۲۷] ما امرتک ثم انصرف و غسلها علی و اسماء. [۶۲۰] . ۵۱- قال ابوالفرج الاصفهانی: و کانت وفاه فاطمه علیهاالسلام بعد وفاه النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم بمده، یختلف فی مبلغها، فالمکثر یقول: سته اشهر و المقلل یقول اربعین یوما الا ان الثابت فی ذلک ما روی عن ابی‌جعفر محمد بن علی انها توفیت بعده بثلاثه اشهر. [۶۲۱] . ۵۲- الحافظ ابونعیم حدثنا سلیمان بن احمد، حدثنا ابوذرعه الدمشقی، حدثنا ابوالیمان، اخبرنا شعیب بن

ابی‌حمزه، عن الزهری، عن عروه، عن عائشه، قالت: توفیت فاطمه بعد رسول اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم بسته اشهر و دفنها علی لیلا. [۶۲۲] . ۵۳- عنه، حدثنا ابوحامد بن جبله، حدثنا محمد بن اسحاق، حدثنا عبدالجبار بن العلاء، حدثنا سفیان، عن عمرو، عن ابی‌جعفر قال: ما رایت فاطمه ضاحکه بعد رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم الا یوما، افترت بطرف نابها، قال: و مکثت بعده سته اشهر. [۶۲۳] . ۵۴- ابوعبداللَّه الحاکم حدثنا ابوعبداللَّه محمد بن احمد بن [صفحه ۴۲۸] بطه، حدثنا الحسن بن الجهم الاصبهانی، حدثنی الحسین بن الفرج، حدثنا محمد بن عمر، قال: توفیت فاطمه بنت محمد صلی اللَّه علیه و آله و سلم لثلاث لیال خلون من شهر رمضان و هی ابنه تسع و عشرین سنه، او نحوها و قد اختلفت فی وقت وفاتها. فروی عن ابی‌جعفر محمد بن علی انه قال: توفیت فاطمه بعد النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم بثلاثه اشهر و اما عائشه فانها قالت فیما روی عنها انها توفیت بعد النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم بثمانیه اشهر. قال محمد بن عمرو قد حدثنا معمر عن الزهری، عن عروه، عن عائشه وحدثنا ابن‌جریح، عن الزهری، عن عروه، عن عائشه ان فاطمه توفیت بعد النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم بسته اشهر، قال: محمد بن عمر و هذا اثبت عندنا. [۶۲۴] . ۵۵- عنه، اخبرنا ابواسحق ابراهیم بن محمد بن یحیی المزکی، حدثنا محمد بن اسحاق الثقفی، حدثنا اسحاق بن ابراهیم الحنظلی، حدثنا عبدالرزاق، حدثنا معمر، عن الزهری، عن عروه، عن عائشه قالت: مکثت فاطمه بعد وفاه رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم سته اشهر، تابعه صالح بن کیسان، و عقیل و ابن‌عیینه و الواقدی و محمد بن عبداللَّه ابن‌اخی [صفحه ۴۲۹] الزهری و ابن‌جریح. [۶۲۵] . ۵۶- عنه اخبرنا ابومحمد الحسن بن محمد بن یحیی ابن‌اخی طاهر العقیقی العلوی بغداد، حدثنا جدی یحیی بن الحسن، حدثنا بکر بن عبدالوهاب، حدثنا محمد بن عمر الواقدی، حدثنا محمد بن عمر بن علی، عن ابیه، عن علی بن الحسین، عن ابن‌عباس، قال: مرضت فاطمه مرضا شدیدا، فقالت لاسماء بنت عمیس، الا ـ ترین الی ما بلغت احمل علی السریر ظاهرا. فقالت اسماء: الا لعمری، ولکن اصنع لک نعشا کما رایت یصنع بارض الحبشه، قالت فارینیه، قال: فارسلت اسماء الی جرائد رطبه، فقطعت من الاسواف و جعلت علی السریر نعشا و هو اول ما کان النعش فتبسمت فاطمه و ما رایتها مبتسمه بعد ابیها الا یومئذ ثم حملناها و دفناها لیلا. [۶۲۶] . ۵۷- عنه، اخبرنا ابواسحاق ابراهیم بن محمد بن یحیی و ابوالحسین بن یعقوب الحافظ قالا: حدثنا ابوالعباس محمد بن اسحاق، حدثنا قتیبه بن سعید، حدثنا اللیث، عن عقیل، عن الزهری، عن عروه، عن عائشه قالت دفنت فاطمه بنت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم لیلا ـ دفنها علی و لم یشعر بها ابوبکر حتی دفنت و صلی علیها علی بن ابی‌طالب. [۶۲۷] . [صفحه ۴۳۰] ۵۸- عنه، اخبرنا ابوالحسین بن یعقوب الحافظ حدثنا ابوالعباس الثقفی، حدثنی علی بن عقیل بن عبداللَّه بن محمد بن عقیل، حدثنی عیسی بن عبداللَّه العلوی، عن ابیه، عن ام‌الحسن بنت ابی‌جعفر محمد بن علی، عن اخیها جعفر بن محمد قال: ماتت فاطمه و هی ابنه احدی و عشرین و ولدت علی راس سنه احدی واربعین من مولد النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم. [۶۲۸] . ۵۹- عنه، حدثنا ابوالعباس محمد بن یعقوب، حدثنا محمد بن علی بن حمدان الوراق، حدثنا موسی بن دواد الضبی، حدثنا عبداللَّه بن المومل، عن ابی‌ملیکه، عن عائشه قالت کان بین النبی صلی اللَّه علیه و آله وسلم و بین فاطمه شهرین. [۶۲۹] . ۶۰- عنه، حدثنا ابوبکر بن اسحاق انبانا محمد بن سلیمان الواسطی، حدثنا ابو نعیم و ابن‌غسان، قالا: حدثنا عبداللَّه بن المومل المخزومی المکی، و اخبرنی محمد بن المومل، عن ابی‌الزبیر، عن جابر ان فاطمه لم تمکث بعد رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم الا شهرین. [۶۳۰] . ۶۱- قال ابن‌الاثیر فی حوادث سنه احدی عشره، و فی هذه السنه ماتت فاطمه بنت النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم، لثلاث خلون من رمضان و هی ابنه تسع و عشرین سنه او نحوها و قیل [صفحه ۴۳۱] توفیت بعد النبی بثلاثه اشهر و قیل بسته اشهر و غسلها علی و اسماء بنت عمیس و صلی علیها العباس بن عبدالمطلب و دخل قبرها العباس و علی و الفضل بن العباس. [۶۳۱] . ۶۲- ابن ابی‌شیبه، حدثنا ابن‌عیینه، عن عمرو، عن الحسن بن محمد ان فاطمه دفنت لیلا. [۶۳۲] . ۶۳- قال ابن‌حجر: فاطمه بنت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم تکنی امابیها و تعرف بالزهراء روت عن النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم و عنها ابناها الحسن و الحسین و ابو هما علی بن ابی‌طالب و حفیدتها فاطمه بنت الحسین بن علی مرسلا و عائشه و ام‌سلمه و انس بن مالک و سلمی ام‌رافع. قال عبدالرزاق، عن ابن‌جریح قال لی غیر واحد کانت فاطمه اصغرهن و احبهن الی

رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم، و قال ابن‌عبدالبر اضطرب مصعب بن الزبیر فی بنات رسول‌اللَّه ایتهن اکبر و اصغر اضطرابا یوجب ان لا- یلتفت الیه فی ذلک والذی تسکن الیه النفس من ذلک ان الاولی زینب ثم رقیه ثم ام‌کلثوم ثم فاطمه. یقال: ان علیا تزوجها بعد ان ابتنی صلی اللَّه علیه و آله و سلم بعائشه باربعه اشهر و نصب و ذلک فی سنه اثنتین من الهجره. [صفحه ۴۳۲] و کان سنها یوم تزوجها خمس عشره سنه و خمسه اشهر و نصف و لم یتزوج علیها حتی ماتت، قال کریب، عن ابن‌عباس مرفوعا سیده نساء اهل الجنه مریم، ثم فاطمه ثم خدیجه ثم آسیه. قال عکرمه عن ابن‌عباس خط رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم اربعه خطوط، فقال: اتدرون ما هذا؟ قالوا اللَّه و رسوله اعلم، قال افضل نساء اهل الجنه خدیجه و فاطمه و مریم و آسیه و قال ابویزید المدنی عن ابی‌هریره مرفوعا خیر نساء العالمین اربع مریم و آسیه و خدیجه و فاطمه. قال الشعبی عن جابر مرفوعا حسبک من نساء العالمین اربع سیدات نساء العالمین فذکرهن و قال قتاده عن انس مثله، و قال عبدالرحمان بن ابی‌نعیم، عن ابی‌سعید الخدری مرفوعا، فاطمه سیده نساء اهل الجنه الا ما کان من مریم و قال ابن ابی‌ملیکه، عن المسور مرفوعا، فاطمه بضعه منی یریبتی ما رابها و یوذینی ما آذاها. عن علی بن الحسین، عن ابیه، عن جابر مرفوعا حسبک من نساء العالمین اربع سیدات نساء العالمین فذکرهن و قال قتاده عن انس مثله، و قال عبدالرحمان بن ابی‌نعیم، عن ابی‌سعید الخدری مرفوعا، فاطمه سیده نساء اهل الجنه الا ما کان من مریم و قال ابن ابی‌ملیکه، عن المسور مرفوعا، فاطمه بضعه منی یریبنی ما رابها و یوذینی ما آذاها. عن علی بن الحسین، عن ابیه، عن علی قال: قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم لفاطمه: ان اللَّه یرضی لرضاک و یغضب لغضبک، مناقبها کثیره جدا قال الزهری، عن عروه، عن عائشه عاشت فاطمه بعد رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم سته اشهر و زاد غیره و هی بنت سبع و عشرین سننه قیل: ثمان. کانت اول آل النبی صلی اللَّه و علیه و آله و سلم لحوقا به و غسلها علی و دفنت لیلا و قیل: ماتت بعد النبی بثلاثه اشهر و قیل: [صفحه ۴۳۳] بمائه یوم و قیل: بثمانیه اشهر و قیل: غیر ذلک. [۶۳۳] . ۶۴- روی العلامه المجلسی رضوان‌اللَّه علیه عن الدیوان المنسوب الی امیرالمومنین علیه‌السلام انه انشد بعد وفاه فاطمه علیهاالسلام: الا هل اتی طول الحیاه سبیل و انی و هذا الموت لیس یحول و انی و ان اصبحت بالموت موقنا فلی امل من دون ذاک طویل و للدهر الوان تروح و تغتدی و ان نفوسا بینهن تسیل و منزل حق لا معرج دونه لکل امری منها الیه سبیل قطعت بایام التعزز ذکره وکل عزیز ما هناک ذلیل اری علل الدنیا علی کثیره و صاحبها حتی الممات علیل و انی لمشتاق الی من احبه فهل لی الی من قد هویت سبیل و انی و ان شطت بی الدار نازحا و قد مات قبلی بالفراق جمیل فقد قال فی الامثال فی البین قائل اضر به یوم الفراق رحیل لکل اجتماع من خلیلین فرقه و کل الذی دون الفراق قلیل و ان افتقادی فاطما بعد احمد دلیل علی ان لا یدوم خلیل و کیف هناک العیش من بعد فقدهم لعمرک شیء من الیه سبیل سیعرض عن ذکری و تنسی مودتی و یظهر بعدی للخلیل عدیل و لیس خلیلی بالملول و لا الذی اذا غبت یرضاه سوای بدیل [صفحه ۴۳۴] ولکن خلیلی من یدوم وصاله و یحفظ سری قلبه و دخیل اذا انقطعت یوما من العیش مدتی فان بکاء الباکیات قلیل یرید الفتی ان لا یموت حبیبه و لیس الی ما یبتغیه سبیل و لیس جلیلا رزء مال و فقده ولکن رزء الاکرمین جلیل لذلک جنبی لا یواتیه مضجع و فی القلب من حر الفراق غلیل [۶۳۴] . و قال ایضا: حبیب لیس یعدله حبیب و ما لسواه فی قلبی نصیب حبیب غاب عن عینی و جسمی و عن قلبی حبیبی لایغیب و قال ایضا: ما لی وقفت علی القبور مسلما قبر الحبیب فلم یرد جوابی حبیب مالک لا ترد جوابنا انسیت بعدی خله الاحباب و قال مجیبا لنفسه من قبلها علیها السلام: قال الحبیب و کیف لی بجوابکم و انا رهین جنادل و تراب اکل التراب محاسنی فنسیتکم و حجبت عن اهلی و عن اترابی فعلیکم منی السلام تقطعت عنی و عنکم خله الاحباب [۶۳۵] . [صفحه ۴۳۵]

موضع قبرها

۱- ابوالعباس الحمیری عن البزنطی، قال: سالت الرضا علیه‌السلام عن فاطمه بنت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم ای مکان دفنت، فقال سال رجل جعفرا علیه‌السلام عن هذه المسئله و عیسی بن موسی حاضر، فقال له عیسی دفنت فی البقیع، فقال الرجل: ما

تقول؟ فقال قد قال لک، فقلت له اصلحک اللَّه ما انا و عیسی بن موسی، اخبرنی عن آبائک فقال الامام علیه‌السلام: دفنت فی بیتها. [۶۳۶] . ۲- محمد بن یعقوب عن علی بن محمد و غیره، عن سهل بن زیاد، عن احمد بن محمد بن ابی‌نصر قال: سالت الرضا علیه‌السلام عن قبر فاطمه علیهاالسلام، فقال: دفنت فی بیتها، فلما زادت بنوامیه فی المسجد صارت فی المسجد. [۶۳۷] . ۳- الصدوق حدثنا محمد بن موسی المتوکل رضی‌اللَّه عنه قال: حدثنا علی بن الحسین السعد آبادی عن احمد بن ابی‌عبداللَّه [صفحه ۴۳۶] البرقی، عن ابیه، عن ابن ابی‌عمیر، عن بعض اصحابنا، عن ابی‌عبداللَّه علیه‌السلام قال: قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: ما بین قبری و منبری روضه من ریاض الجنه و منبری علی ترعه من ترع الجنه، لان قبر فاطمه صلوات اللَّه علیها بین قبره و منبره و قبرها روضه من ریاض الجنه و الیه ترعه من ترعه الجنه. [۶۳۸] . قال الصدوق: روی هذا الحدیث هکذا واوردته لما فیه من ذکر المعنی و الصحیح عندی فی موضع قفر فاطمه علیهاالسلام ما حدثنا به ابی‌رحمه اللَّه قال: حدثنی محمد بن یحیی العطار، قال: حدثنی سهل بن زیاد الادمی، عن احمد بن محمد بن ابی‌نصر البزنطی قال: قال: سالت اباالحسن علی بن موسی الرضا علیهماالسلام عن قبر فاطمه صلوات اللَّه علیها فقال: دفنت فی بیتها، فلما زادت بنوامیه فی المسجد صارت فی المسجد. [۶۳۹] . ۴- قال الصدوق رضوان‌اللَّه علیه: اختلفت الروایات فی موضع قبر فاطمه سیده نساء العالمین علیهاالسلام، فمنهم من روی انها دفنت فی البقیع، و منهم من روی انها دفنت بین القبر و المنبر و ان النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم انما قال: ما بین قبری و منبری [صفحه ۴۳۷] روضه من ریاض الجنه لان قبرها بین القبر و المنبر، منهم من روی انها دفنت فی بیتها، فلما زادت بنوامیه فی المسجد، صادرت فی المسجد. و هذا هو الصحیح عندی. [۶۴۰] . ۵- قال ابوجعفر الطبری الامامی: و دفنها فی الروضه و عفی موضع قبرها، و اصبح البقیع لیله مدفنها فیه اربعون قبرا فاشکل علیهم قبرا من سائر القبور، فضج الناس و لام بعضهم بعضا و قال لم یخلف فیکم نبیکم الا بنتا واحده تموت، و تدفن و لم تحضر وفاتها و لا دفنها و لا الصلاه علیها و لم تعرفوا قبرها. [۶۴۱] . ۶- قال الفتال النیسابوری: قالوا لیس قبرها بالبقیع، انما قبرها بین قبر رسول‌اللَّه و منبره لا بالبقیع الغرقد و تصحیح ذلک قوله علیه‌السلام: بین قبری و منبری روضه من ریاض الجنه انما اراد بهذا القول قبر فاطمه علیهاالسلام. [۶۴۲] . ۷- قال الطبرسی: و اما موضع قبرها فاختلف فیه فقال بعض اصحابنا انها دفنت بالبقیع و قال بعضهم: انها دفنت فی بیتها، فلما زادت بنوامیه فی المسجد، صارت فی المسجد، و قال بعضهم: انها دفنت فیما بین القبر و المنبر، و الی هذا اشار النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم یقوله: ما بین قبری و منبری روضه من ریاض الجنه و القول [صفحه ۴۳۸] الاول بعید، و القولان الاخران اشبه و اقرب الی الصواب فمن استعمل الاحتیاط فی زیارتها زارها فی المواضع الثلاثه. [۶۴۳] . ۸- قال ابن‌شهر آشوب: و مشهدها بالبقیع و قالوا: انها دفنت فی بیتها و قالوا:قبرها بین قبر رسول‌اللَّه و بین منبره. [۶۴۴] . قال ابوجعفر الطوسی: الاصوب انها مدفونه فی دارها او فی الروضه یوید قوله قول النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم: بین قبری و منبری روضه من ریاض الجنه،و فی البخاری بین بیتی و منبری و فی الموطا و الحلیه و الترمذی و مسند احمد بن حنبل ما بین بیتی و منبری، و قال علیه‌السلام منبری علی ترعه من ترع الجنه و قالوا: حد الروضه ما بین القبر الی المنبر. [۶۴۵] . ۹- روی العلامه المجلسی عن کتاب مصباح الانوار عن ابی‌جعفر علیه‌السلام، قال: دفن امیرالمومنین علیه‌السلام فاطمه بنت محمد صلوات اللَّه علیهم بالبقیع ورش ماء حول تلک القبور لئلا یعرف القبر. [۶۴۶] . ۱۰- عنه، عن مصباح الانوار عن ابی‌عبداللَّه علیه‌السلام عن آبائه فی حدیث الی ان قال: فلما توفیت فعل ذلک امیرالمومنین علیه‌السلام و دفنها لیلا فی دار عقیل فی الزاویه الثالثه من [صفحه ۴۳۹] صدر الدار. [۶۴۷] .

فضل زیارتها و الصلاه فی بیتها

۱- قال الصدوق: انی لما حججت بیت‌اللَّه الحرام کان رجوعی علی المدینه بتوفیق اللَّه تعالی ذکره فلما فرغت من زیاره رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم قصدت الی بیت فاطمه علیهاالسلام و هو من عند الاسطوانه التی تدخل الیها من باب جبرئیل علیه‌السلام الی موخر الحظیره التی فیها قبر النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم، فقمت عند الحضیره و یساری الیها و جعلت ظهری الی القبله و

استقبلتها بوجهی و انا علی غسل و قلت: السلام علیک یا بنت رسول‌اللَّه، السلام علیک یا بنت نبی اللَّه، السلام علیک یا بنت حبیب‌اللَّه، السلام علیک یا بنت خلیل‌اللَّه، السلام علیک یا بنت صلی اللَّه، السلام علیک یا بنت امین‌اللَّه، السلام علیک یا بنت خیر خلق‌اللَّه، السلام علیک یا بنت امین‌اللَّه، السلام علیک یا بنت خیر خلق‌اللَّه، السلام علیک یا بنت افضل انبیاءاللَّه و رسله و ملائکته، السلام علیک یا ابنه خیر البریه، السلام علیک یا سیده نساء العالمین من الاولین و الاخرین. [صفحه ۴۴۰] السلام علیک یا زوجه ولی اللَّه و خیر الخلق بعد رسول‌اللَّه السلام علیک یا ام‌الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنه، السلام علیک ایتها الصدیقه الشهیده، السلام علیک ایتها الرضیه المرضیه، السلام علیک ایتها الفاضله الزکیه، السلام علیک ایتها الحوراء الانسیه، السلام علیک ایتها التقیه النقیه. السلام علکی ایتها المحدثه العلیمه، السلام علیک ایتها المظلومه المغصوبه، السلام علیک ایتها المضطهده المقهوره، السلام علیک یا فاطمه بنت رسول‌اللَّه و رحمه‌اللَّه و برکاته، صلی اللَّه علیک و علی روحک و بدنک، اشهد انک مضیت علی بینه من ربک و ان من سرک فقد سر رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم. و من جفاک فقد جفا رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم و من آذاک فقد آذی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم و من وصلک فقد وصل رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم، و من قطعک فقد قطع رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم، لانک بضعه منه و روحه التی بین جنبیه، کما قال علیه افضل سلام‌اللَّه وصلواته. اشهد اللَّه و رسله و ملائکته انی راض عمن رضیت عنه، ساخط علی من سخطت علیه متبری ممن تبرات منه، موال لمن والیت، معاد لمن عادیت، مبغض لمن ابغضت، محب لمن احببت و کفی باللَّه شهیدا و حسیبا و جازیا و مثیبا. ثم قلت: اللهم صل و سلم علی عبدک و رسولک محمد بن [صفحه ۴۴۱] عبداللَّه خاتم النبیین، و خیر الخلائق اجمعین، و صل علی وصیه علی بن ابی‌طالب امیرالمومنین و امام المسلمین و خیر الوصیین وصل علی فاطمه بنت محمد سیده نساء العالمین، وصل علی سیدی شباب اهل الجنه الحسن و الحسین وصل علی زین العابدین علی بن الحسین. وصل علی محمد بن علی باقر علم النبیین، وصل علی الصادق عن اللَّه جعفر بن محمد، وصل علی کاظم الغیظ فی اللَّه موسی بن جعفر، وصل علی الرضا علی بن موسی،وصل علی التقی محمد بن علی، وصل علی النقی علی بن محمد، وصل علی الزکی الحسن بن علی، وصل علی الحجه القائم بن الحسن بن علی. اللهم احی به العدل، و امت به الجور و زین بطول بقائه الارض و اظهر به دینک و سنه نبیک حتی لا یستخفی بشیء من الحق مخافه احد من الخلق و اجعلنا من اعوانه و اشیاعه و المقبولین فی زمره اولیائه یا رب العالمین، اللهم صل علی محمد و اهل بیته الذین اذهبت عنهم الرجس و طهرتهم تطهیرا. ثم قال الصدوق: لم اجد فی الاخبار شیئا موظفا محمدا لزیاره الصدیقه علیهاالسلام فرضیت لمن نظر فی کتابی هذا من زیارتها ما رضیت لنفسی واللَّه الموفق للصواب و هو حسبنا و نعم الوکیل. [۶۴۸] . [صفحه ۴۴۲] ۲- محمد بن یعقوب، عن محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد، عن علی بن الحکم، عن معاویه بن وهب قال: قلت لابی عبداللَّه علیه‌السلام هل قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: ما بین بیتی و منبری روضه من ریاض الجنه. فقال: نعم و قال: بیت علی و فاطمه علیهماالسلام ما بین البیت الذی فیه النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم الی الباب الذی یحاذی الزقاق الی البقیع، قال: فلو دخلت من ذلک الباب و الحائط مکانه اصاب منکبک الایسر، ثم سمی سائر البیوت و قال: قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: الصلاه فی مسجدی تعدل الف صلوه فی غیره الا المسجد الحرام فهو افضل. [۶۴۹] . ۳- عنه، عن محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد، عن ابن‌فضال، عن یونس بن یعقوب، قال: قلت: لابی عبداللَّه علیه‌السلام: الصلاه فی بیت فاطمه علیهاالسلام افضل او فی الروضه؟ قال: فی بیت فاطمه علیهاالسلام. [۶۵۰] . ۴- عنه، عن عده من اصحابنا، عن سهل بن زیاد، عن ایوب بن نوح، عن صفوان و ابن ابی‌عمیر و غیر واحد، عن جمیل بن دراج، قال: قلت لابی عبداللَّه علیه‌السلام: الصلوه فی بیت فاطمه علیهاالسلام مثل الصلوه فی الروضه قال: و افضل. [۶۵۱] . [صفحه ۴۴۳] ۵- ابوجعفر الطوسی، عن محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد، عن علی بن الحکیم، عن معاویه بن وهب قال: قلت لابی عبداللَّه علیه‌السلام هل قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: ما بین بیتی و منبری روضه من ریاض الجنه. فقال: نعم و قال: بیت علی و فاطمه علیهماالسلام ما بین البیت الذی فیه النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم الی الباب الذی یحاذی الزقاق الی البقیع، قال: فلو دخلت من ذلک الباب و الحائط

مکانه اصاب منکبک الایسر، ثم سمی سائر البیوت و قال: قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: الصلاه فی مسجدی تعدل الف صلوه فی غیره الا المسجد الحرام فهو افضل. [۶۵۲] . ۳- عنه، عن محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد، عن ابن‌فضال، عن یونس بن یعقوب، قال: قلت: لابی عبداللَّه علیه‌السلام: الصلاه فی بیت فاطمه علیهاالسلام افضل او فی الروضه؟ قال: فی بیت فاطمه علیهاالسلام. [۶۵۳] . ۴- عنه، عن عده من اصحابنا، عن سهل بن زیاد، عن ایوب بن نوح، عن صفوان و ابن ابی‌عمیر و غیر واحد، عن جمیل بن دارج، قال: قلت لابی عبداللَّه علیه‌السلام: الصلوه فی بیت فاطمه علیهاالسلام مثل الصلوه فی الروضه قال: و افضل. [۶۵۴] . [صفحه ۴۴۳] ۵- ابوجعفر الطوسی، عن محمد بن احمد بن داود، عن محمد بن وهبان البصری، قال:حدثنا ابومحمد الحسن بن محمد بن الحسن السیرا فی، قال: حدثنا ابراهیم بن محمد بن عیسی بن محمد العریضی، قال: حدثنا ابوجعفر علیه‌السلام، ذات یوم: اذا صرت الی قبر جدتک فاطمه علیهاالسلام فقل: یا ممتحنه امتحنک اللَّه الذی خلقک قبل ان یخلفک، فوجدک لما امتحنک صابره و زعمنا انا لک اولیاء و مصدقون و صابرون، لکل ما اتانا به ابوک صلی اللَّه علیه و آله و سلم و اتانا به وصیه علیه‌السلام، فانا نسالک ان کنا صدقناک الا الحقتنا بتصدیقنا لهما بالبشری، لنبشر انفسنا بانا قد طهرنا بولایتک. [۶۵۵] . ۶- عنه قال: ذکر الشیخ رحمه‌اللَّه فی الرساله: انک تاتی الروضه، فتزور فاطمه علیهاالسلام لانها مقبوره هناک، و قد اختلف اصحابنا فی موضع قبرها، فقال بعضهم: انها دفنت بالبقیع و قال بعضهم: انها دفنت بالروضه و قال بعضهم: انها دفنت فی بیتها. فلما زاد بنوامیه لعنهم‌اللَّه فی المسجد صارت من جمله المسجد، و هاتان الروایتان کالمتقاربین و الافضل عندی ان یزور الانسان من الموضعین جمیعا، فانه لا یضره ذلک و یحوز به اجرا عظیما [صفحه ۴۴۴] و اما من قال انها دفنت بالبقیع فبعید من الصواب، والذی روی فی فضل زیارتها اکثر من ان یحصی. [۶۵۶] . ۷- روی العلامه المجلسی عن البلد الامین زیاره لها و قال: قف بالروضه و قل: السلام علیک یا رسول‌اللَّه، السلام علی ابنتک الصدیقه الطاهره، السلام علیک یا فاطمه یا سیده نساء العالمین، السلام علیک ایتها البتول الشهیده لعن اللَّه مانعک ارثک و دافعک عن حقک و الراد علیک قولک، لعن‌اللَّه اشیاعهم و اتباعهم و الحقهم بدرک الجحیم، صلی اللَّه علیک و علی ابیک و بعلک و ولدک الائمه الراشدین و علیهم‌السلام و رحمه‌اللَّه و برکاته. [۶۵۷] . ۸- روی ایضا عن مصباح الزائر تقف فی الروضه و تقول: السلام علی البتوله الطاهره و الصدیقه المعصومه، و البره التقیه، سلیله المصطفی و حلیله المرتضی، و ام‌الائمه النجباء، اللهم انها خرجت من دنیاها مظلومه مغشومه، قد ملئت داء و حسره و کمدا و غصه تشکو الیک و الی ابیها ما فعل بها. اللهم انتقم لها و خذ لها بحقها، اللهم صل علی الزهراء الزکیه المبارکه المیمونه، صلاه تزید فی شرف محلها عندک و جلاله منزلتها لدیک، و بلغها منی السلام و السلام‌علیها و رحمه‌اللَّه و برکاته. [صفحه ۴۴۵] و تقول ایضا: اللهم انی یوهمنی غالب ظنی ان هذه الروضه مواراه سیده نساء العالمین و مثوانها و موضع قبرها و معزاها، فصل علیها و بلغها منی السلام حیث کانت و حلت. [۶۵۸] . ۹- زیاره اخری لها علیهاالسلام من بیتها و بالبقیع، تقول: السلام علی البتوله الشهیده ابنه نبی الرحمه، و زوجه الوصی الحجه، و والده الساده الائمه، السلام علیک یا فاطمه الزهراء ابنه النبی المصطفی، السلام علیک و علی ابیک، السلام علیک و علی بعلک و بنیک، السلام علیک ایتها الممتحنه، السلام علیک ایتها المظلومه الصابره. لعن اللَّه من منعک حقک، و دفعک عن ارثک، و لعن اللَّه من ظلمک و اعنتک، و غصصک بریقک و ادخل الذل بیتک، و لعن‌اللَّه من رضی بذلک و شایع فیه و اختاره و اعان علیه و الحقهم بدرک الجحیم انی اتقرب الی اللَّه سبحانه بولایتکم اهل البیت و بالبراءه من اعدائکم من الجن و الانس و صلی اللَّه علیه و آله الطاهرین. [۶۵۹] . ۱۰- عنه، عن السید بن طاووس فی کتاب الاقبال: روینا عن جماعه من اصحابنا ذکرناهم فی کتاب التعریف للمولد الشریف ان وفاه فاطمه صلوات اللَّه علیها کانت یوم ثالث جمادی الاخره [صفحه ۴۴۶] فینبغی فیه زیارتها. [۶۶۰] . ۱۱- عنه قال: ذکر فی جامع کتاب المسائل و اجوبتها من الائمه علیهم‌السلام فیما سئل عن مولانا علی بن محمد الهادی علیهماالسلام ما هذا لفظه: ابوالحسن ابراهیم الهمدانی قال: کتب الیه: ان رایت تخبرنی عن بیت امک فاطمه علیهاالسلام اهی فی طیبه او کما یقول الناس فی البقیع؟ فکتب: هی مع جدی صلوات اللَّه علیه و آله، قلت انا: و هذا النص کاف فی انها مع النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم فیقول: السلام علیک یا بنت رسول‌اللَّه، السلام علیک یا

بنت نبی‌اللَّه، السلام علیک یا بنت حبیب‌اللَّه، السلام علیک یا بنت خلیل‌اللَّه، السلام علیک یا بنت صفی‌اللَّه، السلام علیک یا بنت امین‌اللَّه، السلام علیک یا بنت خیر خلق‌اللَّه، السلام علیک یا بنت افضل انبیاء اللَّه، السلام علیک یا بنت خیر البریه. السلام علیک یا سیده نساء العالمین من الاولین و الاخرین، السلام علیک یا زوجه ولی‌اللَّه و خیر خلقه بعد رسول‌اللَّه، السلام علیک یا ام‌الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنه، السلام عیک یا ام‌المومنین، السلام علیک ایتها الصدیقه الشهیده، السلام علیک ایتها الرضیه المرضیه، السلام علیک ایتها الصادقه الرشید. السلام علیک ایتها الفاضله السلام علیک ایتها الحوراء الانسیه، السلام علیک ایتها التقیه، السلام علیک ایتها المحدثه العلیمه، السلام علیک ایتها المعصومه المظلومه، السلام علیک ایتها الطاهره المطهره، السلام علیک ایتها المضطهده [صفحه ۴۴۸] المغصوبه، السلام علیک ایتها الغراء الزهراء، السلام علیک یا فاطمه بنت محمد رسول‌اللَّه و رحمه‌اللَّه و برکاته. صلی اللَّه علیک یا مولاتی و بنت مولای و علی روحک و بدنک، اشهد انک مضیت علی بینه من ربک و ان من سرک فقد سر رسول‌اللَّه، و من جفاک فقد جفا رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم و من آذاک فقد آذی رسول‌اللَّه، و من وصلک فقد وصل رسول‌اللَّه و من قطعک فقد قطع رسول‌اللَّه. لانک بضعه منه، و روحه التی بین جنبیه، کما قال علیه افضل الصلاه و اکمل السلام، اشهداللَّه و ملائکته انی ولی لمن والاک و عدو لمن عاداک، و حرب لمن حاربک، انا یا مولاتی بک و بابیک و بعلک و الائمه من ولدک موقن، و بولایتهم مومن و لطاعتهم ملتزم اشهد ان الدین دینهم و الحکم حکمهم، و هم قد بلغوا عن اللَّه عزوجل و دعوا الی سبیل اللَّه بالحکمه و الموعظه الحسنه. لا تاخذهم فی اللَّه لومه لائم، و صلوات اللَّه علیک و علی ابیک و بعلک و ذریتک الائمه الطاهرین اللهم صل علی محمد و اهل بیته، و صل علی البتول الطاهره الصدیقه المعصومه التقیه النقیه الرضیه المرضیه، الزکیه الرشیده المظلومه المقهوره، المغصوبه حقها الممنوعه ارثها، المکسور ضلعها، المظلوم بعلها المقتول ولدها. فاطمه بنت رسول‌اللَّه و بضعه لحمه، و صمیم قلبه، و فلذه کبده، و النخبه منک له و التحفه خصصت بها، وصیه و حبیبه المصطفی [صفحه ۴۴۹] و قرینه المرتضی، و سیده النساء، و مبشره الاولیاء حلیفه الورع و الزهد و تفاحه الفردوس و الخلد. التی شرفت مولدها بنساء الجنه، و سللت منها انوار الائمه، و ارخت دونها حجاب النبوه، اللهم صل علیها صلاه تزید فی محلها عندک و شرفها لدیک، و منزلتها من رضاک و بلغها منا تحیه و سلاما و آتنا من لدنک فی حبها فضلا و احسانا و رحمه و غفرانا انک ذو العفو الکریم. ثم تصلی صلاه الزیاره، و ان استطعت ان تصلی صلاتها صلی اللَّه علیها، فافعل و هی رکعتان تقرا فی کل رکعه الحمد مره و ستین مره قل هو اللَّه، و ان لم تستطع فصل رکعیتن بالحمد و سوره الاخلاص و الحمد و قل یا ایها الکافرون، فاذا سلمت قلت: اللهم انی اتوجه الیک بنبینا محمد و باهل بیته صلواتک علیهم، و اسالک بحقک العظیم علیهم الذی لا یعلم کنهه سواک، و اسالک بحق من حقه عندک عظیم، و باسمائک الحسنی التی امرتنی ان ادعوک بها، و اسالک باسمک الاعظم الذی امرت به ابراهیم ان یدعو به الطیر فاجابته. و باسمک العظیم الذی قلت للنار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم، فکانت بردا و باحب الاسماء الیک و اشرافها و اعظمها لدیک و اسرعها اجابه و انجحها طلبه و بها انت اهله و مستحقه و مستوجبه و اتوسل الیک و ارغب الیک و اتضرع و الح علیک، و اسالک بکتبک [صفحه ۴۵۰] التی انزلتها علی انبیائک و رسلک صلواتک علیهم، من التوراه و الانجیل و الزبور و القرآن العظیم. فان فیها اسمک الاعظم و بما فیها من اسمائک العظمی ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تفرج عن آل محمد و شیعتهم و محبیهم و عنی و تفتح ابواب السماء لدعائی و ترفعه فی علیین و تاذن فی هذا الیوم و فی هذه الساعه بفرجی و اعطاء املی و سولی فی الدنیا و الاخره یا من لا یعلم احد کیف هو و قدرته الا هو. یا من سد الهواء بالسماء، و کبس الارض علی الماء، و اختار لنفسه احسن الاسماء، یا من سمی نفسه بالاسم الذی یقضی به حاجه من یدعوه، اسالک بحق ذلک الاسم، فلا شفیع اقوی لی منه ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تقضی فی حوائجی و تسمع. بمحمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسین و علی بن الحسین و محمد بن علی، و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی، و محمد بن علی، و علی بن محمد، و الحسن بن علی، و الحجه المنتظر لاذنک صلواتک و سلامک و رحمتک و برکاتک علیهم صوتی، لیشفعوا لی الیک و تشفعهم فی، و لا تردنی خائبا بحق لا اله الا انت. و تسال

حوائجک تقضی انشاءاللَّه تعالی. [۶۶۱] . [صفحه ۴۵۱]

اولادها و ذریتها

۱- الصدوق، حدثنا ابوعبداللَّه الحسین بن احمد بن محمد علی بن عبداللَّه بن جعفر بن عبداللَّه بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی‌طالب علیهم‌السلام، و محمد بن علی البشار القزوینی رضی‌اللَّه عنها، قالا: حدثنا ابوالفرج المظفر بن احمد القزوینی قال: حدثنا ابوالفضیض صالح بن احمد، قال: حدثنا الحسن بن موسی بن زیاد، قال: حدثنا صالح بن حماد، قال: حدثنا الحسن بن موسی الوشاء البغدادی. قال کنت بخراسان مع علی بن موسی الرضا علیهاالسلام فی مجلسه و زید بن موسی حاضر قد اقبل علی جماعه فی المجلس یفتخر علیهم و یقول: نحن و نحن و ابوالحسن مقبل علی قوم یحوثهم، فسمع مقاله زید فالتفت الیه فقال: یا زید اغرک قال بقالی الکوفه ان فاطمه احصنت فرجها، فحرم‌اللَّه ذریتها علی النار، واللَّه ما ذلک الا للحسن و الحسین و ولد بطنها خاصه، فاما ان یکون موسی بن جعفر علیهماالسلام یطیع اللَّه و یصوم نهاره و یقوم لیله و تعصیه انت،ثم تجیئان یوم القیامه [صفحه ۴۵۲] سواء لانت اعز علی اللَّه عز و جل منه، ان علی بن الحسین علیهماالسلام کان یقول:لمحسننا کفلان من الاجر و لمسیئنا ضعفان من العذاب. قال الحسن الوشاء: ثم التفت الی، فقال: یا حسن کیف تقرون هذه الایه «قال یا نوح انه لیس من اهلک انه عمل غیر صالح» فقلت من الناس من یقرا انه عمل غیر صالح و منهم من یقرا انه عمل غیر صالح فمن قرا عمل غیر صالح نفاه عن ابیه، فقال علیه‌السلام: کلا لقد کان ابنه ولکن لما عصی اللَّه عز و جل نفاه اللَّه عن ابیه، کذا من کان منا لم یطع اللَّه عز و جل فلیس منا و انت اذا اطعت اللَّه، فانت منا اهل البیت. [۶۶۲] . ۲- عنه، عن ابیه رحمه‌اللَّه، قال: حدثنا سعد بن عبداللَّه، عن احمد بن محمد بن خالد، عن ابیه، عن ابن ابی‌عمیر، عن جمیل بن صالح، عن محمد بن مروان، قال: قلت لابی عبداللَّه علیه‌السلام هل قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: ان فاطمه احصنت فرجها فحرم‌اللَّه ذریتها علی النار؟ قال نعم، عنی بذلک الحسن و الحسین و زینب و ام‌کلثوم. [۶۶۳] . ۳- عنه، حدثنا محمد بن الحسن بن احمد بن الولید رحمه‌اللَّه، قال: حدثنا محمد بن الحسن الصفار، قال: حدثنا [صفحه ۴۵۳] العباس بن معروف، عن علی بن مهزیار، عن الحسن بن علی الوشاء، عن محمد بن القاسم بن الفضیل، عن حماد بن عثمان، قال: قلت لابی عبداللَّه علیک السلام: جعلت فداک ما معنی قول رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: ان فاطمه احصنت فرجها فحرم اللَّه ذریتها علی النار، فقال: المعتقون من النار هم ولد بطنها الحسن و الحسین و زینب و ام‌کلثوم. [۶۶۴] . ۴- عنه، حدثنا ابی‌رضی‌اللَّه عنه، قال: حدثنا محمد بن یحیی العطار، عن الحسین بن اسحاق التاجر، عن علی بن الحسین بن سعید، عن محمد بن الفضیل، عن الثمالی، عن ابی‌جعفر علیه‌السلام، قال: لا یقدر احد یوم القیامه بان یقول: یا رب لم اعلم ان ولد فاطمه هم الولاه و فی ولد فاطمه انزل اللَّه هذه الایه خاصه «یا عبادی الذین اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا من رحمه‌اللَّه ان اللَّه یغفر الذنوب جمیعا انه هو الغفور الرحیم». [۶۶۵] . ۵- عنه، حدثنی محمد بن علی ماجیلویه، عن محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد، عن ابیه، عن ابن ابی‌عمیر، عن ابان بن عثمان، عن حماد قال: سمعت اباعبداللَّه علیه‌السلام یقول: لا [صفحه ۴۵۴] یحل لاحد ان یجمع بین اثنتین من ولد فاطمه علیهاالسلام ان ذلک یبلغها فیشق علیها قال: قلت یبلغها؟ قال: ای واللَّه. [۶۶۶] . ۶- قال ابن‌شهر آشوب: و اولادها الحسن و الحسین و المحسن سقط و فی معارف ابن‌قتیبه: ان محسنا فسد من زخم قنفذ العدوی و زینب و ام‌کلثوم. ۷- روی ابن عبد ربه عن العتبی قال: کان بین شریک القاضی و الربیع حاجب المهدی و الربیع حاجب المهدی معارضه، فکان الربیع یحمل علیه المهدی، فلا یلتفت الیه، حتی رای المهدی فی منامه شریکا القاضی مصروفا وجهه عنه، فلما استیقظ من نومه دعا الربیع و قص علیه رویاه، فقال: امیرالمومنین ان شریکا مخالف لک و انه فاطمی محض. قال المهدی علی به، فلما دخل علیه، قال له یا شریک بلغنی انک فاطمی، قال له شریک اعیذک باللَّه یا امیرالمومنین ان تکون غیر فاطمی، الا ان تعنی فاطمه بنت کسری، قال: لا ولکنی اعنی فاطمه بنت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم، قال: افتعلنها یا امیرالمومنین قال: معاذاللَّه، قال: فماذا تقول فیمن یلعنها؟ قال: علیه لعنه اللَّه قال: فالعن هذا یعنی الربیع فانه یلعنها،

فعلیه لعنه اللَّه قال الربیع، لات واللَّه یا امیرالمومنین ما العنها، قال له [صفحه ۴۵۵] شریک یا ماجن فما ذکرک لسیده نساء العالمین و ابنه سید المرسلین فی مجالس الرجال؟ قال المهدی: دعنی من هذا فانی رایتک فی منامی کان وجهک مصروف عنی وقفاک الی و ما ذلک الا بخلافک علی. رایت فی منافی کانی اقتل زندیقا، قال شریک، ان رویاک یا امیرالمومنین لیست برویا یوسف الصدیق صلوات اللَّه علی محمد و علیه، و ان الدماء لا تستحل بالاحلام و ان علامه الزندقه بینه قال: و ما هی؟ قال: شرب الخمر و الرشا فی الحکم، و مهر البغی، قال: صدقت واللَّه یا ابا عبداللَّه انت واللَّه خیر من الذی حملنی علیک. [۶۶۷] . ۸- عنه، عن العتبی قال: کان هارون الرشید یقتل اولاد فاطمه و شیعتهم، و کان مسلم بن الولید صریع الغوانی قدرمی عنده بالتشیع، فامر بطلبه فهرب منه، ثم امر بطلب انس بن ابی‌شیخ کاتب البرامکه فهرب منه، ثم وجد هو و مسلم بن الولید عنه قینه ببغداد. فلما اتی بهما قیل له یا امیرالمومنین قد اتی بالرجلین، قال: ای الرجلین؟ قیل انس بن ابی‌شیخ و مسلم و قد تغیر لونه فرق له و قال ایه یا مسلم انت القائل: انس الهوی ببنی علی فی الحشا و اراه یطمع عن بنی العباس [صفحه ۴۵۶] قال: بل انا الذی اقول یا امیرالمومنین: انس الهوی ببنی العمومه فی الحشا مستوحشا من سائر الایناس و اذا تکاملت الفضائل کنتم اولی بذلک یا بنی العباس فعجب هارون من سرعه بدیهته و قال له بعض جلسائه: استبقه یا امیرالمومنین، فانه من اشعر الناس و امتحنه فستری منه عجبا. [۶۶۸] . ۹- الحاکم ابوعبداللَّه الحافظ حدثنی ابوبکر محمد بن احمد بن بالویه، حدثنا علی بن محمد بن خالد المطرز، حدثنا علی بن المثنی الطوسی، حدثنا معاویه بن هشام، حدثنا عمرو بن غیاث، عن عاصم، عن زر بن حبیش، عن عبداللَّه بن مسعود، قال: قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: ان فاطمه احصنت فرجها فحرم اللَّه ذریتها علی النار. [۶۶۹] . ۱۰- الهیثمی باسناده عن عبداللَّه بن مسعود قال: قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: ان فاطمه احصنت فرجها و ان اللَّه عز و جل ادخلها باحصان فرجها و ذریتها الجنه. [۶۷۰] . ۱۱- قال ابن ابی‌الحدید: و مما یدل علی اختصاص ولد فاطمه دون بنی هاشم کافه بالنبی علیه‌السلام انه ماکان یحل [صفحه ۴۵۷] له علیه‌السلام ان ینکح بنات الحسن و الحسین علیهماالسلام و لا بنات ذریتهما و ان بعدن و طال الزمان و یحل له نکاح بنات غیرهم من بنی‌هاشم من الطالبیین و غیرهم و هذا یدل علی مزید الاقربیه و هی کونهم اولاده. [۶۷۱] . ۱۲- قال ایضا: ظفر المامون عبداللَّه بن هارون الرشید بکتب قد کتبها محمد بن اسماعیل بن جعفر الصادق علیه‌السلام الی اهل الکرخ و غیرهم من اعمال اصفهان یدعوهم فیها الی نفسه، فاحضرها بین یدیه و دفعها الیه، و قال له: اتعرف هذا؟فاطرق خجلا، فقال له انت آمن و قد وهبت هذا الذنب لعلی و فاطمه علیهماالسلام، فقم الی منزلک و تخیر ما شئت من الذنوب فانا نتخیر لک مثل ذلک من العفو. [۶۷۲] . ۱۳- قال ایضا: و قال رجل لجعفر بن محمد علیه‌السلام: ارایت قوله صلی اللَّه علیه و آله و سلم: ان فاطمه احصنت فرجها فحرم اللَّه ذریتها علی النار، الیس هذا ما قال لکل فاطمی فی الدنیا، فقال: انک لاحمق، انما اراد حسنا و حسینا لانهما من لحمه اهل البیت، فاما من عداهما، فمن قعد بن عمله لم ینهض به نسبه. [۶۷۳] . [صفحه ۴۵۸]

خدامها

۱- روی ابن‌شهر آشوب عن مالک بن دینار، قال: رایت فی مودع الحج امراه ضعیفه علی دابه نحیفه و الناس ینصحونها لتنکص، فلما توسطنا البادیه کلت دابتها، فعذلتها فی اتیانها، فرفعت راسها الی السماء فقالت: لا فی بیتی ترکتنی، و لا الی بیتک حملتنی، فوعزتک و جلالک لو فعل بی هذا غیرک لما شکوته الا الیک. فاذا شخص اتاها من الفیفاء و فی یده زمام ناقه، فقال لها ارکبی، فرکبت و سارت الناقه کالبرق الخاطف فلما بلغت المطاف رایتها تطوف، فحلفتها من انت، فقالت انا شهره بنت مسکه بنت فضه خادمه الزهراء علیهاالسلام. [۶۷۴] . ۲- عنه، عن ابی‌القاسم القشیری فی کتابه قال بعضهم: انقطعت فی البادیه عن القافله فوجدت امراه، فقلت لها: من انت فقالت: و قل سلام فسوف تعلمون، فسلمت علیها، فقلت: ما تصنعین هیهنا، قالت من یهدی اللَّه فلا مضل له، فقلت: امن الجن [صفحه ۴۵۹] انت ام من الانس. قالت: یا بنی آدم خذوا زینتکم، فقلت: من این اقبلت قالت: ینادون من مکان بعید، فقلت این

تقصدين، قالت ولله على الناس حج البيت، فقلت: متى انقطعت؟ قالت: و لقد خلقنا السموات و الارض فی سته ايام، فقلت: اتشتهين طعاما، فقالت و ما جعلناهم جسدا لا ـ ياكلون العطام. ثم قلت هرولی و تعجلی، قالت لا يكلف اللّه نفسا الا وسعها، فقلت: اردفک، فقالت لو كانت فيهما الهه الا اللّه لفسدتا، فنزلت و اركبتها، فقالت: سبحان الذی سخر لنا هذا، فلما ادركنا القافله قلت الک احد فيها؟ قالت يا داوود انا جعلناک خليفه فی الارض، و ما محمد الا رسول، و يا يحيى خذ الكتاب، و يا موسی انی انا اللّه. فصحت بهذه الاسماء، فاذا باربعه شباب متوجهين نحوها، فقلت من هولاء منک، قالت: المال و البنون زينه الحيوه الدنيا، فلما اتوها فقالت يا ابت استاجره ان خير من استاجرت القوی الامين فكافونی باشياء، فقالت: واللّه يضاعف لمن يشاء فزادوا علی، فسالتهم عنهما فقالوا هذه امنا فضه جاريه الزهراء عليهاالسلام ما تكلمت منذ عشرين سنه الا بالقرآن [۶۷۵] . [صفحه ۴۶۰]

مدايحها و مراثيها

اشاره

۱- قال القاضی ابوبكر بی ابی‌قريعه: يا من يسائل دائبا عن كل معضله سخيفه لا تكشفن مغطاه فلربما كشفت جيفه و لرب مستور بدا كالطبل من تجت القطيفه ان الجواب لحاضر لكننی اخفيه خيفه لولا اعتداد رعيه الغی سياستها الخليفه و سيوف اعداء بها هاماتنا ابدا نقيفه لنشرت من اسرار آل محمد جلا طريفه تغنيكم عما رواه مالک و ابن حنيفه و اريكم ان الحسين اصيب فی يوم السقيفه و لای حال لحدث بالليل فاطمه الشريفه و لما حمت شيخيكم عن وطی حجرتها المنيفه اوه لبنت محمد ماتت بغصتها اسيفه [۶۷۶] . [صفحه ۴۶۱] ۲- قال الصاحب: سوف تاتی الزهراء تلتمس الحكم اذا حان معشر التعديل و ابوها و بعلها و بنوها حولها و الخصام غير قليل و تنادی يا رب ذبح اولادی لما ذی و انت انت مديلی فينادی بما لک الهب النار و اجج و خذ باهل الغلول و يجازی كل بما كان منه من عقاب التخليد و التنكيل ۳- قال آخر: كانی ببنت المصطفی قد تعلقت يداها بساق العرش و الدمع اذرت و فی حجرها ثوب الحسين مضرجا و عنها جميع العالمين بحسره تقول ايا عدل اقض بينی و بين من تعدی علی ابنی بين قهر و قسوه اجالوا عليه بالصوارم و القنا و كم جال فيهم من سنان و شقره فيقضی علی قوم اليها تالبوا بشر عذاب النار من غير فتره ۴- قال العبدی: اوليس الاله قال لنا لا شمس فيها يری و لا زمهر يرا و اذا بالنداء يا ساكن الجنه مهلا امنتم التغييرا ذا علی الوصی داعب مولاتكم فاطما فابدت سرورا فبدا اذ تبسمت ذلک النور فزادت كرامه و حبورا ۵- قال محمد بن السرخسی: و اراد رب العرش ان يلقی بها شجر كريم العرق و الاغصان فقضی فزوجها عليا انه كان الكفی لها بلا نقصان [صفحه ۴۶۲] وقضی الا له بان تولد منهما ولدان كالقمرين يلتقيان سبطان محمد الرسول و فلذتا كبد البتول كذاک يعتلقان فبنی الامامه و الخلافه و الهدی بعد الرساله ذانک الولدان ۶- قال مهيار الديلمی: يا بنه المختار من كل الاذی روحی فداک يا بنت المختاران اللّه بالفضل اجتباک و ارتضی بعلک للخلق جميعا و ارتضاک و علی الامه جمعا فضل‌اللّه اباک ۷- قال الشبنوی: وقف النداء فی موضع عبرت فيه البتول عيونكم غضوا فتغض و الابصار خاشعه و علی بنان الظالم العض تسود حينئذ وجود و وجوه اهل الحق تبيض ۸- قال خطيب منيج: توافی فی النشور علی نحيب به املاک ربک محدقونا و يسمع من خلال العرش صوت ينادی و الخلائق شاخصونا الا ـ ان البتول تجوز فيكم فغضوا من مهابتها العيونا ۹- قال ابو الحسن البوشنجی: قال النبی المصطفی فيما روی عنه علی و هو نور يقتبس نادی مناد من وراء الحجب فی يوم القيامه و الخلائق اركسوا هاتيک فاطمه سليله احمد تهوی تجوز علی الصراط و نكسوا ۱۰- قال مسعود بن عبداللّه القائنی: [صفحه ۴۶۳] لابد ان ترد القيامه فاطم وقميصها بدم الحسين ملطخ وليل لمن شفعاوه خصماوه و الصور فی يوم القيامه ينفخ ۱۱- قال الحميری: و اخبرنا الاله بما وقاهم و لقاهم هناک من السرور و اكرمهم لما صبروا جميعا بجنان و الوان الحرير فلا شمسا يرون و لا حميما لاغساق بين الزمهرير ۱۲- قال منصور الفقيه: اذا فخرت بنو الاسلام يوما علی من ليس آل‌الرسول قضيت لها كما اقضی عليها بان خيارها ولد البتول ۱۳- قال

الصاحب: قد قلت قولا- صادقا بینا و لیست النفس به آثمه لکل شیء فاضل جوهر و جوهر الناس بنو فاطمه قال ابن‌الحجاج فی رد مروان بن ابی‌حفصه: اکان قولک فی الزهراء فاطمه قول امرء لهج بالنصب مفتون عیرتها بالرحی و الحب تطحنه لازال زادک حبا غیر مطحون و قلت ان رسول‌اللّٰه زوجها مسکینه بنت مسکین لمسکین ست النساء غدا فی الحشر یخدمها اهل الجنان بحور الحر و العین ۱۴- قال ابن‌حماد: و قالت امایمن حئت یوما الی الزهراء فی وقت الهجیر فلما ان دنوت سمعت صوتا و طحنا فی الرحاء له هدیر [صفحه ۴۶۴] فجئت الی الباب اقرعه ملیا فما من سامع او من مجیر اذا الزهراء نائمه سکوت و طحن للرحاء بلا مدیر فجئت المصطفی فقصصت شانی و ما عاینت من امر ذعور فقال المصطفی شکرا لربی باتمام الحباء لها جدیرر آها اللّٰه متعبه فالقی علیها النوم ذو المن الکبیر و وکل بالرحی ملکا مدیرا فعدت و قد ملئت من السرور ۱۵- قال العبدی: اذ اتته البتول فاطم تبکی و توالی شهیقها و الزفیرا اجتمعن النساء عندی و اقبلن یطلن التقریع و العیبرا قلن ان النبی زوجک الیوم علیا بعد معیلا فقیرا قال یا فاطم اصبری و اشکری اللّٰه فقد نلت منه فضلا کبیرا امر اللّٰه جبرئیل فنادی معلنا فی السماء صوتا جهیرا اجتمعن الاملاک حتی اذا ما وردوا بیت ربنا المعمورا قام جبریل خاطبا یکثرا التحمید للّٰه جل و التکبیرا خمس ارض لها حلال فصیره علی الخلق دونها مبرورا نثرت عند ذاک طوبی للحور من المسک و العبیر نثیرا ۱۶- قال الاصفهانی: امن بسیده النساء قضی له ربی فاصبح اسد الاختان من بعد خطاب اتوه فردهم ردا یبین مضمر الاشجان فابان منعهما و قال صغیره تزویجها فی سنها لم یان [صفحه ۴۶۵] حتی اذا خطب الوصی اجابه من غیر توریه و لا تستیذان فاللّٰه زوجه و اشهد فی العلا املاکه و جماعه السکان واللّٰه قدر نسله من صلبه فلذا لاحمد لم یکن بنتان ۱۷- قال دیک الجن: اول خلق جاء فیها خاطبا الی النبی جائیا و ذاهبا جبریل حتی تم تزویج النبی بقدره اللّٰه العظیم من علی فلاحت الانوار منه الساطعه وصف املاک السماء السابعه و قام جبریل علیهم یخطب فتمم اللّٰه لهم ما طلبوا ثم قضی اللّٰه الی الجنات ان عجن من دانیه الاغصان فامطرتهم حللا- وحلیا حتی وعی ذلک منها وعیا فمن حوی الاکثر منها افتخر ما عاش فی عالمه علی الاخر ۱۸- قال الحمیری: نصب الجلیل لجبرئیل منبرا فی ظل طوبی من متون زبرجد شهد الملائکه الکرام و ربهم و کفی بهم و بربهم من شهد و تناثرت طوبی علیهم لولو و زمردا متتابعا لم یعقد و ملاک فاطمه الذی ما مثله فی متهم شرف و لا فی منجد ۱۹- قال ابن‌حماد: و جاء جبریل فی الاملاک قال له جئنا نهنیک اطنابا و اسهابا و کنت خاطبها واللّٰه و الیها و شاهدوها الکرام الغر احسابا و صیر الطیب من طوبی نثارهما اکرم بذاک نثارا ثم انهابا [صفحه ۴۶۶] و اقل الحور یلقطن النثار معا فهن یهدینه فخرا و تحبابا ۲۰- قال الحمیری: واللّٰه زوجه الزکیه فاطما فی ظل طوبی مشهدا محضورا کان الملائک تم فی عدد الحصی جبریل یخطبهم بها مسرورا یدعو له و کان دعائه لهما بخیر دائما مذکورا حتی اذا فرغ الخطیب تتابعت طوبی تساقط لولوا منثورا و تهیل یاقوتا علیهم مره و تهیل درا تاره و شذورا فتری نساء الحور ینتهبونه حورا بذلک یهتدین الحورا فالی القیامه بینهن هدیه ذاک النثار عشیه و بکورا ۲۱- قال خطیب منبج: ملاک کانت الاملاک فیه لتزویج الزکیه شاهدینا و کان ولیها جبریل منهم و میکائیل خیر الخاطبینا و زخرفت الجنان فظل فیها لها ولدانها متزینینا و کان نثارها حللا- و حلیا و یاقوتا و مرجانا ثمینا و عقیانا و حورالعین فیها و ولدان کرام لاقطونا و کان من النثار کما روینا حکاک ینتثرن و ینطوینا بها للشیعه الابرار عتق جری من عند رب العالمینا ۲۲- قالت امسلمه عند تزویجها علیهاالسلام: سرن بعون اللّٰه جاراتی و اشکرنه فی کل حالات و اذکرن ما انعم رب العلی من کشف مکروه و آفات [صفحه ۴۶۷] فقد هدانا بعد کفر و قد انعشنا رب السماوات سرن مع خیر نساء الوری تفدی بعمات و خالات یا بنت من فضله ذو العلی بالوحی منه و الرسالات ۲۳- قالت عائشه عند تزویجها علیهاالسلام: یا نسوه استرن بالمعاجر و اذکرن ما یحسن فی المحاضر و اذکرن رب الناس اذ خصنا بدینه مع کل عبد شاکر والحمد للّٰه علی افضاله و الشکر للّٰه العزیز القادر سرن بها فاللّٰه اعطی ذکرها و خصها منه بطهر طاهر ۲۴- قالت حفصه: فاطمه خیر نساء البشر و من لها وجه کوجه القمر فضلک اللّٰه علی کل الوری بفضل من خص بای الزمر زوجک اللّٰه فتی فاضلا اعنی علیا خیر من فی الحضر فسرن جاراتی بها انها کریمه بنت عظیم الخطر ۲۵- قالت معاذه امسعد بن معاذ: اقول قولا فیه ما فیه و اذکر الخیر و ابدیه بفضله عرفنا رشدنا فاللّٰه بالخیر مجازیه و نحن مع بنت نبی الهدی ذی شرف قد مکنت فیه فی ذروه شامخه اصلها فما اری شیئا

یدانیه ۲۶- قال سلامه الموصلی: [صفحه ۴۶۸] یا نفس ان تلتقی ظلما فقد ظلمت بنت النبی رسول‌اللَّه و ابناها تلک التی احمد المختار والدها و جبرئیل امین‌اللَّه رباها اللَّه طهرها من کل فاحشه و کل ریب وصفاها و زکاها ۲۷- قال بعض شعراء موصل: حر صدری و اشتیاقی فالاسی و احتراقی و اکتیابی و الحرب لابنه الهادی الرضی فاطمه حقها بعد ابیها یغتصب بل لما نال بنی‌فاطمه من بنی الطمث الملاعین الغیب یالقومی ما اتی الدهر بهم من خطوب مفظعات و نوب ۲۸- قال حسان بن ثابت: و ان مریم احصنت فرجها و جاءت بعیسی کبدر الدجی فقد احصنت فاطم بعدها و جاءت بسبطی بنی الهدی [۶۷۷] . ۲۹- للحاج محمد بن الحسین الاحسائی: قال الحاج محمد بن الحسین آل‌رمضان الاحسائی فی مولدها الشریف و هی قصیده من احدی القصائد السبع الفاطمیات اخذناها من مجله الموسم العدد ۹ سنه ۱۴۱۱ صفحه ۵۶۱ التی تصدر عن دمشق: شرف‌اللَّه جمادی الاخره فغدت و هی جمادی الفاخره و تباهت اشهر الحول بها حیث جاءت بالبتول الطاهره [صفحه ۴۶۹] وانظروا العشرین منها لتروا فرحه الهادی علیها ظاهره واجعلوه بالتاسی عیدکم فمن الاسلام ذکری عاطره واغنموا الاجر من الباری فمن طلب العزیه منه آجره واشکروا اللَّه علی الائه لیزید اللَّه خیرا شاکره یا لها ذکری علی درب الهوی تلهم النفس و تحی الذاکره انها مولود مشکاه الهدی فاطم ام‌النجوم الزاهره دره التاج لاصحاب الکساء اکرم اللَّه بها من آثره دره التاج لاصحاب الکساء اکرم اللَّه بها من آثره حملت سر ابیها المصطفی و من الکابر جاءت کابره و الی اسباطه منه سری فهو المرکز و هی الدائره فلک دار علی قطب الهدی و بدت فیه البروج العامره بضعه منه و لا غرو اذا کان جزء الشیء یحکی سائره حوت الحکمه من شرع الهدی صورا تهدی العقول الحائره و تری للحق صوتا هادرا ینشد العدل و روحا ثائره و تری الحق الذی احتجب به ساطعا یکسف شمس الهاجره و هب اللَّه به خیر الوری بهجه الدینا و نور الاخره الف اللَّه بها شمل الهدی و بها قوی و شد الاصره و غدا صهر النبی المصطفی حیدر خیر وزیر آزره و حوی من نسلها ذریه کتب اللَّه بهم من کاثره سوره الکوثر هم تاویلها کذبت شانئه اذ نافره وجد الاسلام منهم غوثه فی الملمات و منهم ناصره [صفحه ۴۷۰] بلغ الهادی عن الحق و هم بلغوا عنه فکانوا حاضره حملوا اسرار ما جاء به و له کانوا البحار الزاخره و ابانوا للوری منهاجه و تلقی العلم منهم باقره و سنلقی بعد من مهدیهم عزه الدنیا و فوز الاخره عجل اللَّه به نیل المنی واقر اللَّه عینی ناظره [صفحه ۴۷۱]

العلم

۱- قال ابومحمد الحسن بن علی العسکری علیهماالسلام: قالت فاطمه علیهاالسلام و قد اختصم الیها امراتان فتنازعتا فی شیء من امر الدین، احداهما معانده و الاخری مومنه، ففتحت علی المومنه حجتها فاستظهرت علی المعانده، ففرحت فرحا شدیدا. فقالت فاطمه: ان فرح الملائکه باستظهارک علیها اشد من فرحک، و ان حزن الشیطان و مردته بحزنها عنک اشد من حزنها، و ان اللَّه عز و جل قال للملائکه باستظهارک علیها اشد من حزنها، و ان اللَّه عز و جل قال لملائکه: اوجبوا لفاطمه بما فتحت علی هذه المسکینه الاسیره من الجنان الف الف ضعف مما کنت اعددت لها، واجعلو هذه سنه فی کل من یفتح علی اسیر مسکین فیغلب معاندا مثل الف الف ما کان له معدا من الجنان. [۶۷۸] . [صفحه ۴۷۲] ۲- الصدوق حدثنا محمد بن موسی بن المتوکل رضی‌اللَّه عنه قال: حدثنا علی بن الحسین السعد آبادی، عن احمد بن ابی‌عبداللَّه البرقی، عن اسماعیل بن مهران، عن احمد بن محمد بن جابر، عن زینب بنت علی قالت: قالت فاطمه علیهاالسلام فی خطبتها: للَّه فیکم عهد قدمه الیکم و بقیه استخلفها علیکم، کتاب اللَّه بینه بصائره و ای منکشفه سرایرها و برهان متجلیه ظواهره. مدیم للبریه استماعه و قائد الی الرضوان اتباعه، و مود الی النجاه اشیاعه فیه تبیان حجج اللَّه المنیره و محارمه المحرمه و فضائله المدونه، و جمله الکافیه و رخصه الموهوبه، و شرایعه المکتوبه و بیناته الجالیه ففرض الایمان تطهیرا من الشکر، و الصلوه تنزیها عن الکبر، و الزکوه زیاده فی الرزق، و الصیام تثبیتا للاخلاص، و الحج تسنیه للدین، و العدل تسکینا للقلوب، و الطاعه نظاما للمله، و الامامه لما من الفرقه و الجهاد عز الاسلام، و الصبر معونه علی الاستیجاب. الامر بالمعروف مصلحه للعامه و بر الوالدین وقایه عن السخط، وصله الارحام منماه للعدد، و القصاص حقنا للدماء، و الوفاء للنذر تعرضا للمغفره، و توفیه المکائیل و

الموازین تغییرا للبخسه، و اجتباب قذف المحصنات حجبا عن اللعنه، و مجانبه السرقه ایجابا للعفه، و اکل اموال الیتامی اجاره من الظلم، و العدل فی الاحکام ایناسا للرعیه، و حرم اللّه عز و جل الشرک اخلاصا للربوبیه، فاتقوا [صفحه ۴۷۳] اللّه حق تقاته فیما امرکم به و انتهوا عما نهاکم عنه. [۶۷۹] .

الامامه

۱- سلیم بن قیس قال سمعت سلمان الفارسی قال: کنت جالسا بین یدی رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم فی مرضه الذی قبض فیه، فدخلت فاطمه علیهاالسلام فلما رات ما برسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم خنقتها العبره حتی جرت دموعها علی خدیها فقال لها رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم: یا بنیه ما یبکیک؟ قالت یا رسول‌اللّه اخشی علی نفسی و ولدی الضیعه من بعدک. فقال رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم و اعر و رقت عیناه: یا فاطمه او ما علمت انا اهل بیت اختار اللّه لنا الاخره علی الدنیا و انه حتم الفناء علی جمیع خلقه، ان اللّه تبارک و تعالی اطلع الی الارض اطلاعه فاختارنی منهم فجعلنی نبیا ثم اطلع الی الارض ثانیا فاختار بعلک و امرنی ان ازوجک ایاه و ان اتخذه اخا و وزیرا و وصیا و ان اجعله خلیفتی فی امتی. [صفحه ۴۷۴] فابوک خیر انبیاء اللّه و رسله و بعلک خیر الاوصیاء و الوزراء و انت اول من یلحقنی من اهلی ثم اطلع الی الارض اطلاعه ثالثه فاختارک واحد عشر رجلا من ولدک و ولد اخی بعلک، فانت سیده نساء اهل الجنه و ابناک سیدا شباب اهل‌الجنه،و انا و اخی واحد عشر اماما اوصیائی الی یوم القیامه کلهم هاد مهتد. اول الاوصیاء بعد اخی الحسن ثم الحسین ثم تسعه من ولد الحسین فی منزل واحد فی الجنه، و لیس منزل اقرب الی اللّه من منزلی، ثم منزل ابراهیم و آل‌ابراهیم،اما تعلمین یا بنیه ان من کرامه اللّه ایاک ان زوجک خیر امتی و خیر اهل بیتی اقدمهم سلما و اعظمهم حلما و اکثرهم علما و اکرمهم نفسا و اصدقهم لسانا و اشجعهم قلبا و اجودهم کفا و ازهدهم فی الدنیا و اشدهم اجتهادا. فاستبشرت فاطمه علیهاالسلام بما قال و فرحت ثم قال لها رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم ان لعلی بن ابی‌طالب ثمانیه اضراس ثواقب نواقد، و مناقب لیست لاحد من الناس، ایمانه باللّه و برسوله قبل کل احد لم یسبقه الی ذلک احد من امتی، و علمه بکتاب اللّه و سنتی لیس احد من امتی یعلم جمیع علمی غیر بعلک، لان اللّه علمنی علما لا یعلمه غیری، و علم ملائکته و رسله علما، فانا اعلمه و امرنی اللّه ان اعلمه ایاه ففعلت. فلیس احد من امتی جمیع علمی و فهمی و فقهی کله غیره، انک یا بنیه زوجته و ان ابنی سبطای الحسن و الحسین و هما سبطا [صفحه ۴۷۵] امتی، و امره بالمعروف و نهیه عن المنکر، و ان اللّه علمه الحکمه و فصل الخطاب، یا بنیه انا اهل بیت اعطانا اللّه سبع خصال و لم یعطها احدا من الاولین و الاخرین غیرنا، انا سید الانبیاء و المرسلین و خیرهم، و وصیی خیر الوصیین و وزیری بعلک و شهیدنا خیر الشهداء. قالت یا رسول‌اللّه، سید الشهداء الذین قتلوا معک، قال: لا بل سید الشهداء من الاولین و الاخرین ما خلا الانبیاء و الاوصیاء و جعفر بن ابی‌طالب ذوالهجرتین و ذوالجناحین یطهر بهما مع الملائکه فی الجنه، و ابناک الحسن و الحسین سبطا امتی و سیدا شباب اهل الجنه، و منا والذی نفسی بیده مهدی هذه الامه الذی یملا اللّه به الارض قسطا وعدلا کما ملئت ظلما وجورا. قالت فاطمه علیهاالسلام یا رسول‌اللّه فای هولاء الذین سمیت افضل، فقال رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم: اخی علی افضل امتی و حمزه و جعفر افضل امتی بعد علی و بعدک و بعد ابنی و سبطی الحسن الحسین و بعد الاوصیاء من ولد ابنی هذا (و اشار رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم الی الحسین علیه‌السلام) منهم المهدی و الذی قبله افضل منه، الاول خیر من الاخر لانه امامه و الاخر وصی الاول: انا اهل بیت اختار اللّه لنا الاخره علی الدنیا. ثم نظر رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم الی فاطمه و الی بعلها و الی ابنیها فقال یا سلمان اشهد اللّه انی حرب لمن حاربهم و سلم لمن سالمهم، اما انهم معی فی الجنه، ثم اقبل [صفحه ۴۷۶] النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم علی علی علیه‌السلام فقال یا علی انک ستلقی من قریش شده من تظاهرهم علیک و ظلمهم لک فان وجدت اعوانا فجاهدهم، فقاتل من خالفک بمن وافقک فان لم تجد اعوانا فاصبر و اکفف یدک و لا تلق بیدک الی التهلکه فانک منی بمنزله هارون من موسی و لک بهارون اسوه حسنه انه قال لاخیه موسی ان القوم استضعفونی و کادوا

یقتلوننی. [۶۸۰] . ۳ – الصدوق حدثنا ابی‌رضی‌اللَّه عنه قال: حدثنا سعد بن عبداللَّه قال: حدثنا محمد بن الحسین بن ابی‌الخطاب، عن الحسن بن محبوب، عن ابی‌الجارود، عن ابی‌جعفر علیه‌السلام، عن جابر بن عبداللَّه الانصاری، قال: دخلت علی فاطمه علیهاالسلام و بین یدیها لوح فیه اسماء الاوصیاء، فعددت اثنی عشر احدهم القائم، ثلاثه منهم محمد و ثلاثه منهم علی. [۶۸۱] . ۴ – روی علی بن عیسی الاربلی عن عبدالعزیز الجنابذی مرفوعا عن جعفر بن محمد،عن ابیه، عن علی بن الحسین، عن فاطمه الصغری، عن حسین بن علی، عن امه فاطمه بنت محمد صلی اللَّه علیه و آله و سلم، قالت: خرج علینا رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم عشیه عرفه، فقال: ان اللَّه عز و جل باهی بکم و غفر لکم عامه، و لعلی خاصه، و انی [صفحه ۴۷۷] رسول‌اللَّه عز و جل الیکم غیر محاب لقرابتی، ان السعید کل السعید من احب علیا فی حیوته و بعد موته. [۶۸۲] . ۵ – روی العلامه المجلسی عن کتاب کفایه الاثر عن الحسین بن علی، عن عبداللَّه بن الصالح کاتب اللیث، عن رشد بن سعد، عن الحسین بن یوسف الانصاری، عن سهل بن سعد الانصاری، قال: سالت فاطمه بنت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم یقول لعلی علیه‌السلام: یا علی انت الامام و الخلیفه بعدی و انت اولی بالمومنین من انفسهم. فاذا مضیت فابنک الحسن اول بالمومنین من انفسهم، فاذا مضی الحسن فالحسین اولی بالمومنین من انفسهم فاذا مضی الحسین فابهه علی بن الحسین اولی بالمومنین من انفسهم، فاذا مضی علی فابنه محمد اولی بالمومنین من انفسهم، فاذا مضی محمد فابنه جعفر اولی بالمومنین من انفسهم، فاذا مضی جعفر فابنه موسی اولی بالمومنین من انفسهم. فاذا مضی موسی فابنه علی اولی بالمومنین من انفسهم، فاذا مضی علی فابنه محمد اولی بالمومنین من انفسهم، فاذا مضی محمد [صفحه ۴۷۸] فابنه علی اولی بالمومنین من انفسهم، فاذا مضی علی فابنه الحسن اولی بالمومنین من انفسهم، فاذا مضی الحسن فالقائم المهدی اولی بالمومنین من انفسهم یفتح اللَّه به مشارق الارض و مغابها، فهم ائمه الحق و السنه الصدق، منصور من نصرهم فخذول من خذلهم. [۶۸۳] . ۶ – عنه، عن کفایه الاثر باسناده عن علی بن الحسن، عن محمد، عن ابیه، عن علی بن قابوس القمی بقم، عن محمد بن الحسن، عن یونس بن ظبیان، عن جعفر بن محمد، عن ابیه محمد بن علی، عن ابیه علی بن الحسین، عن ابیه الحسین بن علی علیهم‌السلام قال: قالت لی امی فاطمه علیهاالسلام لما ولدتک دخل الی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله سلم فناولتک ایاه فی خرقه صفراء، فرمی بها و اخذ خرقه بیضاء لفک بها، و اذن فی اذنک الیمنی و اقام فی الیسری، ثم قال: یا فاطمه خذیه فانه ابوالائمه، تسعه من ولده ائمه ابرار و التاسع مهدیهم. [۶۸۴] . [صفحه ۴۷۹]

فضائل اهل البیت

۱– الصدوق حدثنا ابوالحسن محمد بن علی بن الشاه الفقیه المروزی بمرو الروذ فی داره، قال: حدثنا ابوبکر بن محمد بن عبداللَّه النیسابوری، قال: حدثنا ابوالقاسم عبداللَّه بن احمد بن عامر بن سلیمان الطائی بالبصره، قال: حدثنا ابی فی سنه ستین و ماتین، قال: حدثنی علی بن موسی الرضا علیه‌السلام سنه اربع و تسعین و ماه و حدثنا ابومنصور احمد بن ابراهیم بن بکر الخوری بنیسابور، قال: حدثنا ابواسحاق ابراهیم بن هارون بن محمد الخوری. قال: حدثنا جعفر بن محمد بن زیاد الفقیه الخوریط بنیسابور، قال: حدثنا احمد بن عبداللَّه الهروی الشیبانی، عن الرضا علی بن موسی علیهماالسلام، و حدثنی ابوعبداللَّه الحسین بن محمد الاشنانی الرازی العدل ببلخ، قال: حدثنا علی بن محمد بن مهرویه القزوینی، عن داود بن سلیمان الفرا، عن علی بن موسی الرضا علیه‌السلام قال: حدثنی ابی‌موسی بن جعفر، قال حدثنی ابی‌جعفر بن محمد، قال: حدثنی ابی‌محمد بن علی، قال: حدثنی ابی [صفحه ۴۸۰] علی بن الحسین علیهم‌السلام، قال: حدثتنی اسماء بنت عمیس. قالت حدثتنی فاطمه علیهاالسلام لما حملت بالحسن علیه‌السلام و ولدته جاء النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم، فقال: یا اسماء هلمی ابنی فدفعته الیه فی خرقه صفراء فرمی بها النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم و اذن فی اذنه الیمنی و اقام فی اذنه الیسری، ثم قال لعلی علیه‌السلام بای شیء سمیت ابنی؟ قال: ما کنت اسبقک باسمه یا رسول‌اللَّه و قد کنت احب ان اسمیه حربا، فقال النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم: و لا انا اسبق باسمه ربی. ثم هبط جبرئیل علیه السلام، فقال: یا محمد

العلی الاعلی یقرئک السلام و یقول: علی منک بمنزله هارون من موسی و لا نبی بعدک سم ابنک هذا باسم ابن‌هارون فقال النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم: و ما اسم ابن‌هارون؟ قال: شبر، قال النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم: لسانی عربی، قال جبرئیل علیه‌السلام: سمه الحسن، قالت اسماء فسماه الحسن. فلما کان یوم سابعه عق النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم عنه بکبشین املحین و اعطی القابله فخذا و دینارا ثم حلق راسه و تصدق بوزن الشعر ورقا و طلی راسه بالخلوق ثم قال: یا اسماء الدم فعل الجاهلیه، قالت اسماء فلما کان بعد حول، ولد الحسین علیه‌السلام و جاء النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم، فقال یا اسماء هلمی ابنی، فدفعته الیه فی خرقه بیضاء، فاذن فی اذنه الیمنی و اقام فی الیسری [صفحه ۴۸۱] و وضعه فی حجره فبکا. فقالت اسماء بابی انت و امی مم بکاؤک؟ قال علی ابنی هذا قلت انه ولد الساعه یا رسول‌اللَّه فقال: تقتله الفئه الباغیه من بعدی لا انالهم اللَّه شفاعتی، ثم قال یا اسماء لا تخبری فاطمه بهذا فانها قریبه عهد بولادته، ثم قال لعلی: ای شیء سمیت ابنی هذا؟ قال: ما کنت لا سبقک باسمه یا رسول‌اللَّه و قد کنت احب ان اسمیه حربا؟ فقال النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم و لا اسبق باسمه ربی عز و جل. ثم هبط جبرئیل علیه‌السلام فقال: یا محمد العلی الاعلی یقرئک السلام، و یقول لک علی منک کارون من موسی سم ابنک هذا باسم ابن‌هارون، قال النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم و ما اسم ابن‌هارون، قال شبیر قال النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم لسانی عربی قال جبرئیل علیه‌السلام سمه الحسین، فلما کان یوم سابعه عق عنه النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم بکبشین املحین، و اعطی القابله فخذا و دینارا ثم حلق راسه و تصدق بوزن الشعر ورقا، وطلفی راسه بالخلوق فقال یا اسماء الدم فعل الجاهلیه. [۶۸۵] . ۲ – و بهذا الاسناد قال: قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: تحشر ابنتی فاطمه یوم القیامه و معها ثیاب مصبوغه بالدم [صفحه ۴۸۲] فتعلق بقائمه من قوائم العرش فتقول یا عدل احکم بینی و بین قاتل ولدی، قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: فیحکم اللَّه تعالی لابنتی و رب الکعبه، و ان اللَّه عز و جل یغضب لغضب فاطمه و یرضی لرضاها. [۶۸۶] . ۳ – و بهذا الاسناد، قال: قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: لما اسری بی الی السماء اخذ جبرئیل بیدی واقعدنی علی درنوک من درانیک الجنه، ثم ناولنی سفر جله فانا اقبلها اذا انفلقت، فخرجت منها جاریه حوراء لم ار احسن منها فقالت: السلام علیک یا محمد، فقلت: من انت؟ قالت: انا الراضیه المرضیه،خلقنی الجبار من ثلاثه اصناف اسفلی من مسک، و وسطی من کافور و اعلای من عنبر و عجننی من ماء الحیوان، و قال لی الجبار کونی! فکنت خلقنی لاخیک و ابن عمک علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام. [۶۸۷] . ۴ – و بهذا الاسناد قال: قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: الولد ریحانه، و ریحانتای الحسن والحسین. [۶۸۸] . ۵ – و بهذا الاسناد قال: قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: یا علی انک قسیم الجنه و النار، و انک لتقرع باب الجنه و تدخلها بلا حساب. [۶۸۹] . [صفحه ۴۸۳] ۶ – و بهذا الاسناد قال: قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: مثل اهل بیتی فیکم کمثل سفینه نوح من رکبها نجا، و من تخلف عنها زج فی النار. [۶۹۰] . ۷ – و بهذا الاسناد قال: قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: اشتد غشب اللَّه و غضب رسوله علی من اهرق دمی و آذانی فی عترتی. [۶۹۱] . ۸ – و بهذا الاسناد قال: قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: اتانی ملک، فقال: یا محمد ان اللَّه یقرئک السلام و یقول لک: قد زوجت فاطمه من علی فزوجها منه و قد امرت شجره طوبی ان تحمل الدر و الیاقوت و المرجان، و ان اهل السماء قد فرحوا بدلک و سیولد منها ولدان سیدا شباب اهل الجنه و بهما تتزین اهل الجنه، فابشر یا محمد فانک خیر الاولین والاخرین. [۶۹۲] . ۹ – و بهذا الاسناد قال: قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: سته من المروه ثلاثه منها فی الحضر و ثلاثه منها فی السفر، فاما التی فی الحضر فتلاوه کتاب اللَّه عز و جل، و عماره مساجد اللَّه، و اتخاذ الاخوان فی اللَّه، و اما التی فی السفر، فبذل الزاد، و حسن الخلق، و المزاح فی غیر المعاصی. [۶۹۳] . ۱۰ – و بهذا الاسناد قال: قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم [صفحه ۴۸۴] و سلم: النجوم امان لاهل السماء و اهل بیتی امان لامتی. [۶۹۴] . ۱۱ – الصدوق حدثنا علی بن محمد بن الحسن القزوینی المعروف بابن مقبره قال: حدثنا محمد بن عبداللَّه الحضرمی، قال: حدثنا جندل بن والق، قال: حدثنا محمد بن عمر المازنی، عن عباد الکلبی، عن جعفر بن محمد عن ابیه علی علی بن الحسین، عن فاطمه الصغری، عن الحسین بن علی عن امه فاطمه بنت محمد صلی اللَّه علیه و آله و سلم قالت: خرج علینا رسول‌اللَّه عشیه عرفه.

فقال ان اللّه تبارک و تعالی باهی بکم و غفر لکم عامه و لعلی خاصه و انی رسول‌اللّه الیکم غیر محاب لقرابتی هذا جبرئیل یخبرنی ان السعید کل السعید حق السعید من احب علیا فی حیوته و بعد موته و ان الشقی حق الشقی من ابغض علیا فی حیوته و بعد وفاته. [۶۹۵] . ۱۲ – عنه حدثنا الحسین بن احمد بن ادریس رضی‌اللّه‌عنه، قال: حدثنا ابی، عن محمد بن احمد بن یحیی بن عمران الاشعری، عن ابراهیم بن هاشم، عن عمرو بن عثمان، عن محمد بن عذافر، عن ابی‌حمزه عن علی بن حزور عن القاسم بن ابی‌سعید، قال: اتت فاطمه علیهاالسلام النبی فذکرت عنده ضعف الحال. [صفحه ۴۸۵] فقال لها: اما تدرین ما منزله علی عندی کفانی امری و هو ابن‌اثنتی عشره سنه و ضرب بین یدی بالسیف و هو ابن‌سته عشره سنه و قتل الابطال و هو ابن‌تسع عشره سنه و فرج همومی و هو ابن‌عشرین سنه و رفع باب خیبر و هو ابن‌اثنتین و عشرین سنه کامله و کان لا یرفعه خمسون رجلا قال فاشرق لون فاطمه و لم تقر قدماها حتی اتت علیا علیه‌السلام فخبرته فقال کیف لو حدثتک بفضل اللّه علی کله. [۶۹۶] . ۱۳ – عنه، حدثنا الحسن بن محمد بن یحیی العلوی رضی‌اللّه‌عنه، قال: حدثنی جدی، قال: حدثنا الزبیر بن ابی‌بکر، قال: حدثنی ابراهیم بن حمزه الزبیری، عن ابراهیم بن علی الرافعی، عن ابیه، عن جدته بنت ابی‌رافع قالت: اتت فاطمه بنت رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم بابنیها الحسن و الحسین علیهماالسلام الی رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم فی شکواه الذی توفی فیه فقالت: یا رسول‌اللّه هذان ابناک فورثهما شیئا قال: اما الحسن فان له هیبتی و سوددی و اما الحسین فان له جراتی وجودی. [۶۹۷] . ۱۴ – حدثنا الحسن بن محمد بن یحیی العلوی رحمه‌اللّه قال: حدثنی جدی قال: حدثنی محمد بن علی قال: حدثنا عبداللّه بن الحسن بن محمد و حسین بن علی بن عبداللّه بن ابی‌رافع، قال: [صفحه ۴۸۶] اخبرنی ابی، عن شیخ من الانصار یرفعه الی زینب بنت ابی‌رافع، عن امها قالت: قالت فاطمه علیهاالسلام: یا رسول‌اللّه هذان ابناک فانحلهما، فقال رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم: اما الحسن فنحلته هیبتی و سوددی و اما الحسین فنحلته سخائی و شجاعتی. [۶۹۸] . ۱۵ – عنه، حدثنا محمد بن ابراهیم بن اسحاق الطالقانی رضی‌اللّه‌عنه، قال: حدثنا ابوسعید الحسن بن علی العدوی، قال: حدثنا عمر بن المختار، قال: حدثنا یحیی الحمانی، قال: حدثنا قیس بن الربیع، عن الاعمش، عن عبایه بن ربعی الاسدی، عن ابی‌ایوب الانصاری، قال: ان رسول‌اللّه مرض مرضه فاتته فاطمه علیهاالسلام تعوده و هو ناقه من مرضه، فلما رات ما برسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم من الجهد و الضعف خنقتها العبره حتی جرت دمعتها علی خدها. فقال النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم لها: یا فاطمه ان اللّه جل ذکره اطلع علی الارض اطلاعه فاختار منها اباک، و اطلع ثانیه فاختار منها بعلک، فاوحی الی فانکحتکه، اما علمت، اما علمت یا فاطمه ان لکرامه اللّه ایاک زوجک اقدمهم سلما و اعظمهم حلما، واکثرهم علما، قالت: فسرت بذلک فاطمه و استبشرت بما قال لها رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم، فاراد رسول‌اللّه صلی اللّه علیه [صفحه ۴۸۷] و آله و سلم ان یزیدها مزید الخیر کله من الذی قسمه اللّه له و لمحمد و آل‌محمد. فقال علیه‌السلام: یا فاطمه لعلی علیه‌السلام ثمان خصال: ایمانه باللّه و برسوله، و علمه و حکمته و زوجته، و سبطاه حسن و حسین، و امره بالمعروف و نهیه عن المنکر، و قضاوه بکتاب اللّه، یا فاطمه انا اهل بیت اعطینا سبع خصال لم یعطها احد من الاولین قبلنا و لا یدرکها احد من الاخرین بعدنا: نبینا خیر الانبیاء و هو ابوک، و وصینا خیر الاوصیاء و هو بعلک، و شهیدنا سید الشهداء و هو حمزه عم ابیک و منا من له جناحان یطیر بهما فی الجنه و هو جعفر، و منا سبطا هذه الامه و هما ابناک. [۶۹۹] . ۱۶– ابوجعفر الطبری قال: حدثنا ابوبکر بن شاذان، قال: حدثنا ابوسعید البصری،قال: حدثنا عثمان بن عبداللّه ابوعمر الطحان، قال: حدثنا سعید بن سالم، قال: حدثنا عبید بن طفیل، عن ربعی بن خراش، عن فاطمه بنت رسول‌اللّه انها دخلت علی رسول‌اللّه فبسط ثوبا و قال لها اجلسی علیه. ثم دخل الحسن فقال له اجلس معها، ثم دخل الحسین فقال له اجلس معهما، ثم دخل علی فقال له اجلس معهم، ثم اخذ بمجامع الثوب فضمه علینا ثم قال: اللهم هم منی و انا منهم، اللهم [صفحه ۴۸۸] ارض عنهم کما انی عنهم ارض. [۷۰۰] . ۱۷ – عنه، اخبرنی القاضی ابواسحاق ابراهیم بن احمد بن محمد الطبری، قال: حدثنا ابوالحسن محمد بن اسحاق بن عباد بن حاتم التمار بالبصره، قال: حدثنا ابراهیم بن فهد بن حکیم، قال: حدثنا یعقوب بن حمید بن کاسب، قال: حدثنا ابراهیم بن الحسن الرافعی، عن ابیه، عن ابیه، عن زینب بنت ابی‌رافع، عن فاطمه بنت رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و

آله و سلم انها اتت رسول‌اللَّه بالحسن و الحسین فی مرضه الذی توفی فیه فقالت یا رسول‌اللَّه ان هذین لم تورثهما شیئا، فقال امام الحسن فله هیبتی و سوددی، و اما الحسین فله جراتی وجودی. [۷۰۱] . ۱۸ – و اخبرنی القاضی ابواسحاق ابراهیم بن احمد بن محمد الطبری، قال: اخبرنا ابن‌الحسین زید بن محمد بن جعفر الکوفی قراءه علیه، قال: اخبرنا ابوعبداللَّه الحسین بن الحکم الحیری قراءه علیه، قال: اخبرنا اسماعیل بن صبیح، قال: حدثنا یحیی بن مساور، عن علی بن حزور عن القاسم بن ابی‌سعید الخدری رفع الحدیث الی فاطمه قالت: اتیت النبی فقلت السلام علیک یا ابه فقال و علیک السلام یا بنیه. فقلت واللَّه ما اصبح یا نبی اللَّه فی بیت علی حبه طعام و لا [صفحه ۴۸۹] دخل بین شفتیه طعام منذ خمس و لا اصبحت له ثاغیه و لا راغبه و ما اصبح فی بیته سفه و لا هفه، فقال ادنی منی فدنوت منه فقال ادخلی یدک بین ظهری و ثوبی، فاذا حجر بین کتفی النبی مربوط بعمامته الی صدره، فصاحت فاطمه صیحه شدیده، فقال لها ما اوقدت فی بیوت آل‌محمد نار منذ شهر. ثم قال صلی اللَّه علیه و آله و سلم: اتدرین ما منزله علی؟ کفانی امری و هو ابن‌اثنتی عشره سنه، و ضرب بین یدی بالسیف و هو ابن‌ست عشره سنه، و قتل الابطال و هو ابن‌تسع عشره سنه، و فرج همومی و هو ابن‌عشرین سنه، و رفع باب خیبر و هو ابن‌نیف و عشرین کان لا یرفعه خمسون رجلا. فاشرق لون فاطمه و لم تقر قدماها مکانهما حتی اتت علیا، فاذا البیت قد انار بنور وجهها، فقال لها علی: یا ابنه محمد لقد خرجت من عندی و وجهک علی غیر هذه الحال فقالت ان النبی حدثنی بفضلک فما تمالکت حتی جئتک فقال لها کیف لو حدثک بکل فضلی. [۷۰۲] . ۱۹– و روی ابراهیم بن علی الرافعی، عن ابیه، عن جدته زینب بنت ابی‌رافع و شبیب بن ابی‌الرافع الرافعی، عمن حدثه قالت اتت فاطمه علیهاالسلام بابنیها الحسن و الحسین علیهما [صفحه ۴۹۰] السلام الی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم فی شکواه التی توفی فیها فقالت یا رسول‌اللَّه هذان ابناک فورثهما شیئا فقال اما الحسن فان له هیبتی و سوددی و اما الحسین فان له جودی و شجاعتی. [۷۰۳] . ۲۰ – احمد بن عبداللَّه، عن عبداللَّه بن محمد العبسی، قال: اخبرنی حماد بن سلمه، عن الاعمش، عن زیاد بن وهب، عن عبداللَّه بن مسعود، قال: اتیت فاطمه صلوات اللَّه علیها، فقلت لها: یا بعلک؟ فقالت: عرج به جبرئیل علیه‌السلام الی السماء، فقلت: فیماذا؟ فقالت ان نفرا من الملائکه تشاجروا فی شیء فسالوا حکما من الادمین فاوحی اللَّه تعالی الیهم ان تخیروا، فاختاروا علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام. [۷۰۴] . ۲۱– شاذان بن جبرئیل القمی: عن ابی‌طالب احمد بن الفرج بن الازهر، رفعه عن رجاله الی سلمان بن سالم، قال: اخبرنی سلیمان الاعمش، قال وجه الی المنصور فی جوف اللیل ان اجب قلت ما بعث الی الا لیسالنی عن بعض فضائل علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام و لعلی ان اخبرته قتلنی فتطهرت و تکفنت و تحنطت ثم کتبت وصیتی وصرت الیه فوجدت عنده عمرو بن عبید فحمدت اللَّه علی ذلک فقلت فی نفسی وجدت عنده عونا صدیقا من اهل البصره فسلمت علیه. [صفحه ۴۹۱] فقال ادن منی یا سلیمان فدنوت منه و اقبلت علی عمرو بن عبید اساله مثل ما یعهد من رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم ففاح منی رائحه الحنوط فقال المنصور یا سلیمان ما هذه الرائحه واللَّه ان لم تصدقنی و الا قتلتک فقلت یا امیرالمومنین اتانی رسولک فی جوف اللیل فقلت فی نفسی ما بعث الی فی هذه الساعه الا لیسالنی عن فضائل علی بن ابی‌طالب فان اخبرته قتلنی فکتبت وصیتی ولبست کفنی و تحنطت. قال و کان متکئا فاستوی جالسا و هو یقول لا حول و لا قوه الا باللَّه العلی العظیم ثم قال اتکفرنی یا سلیمان ما اسمی، قلت امیرالمومنین، قال دعنا فی هذه الساعه من هذا من اسمی قلت عبداللَّه بن علی بن عبداللَّه بن عباس بن عبدالمطلب قال صدقت فاخبرنی باللَّه و بقرابتی من رسول‌اللَّه کم رویت من حدیث فی علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام و کم فضیله سمعت من جمیع الفقهاء قال: شیئا یسیرا یا امیرالمومنین مقدار عشره الاف حدیث فما زاد. قال یا سلیمان الا احدثک بحدیث فی فضائل علی علیه‌السلام یاکل کل حدیث رویته عن جمیع القفهاء فان حلفت لی ان لا ترویها لاحد من الشیعه حدثتک به قلت لا احلف و لا احدث به قال اسمع، کنت هاربا من بنی مروان و کنت ادور فی البلدان فاتقرب الی الناس بحب علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام و فضائله و کانوا یشرفونی و یکرمونی و یعطونی حتی وردت بلاد [صفحه ۴۹۲] الشام و اهل الشام کلما اصبحوا لعنوا علیا بمساجدهم لانهم کلهم خوارج و اصحاب معاویه. فدخلت مسجدا و فی نفسی منهم ما فیها فاقیمت الصلوه فصلیت الظهر و علی کساء خلق فلما سلم الامام اتکا علی الحائط و اهل المسجد حضور و جلست و

لم ار احدا یتکلم توقیرا منهم لامامهم فاذا بصبیین قد دخلا المسجد فلما نظر الامام الیهما قام، ثم قال ادخلا فمرحبا بکما و مرحبا بمن سمیتما باسمهما واللَّه ما سمیتکما باسمهما الا لاجل حبی لمحمد و آل‌محمد فاذا اسم احدهما الحسن و الاخر الحسین. فقلت فی نفسی: قد اصبت حاجتی و لا حول و لا قوه الا باللَّه و کان الی جانبی شاب فسالت منه من هذا الشیخ و من هذان الغلامان فقال الشیخ و من هذان الغلامان فقال الشیخ جدهما و لیس فی هذه المدینه احد یحب علیا سواه فلذلک سماهما الحسن و الحسین ففرحت فرحا شدیدا و کنت لا ـ اخاف الرجال فدنوت من الشیخ و قلت هل لک فی حدیث اقر به عینک قال ما احوجنی الی ذلک و ان اقررت عینی اقررت عینک فعند ذلک قلت: حدثنی ابی، عن ابیه، عن جده، قال لی من ابوک؟ و من جدک فعلت انه یرید نسبی فقلت انا عبداللَّه بن محمد بن عبداللَّه بن عباس انه قال کنا مع رسول‌اللَّه و اذا بفاطمه علیهاالسلام قد اقبلت تبکی فقال لها النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم ما یبکیک لا [صفحه ۴۹۳] ابکی اللَّه لک عینا فقالت یا ابت ان الحسن و الحسین قد ذهبا منذ الیوم و لم اعلم این ذهبا و ان علیا مشی علی الدالیه منذ خمسه ایام یسقی البستان و انی قد استوحشت لها قال صلی اللَّه علیه و آله و سلم یا ابابکر اذهب فاطلبهما و انت یا فلان فوجه سلمان. قال و لم یزل یوجه حتی مضی سبعون رجلا فی طلبهما و رجعوا و لم یشیبوهما فاغتم النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم ثم قام فوقف علی باب المسجد و قال الهی بحق آدم صفوتک ان کانا قرتا عینی فی بر او بحر او سهل او جبل فاحفظهما و سلمهما علی فاطمه سیده نساء العالمین قال: و اذا باب من السماء قد فتح و اذا بجبرئیل قد نزل من عند رب لم یزل و قال السلام علیک یا رسول‌اللَّه الحق یقرئک السلام و یقول لک لا تحزن و لا تغتم الغلامان هما الفاضلان فی الدنیا و الاخره و هما سیدا شباب اهل الجنه و انهما فی حظیره «او حدیقه» بنی النجار و قد و کلت بهما ملکا یحفظهما ان قاما او قعدا او ناما او استیقظا. قال فعند ذالک فرح النبی فرحا شدیدا فقام و مضی جبرئیل علیه‌السلام عن یمینه و المسلمون حوله حتی دخل حظیره بنی النجار فسلم علیه ذلک الملک الموکل بهما فرد علیه‌السلام والحسن و الحسین نائمان و هما متعانقان و الملک قد جعل جناحه فوقهما و کل واحد منهما علیه دراعه من شعر او صوف و المداد علی شفیتهما فجثا النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم علی رکبتیه و انکب علیهما [صفحه ۴۹۴] یقبلهما و یقول لهما حبیبی، حبیبی حتی استیقظا فرایا جدهما. فحمل النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم الحسن و حمل جبرئیل الحسین فخرج النبی من الحظیره، قال فحدث من کان حاضرا عن ابن‌عباس قال کان یقول: کلما قبلهما و هما علی کتفیه و کتف جبرئیل علیه‌السلام من احبکما فقد احبنی و من ابغضکما فقد ابغضنی فقال ابوبکر اعطنی احمل احدهما یا رسول‌اللَّه قال نعم المحمول و نعم المطیه و نعم الراکبان هما و ابوهما و امهما منهما و نعم من احبهما. فلما خرجا و مضیا تلقاهما عمر فقال من احبهما قال و لم یزل النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم سائرا حتی دخل المجسد و قال: واللَّه لا شرفن الیوم ولدی کما شرفهما اللَّه تعالی ثم قال یا بلال ناد فی الناس فقال النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم: معاشر المسلمین بلغوا عن نبیکم ما تسمعو له منه ایها الناس الا ادلکم الیوم علی خیر الناس جدا وجده قالوا: بلی یا رسول‌اللَّه قال:الحسن و الحسین جدهما محمد رسول اللَّه وجدتهما خدیجه بنت خویلد سیده نساء اهل الجنه. ایها الناس الا ـ ادلکم علی خیر الناس ابا و اما قالوا بلی یا رسول‌اللَّه قال: الحسن و الحسین ابوهما علی بن ابی‌طالب و امهما فاطمه بنت رسول‌اللَّه و ان اباهما خیر منهما یحب اللَّه و یحب رسوله و یحبه اللَّه و رسوله سید العالمین و سید الاوصیاء ایها الناس الا ادلکم علی خیر الناس عما و عمه قالوا: بلی یا رسول‌اللَّه. [صفحه ۴۹۵] قال الحسن و الحسین عمهما جعفر الطیار یطیر مع الملائکه بجناحین مکللین بالدر و الیاقوت و عمتهما امهانی بنت ابی‌طالب معاشر الناس اهل ادلکم علی خیر الناس خالا ـ و خاله قالوا بلی یا رسول‌اللَّه قال الحسن و الحسین خالهما القاسم بن رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم و خالتهما زینب ثم قال اللهم انک تعلم ان الحسن و الحسین فی الجنه و ان جدهما و جدتهما فی الجنه و ان اباهما و امهما فی الجنه و ان من کرامتهما علی اللَّه ان سماهما فی التوراه شبرا و شبیرا فهما سبطای و ریحانتای فی الدنیا و الاخره. قال فلما سمع الشیخ ذلک منی کسانی خلعه فبعتها بمائه دینار و قال هل ادلک علی اخوین لی فی هذه المدینه احدهما کان موذیا و کان یلعن علیا علیه‌السلام کل یوم الف مره و کان یلعنه یوم الجمعه اربعه آلاف مره فغیر اللَّه ما به من نعمه و صار آیه للسائلین فهو هذا الیوم یحبه و اخ لی یحب علیا منذ خرج من

بطن امه فقم الیه و لا تحتبس عنده واللَّه یا سلیمان لقد رکبت البغله و انی یومئذ لجائع فقام معی الشیخ و اهل المسجد حتی صرنا الی الدار قال الشیخ انظر لا تحتبس عنده. فدفعت الباب و قد کان معی فاذا بشاب قد خرج الی فلما رآنی و البغله تحتی قال واللَّه ما کساک ابوفلان خلعته و لا ارکبک بغلته الا و انت رجل تحب اللَّه و رسوله و لان اقررت عینی لا قرن عینک، واللَّه یا سلیمان انی لا انس بهذا الحدیث الذی سمعته و تسمعه ثم [صفحه ۴۹۶] قال فقلت اخبرنی ابی عن جدی عن ابیه قال کنا مع رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم جلوسا بباب داره و اذا بفاطمه علیهاالسلام قد اقبلت و هی حامله للحسن و هی تبکی بکاء شدیدا فاستقبلها صلی اللَّه علیه و آله و سلم و قال ما یبکیک لا ابکی اللَّه لک عینا. ثم تناول الحسن من یدها فقالت: یا ابی ان نساء قریش یعیرننی و یقلن قد زوجک ابوک بفقیر لا مال له فقال لها النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم: یا فاطمه ما زوجتک انا ولکن اللَّه تعالیط زوجک فی السماء و شهد لک جبرئیل و میکائیل و اسرافیل اعلمی یا فاطمه ان اللَّه تعالی اطلع الی الارض اطلاعه فاختار منها اباک فبعثه نبیا ثم اطلع اطلاعه ثانیه فاختار بعلک فجعله وصیا ثم زوجک به من فوق سبع سماوات و امرنی ان ازوجک به و اتخذه وصیا و وزیرا. فعلی اشجعهم قلبا و اعلم الناس علما و احلم الناس حلما و احکم الناس حکما، و اقدم الناس ایمانا و اسمحهم کفا و احسن الناس خلقا یا فاطمه انی آخذ لواء الحمد و مفاتیح الجنه بیدی و ادفعها الی علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام فیکون ادم و من دونه تحت لوائه یا فاطمه انی مقیم غدا علیا علی حوضی یسقی من یرد علیه من امتی یا فاطمه ابناک الحسن و الحسین سیدا شباب اهل الجنه و کان قد سبق اسمهما فی التوراه مع موسی بن [صفحه ۴۹۷] عمران علیه‌السلام لکرامتهما عنداللَّه یا فاطمه یکسی ابوک حله من حلل الجنه و لواء الحمد بین یدی و امتی تحت لوائی فاناوله علیا لکرامته علی اللَّه قال و ینادی مناد یا محمد نعم الجد جدک و نعم الاخ اخوک فالجد ابراهیم و الاخ علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام و اذا دعانی رب العهالمین دعا علیا معنی و اذا احیانی احیی علیا معی و اذا شفعنی ربی شفع علیا و انه فی المقام عونی علی مفاتیح الجنه فقومی یا فاطمه ان علیا و شیعته هم الفائزون غدا یوم القیامه. [۷۰۵] . ۲۲- «و بالاسناد انه قال» بینا فاطمه جالسه اذ اقبل ابوها صلی اللَّه علیه و آله و سلم حتی جلس الیها فقال لها مالی اراک حزینه قالت بابی انت و امی یا رسول‌اللَّه و کیف لا ابکی و لا احزن و ترید ان تفارقنی فقال لها یا فاطمه لا تبکی و لا تحزنی فلا بد من فراقک فاشتد بکاوها و قالت یا ابتی این القاک قال تلقینی علی تل الحمد اشفع لامتی قالت یا ابت و ان لم القک قال تلقینی عند الصراط جبرئیل عن یمینی و میکائیل عن شمالی و اسرافیل آخذ بحجزتی و الملائکه من خلفی و انا انادی امتی فیهون علیهم الحساب. ثم انظر یمینا و شمالا الی امتی و کل نبی یوم القیامه مشتغل [صفحه ۴۹۸] بنفسه یقول یا رب نفسی، نفسی و انا اقول یا رب امتی، امتی فاول من یلحق بی انت و علی و الحسن و الحسین فیقول الرب عز و جل یا محمد ان امتک لو آتونی بذنوب کامثال الجبال لغفرت لهم ما لم یشرکوا بی شیئا و لم یوالوا عدوا قال: فلما سمع الشاب هذا منی امر لی بعشره آلاف درهم و کسانی ثلاثین ثوبا ثم قال لی: من این انت قلت من اهل الکوفه. قال اعربی ام‌مولی قلت بل عربی قال فکما اقررت عینی اقررت عینک ثم قال ائتنی غدا فی المسجد فلما رانی استقبلنی و قال: ما اعطاک ابوفلان قلت کذا و کذا، قال جزاه اللَّه خیرا و جمع بیننا و بینه فی الجنه فلما اصبحت یا سلیمان رکبت البغله و اخذت فی الطریق الذی وصفه لی فما لبثت الا قلیلا حتی رایت بستانه علی الطریق وسمعت اقامه من المسجد فقلت واللَّه لاصلین مع هولاء القوم فنزلت عن البغله و دخلت المسجد فوجدت رجلا قامته مثل قامه صاحبی فصرت عن یمینه. فلما صرنا فی الرکوع و السجود و اذا عمامته قد رمی بها من راسه فنظرت فی وجهه و اذا وجهه وجه خنزیر و راسه راس خنزیر فلم اعلم ما صلیت و لا ما قلت فی صلاتی متفکرا فی امره فسلم الامام فتنفس الرجل فی وجهی و قال انت الذی اتیت اخی بالامس فامر لک بکذا و کذا فقلت نعم فاخذ بیدی و اقامنی فلما رانا اهل المسجد تبعونا فقال لغلامه اغلق علیهم الباب و لا تدع احدا یدخل [صفحه ۴۹۹] علینا. ثم ضرب بیده الی قمیصه فنزعه و اذا جسده جسد خنزیر فقلت یا اخی ما هذا الذی اری بک قال کنت موذن القوم و کنت فی کل یوم اذا اصبحت العن علیا الف مره بین الاذان و الاقامه قال فخرجت من المسجد و دخلت داری هذه و کان یوم الجمعه فلعنته اربعه الاف مره و لعنت اولاده زمره فاتکات علی هذه الدکه فذهب بی النوم. فرایت فی منامی کان الجنه قد اقبلت و اذا بعلی فیها متکئا و

الحسن و الحسین معه متکان بعضهم لبعض مسرورین تحتهم مصلیات من نور و اذا انا برسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم جالسا و الحسن و الحسین قدامه و بید الحسین کاس فقال صلی اللّه علیه و آله و سلم اسقنی قدامه و بید الحسین کاس فقال صلی اللّه علیه و آله و سلم اسقنی فشرب و قال للحسین اسق اباک علیا علیه‌السلام فرب و قال اسق اخاک الحسن فسقاه ثم قال اسق الجماعه فشربوا ثم قال اسقی المتکی علی الدکان فولی الحسن بوجهه عنی و قال یا جداه کیف اسقیه و هو یعلن ابی فی کل یوم الف مره. فقال النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم لی لعنک اللّه لتعلن علیا و تشتم اخی مالک لعنک اللّه تشتم ولدی الحسن و الحسین ثم بصق النبی علی فملا وجهی و جسدی، فلما انتبهت من منامی رایت موضع بصاق النبی قد مسخ کما تری و صرت آیه للسائلین، ثم قال لی یا سلیمان هل سمعت من فضائل علی علیه‌السلام اعجب من [صفحه ۵۰۰] هذا الحدیث، یا سلیمان حب علی ایمان و بغضه نفاق فلا یحب علیا الا ـ مومن و لا ـ یبغضه الا ـ کافر فقلت یا امیرالمومنین الامان قال لک الامان فقلت یا امیرالمومنین فما حال من قتل هولاء قال النار و لا اشک فقلت و من قتل اولادهم و اولاد اولادهم قال: فنکس راسه. قال سلیمان ان الملک عقیم ولکن حدثنی عن فضائل علی بن ابی‌طالب بما شئت قال: قلت من قتل ولده فی النار فقال: عمرو بن عبید صدقت یا سلیمان الویل ثم الویل لمن قتل ولده فقال المنصور، یا عمرو اشهد علیه فانه فی النار فقال قد اخبرنی الشیخ الصدوق - یعنی الحسن بن انس - ان من قتل اولاد علی لا یشم رائحه الجنه قال فوجدت المنصور قد غمض وجهه فخرجنا فقال ابوجعفر لولا مکان عمرو ما خرج سلیمان الا مقتولا. [۷۰۶] . ۲۳ - ابوجعفر الطبری، قال: حدثنا ابوالحسین احمد بن محمد الغطریفی، اخبرنا الحسین بن محمد بن هارون، اخبرنا محمد بن حمدان بن مهران، حدثنا عبدان حدثنا حبیب بن المغیره جندل بن واثق، حدثنا محمد بن عمر المازنی، عن جعفر بن محمد، عن ابیه، عن علی بن الحسین، عن فاطمه الصغری، عن الحسین بن علی، عن امه فاطمه علیهم‌السلام قالت خرج علینا رسول‌اللّه عشیه عرفه قال ان اللّه تعالی باهی بکم الملائکه فغفر لکم عامه [صفحه ۵۰۱] و غفر لعلی خاصه و انی رسول‌اللّه الیکم غیر هایب لقومی و لا صحابی و لقرابتی هذا جبرئیل علیه‌السلام اخبرنی ان السعید کل السعید حق السعید من احب علیا فی حیوتی و بعد موتی. [۷۰۷] . ۲۴- ابن‌شهر آشوب عن معجم الطبرانی باسناده الی فاطمه علیهاالسلام قالت قال رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم: ان اللّه تعالیباهی بکم و غفر لکم عامه و لعلی خاصه و انی رسول‌اللّه الیکم غیر هائب لقومی و لا محاب لقرابتی هذا جبرئیل یخبرنی ان السعید کل السعید من احب علیا فی حیوته و بعد موته و ان الشقی کل الشقی من ابغض علیا فی حیوته و بعد موته. [۷۰۸] . ۲۵- ابوجعفر الامامی، اخبرنی ابوالحسین محمد بن هارون التلعکبری، قال اخبرنی ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی، قال: حدثنا احمد بن محمد، قال: حدثنا ابوعبداللّه الرازی، عن احمد بن محمد ابینصر البزنطی، عن روح بن صالح، عن هارون بن خارجه رفعه عن فاطمه علیهاالسلام قالت اصاب الناس زلزله علی عهد ابی‌بکر ففزع الناس الی ابی‌بکر و عمر فوجدوهما قد خرجا فزعین الی علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام، فتبعهما الناس حتی انتهوا الی باب علی. فخرج الیهم علی غیر مکترث لما هم فیه، و مضی فاتبعه [صفحه ۵۰۲] الناس حتی انتهی الی تلعه، فقعد علیها و قعدوا و هم ینظرون الی حیطا المدینه ترتج جائیه و ذاهبه فقال علی علیه‌السلام لهم: کانکم قد هالکم ما ترون؟ قالوا و کیف لا ـ یهولنا و لم نر مثلها قط. قالت علیهاالسلام فحرک شفتیه ثم ضرب الارض بیده ثم قال: ما لک اسکنی، فسکنت،فعجبوا من ذلک اکثر من عجبهم اولا حین خرج الیهم، فقال: انکم قد عجبتم من صنیعی؟ قالوا نعم، قال انا الرجل الذی قال اللّه عزوجل: اذا زلزلت الارض زلزالها و اخرجت الارض اثقالها - و قال الانصان مالها. فانا الانسان الذی اقول لها ما لها یومئذ تحدث اخبارها ایای تحدث. [۷۰۹] . ۲۶- عنه، حدثنی القاضی ابوالفرج المعافی، قال: حدثنا اسحاق بن محمد، قال: حدثنا احمد بن الحسن، قال: حدثنا محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن جعفر بن محمد، عن ابیه، عن عمه زید بن علی، عن ابیه علی بن الحسین بن علی، عن ابیه علیهم‌السلام، قال: حدثتنی فاطمه بنت رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم قالت: قال لی رسول‌اللّه: الا ابشرک اذا اراد اللّه ان یتحف زوجه ولیه فی الجنه بعث الیک تبعثین الیها من حلیک. [۷۱۰] . ۲۷ - عنه، حدثنی ابوعبداللّه الحسین بن احمد بن محمد بن حبیب، قال: حدثنا ابوبکر احمد بن ابراهیم بن الحسن بن محمد [صفحه ۵۰۳] بن شاذان، قال: حدثنا ابوسعید

الحسن بن على بن زكريا بن يحيى بن عاصم بن زفر البصرى، قال: حدثنا عثمان بن عمرو الدباغ، قال: حدثنا محمد بن القاسم الاسدى، قال: حدثنا ابوالجارود، قال: حدثنا ابوالحجابى، عن زينب ابنه على عن فاطمه بنت رسول‌اللَّه صلى اللَّه عليه و آله و سلم، قالت: قال رسول‌اللَّه لعلى عليه‌السلام اما انك يا على وشيعتك فى الجنه. [۷۱۱] . ۲۸ - عنه، قال: حدثنا ابوبكر بن شاذان، قال: حدثنا ابوسعيد البصرى، قال: حدثنا عثمان بن عبداللَّه ابوعمر الطحان، قال: حدثنا سعيد بن سالم قال: حدثنا عبيد بن طفيل، عن ربعى بن خراش، عن فاطمه بنت رسول‌اللَّه انها دخلت على رسول‌اللَّه فبسط ثوبا و قال لها اجلسى عليه، ثم دخل الحسن فقال له اجلس معها، ثم دخل الحسين فقال له اجلس معهما، ثم دخل عليفقال له اجلس معهم، ثم اخذ بمجامع الثوب فضمه علينا ثم قال: اللهم هم منى و انا منهم، اللهم ارض عنهم كما انى عنهم راض. [۷۱۲] . ۲۹- عنه، اخبرنى القاضى ابواسحاق ابراهيم بن احمد بن محمد الطبرى، قال: حدثنا ابوالحسن محمد بن اسحاق بن عباد بن حاتم التمار، بالبصره، قال: حدثنا ابراهيم بن فهد بن حكيم، قال حدثنا يعقوب بن حميد بن كاسب، قال: حدثنا ابراهيم بن الحسن [صفحه ۵۰۴] الرافعى، عن ابيه، عن زينب بنت ابى‌رافع عن فاطمه بنت رسول‌اللَّه صلى اللَّه عليه و آله و سلم انها اتت رسول‌اللَّه بالحسن و الحسين فى مرضه الذى توفى فيه فقالت يا رسول‌اللَّه ان هذين لم تورثهما شيئا، فقال اما الحسن فله هيبتى و سوددى، اما الحسين فله جراتى و جودى. [۷۱۳] . ۳۰- عنه، اخبرنى القاضى ابواسحاق ابراهيم بن احمد بن محمد الطبرى، قال: اخبرنا ابوالحسين زيد بن محمد بن جعفر الكوفى قراءه عليه، قال اخبرنا ابوعبداللَّه الحسين بن الحكم الحيرى، قراءه عليه، قال: اخبرنا اسماعيل بن صبيح، قال: حدثنا يحيى بن مساور، عن على بن حزور، عن القاسم بن ابى‌سعيد الخورى، رفع الحديث الى فاطمه قالت اتيت النبى قالت السلام عليك يا ابه. فقال و عليك السلام يا بنيه، فقلت واللَّه ما اصبح يا نبى اللَّه فى بيت على حبه طعام و لا دخل بين شفتيه طعام منذ خمس و لا اصبحت له ثاغيه و لا راغيه و ما اصبح فى بيته سفه و لا هفه، فقال ادنى منى فدنوت منه، فقال ادخلى يدك بين ظهرى و ثوبى، فاذا حجر بين كتفى النبى مربوط بعمامته الى صدره، فصاحت فاطمه صيحه شديده، فقال لها ما اوقدت فى بيوت آل‌محمد نار منذ شهر. [صفحه ۵۰۵] ثم قال صلى اللَّه عليه و آله و سلم: اتدرين ما منزله على؟ كفانى امرى و هو ابن‌اثنتى عشره سنه، و ضرب بين يدى بالسيف و هو ابن‌ست عشره سنه، و قتل الابطال و هو ابن‌تسع عشره سنه، و فرج همومى و هو ابن‌عشرين سنه، و رفع باب خيبر و هو ابن‌نيف و عشرين كان لا يرفعه خمسون رجلا. فاشرق لون فاطمه و لم تقر قدماها مكانهما حتى اتت عليا فاذا البيت قد انار بنور وجهها، فقال لها على: يا ابنه محمد لقد خرجت من عندى و وجهك على غير هذه الحال فقالت ان النبى حدثنى بفضلك فما تمالكت حتى جئتك فقال لها كيف لو حدثك بكل فضلى. [۷۱۴] . ۳۱- عنه، حدثنا القاضى ابواسحاق ابراهيم بن احمد بن محمد الطبرى فى الجزء الخامس من مقاتل آل ابى‌طالب و نحن نقروه عليه، قال: حدثنا ابوالفرج على بن الحسين بن محمد الاصبهانى الكاتب، قال: حدثنى على بن ابراهيم بن محمد بن الحسن بن محمد بن عبداللَّه بن الحسين بن على بن الحسين بن على بن ابى‌طالب عليهم‌السلام، قال: حدثنى سليمان بن ابى‌العطوس، قال: حدثنا محمد بن عمران بن ابى‌ليلى، قال: حدثنا عبد ربه يعنى ابن ابى‌علقمه، عن يحيى بن عبداللَّه عن الذى افلت من الثمانيه. [صفحه ۵۰۶] قال لما ادخلنا الحبس. قال على بن الحسن: اللهم ان كان هذا من سخط منك علينا فاشدد حتى ترضيط، فقال له عبداللَّه بن الحسن ما هذا يرحمك اللَّه؟ ثم حدثنا عبداللَّه، عن فاطمه الصغرى، عن ابيها، عن جدتها فاطمه الكبرى بنت رسول‌اللَّه صلى اللَّه عليه و آله و سلم، قالت قال لى رسول‌اللَّه يدفن من ولدى سبعه بشاطى الفرات لم يسبقهم الاولون و لم يدركهم الاخرون، فقلت نحن ثمانيه، قال هكذا سمعت، قال: فلما فتحوا الباب وجدوهم موتى و اصابونى وبى رمق فسقونى ماء و اخرجونى فعشت. [۷۱۵] . ۳۲ - عنه، حدثنى ابوالحسين محمد بن هارون بن موسى، قال: اخبرنى ابوجعفر محمد بن على بن الحسين بن موسى بن بابويه، قال: حدثنا على بن محمد بن الحسن القزوينى المعروف بابن مقبره، قال: حدثنا محمد بن عبداللَّه الحضرمى، قال: حدثنا جندل بن وابق، قال: حدثنا محمد بن عمر الملدى، عن عباد الكلينى، عن جعفر بن محمد، عن ابيه، عن على بن الحسين، عن فاطمه الصغرى، عن الحسين بن على، عن فاطمه بنت محمد صلى اللَّه عليه و آله و سلم. قالت خرج علينا رسول‌اللَّه عشيه عرفه فقال ان اللَّه باهى [صفحه ۵۰۷] بكم و غفر لكم و لعلى

خاصه و انی رسول‌اللَّه الکیم غیر محاب لقرابتی، هذا جبرئیل یخبرنی ان السعید کل السعید حق السعید من احب علیا فی حیاته و بعد وفاته. [۷۱۶] . ۳۳ – عنه، قال: حدثنی القاضی ابواسحاق ابراهیم بن احمد بن محمد بن احمد الطبری، قال: اخبرنا ابوفاطمه محمد بن احمد بن البهلول القاضی الانباری التنوخی، قال: حدثنا ابراهیم بن عبدالسلام، قال: حدثنا عثمان بن ابی‌شیبه، قال حدثنی حریز، عن شیبه بن نعامه، عن فاطمه الصغری، عن ابیها، عن فاطمه الکبری علیهاالسلام قالت: قال النبی لکل نبی عصبه ینتمون الیه و ان فاطمه عصبتی الی تنتمی. [۷۱۷] . ۳۴ – الاربلی مرفوعا عن جعفر بن محمد، عن ابیه، عن علی بن الحسین، عن فاطمه الصغری، عن حسین بن علی، عن امه فاطمه بنت محمد صلی اللَّه علیه و آله و سلم قالت: خرج علینا رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم قالت: خرج علینا رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم عشیه عرفه، فقال: انه اللَّه عزوجل باهی بکم و غفر لکم عامه و لعلی خاصه و انی رسول‌اللَّه عزوجل الیکم غیر محاب لقرابتی، ان السعید کل السعید من احب علیا فی حیوته و بعد موته. [۷۱۸] . [صفحه ۵۰۸] ۳۵ – و روی عن علی علیه‌السلام عن فاطمه علیهاالسلام قالت: قال لی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم یا فاطمن من صلی علیکم غفراللَّه له، و الحقه بن حیث کنت من الجنه. [۷۱۹] . ۳۶ – عبداللَّه بن احمد بن حنبل، حدثنی ابی، حدثنا ابوداود الطیالسی، حدثنا زمعه، عن ابن ابی‌ملیکه قال: کانت فاطمه تنقز الحسن بن علی و تقول بابی شبه النبی لیس شبیها بعلی. [۷۲۰] . ۳۷ – ابن‌المغازلی اخبرنا محمد بن احمد بن عثمان، اخبرنا محمد بن زید بن مروان بالکوفه، اخبرنا اسحاق بن محمد بن مروان، حدثنا ابی، حدثنا اسحاق بن زید، عن سهل بن سلیمان، عن ابی‌هارون العبدی، عن ابی‌سعید الخدری، قال: کنا نتحدث عند رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم یمیل مره عن یمینه و مره عن شماله، فلما راینا ذلک قمنا عنه. فلما خرجنا الی الباب اذا نحن بفاطمه بنت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم فقال لها علی یا فاطمه ما ازعجک هذه الساعه من رحلک؟ قالت: ان الحسن و الحسین فقدتهما منذ اصبحت، فما احسستها و ما کنت اظنهما الا عند رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم قال علی: هما عند رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم فارجعی و لا توذین رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم فانها لیست بساعه [صفحه ۵۰۹] اذن. فسمع رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم کلام علی و فاطمه فخرج فی ازار لیس علیه غیره، فقال: ما ازعجک هذا الساعه من رحلک؟ فقالت: یا رسول‌اللَّه ابناک الحسن و الحسین خرجا من عندی فلم ارهما حتی الساعه و کنت احسبهما عندک، و قد دخلنی وجل شدید، قال فقال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: یا فاطمه ان اللَّه عزوجل ولیهما و حافظهما لیس علیهما ضیعه ان‌شاءاللَّه ارجعی یا بنیه فنحن احق بالطلب. فرجعت فاطه الی بیتها، فاخذ رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم فی وجه و علی فی وجه فابتغیاهما فانتهیا الیهما و هما فی اصل حائط قد احرقتهما الشمس و احدهما متستر بصاحبه فلما راهما علی تلک الحال، خنقته العبره و اکب علیهما یقبلهما، ثم حمل الحسن علی منکبه الایمن و حمل الحسین علی منکبه الایسر، ثم اقبل بهما رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم یرفع قدما و یضع اخری مما یکابد من حر الرمضاء و کره ان یمشیا فیصیبهما ما اصابه فوقاهما بنفسه. [۷۲۱] . ۳۸– الهمیثمی باسناده عن فاطمه الکبری قالت: قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: کل بنی ام‌ینتمون الی عصبه [صفحه ۵۱۰] الا ولد فاطمه فانا ولیهم و انا عصبتهم. [۷۲۲] . ۳۹ – الحاکم النیسابوری اخبرنی ابوالنضر محمد بن محمد بن یوسف الفقیه، حدثنا عثمان بن سعید الدرامی، حدثنا وضاح بن یحیی النهشلی، حدثنا ابوبکر بن عیاش، عن عبداللَّه بن عثمان بن خثیم، عن سعید بن جبیر، عن ابن‌عباس، عن فاطمه رضی‌اللَّه‌عنها، قالت: اجتمع مشرکوا قریش فی الحجر فقال رسول‌اللَّه: یا بنیه اسکنی ثم خرج فدخل علیهم المسجد فرفعوا روسهم ثم نکسوا فاخذ قبضه من تراب فرمی بها نحوهم ثم قال شاهت الوجوه فما اصاب رجلا منهم الا قتل یوم بدر. هذا حدیث صحیح الاسنادو لم یخرجاه. [۷۲۳] . ۴۰– الحافظ الخطیب البغدادی، اخبرنا الحسن بن ابی‌بکر، اخبرنا عبداللَّه بن ابی‌اسحاق البغوی، اخبرنا ابن ابی‌العوام، حدثنا ابی، حدثنا جریر بن عبدالحمید، عن شیبه بن نعامه، عن فاطمه بنت الحسین، عن فاطمه، قالت: قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم: «کل بنی آدم ینتمون الی عصبتهم الا ولد فاطمه فانی انا ابوهم و انا عصبتهم». [۷۲۴] . [صفحه ۵۱۱]

الغیبة

۱- الصدوق حدثنا محمد بن ابراهیم بن اسحاق الطالقانی رضی‌اللَّه‌عنه قال: حدثنا الحسن بن اسماعیل، قال: حدثنا ابوعمرو سعید بن محمد بن نصر القطان، قال: حدثنا عبداللَّه بن محمد السلمی، قال: حدثنا محمد بن عبدالرحمن قال: حدثنا محمد بن سعید بن محمد، قال: حدثنا العباس بن ابی‌عمرو، عن صدقه بن ابی‌موسی، عن ابی‌نضره. قال: لما احتضر ابوجعفر محمد بن علی الباقر علیهماالسلام عند الوفاه دعا بابنه الصادق علیه‌السلام، فعهد الیه عهدا فقال له اخوه زید بن علی بن الحسین: لو امتثلت فی تمثال الحسین و الحسین علیهماالسلام لرجوت ان لا تکون اتیت منکرا فقال: یا ابا الحسن ان الامانات لیست بالتمثال ولا العهود بالرسوم، و انما هی امور سابقه عن حجج اللَّه تبارک و تعالی، ثم دعا بجابر بن عبداللَّه. فقال له: یا جابر حدثنا بما عاینت فی الصحیفه؟ فقال له جابر: نعم یا اباجعفر دخلت علی مولاتی فاطمه علیهاالسلام لاهنئها بمولود الحسن علیه‌السلام فاذا هی بصحیفه بیدها من دره [صفحه ۵۱۲] بیضاء، فقلت: یا سیده النسوان ما هذه الصحیفه التی اراها معک؟ قالت: فیها اسماء افلائمه من ولدی فقلت لها: ناولینی لانظر فیها، قالت: یا جابر لولا النهی لکنت افعل لکنه نهی ان یمسها الا- نبی او وصی نبی او اهل بیت نبی ولکنه ماذون لک ان تنظر الی باطنها من ظاهرها. قال جابر: فقرات فاذا فیها: «ابو القاسم محمد بن عبداللَّه المصطفی، امه آمنه بنت وهب، ابوالحسن علی بن ابی‌طالب المرتضی، امه فاطمه بنت اسد بن هاشم بن عبدمناف، ابومحمد الحسن بن علی البر، ابوعبداللَّه الحسین بن علی التقی، امهما فاطمه بنت محمد صلی اللَّه علیه و آله و سلم، ابومحمد علیبن الحسین العدل، امه شهر بانویه بنت یزدجرد ابن‌شاهنشاه، ابوجعفر محمد بن علی الباقر، امه ام‌عبداللَّه بنت الحسن بن علی بن ابی‌طالب. ابوعبداللَّه جعفر بن محمد الصادق، امه ام فروه بنت القاسم بن محمد بن ابی‌بکر،ابوابراهیم موسی بن جعفر الثقه، امه جاریه اسمها حمیده، ابوالحسن علی بن موسی الرضا، امه جاریه اسمها نجمه، ابوجعفر محمد بن علی الزکی، امه جاریه اسمها خیزران، ابوالحسن علی بن محمد الامین، امه جاریه اسمها سوسن، ابومحمد الحسن بن علی الرفیق، امه جاریه اسمها سمانه، و تکنی بام الحسن، ابوالقاسم محمد بن الحسن، هو حجه اللَّه تعالی علی خلقه القائم امه جاریه اسمها نرجس صلوات اللَّه علیهم [صفحه ۵۱۳] اجمعین. [۷۲۵] . ۲ - حدثنا ابی، و محمد بن الحسن رضی‌اللَّه‌عنهما قالا: حدثنا سعد بن عبداللَّه و عبداللَّه بن جعفر الحمیری جمیعا، عن ابی‌الحسن صالح بن ابی‌حماد، و الحسن بن طریف جمیعا عن بکر بن صالح، وحدثنا ابی، و محمد بن موسی بن المتوکل، و محمد بن علی ماجیلویه، و احمد بن علی بن ابراهیم، و الحسن بن ابراهیم بن ناتانه، و احمد بن زیاد الهمدانی رضی‌اللَّه‌عنهم. قالوا: حدثنا علی بن ابراهیم، عن ابیه ابراهیم بن هاشم، عن بکر بن صالح، عن عبدالرحمان بن سالم، عن ابی‌بصیر، عن ابی‌عبداللَّه علیه‌السلام لجابر بن عبداللَّه الانصاری: ان لی الیک حاجه فمتی یخف علیک ان اخلو بک، فاسالک عنها، فقال له جابر: فی ای الاوقات شئت، فخلی به ابوجعفر علیه‌السلام. قال له: یا جابر اخبرنی عن اللوح الذی رایته فیید امی فاطمه بنت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم، و ما اخبرتک به انه فی ذلک اللوح مکتوبا، فقال جابر: اشهد باللَّه انی دخلت علی امک فاطمه علیهاالسلام فی حیاه رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم اهنئها بولاده الحسین علیه‌السلام فرایت فی یدها لوحا اخضر [صفحه ۵۱۴] ظننت انه من زمرد و رایت فیه کتابه بیضاء شبیهه بنور الشمس، فقلت لها: بابی انت و امی یا بنت رسول‌اللَّه ما هذا اللوح؟ فقالت: هذا اللوح اهداه اللَّه عزوجل الی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم فیه اسم ابی واسم بعلی و اسم ابنی و اسماء الاوصیاء من ولدی، فاعطانیه ابی‌لیسرنی بذلک قال جابر: فانی اشهد باللَّه انی هکذا رایته فی اللوح مکتوبا: بسم اللَّه الرحمن الرحیم: هذا کتاب من اللَّه العزیز الحکیم لمحمد نوره و سفیره و حجابه و دلیله، نزل به الروح الامین من عند رب العالمین، عظم یا محمد اسمائی، و اشکر نعمائی، ولا- تجحد آلائی، انی انا اللَّه لا- الیه الا انا قاصم الجبارین و مبیر المتکبرین و مذل الظالمین و دیان یوم الدین، انی انا اللَّه لا آله الا انا فمن رجا غیر فضلی، او خاف غیر عدلی عذبته عذابا لا اعذبه احدا من العالمین. فایای فاعبد و علی فتوکل انی لم ابعث نبیا فاکملت ایامه و انقضت مدته الا جعلت له وصیا و انی فضلتک علی الانبیاء، و فضلت وصیک علی الاوصیاء، و اکرمتک بشبلیک بعده و بسبطیک الحسن و الحسین، و جعلت حسنا معدن علمی بعد انقضاء مده ابیه، و جعلت حسینا خازن

وحیی، و اکرمته بالشهاده، و ختمت له بالسعاده. فهو افضل من استشهد و ارفع الشهداء درجه، جعلت کلمتی التامه معه، و الحجه البالغه عنده، بعترته اثیب و اعاقب، اولهم علی سید العابدین، و زین اولیائی الماضین و ابنه سمی جده المحمود، [صفحه ۵۱۵] محمد الباقر لعلمی و المعدن لحکمتی، سیهلک المرتابون فی جعفر الراد علیه کالراد علی، حق القول منی لاکرمن مثوی جعفر، و لا سرنه فی اولیائه و اشیاعه و انصاره. و انتجبت بعد موسی فتنه عمیاء حندس لان خیط فرضی لا ینقطع و حجتی لا تخفی و ان اولیائی لا یشقون ابدا، الا و من جحد واحدا منهم فقد جحد نعمتی، من غیر آیه من کتابی فقد افتری علی، و ویل للمفترین الجاحدین عند انقضاء مده عبدی موسی و حبیبی و خیرتی الا ان المکذب بالثامن مکذب بکل اولیائی. و علی ولیی و ناصری، و من اضع علیه اعباء النوبه و امتحنه بالاضطلاع، یقتله عفریت مستکبر. یدفن بالمدینه التی بناها العبد الصالح ذو القرنین الی جنب شر خلقی، حق القول منی لاقرن عینه بمحمد ابنه و خلیفته من بعده فهو و ارث علمی و معدن حکمتی و موضع سری و حجتی علی خلقی، جعلت الجنه مثواه و شفعته فی سبعین من اهل بیته کلهم قد استوجبوا النار، و اختم بالسعاده لابنه علی ولیی و ناصری، و الشاهد فی خلقی، و امینی علی وحیی، اخرج منه الداعی الی سبیلی و الخازن لعلمی الحسن. ثم اکمل ذلک بابنه رحمه للعالمین، علیه کمال موسی و بهاء عیسی و صبر ایوب، ستذل اولیائی فی زمانه و یتهادون رووسهم کما تهادی رووس الترک و الدیلم فیقتلون و یحرقون و یکونون خائفین [صفحه ۵۱۶] مرعوبین و جلین تصبغ الارض من دمائهم، و یفشو الویل و الرنین فی نسائهم، اولئک اولیائی حقا، بهم ادفع کل فتنه عمیاء حندس و بهم اکشف الزلازل، و ارفع عنهم الاصار و الاغلال، اولئک علیهم صلوات من ربهم و رحمه و اولئک هم المهتدون. قال عبدالرحمن بن سالم، قال ابوبصیر: لو لم تسمع فی دهرک الا هذا الحدیث لکفاک فصنه الا عن اهله. [۷۲۶] . ۳- عنه، حدثنا علی بن الحسین بن شاذویه المودب، و احمد بن هارون القاضی رضی‌اللّه‌عنهما قالا: حدثنا محمد بن عبداللّه بن جعفر الحمیری، عن ابیه، عن جعفر بن محمد بن مالک الفزاری الکوفی، عن مالک السلولی، عن درست بن عبدالحمید، عن عبداللّه بن القاسم، عن عبداللّه بن جبله، عن ابی‌السفاتج، عن جابر الجعفی، عن ابی‌جعفر محمد بن علی الباقر علیهماالسلام، عن جابر بن عبداللّه الانصاری. قال: دخلت علی مولاتی فاطمه علیهاالسلام و قدامها لوح یکاد ضوءه یغشی الابصار، فیه اثنا عشر اسما ثلاثه فی ظاهره و ثلاثه فی باطنه، و ثلاثه اسماء فی اخره، و ثلاثه اسماء فی طرفه، فعددتها فاذا هی اثنا عشر اسماء، فقلت: اسماء من هولاء؟ قالت: هذه اسماء الاوصیاء اولهم ابن عمی واحد عشر من ولدی، آخرهم [صفحه ۵۱۷] القائم صلوات اللّه علیهم اجمعین، قال جابر: فرایت فیها محمدا محمدا محمدا فی ثلاثه مواضع و علیا و علیا و علیا و لعیا فی اربعه مواضع. [۷۲۷] . ۴- عنه، حدثنا احمد بن محمد بن یحیی العطار رضی‌اللّه‌عنه، قال: حدثنی ابی، عن محمد بن الحسین بن ابی‌الخطاب، عن الحسن بن محبوب، عن ابی‌الجارود، عن ابی‌جعفر علیه‌السلام، عن جابر بن عبداللّه الانصاری، قال: دخلت علی فاطمه علیهاالسلام و بین یدیها لوح مکتوب فیه اسماء الاوصیاء فعددت اثنی‌عشر آخرهم القائم، ثلاثه منهم محمد و اربعه منهم علی علیهم‌السلام. [۷۲۸] . ۵- عنه، حدثنا الحسین بن احمد بن ادریس رضی‌اللّه‌عنه قال: حدثنا ابی، عن احمد بن محمد بن عیسی، و ابراهیم بن هاشم جمیعا، عن الحسین بن محبوب، عن ابی‌الجارود عن ابی‌جعفر علیه‌السلام، عن جابر بن عبداللّه الانصاری، قال: دخلت علی فاطمه علیهاالسلام و بین یدیها لوح فیه اسماء الاوصیاء، فعددت اثنی‌عشر اسما اخرهم القائم ثلاثه منهم محمد، و اربعه منهم علی صلوات اللّه علیهم اجمعین. [۷۲۹] . [صفحه ۵۱۸]

فضائل الشیعه

۱- روی المجلسی عن کتاب المسلسلات: حدثنا محمد بن علی بن الحسین، قال، حدثنی احمد بن زیاد بن جعفر، قال: حدثنی ابوالقاسم جعفر بن محمد العلوی العریضی، قال: قال ابوعبداللّه احمد بن محمد بن خلیل، قال: اخبرنی علی بن محمد بن جعفر الاهوازی، قال: حدثنی بکر بن احنف قال: حدثنا فاطمه بنت علی بن موسی الرضا علیهماالسلام قالت: حدثتنی فاطمه و زینب و ام‌کلثوم بنت موسی بن جعفر علیهماالسلام، قلن حدثتنا فاطمه بنت جعفر بن محمد علیهماالسلام. قالت: حدثتنی فاطمه بنت محمد بن

علی علیهماالسلام، قالت: حدثتنی فاطمه و سکنیه ابنتا الحسین بن علی علیهاالسلام، عن ام‌کلثوم بنت علی علیه‌السلام، عن فاطمه بنت رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم قالت: سمعت رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم قالت: سمعت رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم یقول:لما اسری بی الی السماء دخلت الجنه فاذا انا بقصر من دره بیضاء مجوفه و علیها باب مکلل بالدر و الیاقوت و علی الباب ستر فرفعت راسی فاذا مکتوب علی البابی «لا آله الا اللّه محمد رسول [صفحه ۵۱۹] اللّه، علی ولی القوم» و اذا مکتوب علی الستر بخ بخ من مثل شیعه علی؟ فدخلته فاذا انا بقصر من عقیق احمد مجوف، و علیه باب من فضه مکلل بالزبرجد الاخضر، و اذا علی الباب ستر، فرفعت راسی فاذا مکتوب علی الباب «محمد رسول‌اللّه، علی وصی المصطفی» و اذا علی الستر مکتوب «بشر شیعه علی بطیب المولد». فدخلته فاذا انا بقصر من زمرد اخضر مجوف لم ار احسن منه، و علیه باب من یاقوته حمراء مکللّه باللولو و علی الباب ستر فرفعت راسی فاذا مکتوب علی الستر شیعه علی هم الفائزون، فقلت: حبیبی جبرئیل لمن هذا؟ فقال: یا محمد لابن عمک و وصیک علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام، یحشر الناس کلهم یوم القیامه حفاه عراه الا شیعه علی و یدعی الناس باسماء امهاتهم ما خلا شیعه علی علیه‌السلام فانهم یدعون باسماء آبائهم فلقلت: حبیبی جبرئیل و کیف ذاک؟ قال: لانهم احبوا علیا فطاب مولدهم. [۷۳۰] . [صفحه ۵۲۰]

صفات المومن

۱- الکلینی عن علی بن ابراهیم، عن ابیه، عن ابن ابی‌عمیسر، عن اسحاق بن عبدالعزیز، عن زراره، عن ابی‌عبداللّه علیه‌السلام قال: جاءت فاطمه علیهاالسلام تشکو الی رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم بعض امرها، فاعطاها رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم کریسه و قال: تعلمین ما فیها، فاذا فیها: من کان یومن باللّه و الیوم الاخر فلا یوذی جاره و من کان یومن باللّه و الیوم الاخر فلیکرم ضیفه و من کان یومن باللّه و الیوم الاخر فلیقل خیرا او لیسکت. [۷۳۱] . ۲ - ابوجعفر الطبری الامامی اخبرنا القاضی ابوبکر محمد بن عمر الجعابی، قال:اخبرنا ابوعبداللّه محمد بن العباس بن محمد بن ابی‌محمد یحیی بن المبارک الیزدی، قال: حدثنا الخلیل بن اسد ابوالاسود النوشجانی، قال: حدثنا رویم بن یزید المنقری، قال: حدثنا سوار بن مصعب الهمدانی، عن عمرو بن [صفحه ۵۲۱] قیس، عن سلمه بن کهیل، عن شقیق بن سلمه، عن ابن‌مسعود قال: جاء رجل الی فاطمه علیهاالسلام. فقال یا ابنه رسول‌اللّه هل ترک رسول‌اللّه عندک شیئا تطرفینیه؟ فقالت یا جاریه هات تلک الحریره فطبتها فلم تجدها، فقالت و بحک اطلبیها فانها تعدی عندی حسنا و حسینا، فطلبتها فاذا هی قد قممتها فی قمامتها فاذا فیها: قال محمد النبی: لیس من المومنین من لم یامن جاره بوائقه، و من کان یومن باللّه و الیوم الاخر فلا یوذی جاره. و من کان یومن باللّه و الیوم الاخر فلیقل خیرا او لیسکت، ان اللّه یحب الخیر الحلیم المتعفف، و یبغض الفاحش الضنین السائل الملحف، ان الحیاء من الایمان و الایمان فی الجنه، و ان الفحش من البذاء، و البذاء فی النار. [۷۳۲] . ۳- عنه، حدثنا ابوالفضل محمد بن عبداللّه، قال: حدثنا محمد بن محمد بن معقل العجلی القرمیسینی، قال: حدثنی موسی بن جعفر، عن ابیه جعفر بن محمد، عن جده علی بن الحسین، عن ابیه الحسین، عن امه فاطمه علهیاالسلام قالت: قال لی ابی رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم: ایاک و البخل فانه عاهه لا تکون فی کریم، ایاکم و البخل فی النار و اغصانها فی الدنیا [صفحه ۵۲۲] فمن تعلق بغصن من اغصانها ادخله النار، و السخاء شجره فی الجنه و اغصانها فی الدنیا فمن تعلق بغصن من اغصانها ادخله الجنه. [۷۳۳] . ۴- الطوسی باسناده عن ابن‌مخلد، قال: حدثنا الخلدی، قال: حدثنا محمد بن یونس بن موسی، قال: حدثنا ابونعیم، قال: حدثنا الحکم بن ابی‌نعیم، قال: سمعت فاطمه بنت محمد علیهاالسلام تحدث عن ابیها علیه‌السلام، قالت: قال رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم: من اعتق رقبه مومنه کان له بکل عضو منها فکاک عضو منه من النار. قال محمد فذاکرت بهذا الحدیث الشاذکونی فقال رجل عنده: حدثناه ابونعیم. [۷۳۴] .

القرآن

۱- علی بن ابراهیم، عن ابیه عن بعض اصحابه رفعه قال: کانت فاطمه علیهاالسلام لا یذکرها احد لرسول اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم الا اعرض عنه حتی ایس الناس منها، فلما اراد ان یزوجها من علی اسر الیها، فقالت یا رسول‌اللّه انت اولی بما تری غیر ان نساء قریش تحدثنی عنه انه رجل دحداح البطن، طویل [صفحه ۵۲۳] الذراعین ضخم الکرادیس، انزع، عظیم العینین لمنکبیه مشاشا کمشاش البعیر ضاحک السن لا مال له. فقال لها رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم: یا فاطمه امام علمت ان اللّه اشرف علی الدنیا فاختارنی علی رجال العالمین نبیا ثم اطلع اخری فاختار علیا علی رجال العالمین وصیا، ثم اطلع فاختارک علی نساء العالمین، یا فاطمه انه لما اسری بی الی السماء وجدت مکتوبا علی صخره بیت المقدس «لا آله الا اللّه محمد رسول‌اللّه ایدته بوزیره و نصرته بوزیره». فقلت لجبرئیل و من وزیری؟ فقال علی بن ابی‌طالب، فلما انتهیت الی سده المنتهی وجدت مکنوبا علیها «انی انا اللّه لا آله الا انا وحدی محمد صفوتی من خلقی ایدته بوزیره و نصرته بوزیره» فقلت لجبرئیل و من وزیری؟ قال علی بن ابی‌طالب. فلما جاوزت سدره المنتهی انتهیت الی عرش رب العالمین فوجدت مکتوبا علی کل قائمه من قوائم العرش «انا اللّه لا آله الا انا محمد حبیبی ایدته بوزیره و نصرته بوزیره» فلما دخلت الجنه رایت فی الجنه شجره طوبی اصلها فی دار علی و ما فی الجنه قصر و لا منزل الا وفیها فرع منها اعلاها اسفاط حلل من سندس و استبرق یکون للعبد المومن الف الف سفط. فی کل سفط مائه الف حله و ما فیها حله تشبه الاخری علی الوان مختلفه و هو ثیاب اهل الجنه و سطها ظل ممدود کعرض السماء [صفحه ۵۲۴] و الارض اعدت للذین آمنوا باللّه و رسوله یسیر الراکب فی ذلکالظل مسیره مائه عام فلا یقطعه و ذلک قوله «و ظل ممدود» اسفلها ثمار اهل الجنه و طعامهم متدلل فی بیوتهم. یکون فی القضیب منها مائه لون من الفاکهه مما رایتم فی دار الدنیا و مما لم تروه و ما سمعتم به و مالم تسمعوا مثلها، و کلما یجتنی منها شیء نبت مکانها اخری لا مقطوعه و لا ممنوعه و یجری نهر فی اصل تلک الشجره یفجر منها الانهار الاربعه، نهر ما ماء غیر آسن، و نهر من لبن لم یتغیر طعمه، و نهر من خمر لذه للشاربین، و نهر من عسل مصفی. یا فاطمه ان اللّه اعطانی فی علی سبع خصال: هو اول من ینشق عنه القبر معی و اول من یقف معی علی الصراط فیقول للنار خذی ذا و ذری ذا و اول من یکسی اذا کیست، واول من یقف معی علی یمین العرش و اول من یقرع معی باب الجنه، و اول من یسکن معی علیین، و اول من یشرب معی من الرحیق المختوم ختامه مسک و فی ذلک فلیتنافس المتنافسون. یا فاطمه هذا ما اعطاه اللّه علیا فی الاخره و اعد له فی الجنه اذا کان فی الدنیا لا مال له، فاما قلت انه بطین، فانه مملو من العلم خصه اللّه به و اکرمه من بین امتی، و اما قلت انه انزع عظیم العینین، فان اللّه خلقه بصفه آدم علیه‌السلام، و اما طول یدیه، فان اللّه طولهما لیقتل بهما اعداءه و اعداء رسوله و به یظهر اللّه الدین و لو کره [صفحه ۵۲۵] المشرکون، و به یفتح اللّه الفتوح و یقاتل المشرکین علی تنزیل القرآن و المنافقین من اهل البغی و النکث و الفسوق علی تاویله و یخرج اللّه من صلبه سیدی شباب اهل الجنه ویزین بهما عرشه. یا فاطمه ما بعث اللّه نبیا الا جعل له ذریته من صلبه و جعل ذریتی من صلب علی، و لولا علی ما کانت لی ذریه، فقالت فاطمه یا رسول‌اللّه ما اختار علیه احدا من اهل الارض فزوجها رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم، فقال ابن‌عباس عند ذلک: واللّه ما کان لفاطمه کفو غیر علی علیه‌السلام. [۷۳۵] . ۲- فرات، قال: حدثنی علی بن عتاب معنعنا عن فاطمه بنت محمد صلی اللّه علیه و آله و سلم قالت: قال رسول‌اللّه لما عرج بی الی السماء صرت الی سدره المنتهی فکان قاب قوسین او ادنی فابصرته بقلبی و لم اره بعینی فسمعت اذنا مثنی مثنی و اقامه و ترا و ترا فسمعت منادیا ینادی یا ملائکتی و سکان سماواتی و ارضی و حمله عرشی اشهدوا انی لا آله الا انا وحدی لا شریک لی. قالوا شهدنا و اقررنا قال اشهدوا یا ملائکتی و سکان سماواتی و ارضی و حمله عرشی بان محمد صلی اللّه علیه و آله و سلم عبدی و رسولی قالوا شهدنا و اقررنا قال اشهدوا یا ملائکتی و سکان سماواتی و ارضی و حمله عرشی بان علیا ولیی و ولی رسولی و ولی [صفحه ۵۲۶] المومنین بعد رسولی قالوا شهدنا و اقررنا. [۷۳۶] . ۳- فرات، قال: حدثنا سلیمان بن محمد بن ابی‌العطوس معنعنا عن ابن‌عباس قال سمعت علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام یقول دخل رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم ذات یوم علی فاطمه و هی حزینه فقال لها ما حزنک یا بنیه قالت یا ابه

ذکرت المحشر و وقوف الناس عراه یوم القیامه قال یا بنیه انه لیوم عظیم ولکن قد اخبرنی جبرئیل عن اللّه عز و جل انه قال اول من تنشق عنه الارض یوم القیامه انا و ابی‌ابراهیم. ثم بعلک علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام ثم یبعث اللّه الیک جبرئیل فی سبعین الف ملک فیضرب علی قبرک سبع قباب من نور ثم یاتیک اسرافیل بثلاث حلل من نور فیقف عند راسک فینادیک یا فاطمه ابنه محمد قومی الی محشرک امنه روعتک مستوره عورتک فیناولک اسرافیل الحلل فیتلبسینها، و یاتیک روفائیل بنجیبه من نور زمامها من لولو طب علیها محفه من ذهب فترکبینها و یقود روفائیل بزمامها و بین یدیک سبعون الف ملک بایدیهم الویه التسبیح. فاذا جد بک السیر استقبلک سبعون الف حوراء یستبشرون بالنظر الیک بید کل واحده منهن مجمره من نور تسطع منها ریح العود من غیر نار و علیهم اکالیل الجوهر مرصع بالزبرجد [صفحه ۵۲۷] الاخضر فیسرن عن یمینک فاذا مثل الذی سرت من قبرک الی ان لقیتک الی ان استقبلتک مریم بنت عمران فی مثلی من معک من الحور فتسلم علیک و تسیر هی و من معها عن یسارک. ثم تستقبلک امک خدیجه بنت خویلد اول المومنات باللّه و برسوله، معها سبعون الف ملک بایدیهم الویه التکبیر فاذا قربت من الجمع استقبلتک حواء فی سبعین الف حوراء و معها آسیها بنت مزاحم فتسیر هی و من معها معک فاذا توسطت الجمع و ذلک ان اللّه یجمع الخلایق فی صعید واحد فیستوی بهم الاقدام. ثم ینادی مناد من تحت العرش یسمع الخلایق غضوا ابصارکم حتی تجوز فاطمه الصدیقه ابنع محمد صلی اللّه علیه و آله و سلم و من معها فلا ینظر الیک یومئذ الا ابراهیم خلیل الرحمن علیه‌السلام و علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام و یطلب آدم حواء فیراها مع امک خدیجه امامک، ثم ینصب لک منبر من نور فیه سبع مراق بین المرقات الی المرقات صفوف الملائکه بایدیهم الویه النور و تصطف الحور العین عن یمین امنبر و عن یساره و اقرب النساء منک عن یسارک حواء و آسیه بنت مزاحم. فاذا صرت فی اعلا المنبر اتاک جبرئیل فقال لک یا فاطمه سلی حاجتک فتقولین یا رب ارنی الحسن و الحسین علیهماالسلام فیاتیانک و اوداج الحسین علیه‌السلام تشخب دما و هو یقول رب خذ لی الیوم حقی ممن ظلمنی فیغضب عند ذلک الجلیل و تغضب لغضبه [صفحه ۵۲۸] جهنم و الملائکه اجمعون فتزفر جهنم عند ذلک زفره، ثم یخرج فوج من النار فیلتقط قتله الحسین و انبائهم و ابناء ابنائهم و یقولون یا رب انا لم نحضر الحسین علیه‌السلام. فیقول اللّه لزبانیه جهنم خذوهم بسیماهم بزرقه الاعین و سواد الوجوه خذوا بنواصیهم فالقوهم فی الدرک الاسفل من النار فانهم کانوا اشد علی اولیاء الحسین علیه‌السلام من آبائهم الذین حاربوا الحسین علیه‌السلام فقتلوه. فیسمع شهیقهم فی جهنم یقول جبرئیل یا فاطمه سلی حاجتک فتقولین یا رب شیعتی فیقول اللّه قد غفرت لهم فتقولین یا رب شعیه ولدی فیقول اللّه قد غفرت لهم فتقولین یا رب شیعه شیعتی، فیقول اللّه انطلقی فمن اعتصم بک فهو معک فی الجنه فعند ذلک یود الخلائق انهم کانوا فاطمیین فتسیریین و معک شیعتک و شیعه ولدک و شیعه امیرالمومنین علیه‌السلام آمنه روعاتهم مستوره عوراتهم، قد ذهبت عنهم الشدائد و سهلت لهم الموارد، یخاف الناس و هم لا یخافون و یظما الناس و هم لا یظماون. فاذا بلغت باب الجنه تلقتک اثنی‌عشر الف حوراء لم یتلقین احدا قبلک و لا یتلقین احدا بعدک بایدیهم حراب من نور علی نجائب من نور جایلها من الذهب الاصفر و الیاقوت ازمتها من لولو رطق علی کل نجیبه نمرقه من سندس منضود فاذا دخلت الجنه تباشر بک اهلها و وضع لشیعتک موائد من جوهر علی اعمده من [صفحه ۵۲۹] نور فیاکلون منها، و الناس فی الحساب «و هم فیما اشتهت انفسهم خالدون». فاذا استقر اولیاء اللّه فی الجنه زارک آدم علیه‌السلام و من دونه من النبیین و ان فی بطنان الفردوس لولوتان من عرق واحد لولوه بیضاء و لولوه صفراء فیها قصور و دور فی کل واحده سبعون الف دار، البیضاء منازل لنا و لشیعتنا و الصفراء منازل لابراهیم و آل‌ابراهیم، قالت یا ابه فما کنت احب ان اری یومک و لا ابقی بعدک. قال یا بنیه لقد اخبرنی جبرئیل عن اللّه انک اول من یلحقنی من اهل بیتی فالویل کله لمن ظلمک و الفوز العظیم لمن نصرک، قال عطا و کان ابن‌عباس اذا ذکر هذاغ الحدیث تلا هذه الایه الکریمه «والذین آمنوا و اتبعتهم ذریتهم بایمان الحقنا بهم ذریتهم.» [۷۳۷] . ۴- ابن‌المغازلی اخبرنا ابومنصور زید بن طاهر بن سیار البصری قدم علینا واسطا، اخبرنا الحسین بن محمد بن یعقوب الشباطی الحافظ، حدثنا ابوبکر محمد بن عدی، حدثنا محمد بن عدی الابلی، حدثنا احمد بن محمد بن سعید، حدثنا عبداللّه بن محمد بن ابی مریم القبائی من اهل قبا، حدثنا القاسم بن

محمـد، عن ابیه، عن جعفر بن محمد، عن ابیه محمد بن علی، عن ابیه علی بن [صـفحه ۵۳۰] الحسـین، عن ابیه الحسین بن علی، عن امه فاطمه بنت رسول‌اللَّه صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم. قالت: لما نزلت علی النبی صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم «لا تجعلوا دعاء الرسول بینکم کـدعاء بعضـکم بعضـا» قـالت فـاطمه: فتهیب النبی صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم ان اقول له: یا ابه! فجعلت اقول له: یا رسول‌اللَّه! فاقبـل علی، فقـال لی: یـا بنیه لم تنزل فیـک و لا فی اهلک من قبل، انت منی و انا منک و انما نزلت فی اهل الجفاء و البـذخ و الکبر، قولی: یا ابه، فانه احب للقطب و ارضـی للرب ثم قبل النبی صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم جبهتی و مسـحنی بریقه فما احتجت الی طیب بعده. [۷۳۸] .

الدعاء

اشاره

۱- حدثنا احمد بن الحسـین القطان، قال: حدثنا ابوالعباس عبدالرحمن بن محمد بن حماد، قال: حدثنا ابوسـعید یحیی بن حکیم، قال: حدثنا ابوقتیبه، قال: حدثنا الاصـبغ بن زید، عن سعید بن رافع، عن زید بن علی علیه‌السلام، عن [صفحه ۵۳۱] آبائه علیهم‌السلام، عن فاطمه بنت النبی علیهماالسـلام قالت: سـمعت النبی صـلی اللَّه علیه و آله و سلم یقول: ان فی الجمعه لساعه لا یراقبها رجل مسلم یسال اللَّه عز و جل فیها خیرا الا اعطاه اياه. قالت: فقلت: یا رسول‌اللَّه ای ساعه هی؟ قال: اذا تدلی نصف عین الشمس للغروب. قال: و کانت فاطمه علیهاالسـلام تقول لغلامها: اصعد علی الضراب فاذا رایت نصف عین الشمس قد تدلی للغروب فاعلمنی حتی ادعو. [۷۳۹] . ۲- الطوسـی باسـناده عن ابن‌حمویه، قال: اخبرنا ابوالحسـین، قال: حـدثنا ابوخلیفه، قال: حدثنا مسدد، قال: حدثنا عبدالوارث، عن لیث بن ابی‌سـلیم، عن عبداللَّه بن الحسن، عن امه فاطمه، عن جدته فاطمه قالت: کان رسول‌اللَّه صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم اذا دخل المسجد صلی و قـال: اللهم اغفرلی ذنوبی و افتـح لی ابواب رحمتک، و اذا خرج صـلی و قال: اللهم اغفرلی ذنوبی و افتـح لی ابواب فضـلک. [۷۴۰] . ۳- ابوجعفر الطبری، حـدثنی ابوالمفضل محمـد بن عبـداللَّه، قال: حـدثنی ابوعبـداللَّه جعفر بن محمـد العلوی الحسـنی، قال: حدثنی موسی بن عبداللَّه بن الحسن بن الحسن بن علی بن ابی‌طالب، قال: حدثنی ابی، عن ابیه، عن جده عبداللَّه بن الحسن، [صفحه ۵۳۲] عن ابیه، عن جـده الحسن بن علی، عن امه فـاطمه بنت رسول‌اللَّه قـالت: قال لی رسول‌اللَّه یا فاطمه الا علمک دعاء لا یـدعو فیه احدا الا اسـتجیب له، و لا یحیک فی صاحبه سم و لا سـحر و لا یعرض له شـیطان بسوء و لا ترد له دعوه و تقضی حوائجه التی یرغب فیها الی اللَّه تعالی کلها عاجلها و آجلها. قالت: اجل یا ابت هذا واللَّه احب الی من الدنیا و ما فیها، قال تقولین: یا اللَّه، یا اعز مذکور و اقدمه قدما فی العزه و الجبروت، یا اللَّه، یا رحیم کل مسترحم و مفزع کل ملهوف، یا اللَّه یا راحم کل حزین یشـکو بثه و حزنه الیه، یا اللَّه یـا خیر من طلب المعروف منه و اسـر فی العطاء، یا اللَّه یا من تخاف الملائکه المتوقـده بالنور منه اسالک بالاسـماء التی تـدعو بها حمله عرشک و من حول عرشک. یسبحون بها شفقه من خوف عذابک و بالاسماء التی یدعوک بها جبرئیل و میکائیل و اسرافیل الا اجبتنی و کشـفت یا الهی کربتی و سترت ذنوبی، یا من یامر بالصـیحه فی خلقه فاذا هم بالساهره، اسالک بذلک الاسم الذی تحیی به العظام و هی رمیم، ان تحیی قلبی و تشـرح صـدری و تصـلح شانی. یا من خص نفسه بالبقاء، و خلق لبریته الموت و الحیاه، یا من فعله قول، و قوله امر و امره مـاض علی مـا یشـاء، اسالـک بالاـسم الـذی دعـاک به خلیلـک حین القی فی النـار، فاسـتجبت له وقلت یا نار کونیبردا و سـلاما علی ابراهیم، و بالاسم الذی دعاک به موسـی من جانب [صـفحه ۵۳۳] الطور الایمن فاسـتجبت له. و بالاسم الذی کشـفت به عن ایوب الضر و تبت به علی داود و سخرت به لسلیمان الریح تجری بامره و الشیاطین و علمته منطق الطیر، و بالاسم الذی وهبت به لزکریا یحیی و خلقت عیسـی من روح القدس من غیر اب و بالاسم الذی خلقت به العرش و الکرسـی و بالاسم الذی خلقت به الروحانیین. و بالاسم الذی خلقت به الجن و الانس و بالاسم الذی خلقت به جمع الخلق و جمیع ما اردت من شـیء و بالاسم الذی

قدرت به علی کل شیء، اسالک بهذه الاسماء لما اعطیتنی سولی و قضیت بها حوائجی. [۷۴۱] . ۴- عنه، حدثنا ابوالمفضل محمد بن عبداللَّه، قال: حدثنا محمد بن هارون بن زیاد، عن لیث بن ابی سلیم، عن عبداللَّه بن الحسن، عن فاطمه الغصری، عن ابیها الحسین، عن فاطمه الکبری ابنه رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم. قالت: ان النبی کان اذا دخل المسجد یقول: بسم اللَّه اللهم صل علی محمد و اغفر ذنوبی و افتح لی ابواب رحمتک و اذا خرج یقول: بسم اللَّه اللهم صل علی محمد و اغفر ذنوبی و افتح لی ابواب [صفحه ۵۳۴] فضلک. [۷۴۲] .

حرز فاطمه

۵- روی ابن‌طاووس مرسلا: بسم اللَّه الرحمان الرحیم یا حی یا قیوم برحمتک فاغثنی و لا تکلنی الی نفسی طرفه عین ابدا. [۷۴۳] .

حرز آخر لفاطمه الزهراء

۶- رضی‌الدین علی بن طاووس، عن الشیخ علی بن عبدالصمد، قال اخبرنا الشیخ جدی،قال: اخبرنا الفقیه ابوالحسن رحمه‌اللَّه، قال: حدثنا السید الشیخ العالم ابوالبرکات علی بن الحسین الحسنی الجوزی، قال: حدثنا الشیخ ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی الفقیه قدس‌اللَّه روحه، قال: حدثنا الحسن بن محمد بن سعید الکوفی، قال: حدثنا فرات بن ابراهیم، قال: حدثنا جعفر بن محمد بن بشرویه القطان قال: حدثنا محمد بن ادریس بن سعید الانصاری، قال: حدثنا داود بن رشید و الولید بن شجاع بن مروان، عن عاصم، عن عبداللَّه بن سلمان الفارسی، عن ابیه. قال خرجت من منزلی یوما بعد وفاه رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه [صفحه ۵۳۵] و آله و سلم بعشره ایام فلقینی علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام ابن عم الرسول صلی اللَّه علیه و آله و سلم، و قال لی یا سلمان جفوتنا بعد رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم فقلت حبیبی اباالحسن مثلکم لا یجفی غیر ان حزنی علی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم طال فهو الذی منعنی من زیارتکم. فقال علیه‌السلام لی یا سلمان ائت منزل فاطمه بنت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم فانها الیک مشتاقه ترید ان تتحفک بتحفه قد اتحفت بها من الجنه قلت لعلی علیه‌السلام قد اتحفت فاطمه علیهاالسلام بشیء، من لجنه بعد وفات رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم قال نعم بالامس قال سلمان الفارسی فهرولت الی منزل فاطمه علیهاالسلام بنت محمد صلی اللَّه علیه و آله و سلم فاذا هی جالسه و علیها قطعه عباء اذا خمرت راسها انجلی ساقها و اذا غطیت ساقها انکشف راسها. فلما نظرت الی اعتجرت ثم قالت یا سلمان جفوتنی بعد وفات ابی‌صلی اللَّه علیه و آله و سلم قلت حبیبتی لم اجفکم قالت: فمه اجلس و اعقل ما اقول لک انی کنت جالسه بالامس فی هذا المجلس و باب الدار مغلق و انا اتفکر فی انقطاع الوحی عنا و انصراف الملائکه عن منزلنا فاذا انفتح الباب من غیر ان یفتحه احد، فدخل علی ثلاث جوار لم یر الواون بحسنهن و لا کهیئتهن و لا نضاره وجوههن و لا ازکی من ریحهن. [صفحه ۵۳۶] فلما رایتهن قمت الیهن مستنکره لهن فقلت بابی انتن من اهل مکه ام من اهل المدینه فقلن یا بنت محمد لسنا من اهل مکه و لا من اهل المدینه و لا من اهل الارض جمیعا غیر اننا جوار من الحور العین من دار السلام ارسلنا رب العزه الیک یا بنت محمد انا الیک مشتاقات فقلت للتی اظن انهار اکبر سنا ما اسمک قالت: اسمی مقدوده، قلت و لم سمیت مقدوده قالت: خلقت للمقداد بن الاسود الکندی صاحب رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم. فقلت للثانیه ما اسمک قالت ذره، قلت و لم سمیت ذره و انت فی عینی نبیله؟ قالت خلقت لابی‌ذر الغفاری صاحب رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم، فقلت للثالثه ما اسمک قالت سلمی قلت و لم سمیت سلمی قالت انا لسلمان الفارسی مولی ابیک رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم، قالت فاطمه ثم اخرجن لی رطبا ازرق کامثال الخشکنانج الکبار ابیض من الثلج و ازکی ریحا من المسک الاذفر. فقالت لی یا سلمان افطر علیه عشیتک فاذا کان غدا فجئنی بنواه او قالت عجمه، قال سلمان فاخذت الرطب فما مررت بجمع من اصحاب رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم الا قالوا یا سلمان امعک مسک قلت نعم فلما کان وقت الافطار و افطرت علیه فلم اجد له عجما و لا نوی، فمضیت الی بنت رسول‌اللَّه

صلى اللَّه عليه و آله و سلم فى اليوم الثانى، فقلت لها عليهاالسلام، انى افطرت على ما [صفحه ۵۳۷] اتحفتنى به فما وجدت له عجما و لا نوى. قالت يا سلمان و لن يكن له عجم و لا نوى و انما هو من نخل غرسه اللَّه فى دار السلام، الا اعلمتك بكلام علمنيه ابى‌محمد صلى اللَّه عليه و آله و سلم كنت اقوله غدوه و عشيه قال سلمان قلت: علمينى الكلام يا سيدتى، فقالت ان سرك ان لا يمسك اذى الحمى ما عشت فى دار الدنيا فواظب عليه، ثم قال سلمان علمينى هذا الحرز. قالت بسم اللَّه الرحمن الرحيم بسم اللَّه النور، بسم اللَّه نور النور، بسم اللَّه نور على نور، بسم اللَّه الذى هو مدبر الامور، بسم اللَّه الذى خلق النور من النور الحمد اللَّه الذى خلق النور من النور و انزل النور على الطور فى كتاب مسطور فى رق منشور بقدر مقدور على نبى محبور، الحمدللَّه الذى هو بالعز مذكور و بالفخر مشهور و على السراء و الضراء مشكور و صلى اللَّه على سيدنا محمد و آله الطاهرين. قال سلمان فتعلمتهن، فواللَّه، و لقد علمتهن اكثر من الف نفس من اهل المدينه و مكه ممن علل بهم الحمى فكل برى من مرضه باذن اللَّه تعالى. [۷۴۴] . ۷- قال: ذكر ما نختاره من الدعوات عن سيدتنا و امنا [صفحه ۵۳۸] المعظمه فاطمه سيده نساء العالمين بنت سيد المرسلين صلوات اللَّه عليهما و على عترتهما الطاهرين، فمن ذلك دعاء علمها اباه رسول‌اللَّه صلى اللَّه عليه و آله و سلم و عليها رويناه باسنادنا الى ابى‌المفضل محمد بن المطلب الشيبانى من الجزء الثالث من اماليه باسناده نسبه الى مولانا الحسن بن مولانا على بن ابى‌طالب عليهماالسلام عن امه فاطمه بنت رسول‌اللَّه صلى اللَّه عليه و آله و سلم. وجدناه باسناده صحيح ان رسول‌اللَّه صلى اللَّه عليه و آله و سلم قال للزهراء فاطمه عليهاالسلام يا بنيه الا اعلمك دعاء لا يدعو به احد الا استجيب له، و لا يجوز فيك سحر و لا سم و لا يشمت بك عدو و لا يعرض لك شيطان و لا يعرض عنك الرحمن و لا يزغ قلبك و لا ترد لك دعوه و تقضى حوائجك كلها قالت يا ابت هذا احب الى من الدنيا و ما فيها قال تقولين: يا عز مذكور و اقدمه قدما فى العز و الجبروت يا رحيم كل مسترحم و مفزع كل ملهوف اليه يا راحم كل حزين يشكو بثه و حزنه اليه و يا خير من سئل المعروف منه و اسرعه اعطاء، يا من يخاف الملائكه المتوقده بالنور منه، اسالك بالاسماء التى يدعوك بها حمله عرشك، بنورك يسبحون شفقه من خوف عقابك و بالاسماء التى يدعوك بها جبرئيل و ميكائيل و اسرافيل الا اجبتنى و كشفت يا الهى كربتى و سترت ذنوبى. [صفحه ۵۳۹] يا ام امر بالصيحه فى خلقه فاذا هم بالساهره يحشرون و بذلك الاسم الذى احييت به العظام و هى رميم احى قلبى و اشرح صدرى و اصلح شانى يا من خص نفسه بالبقاء و خلق لبريته الموت و الحيوه و الفناء يا من فعله قول و قوله امر و امره ماض على ما يشاء، و اسالك بالاسم الذى دعاك به خليلك حين القى فى النار. فدعاك به فاستجبت له و قلت يا نار كونى بردا و سلاما على ابراهيم، و بالاسم الذى دعاك به موسى من جانب الطور الايمن، فاستجبت له و بالاسم الذى خلقت به عيسى بمن روح الدس و بالاسم الذى تبت به على داود و بالاسم الذى وهبت به لزكريا يحيى و بالاسم الذى كشفت به عن ايوب الضر و تبت به على داود و سخرت به لسليمان الريح تجرى بامره و الشياطين و علمته منطق الطير. و بالاسم الذى خلقت به العرش و بالاسم الذى خلقت به الكرسى و بالاسم الذى خلقت به الروحانيين، و بالاسم الذى خلقت به الجن و الانس و بالاسم الذى خلقت به جميع الخلق و بالاسم الذى خلقت به جميع ما اردت من شىء و بالاسم الذى قدرت به على كلشى اسالك بحق هذه الاسماء الا ما اعطيتنى سولى و قضيت حوائجى يا كريم. فانه يقال لك يا فاطمه نعم، نعم. [۷۴۵] . [صفحه ۵۴۰] ۸- من ذلك دعاء آخر عن مولاتنا فاطمه الزهراء صلوات اللَّه عليها: اللهم قنعنى بما رزقتنى و استرنى و عافنى ابدا ما ابقيتنى و اغفرلى و ارحمنى اذا توفيتنى اللهم لا تعينى فى طلب ما لا تقدر لى و ما قدرته على فاجعله ميسرا سهلا، اللهم كاف عنى و الدى و كل من له نعمه على خير مكافاه، اللهم فرغنى لما خلقتنى له و لا تشغلنى بما تكلفت لى به و لا تعذبنى و انا استغفرك و لا تحرمنى و انا اسالك، اللهم ذلل نفسى فى نفسى و عظم شانك فى نفسى و الهمنى طاعتك و العمل بما يرضيك و التجنب لما يسخطك يا الرحم الراحمين. [۷۴۶] .

۹- قال: و من ذلك دعاء آخر للحمى لمولاتنا فاطمه الزهراء عليهاالسلام: دخل النبى صلى اللَّه عليه و آله و سلم على فاطمه الزهراء عليهاالسلام فوجد الحسن عليه‌السلام موعوكا فشق ذلك على النبى صلى اللَّه عليه و آله و سلم فنزل جبرئيل عليه‌السلام فقال يا محمد الا علمك معاذه تدعو بها فينجلى بها عنه ما يجده قال بلى قال: قال اللهم لا آله الا انت العلى العظيم ذو السلطان القديم و المن العظيم

و الوجه الکریم لا آله الا انت العلی العظیم ولی الکلمات التامات و الـدعوات المستجابات حل ما اصبح بفلان فـدعا النبی صـلی اللَّه علیه و آله و سلم ثم وضع [صفحه ۵۴۱] یده علی جبهته، فاذا هو بعون اللَّه قد افاق. [۷۴۷] . ۱۰- قال: و من ذلک دعاء آخر لفاطمه الزهراء علیهاالسـلام: روی ان فاطمه علیهاالسلام زارت النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم فقال لها الا ازودک قالت:نعم قال قولی: اللهم ربنـا و رب کل شـیء منزل التوراه و الانجیل و الفرقان، فالق الحب و النوی اعوذ بک من شـر کل دابه انت آخـذ بناصـیتها انت الاول فلیس قبلـک شـیء و انت الاـخر فلیس بعـدک شـیء و انت الظـاهر فلیس فوقک شـیء و انت الباطن فلیس دونک شـیء صـلی علی محمـد و علی اهـل بیته علیه و علیهم‌السـلام و اقض عنی الـدین و اغنتی من الفقر و یسر لی کل الامر یا ارحم‌الراحمین. [۷۴۸] . ۱۱- قال: و من ذلک دعاء آخر لمولاتنا فاطمه الزهراء علیهاالسـلام فی الفرج من الحبس و الضـیق: روی ان رجلا کان محبوسا بالشام مـده طویله مضـیقا علیه فرای فی منـامه کـان الزهراء صـلوات اللَّه علیها اتته فقالت له ادع بهـذا الـدعاء فتعلمه و دعا به، فتخلص و رجع الی منزله و هو: اللهم بحق العرش و من علاـه، و بحق الوحی و من اوحـاه، و بحق النـبی و من نبـاه،و بحق الـبیت و من بنـاه، یـا سـامع کل صوت، یا جامع کل فوت، یا باری النفوس بعد الموت، صلی علی محمد و اهل [صفحه ۵۴۲] بیته و اتنا و جمیع المومنین و المومنات فی مشارق الارض و مغاربها فرجا من عنـدک عاجلا بشـهاده ان لا آله الا اللَّه و ان محمـدا عبدک و رسولک صـلی اللَّه علیه و آله و سلم و علی ذریته الطیبین الطاهرین و سلم تسلیما کثیرا. [۷۴۹] . ۱۲- قال الطبرسی: روی ان امیرالمومنین علیه‌السلام قال لرجل من بنی سعد: الا احدثک عنی و عن فاطمه علیهاالسـلام، انها کانت عندی فاسـتقت بالقربه حتی اثر فی صدرها و طحنت بالرحی حتی مجلت یداها و کسـحت البیت حتی اغبرت ثیابها و اوقدت تحت القدر حتی تدخنت ثیابها فاصابها من ذلک ضـرر شدید، فقلت لها: لو اتیت اباک فسالته خادما یکفیک حر ما انت فیه من هذا العمل. فاتت النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم فوجدت عنده صلی اللَّه علیه و آله و سلم احداثا فاسـتحیت فانصـرفت، فعلم صلی اللَّه علیه و آله و سلم انها جاءت لحاجه فغدا علینا و نحن فی لفاعنا، فقال: السلام علیکم، فسـکتنا و استحیینا لمکاننا، ثم قال: السلام علیکم، فخشینا ان لم نرد علیه ان ینصرف و قد کان یفعل ذلک یسلم ثلاثا فان اذن له و الا انصرف. فقلت: و علیک السلام یا رسول‌اللَّه اغدخل، فدخل و جلس عند روسنا فقال: یا فاطمه ما کانت حاجتک امس عند محمد؟ [صفحه ۵۴۳] فخشـیت ان لم تجبه ان یقوم فـاخرجت راسـی فقلت: امـا واللَّه اخبرک یـا رسول‌اللَّه انهـا اسـتقت بـالقربه حتی اثرت فی صـدرها وجرت بالرحی حتی مجلت یـداها و کسـحت البیت حتی اغبرت ثیابها و اوقدت تحت القدر حتی دخنت ثیابها، فقلت لها: لو اتیت ابـاک فسـالته خادما یقیک حر ما انت فیه من هـذا العمل. فقال صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم: الا ادلکما علی ما هو خیر لکما من الخـادم اذا اخـذتما منامکمـا، فکبرا اربعا و ثلاثین تکبیره، و سـبحا ثلاثا و ثلاثین تسبیحه، و احمـدا ثلاثا و ثلاثین تحمیـده، فاخرجت فـاطمه علیهاالسـلام راسـها فقالت: رضـیت عن اللَّه و رسوله ثلاث مرات. [۷۵۰] . ۱۳- قـال: روی ابراهیم بن محمـد الثقفی ان فاطمه علیهاالسـلام بنت رسول‌اللَّه صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم کـانت مسبحتها من خیـط صوف مفتـل معقود علیه عـدد التکـبیرات فکـانت علیهاالسـلام تدیرها بیدها تکبر و تسبح الی ان قتل حمزه بن عبدالمطلب سـید الشـهداء فاسـتعملت تربته و عملت المسابیح فاستعملها الناس، فلما قتل الحسـین علیه‌السـلام عـدل بالامر الیه فاسـتعملوا تربته لما فیها من الفضل و المزیه. [۷۵۱] . ۱۴- قال المجلسی: حدث ابوالمفضل محمد بن [صـفحه ۵۴۴] عبـداللَّه رحمه‌اللَّه قال: کتب الی محمد بن محمد بن الاشـعث الکوفی من مصـر، عن موسـی بن اسماعیل بن موسی بن جعفر، عن ابیه، عن ابیه، عن علی علیه‌السلام، ان فاطمه شکت الی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم الارق، فقال لها قولی یا بنیه «یا مشبع البطون الجایعه، و یا کاسی الجسوم العاریه، و یا ساکن العروق الضاربه، و یا منوم العیون الساهره، سکن عروقی الضاربه، و اذن لعینی نوما عاجلا»، قال: فقالته فذهب عنها ما کانت تجده. [۷۵۲] . ۱۵- عنه، قال: حدث هارون بن موسی، عن علی بن محمـد بن یعقوب العجلی، عن علی بن الحسن التیملی، عن محمـد بن الولیـد، عن ابان بن عثمان، عن عبداللَّه و سـلیمان، عن ابی‌جعفر و ابی‌عبداللَّه علیهماالسـلام قالا: شـکت فاطمه علیهاالسـلام الی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم ما تلقاه فی المنام، فقال لها: اذا رایت شیئا من ذلک فقولی: اعوذ بما عاذت به ملائکه اللَّه المقربون و انبیاء اللَّه المرسلون، و عباد اللَّه الصالحون من شر رویای

التی رایت ان تضرنی فی دینی و دنیای»، و اتفلی علی یسارک ثلاثا. [۷۵۳] . ۱۵- عنه، قال: حدث هارون بن موسی، عن علی بن محمد بن یعقوب العجلی، عن علی بن الحسن التیملی، عن محمد بن الولید، عن ابان بن عثمان، عن عبداللّٰه و سلیمان، عن ابی‌جعفر و ابی‌عبداللّٰه علیهماالسلام قالا: شکت فاطمه علیهاالسلام الی رسول‌اللّٰه صلی اللّٰه علیه و آله و سلم ما تلقاه فی المنام، فقال لها: اذا رایت شیئا من ذلک فقولی: اعوذ بما عاذت به ملائکه اللّٰه المقربون و انبیاء اللّٰه المرسلون، عباد اللّٰه الصالحون من شر رویای التی رایت ان تضرنی فی دینی و دنیای»، و اتفلی علی یسارک ثلاثا. [۷۵۴] . ۱۶- عنه، قال: صلاه علمها رسول‌اللّٰه صلی اللّٰه علیه و آله و سلم انه قال لامیر المومنین علیه‌السلام و لا بنته فاطمه علیهاالسلام: اننی ارید ان اخصکما بشی من الخیر مما علمنی اللّٰه عز [صفحه ۵۴۵] وجل واطلعنی اللّٰه علیه، فاحتفظا به، قالا: نعم یا رسول‌اللّٰه فما هو؟ قال: یصلی احدکما رکعتین یقرا فی کل رکعه فاتحه الکتاب و آیه‌الکرسی ثلاث مرات، و قل هو اللّٰه احد ثلاث مرات، و آخر الحشر ثلاث مرات، من قوله «لو انزلنا هذا القرآن علی جبل» الی آخره. فاذا جلس فلیتشهد و لیثن علی اللّٰه عز و جل و لیصل علی النبی صلی اللّٰه علیه و آله و سلم و لیدع للمومنین و المومنات، ثم یدعو علی اثر ذلک فیقول: اللهم انی اسالک بحق کل اسم هو کل یحق علیک فیه اجابه الدعاء اذا دعیت به و اسالک بحق کل ذی حق علیک و اسالک بحقک علی جمیع ما هو دونک ان تفعل بی کذا و کذا. [۷۵۵] . ۱۷- عنه قال: تسبیح فاطمه علیهاالسلام فی الیوم الثالث من الشهر سبحان من استنار بالحول و القوه سبحان من احتجب فی سبع سماوات فلا عین تراه، سبحان من اذل الخلائق بالموت، و اعز نفسه بالحیاه، سبحان من یبقی و یفنی کل شیء سواه، سبحان من استخلص الحمد و ارتضاه، سبحان الحی العلیم، سبحان الحلیم الکریم، سبحان الملک القدوس، سبحان العلی العظیم، سبحان‌اللّٰه و بحمده. [۷۵۶] . [صفحه ۵۴۶] ۱۸- عنه، قال دعاء عن سیدتنا فاطمه الزهراء علیهاالسلام: اللهم بعلمک الغیب،و قدرتک علی الخلق، احینی ما علمت الحیاه خیرا لی، و توفنی اذا کانت الوفاه خیرا لی، اللهم انی اسالک کلمه الاخلاص، و خشیتک فی الرضا و الغضب و القصد فی الغنی و الفقر، و اسالک نعیما لا ینفد، و اسالک قره عین لا- تنقطع، و اسالک الرضا بالقضاء، و اسالک برد العیش بعد الموت، و اسالک النظر الی وجهک،و الشوق الی لقائک، من غیر ضراء مضره، و لا فتنه مظلمه، اللهم زینا بزینه الایمان، و اجعلنا هداه مهدیین یا رب العالمین. [۷۵۷] . ۱۹- عنه، عن مصباح الانوار: عن ابی‌جعفر علیه‌السلام قال: زارت فاطمه رسول‌اللّٰه صلی اللّٰه علیه و آله و سلم ذات یوم فقال: یا بنیه الا ازودک؟ قالت:بلی یا رسول‌اللّٰه فقال: قولی: «اللّٰه ربنا و رب کل شیء، منزل التوراه و الانجیل و الزبور و الفرقان، فالق الحب و النوی، اعوذ بک من شر کل دابه انت آخذ بناصیتها، انت الاول فلیس قبلک احد و انت الاخر فلیس بعدک احد، و انت الظاهر فلیس فوقک احد، و انت الباطن فلیس دونک احد، اقض عنی الدین و اغننی من الفقر. [۷۵۸] . ۲۰- عبداللّٰه حدثنی ابی، حدثنا اسماعیل بن ابراهیم، قال: [صفحه ۵۴۷] حدثنا لیث یعنی ابن ابی‌سلیم، عن عبداللّٰه بن حسن، عن امه فاطمه ابنه حسین عن جدتها فاطمه بنت رسول‌اللّٰه صلی اللّٰه علیه و آله و سلم، قالت کان رسول‌اللّٰه صلی اللّٰه علیه و آله و سلم، اذا دخل المسجد صلی علی محمد و سلم، و قال اللهم اغفرلی ذنوبی و افتح لی ابواب رحمتک و اذا خرج صلی علی محمد و سلم ثم قال اللهم اغفرلی ذنوبی و افتح لی ابواب فضلک. قال اسماعیل فلقیت عبداللّٰه بن حسن فسالت عن هذا الحدیث، فقال کان اذا دخل قال رب افتح لی باب رحمتک و اذا خرج قال رب افتح لی باب فضلک. [۷۵۹] . ۲۱- عنه، حدثنی ابی، قال: حدثنا ابومعاویه، حدثنا لیث، عن عبداللّٰه بن الحسن،عن فاطمه بنت حسین، عن جدتها فاطمه بنت رسول‌اللّٰه صلی اللّٰه علیه و آله و سلم قالت کان رسول‌اللّٰه صلی اللّٰه علیه و آله و سلم اذا دخل المسجد قال: بسم اللّٰه والسلام علی رسول‌اللّٰه اللهم اغفرلی ذنوبی و افتح لی ابواب رحمتک و اذا خرج قال بسم اللّٰه و السلام علی رسول‌اللّٰه اللهم اغفر لی ذنوبی و افتح لی ابواب فضلک. [۷۶۰] . ۲۲- ابوعبداللّٰه الحاکم، اخبرنا ابوبکر احمد بن سلمان الفقیه ببغدا، حدثنا هلال بن العلاء الرقی، حدثنا حسین بن [صفحه ۵۴۸] عیاش، حدثنا زهیر عن سلیمان، عن ابی‌صالح، عن ابی‌هریره الدوسی قال: اتت فاطمه رضی‌اللّٰه‌عنها رسول‌اللّٰه صلی اللّٰه علیه و آله و سلم، تساله خادما فقال لها الذی جئت تطلبین احب الیک ام خیر منه قال فحسبت انها سالت علیا قال قولی: اللهم رب السماوات و رب العرش العظیم ربنا و رب کل شیء منزل التوراه و الانجیل و القرآن فالق الحب و

النوی اعوذبک من شر کل شیء انت آخذ بناصیته انت الاول فلیس قبلک شیء و انت الاخر فلیس بعدک شیء و انت الظاهر فلیس فوقک شیء و انت الباطن فلیس دونک شی اقض عنا الدین و اغننا من الفقر. [۷۶۱] . ۲۳- عنه، اخبرنی ابوالنضر محمد بن محمد بن یوسف الفقیه، حدثنا عثمان بن سعید الدرامی، حدثنا وضاح بن یحیی النهشلی، حدثنا ابوبکر بن عیاش، عن عبداللَّه بن عثمان بن خثیم، عن سعید بن جبیر، عن ابن‌عباس، عن فاطمه رضی‌اللَّه‌عنها قالت: اجتمع مشرکو قریش فی الحجر فقال رسول‌اللَّه یا بنیه اسکنی ثم خرج فدخل علیهم المسجد فرفعوا روسهم ثم نکسوا فاخذ قبضه من تراب فرمی بها نحوهم، ثم قال: شاهت الوجوه فما اصاب رجلا منهم الا قتل یوم بدر هذا حدیث صحیح الاسناد و لم [صفحه ۵۴۹] یخرجاه. [۷۶۲] . ۲۴ - محمد بن اسماعیل البخاری، حدثنا سلیمان بن حرب، حدثنا شعبه، عن الحکم، عن ابی ابی‌لیلی، عن علی، ان فاطمه علهیاالسلام شکت ما تلقی فی یدها من الرحی، فاتت النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم تساله خادما فلم تجده، فذکرت ذلک لعائشه، فلما جاء اخبرته، قال: فجاءنا و قد اخذنا مضاجعنا، فذهبت اقوم، فقال: مکانک فجلس بیننا حتی وجدت برد قدمیه علی صدری. فقال: الا ادلکما علی ما هو خیر لکما من خادم اذا آویتما الی فراشکما، او اخذتما مضاجعکما، فکبرا ثلاثا و ثلاثین، و سبحا ثلاثا و ثلاثین و احمدا ثلاثا و ثلاثین، فهذا خیر لکما من خادم، و عن شعبه عن خالد، عن ابن سیرین قال: التسبیح اربع و ثلاثون. [۷۶۳] . ۲۵ - ابوبکر بن ابی‌شیبه، حدثنا محمد بن عبیده قال: حدثنا الاعمش، عن ابی‌صالح، عن ابی‌هریره قال: اتت فاطمه النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم تساله خادما، فقال لها: ما عندی ما اعطیک، فرجعت فاتاها بعد ذلک فقال: الذی سالت احب الیک ام ما هو خیر منه. فقال لها علی: قولی: لا بل هو خیر منه، فقالت: فقال قولی: [صفحه ۵۵۰] اللهم رب السماوات السبع، و رب العرش اغلعظیم، ربنا و رب کل شیء، منزل التوراه و الانجیل و القرآن العظیم، انت الاول، فلیس قبلک شیء و انت الاخر، فلیس بعدک شیء، و انت الظاهر فلیس فوقک شیء، و انت الباطن فلیس دونک شیء، اقض عنا الدین و اغننا من الفقر. [۷۶۴] . ۲۶ - عنه، حدثنا وکیع، عن شعبه، عن الحکم، عن عبدالرحمن بن ابی‌لیلی، عن علی ان فاطمه اشتکت الی النبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم سبی، فاتته تساله خادما فلم تجده و وجدت عائشه فاخبرتها، قال علیط، فجاءنا بعدما اخذنا مضاجعنا، فذهبنا نتقدم، فقال: مکانکما، قال: فجاء فجلس بینی و بینها حتی وجدت برد قدمه. فقال: الا ادلکما علی ما هو خیر لکما من خادم، تسبحانه ثلاثا و ثلاثین و تحمدانه ثلاثا و ثلاثین و تکبرانه ثلاثا و ثلاثین. [۷۶۵] . [صفحه ۵۵۱]

الاحتجاجات

اشاره

۱- الصدوق، حدثنا احمد بن الحسن القطان، قال: حدثنا عبدالرحمن بن محمد الحسینی، قال: حدثنا ابوالطیب محمد بن الحسین بن حمید اللخمی، قال: حدثنا ابوعبداللَّه محمد بن زکریا، قال: حدثنا محمد بن عبدالرحمن المهلبی، قال: حدثنا عبداللَّه بن محمد بن سلیمان، عن ابیه، عن عبداللَّه بن الحسن، عن امه فاطمه بنت الحسین علیهماالسلام قال لما اشتدت عله فاسطمه بنت رسول‌اللَّه صلوات اللَّه علیها اجتمع عندها نساء المهاجرین و الانصار، فقلن لها: یا بنت رسول‌اللَّه کیف اصبحت من علتک؟ غقالت اصبحت واللَّه عائفه لدنیاکم قالیه لرجالکم لفظتهم قبل ان عجمتهم و شناتهم بعد ان سبرتهم، فقبحا لفلول الحد و خور القناه و خطل الرای و بئس ما قدمت لهم انفسهم ان سخط اللَّه علیهم و فی العذاب هم خالدون، لا جرم لقد لقدتهم ربقتها و شنت علیهم عارها فجدعا و عقرا و سحقا للقوم الظالمین. و بحهم انی زحزحوها عن رواسی الرساله و قواعد النبوه و مهبط الوحی الامین و الطبین بامر الدنیا و الدین. الا ذلک هو [صفحه ۵۵۲] الخسران المبین، و ما نقموا من ابی‌حسن نقموا واللَّه منه نکیر سیفه، و شده و طاته و نکال وقعته، و تنمره فی ذات اللَّه عز و جل واللَّه لو تکافوا عن زمام نبذه رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم لا-عتلقه، و لساربهم سیرا سجحا. لا یکلم

خشاشه و لا- یتعتع راکبه و لا ورد منهلا نمیرا فضفاضا تطفح ضفتاه و لا صدرهم بطانا، قد تخیر لهم الرای غیر متحل منه بطائل الا بغمر الماء وردعه سوره الساغب و لفتحت علیهم برکات السماء و الارض و سیاخذهم اللّه بما کانوا یکسبون، الا هلم فاسمع و ما عشت اراک الدهر العجب و ان تعجب و قد اعجبک الحادث. الی ای سناد استندوا و بایه عروه تمسکوا؟ استبدلو الذنابی واللّه بالقوادم و العجز، بالکاهل، فرغما لمعاطس قوم یحسبون انهم یحسنون صنعا، الا انهم هم المفسدون ولکن لا یشعرون، افمن یهدی الی الحق احق ان یتبع امن لا یهدی الا ان یهدی، فما لکم کیف تحکمون؟ اما لعمر الهک لقد لقحت فنظره ریثما تنتجوا. ثم احتلبوا طلاع القعب دما عبیطا و زعافا ممقرا، هنالک یخسر المبطلون و یعرف التالون غبب ما اسس الاولون، ثم طیبوا عن انفسکم انفسا و اطمانوا للفتنه جاشا و ابشروا بسیف صارم و هرج شامل و استبداد من الظالمین یدع فیئکم زهیدا و زرعکم حصیدا، فیا حسرتی لکم و انی بکم و قد عمیت علیکم انلزمکموها [صفحه ۵۵۳] و انتم لها کارهون. [۷۶۶] . ۲- قال الصدوق حدثنا بهذا الحدیث ابوالحسن علی بن محمد بن الحسن المعروف بابن مقبره القزوینی، قال: اخبرنا ابوعبداللّه جعفر بن محمد بن حسن بن جعفر بن حسن بن حسن بن علی بن ابی‌طالب علیهم‌السلام، قال: حدثنی محمد بن علی الهاشمی، قال: حدثنا عیسی بن عبداللّه بن محمد بن عمر بن علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام، قال: حدثنی ابی، عن ابیه، عن جده، عن علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام، قال: لما حضرت فاطمه علیهاالسلام الوفاه دعتنی فقالت: امنفذ انت وصیتی و عهدی؟ قال: قلت: بلی انفذها. فاوصت الی و قالت: اذا انا مت فادفنی لیلا و لا توذنن رجلین ذکرتهما، قال فلما اشتدت علتها اجتمع الیها نساء المهاجرین و الانصار فقلن: کیف اصبحت یا بنت رسول‌اللّه من علتک؟ فقالت:اصبحت واللّه عائفه لدنیاکم و ذکر الحدیث نحوه. [۷۶۷] . ۳- ابوجعفر الامامی حدثنی ابوالمفضل محمد بن عبداللّه، قال: حدثنا ابوالعباس احمد بن محمد بن سعید الهمدانی، قال: حدثنی محمد بن الفضل بن ابراهیم بن الفضل بن قیس الاشعری، قال: حدثنا علی بن حسان، عن عمه عبدالرحمن بن کثیر، عن [صفحه ۵۵۴] ابی‌عبداللّه جعفر بن محمد، عن ابیه، عن جده علی بن الحسین، قال: لما رجعت فاطمه الی منزلها و شکت و توفیت فی تلک الشکایه دخلن علیها النساء المهاجرات و الانصاریات عائدات فقلن لها کیف اصبحت یا بنت رسول‌اللّه؟ فقالت: اصبحت واللّه عائفه لدنیاکن قالیه لرجالکن شناتهم بعد ان عرفتهم و لفظتهم بعد ان سبرتهم، و رمیتهم بعد ان عجمتهم، فقبحا لفلول الحد و خطل الرای و عتور الجد، و خوف الفتن لبئس ما قدمت لهم انفسهم ان سخط اللّه علیهم و فی العذاب هم خالدون، لا جرم واللّه لقد قلدتهم ربقتها و شنت علیهم غارتها، فجدعا و عقرا و بعدا للقوم الظالمین و یحهم انی زحزحوها عن رواسی الرساله و قواعد النبوه و مهبط الروح الامین بالوحی المبین الطبین بامر الدنیا و الدین الا ذلک هو الخسران المبین. ما الذی نقموا من ابی‌الحسن نقموا واللّه منه شده و طاته و نکال وقعته، و نکیر سیفه و تبحره فی کتاب اللّه و تنمره فی ذات اللّه، و ایم اللّه لو تکافوا عن زمام نبذه الیه رسول‌اللّه لا عتقله ثم ساربهم سیرا سجحا، لا یکلم خشاشه و لا یتعتع راکبه و لا وردهم منهلا- رویا صافیا فضفاضا تطفح ضفتاه ثم لا صدرهم بطانا بغمره الشارب و شبعه الساغب و لا نفتحت علیهم برکات من السماء و الارض و لکنهم بغوا فسیاخذهم اللّه بما کانوا یکسبون. الا فاسمعن و من عاش اراه الدهر العجب و ان تعجبن [صفحه ۵۵۵] فانظرن الی ای نحو اتجهوا و علی ای سند استندوا و بای عروه تمسکوا، و لمن اختاروا و لمن ترکوا، لبئس المولی و لبئس العشیر، استبدلوا واللّه الذنابی بالقوادم و العجز بالکاهل فرغما لمعاطس قوم یحسبون انهم یحسنون صنعا الا انهم هم المفسدون ولکن لا یشعرون افمن یهدی الی الحق احق ان یتبع ام من لا یهدی الا ان یهدی فما لکم کیف تحکمون. الا لعمر اللّه لقد لقحت فانظروها تنتج و احتلبوا لطلاع القعب دما عبیطا و ذعافا ممقرا هنالک خسر المبطلون و عرف التالون ما اسس الاولون فلیطیبوا بعد ذلک نفسا و لیطامنوا للفتنه جاشا، و لیبشروا بسیف صارم و هرج شامل و استبداد من الظالمین یدع فیئکم زهیدا و جمعکم حصیدا فیا خسری لکم و کیف بکم و قد عمیت علکیم انلزمکموها و انتم لها کارهون. [۷۶۸] . ۴- عنه، حدثنی ابواسحاق ابراهیم مخلد بن جعفر الباقر حی، قال: حدثتنی ام‌الفضل خدیجه بنت ابی‌بکر محمد بن احمد بن ابی‌الثلح، قال: حدثنا ابوعبداللّه محمد بن احمد الصفوانی، قال: حدثنا ابواحمد عبدالعزیز بن یحیی الجلودی، قال:حدثنی محمد بن زکریا، قال: حدثنی محمد بن عبدالرحمن المهلبی، قال: حدثنا عبداللّه

بن محمد بن سلیمان المداینی، قال: حدثنی ابی، عن [صفحه ۵۵۶] عبداللَّه بن الحسن بن الحسن، عن امه فاطمه بنت الحسین قالت لما اشتدت عله فاطمه اجتمع عندها نساء المهاجرین و الانصار و قلن لها کیف اصبحت یا بنت رسول‌اللَّه؟ فقالت: اصبحت عائفه لدنیاکن قالیه لرجالکن، لفظتهم بعد ان عجمتهم و سئمتهم بعد ان سبرتهم، فقبحا لفلول الحد و خور القناه و خطل الرای لبئس ما قدمت لهم انفسهم ان سخط اللَّه علیهم و فی اعلذاب هم خالدون، لقحت فنظره ریثما تنتج ثم احتلبوا طلاع القعب دما عبیطا و ذعافا ممقرا فهنالک یخسر المبطلون و یعرف التالون ما اسس الاولون. فطیبوا عن انفسکم نفسا و اطمانوا للفتنه جاشا و ابشروا بسیف قاصل و هرج شامل و استبداد من الظالمین، یدع فیئکم زهیدا و جمعکم حصیدا فیا خسری لکم و انی بکم و قد عمیت علیکم انلزمکموها و انتم لها کارهون، و الحمدللَّه رب العالمین و الصلوه علی ابی‌سید المرسلین. [۷۶۹] . ۵- الطبرسی مرسلا قال ابومحمد علیه‌السلام: قالت فاطمه علیهاالسلام و قد اختصم الیها امراتان فتنازعتا فی شیء من امر الدین احداهما معانده و الاخری مومنه، ففتحت علی المومنه حجتها فاستظهرت علی المعانده ففرحت فرحا شدیدا، فقالت [صفحه ۵۵۷] فاطمه: ان فرح الملائکه بستظهارک علیها اشد من فرحک، و ان حزن الشیطان و مردته بحزنها عنک اشد من حزنها. ان اللَّه عز و جل قال للملائکه: اوجبوا لفاطمه بما فتحت علی هذه المسکینمه الاسیره من الجنان الف الف ضعف مما کنت اعددت لها، واجعلوا هذه سنه فی کل من یفتح علی اسیر مسکین فیغلب معاندا مثل الف الف ما کان له معدا من الجنان. [۷۷۰] .

احتجاج فاطمه الزهراء علی القوم

۶- عنه، روی عبداللَّه بن الحسن باسناده عن آبائه علیهم‌السلام: انه لما اجمع ابوبکر و عمر علی منه فاطمه علهیاالسلام فدکا و بلغها ذلک، لاثت خمارها علی راسها، و اشتملت بجلبابها و اقبلت فی لمه من حفدتها و نساء قومها تطاذویلها ما تخرم مشیتها مشیه رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم حتی دخلت علی ابی‌بکر و هو فی حشد من المهاجرین و الانصار و غیرهم. فنیطت دونها ملاءه فجلست ثم انت انه اجهش القوم لها بالبکاء، فارتج المجلس، ثم امهلت هنیئه حتی اذا سکن نشیج القوم و هدات فورتهم افتتحت الکلام بحمد اللَّه و الثناء علیه و الصلاه علی رسوله، فعاد القوم فی بکائهم، فلما امسکوا عادت فی [صفحه ۵۵۸] کلامها، فقالت علیهاالسلام: الحمدللَّه علی ما انعم، و له الشکر علی ما الهم، و الثناء بما قدم، من عموم نعم ابتداها و سبوغ آلاء اسداها و تمام منن اولاها، جم عن الاحصاء عددها و نای عن الجزاء امدها، و تفاوت عن الادارک ابدها، و ندبهم لاستزادتها بالشکر لا تصالها و استحمد الی الخلائق بالجزالها، و ثنی بالندب الی امثالها. اشهد ان لا آله الا اللَّه وحده لا شریک له کلمه جعل الاخلاص تاویلها، و ضمن القلوب موصولها، و انار فی التفکر معقولها، الممتنع من الابصار رویته، و من الالسن صفته، و من الاوهام کیفیته، ابتدع الاشیاء لا من شی کان قبلها، و انشاها بلا احتذاء امتثله امتثلها، کونها بقدرته، و ذراها بمشیته. من غیر حاجه منه الی تکوینها، و لا فائده له فی تصویرها، الا تثبیتا لحکمته،و تنبیها علی طاعته، و اظهارا لقدرته و تعبدا لبریته و اعزازا لدعوته، ثم جعل الثواب علی طاعته، و وضع العقاب علی مصعیته، زیاده لعباده من نقمته، و حیاشه لهم الی جنته. اشهد ان ابی‌محمدا عبده و رسوله اختاره قبل ان ارسله، و سماه قبل ان اجتباه، و اصطفهاه قبل ان بتعثه، اذا الخلائق بالغیب مکنونه و بستر الاهاویل مصونه، و بنهایه العدم مقرونه علما من اللَّه تعالی بما یلی الامور، و احاطه بحوادث الدهور و معرفه بمواقع الامور ابتعثه اللَّه اتماما لامره، و عزیمه علی امضاء حکمه، و انفاذا [صفحه ۵۵۹] لمقادیر حتمه فرای الامم فرقا فی ادیانها عکفا علی نیرانها، عابده لاوثانها،منکره للَّه مع عرفانها. فانار اللَّه بابی محمد صلی اللَّه علیه و آله و سلم ظلمها، و کشف عن القلوب بهمها و جلی عن الابصار غممها و قام فی الناس بالهدایه، فانقذهم من الغوایه و بصرهم من العمایه، و هداهم الی الدین القویم، و دعاهم الی الطریق المستقیم، ثم قبضه اللَّه الیه قبض رافه و اختیار و رغبه و ایثار. فمحمد صلی اللَّه علیه و آله و سلم من تعب هذه الدار فی راحه، قد حف بالملائکه الابرار، و رضوان الرب الغفار، و مجاوره الملک الجابر، صلی اللَّه علی ابی‌نبیه و امینه و خیرته من الخلق و صیفه، والسلام علیه و رحمه‌اللَّه و برکاته. ثم التفتت الی اهل المجلس و قالت: انتم

عباد اللَّه نصب امره و نهیه، و حمله دینه و وحیه، و امناء اللَّه علی انفسکم، و بلغاءه الی الامم، زعیم حق له فیکم و عهد قدمه الیکم، و بقیه استخلفها علیکم، کتاب اللَّه الناطق، و القرآن الصادق و النور الساطع،و الضیاء اللامع، بینه بصائره، منکشفه سرائره، منجلیه ظواهره، مغتبطه به اشیاعه، قائدا الی الرضوان اتباعه، مود الی النجاه استماعه. به تناول حجج اللَّه المنوره، و عزائمه المفسره، و محارمه المخدره، و بیناته الجالیه، و براهینه الکافیه، و فضائله المندوبه، و رخصه الموهوبه، و شرائعه المکتوبه، فجعل اللَّه الایمان: تطهیرا لکم من [صفحه ۵۶۰] الشرک، و الصلاه: تنزیها لکم عن الکبر، و الزکاه: تزکیه للنفس، و نماء فی الرزق، و الصیام: تثبیتا للاخلاص، و الحج: تشییدا للدین، و العدل: تنسیقا للقلوب. طاعتنا: نظاما للمله، و امامتنا: امانا للفرقه، و الجهاد: عزا للاسلام، و الصبر: معونه علی استیجاب الاجر و الامر بالمعروف: مصلحه للعامه، و بر الوالدین: وقایه من السخط، و صله الارحام: منساه فی العمر و منماه للعدد، و القصاص: حقنا للدماء، و الوفاء بالنذر: تعریضا للمغفره، و توفیه المکائیل و الموازین: تغییرا للبخس. و النهی عن شرب الخمر: تنزیها عن الرجس، و اجتناب القذف: حجابا عن اللعنه، و ترک السرقه: ایجابا بالعفه، و حرم اللَّه الشرک اخلاصا له بالربوبیه، فاتقوا اللَّه حق تقاته، و لا تموتن الا و انتم مسلمون، واطیعوا اللَّه فیما امرکم به و نهاکم عنه، فانه انما یخشی اللَّه من عباده العلماء. ثم قالت: ایها الناس اعلموا: انی فاطمه و ابی‌محمد صلی اللَّه علیه و آله و سلم اقول عودا و بدوا و لا اقول ما اقول غلطا، و لفا افعل ما افعل شططا لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمومنین رووف رحیم. فان تعزوه و تعرفون: تجدوه ابی‌دون نسائکم، و اخا ابن‌عمی دون رجالکم و لنعم المعزی الیه صلی اللَّه علیه و آله و سلم. فبلغ الرساله صادعا بالنذاره مائلا عن مدرجه المشرکین [صفحه ۵۶۱] ضاربا ثبجهم آخذا باکظامهم، دایا الی سبیل ربه بالحکمه و الموعظه الحسنه، یجف الاصنام و ینکث الهام، حتی انهزم الجمع و ولوا الدبر، حتی تفری اللیل عن صبحه و اسفر الحق عن محضه، و نطق زعیم الدین، و خرست شقاشق الشیاطین و طاح و شیظ النفاق و انحلت عقد الکفر و الشقاق، و فهتم بکلمه الاخلاص فی نفر من البیض الخماص و کنتم علی شفا حفره من النار، مذقه الشارب و نهزه الطامع و قبسه العجلان، و موطی الاقدام. تشربون الطرق و تقتاتون القد، اذله خاسئین، تخافون ان یتخطفکم الناس من حولکم فانقذکم اللَّه تبارک و تعالی بمحمد صلی اللَّه علیه و آله و سلم بعد اللتیا و التی و بعد ان منی ببهم الرجال و ذوبان العرب، و مرده اهل الکتاب، کلما اوقدوا نارا للحرب اطفاها اللَّه او نجم قرن الشیطان او فغرت فاغره من المشرکین، قذف اخاه فی لهواتها فلا ینکفی حتی یطا جناحها باخمصه و یخمد لهبها بسیفه. مکدودا فی ذات اللَّه، مجتهدا فی امر اللَّه قریبا من رسول‌اللَّه سیدا فی اولیاء اللَّه، مشمرا ناصحا، مجدا کادحا، لا تاخذه فثیث اللَّه لومه لائم، و انتم فی رفاهیه من العیش و ادعون، فاکهون، آمنون، تتربصون بنا الدوائر و تتوکنون الاخبار و تنکصون عند النزال، و تفرون من القتال. فلما اختار اللَّه لنبیه دار انبیائه، و ماوی اصفیائه، ظهر فیکم [صفحه ۵۶۲] حسکه النفاق و سمل جلباب الدین و نطق کاظم الغاوین، و نبغ خامل الاقلین و هدر فنیق المبطلین، فخطر فی عرصاتکم و اطلع الشیطان راسه من مغرزه هاتفا بکم، فالفاکم لدعوته مستجیبین و للغره فیه ملاحظین. ثم استهضکم فوجدکم خفافا، و احمشکم فالفاکم غضابا فوسمتهم غیر ابلکم و وردتم غیر مشربکم، هذا و العهد قریب و الکلم رحیب، و الجرلح لما یندمل و الرسول لما یقبر، ابتدارا زعمتم خوف الفتنه الا فی الفتنه سقطوا و ان جهنم لمحیطه بالکافرین، فهیهات منکم، و کیف بکم، و انی توفکون! و کتاب اللَّه بین اظهرکم، اموره ظاهره، و احکامه زاهره و اعلامه باهره و زواجره لائحه، و اوامره واضحه، و قد خلفتموه و راء ظهورکم ارغبه عنه تریدون؟ امبغیره تحکمون؟بئس للظالمین بدلا و من یبتغ غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه و هو فی الاخره من الخاسرین. ثم لم تلبثوا الا ریث ان تسکن نفرتها و یسلس قیادها، ثم اخذتم تورون و قدتها و تهیجون جمرتها، و تستجیبون لهتاف الشیطان الغوی، و اطفاء انوارالدین الجلی، و اهمال سنن النبی الصفی، تشربون حسوا فی ارتغاء و تمشون لاهله و ولده فی الخمره و الضراء و یصیر منکم علی مثل حز المدی و وخز السنان فی احشا، و انتم الان تزعمون ان لا ارث لنا، افحکم الجاهلیه تبغون و من احسن من اللَّه حکما لقوم یوقنون؟ افلا تعلمون؟ بلی قد تجلی لکم کالشمس [صفحه ۵۶۳] الضاحیه: انی ابنته. ایها المسلمون ااغلب علی ارثی؟ یا بن ابی‌قحافه افی کتاب اللَّه ترث اباک و لا ارث ابی؟ لقد جئت شیئا فریا! افعلی عمد ترکتم کتاب اللَّه و نبذتموه و راء

ظهورکم؟ اذ یقول: «و ورث سلیمان داوود» و قال فیما اقتص من خبر یحیی بن زکریا اذا قال: «فهب لی من لدنک ولیا یرثنی و یرث من آل یعقوب» و قال: «و اولوا الارحام بعضهم اولی ببعض فی کتاب اللّه، و قال: «یوصیکم اللّه فی اولادکم للذکر مثل حظ الانثتین» و قال: «ان ترک خیرا الوصیه للوالدین و الاقربین بالمعروف حقا علی المتقین». و زعمتم: ان لا حظوه لی و لا ارث من ابی، و لا رحم بیننا، افخصکم اللّه بایه اخرج ابی منها؟ ام هل تقولون، ان اهل ملتین لا یتوارثان؟ او سلت انا و ابی من اهل مله واحده؟ ام انتم اعلم بخصوص القرآن و عمومه من ابی و ابی‌عمی؟ فدونکها مخطومه مرحوله تلقاک یوم حشرک، فنعم الحکم اللّه، و الزعیم محمد، و الموعد القیامه، و عند الساعه یخسر المبطلون، و لا ینفعکم اذ تندمون، و لکل نبا مستقر و سوف تعلمون من یاتیه عذاب یخزیه و یحل علیه عذاب مقیم. ثم رمت بطرفها نحو الانصار فقالت: یا معشر النقیبه و اعضاء المله و حضنه الاسلام، ما هذا الغمیزه فی حقی و السنه عن ضلامتی؟ اما کان رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم ابی یقول: [صفحه ۵۶۴] «المرء یحفظ فی ولده»؟ سرعان من احدثتم، و عجلان ذا اهاله، ولکم طاقه بما حاول، و قوه علی ما اطلب و ازاول، اتقولون مات محمد صلی اللّه علیه و آله و سلم. فخطب جلیل، استوسع و هنه و استنهر فتقه و انفتق رتقه و اظلمت الارض لغیبته، و کسفت الشمس و القمر، و انتشرت النجوم لمصیبته، و اکدت الامال، و خضعت الجبال، و اضیع الحریم، و ازیلت الحرمه عند مماته فتلک واللّه النازله الکبری و المصیبه العظمی، لا مثلها نازله، و لا بائقه عاجله، اعلن بها کتاب اللّه جل ثناوه فی افنیتکم، و فی ممساکم، و مصبحکم، یهتف فی افنیتکم هتافا، و صراخا و تلاوه، و الحانا، و لقبله ما حل بانبیاء اللّه و رسله. حکم فصل، و قضاء حتم: «و ما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم و من ینقلب علی عقبیه فلن یضر اللّه شیئا و سیجزی اللّه الشاکرین» ایها بنی قیله ااهضم تراث ابی؟ و انتم بمرءی منی و مسمع، و منتدی و مجمع، تلبسکم الدعوه، و تشملکم الخبره و انتم ذوو العدد و العده، و الاداه و القوه و عندکم السلاح و الجنه، و توافیکم الدعوه فلا تجیبون، و تاتیکم الصرخه فلا تغیثون. و انتم موصوفون بالکفاح، معروفون بالخیر و الصلاح، و النخبه التی انتخب، و الخیره التی اختیرت لنا اهل البیت، قاتلتم العرب و تحملتم الکد و العب، و ناطحتم الامم، و کافحتم البهم، لا [صفحه ۵۶۵] نبرح او تبرحون نامرکم فتاتمرون، حتی ادا دارت بنا رحی الاسلام، و در حلب الایام، و خضعت ثغره الشرک، و سکنت فوره اغلافک، و خمدت نیران الکفر، و هدات دعوه الهرج و استوسق نظام‌الدین. فانی حزتم بعد البیان؟ و اسررتم بعد الاعلان؟ و نکصتم بعد الاقدام؟ و اشرکتم بعد الایمان؟ بوسا لقوم نکثوا ایمانهم من بعد عهدهم و هموا باخراج الرسول، و هم بدءوکم اول مره، اتخشونهم فاللّه احق ان تخشوه ان کنتم مومنین الا و قد اری ان قد اخلدتهم الی الخفض و ابعدتم من هو احق بالبسط و القبض، و خلوتم بالدعه و نجوتم بالضیق من السعه، فمججتم ما وعیتم، و دسغتم الذی تسوغتم فان تکفروا انتم و من فی الارض جمیعا فان اللّه لغنی حمید. الا و قد قلت ما قلت هذا علی معرفه منی بالجذله التی خامرتکم و الغدره التی استشعرتها قلوبکم ولکنها فیضه النفس، و نفثه الغیظ، و خور القناه و بثه الصدر، و تقدمه الحجه، فدونکموها، فاحتقبوها دبره الظهر نقبه الخف باقیه العار، موسومه بغضب الجبار، و شنار الابد، موصوله بنار اللّه الموقده، التی تطلع علی الافئده، فبعین اللّه ما تفعلون وسیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون و انا ابنه نذیر لکم، بین یدی عذاب شدید فاعملوا انا عاملون، و انتظروا انا منتظرون. فاجابها ابوبکر عبداللّه بن عثمان، و قال: یا بنت رسول‌اللّه [صفحه ۵۶۶] لقد کان ابوک بالمومنین عطوفا کریما، رووفا رحیما، و علی الکافرین عذاب الیما، و عقابا عظیما، ان عزوناه وجدناه اباک دون النساء واخا الفلک دون الاخلاء آثره علی کل حمیم، و ساعده فی کل امر جسیم، لا یحبکم الا سعید، و لا یبغضکم الا شقی بعید، فانتم عتره رسول‌اللّه الطیبون، الخیره المنتجبون، علی الخیر ادلتنا والی الجنه مسالکنا. انت یا خیره النساء، و ابنه خیر الانبیاء، صادقه فی قولک، سابقه فی وفور عقلک غیر مردوده عن حقک، و لا مصدوده عن صدقک واللّه ما عدوت رای رسول‌اللّه و لا عملت الا باذنه، و الرائد لا یکذب اهله، و انی اشهد اللّه و کفی به شهیدا،انی سمعت رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم یقول: نحن معاشر الانبیاء لا نورث ذهبا و لا فضه و لا دارا و لا عقارا و انما نورث الکتاب و الحمکه و العلم و النبوه و ما کان لنا من طعمه فلولی الامر بعدنا ان یحکم فیه بحکمه. قد جعلنا ما حاولته فی الکراع و السلاح یقاتل بها المسلمون و یجاهدون الکفار، و

یجالدون المرده الفجار، و ذلک باجماع من المسلمین، لم انفرد به واحدی و لم استبد بما کان الرای عندی و هذه حالی و مالی، هی لک و بین یدیک، لا تزوی عنک و لا ندخر دونک و انک و انت سیده امه ابیک، و الشجره الطیبه لبنیک، لا ندفع ما لک من فضلک، و لا یوضع فی فرعک و اصلک، حکمک نافذ فیما ملکت یدای فهل ترین ان اخالف فی ذلک اباک صلی اللّه علیه و آله و سلم. [صفحه ۵۶۷] فقالت علیهاالسلام: سبحان اللّه ما کان ابی رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم عن کتاب اللّه صادفا و لا الاحکامه مخالفا بل کان یتبع اثره، و یقفو ثوره، افتجمعون الی الغدر اعتلالا علیه بالزور و هذا بعد وفاته شبیه بما بغی له من الغوائل فی حیاته، هذا کتاب اللّه حکما عدلا، و ناطقا فصلا، یقول: یرثنی و یرث من آل‌یعقوب و یقول: و ورث سلیمان داوود و بین عز و جل فیما وزع من الاقساط و شرع من الفرائض و المیراث و اباح من حظ الذکران و الاناث، ما ازاح به عله المبطلین، و ازال التظنی و الشبهات فی الغابرین «کلا بل سولت لکم انفسکم امرا فصبر جمیل واللّه المستعان علی ما تصفون». فقال ابوبکر: صدق اللّه و رسوله، و صدقت ابنته، معدن الحکمه و موطن الهدی و الرحمه، و رکن الدین، و عین الحجه، لا ابعد صوابک، و لا انکر خطابک هولاء المسلمون بینی و بینک، قلدونی ما تقلدت، و باتفاق منهم اخذت ما اخذت غیر مکابر و لا مستبد، و لا مستاثر، و هم بذلک شهود. فالتفتت فاطمه علیهاالسلام الی الناس و قالت: معاشر المسلمین المسرعه الی قیل الباطل الغضیه علی الفعل القبیح الخاسر، افلا تتدبرون القرآن ام علی قلوب اقفالها؟ کلا بل ران علی قلوبکم ما اساتم من اعمالکم، فاخذ بسمعکم و ابصارکم، و لبئس ما تاولتم، و ساء ما به اشرتم، و شر ما منه [صفحه ۵۶۸] اغتصبتم، لتجدن واللّه محمله ثقیلا، وغبه وبیلا، اذا کشف لکم الغطاء، و بان باورائه الضراء و بدا لکم من ربکم ما لم تکونوا تحتسبون، و خسر هنالک البمطلون. ثم عطفت علی قبر النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم، و قالت: قد کان بعدک انباء و هنبثه لو کنت شاهدها لم تکثر الخطب انا فقد ناک فقد الارض و ابلها و اختل قومک فاشهدهم و لا تغب وکل اهل له قربی و منزله عند الاله علی الادنین مقترب ابدت رجال لنانجوی صدورهم لما مضیت و حالت دونک الترب تجهمتنا رجال و استخف بنا لما فقدت و کل الارض مغتصب و کنت بدرا و نورا یستضاء به علیک ینزل من ذی العزه الکتب و کان جبریل بالایات یونسنا فقد فقدت و کل الخیر محتجب فلیت قبلک کان الموت صادفنا لما مضیت و حالت دونک الکثب ثم انکفئت علیهاالسلام و امیرالمومنین علیه‌السلام یتوقع رجوعها الیه و یتطلع طلوعها علیه، فلما استقرت بها الدار قالت لامیر المومنین علیه‌السلام: یابن ابی‌طالب، اشتملت شمله الجنین، و قعدت حجره الظنین، نقضت قادمه الاجدل فخانک ریش الاعزل هذا ابی ابی‌قحافه یبتزنی نحله ابی و بلغه ابنی لقد اجهد فی خصامی، و الفیته الد فی کلامی حتی حبستنی قیله نصرها، و المهاجره وصلها، و غضت الجماعه دونی طرفها، فلا دافع و لا مانع، خرجت کاظمه وعدت [صفحه ۵۶۹] راغمه. اضرعت خدک یوم اضعت حدک افترست الذئاب، و افترشت التراب، ما کففت قائلا و لا اغنیت طائلا و لا خیارلی، لیتنی مت قبل منیتی، و دون ذلتی عذیری اللّه منه عادیا و منک حامیا، و یلای فی کل شارق! و یلای فی کل غارب مات العمد، و وهن العضد شکوای الی ابی! و عدوای الی ربی، اللهم انک اشد منهم قوه و حولا و اشد باسا و تنکیلا فقال امیرالمومنین علیه‌السلام لا ویل لک بل الویل لشانئک ثم نهنهی عن وجدک یا ابنه الصفوه، و بقیه النبوه، فما و نیت عن دینی، و لا اخطات مقدوری، فان کنت تریدین البلغه، فرزقک مضمون، و کفیلک مامون، و ما اعد لک افضل مما قطع عنک، فاحتسبی اللّه. فقالت: حسبی اللّه و امسکت. قال سوید بن غفله: لما مرضت فاطمه سلام‌اللّه‌علیها المرضه التی توفیت فیها دخلت علیها نساء المهاجرین و الانصار یعدنها، فقلن لها کیف اصبحت من علتک یا ابنه رسول‌اللّه؟ فحمدت اللّه وصلت علی ابیها، ثم قالت: اصحبت واللّه: عائفه لدنیاکن، قالیه لرجالکن، لفظتهم بعد ان عجمتهم و سئمتهم بعد ان سبرتهم. فقبحا لفلول الحد، و اللعب بعد الجد، و قرع الصفات و صدع [صفحه ۵۷۰] القناه و ختل الاراء و زلل الاهواء، و بئس ما قدمت لهم انفسهم ان سخط اللّه علیهم و فی العذاب، لا جرم لقد قلدتهم ربقتها و حملتهم اوقتها و شننت علیهم غاراتها فجدعا و عقرا و بعدا للقوم الظالمین. و یحهم انی زعزعوها عن رواسی الرساله و قواعد النبوه و الدلاله، و مهبط الروح الامین، و الطبین بامور الدنیا والدین؟ الا ذلک هو الخسران المبین و ما الذی نقموا من ابی‌الحسن علیه‌السلام؟! نقموا واللّه منه نکیر سیفه و قله مبالاته لحتفه، و شده و طاته،

و نكال وقعته، و تنمره فى ذات اللّه و تاللّه لو مالوا عن المحجه اللايحه و زالوا عن قبول الحجه الواضحه لردهم اليها، و حملهم عليها و لساربهم سيرا سجحا. لا يكلم حشاشه و لا يكل سائره و لا يمل راكبه، و لا وردهم منهلا نميرا، صافيا، رويا، تطفح ضفتاه و لا يترتق جانباه، و لا- صدرهم بطانا، و نصح لهم سرا و اعلانا، و لم يكن يتحلى من الدنيا بطائل، و لا يحظى منها بنائل، غير روى الناهل، و شبعه الكافى، و لبان لهم، الزاهد من الراغب و الصادق من الكاذب. لو ان اهل القرى آمنوا واتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء و الارض، ولكن كذبوا و اخذناهم بما كانوا يكسبون، والذين ظلموا من هولاء سيصيبهم سيئات ما كسبوا و ما هم بمعجزين، الا هلم فاسمع، و ما عشت اراك الدهر عجبا، و ان تعجب فعجب قولهم [صفحه ۵۷۱] ليت شعرى الى اى سناد استندوا؟ و الى اى عماد اعتمدوا؟ و بايه عروه تمسكوا؟.على ايه ذريه اقدموا و احتنكوا لبئس المولى و لبئس العشير و بئس للظالمين بدلا! استبدلوا واللّه الذنابى بالقوادم و العجز بالكاهل فرغما لمعاطس قوم يحسبون انهم يحسنون صنعا، الا انهم هم المفسدون ولكن لا يشعرون و يحهم، «افمن يهدى الى الحق احق ان يتبع ام من لا يهدى الا ان يهدى فما لكم كيف تحكمون» اما لعمرى لقد لقحت، فنظره ريثما تنتج، ثم احتلبوا ملا- العقب دما عبيطا و زعافا مبيدا. هنالك يخسر المبطلون، و يعرف البطالون غب ما اسس الاولون، ثم طيبوا عن دنياكم انفسا، و اطمانوا للفتنه جاشا، و ابشروا بسيف صارم، و سطوه معتد غاشم و بهرج شامل، و استبداد من الظالمين، يدع فيئكم زهيدا و جمعكم حصيدا، فيا حسرتا لكم، و انى بكم و قد عميت عليكم انلزمكموها و انتم لها كارهون. قال سويد بن غفله: فاعادت النساء قولها عليهاالسلام على رجالهن فجاء اليها قوم من المهاجرين، و الانصار معتذرين، و قالوا: يا سيد النساء، لو كان ابوالحسن ذكر لنا هذا الامر قبل ان يبرم العهد، و يحكم العقد، لما عدلنا عنه الى غيره، فقالت عليهاالسلام: اليكم عنى فلا عذر بعد تعذيركم، و لا امر بعد تقصيركم. [۷۷۱] . [صفحه ۵۷۲] ۷ - روى ابن ابى‌الحديد عن ابى‌بكر الجويرى، حدثنى محمد بن زكريا، قال: حدثنى جعفر بن محمد بن عماره الكندى، قال: حدثنى ابى، عن الحسين بن صالح بن حى، قال: حدثنى رجلان من بنى‌هاشم، عن زينب بنت على بن ابى‌طالب عليه‌السلام. قال: و قال جعفر بن محمد بن على بن الحسين، عن ابيه قال ابوبكر: و حدثنى عثمان بن عمران العجيفى، عن نائل بن نجيح بن عمير بن شمر، عن جابر الجعفى، عن ابى‌جعفر محمد بن على عليه‌السلام. قال ابوبكر: و حدثنى احمد بن محمد بن يزيد، عن عبداللّه بن محمد بن سليمان، عن ابيه، عن عبداللّه بن حسن بن الحسن. قالوا جميعا: لما بلغ فاطمه عليهاالسلام اجماع ابى‌بكر على منعها فدك، لاثت خمارها و اقبلت فى لمه من حفدتها و نساء قومها، تطا فى ذيولها من تخرم مشيتها مشيه رسول‌اللّه صلى اللّه عليه و آله و سلم حتى دخلت على ابى‌بكر و قد حشد الناس من المهاجرين و الانصار. فضرب بينها و بينهم ريطه بيضاء - و قال بعضهم: قبطيه و قالوا: قبطيه بالكسر والضم - ثم انت انه اجهش لها القوم بالكاء، ثم امهلت طويلا حتى سكنوا من فورتهم، ثم قالت: ابتدى بحمد من هو اولى بالحمد و الطول و المجد، الحمدللّه على ما انعم، و له الشكر بما الهم. و ذكر خطبه طويله جيده قالت فى اخرها: فاتقوا اللّه حق تقاته، واطيعوا فيما امركم به، فانما يخشى اللّه [صفحه ۵۷۳] من عباده العلماء، و احمدوا اللّه الذى لعظمته و نوره يبتغى من فى السماوات و الارض اليه الوسيله، و نحن وسيلته فى خلقه، و نحن خاصته فى غيبه، و نحن ورثه انبيائه. ثم قالت: انا فاطمه ابنه محمد، اقول عودا على بدء، و ما اقول ذلك سرفا و لا شططا، فاسمعوا باسماع واعيه، و قلوب راعيه، ثم قالت: «لقد جاءكم رسول من انفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص عليكم بالمومنين رووف رحيم» فان تعزوه تجدوه ابى دون آبائكم، و اخا ابن عمى دون رجالكم. ثم ذكرت كاملا- طويلا- تقول فى اخره: ثم انتم الان تزعمون ان لا- ارث لى «افحكم الجاهليه يبغون و من احسن من اللّه حكما لقوم يوقنون» ايها معاشر المسلمين، ايتوارث ابى، ابى اللّه ان ترث يا بن ابى قحافه اباك و لا ارث ابى، لقد جئت شيئا فريا فدونكما مخطومه مرحوله تلقاك يوم حشرك. فنعم الحكم اللّه، و الزعيم محمد، و الموعد القيامه و عند الساعه يخسر المبطلون ولكل نبا مستقر و سوف تعلمون من ياتيه عذاب يخزنه و يحل عليه عذاب مقيم، ثم التفتت الى قبر ابيها فتمثلت بقول هند بنت اثاثه: قد كان بعدك ابناء و هينمه لو كنت شاهدها لم تكثر الخطب ابدت رجال لنانجوى صدورهم لما قضيت و حالت دونك الكثب تحجمتها رجال و استخف بنا اذ غبت عنا فنحن اليوم نغتصب [صفحه ۵۷۴] قال: و لم ير الناس اكثر باك و لا باكيه منهم يومئذ ثم

عدلت الی مسجد الانصار فقالت: یا معشر البقیه، و اعضاد المله، و حضنه الاسلام، ما هذه الفتره عن نصرتی، و الونیه عن معونتی، و الغمزه فی حقی، و السنه عن ضلامتی، اما کان رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم یقول: «المرء یحفظ فی ولده»! سرعان ما احدثتم، و عجلان ما اتیتم، الان مات رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم امتم دینه. ها ان موته لعمری خطب جلیل استوسع و هنه، و استبتهم فتقه، و فقد راتقه، و اظلمت الارض له، و خشعت الجبال، و اکدت الامال، اضیع بعده الحریم، و هتکت الحرمه، و اذیلت المصونه، و تلک نازله اعلن بها کتاب اللَّه قبل موته، و انباکم بها قبل وفاته، فقال: «و ما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم و من ینقلب علی عقبیه فلن یضر اللَّه شیئا، و سیجزی اللَّه الشاکرین». ایها بنی قیله اهتضم تراث ابی و انتم بمرای و مسمع، و تبلغکم الدعوه، و یشملکم الصوت، و فیکم العده و العدد، و لکم الدار و الجنن، و انتم نخبه اللَّه التی انتخب، و خیرته التی اختار بادیتم العرب، و بادهتم الامور، و کافحتم البهم حتی دارت بکم رحی الاسلام، و در حلبه، و خبت نیران الحرب، و سکنت فوره الشرک، و هدات دعوه الهرج، و استوثق نظام‌الدین. [صفحه ۵۷۵] افتاخرتم بعتد الاقدام، و نکصتم بعد الشده، و جبنتم بعد الشجاعه، عن قوم نکثوا ایمانهم من بعد عهدهم و طعنوا فی دینکم، فقاتلوا ائمه الکفر انهم لا ایمان لهم لعلهم ینتهون، الا و قد اری ان قد اخلدتم الیط الخفض و رکنتم الی الدعه، فجحدتم الذی وعیتم، و سغتم الذی سوغتم و ان تکفروا انتم و من فی الارض جمیعا فان اللَّه لغنی حمید. الا و قد قلت لکم ما قلت علی معرفه منی بالخذله التی خامرتکم، و خور القناه،و ضعف الیقین، فدونکموها فاحتووها مدبره الظهر، ناقبه الخف، باقیه العار، موسومه الشعار، موصوله بنار اللَّه الموقده، التی تطلع علی الافئده فبعین اللَّه ما تعملون و سیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون. [۷۷۲] . ۸- قال: و حدثنی محمد بن زکریا قال: حدثنا محمد بن الضحاک، قال: حدثنا هشام بن محمد، عن عوانه بن الحکم قال: لما کلمت فاطمه علهیاالسلام ابابکر بما کلمته به حمد ابوبکر اللَّه و اثنی علیه و صلی علی رسوله ثم قال: یا خیره النساء، و ابنه خیر الاباء، واللَّه ما عدوت رای رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم، و ما عملت الا بامره، و ان الرائد لا یکذب اهله، و قد قلت فابلغت، و اغلظت فاهجرت. [صفحه ۵۷۶] فغفر اللَّه لنا ولک، اما بعد، فقد دفعت آله رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم و دابته و حذاوه الی علی علیه‌السلام و اما ما سوی ذلک فانی سمعت رسول‌اللَّه یقول: «انا معاشر الانبیاء لا نورث ذهبا و لا فضه و لا ارضا و لا عقارا و لا دارا، ولکنا نورث الایمان و الحکمه و العلم و السنه» فقد عملت بما امرنی، و نصحت له و ما توفیقی الا باللَّه علیه توکلت و الیه انیب. [۷۷۳] . ۹- قال ابوبکر: و روی هشام بن محمد، عن ابیه، قال: قالت فاطمه لابی بکر: ان امایمن تشهد لی ان رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم اعطانی فدک، فقال لها: یا ابنه رسول‌اللَّه، واللَّه ما خلق اللَّه خلقا احب الی من رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم ابیک و لوددت ان السماء وقعت علی الارض یوم مات ابوک و اللَّه لان تفتقر عائشه احب الی من ان تفتقری، اترانی اعطی الاحمر و الابیض حقه و اظلمک حقک، و انت بنت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم. ان هذا المال لم یکن للنبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم، و انما کان مالا من اموال المسلمین یحمل النبی به الرجال، و ینفقه فی سبیل اللَّه، فلما توفی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم ولیته کما کان یلیه، قالت: واللَّه لا کلمتک ابدا قال: واللَّه لا هجرتک ابدا، قالت: [صفحه ۵۷۷] واللَّه لا دعون اللَّه علیک، قال: واللَّه لا دعون اللَّه لک، فلما حضرتها الوفاه اوصت الا یصلی علیها، فدفنت لیلا، و صلی علیا العباس بن عبدالمطلب و کان بین وفاتها و وفاه ابیها اثنتان و سبعون لیله. [۷۷۴] . ۱۰- قال ابوبکر: و حدثنی محمد بن زکریا، قال: حدثنا جعفر بن محمد بن عماره بالاسناد الاول قال: فلما سمع ابوبکر خطبتها شق علیه مقالتها فصعد المنبر و قال: ایها الناس، ما هذه الرعه الی کل قاله! این کانت هذه الامانی فی عهد رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم الا من سمع فلیقل، و من شهد فلیتکلم، انما هو ثعاله شهیده ذنبه، مرب لکل فتنه، هو الذی یقول: کروها جذعه بعدما هرمت، یستعینون بالضعفه، و یستنصرون بالنساء، کام طحال اهلها الیها البغی. الا انی لو اشاء ان اقول لقلت، و لو قلت لبحت انی ساکت ما ترکت. ثم التفت الی الانصار فقال: قد بلغنی یا معشر الانصار مقاله سفهائکم، و احق من لزم عهد رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم انتم. فقد جاءکم فاویتم و نصرتم، الا انی لست باسطا یدا و لا لسانا علی من لم یستحق ذلک منا، ثم نزل، فانصرفت فاطمه علیهاالسلام الی منزلها. [۷۷۵] . [صفحه ۵۷۸]

الصلوه

۱- عبدالرزاق، عن قیس بن ربیع، عن عبداللَّه بن الحسن، عن فاطمه بنت حسین، عن فاطمه الکبری قالت: کان رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم اذا دخل المسجد قال: اللهم صلی علی محمد اللهم اغفر لی ذنوبی، و افتح لی ابواب رحمتک. اذا خرج قال مثلها الا انه یقول: ابواب فضلک. [۷۷۶] . ۲- ابن‌ماجه حدثنا ابوبکر بن ابی‌شیبه، حدثنا اسماعیل بن ابراهیم، و ابن‌معاویه، عن لیث، عن عبداللَّه بن الحسن، عن امه، عن فاطمه بنت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم، قالت: کان رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم اذا دخل المسجد یقول: «بسم اللَّه، والسلام علی رسول‌اللَّه اللهم اغفرلی ذنوبی و افتح لی ابواب رحمتک»، و اذا خرج قال: «بسم اللَّه، والسلام علی رسول‌اللَّه، اللهم اغفرلی ذنوبی، و افتح لی ابواب فضلک.» [۷۷۷] . [صفحه ۵۷۹] ۳- الترمذی حدثنا علی بن حجر، حدثنا اسماعیل بن ابراهیم، عن لیث، عن عبداللَّه بن الحسن، عن امه فاطمه بنت الحسین، عن جدتها فاطمه الکبری قالت: کان رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم اذا دخل المسجد صلی اللَّه علی محمد و سلم، و قال: رب اغفرلی ذنوبی و افتح لی ابواب رحمتک، و اذا خرج صلی علی محمد و سلم: و قال: رب اغفرلی ذنوبی و افتح لی ابواب فضلک. و قال علی بن حجر: قال اسماعیل بن ابراهیم: فلقیت عبداللَّه بن الحسن بمکه، فسالته عن هذا الحدیث فحدثنی به قال: کان اذا دخل قال: «رب افتح لی باب رحمتک»، و اذا خرج قال: «رب افتح لی باب فضلک». قال ابوعیسی: و فی الباب عن ابی‌حمید، و ابی‌اسید، و ابی‌هریره. قال ابوعیسی: حدیث فاطمه حدیث حسن، و لیس اسناده بمتصل. و فاطمه بنت الحسین لم تدرک فاطمه الکبری انما عاشت فاطمه بعدالنبی صلی اللَّه علیه و آله و سلم اشهر. [۷۷۸] . ۴- عبداللَّه حدثنی ابی، حدثنا اسماعیل بن ابراهیم، قال: حدثنا لیث یعنی ابن ابی‌سلیم، عن عبداللَّه بن حسن، عن امه فاطمه ابنه حسین، عن جدتها فاطمه بنت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم قالت: کان رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم اذا دخل [صفحه ۵۸۰] المسجد صلی علی محمد و سلم و قال: اللهم اغفر لی ذنوبی و افتح لی ابواب رحمتک و اذا خرج صلی علی محمد و سلم ثم قال اللهم اغفرلی ذنوبی و افتح لی ابواب فضلک. قال اسماعیل فلقیت عبداللَّه بن حسن فسالته عن هذا الحدیث فقال کان اذا دخل قال رب افتح لی باب رحمتک و اذا خرج قال رب افتح لی باب فضلک. [۷۷۹] . ۵- عنه، حدثنی ابی، قال: حدثنا ابومعاویه، حدثنا لیث، عن عبداللَّه بن الحسن، عن فاطمه بنت حسین، عن جدتها فاطمه بنت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم قالت کان رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم اذا دخل المسجد قال بسم اللَّه والسلام علی رسوله، اللهم اغفرلی ذنوبی و افتح لی ابواب رحمتک و اذا خرج قال بسم اللَّه والسلام علی رسول‌اللَّه اللهم اغفرلی ذنوبی و افتح لی ابواب فضلک. [۷۸۰] . ۶- الخطیب: اخبرنا علی بن محمد بن الحسن المالکی، حدثنا ابوبکر محمد بن عبداللَّه الابهری، حدثنا ابوالحسن علی بن الفتح بن عبداللَّه العسکری - ببغداد سنه ست عشره و ثلاث مائه - حدثنا الحسن بن عرفه، حدثنا عمر بن عبدالرحمن ابوحفص الابار، عن لیث بن ابی‌سلیم، عن عبداللَّه بن الحسن، عن امه، عن [صفحه ۵۸۱] فاطمه بنت رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم ان رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم قال: خیارکم الینکم مناکب فی الصلاه. [۷۸۱] .

الحج و الزیاره

۱- البرقی، عن ابیه، عن القاسم بن اسحاق، عن عباد الدواجنی، عن حفص بن سعید،عن بشیر بن زید، قال: قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم لفاطمه علیهاالسلام: اشهدی ذبح ذبیحتک، فان اول قطره منها یکفر اللَّه بها کل ذنب علیک، و کل خطیئه علیک، فسمعه بعض المسلمین، فقال: یا رسول‌اللَّه هذا لاهل بیتک خاصه ام‌للمسلمین عامه؟ قال: ان اللَّه وعدنی فی عترتی ان لا یطعم النار احدا منهم و هذا للناس عامه. [۷۸۲] . ۲- الطوسی عن محمد بن احمد بن داود، عن علی بن حبش بن قوفی، قال: حدثنا علی بن سلیمان الزرای، عن محمد بن الحسین بن ابی‌الخطاب، عن محمد بن اسماعیل، عن الخیبری، عن یزید بن عبدالملک، عن ابیه، عن

جده قال: دخلت علی فاطمه علیهاالسلام، فبداتنی بالسلام ثم قالت: ما غدا بک؟ قلت: [صفحه ۵۸۲] طلب البرکه، قالت: اخبرنی ابی و هو ذا، هو انه من سلم علیه و علی ثلاثه ایام اوجب اللّه له الجنه، قلت لها: فی حیاته و حیاتک قالت: نعم و بعد موتنا. [۷۸۳] . ۳- روی العلامه المجلسی عن مصباح الانوار، عن امیرالمومنین، عن فاطمه علیهماالسلام قالت: قال لی رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم: یا فاطمه من صلی علیکم غفراللّه له و الحقه بی حیث کنت من الجنه. [۷۸۴] .

الاطعمه

۱- ابن‌ماجه حدثنا جباره بن المغلس، حدثنا عبید بن و سیم الجمال، حدثنا الحسن بن الحسن، عن امه فاطمه بنت الحسین، عن الحسین بن علی، عن امه فاطمه ابنه رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم قالت: قال رسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم: «الا لا یلومن امرء الا نفسه، یبیت و فی یده ریح غمر». [۷۸۵] . [صفحه ۵۸۳]

الاشربه

۱- ابوجعفر الامامی، حدثنا القاضی ابوالفرج المعافی، قال: حدثنا اسحاق بن محمد بن علی احمد الکوفی، قال: حدثنا احمد بن الحسن بن علی بن عبداللّه المقری صاحب الکسائی، قال: حدثنا محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن موسی بن جعفر علیهماالسلام، قال: حدثنا عمنا ابی‌الحسین و علی ابنا موسی، عن ابیهما، عن جعفر بن محمد، عن ابیه، عن علی بن الحسین، عن ابیه، عن علی، عن فاطمه قالت: قال لی رسول‌اللّه: یا حبیبه ابیها کل مسکر حرام و کل مسکر خمر. [۷۸۶] . [صفحه ۵۸۴]

الحدود

۱- ابوبکر بن ابی‌شیبه، حدثنا ابن‌عیینه، عن عمرو، عن الحسن بن محمد بن علی ان فاطمه حدت جاریه لها. [۷۸۷] .

الحشر

۱- الصدوق حدثنا محمد بن ابراهیم بن اسحاق، قال: حدثنا ابوالعباس احمد بن اسحاق المادری بالبصره فی رجب سنه ثمان عشره و ثلاث مائه، قال: حدثنا ابوقلابه عبدالملک بن محمد، قال: خدثنا غانم بن الحسن السعدی، قال: حدثنا مسلم بن خالد الملکی، قال: حدثنا جعفر بن محمد، عن ابیه علیهم‌السلام، عن جابر بن عبداللّه الانصاری، عن علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام قال: قالت فاطمه علیهاالسلام لرسول‌اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم [صفحه ۵۸۵] یا ابتاه این القاک یوم الموقف الاعظم، و یوم الفزع الاکبر. قال یا فاطمه عند باب الجنه و معی لواء الحمد و انا الشفیع لامتی الی ربی قالت: یا ابتاه فان لم القک هناک قال القینی علی الحوض و انا اسقی امتی قالت یا ابتاه ان لم القک هناک قال القینی علی الصراط و انا قائم اقول رب سلم امتی، قالت: فان لم القک هناک قال القینی علی شفیر جهنم امنع شررها و لهبها عن امتی فاستبشرت فاطمه بذلک صلی اللّه علیها و علی ابیها و بعلها و بنیها. [۷۸۸] .

حکمها و مواعظها

۱- اخبرنا القاضی ابوبکر محمد بن عمر الجعابی، قال اخبرنا ابوعبداللّه محمد بن العباس بن محمد بن ابی‌محمد یحیی بن المبارک الیزدی، قال: حدثنا الخلیل بن اسعد ابوالاسود النوشجانی، قال: حدثنا رویم بن یزید المنقری، قال: حدثنا سوار بن مصعب الهمدانی، عن عمرو بن قیس، عن سلمه بن کهیل، عن شقیق بن سلمه، عن ابومسعود، قال: جاء رجل الی [صفحه ۵۸۶] فاطمه علیهاالسلام، فقال یا ابنه رسول‌اللّه هل ترک رسول‌اللّه عندک شیئا تطرفینیه؟ فقالت یا جاریه هات تلک الحریره، فطلبتها فلم تجدها، فقالت و

یحک اطلبیها فانها تعدل عندی حسنا و حسینا فطلبتها فاذا هی قد قممتها فی قمامتها فاذا فیها: قال محمد النبی: لیس من المومنین من لم یا من جاره بوائقه، و من کان مومن باللَّه و الیوم الاخر فلا یوذی جاره، و من کان یومن باللَّه و الیوم الاخر، فلیقل خیرا او یسکت، ان اللَّه یحب الخیر الحلیم المتعفف و یبغض الفاحش الضنین السائل الملحف، ان الحیاء من الایمان و الایمان فی الجنه، و ان الفحش من البذاء، و البذاء فی النار. [۷۸۹] .

اشعارها و ندبتها

قالت عند وفاهابیها علیهماالسلام: اذا مات قوم قل واللَّه ذکرهم و ذکر ابی مذ مات واللَّه ازید تذکرت لما فرق الموت بیننا فعزیت نفسی بالنبی محمد فقلت لها ان الممات سبیلنا و من لم یمت فی یومه مات فی غد [۷۹۰] . [صفحه ۵۸۷] قالت ایضا فی مرثیه ابیها علیهاالسلام: قل للمغیب تحت اطباق الثری ان کنت تسمع صرختی و ندائیا صبت علی مصائب لو انها صبت علی الایام صرن لیالیا قد کنت ذا حمی بظل محمد لا اخش من ضیم و کان جمالیا فالیوم اخشع للذلیل و اتقی ضیمی و ادفع ظالمی بردائیا فاذا بکت قمریه فی لیلها شجنا علی غض بکیت صباحیا فلاجعلن الحزن بعدک مونسی و لا جعلن الدمع فیک و شاحیا ماذا علی من شم تربه احمد ان لا یشم مدی الزمان غوالیا. [۷۹۱] . قالت علیهاالسلام ایضا: کنت السواد لمقلتی تبکی علیک الناظر من شاء بعدک فلیمت فعلیک کنت احاذر [۷۹۲] . قالت ایضا: نعت نفسک الدنیا الینا و اسرعت و نادت الاجد الرحیل و ودعت [۷۹۳] . و قالت علیهاالسلام ایضا: قد کنت لی جبلا ـ الوذ بظله فالیوم تسلمنی لاجرد ضاح قد کنت جار حمیتی ما غنت لی و الیوم بعدک من یریش جناحی و اغض من طرفی و اعلم انه قد مات خیر فوارسی و سلاحی حضرت منیته فاسلمی العزا و تمکنت ریب المنون جوانحی [صفحه ۵۸۸] نشر الغراب علی ریش جناحه فظلت بین سیوفه و رماح انی لاعجب من یروح و یغتدی و الموت بین بکوره و رواح فالیوم اخضع للذلیل و اتقی ذلی و ادفع ظالمی بالراح و اذا بکت قمریه شجنا بها لیلا علی غصن بکیت صباحی فاللَّه صبرنی علی ما حل بی مات النبی قد انطفی مصباحی. [۷۹۴] . قال ابن عبدربه: وقفت فاطمه علیهاالسلام علی قبر ابیها صلی اللَّه علیه و آله و سلم فقالت: انا فقدناک فقد الارض و ابلها و غاب مذغبت عنا الوحی و الکتب فلیت قبلک کان الموت صادفنا لما نعیت و حالت دونک الکتب [۷۹۵] . قال ابن ابی‌الحدید: قد روی کثیر من الناس ندبه فاطمه علیهاالسلام اباها یوم موته و بعد ذلک الیوم و هی الفاظ معدوده مشهوره منها: یا ابتاه، جنه الخلد مثواه، یا ابتاه عند ذی العرش ماواه، یا ابتاه کان جبریل یغشاه، یا ابتاه لست بعد الیوم اراه. قال: و من الناس من یذکر انها کانت تشوب هذه الندبه بنوع من التظلم و التام لامر یغلبها واللَّه اعلم بصحه ذلک، و الشیعه تروی ان قوما من الصحابه انکروا بکاءها الطویل و نهوها عنه، [صفحه ۵۸۹] و امروها بالتنحی عن مجاوره المسجد الی طرف من اطراف المدینه. [۷۹۶] . قد تم تالیف هذا المسند المبارک فی یوم الاحد السابع و العشرین من رجب المرجب سنه ۱۴۱۲ یوم مبعث النبی الاکرم الرسول المکرم صلی اللَّه علیه و آله و سلم علی ید مولفه الحقیر الحاج الشیخ عزیز اللَّه العطاردی الخبوشانی فی بیته بمدینه طهران. و الحمدللَّه الذی هدانا لهذا و ما کنا لنهتدی لولا ـ ان هدانا اللَّه، و نسال اللَّه تعالی ان یرزقنا شفاعه سیده النساء فاطمه الزهراء علیها و علی ابیها و بعلها و بنیها السلام و ان یحشرنا فی زمرتهم و یجعلنا فی حزبهم، آمین یا رب العالمین. [صفحه ۵۹۰]

رواه فاطمه

ابن ابی‌ملیکه

ابوبکر عبیداللَّه بن ابی‌ملیکه المکی، کان قاضیا لابن الزبیر و موذنا له، روی عن جماعه من الصحابه، قال ابن‌سعد: ولاه ابن الزبیر قضاء الطائف، ذکره ابن‌حبان فی الثقات و قال: رای ثمانین من الصحابه، مات سنه ۱۱۷، و یقال: سنه ۱۱۸، له روایه عن فاطمه

علیهاالسلام ذکرناها فی باب فضائل اهل‌البیت علیهم‌السلام الحدیث. ۳۶.

ابوایوب الانصاری

زید بن خالد الخزرجی من بنی النجار، نزل علیه رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم حین قدم المدینه، شهد المشاهد مع رسول‌اللَّه و مع امیرالمومنین علیهماالسلام و کان معه فی یوم النهروان رایته، و من صار تحت رایته کان آمنا، له اخبار کثیره و آثار جلیله، توفی عند القسطنطینیه فی سنه خمسین و دفن عند سورها. له روایه عن فاطمه علیهاالسلام ذکرناها فی باب فضائل [صفحه ۵۹۱] اهل البیت علیهم‌السلام الحدیث ۱۵.

ابوسعید الخدری

سعد بن مالک بن سنان الخزرجی، من کبار اصحاب رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و سلم و من السابقین الذین نصروا امیرالمومنین علیه‌السلام و رجعوا الیه، اول مشاهده الخندق و غزا مع رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله اثنتی عشره غزوه و کان من نجباء الانصار و علمائهم، توفی سنه اربع و سبعین. له روایه عن فاطمه علیهاالسلام ذکرناها فی باب فضائل اهل البیت علیهم‌السلام الحدیث ۳۷.

ابوهریره

کان مشهورا بکنیته، اسلم سنه سبع بعد الهجره، و کان سبب شهرته بابی هریره ان النبی صلی اللَّه علیه و آله رای فی کمه هره، فقال: یا ابا هریره، فاشتهر به، و یقال له ایضا: شیخ المضیره لانه کان یعجبها، فیاکلها مع معاویه، و اذا حضرت الصلاه صلی خلف علی علیه‌السلام، کان یقول: مضیره معاویه ادسم و اطیب و الصلوه خلف علی افضل. قال ابن ابی‌الحدید: ان معاویه وضع قوما من الصحابه علی روایه اخبار قبیحه تقتضی العطن و البرائه من علی علیه‌السلام، [صفحه ۵۹۲] و کان منهم ابوهریره، له اخبار کثیره فی کتب رجال الحدیث و من اراد الاطلاع عن حالاته فلیراجع کتاب شیخ المضیره. له روایه واحده عن فاطمه الزهراء سلام‌اللَّه علیها ذکرناها فی باب الدعاء الحدیث ۲۲.

اسماء بنت عمیس

کانت من المسلمات المهاجرات و هی اسماء بنت عمیس بن معبد الخثعمیه، اسلمت مع زوجها جعفر بن ابی‌طالب، و هاجرت معه الی الحبشه، فولدت بالحبشه، عبداللَّه و عون و محمد، ثم هاجرت مع زوجها الی المدینه، فلما قتل جعفر بن ابی‌طالب تزوجها ابوبکر، فولدت له محمد، ثم مات ابو بکر و تزوجها علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام. لها روایت عن فاطمه علیها السلام ذکرناها فی باب فضائل اهل البیت علیهم السلام الحدیث ۱.

ام‌کلثوم

هی ام‌کلثوم بنت امیرالمومنین علیه‌السلام، روت عن امها فاطمه سلام‌اللَّه علیها روایه واحده ذکرناها فی باب فضائل الشیعه الحدیث ۱. [صفحه ۵۹۳]

بشیر بن زید

هكذا ورد فى طريق الحديث و فى اسد الغابه: بشير بن ابى‌زيد و هو احد السته الذين جمعوا القرآن فى عهد رسول‌اللَّه صلى اللَّه عليه و آله، قتل يوم الجسر بالعراق و شهد بشير بن ابى‌زيد و اخوه و داعه صفين مع على عليه‌السلام. له روايه عن فاطمه الزهراء عليهاالسلام ذكرناها فى باب الحج الحديث ۱.

جابر بن عبداللّه الانصارى

كان رضوان اللَّه عليه من كبار اصحاب رسول‌اللَّه صلى اللَّه عليه و آله، يكنى اباعبداللَّه و قيل ابا عبدالرحمان، شهد العقبه مع ابيه و هو صبى، قال جابر: غزوت مع رسول‌اللَّه صلى اللَّه عليه و آله و سلم سبع عشر غزوه، شهد صفين مع على عليه‌السلام و طال عمره حتى ادرك الامام الباقر و الصادق عليهماالسلام. له روايات عن فاطمه الزهراء عليهاالسلام ذكرناها فى باب الامامه الحديث ۳ و فى باب الغيبه الحديث ۱- ۲- ۳- ۴- ۵.

الحسن بن على

الامام ابومحمد الحسن المجتبى السبط الاكبر سلام‌اللَّه عليه يروى عن امه فاطمه الكبرى سلام‌اللَّه عليها روايه واحده، [صفحه ۵۹۴] ذكرناها فى باب الدعاء الحديث ۷.

الحسين بن على

الامام ابوعبداللَّه الحسين الشهيد عليه‌السلام روى عن امه الصديقه الطاهره عليهاالسلام روايات ذكرناها فى باب القران الحديث ۴ و باب صفات المومن الحديث ۳ و باب الامامه الحديث ۴- ۶ و باب فضائل اهل البيت عليهم‌السلام الحديث ۱۱- ۱۳- ۲۶.

الحكم بن ابى‌نعيم

ما وجدنا له عنوانا فى كتب تراجم الصحابه، قال ابن‌حجر فى تهذيب التهذيب الحكم بن عبدالرحمان بن ابى‌نعم البجلى الكوفى، روى عن ابيه و فاطمه بنت على بن ابى‌طالب و عباده بن الوليد و غيرهم، قال ابوحاتم: صالح الحديث و ذكره ابن‌حبان فى الثقات. قلت: له روايه عن فاطمه الكبرى سلام‌اللَّه عليها اوردناها فى باب صفات المومن الحديث ۴.

ربعى بن فراش

ذكره ابن‌الاثير فى اسد الغابه و قال: ربعى بن خراش [صفحه ۵۹۵] اخرجه ابوموسى، يقال ادرك الجاهليه يروى عن الصحابه، قال الزبيدى فى تاج العروس: ربعى بن خراش من التابعين. قالت: ربعى بن خراش يروى عن فاطمه عليهاالسلام حديثين ذكرناهما فى باب فضائل اهل البيت عليهم‌السلام الحديث ۱۶- ۲۸.

زينب بنت ابى‌رافع

كانت من الصحابيات، ابوها ابورافع مولى رسول‌اللَّه صلى اللَّه عليه و آله، قيل: اسمه ابراهيم و قيل: ثابت و قيل: هرمز، اعتقه رسول‌اللَّه صلى اللَّه عليه و آله لما بشره باسلام عباس بن عبدالمطلب و كان اسلامه قبل بدر، زينب بنت ابى‌رافع تروى عن فاطمه تاره بواسطه امها سلمى و تاره بدون واسطه. لها روايات عن الصديقه الطاهره سلام‌اللَّه عليها، ذكرناها فى باب فضائل اهل البيت عليهم‌السلام

الحدیث ۱۳- ۱۴- ۱۷- ۲۹.

زینب بنت علی

زینب الکبری عقیله بنی هاشم و بطله کربلاء و شقیقه الامام الحسین علیه‌السلام روت عن امها فاطمه الزهراء سلام‌اللَّه‌علیها روایتین ذکرناهما فی باب العلم الحدیث ۲ و باب فضائل اهل [صفحه ۵۹۶] البیت علیهم‌السلام الحدیث ۲۹.

سلمان الفارسی

ابوعبداللَّه سلمان الفارسی، المعروف بسلمان الخیر، کان من کبار اصحاب رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و خواصه، حتی قال رسول‌اللَّه: سلمان منا اهل البیت، اصله من رامهرمز، و قیل من اهل اصبهان، رحل الی الشام، ثم الی الحجاز، فاسلم قبل غزوه الاحزاب و اول مشاهده الخندق. له مناقب مشهوره و فضائل معروفه مذکوره فی کتب تراجم الصحابه، یروی عن فاطمه الکبری صلوات اللَّه علیها و ذکرنا حدیثه فی باب الامامه الحدیث ۱ و باب حدیثها مع سلمان.

سهل بن سعد الانصاری

سهل بن سعد بن مالک الساعدی الانصاری المکنی بابی العباس، کان من خیار اصحاب رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و آخر من بقی من اصحابه و کان یقول: لو مت لم تسمعوا احدا یقول: قال رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله. قال الواقدی: فی سنه اربع و سبعین ارسل الحجاج فی سهل بن سعد یرید اذلاله، قال: ما منعک من نصره عثمان، قال: قد فعلته، قال: کذبت، ثم امر به فختم فی عنقه، توفی سنه ثمان و ثمانین و هو [صفحه ۵۹۷] ابن‌ست و تسعین سنه. له روایات عن فاطمه الزهراء علیهاالسلام ذکرناها فی کتاب الامامه الحدیث ۲- ۳- ۴- ۵- ۶- ۷- ۸- ۹- ۱۰-.

شبیب بن ابی‌رافع

لم نجد له عنوانا فی کتاب الصحابه و تراجم رجال الحدیث، و الظاهر انه ابن ابی‌رافع مولی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله، له روایه واحده عن فاطمه علیهاالسلام ذکرناها فی باب فضائل اهل البیت علیهم‌السلام الحدیث ۱۹.

العباس بن عبدالمطلب

ابوالفضل العباس بن عبد المطلب عم رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله، اسلم بعد غزوه بدر و قیل اسلم قبل الهجره و کان یکتم اسلامه، و کان ذا مال کثیر متفرق فی قومه، و کان یهاب قومه و یکره خلافهم، له اخبار و حکایات مذکوره فی کتب تراجم الصحابه، توفی بالمدینه سنه اثنتین و ثلاثین. له روایه عن فاطمه الزهراء علیهاالسلام ذکرناها فی باب فضائل اهل البیت علیهم‌السلام الحدیث ۳۹. [صفحه ۵۹۸]

عبداللّه بن الحسن

هو ابن‌فاطمه الصغری بنت الامام الحسین علیه‌السلام و حفید الامام المجتبی سلام‌اللَّه علیه، یروی عن امه فاطمه و عن جده الحسین الشهید و عن جدته فاطمه الکبری علیهاالسلام مرسلا، مات فی حبس ابی جعفر المنصور و هو والد محمد المعروف بالنفس الزکیه و

اخبارها مشهوره معروفه. له روایتان عن فاطمه الزهراء علیهاالسلام ذکرناهما فی باب الاحتجاجات الحدیث ۶- ۷.

عبدالله بن العباس

کان من علماء الاصحاب و فضلائهم، ولد بمکه و النبی صلی اللَّه علیه و آله کان بالشعب، فاتی به النبی فحنکه بریقه، له اخبار کثیره و فضائل مشهوره، توفی رسول‌اللَّه صلی اللَّه علیه و آله و له ثلاث عشره سنه، و کان وفاته بالطائف فی سنه احدی و سبعین و هو ابن‌سبعین سنه. له روایات عن فاطمه علیهاالسلام ذکرناها فی باب الدعاء الحدیث ۲۳ و باب فضائل اهل البیت علیهم‌السلام الحدیث ۲۱- ۲۲. [صفحه ۵۹۹]

عبدالله بن مسعود

کان من کبار اصحاب النبی صلی اللَّه علیه و آله و من علمائهم، شهد بدرا و الحدیبیه، هاجر الهجرتین و صلی القبلتین، قتل ابا جهل فی یوم بدر، اخباره کثیره و مناقبه مشهوره، توفی بالمدینه سنه ثلاث و ثلاثین و دفن بالبقیع. له روایات عن فاطمه علیهاالسلام ذکرناها فی باب صفات المومن الحدیث ۲ و باب فضائل اهل البیت علیهم السلام الحدیث ۲۰ و باب الحکم الحدیث ۱.

علی بن ابی‌طالب

الامام امیرالمومنین، زوج البتول، وصی الرسول: امین اللَّه فی ارضه و خلیفته فی عباده علی بن ابی‌طالب سلام‌اللَّه علیه، یروی روایات عن زوجته الصدیقه الطاهره فاطمه الزهراء علیهاالسلام، اوردناها فی باب الحج الحدیث ۳ و باب الاشربه الحدیث ۱ و باب الاحتجاجات الحدیث ۲ و باب القرآن الحدیث ۳ و باب فضائل اهل البیت الحدیث ۳۵ و باب الدعاء الحدیث ۶- ۱۲- ۱۴- ۲۴- و باب الحشر الحدیث ۱.

علی بن الحسین

الامام زین‌العابدین و سید المتهجدین علی بن الحسین [صفحه ۶۰۰] السجاد علیهماالسلام یروی عن جدته فاطمه الزهراء سلام‌اللَّه علیها مرسلا، له روایه واحده ذکرناها فی باب الاحتجاجات الحدیث ۳.

عوانه بن الحکم

ما وجدنا له عنوانا فی معاجم الصحابه و کتب رجال الحدیث، له روایتان عن الصدیقه الطاهره علیهاالسلام ذکرنانها فی باب الاحتجاجات الحدیث ۸- ۹.

فاطمه بنت الحسین

هی فاطمه الصغری زوجه الحسن بن الحسن المجتبی علیه‌السلام المعروف بالحسن المثنی، تروی عن جدتها فاطمه الکبری سلام‌اللَّه علیها مرسلا لانها لم تدرکها، قال ابن‌حجر: فاطمه بنت الحسین بن علی بن ابی‌طالب الهاشمیه المدنیه، روت عن ابیها و اخیها زین‌العابدین و عمتها زینب وجدتها فاطمه الزهراء مرسلا، روی عنها اولادها، ذکرها ابن‌حبان فی الثقات و ماتت و قد قاربت التسعین. لها روایات عن جدتها فاطمه علیهاالسلام ذکرناها فی باب فضائل اهل‌البیت علیهم‌السلام الحدیث ۳۱- ۳۲- ۳۳- ۳۴- ۴۰ و باب

الاحتجاجات الحدیث ۱- ۴ و باب الاطعمه الحدیث ۱ [صفحه ۶۰۱] و باب الصلوه الحدیث ۱- ۲- ۳- ۴- ۵- ۶- و باب الدعاء الحدیث ۲- ۳- ۲۰- ۲۱-.

القاسم بن ابی‌سعید الخدری

لم نجد له عنوانا فی المصادر التی بایدینا، له روایتان عن فاطمه الزهراء سلام‌اللّه‌علیها ذکرناهما فی باب الاحتجاجات الحدیث ۸- ۹.

هارون بن خارجه

ما وجدنا له ذکرا فی اخبار الصحابه و التابعین، یحتمل ان یکون هو هارون بن خارجه الانصاری الکوفی او هارون بن خارجه الصیرفی من اصحاب الامام الصادق علیه‌السلام، فعلی هذا تکون الروایه مرسله. له روایه عن فاطمه علیهاالسلام ذکرناها فی باب فضائل اهل البیت علیهم‌السلام الحدیث ۲۵.

هشام بن محمد

هذا ایضا مجهول و لیس له ذکر فی المصادر، و له روایتان عن فاطمه علیهاالسلام ذکرناها فی باب الاحتجاجات الحدیث ۹- ۱۰. [صفحه ۶۰۲]

یزید بن عبدالملک

ابوالمغیره یزید بن عبدالملک بن المغیره بن نوفل بن الحارث بن عبدالمطلب النوفلی، یروی عن ابیه، عن جده، عن فاطمه الزهراء سلام‌اللّه‌علیها، عده فی جامع الرواه من اصحاب الباقر علیه‌السلام و ذکره ابن‌حجر فی تهذیب التهذیب. له روایه عن فاطمه سلام‌اللّه‌علیها ذکرناها فی کتاب الحج الحدیث ۲. والحمد اللّه رب العالمین و صلی اللّه علی محمد و آله الطیبین الطاهرین

پاورقی

[۱] الکافی: ۱/ ۴۵۸. [۲] امالی الصدوق: ۳۵۳ و روضه الواعظین: ۱۲۳ و دلائل الامامه: ۸ و المناقب: ۲/ ۱۰۰. [۳] مصباح المتهجدین: ۵۵۴. [۴] اعلام الوری: ۱۵۴- ۱۵۵. [۵] دلائل الامامه: ۱۰- ۴۵. [۶] المناقب: ۲/ ۱۱۲. [۷] مشارق الانوار: ۸۵. [۸] کشف الغمه: ۱/ ۴۴۹. [۹] اقبال الاعمال: ۶۲۳. [۱۰] البحار: ۴۳/ ۸- ۹. [۱۱] مقاتل آل ابی‌طالب: ۳۰. [۱۲] المستدرک: ۳/ ۱۶۱. [۱۳] المستدرک: ۳/ ۱۶۱. [۱۴] دلائل الامامه: ۱۱. [۱۵] تاریخ الیعقوبی: ۲/ ۳۴. [۱۶] شرح النهج: ۶/ ۲۸۲. [۱۷] الکافی: ۱/ ۴۶۰ و العلل: ۱/ ۱۷۱. [۱۸] امالی الصدوق: ۳۵۳ و العل: ۱/ ۱۷۱ و دلائل الامامه: ۱۰. [۱۹] معانی الاخبار: ۶۴. [۲۰] معانی: الاخبار: ۶۴ و العلل: ۱/ ۱۷۳ والدلائل: ۵۴. [۲۱] معانی الاخبار: ۶۲ و العلل ۱۷۳ ۱ و الدلائل: ۵۵. [۲۲] علل الشرایع: ۱/ ۱۷۳. [۲۳] العلل: ۱/ ۱۷۰. [۲۴] علل الشرایع: ۱۷۱/۱. [۲۵] علل الشرایع: ۱/ ۱۷۱. [۲۶] علل الشرایع: ۱/ ۱۷۲ و کشف الغمه: ۱/ ۳۶۴. [۲۷] علل الشرایع: ۱/ ۱۷۲. [۲۸] علل الشرایع: ۱/ ۱۷۴ والدلائل: ۱۱- ۵۶. [۲۹] علل الشرایع: ۱/ ۱۷۴. [۳۰] عیون‌الاخبار: ۲/ ۷۲ والدلائل: ۵۳. [۳۱] امالی الطوسی: ۱/ ۳۴۳. [۳۲] امالی الطوسی: ۲/ ۱۴. [۳۳] اعلام الوری: ۱۵۵. [۳۴] مناقب آل ابی‌طالب: ۲/ ۹۳. [۳۵] مناقب آل ابی‌طالب: ۲/ ۹۳. [۳۶] مناقب آل ابی‌طالب: ۲/ ۹۳. [۳۷] مناقب آل ابی‌طالب: ۲/ ۹۳. [۳۸] مناقب آل ابی‌طالب: ۲/ ۹۳. [۳۹] مناقب آل ابی‌طالب: ۲/ ۹۳. [۴۰] مناقب آل ابی‌طالب: ۲/ ۱۱۳. [۴۱] مناقب آل ابی‌طالب: ۲/ ۱۱۳. [۴۲] المناقب: ۲/ ۱۱۲- ۱۱۳. [۴۳] کشف الغمه: ۱/ ۴۶۳- ۴۷۱. [۴۴] کشفه الغمه: ۱/ ۴۶۳- ۴۷۱. [۴۵] کشف الغمه: ۱/ ۴۶۳- ۴۷۱. [۴۶] بحار الانوار: ۴۳/ ۱۹. [۴۷] صحیح مسلم: ۴/ ۱۹۰۵. [۴۸] سنن

الترمذی: ۵/ ۷۰۰ و العقد الفرید: ۳/ ۲۳۰. [۴۹] مستدرک الصحیحین: ۳/ ۱۵۴– ۱۶۰. [۵۰] مستدرک الصحیحین: ۳/ ۱۵۴– ۱۶۰. [۵۱] مستدرک الصحیحین: ۳/ ۱۵۴– ۱۶۰. [۵۲] مستدرک الصحیحین: ۳/ ۱۶۱. [۵۳] مسند احمد: ۶/ ۲۸۲. [۵۴] قرب الاسناد: ۵۳. [۵۵] الکافی: ۶ / ۳۶. [۵۶] الکافی: ۸ / ۱۶۵. [۵۷] علل الشرایع: ۲ / ۵۴. [۵۸] الکافی: ۴ / ۱۱۴. [۵۹] عیون‌الاخبار: ۲ / ۴۰. [۶۰] عیون‌الاخبار: ۲/ ۴۴. [۶۱] دلائل الامامه: ۴۸. [۶۲] دلائل الامامه: ۴۹. [۶۳] تفسیر العیاشی: ۱:۱۷۱. [۶۴] امالی الطوسی: ۲:۲۲۷. [۶۵] امالی الطوسی: ۲/ ۲۲۹. [۶۶] التهذیب: ۱/ ۴۶۵. [۶۷] روضه الواعظیین: ۲۷۷. [۶۸] المناقب: ۲/ ۱۰۱– ۱۰۲. [۶۹] المناقب: ۲/ ۱۰۱– ۱۰۲. [۷۰] المناقب: ۲/ ۱۰۱– ۱۰۲. [۷۱] المناقب: ۲/ ۱۰۱– ۱۰۲. [۷۲] مناقب ابن‌شهر آشوب: ۲/ ۱۰۱. [۷۳] مناقب ابن‌شهر آشوب: ۲/ ۱۰۱. [۷۴] مناقب ابن‌شهر آشوب: ۲/ ۱۰۱. [۷۵] المناقب: ۲/ ۱۰۲. [۷۶] المناقب: ۲/ ۱۰۲. [۷۷] المناقب: ۲/ ۱۰۲. [۷۸] المناقب: ۱۰۲.۲. [۷۹] بحارالانوار: ۸/ ۳۰۳. [۸۰] بحارالانوار: ۴۳/ ۶۸. [۸۱] بحارالانوار: ۴۳/ ۶۸. [۸۲] بحار الانوار: ۴۳/ ۷۲. [۸۳] بحارالانوار: ۴۳ / ۷۵ – ۱۵۳. [۸۴] بحارالانوار: ۴۳ / ۷۵ – ۱۵۳. [۸۵] بحارالانوار: ۴۳ / ۷۵ – ۱۵۳. [۸۶] مستدرک الصحیحین: ۳ / ۱۵۲. [۸۷] مستدرک الصحیحین: ۳/ ۱۵۳. [۸۸] سنن الکبری: ۴/ ۷۸. [۸۹] حلیه‌الاولیاء: ۲/ ۴۱. [۹۰] حلیه‌الاولیاء: ۲/ ۴۱. [۹۱] حلیه‌الاولیاء: ۲/ ۴۱. [۹۲] حلیه‌الاولیاء: ۲/ ۴۱. [۹۳] حیله‌الاولیاء: ۲/ ۴۱. [۹۴] مجمع الزوائد: ۲۸/ ۱۶۹. [۹۵] مناقب ابن‌المغازلی: ۳۶۷. [۹۶] مناقب ابن‌المغازلی: ۳۶۸. [۹۷] شرح‌النهج: ۹/ ۲۳۰. [۹۸] سنن النسائی: ۴/ ۲۷ و سنن الکبری: ۴/ ۷۷. [۹۹] الثاقب: ۱۱۹. [۱۰۰] الثاقب: ۱۱۹. [۱۰۱] هنا کلمات لا تقرا فی الاصل. [۱۰۲] الثاقب فی المناقب: ۱۲۰. [۱۰۳] الثاقب: ۱۲۱. [۱۰۴] الثاقب: ۱۲۱. [۱۰۵] الثاقب: ۱۲۱. [۱۰۶] هنا کلمه لا تقرا. [۱۰۷] الثاقب: ۱۲۳. [۱۰۸] الثاقب: ۱۲۴. [۱۰۹] الثاقب: ۱۲۴. [۱۱۰] مناقل آل ابی‌طالب: ۲/ ۹۷. [۱۱۱] المناقب: ۲/ ۹۷. [۱۱۲] المناقب: ۲/ ۹۷. [۱۱۳] المناقب: ۲/ ۹۷. [۱۱۴] المناقب: ۲/ ۹۷. [۱۱۵] المناقب: ۲/ ۹۸. [۱۱۶] المناقب: ۲/ ۹۸. [۱۱۷] المناقب: ۲/ ۹۸. [۱۱۸] المناقب: ۲/ ۹۹. [۱۱۹] المناقب: ۲/ ۹۹. [۱۲۰] المناقب: ۲/ ۹۹. [۱۲۱] المناقب: ۲/ ۹۹. [۱۲۲] المناقب: ۲/ ۱۰۰. [۱۲۳] المناقب: ۲/ ۱۰۰. [۱۲۴] البحار: ۴۳/ ۲۷. [۱۲۵] البحار: ۴۳/ ۲۹. [۱۲۶] البحار: ۴۳/ ۲۹. [۱۲۷] البحار: ۴۳/ ۳۰. [۱۲۸] البحار: ۴۳ / ۲۹. [۱۲۹] المحاسن: ۳۶. [۱۳۰] دلائل الامامه: ۵۶. [۱۳۱] ثواب الاعمال: ۱۹۶. [۱۳۲] ثواب الاعمال: ۱۹۶. [۱۳۳] ثواب الاعمال: ۱۹۶. [۱۳۴] اعلام‌الدین: ۲۴۷. [۱۳۵] المناقب: ۲/ ۹۸. [۱۳۶] کشف الغمه: ۱:۴۷۱. [۱۳۷] الکافی... [۱۳۸] حلیه‌الاولیاء: ۲/ ۴۱. [۱۳۹] مستدرک الصحیحین: ۳/ ۱۵۱. [۱۴۰] الخصال: ۴۰۵. [۱۴۱] الخصال: ۴۱۲ و امالی الطوسی: ۱/ ۱۵۴. [۱۴۲] دلائل الامامه: ۵۲. [۱۴۳] دلائل الامامه: ۵۲. [۱۴۴] الارشاد: ۸۹. [۱۴۵] بشاره المصطفی: ۲۵۳– ۳۳۶. [۱۴۶] بشاره المصطفی: ۲۵۳– ۳۳۶. [۱۴۷] امالی الطوسی: ۱/ ۱۳۶. [۱۴۸] امالی الطوسی: ۱/ ۱۹۱. [۱۴۹] امالی الطوسی:۲/ ۲۰. [۱۵۰] امالی الطوسی: ۲/ ۵۴. [۱۵۱] امالی الشیخ: ۲۱۹:۲. [۱۵۲] ثواب الاعمال: ۲۳۹. [۱۵۳] مکارم‌الاخلاق: ۱۰۷. [۱۵۴] مکارم‌الاخلاق: ۱۰۸. [۱۵۵] المناقب: ۲/ ۹۴. [۱۵۶] المناقب: ۲/ ۹۴. [۱۵۷] المناقب: ۲/ ۹۴. [۱۵۸] المناقب: ۲/ ۹۴. [۱۵۹] المناقب: ۲/ ۹۵. [۱۶۰] المناقب: ۲/ ۹۵. [۱۶۱] المناقب: ۲/ ۹۵. [۱۶۲] المناقب: ۲/ ۹۵. [۱۶۳] المناقب: ۲/ ۹۶. [۱۶۴] المناقب: ۲/ ۹۷. [۱۶۵] المناقب: ۲/ ۹۷. [۱۶۶] کشف الغمه: ۱/ ۴۵۳. [۱۶۷] کشف الغمه: ۱/ ۴۵۹. [۱۶۸] کشف الغمه: ۱/ ۴۶۲. [۱۶۹] کشف الغمه: ۱/ ۴۶۵. [۱۷۰] کتاب سلیم: ۶۹. [۱۷۱] ارشاد القلوب: ۴۲۰. [۱۷۲] بحار الانوار: ۴۳/ ۲۷. [۱۷۳] بحارالانوار: ۴۳/ ۷۷. [۱۷۴] بحارالانوار: ۴۳/ ۷۷. [۱۷۵] الکافی: ۱/ ۴۶۰. [۱۷۶] بحارالانوار: ۴۳. ۶۲. [۱۷۷] مسند احمد: ۶/ ۲۹۶. [۱۷۸] مسند احمد: ۶/ ۲۹۸. [۱۷۹] مسند احمد: ۶/ ۲۹۸. [۱۸۰] مسند احمد: ۶/ ۲۹۹. [۱۸۱] مسند احمد: ۶/ ۳۰۴. [۱۸۲] مسند احمد: ۶/ ۲۲۳. [۱۸۳] مسند احمد: ۶ / ۳۴۳. [۱۸۴] صحیح البخاری: ۵ / ۲۶. [۱۸۵] صحیح البخاری: ۶ /۱۸. [۱۸۶] صحیح مسلم: ۴ / ۱۹۰۴. [۱۸۷] صحیح مسلم: ۴ / ۱۹۰۴. [۱۸۸] صحیح مسلم: ۴ / ۲۰۹۱. [۱۸۹] سنن الترمذی: ۵ / ۶۹۸. [۱۹۰] سنن الترمذی: ۵ / ۶۹۹. [۱۹۱] سنن الترمذی: ۵ / ۷۰۱. [۱۹۲] سنن الترمذی: ۵/ ۷۰۱. [۱۹۳] تاریخ الطبری: ۲ / ۵۳۳. [۱۹۴] سنن النسائی: ۴ / ۱۲. [۱۹۵] مجمع الزوائد: ۹ / ۱۷۱. [۱۹۶] مجمع الزوائد: ۹ / ۱۷۱. [۱۹۷] مجمع الزوائد: ۹ / ۱۷۳. [۱۹۸] مجمع الزوائد. [۱۹۹] مجمع الزوائد: ۹/ ۱۶۵. [۲۰۰] مجمع الزوائد: ۹ / ۲۰۲. [۲۰۱] مجمع الزوائد: ۹ / ۲۰۲. [۲۰۲] مجمع الزوائد: ۹/ ۲۰۲.

[۲۰۳] مجمع الزوائد: ۹ / ۲۰۲. [۲۰۴] مجمع الزوائد: ۹ / ۲۰۳. [۲۰۵] العقد الفرید: ۳ / ۲۳۰. [۲۰۶] مناقب ابن‌المغازلی: ۳۸۰. [۲۰۷] مناقب ابن‌المغازلی: ۳۸۱. [۲۰۸] کامل التواریخ: ۲ / ۱۵۷. [۲۰۹] کامل التواریخ: ۳۲۳/۲. [۲۱۰] مستدرک الصحیحین: ۳/ ۱۵۵. [۲۱۱] مستدرک الصحیحین: ۳/ ۱۵۵. [۲۱۲] مستدرک الصحیحین: ۳/ ۱۵۶. [۲۱۳] مستدرک الصحیحین: ۳ / ۱۵۶. [۲۱۴] مستدرک الصحیحین: ۱۵۷/۳. [۲۱۵] مستدرک الصحیحین: ۳ / ۱۵۸. [۲۱۶] شرح النهج: ۳/ ۲۰۷. [۲۱۷] شرح‌النهج: ۴ / ۱۰۷. [۲۱۸] شرح النهج: ۱۵ / ۳۵– ۳۶. [۲۱۹] شرح‌النهج: ۱۶ / ۱۰. [۲۲۰] شرح‌النهج: ۱۷ / ۲۷۷. [۲۲۱] شرح‌النهج: ۲۰ / ۲۲۵. [۲۲۲] قرب الاسناد: ۵۳. [۲۲۳] المحاسن: ۴۱۹. [۲۲۴] المحاسن: ۴۱۹. [۲۲۵] امالی الصدوق: ۲۹۱. [۲۲۶] عیون‌اخبار الرضا: ۲/ ۶۳. [۲۲۷] معانی الاخبار: ۱۰۵. [۲۲۸] معانی‌الاخبار: ۱۰۶. [۲۲۹] معانی الاخبار: ۱۰۶. [۲۳۰] معانی‌الاخبار: ۱۰۷. [۲۳۱] معانی‌الاخبار: ۱۰۷. [۲۳۲] الخصال: ۲۰۶. [۲۳۳] تفسیر فرات الکوفی: ۱۱۹. [۲۳۴] الفضائل: ۸۰– ۸۱– ۸۲. [۲۳۵] امالی الطوسی: ۱/ ۳۶. [۲۳۶] امالی الطوسی: ۳۳:۲. [۲۳۷] المناقب: ۲ / ۹۰. [۲۳۸] المناقب: ۲ / ۹۰. [۲۳۹] المناقب: ۲ / ۹۰. [۲۴۰] المناقب: ۲ /۹۲. [۲۴۱] المناقب: ۲ / ۱۱۳. [۲۴۲] المناقب: ۲ / ۱۱۴. [۲۴۳] کشف الغمه: ۱/ ۴۵۶. [۲۴۴] کشف الغمه: ۱/ ۴۵۸. [۲۴۵] کشف الغمه: ۱/ ۴۶۳. [۲۴۶] کشف الغمه: ۱/ ۴۶۶. [۲۴۷] کشف الغمه: ۱ / ۴۶۸. [۲۴۸] بحارالانوار: ۴۳:۸. [۲۴۹] مجمع الزوائد: ۹/ ۱۶۶. [۲۵۰] مجمع الزاوئد: ۹/ ۱۶۶. [۲۵۱] مجمع الزوائد: ۹/ ۱۶۹. [۲۵۲] مجمع الزوائد: ۹/ ۱۶۹. [۲۵۳] مجمع الزاوائد: ۹/ ۱۶۹. [۲۵۴] مجمع الزوائد: ۹/ ۱۶۶. [۲۵۵] مجمع الزوائد: ۹/ ۱۶۹. [۲۵۶] قرب الاسناد: ۲۵. [۲۵۷] قرب الاسناد: ۵۳. [۲۵۸] قرب الاسناد: ۸۰. [۲۵۹] الکافی: ۴۶۰:۱. [۲۶۰] الکافی: ۵/ ۳۷۷. [۲۶۱] الکافی: ۴۶۱:۱ و معانی‌الاخبار: ۱۰۳. [۲۶۲] الکافی: ۳۷۷:۵. [۲۶۳] الکافی: ۵/ ۳۷۸. [۲۶۴] الکافی: ۵/ ۳۷۸. [۲۶۵] الکافی: ۵ / ۳۷۸. [۲۶۶] الکافی: ۸ / ۳۴۰. [۲۶۷] عیون‌الاخبار: ۱ / ۲۲۲ و الامالی: ۳۳۳. [۲۶۸] عیون‌الاخبار: ۱ / ۲۲۵. [۲۶۹] عیون‌الاخبار: ۲/ ۲۷. [۲۷۰] امالی الصدوق: ۱۷۳. [۲۷۱] دلائل الامامه: ۱۰. [۲۷۲] دلائل الامامه: ۱۲– ۱۳. [۲۷۳] دلائل الامامه: ۱۳– ۱۴. [۲۷۴] دلائل الامامه: ۱۵– ۱۶. [۲۷۵] دلائل الامامه: ۱۸. [۲۷۶] کذا فی الاصل. [۲۷۷] دلائل الامامه: ۱۹. [۲۷۸] دلائل الامامه: ۱۹– ۲۰. [۲۷۹] دلائل الامامه: ۲۰– ۲۱– ۲۲. [۲۸۰] دلائل الامامه: ۲۳ و امالی الشیخ: ۱/ ۲۶۳. [۲۸۱] دلائل الامامه: ۲۵. [۲۸۲] دلائل الامامه: ۲۵. [۲۸۳] دلائل الامامه: ۲۶. [۲۸۴] الارشاد: ۱۶. [۲۸۵] امالی الطوسی: ۳۸:۱. [۲۸۶] کذا فی الاصل. [۲۸۷] امالی الطوسی: ۱ / ۳۹. [۲۸۸] امالی الطوسی: ۲/ ۲۸۰. [۲۸۹] مصابح المتهجد:۴۶۵. [۲۹۰] روضه الواعظین: ۱۲۷ و مکارم الاخلاق: ۲۳۸. [۲۹۱] المناقب: ۲/ ۹۲. [۲۹۲] المناقب: ۲/ ۹۶. [۲۹۳] المناقب: ۲/ ۱۰۳. [۲۹۴] المناقب: ۲/ ۱۰۴. [۲۹۵] المناقب: ۲/ ۱۰۸. [۲۹۶] المناقب: ۲/ ۱۱۰. [۲۹۷] اعلام الوری: ۱۵۷. [۲۹۸] مکارم الاخلاق: ۱۵۰. [۲۹۹] مکارم الاخلاق: ۱۵۰. [۳۰۰] کشف الغمه: ۱/ ۴۷۳. [۳۰۱] کشف الغمه: ۴۷۳:۱. [۳۰۲] ارشاد القلوب: ۲۳۲. [۳۰۳] ارشاد القلوب: ۴۳۱. [۳۰۴] بحار الانوار: ۴۳/ ۱۴۵. [۳۰۵] المصنف: ۵/ ۴۸۵. [۳۰۶] المصنف: ۵/ ۴۸۶، ۴۸۷. [۳۰۷] الموفقیات: ۳۷۵. [۳۰۸] تاریخ الطبری: ۲/ ۴۸۶. [۳۰۹] مروج الذهب: ۲۹۵:۲. [۳۱۰] تاریخ الیعقوبی: ۲/ ۳۴. [۳۱۱] تاریخ بغداد: ۵/ ۷. [۳۱۲] مستدرک الصحیحین: ۳/ ۱۵۷. [۳۱۳] مستدرک الصحیحین: ۳/ ۱۵۹. [۳۱۴] سنن ابن‌ماجه: ۱۳۹۰:۲. [۳۱۵] سنن ابن‌ماجه:۲/ ۱۳۹۱. [۳۱۶] شرح‌النهج: ۲۲۰:۷. [۳۱۷] شرح النهج: ۹/ ۱۷۴. [۳۱۸] مجمع الزوائد: ۹/ ۲۰۴. [۳۱۹] مجمع الزوائد: ۹/ ۲۰۴. [۳۲۰] فرائدالسمطین: ۱/ ۸۸. [۳۲۱] فرائدالسمطین: ۱/ ۹۲. [۳۲۲] فرائد السمطین: ۱/ ۹۴. [۳۲۳] الطبقات: ۸ / ۱۱ – ۱۲. [۳۲۴] الطبقات: ۸/ ۱۲. [۳۲۵] الطبقات: ۸/ ۱۲. [۳۲۶] الطبقات: ۸/ ۱۳. [۳۲۷] الطبقات: ۸/ ۱۳. [۳۲۸] الاستیعاب: ۴/ ۱۸۹۳. [۳۲۹] اسد الغابه: ۵/ ۵۲۰. [۳۳۰] شرح‌النهج: ۱۳/ ۲۲۷. [۳۳۱] شرح‌النهج: ۱۳/ ۲۲۷. [۳۳۲] قرب الاسناد: ۶۰. [۳۳۳] تفسیر القمی: ۲/ ۱۰۲. [۳۳۴] تفسیر القمی: ۲/ ۱۰۳. [۳۳۵] تفسیر القمی: ۱۹۶:۲. [۳۳۶] تفسیر القمی: ۲/ ۳۳۶– ۳۳۸. [۳۳۷] تفسیر علی بن ابراهیم القمی: ۲/ ۳۵۵. [۳۳۸] تفسیر القمی: ۲/ ۳۹۸. [۳۳۹] تفسیر العیاشی: ۱/ ۴۱. [۳۴۰] تفسیر العیاشی: ۱/ ۶۲. [۳۴۱] العیاشی: ۱/ ۱۴۷. [۳۴۲] العیاشی: ۱/ ۱۷۱. [۳۴۳] تفسیر فرات: ۱۸. [۳۴۴] تفسیر فرات: ۱۹. [۳۴۵] تفسیر فرات: ۲۱. [۳۴۶] تفسیر فرات: ۲۳. [۳۴۷] تفسیر فرات: ۲۷. [۳۴۸] تفسیر فرات: ۴۷. [۳۴۹] تفسیر فرات: ۵۵– ۵۶. [۳۵۰] تفسیر فرات: ۸۲. [۳۵۱] تفسیر

فرات: ۸۵. [۳۵۲] تفسیر فرات: ۱۰۶. [۳۵۳] تفسیر فرات: ۱۰۷. [۳۵۴] تفسیر فرات: ۱۱۳. [۳۵۵] تفسیر فرات: ۱۱۸. [۳۵۶] تفسیر فرات: ۱۱۹. [۳۵۷] تفسیر فرات: ۱۲۱. [۳۵۸] تفسیر فرات: ۱۴۴. [۳۵۹] تفسیر فرات: ۱۴۴. [۳۶۰] تفسیر فرات: ۱۵۳. [۳۶۱] تفسیر فرات: ۱۷۷. [۳۶۲] تفسیر فرات: ۱۷۷. [۳۶۳] تفسیر فرات: ۱۹۶. [۳۶۴] تفسیر فرات: ۲۰۵. [۳۶۵] تفسیر فرات: ۲۱۸. [۳۶۶] تفسیر فرات: ۲۳۲. [۳۶۷] معانی الاخبار: ۱۰۷. [۳۶۸] معانی الاخبار: ۱۲۴. [۳۶۹] معانی الاخبار: ۱۲۵. [۳۷۰] معانی الاخبار: ۱۲۵. [۳۷۱] الخصال: ۴۰۳. [۳۷۲] امالی الطوسی: ۱/ ۲۵۴. [۳۷۳] امالی الطوسی: ۱/ ۲۵۷. [۳۷۴] امالی الطوسی: ۱:۲۶۹. [۳۷۵] امالی الطوسی: ۱/ ۲۷۸. [۳۷۶] اعلام الوری: ۱۵۵. [۳۷۷] المناقب: ۲:۸. [۳۷۸] المناقب: ۲/ ۸۵. [۳۷۹] المناقب: ۲/ ۸۶. [۳۸۰] المناقب: ۲/ ۸۶. [۳۸۱] المناقب: ۸۹:۲. [۳۸۲] المناقب: ۲/ ۱۰۱. [۳۸۳] کشف الغمه: ۴۵۷:۱. [۳۸۴] صحیح مسلم: ۴/ ۱۸۸۳. [۳۸۵] سنن الترمذی: ۵/ ۶۶۳- ۶۶۹. [۳۸۶] سنن الترمذی: ۵/ ۶۶۳- ۶۶۹. [۳۸۷] العقد الفرید: ۴/ ۳۱۱. [۳۸۸] مسند احمد: ۶/ ۲۹۲. [۳۸۹] المستدرک: ۳/ ۱۵۸. [۳۹۰] شواهد التنزیل: ۱/ ۴۰۹. [۳۹۱] شواهد التنزیل: ۱/ ۴۱۰. [۳۹۲] شواهد التنزیل: ۲/ ۱۱. [۳۹۳] شواهد التنزیل: ۲/ ۱۳۰. [۳۹۴] شواهد التنزیل: ۲/ ۲۴۶- ۲۴۷. [۳۹۵] شواهد التنزیل: ۲/ ۲۴۶- ۲۴۷. [۳۹۶] فرائد المسطین: ۱/ ۳۶۷. [۳۹۷] فرائد السمطین: ۳۷۰:۱. [۳۹۸] مجمع الزوائد: ۱۶۷:۹- ۱۶۸. [۳۹۹] مجمع الزوائد: ۹/ ۱۶۷- ۱۶۸. [۴۰۰] مجمع الزوائد: ۹/ ۱۶۷- ۱۶۸. [۴۰۱] الکافی: ۱/ ۲۴۱. [۴۰۲] الکافی: ۱/ ۲۴۱. [۴۰۳] الکافی: ۱/ ۲۴۰ و بصائر الدرجات: ۱۵۰- ۱۵۷. [۴۰۴] الکافی: ۱/ ۲۴۱ و البصائر: ۱۵۸. [۴۰۵] عیون‌الاخبار: ۱/ ۴۰- ۴۱. [۴۰۶] عیون‌الاخبار: ۱/ ۴۱- ۴۴. [۴۰۷] عیون‌الاخبار: ۴۶:۱. [۴۰۸] دلائل الامامه: ۲۷. [۴۰۹] بصائر الدرجات: ۱۵۹. [۴۱۰] بصائر الدرجات: ۱۶۱. [۴۱۱] الکافی: ۱/ ۴۵۸. [۴۱۲] دلائل الامامه: ۵۲. [۴۱۳] دلائل الامامه: ۵۳. [۴۱۴] دلائل الامامه: ۵۴ و روضه الواعظین: ۱۲۹. [۴۱۵] المناقب: ۲/ ۹۳. [۴۱۶] المناقب: ۹۳ ۲. [۴۱۷] کشف الغمه: ۱/ ۴۶۳. [۴۱۸] دلائل الامامه: ۴۳. [۴۱۹] مناقب ابن‌شهر آشوب: ۲/ ۹۹. [۴۲۰] تفسیر فرات: ۱۶۷. [۴۲۱] تفسیر فرات: ۱۷۱. [۴۲۲] عیون‌اخبار الرضا: ۲/ ۸. [۴۲۳] عیون‌الاخبار: ۲/ ۳۰. [۴۲۴] عیون‌الاخبار: ۲/ ۳۲. [۴۲۵] عقاب الاعمال: ۲۵۷. [۴۲۶] عقاب الاعمال: ۲۵۸. [۴۲۷] عقاب الاعمال: ۲۶۰. [۴۲۸] دلائل الامامه: ۵۰. [۴۲۹] دلائل الامامه: ۵۷. [۴۳۰] دلائل الامامه: ۵۸. [۴۳۱] امالی المفید: ۱۳۰. [۴۳۲] روضه الواعظین: ۱۲۸. [۴۳۳] مناقب ابن‌شهر آشوب: ۲/ ۹۰. [۴۳۴] کشف الغمه: ۱/ ۴۵۰. [۴۳۵] کشف الغمه: ۱/ ۴۶۴ و مجمع الزوائد: ۲۱۲:۹. [۴۳۶] کشف الغمه:۱ / ۴۹۶. [۴۳۷] کشف الغمه: ۱ / ۴۹۷. [۴۳۸] مستدرک الصحیحین: ۳ / ۱۵۱. [۴۳۹] متسدرک الصحیحین: ۳/ ۱۵۲. [۴۴۰] مستدرک الصحیحین: ۱۵۳:۳. [۴۴۱] مستدرک الحصیحین: ۳/ ۱۶۱. [۴۴۲] مجمع الزوائد: ۹/ ۱۷۴. [۴۴۳] مجمع الزوائد: ۹/ ۲۱۲. [۴۴۴] عیون‌الاخبار: ۱/ ۱۱۶. [۴۴۵] معانی الاخبار: ۳۹۶. [۴۴۶] دلائل الامامه:۵۲. [۴۴۷] معانی الاخبار: ۱۰۷ و الدلائل: ۵۴. [۴۴۸] علل الشرایع: ۱/ ۱۷۴ و الدلائل: ۵۶. [۴۴۹] کذا فی الاصل. [۴۵۰] الاختصاص: ۳۷. [۴۵۱] الاختصاص: ۹۱. [۴۵۲] امالی المفید: ۲۲ و امالی الطوسی: ۱/ ۸۳. [۴۵۳] امالی المفید: ۱۱۶. [۴۵۴] امالی الطوسی: ۱/ ۲۵۳. [۴۵۵] امالی الطوسی: ۲/ ۲۵۶. [۴۵۶] اعلام الوری: ۱۵۸. [۴۵۷] صحیح البخاری: ۵/ ۲۵. [۴۵۸] حلیه الاولیاء: ۲/ ۴۲. [۴۵۹] حلیه‌الاولیاء: ۲/ ۴۲. [۴۶۰] مستدرک الصحیحین: ۳/ ۱۵۱ [۴۶۱] مستدرک الصحیحین: ۳/ ۱۵۴ و الاستیعاب: ۴/ ۱۸۹۴. [۴۶۲] معانی الاخبار: ۱۱۴. [۴۶۳] معانی الاخبار: ۱۱۵. [۴۶۴] دلائل الامامه: ۵۱. [۴۶۵] امالی المفید: ۲۵۹ و امالی الطوسی: ۱/ ۲۴. [۴۶۶] روضه الواعظین: ۱۲۹. [۴۶۷] مناقب ابن‌شهر آشوب: ۲/ ۹۴. [۴۶۸] کشف الغمه: ۱/ ۴۶۶. [۴۶۹] کشف الغمه: ۱/ ۴۶۶. [۴۷۰] صحیح البخاری: ۵/ ۲۶. [۴۷۱] صحیح مسلم: ۱۹۰۳:۴. [۴۷۲] حلیه الاولیاء: ۲/ ۴۰. [۴۷۳] حلیه‌الاولیاء: ۴۰:۲. [۴۷۴] مناقب ابن‌المغازلی: ۳۸۰. [۴۷۵] مناقب ابن المغازلی: ۳۸۱. [۴۷۶] علل الشرایع: ۱/ ۱۷۴. [۴۷۷] مناقب ابن‌شهر آشوب: ۲/ ۸۸. [۴۷۸] کشف الغمه: ۱/ ۴۵۰. [۴۷۹] کشف الغمه: ۱/ ۴۵۰. [۴۸۰] کشف الغمه: ۱/ ۴۷۳. [۴۸۱] نهج‌البلاغه: باب الرسائل. [۴۸۲] فرائد السمطین: ۱/ ۴۷. [۴۸۳] الخصال: ۲۷۲ و کشف الغمه: ۱/ ۴۹۸. [۴۸۴] امالی الطوسی: ۱/ ۲۰۷. [۴۸۵] مناقب ابن‌شهرآشوب: ۲/ ۸۷. [۴۸۶] المناقب: ۲/ ۹۸. [۴۸۷] مسند احمد: ۱/ ۳۳۵. [۴۸۸] السنن الکبری: ۷۱:۴. [۴۸۹] العقدالفرید: ۳/ ۲۳۸. [۴۹۰] شرح‌النهج: ۱۵/ ۱۷. [۴۹۱] شرح النهج: ۱۵/ ۴۰. [۴۹۲] شرح‌النهج: ۱۵/ ۷۱.

[۴۹۳] دلائـل الامامه: ۲۸- ۲۹. [۴۹۴] الاختصاص: ۵۶. [۴۹۵] الاختصاص: ۱۱۴- ۱۱۵. [۴۹۶] امالی الطوسی: ۱/ ۲۶۵. [۴۹۷] امالی الطوسی: ۱/ ۳۴۳. [۴۹۸] تفسیر العیاشی: ۱/ ۱۷۷. [۴۹۹] تفسیر العیاشی: ۱/ ۱۷۷. [۵۰۰] شواهد التنزیل: ۱/ ۱۲۰- ۱۲۱. [۵۰۱] امالی الصدوق: ۲۳۰. [۵۰۲] امالی المفید: ۹۴- ۹۵. [۵۰۳] دلائل الامامه: ۵۲. [۵۰۴] المناقب: ۲/ ۹۰. [۵۰۵] المناقب: ۲/ ۹۰. [۵۰۶] المناقب: ۲/ ۹۰. [۵۰۷] مستدرک الصحیحین: ۳/ ۱۵۳- ۱۵۴. [۵۰۸] مجمع الزوائد: ۹/ ۲۰۳. [۵۰۹] قرب الاسناد:۵۳. [۵۱۰] امالی الطوسی: ۱/ ۳۴۵. [۵۱۱] کشف الغمه:۱/ ۴۶۷. [۵۱۲] کشف الغمه: ۱/ ۴۶۷. [۵۱۳] اصل سلیم: ۸۲- ۸۳. [۵۱۴] الکافی: ۱/ ۴۶۰. [۵۱۵] الکافی: ۸/ ۲۳۷- ۲۳۸. [۵۱۶] الفقیه: ۱/ ۲۹۷- ۲۹۸. [۵۱۷] امالی المفید: ۴۹. [۵۱۸] امالی المفید: ۹۵. [۵۱۹] الاختصاص: ۱۸۵ و الحدیث طویل ذکرناه فی مسند امیرالمومنین علیه‌السلام. [۵۲۰] الاحتجاج: ۱. ۱۰۸. [۵۲۱] مشارق الانوار: ۸۶. [۵۲۲] تاریخ الیعقوبی: ۲/ ۱۱۶. [۵۲۳] العقد الفرید: ۴/ ۲۵۹. [۵۲۴] شرح‌النهج:۲/ ۴۵. [۵۲۵] شرح‌النهج: ۲/ ۴۶. [۵۲۶] شرح‌النهج: ۲/ ۵۰. [۵۲۷] شرح‌النهج: ۲/ ۵۶. [۵۲۸] شرح‌النهج: ۶/ ۱۱. [۵۲۹] شرح‌النهج: ۱۱/ ۱۱۳. [۵۳۰] شرح‌النهج: ۱۴/ ۱۹۳. [۵۳۱] مصـنف ابن ابی‌شیبه: ۱۴/ ۵۶۷. [۵۳۲] اصل سلیم: ۲۵۳. [۵۳۳] قرب الاسناد: ۴۷. [۵۳۴] الاختصاص: ۱۸۳- ۱۸۴. [۵۳۵] کذا فی الاصل و المشـهور: اشتملت شمله الجنین. [۵۳۶] امالی الطوسی: ۲/ ۲۹۵. [۵۳۷] امالی المفید: ۴۰. [۵۳۸] امامی المفید: ۱۲۵. [۵۳۹] کشف الغمه: ۱/ ۴۷۷. [۵۴۰] کشف الغمه: ۱/ ۴۷۷. [۵۴۱] کشف الغمه: ۱/ ۴۷۷. [۵۴۲] کشف الغمه: ۱/ ۴۷۸. [۵۴۳] کشف الغمه: ۱/ ۴۷۸. [۵۴۴] کشف الغمه: ۱/ ۴۹۵. [۵۴۵] کشف الغمه: ۱/ ۴۹۶. [۵۴۶] مسند احمد: ۱/ ۹. [۵۴۷] مسند احمد: ۱/ ۱۰. [۵۴۸] مسند احمد: ۱/ ۱۳. [۵۴۹] صحیح البخاری: ۴/ ۹۶ و ۵/ ۲۵- ۱۷۷. [۵۵۰] سنن السجستانی: ۳/ ۱۴۴. [۵۵۱] السنن الکبری: ۶/ ۳۰۰. [۵۵۲] السنن الکبری: ۶/ ۳۰۱. [۵۵۳] العقد الفرید: ۴/ ۲۶۸. [۵۵۴] تاریخ الیعقوبی: ۲/ ۱۱۷. [۵۵۵] تاریخ الطبری: ۳/ ۲۰۸. [۵۵۶] شرح‌النهج: ۶/ ۱۳. [۵۵۷] قرب الاسناد: ۱۶۰. [۵۵۸] امالی الطوسی: ۱/ ۱۵۵. [۵۵۹] الکافی: ۷/ ۴۷. [۵۶۰] الکافی: ۷/ ۴۸- ۴۹ و التهذیب: ۹/ ۱۴۴. [۵۶۱] امالی المفید: ۲۸۱ و امالی الطوسی: ۱/ ۱۰۷. [۵۶۲] دلائل الامامه: ۴۲. [۵۶۳] دلائل الامامه: ۴۲. [۵۶۴] کشف الغمه: ۱/ ۴۹۴. [۵۶۵] کشف الغمه: ۱/ ۵۰۰. [۵۶۶] البحار: ۱۰۳/ ۱۸۴. [۵۶۷] البحار: ۱۰۳/ ۱۸۵. [۵۶۸] البحار: ۸۱/ ۲۵۵. [۵۶۹] البحار: ۸۱/ ۲۵۵. [۵۷۰] البحار: ۸۱/ ۳۰۵. [۵۷۱] البحار: ۸۱/ ۳۰۵ و ۸۲/ ۲۷. [۵۷۲] الکافی: ۱/ ۴۵۸. [۵۷۳] الکافی: ۱/ ۴۵۸ و العلـل: ۱/ ۱۷۶. [۵۷۴] الکافی: ۱/ ۴۵۹. [۵۷۵] الکافی: ۴/ ۵۶۱. [۵۷۶] امالی الصدوق: ۲۹۴. [۵۷۷] امالی الصدوق: ۲۹۴. [۵۷۸] الخصال: ۳۶۰ و الاختصاص: ۵۰ و رجال الکشی: ۱۳. [۵۷۹] مصباح المتهجد: ۵۵۴- ۵۶۶. [۵۸۰] التهذیب: ۱/ ۴۶۹. [۵۸۱] امالی الطوسی: ۲/ ۱۵. [۵۸۲] روضه الواعظین: ۱۳۱. [۵۸۳] روضه الواعظین: ۱۳۲. [۵۸۴] دلائل الامامه: ۴۶- ۴۷. [۵۸۵] اعلام الوری: ۱۵۴. [۵۸۶] المناقب: ۲/ ۱۱۲. [۵۸۷] المناقب: ۲/ ۱۱۶. [۵۸۸] المناقب: ۲/ ۱۱۷. [۵۸۹] المناقب: ۲/ ۱۱۷. [۵۹۰] المناقب: ۲/ ۱۱۷. [۵۹۱] المناقب: ۲/ ۱۱۷. [۵۹۲] کشف الغمه: ۱/ ۵۰۰. [۵۹۳] کشف الغمه: ۱/ ۵۰۰- ۵۰۱. [۵۹۴] کشـف الغمه: ۱/ ۵۰۲. [۵۹۵] کشف الغمه: ۱/ ۵۰۳. [۵۹۶] بحارالانوار: ۴۳/ ۲۰۰. [۵۹۷] بحارالانوار: ۴۳/ ۲۰۰. [۵۹۸] بحارالـنوار: ۴۳ / ۲۰۰. [۵۹۹] بحارالـنوار: ۴۳ / ۲۰۰. [۶۰۰] بحارالـنوار: ۴۳ / ۲۰۰. [۶۰۱] بحارالـنوار: ۴۳ / ۲۰۰. [۶۰۲] بحارالانوار: ۴۳/ ۲۰۱. [۶۰۳] بحارالانوار: ۴۳/ ۲۱۲. [۶۰۴] بحارالانوار: ۴۳/ ۲۱۳. [۶۰۵] بحار الانوار: ۳۴/ ۲۱۳. [۶۰۶] بحارالانوار: ۴۳ / ۲۱۳. [۶۰۷] بحارالانوار: ۴۳/ ۲۱۴. [۶۰۸] بحارالانوار: ۴۳/ ۲۱۴. [۶۰۹] بحارالانوار: ۴۳/ ۲۱۴- ۲۱۵. [۶۱۰] بحارالانوار: ۴۳/ ۲۱۷. [۶۱۱] بحارالانوار: ۴۳/ ۲۱۸. [۶۱۲] بحارالانوار: ۸۲/ ۲۷. [۶۱۳] بحارالانوار: ۸۲/ ۲۸. [۶۱۴] الموفقیات: ۱۹۴ و العقد الفرید: ۳/ ۲۴۱. [۶۱۵] تاریخ الامم و الملوک: ۳/ ۲۴۰. [۶۱۶] تاریخ الامم و الملوک: ۳/ ۲۴۱. [۶۱۷] مروج الذهب: ۲/ ۲۹۷. [۶۱۸] المصنف: ۳/ ۴۱۱ و حلیله الاولیـاء: ۲/ ۴۳. [۶۱۹] السـنن الکبری: ۳/ ۳۹۶. [۶۲۰] السـنن الکبری: ۴/ ۳۴ و حلیه‌الاولیـاء: ۲/ ۴۳. [۶۲۱] مقاتل الطـالبیین: ۳۱. [۶۲۲] حلیه‌الاولیـاء: ۲ / ۴۲. [۶۲۳] حیله‌الاولیـاء: ۲ / ۴۳. [۶۲۴] مسـتدرک الصـحیحین: ۳ / ۱۶۲. [۶۲۵] مستدرک الصحیحین: ۳/ ۱۶۲. [۶۲۶] مستدرک الصحیحین:۳/ ۱۶۲. [۶۲۷] مسـتدرک الصحیحین: ۳/ ۱۶۲. [۶۲۸] مسـتدرک الصحیحین: ۳/ ۱۶۳. [۶۲۹] مستدرک الصحیحین: ۳/ ۱۶۳. [۶۳۰] مستدرک الصحیحین: ۳ / ۱۶۳. [۶۳۱] کامل التواریخ: ۳/ ۳۴۱. [۶۳۲] مسند ابن

ابی‌شیبه: ۱۳/ ۸۹. [۶۳۳] تهذیب التهذیب: ۱۲/ ۴۴۱. [۶۳۴] بحارالانوار: ۴۳/ ۲۱۶. [۶۳۵] بحارالانوار: ۴۳/ ۲۱۷. [۶۳۶] قرب الاسناد: ۱۶۱. [۶۳۷] الکافی: ۱/ ۴۶۱ و العیون: ۱/ ۳۱۱. [۶۳۸] معانی الاخبار: ۲۶۷. [۶۳۹] معانی الاخبار: ۲۶۸ و العیون: ۱/ ۳۱۱. [۶۴۰] الفقیه: ۲/ ۵۷۲. [۶۴۱] دلائل الامامه: ۴۶. [۶۴۲] روضه الواعظین: ۱۳۱. [۶۴۳] اعلام الوری: ۱۵۸. [۶۴۴] المناقب: ۲/ ۱۱۲. [۶۴۵] المناقب: ۲/ ۱۱۹. [۶۴۶] بحار الانوار: ۸۱/ ۲۵۵. [۶۴۷] بحارالانوار: ۸۲:۲۷. [۶۴۸] الفقیه: ۲/ ۵۷۲ و التهذیب: ۶/ ۱۰. [۶۴۹] الکافی: ۴/ ۵۵۵. [۶۵۰] الکافی: ۴/ ۵۵۶. [۶۵۱] الکافی: ۴/ ۵۵۶. [۶۵۲] الکافی: ۴/ ۵۵۵. [۶۵۳] الکافی: ۴/ ۵۵۶. [۶۵۴] الکافی: ۴/ ۵۵۶. [۶۵۵] التهذیب: ۶/ ۹– ۱۰. [۶۵۶] التهذیب: ۶/ ۹. [۶۵۷] البحار: ۱۰۰/ ۱۹۷. [۶۵۸] بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۹۷. [۶۵۹] بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۹۸. [۶۶۰] بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۹۸. [۶۶۱] اقبال الاعمال: ۱۰۰. [۶۶۲] معانی الاخبار: ۱۰۵– ۱۰۶. [۶۶۳] معانی الاخبار: ۱۰۶. [۶۶۴] معانی الاخبار: ۱۰۶. [۶۶۵] معانی الاخبار: ۱۰۷. [۶۶۶] علل الشرایع: ۲/ ۲۷۷. [۶۶۷] العقد الفرید: ۲/ ۱۷۹. [۶۶۸] العقد الفرید: ۲/ ۱۸۰. [۶۶۹] مستدرک الصحیحین: ۳/ ۱۵۲. [۶۷۰] مجمع الزوائد: ۹/ ۲۰۲. [۶۷۱] شرح النهج: ۱۱/ ۲۷. [۶۷۲] شرح النهج: ۱۶/ ۱۱۱. [۶۷۳] شرح النهج: ۱۸/ ۲۵۲. [۶۷۴] مناقب ابن‌شهر آشوب: ۲/ ۹۹. [۶۷۵] مناقب ابن‌شهر آشوب: ۲/ ۱۰۲. [۶۷۶] کشف الغمه: ۱/ ۵۰۵. [۶۷۷] اخذنا هذه الابیات عن مناقب ابن‌شهر آشوب: ۲/ ۸۵– ۱۱۵. [۶۷۸] الاحتجاج: ۱/ ۱۱. [۶۷۹] علل الشرایع: ۱/ ۲۳۶. [۶۸۰] اصل سلیم: ۶۹ –۷۲. [۶۸۱] الخصال: ۴۷۷. [۶۸۲] کشف الغمه: ۱/ ۴۵۰. [۶۸۳] بحارالانوار: ۳۶/ ۳۵۱. [۶۸۴] بحارالانوار: ۳۶/ ۳۵۲. [۶۸۵] عیون اخبار الرضا: ۲/ ۲۵ – ۲۶. [۶۸۶] عیون اخبار الرضا: ۲/ ۲۶. [۶۸۷] عیون الاخبار الرضا: ۲/ ۲۶. [۶۸۸] عیون اخبار الرضا: ۲/ ۲۷. [۶۸۹] عیون اخبار الرضا: ۲/ ۲۷. [۶۹۰] عیون الاخبار: ۲/ ۲۷. [۶۹۱] عیون الاخبار: ۲/ ۲۷. [۶۹۲] عیون الاخبار: ۲/ ۲۷. [۶۹۳] عیون الاخبار: ۲/ ۲۷. [۶۹۴] عیون الاخبار: ۲/ ۲۷. [۶۹۵] امالی الصدوق: ۱۰۹– ۱۱۰. [۶۹۶] امالی الصدوق: ۲۳۹ – ۲۴۰. [۶۹۷] الخصال: ۷۷. [۶۹۸] الخصال: ۷۷. [۶۹۹] الخصال: ۴۱۲. [۷۰۰] دلائل الامامه: ۳. [۷۰۱] دلائل الامامه: ۳. [۷۰۲] دلائل الامامه: ۴. [۷۰۳] الارشاد: ۱۶۹. [۷۰۴] الاختصاص: ۲۱۳. [۷۰۵] فضائل ابن‌شاذان: ۱۱۷ – ۱۲۰. [۷۰۶] الفضائل لابن شاذان: ۱۲۱ – ۱۲۲. [۷۰۷] بشاره المصطفی: ۱۸۲. [۷۰۸] المناقب ۲/ ۳. [۷۰۹] دلائل الامامه: ۲. [۷۱۰] دلائل الامامه: ۲. [۷۱۱] دلائل الامامه: ۲. [۷۱۲] دلائل الامامه: ۳. [۷۱۳] دلائل الامامه: ۳. [۷۱۴] دلائل الامامه: ۳ – ۴. [۷۱۵] دلائل الامامه: ۵. [۷۱۶] دلائل الامامه: ۷. [۷۱۷] دلائل الامامه: ۸. [۷۱۸] کشف الغمه: ۱/ ۴۵۰. [۷۱۹] کشف الغمه: ۱/ ۴۷۲. [۷۲۰] کشف الغمه: ۱/ ۴۷۲. [۷۲۱] مناقب ابن‌المغازلی: ۳۷۷ – ۳۷۸. [۷۲۲] مجمع الزوائد: ۹/ ۱۷۲. [۷۲۳] مستدرک الصحیحین: ۳ / ۱۵۷. [۷۲۴] تاریخ بغداد: ۲۸۵:۱۱. [۷۲۵] کمال‌الدین: ۳۰۵. [۷۲۶] کمال‌الدین: ۳۰۸. [۷۲۷] کمال‌الدین: ۳۱۱. [۷۲۸] کمال‌الدین، ۳۱۳. [۷۲۹] کمال‌الدین: ۳۱۳. [۷۳۰] بحارالانوار: ۶۸/ ۷۶. [۷۳۱] الکافی: ۲/ ۶۶۷. [۷۳۲] دلائل الامامه: ۱. [۷۳۳] دلائل الامامه:۴. [۷۳۴] امالی الطوسی: ۲/ ۴. [۷۳۵] تفسیر علی بن ابراهیم: ۲/ ۳۳۶– ۳۳۸. [۷۳۶] تفسیر فرات: ۳۱. [۷۳۷] تفسیر فرات ۱۷۱– ۱۷۲. [۷۳۸] مناقب ابن المغازلی: ۳۶۴. [۷۳۹] معانی الاخبار: ۳۹۹. [۷۴۰] امالی الطوسی: ۲/ ۱۵. [۷۴۱] دلائل الامامه: ۵– ۶. [۷۴۲] دلائل الامامه: ۷. [۷۴۳] مهج الدعوات: ۵. [۷۴۴] مهج الدعوات: ۵– ۶– ۷. [۷۴۵] مهج الدعوات: ۱۳۹. [۷۴۶] مهج الدعوات: ۱۴۱. [۷۴۷] مهج الدعوات: ۱۴۱ [۷۴۸] مهج الدعوات: ۱۴۲. [۷۴۹] مهج الدعوات: ۱۴۲. [۷۵۰] مکارم الاخلاق: ۳۲۷. [۷۵۱] مکارم الاخلاق: ۳۲۸. [۷۵۲] بحارالانوار: ۷۶/ ۲۱۳. [۷۵۳] بحارالانوار: ۷۶/ ۲۱۳. [۷۵۴] بحارالانوار: ۷۶/ ۲۱۸. [۷۵۵] بحارالانوار: ۸۹/ ۳۶۵ – ۳۶۶. [۷۵۶] بحارالانوار: ۹۴ – ۲۰۵ – ۲۰۶. [۷۵۷] بحارالانوار: ۲۲۵:۹۴. [۷۵۸] بحارالانوار: ۹۵/ ۲۹۷. [۷۵۹] مسند احمد: ۶/ ۲۸۲. [۷۶۰] مسند احمد: ۶/ ۲۸۳. [۷۶۱] مستدرک الصحیحین: ۳/ ۱۵۶. [۷۶۲] مستدرک الصحیحین: ۳/ ۱۵۷. [۷۶۳] صحیح البخاری: ۸/ ۸۷. [۷۶۴] المصنف لابن ابی‌شیبه: ۱۰/ ۲۶۲. [۷۶۵] المصنف لابن ابی‌شیبه: ۱۰/ ۲۶۳. [۷۶۶] معانی الاخبار: ۳۵۴. [۷۶۷] معانی الاخبار: ۳۵۴. [۷۶۸] دلائل الامامه: ۳۹. [۷۶۹] دلائل الامامه: ۴۱. [۷۷۰] الاحتجاج: ۱/ ۱۱. [۷۷۱] الاحتجاج: ۱/ ۱۳۱ – ۱۴۹. [۷۷۲] شرح النهج: ۱۶/ ۲۱۱. [۷۷۳] شرح‌النهج: ۱۶/ ۲۱۳. [۷۷۴] شرح‌النهج: ۱۶/ ۲۱۴. [۷۷۵] شرح النهج: ۱۶/ ۲۱۴. [۷۷۶] المصنف: ۱/ ۴۲۵ و مصنف ابن ابی‌شیبه: ۱/ ۳۳۸. [۷۷۷] سنن ابن‌ماجه: ۱/ ۲۵۳. [۷۷۸]

سنن الترمذی: ۲/ ۱۲۷ – ۱۲۸. [۷۷۹] مسند احمد: ۶/ ۲۸۲. [۷۸۰] مسند احمد: ۶/ ۲۸۳. [۷۸۱] تاریخ بغداد: ۱۲:۴۹– ۵۰. [۷۸۲] المحاسن: ۶۷. [۷۸۳] التهذیب: ۶/ ۹. [۷۸۴] بحارالانوار: ۱۰۰/ ۱۹۴. [۷۸۵] سنن ابن‌ماجه: ۲/ ۱۰۹۶. [۷۸۶] دلائل الامامه: ۳. [۷۸۷] مصنف ابن ابی‌شیبه: ۹/ ۵۱۴ – ۵۱۵ [۷۸۸] امالی الصدوق: ۱۶۶. [۷۸۹] دلائل الامامه: ۱. [۷۹۰] مناقب ابن‌شهر آشوب: ۱/ ۱۶۶. [۷۹۱] مناقب ابن‌شهر آشوب: ۱/ ۱۶۷. [۷۹۲] مناقب ابن‌شهر آشوب: ۱/ ۱۶۹. [۷۹۳] مناقب ابن‌شهر آشوب: ۱/ ۱۶۹. [۷۹۴] مناقب ابن‌شهر آشوب: ۱/ ۱۶۹. [۷۹۵] العقد الفرید: ۳/ ۳۲۸. [۷۹۶] شرح‌النهج: ۱۳/ ۴۳.

تعریف المرکز القائمیة باصفهان للتحریات الکمبیوتریة

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (التوبة/۴۱). قالَ الإمامُ علیّ بْنُ موسَی الرِّضا – علَیهِ السَّلامُ: رَحِمَ اللّهُ عَبْداً أحْیَا أمْرَنَا... یَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَ یُعَلِّمُهَا النَّاسَ؛ فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ کَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا... (بَنادِرُ البِحار – فی تلخیص بحار الأنوار، للعلّامة فیض الاسلام، ص ۱۵۹؛ عُیونُ أخبارِ الرِّضا(ع)، الشّیخ الصَّدوق، الباب۲۸، ج۱/ ص۳۰۷). مؤسّس مُجتمَع "القائمیّة" الثّقافیّ بأصبَهانَ – إیرانَ: الشهید آیة الله "الشمس آبادی" – رَحِمَهُ اللهُ – کان أحداً من جَهابذة هذه المدینة، الذی قدِ اشتهَرَ بشَغفِهِ بأهل بَیت النبیّ (صلواتُ اللهِ علَیهِم) و لاسیَّما بحضرة الإمام علیّ بن موسَی الرِّضا (علیه السّلام) و بساحة صاحِب الزّمان (عَجَّلَ اللهُ تعالی فرجَهُ الشَّریفَ)؛ و لهذا أسّس مع نظره و درایته، فی سَنَةِ ۱۳۴۰ الهجریّة الشمسیّة (=۱۳۸۰ الهجریّة القمریّة)، مؤسَّسةً و طریقةً لم یَنطَفِئ مِصباحُها، بل تُتَّبَع بأقوَی و أحسَنِ مَوقِفٍ کلَّ یوم. مرکز "القائمیّة" للتحرِّی الحاسوبیّ – بأصبَهانَ، إیرانَ – قد ابتدَأَ أنشِطتَهُ من سَنَةِ ۱۳۸۵ الهجریّة الشمسیّة (=۱۴۲۷ الهجریّة القمریّة) تحتَ عنایة سماحة آیة الله الحاجّ السیّد حسن الإمامیّ – دامَ عِزّهُ – و مع مساعَدَةِ جمعٍ من خِرّیجی الحوزات العلمیّة و طلاب الجوامع، باللیل و النهار، فی مجالاتٍ شتّی: دینیّة، ثقافیّة و علمیّة... الأهداف: الدّفاع عن ساحة الشیعة و تبسیط ثَقافة الثَّقَلَین (کتاب الله و اهل البیت علیهِمُ السَّلامُ) و معارفهما، تعزیز دوافع الشّباب و عموم الناس إلی التّحَرِّی الأدَقّ للمسائل الدّینیّة، تخلیف المطالب النّافعة – مکانَ البَلاتیثِ المبتذلة أو الرّدیئة – فی المحامیل (=الهواتف المنقولة) و الحواسیب (=الأجهزة الکمبیوتریّة)، تمهید أرضیّةٍ واسعةٍ جامعةٍ ثَقافیّةٍ علی أساس معارف القرآن و أهل البیت – علیهم السّلام – بباعث نشر المعارف، خدمات للمحققین و الطّلّاب، توسعة ثقافة القراءة و إغناء أوقات فراغة هُواةِ برامِج العلوم الإسلامیّة، إنالة المنابع اللازمة لتسهیل رفع الإبهام و الشُّبُهات المنتشرة فی الجامعة، و... – مِنها العَدالة الاجتماعیّة: التی یُمکِن نشرها و بثّها بالأجهزة الحدیثة متصاعدةً، علی أنّه یُمکِن تسریعُ إبراز المَرافِق و التسهیلاتِ – فی آکناف البلد – و نشرِ الثّقافةِ الاسلامیّة و الإیرانیّة – فی أنحاء العالَم – مِن جهةٍ اُخرَی. – من الأنشطة الواسعة للمرکز: الف) طبع و نشر عشراتِ عنوانِ کتبٍ، کتیبة، نشرة شهریّة، مع إقامة مسابقات القِراءة ب) إنتاجُ مئات أجهزةٍ تحقیقیّة و مکتبیة، قابلة للتشغیل فی الحاسوب و المحمول ج) إنتاج المَعارض ثّلاثیّةِ الأبعاد، المنظر الشامل (= بانوراما)، الرّسوم المتحرّکة و... الأماکن الدینیّة، السیاحیّة و... د) إبداع الموقع الانترنتی "القائمیّة" www.Ghaemiyeh.com و عدّة مَواقِعَ اُخرَ ه) إنتاج المُنتَجات العرضیّة، الخَطابات و... للعرض فی القنوات القمریّة و) الإطلاق و الدَّعم العلمیّ لنظام إجابة الأسئلة الشرعیّة، الاخلاقیّة و الاعتقادیّة (الهاتف: ۰۰۹۸۳۱۱۲۳۵۰۵۲۴) ز) ترسیم النظام التلقائیّ و الیدویّ للبلوتوث، ویب کشک، و الرّسائل القصیرة SMS ح) التعاون الفخریّ مع عشراتِ مراکزَ طبیعیّة و اعتباریّة، منها بیوت الآیات العِظام، الحوزات العلمیّة، الجوامع، الأماکن الدینیّة کمسجد جَمکرانَ و... ط) إقامة المؤتمَرات، و تنفیذ مشروع "ما قبلَ المدرسة" الخاصّ بالأطفال و الأحداث المُشارِکین فی الجلسة ی) إقامة دورات تعلیمیّة عمومیّة و دورات تربیة المربّی (حضوراً و افتراضاً) طیلة السَّنَةِ المکتب الرّئیسیّ: إیران/أصبهان/ شارع "مسجد سیّد"/ "ما بینَ شارع "پنج رَمَضان" ومُفترَق "وفائی"/بنایة "القائمیّة" تاریخ التأسیس: ۱۳۸۵ الهجریّة الشمسیّة (=۱۴۲۷ الهجریة القمریّة) رقم التسجیل: ۲۳۷۳ الهویّة الوطنیّة: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ الموقع: www.ghaemiyeh.com البرید الالکترونی: Info@ghaemiyeh.com المَتجَر

الانترنتی: www.eslamshop.com الهاتف: ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۰۹۸۳۱۱) الفاکس: ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) مکتب طهرانَ ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) التِّجاریّهٔ و المَبیعات ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور المستخدمین ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱) ملاحَظهٔ هامّهٔ: المیزانیّهٔ الحالیّهٔ لهذا المرکز، شَعبیّهٔ، تبرّعیّهٔ، غیر حکومیّهٔ، و غیر ربحیّهٔ، اقتُنِیَت باهتمام جمع من الخیّرین؛ لکنّها لا تُوافِی الحجمَ المتزاید و المتّسِعَ للامور الدّینیّهٔ و العلمیّهٔ الحالیّهٔ و مشاریع التوسعهٔ الثّقافیّهٔ؛ لهذا فقد ترجّی هذا المرکزُ صاحِبَ هذا البیتِ (المُسمَّی بالقائمیّهٔ) و مع ذلک، یرجو مِن جانب سماحهٔ بقیّهٔ الله الأعظم (عَجَّلَ اللهُ تعالی فرَجَهُ الشَّریفَ) أن یُوفِّقَ الکلَّ توفیقاً متزائداً لِإعانتهم - فی حدّ التّمکّن لکلّ احدٍ منهم – إیّانا فی هذا الأمر العظیم؛ إن شاءَ اللهُ تعالی؛ و اللهُ ولیّ التوفیق.



مركز القائمية اصفهان
للتحريات الكمبيوترية
للحصول على المكتبات الخاصه الاخرى
ارجعوا الى عنوان المـركز من فضلـكم
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
و للايصاء من فضلكم
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹